كامل الزيارات

تأليف
الشيخ الأقدم
أبي القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسى بن قولويه القمي
المتوفى ٣٦٨ هـ

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه کامل‌الزیارات

نویسنده:

ابن قولویه ، محمد بن جعفر بن موسی

ناشر چاپی:

پیام حق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ترجمه کامل‌الزیارات

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن قولویه، جعفر بن محمد، - ۳۶۸؟ق.

عنوان قراردادی : کامل‌الزیارات .فارسی - عربی . برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه کامل‌الزیارات/ مولف ابی‌القاسم‌جعفربن‌محمدبن‌جعفربن‌موسی بن‌قولویه‌القمی؛ مترجم محمدجواد ذهنی‌تهرانی.

مشخصات نشر : تهران: پیام حق، ۱۳۷۷.

مشخصات ظاهری : ۱۰۲۴ ص.

شابک : ۲۲۵۰۰ ریال:۹۶۴-۵۹۶۲-۱۰-۲ ؛ ۷۶۰۰۰ریال (چاپ ششم) ؛ ۱۱۶۰۰۰ریال(چاپ هفتم) ؛ ۳۷۶۵۰۰ ریال(چاپ هشتم)

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری

یادداشت : این کتاب بنام" جامع الزیارات "و" الزیارات "نیز مشهور است.

یادداشت : چاپ چهارم: ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ ششم: ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ هفتم: ۱۳۸۹.

یادداشت : چاپ هشتم: ۱۳۹۲.

عنوان دیگر : کامل الزیارات.

عنوان دیگر : جامع الزیارات.

عنوان دیگر : زیارات.

موضوع : حسین‌بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- زیارت‌نامه‌ها

موضوع : حسین‌بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- احادیث

موضوع : ائمه اثناعشر -- زیارتنامه‌ها

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۴ق.

موضوع : زیارتنامه‌ها

شناسه افزوده : ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد، ۱۳۲۶ - ۱۳۸۱.، مترجم

رده بندی کنگره : BP۲۷۱/الف۲ک۲۰۴۲۱۴ ۱۳۷۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۷

شماره کتابشناسی ملی : م۷۷-۱۳۶۶۸

مقدمه مترجم

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم

حمد و سپاس خالقی را که بهترین و کامل‌ترین شرایع را برای ما قرار داد و اکمل و اشرف انبیاء عظام را هادی ما نمود و اعظم و اعلم اوصیاء را ولیّ و قائد ما گرداند.

بهترین تهنیت و خالص‌ترین تحیّت ما بر وجود مبارک خاتم الأنبیاء حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و بر سیّد الاوصیاء اعلی حضرت علوی صلوات اللّه و سلامه علیه و ابناء طیّبین و طاهرینش که جملگی اختران تابناک آسمان ولایت و اعلام بارزه سبل هدایت می‌باشند.

و لعنت ابدی و نفرین سرمدی بر اعداء و غاصبین حقوق این خاندان آمین یا ربّ العالمین.

محضر سروران و خوانندگان محترم می‌رساند که بهترین و ارزشمندترین سرمایه‌های معنوی مسلمین بالاخص طائفه حقّه امامیّهٔ اثنی عشریّهٔ دعاء و توسّل به اذیال پرفیض وسائط بین خالق و مخلوق و انوار درخشان مظاهر کامله حضرت احدیّت یعنی ذوات مقدّسه حضرات چهارده معصوم سلام اللّه علیهم اجمعین می‌باشد.

لازم به تذکّر است که عالی‌ترین نوع توسّل و تقرّب جستن به درگاه حقّ عزّ و جلّ ذکر مصائب و گریستن بر مظلومیّت‌های عزیزترین موجودات نزد خداوند تبارک و تعالی یعنی معصومین علیهم السّلام بالاخص حضرت سیّد الشهداء سلام اللّه علیه می‌باشد و در این نحو از توسّل وتقرّب فرقی نیست بین اقامه عزاء و شرکت در مجالسی که به همین منظور به پا می‌شود یا به منظور زیارتشان به مشاهد مشرّفه کوچ کردن و رنج سفر به خود وارد نمودن چه آنکه همه این توسّلات دارای اجر و فضیلت بوده و بر طبق روایات صحیحه‌ای که از طرق معتبره به ما رسیده جملگی موجب نجات و فلاح انسان می‌باشند.

در طول غیبت حجّت بالغه حق سلام اللّه علیه علماء ربّانی و دانشمندان صمدانی کتبی در این زمینه به رشته تألیف و تصنیف درآورده‌اند که اقدم و استوارترین آنها کتاب شریف «کامل الزّیارات» تألیف فقیه ماضی و محدّث نامی أبو القاسم جعفر بن محمّد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمّی می‌باشد که به تصدیق ارباب فن از بهترین مسفوراتی است که در این باره تألیف و تصنیف شده است و چون طبق معمول این کتاب به زبان عربی است و فارسی زبانانی که از علوم عربیه بی‌بهره هستند نمی‌توانند از آن استفاده کنند بر حسب پیشنهاد مکرّر بسیاری از دوستان و آشنایان و تشویق کثیری از سروران و اعزّه و لطف و عنایتی که به این حقیر دارند داعی تصمیم گرفتم آن را به زبان فارسی سلیس ترجمه کرده و از هر گونه شرح و توضیحی در ذیل آن امساک نموده تا موجب تطویل و تکبیر کتاب نشده و بدین وسیله برای خوانندگان موجب ملال و سبب کلال نباشد، بحمد اللّه این تصمیم از مرحله طرح به مرتبه اجراء و از قوّه به فعل مبدّل گشت و اکنون تمام کتاب من البدو الی الختم به زبان فارسی برگردانده شده و آماده بهره‌برداری گردیده است و از آنجایی که قرعه سعادت بنام انتشارات پیام حق درآمده از این رو کتاب حاضر توسّط این انتشارات و با هزینه پر برکت آن تحت مدیریّت آقایان حاج فخر الدّین جواهریان و فاضل محترم حاج محمّد جاسبی ایّدهما اللّه طبع و تکثیر و منتشر می‌شود خداوند منّان به تمام اهل خیر و بانیان علم و فضیلت توفیق دهد که مال و عمر عزیزشان را صرف آنچه ترویج دین و مذهب در آن است نمایند که خیر دنیا و آخرت در آن می‌باشد.

قم: سیّد محمّد جواد ذهنی تهرانی

۱] – باب اوّل ثواب زیارت پیغمبر اکرم و امیر المؤمنین و حسنین صلوات اللّه علیهم اجمعین

۱- أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَيْهِ الْقُمِّيُّ الْفَقِيهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ قَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ بَيْنَمَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (علیهما السلام) فِي حَجْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِذْ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَتِ مَا لِمَنْ زَارَكَ بَعْدَ مَوْتِكَ فَقَالَ يَا بُنَيَّ مَنْ أَتَانِي زَائِراً بَعْدَ مَوْتِي فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَتَى أَبَاكَ زَائِراً بَعْدَ مَوْتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَتَى أَخَاكَ زَائِراً

بَعْدَ مَوْتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَتَاكَ زَائِراً بَعْدَ مَوْتِكَ فَلَهُ الْجَنَّةُ

ابو القاسم جعفر بن محمّد بن قولويه قمی فقيه می گويد:

پـدرم رحمهٔ الله عليه از سـعد بن عبد اللّه بن ابی خلف اشـعری و او از احمد بن محمّد بن عيسـی و او از محمّد بن خالد برقی و او از قاسم بن يحيی، و او از جـدّش حسن بن راشـد و او نيز از عبد اللّه بن سـنان و او از حضـرت ابی عبد الله امام صادق عليه السّـلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

حضرت حسين بن علی عليهما السّلام در دامن پيامبر صلّی اللّه عليه و آله و سلّم بودند، سپس سر مبارک بالا نموده و عرضه داشت: ای پدر ثواب کسی که پس از رحلتتان شما را زيارت کند چيست؟

پيامبر صلّی اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

پسـرم، کسـی که من را پس از رحلت زيارت کنـد مسـتحق بهشت بوده و در صورتی که بعد از ارتحال پدرت او را زيارت نمايد به بهشت داخل می گردد و اگر برادرت را پس از ممات زيارت نمايـد بهشت حق او بوده و آن کس که بعـد از شـهادتت تو را زيارت کند بهشت از آن او می‌باشد.

۲- عَنْهُ عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَـی عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْـبَاطٍ عَنْ عُثْمَـانَ بْنِ عِيسَـی عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ أَبِی شِـهَابٍ عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ (صلی الله عليه و آله) لِرَسُولِ اللَّهِ (صلی الله عليه و آله) مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَکَ- فَقَالَ يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِی حَيّاً أَوْ مَيِّتاً أَوْ زَارَ أَبَاکَ أَوْ زَارَ أَخَاکَ أَوْ زَارَکَ کَانَ حَقّاً عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّی أُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ

از سـعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمد بن عيسـی، و او از علی بن اسباط، و او از عثمان بن عيسی، و او از معلی بن ابی شهاب و او از حضـرت ابی عبـد الله عليه السّـلام نقل نمود که آن حضـرت فرمودند: حضـرت ابی عبد الله الحسـين صـلوات اللّه عليه به جناب رسول صلّی اللّه عليه و آله و سلّم عرض کردند:

پاداش کسی که شما را زيارت کند چيست؟ پيامبر صلّی اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

پسـرم، کسـی که من را در حال حيات و بعـد از آن زيارت کند يا به زيارت تو و برادرت آيد بر من لازم است که در روز قيامت به زيارتش رفته تا او را از عذاب گناهانش برهانم.

۳- حَـدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِـنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صـلی الله عليه و آله) يَا عَلِيُّ مَنْ زَارَنِی فِی حَيَاتِی أَوْ بَعْـدَ مَوْتِی أَوْ زَارَکَ فِی حَيَاتِـکَ أَوْ بَعْـدَ مَوْتِـکَ أَوْ زَارَ ابْنَيْکَ فِی حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِمَا ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَ شَدَائِدِهَا حَتَّی أُصَيِّرَهُ مَعِی فِی دَرَجَتِی

پدرم عليه الرحمه و محمّد بن يعقوب از احمد بن ادريس نقل نمودند و او از شخصـی که يادش نموده و وی از محمّد بن سنان و او از محمّـد بن علی به طور مرفوعه نقل نموده که رسول خـدا صـلّی اللّه عليه و آله و سـلّم فرمودنـد: يا علی، کسـی که من را در حال حيات يا پس از آن زيارت کنـد يا به زيارت تو و دو فرزنـدت در حال حيات و پس از آن آيد من ضامنم که در روز قيامت او را از وحشت‌ها و سختی‌های آن روز رهانيده تا جايی که از نظر درجه و مقام با من باشد.

۴- حَـدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَـدَّثَنِی عِدَّةٌ مِنْ أَصْـحَابِنَا مِنْهُمْ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَ بْنُ حْيَی عَنِ الْعَمْرَکِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يَحْيَی وَ کَ خَادِماً لِأَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (عليه السـلام) عَنْ بَعْضِ أَصْـحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَـيْنِ (عليهم السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله عليه و آله) مَنْ زَارَنِی أَوْ زَارَ أَحَداً مِنْ ذُرِّيَّتِی زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا

محمد بن يعقوب برايم چنين نقل نمود:

عـدّه‌ای از اصـحاب مـا کـه از جمله ايشـان: احمـد بن ادريس و محمّـد بن يحيی هسـتند از عمر کی بن علی و او از يحيی که خـادم حضـرت ابی جعفر ثـانی عليه السّـلام است و وی از برخی اصـحاب ما به طور مرفوعه از حضـرت محمـد بن علی بن الحسـين عليهم السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

پیغمبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به زیارت او آمده و وی را از هول و وحشت‌های آن روز می‌رهانم.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ قَالَ حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عِیسَی عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ أَبِی شِهَابٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیهما السلام) لِرَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یَا أَبَتَاهْ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَکَ فَقَالَ (صلی الله علیه و آله) یَا بُنَیَّ مَنْ زَارَنِی حَیّاً أَوْ مَیِّتاً أَوْ زَارَ أَبَاکَ أَوْ زَارَ أَخَاکَ أَوْ زَارَکَ کَانَ حَقّاً عَلَیَّ أَنْ أَزُورَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ

پدرم حسن از پدرش علی بن مهزیار، وی گفت:

عثمان بن عیسی از معلّی بن ابی شهاب نقل نمود و وی از حضرت ابی عبد الله علیه السّلام که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیهما السّلام به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عرض نمود:

ای پدر، پاداش کسی که شما را زیارت کند

چیست؟ پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

فرزندم، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت پدر و برادر تو و شما بیاید بر من است که او را در روز قیامت زیارت کرده و از گرفتاری گناهانش برهانمش.

۲] - باب دوّم ثواب زیارت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ السَّدُوسِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَنْ أَتَانِی زَائِراً کُنْتُ شَفِیعَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ

پدرم علیه الرحمهٔ از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمّد بن عیسی و او از حسن بن محبوب و او از ابان و او از سدوسی و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل می‌کند که آن جناب فرمودند: رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

کسی که به زیارت من آید روز قیامت من شفیع او هستم.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مُتَعَمِّداً قَالَ لَهُ الْجَنَّهُ

محمد بن حسن بن احمد علیه الرحمه از محمد بن حسن صفار نقل نموده و او از احمد بن محمّد بن عیسی و او از ابن ابی بحران وی میگوید:

محضر مبارک حضرت ابی جعفر ثانی علیه السّلام عرض کردم:

فدایت شوم ثواب و پاداش کسی که با قصد به زیارت رسول خدا برود چیست؟ حضرت فرمودند:

بهشت برای او است.

۳- حَدَّثَنِی جَمَاعَهٌ مِنْ مَشَایِخِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ حُکَیْمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی نَجْرَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَمَّنْ زَارَ قَبْرَ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) قَاصِداً قَالَ لَهُ الْجَنَّهُ

جماعتی از مشایخ ما از محمّد بن یحیی نقل نموده‌اند و او از احمد بن محمّد بن عیسی و او از معاویهٔ بن حکیم و او از عبد الرحمن ابن ابی نجران نقل کرده که گفت:

از حضرت ابا جعفر علیه السّلام پرسیدم: پاداش کسی که قبر نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را با قصد زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

بهشت برای اوست.

۴- حَدَّثَنِی جَمَاعَهٌ مِنْ مَشَایِخِنَا بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مُتَعَمِّداً قَالَ یُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّهَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

جماعتی از مشایخ ما با همین سندی که در حدیث قبل نقل شد از عبد الرحمن بن ابی نجران حدیث نموده‌اند و او از حضرت ابی جعفر ثانی چنین نقل کرده، میگوید:

محضر مبارک امام علیه السّلام عرضه داشتم:

پاداش کسی که از روی قصد و عمد به زیارت حضرت نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برود چیست؟ حضرت فرمودند:

اگر خدا بخواهد او را به بهشت وارد می‌نماید.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَهَ عَنْ أَبِی بَکْرٍ الْحَضْرَمِیِّ قَدْ أَمَرَنِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنْ أُکْثِرَ الصَّلَاهَ فِی مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَا اسْتَطَعْتُ وَ قَالَ إِنَّکَ لَا تَقْدِرُ عَلَیْهِ کُلَّمَا شِئْتَ وَ قَالَ لِی تَأْتِی قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ یَسْمَعُکَ مِنْ قَرِیبٍ وَ یُبْلِغُهُ [یَبْلُغُهُ] عَنْکَ إِذَا کُنْتَ نَائِیاً

محمد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و او از سیف ابن عمیره و او از

ابو بكر حضرمى نقل نمود كه وى گفت:

حضرت ابا عبد الله عليه السّلام به من امر فرمودند كه آنچه در توان و قدرت دارى در مسجد رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم نماز بگذار و فرمودند:

اين طور نيست كه هر وقت اراده كنى در آنجا نماز بگذار بر آن قادر باشى پس فرصت را غنيمت بشمار سپس به من فرمودند:

آيا نزد قبر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم مى‌آئى و زيارتش مى‌كنى؟

عرض كردم: بلى فرمودند:

حقّا اين طور است كه زيارت تو را حضرت از نزديك شنيده و اگر هم دور باشى از تو به حضرتش مى‌رسانند.

۶- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَامِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنِّي زِدْتُ جَمَّالِي دِينَارَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً عَلَى أَنْ يَمُرَّ بِي إِلَى الْمَدِينَةِ فَقَالَ قَدْ أَحْسَنْتَ أما مَا أَيْسَرَ هَذَا تَأْتِي قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَمَا إِنَّهُ يَسْمَعُكَ مِنْ قَرِيبٍ وَ يُبْلَغُهُ عَنْكَ مِنْ بَعِيدٍ

حميرى به اسناد سابقش از سيف بن عميره، از عامر بن عبد اللّه، وى مى‌گويد:

محضر حضرت ابى عبد الله عليه السّلام عرضه داشتم:

به ساربان خود دو يا سه دينار اضافه دادم تا من را به مدينه ببرد.

حضرت فرمودند:

بسيار كار خوبى كردى، سهل و آسان است زيرا با اين عمل قبر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم را زيارت نمودى، حقّا اين طور است كه زيارت تو را حضرت از نزديك شنيده و اگر هم دور باشى از تو به حضرت مى‌رسانند.

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مُتَعَمِّداً قَالَ يُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

محمد بن الحسن بن احمد بن وليد، از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد بن عيسى، از عبد الرحمن بن ابى نجران وى مى‌گويد:

محضر امام ابى جعفر ثانى عليه السّلام عرضه داشتم: فدايت شوم پاداش كسى كه با قصد و عمد به زيارت قبر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم برود چيست؟ حضرت فرمودند:

اگر خداوند بخواهد او را داخل بهشت مى‌كند.

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ رِجَالِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ قُلْتُ ل أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مُتَعَمِّداً قَالَ لَهُ الْجَنَّةُ

محمد بن يعقوب، از عده‌اى از رجالش، از احمد بن محمّد بن عيسى، از عبد الرحمن بن ابى نجران، وى مى‌گويد: محضر امام ابى جعفر ثانى عليه السّلام عرضه داشتم: فدايت شوم پاداش كسى كه با قصد و عمد به زيارت قبر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم برود چيست؟

حضرت فرمودند:

بهشت از آن او است.

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِي حُجْرٍ الْأَسْلَمِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجّاً وَ لَمْ يَزُرْنِي بِالْمَدِينَةِ جَفَوْتُهُ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ زَارَنِي زَائِراً وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَ مَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ مَكَّةَ أَوِ الْمَدِينَةِ لَمْ يُعْرَضْ إِلَى الْحِسَابِ وَ مَاتَ مُهاجِراً إِلَى اللَّهِ وَ حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ

محمّد بن الحسن بن احمد بن وليد و محمّد بن يعقوب، از على بن محمّد بن بندار، از ابراهيم بن اسحاق، از محمد بن سليمان ديلمى، از ابى حجر اسلمى، ويمى گويد:

رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

هر كسى كه براى اعمال حج به مكّه رفته و سپس من را در مدينه زيارت نكند من نيز در روز قيامت به او جفا خواهم كرد و كسى كه من را زيارت نمايد شفاعت من نصيبش مى گردد و كسى كه از شفاعت من بهره‌مند شود بهشت بر او واجب مى گردد، سپس فرمود:

و كسى كه در يكى از دو حرم (مكّه و مدينه) از دنيا برود او را در موقف حساب نياورده و مهاجر الى الله محسوب شده و روز قيامت با اصحاب بدر محشور مى گردد.

۱۰- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ السَّدُوسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ أَتَانِي زَائِراً كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

حسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى از پدرش و او از حسن بن محبوب و او از ابان و او از سدوسى و او از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل نموده كه آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

كسى كه به زيارت من آيد من در روز قيامت شفيع او خواهم بود.

۱۱- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ سَيْفٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْفَضْلُ بْنُ مَالِكٍ النَّخَعِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي يَحْيَى الْمَدَنِيُّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ سُلَيْمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) قَالَ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي كَانَ فِي جِوَارِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ

حكيم بن داود بن حكيم، از سلمة بن خطّاب و او از علىّ بن سيف و او از فضل بن مالك نخعى و او از ابراهيم بن ابى يحيى مدنى و او از صفوان بن سليم و او از پدرش و او از پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم نقل نموده كه آن حضرت فرمودند:

كسى كه يا در حال حيات و يا بعد از ممات من را زيارت كند روز قيامت در جوار و همسايگى من خواهد بود.

۱۲- وَ عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ قَالَ حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ عُمَرَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليهم السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ كُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَ شَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

حكيم بن داود بن حكيم از سلمه، از على بن سيف از سليمان بن عمر النخعى، از عبد اللّه بن حسن، از پدرش از مولانا على بن ابى طالب عليه السّلام نقل نموده

كه آن حضرت فرمودند:

رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

كسى كه بعد از حيات من را زيارت كند گويا من را در حال حياتم زيارت كرده و من در روز قيامت براى وى شاهد و شافع خواهم بود.

۱۳- عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ السَّدُوسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَتَانِي زَائِراً كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

حكيم بن داود بن حكيم از سلمه، از جعفر بن بشير، از ابان بن عثمان، از سدوسى، از حضرت ابى عبد الله عليه السّلام نقل نموده كه آن حضرت فرمودند:

رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

كسى كه به زيارت من آيد روز قيامت من شفيع او خواهم بود.

۱۴- وَ عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ قَالَ حَدَّثَنِي زَيْدُ بْنُ أَبِي زَيْدٍ الْهَرَوِيُّ عَنْ قطيبة [قُتَيْبَةَ]بْنِ سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ أَتَانِي زَائِراً فِي الْمَدِينَةِ مُحْتَسِباً كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

حكيم بن داود بن حكيم از سلمه، از زيد بن ابى زيد الهروى و قتيبة بن سعيد نقل نموده، وى گفت: رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

كسى كه به اميد ثواب و اجر در مدينه به زيارت من آيد روز قيامت شفيع او خواهم بود.

۱۵- حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَايِخِي رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ سَلَمَةَ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَ ا بِهَذَا الْحَدِيثِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مُتَعَمِّداً قَالَ يُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ

جماعتى از مشايخم رحمة الله عليهم از محمد بن يحيى و احمد بن ادريس جميعا از سلمه نقل كرده‌اند كه وى گفت: برخى از اصحاب ما اين حديث را از ابن ابى نجران نقل كرده كه وى گفت:

محضر مباركش عرضه داشتم:

پاداش كسى كه به زيارت رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم رفته و قصدش صرفا زيارت بوده چيست؟ فرمود:

خداوند او را در بهشت داخل مى‌كند.

۱۶- حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ السَّدُوسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ أَتَانِي زَائِراً كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

پدر و جماعتى از مشايخ من از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمد بن عيسى، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابان، از سدوسى از حضرت ابا عبد اللّه عليه السّلام نقل نموده كه آن جناب فرمودند: رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

كسى كه به زيارت من آيد روز قيامت شفيع او خواهم بود.

۱۷- حَدَّثَنِي أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَثِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليهم السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَابْعَثُوا إِلَيَّ السَّلَامَ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي <br ابو الفضل محمّد بن احمد بن سليمان، از موسى بن محمّد بن موسى، از محمّد بن محمّد اشعث مى‌گويد: ابو الحسن موسى بن اسماعيل بن موسى بن

جعفر عليهما السّلام مى‌گويد:

پدرم (يعنى اسماعيل) از پدرش (يعنى حضرت موسى بن جعفر عليهما السّلام) از جدش (يعنى از جدّ پدرم) حضرت جعفر بن محمّد، از پدرش، از حضرت على بن الحسين عليهم السّلام فرمودند:

رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

كسى كه بعد از حياتم قبر من را زيارت كند مانند كسى است كه در زمان حياتم بطرف من هجرت كرده و به زيارتم آمده باشد، بنا بر اين اگر نتوانستيد به زيارتم آئيد از همان مكان دور سلام فرستيد كه به من خواهد رسيد.

۱۸- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِي

شِهَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (علیهما السلام) لِرَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) يَا أَبَتَاهْ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَكَ فَقَالَ (صلی الله علیه و آله) يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيّاً أَوْ مَيِّتاً كَانَ حَقّاً عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ

پدرم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، از عثمان بن عیسی، از معلّی بن أبی شهاب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل می‌کند که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیهما السّلام به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عرض کرد:

پدرم: پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

پسرم، کسی که در حال حیات و مماتم من را زیارت کند بر من است که روز قیامت به زیارتش رفته و او را از گرفتاری گناهانش برهانم.

۱۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) تَعْدِلُ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَبْرُورَةً

محمّد بن جعفر رزاز (از محمّد بن حسین بن ابی الخطاب، از حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل می‌کند که آن جناب فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم معادل و مساوی حجّ مقبولی است که با آن حضرت بجا آورده شود.

۲۰- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ

محمد بن جعفر، از محمد بن الحسن، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحام نقل نموده، وی می‌گوید:

بمحضر ابی عبد الله علیه السّلام عرضه داشتم:

ثواب و پاداش کسی که قبر رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند.

وی مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت نموده باشد.

۲۱- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

پدرم رحمهٔ الله علیه از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید باسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده

۳] – باب سوّم زيارت قبر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و خواندن دعاء نيز بر آن

۱- حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ وَ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِذَا دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تَدْخُلَهَا- ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) فَتُسَلِّمُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) ثُمَّ تَقُومُ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الْمُقَدَّمَةِ عَنْ جَانِبِ الْقَبْرِ الْأَيْمَنِ عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْسَرُ إِلَى جَانِبِ الْقَبْرِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْمَنُ مِمَّا يَلِي الْمِنْبَرَ فَإِنَّهُ مَوْضِعُ رَأْسِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) وَ تَقُولُ- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَ الضَّلَالَةِ- اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ [نَجِيبِكَ]وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً فى مسجد رسول الله (صلى الله عليه و آله) و ثواب ذلك نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي- وَ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ بِكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ- فَاجْعَلْ قَبْرَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) خَلْفَ كَتِفَيْكَ وَ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَ ارْفَعْ يَدَيْكَ [يَدَكَ]وَ اسْأَلْ حَاجَتَكَ فَإِنَّكَ أَحْرَى أَنْ تُقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ

پدرم و محمد بن الحسن، از حسين بن حسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از فضالة بن ايّوب و حسين از صفوان و ابن أبى عمير جميعا از معاوية بن عمّار، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده‌اند آن جناب فرمودند:

هنگامى كه به مدينه وارد شدى پيش از ورود يا وقتى اراده ورود كردى غسل كن و پس از آن نزد قبر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم برو و بر آن جناب سلام كن سپس نزديك ستونى كه از جانب راست قبر جلو قرار گرفته برو و بالاى سر قبر در حالى كه رو به قبله قرار گرفته‌اى و شانه چپ تو به جانب قبر و شانه راستت بطرف منبر مى‌باشد بايست كه آنجا مكان سر مبارك رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم است و بگو: اشهد ان لا اله الّا اللّه وحده لا شريك له: شهادت مى‌دهم خدائى نيست مگر خداوند متعال كه تنها بوده و انباز و شريكى ندارد.

و أشهد انّ محمّدا عبده و رسوله: و شهادت مى‌دهم حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم بنده و فرستاده او است.

و أشهد انّك رسول اللّه و أنّك محمد بن عبد اللّه: و شهادت مى‌دهم تو فرستاده خدا هستى و تو جناب محمّد بن عبد اللّه مى‌باشى.

و اشهد انّك قد بلغت رسالات ربّك: و شهادت مى‌دهم تو رساندى پيام‌هاى پروردگارت را.

و نصحت لامّتك: و امّت خود را پند و اندرز دادى.

وَ جاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: و در راه خدا جهاد نمودى.

و عبدت اللّه حتّى أتاك اليقين: و پرستيدى حق تعالى را تا هنگامى كه موت تو را دريافت.

بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ: امّت خود را با حكمت و اندرزهاى پسنديده نصيحت نمودى.

و ادّيت الّذى عليك من الحق: و حقّى كه بر عهده داشتى اداء نمودى.

و انّك قد رأفت بالموءمنين و غلظت على الكافرين: و شهادت مى‌دهم كه نسبت به اهل ايمان رئوف و مهربان، و بر اهل كفر غليظ و خشن بودى.

فبلغ اللّه بک افضل شرف محلّ المکرّمین: پس خداوند رساند تو را به بالاترین مرتبه اهل اکرام.

الحمد للّه الّذی استنقذنا بک من الشرک و الضلالهٔ: حمد و ستایش می‌کنیم خدائی را که بوسیله تو ما را از شرک و گمراهی رهانید. اللّهمّ اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک المرقبین و عبادک الصّالحین و انبیائک المرسلین و اهل السّموات و الارضین و من سبّح لربّ العالمین من الاوّلین و الآخرین: خداوندا درود خود و فرشتگان مقرّبت و بندگان شایسته‌ات و پیامبران فرستاده‌ات و نیز درود اهل آسمان‌ها و زمین و موجودات قدیم و جدیدی که پروردگار عالم را تسبیح و تنزیه نموده‌اند را قرار بده ... علی محمّد عبدک و رسولک و نبیّک و امینک و نجیبک و حبیبک و صفیّک و صفوتک و خاصّتک و خیرتک من خلقک: بر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که بنده و فرستاده و پیامبر و امین و نیکو نژاد و محبوب و خالص و برگزیده شده و اختصاص داده شده و انتخاب شده تو از میان مخلوقاتت می‌باشد.

اللّهم و اعطه الدّرجهٔ و الوسیلهٔ من الجنهٔ و ابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاوّلون و الآخرون: خداوندا مقام و منزلت در بهشت به آن حضرت اعطاء بفرما و بر انگیز آن جناب را در حالی که مقام و درجه‌ای پسندیده داشته به طوری که خلق اولین و آخرین غبطه آن را بخورند.

اللّهم انّک قلت وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً رَحِیماً: خداوندا خودت در قرآن فرموده‌ای:

اگر گروه گنه‌کاران بواسطه گناه بر خود ستم کنند و سپس نزد تو آیند (ای پیامبر) پس بواسطه تو از خدا طلب آمرزش کنند و تو از خدا طلب مغفرت کنی البته خواهند دید که خداوند توبه ایشان را پذیرفته و به آنها ترحم می‌نماید.

و انّی اتیت نبیّک مستغفرا تائبا من ذنوبی: و من در حالی که طلب آمرزش کرده و از گناهانم توبه می‌کنم به پیامبرت پناهنده شده‌ام.

و انّی اتوجّه الیک بنبیّک نبیّ الرّحمهٔ محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: و من به توسّط پیامبرت آن پیامبر رحمت یعنی حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به تو روی می‌آورم.

یا محمد انّی اتوجّه الی اللّه ربّی و ربّک لیغفر لی ذنوبی: ای محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم من به خدا متوجه شده و روی می‌آورم همان خدای من و تو تا گناهانم را ببخشد.

و اگر حاجت داری قبر مطهّر را پشت سر قرار بده و رو به قبله بایست و دو دستت را بلند نما و سپس حاجتت را از خدا بخواه که ان شاء اللّه مستجاب خواهد شد.

۲- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْمُوسَوِیُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِذَا فَرَغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ عِنْدَ الْقَبْرِ فَأْتِ الْمِنْبَرَ وَ امْسَحْهُ بِیَدِکَ وَ خُذْ بِرُمَّانَتَیْهِ وَ هُمَا السُّفْلَاوَانِ- وَ امْسَحْ وَجْهَکَ وَ عَیْنَیْکَ بِهِ فَإِنَّهُ یُقَالُ إِنَّهُ شِفَاءٌ لِلْعَیْنِ وَ قُمْ عِنْدَهُ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَیْهِ وَ سَلْ حَاجَتَکَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ مَا بَیْنَ مِنْبَرِی وَ قَبْرِی [بَیْتِی]رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ إِنَّ مِنْبَرِی عَلَی تُرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ وَ قَوَائِمُ الْمِنْبَرِ رُتَبٌ فِی الْجَنَّةِ وَ التُّرْعَةُ هِیَ الْبَابُ الصَّغِیرُ ثُمَّ تَأْتِی مَقَامَ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) فَصَلِّ فِیهِ مَا بَدَا لَکَ فَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ إِذَا خَرَجْتَ فَافْعَلْ ذَلِکَ وَ أَکْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ فِی مَسْجِدِ النَّبِیِّ ص

جعفر بن محمّد بن ابراهیم موسوی، از عبد اللّه بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از معاویهٔ بن عمّار نقل نموده، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

هر گاه از خواندن دعاء سر قبر فارغ شدی نزدیک منبر برو و دو قبّه پائین آن را بگیر و صورت و دیده‌گانت را به منبر مسح نما زیرا موجب شفاء چشمان می‌باشد و نزد منبر بایست و خدا را حمد نما و ثناء بگو و سپس حاجت خود را بخواه چه آنکه رسول خدا

صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

بین منبر و قبر من بستانی است از بساتین بهشت و منبر من روی دربی از درب‌های بهشت قرار گرفته و چهار پایه‌اش در بهشت نهاده شده است.

کلمه «ترعه» به ضم «تاء» و سکون راء و فتح عین، که در حدیث آمده یعنی درب کوچک سپس به مقام نبیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برو و هر چه خواستی در آنجا نماز بخوان و هنگامی که به مسجد داخل شدی بر محمّد و آل محمّد صلوات فرست چنان که هنگام خروج از آن نیز به آن مبادرت نما و توجّه داشته باش که در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بسیار نماز بخوان.

۳- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (علیهم السلام) قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (علیهما السلام) يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) وَ يُسَلِّمُ وَ يَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَ يَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ ثُمَّ يُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) إِلَى الْمَرْمَرَةِ الْخَضْرَاءِ الدَّقِيقَةِ الْعَرْضِ مِمَّا يَلِي الْقَبْرَ وَ يَلْتَزِقُ بِالْقَبْرِ وَ يُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقَبْرِ وَ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَ الْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) اسْتَقْبَلْتُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو لَهَا وَ لَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَحْذَرُ عَلَيْهَا وَ أَصْبَحَتِ الْأُمُورُ بِيَدِكَ وَ لَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ اللَّهُمَّ أَرْدِنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ أَنْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ وَ اعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ

ابو عبد الرّحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از علی بن الحسین بن علی بن عمر بن علی بن الحسین بن علیّ بن ابی طالب، از علی بن جعفر بن محمد از برادرش ابی الحسن موسی بن جعفر، از پدرش، از جدّ بزرگوارش علیهم السّلام، فرمودند:

حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام معمولا نزدیک قبر نبیّ اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌ایستادند، ابتداء به آن جناب سلام می‌دادند و پس از آن شهادت به بلاغ داده و بدنبالش به آنچه صلاح و صواب می‌دانستند دعاء می‌فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می‌باشد تکیه داده و خود را بااین نحو به قبر می‌چسباندند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می‌فرمودند و این دعا می‌خواندند:

اللّهم إلیک الجأت امری: بار خدایا قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.

و بدنبالش به آنچه صلاح و صواب می‌دانستند دعاء می‌فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می‌باشد تکیه داده و خود را به این نحو به قبر می‌چسباندند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می‌فرمودند و این دعاء را می‌خواندند:

اللّهم الیک الجأت امری: بار خدایا قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.

و الی قبر نبیّک محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عبدک و رسولک اسندت ظهری: و پشتم را به قبر پیامبرت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.

و القبلة التی رضیت لمحمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم استقبلت: و قبله‌ای را که برای حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پسندیدی مقابل خود قرار داده‌ام.

اللّهم انّی اصبحت لا املک لنفسی خیر ما أرجو لها: بار خدایا صبح نموده‌ام در حالی که خیر آنچه را که برای خود آرزو دارم مالک نیستم.

و لا ادفع عنها شرّ ما احذر علیها: و نه می‌توانم شرّ و بدی آنچه را که بر نفس خود می‌ترسم از آن دفع نمایم.

و اصبحت الامور كلّها بيدك: و صبح نموده‌ام در حالى كه تمام امور و كارها بدست تو مى‌باشد.

و لا فقير افقر منّى: و نيازمندى محتاج‌تر از من وجود ندارد.

إِنِّى لِما أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ: به طور مسلّم و قطع من به آن خيرى كه تو برايم منظور داشته‌اى محتاج نيازمند هستم.

اللّهم أردنى منك بخير و لا رادّ لفضلك: بار خدايا خير را از ناحيه خودت به من باز گردان در حالى كه احدى نيست فضل و خير تو را به من برگرداند.

اللّهم انّى أعوذ بك من ان تبدّل اسمى او تغيّر جسمى او تزيل نعمتك عنّى: بار خدايا همانا به تو پناه مى‌برم از اينكه نامم را مبدّل ساخته يا جسمم را

تغيير داده يا نعمتت را از من زائل نمائى.

اللّهم زيّنى بالتقوى و جمّلنى بالنّعم و اغمرنى بالعافية و ارزقنى شكر العافية: بار خدايا من را به تقوى مزيّن نما و به نعمتهايت بيارا و به عافيت غوطه ورم گردان و به من توفيق ده كه شكر عافيت را به جاى آورم.

۴- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) انْتَهَى إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ قَالَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَ اخْتَارَكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً

پدرم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از عبد الرّحمن بن ابى نجران و حسين بن سعيد و جماعتى از حمّاد بن عيسى از محمّد بن مسعود نقل نموده‌اند كه وى گفت:

حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام را ديدم كه به قبر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم رسيدند، پس دست مباركشان را روى قبر گذارده و فرمودند:

أسأل اللّه الّذى اجتباك و اختارك و هداك و هدى بك ان يصلّى عليك: از خدائى كه تو را برگزيد و اختيار نمود و هدايت كرد و بواسطه‌ات ديگران را راهنمائى نمود مى‌خواهم كه بر تو درود و رحمت بفرستد.

إِنَّ اللّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً: همانا خداوند و فرشتگانش بر نبى اكرمصلّى اللّه عليه و آله و سلّم صلوات مى‌فرستند، اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد بر پيامبر صلوات فرستاده و تسليم شويد تسليم‌شدنى.

۵- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) كَيْفَ تَقُولُ فِي التَّسْلِيمِ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) قُلْتُ الَّذِي تَعْرِفُهُ وَ رُوِّينَاهُ وَ قَالَ أَ وَ لَا أُعَلِّمُكَ مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَكَتَبَ لِي وَ أَنَا قَاعِدٌ بِخَطِّهِ وَ قَرَأَهُ عَلَيَّ إِذَا وَقَفْتَ عَلَى قَبْرِهِ (صلى الله عليه و آله) فَقُلْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ [أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ]أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ عَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَ أَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَجِيِّكَ [وَ نَجِيبِكَ]وَ أَمِينِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) مِنِّي السَّلَامَ

حسن بن عبد اللّه، از محمّد بن عيسى، از پدرش، از ابراهيم بن ابى البلاد نقل نموده كه وى گفت: حضرت ابو الحسن عليه السّلام به

من فرمودند:

چگونه به نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سلام می‌دهی؟ عرض کردم: به همان نحو که شما آگاه بوده و از طریق روایت به ما رسیده.

و نیز به من فرمودند:

آیا عبارتی افضل و برتر از این به تو یاد ندهم؟ عرض داشتم: چرا فدایت شوم.

پس در حالی که خدمتش نشسته بودم به خط مبارکشان نوشته و بر من قرائت کردند، فرمودند: هر گاه نزد قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ایستادی بگو:

أشهد ان لا اله الّا اللّه وحده لا شریک له: شهادت می‌دهم که خدائی نیست مگر خداوند متعال که تنها بوده و انباز و شریکی ندارد.

و اشهد أنّ محمّدا عبده و رسوله: و شهادت می‌دهم که حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده او است.

و اشهد انّک محمّد بن عبد اللّه: و شهادت می‌دهم که تو حضرت محمّد بن عبد اللّه هستی.

و اشهد أنّک خاتم النّبیّین: و شهادت می‌دهم که تو آخرین پیامبر می‌باشی.

و أشهد أنّک قد بلغت رسالاتک ربّک: و شهادت می‌دهم که تو رساندی پیامهای پروردگارت را.

و نصحت لامّتک: و امّت خود را پند و اندرز دادی.

و جاهدت فی سبیل ربّک: و در راه خدا جهاد نمودی.

و عبدته حتّی اتاک الیقین: و پرستیدی حق تعالی را تا هنگامی که موت تو را دریافت.

و ادّیت الّذی علیک زمن الحقّ: و حقّی که بر عهده داشتی ادا نمودی.

اللّهم صلّی علی محمّد عبدک و رسولک و نجیبک و امینک و صفیک و خیرتک من خلفک افضل ما صلّیت علی احد من انبیائک و رسلک: بار خدایا بر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که بنده و فرستاده و نیکو نژاد و امین و خالص و برگزیده تو از میان مخلوقات است درود و رحمت فرستاد آنهم برترین رحمتی که بر هر یک از پیامبران و رسولانت ارزانی داشتی.

اللّهم سلّم علی محمّد و آل محمّد کما سلّمت علی نوح فی العاملین:

خداوندا همان طوری که نعمت سلامتی را در عالم نصیب جناب نوح علیه السّلام نمودی حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را از آن بهره‌مند گردان.

و امنن علی محمّد و آل محمد کما مننت علی موسی و هارون: خداوندا همان طوری که بر موسی و هارون نعمت دادی بر حضرت محمّد و آلش صلوات الله علیهم انعام نما.

و بارک علی محمّد و آل محمّد کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انّک حمید مجید: همان طوری که نعمت‌هایت را بر ابراهیم و آلش مداوم قرار دادی بر حضرت محمّد و آل ایشان صلوات الله علیهم نیز نعمتهایت را دائمی و مستمر گردان بدرستی که تو ستایش شده و بزرگ می‌باشی.

اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و ترّحم علی محمد و آل محمّد:

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود فرست و ترّحم نما.

اللّهم ربّ البیت الحرام و ربّ المسجد الحرام و ربّ الرکن و المقام و ربّ البلد الحرام و ربّ الحلّ و الحرام و ربّ المشعر الحرام بلّغ روح نبیّک محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم منّی السلام: خداوندا که صاحب بیت الحرام و مسجد الحرام و رکن و مقام و بلد حرام و حل و حرم و مشعر الحرام هستی از طرف من سلام به روح پیامبرت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برسان.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ الْکُلَیْنِیُّ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ

(عليه السلام) كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) عِنْدَ قَبْرِهِ- فَقَالَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ سلام مولانا أبي الحسن موسى بن جعفر الكاظم (صلى الله عليه و آله) على جده رسول الله ص

محمّد بن يعقوب كلينى از عده‌ای اصحاب، از سهل بن زياد، از احمد بن محمّد بن ابى نصر نقل نموده، وى مى گويد: محضر مبارك حضرت ابى الحسن عليه السّلام عرض كردم:

وقتى در مقابل قبر مطهّر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم مى‌ايستيم چگونه به حضرتش سلام دهيم؟ حضرت فرمودند:

كيفيت آن چنين است:

السّلام على رسول اللّه: سلام بر فرستاده خدا.

السّلام عليك يا حبيب اللّه: سلام بر تو اى محبوب خدا.

السّلام عليك يا صفوة اللّه: سلام بر تو اى برگزيده خدا.

السّلام عليك يا امين اللّه: سلام بر تو اى امين خدا.

اشهد انّك قد نصحت لأمّتك: شهادت مى‌دهم كه تو امّتت را پند و اندرز دادى.

وَ جاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: در راه خدا سعى و كوشش نمودى.

و عبدته مخلصا حتى أتاك اليقين: و او را خالص از هر شائبه شركى پرستيدى تا موت تو را دريافت.

فجزاك اللّه افضل ما جزى نبيّا عن امّته: پس برترين و بالاترين پاداشى كه حقتعالى به هر پيامبرى عوض امّتش مى‌دهد به تو بدهد.

اللّهم صلّ على محمد افضل ما صلّيت على ابراهيم و آل ابراهيم انّك حميد مجيد: خداوندا بالاتر و بهتر از رحمتى كه بر ابراهيم و آلش فرستادى بر حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم بفرست بدرستى كه تو ستايش شده و بزرگ مى‌باشى.

كيفيت سلام حضرت موسى بن جعفر عليهما السّلام بر جدّ خود حضرت رسول اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم

***

*** ***

۷- بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَهْلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ حَضَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ (عليه السلام) وَ هَارُونُ الْخَلِيفَةُ وَ عِيسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ جَعْفَرُ بْنُ يَحْيَى بِالْمَدِينَةِ وَ قَدْ جَاءُوا إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) فَقَالَ هَارُونُ لِأَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) تَقَدَّمْ فَأَبَى فَتَقَدَّمَ هَارُونُ فَسَلَّمَ وَ قَامَ نَاحِيَةً فَقَالَ عِيسَى بْنُ جَعْفَرٍ لِأَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) تَقَدَّمْ فَأَبَى- فَتَقَدَّمَ عِيسَى بْنُ جَعْفَرٍ فَسَلَّمَ وَ وَقَفَ مَعَ هَارُونَ فَقَالَ جَعْفَرٌلِأَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) تَقَدَّمْ فَأَبَى فَتَقَدَّمَ جَعْفَرٌ فَسَلَّمَ وَ وَقَفَ مَعَ هَارُونَ وَ تَقَدَّمَ أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَتِ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اصْطَفَاكَ وَ اجْتَبَاكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ فَقَالَ هَارُونُ لِعِيسَى سَمِعْتَ مَا قَالَ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ هَارُونُ أَشْهَدُ أَنَّهُ أَبُوهُ حَقّاً

محمّد بن يعقوب به اسنادش، از سهل، از على بن حسان از برخى اصحاب، وى مى گويد: حضرت ابا الحسن اوّل عليه السّلام (امام كاظم عليه السّلام) و هارون الرشيد خليفه و عيسى بن جعفر و جعفر بن يحيى در مدينه بوده و باتفاق بطرف قبر نبى اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم رفتند و وقتى نزديك قبر رسيدند هارون به امام هفتم عليه السّلام عرض كرد:

شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائيد:

حضرت امتناع فرمود لذا هارون جلو رفت و سلام نمود و سپس به گوشه‌ای رفت و ايستاد پس عيسى بن جعفر به حضرتش عرض نمود:

شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید:

حضرت اباء نموده لذا عیسی بن جعفر جلو رفت و سلام نمود و سپس در جنب هارون ایستاد.

پس جعفر به آن جناب عرض کرد:

شما سبقت گرفته و ابتداء به سلام نمائید.

حضرت نپذیرفته فلذا جعفر جلو رفت و سلام نمود و سپس نزدیک هارون ایستاد. آن گاه حضرت ابا الحسن جلو رفته و چنین سلام دادند:

السّلام علیک یا أبت: سلام بر تو ای پدر من.

اسأل اللّه الّذی اصطفاک و اجتباک و هداک و هدی بک ان یصلّی علیک: از خدائی که تو را برگزید و راهنمائیت نمود و بواسطه تو دیگران را هدایت کرد می‌خواهم که تو را مشمول رحمتش قرار دهد.

۸- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَلَوِیِّ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیهم السلام) عَنْ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِیهِ مُوسَی عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ کَانَ أَبِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ یَقِفُ عَلَی قَبْرِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) فَیُسَلِّمُ عَلَیْهِ وَ یَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَ یَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ ثُمَّ یُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَی قَبْرِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) إِلَی الْمَرْمَرَةِ الْخَضْرَاءِ الدَّقِیقَةِ الْعَرْضِ مِمَّا یَلِی الْقَبْرَ وَ یَلْتَزِقُ بِالْقَبْرِ وَ یُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَی الْقَبْرِ وَ یَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَیَقُولُ اللَّهُمَّ إِلَیْکَ أَلْجَأْتُ أَمْرِی وَ إِلَی قَبْرِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِی وَ الْقِبْلَةَ الَّتِی رَضِیتَ لِمُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) اسْتَقْبَلْتُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ وَ لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی خَیْرَ مَا أَرْجُو لَهَا وَ لَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَحْذَرُ عَلَیْهَا وَ أَصْبَحَتِ الْأُمُورُ کُلُّهَا بِیَدِکَ وَ لَا فَقِیرَ أَفْقَرُ مِنِّی إِنِّی لِما أَنْزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ اللَّهُمَّ أَرْدِنِی مِنْکَ بِخَیْرٍ وَ لَا رَادَّ لِفَضْلِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِی أَوْ تُغَیِّرَ جِسْمِی أَوْ تُزِیلَ نِعْمَتَکَ عَنِّی اللَّهُمَّ زَیِّنِّی بِالتَّقْوَی وَ جَمِّلْنِی بِالنِّعَمِ- وَ اغْمُرْنِی [وَ اعْمُرْنِی]بِالْعَافِیَةِ وَ ارْزُقْنِی شُکْرَ الْعَافِیَةِ

محمّد بن حسن مهزیار، از پدرش، از جدّش علی بن مهزیار، از علی بن حسین علوی بن علی بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السّلام، از علی بن جعفر، از برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدر بزرگوارش از جدّ امجدش علیه السّلام، فرمود:

پدر بزرگوارم حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام معمولا نزدیک قبر نبیّ اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌ایستادند ابتداء به آن جناب سلام می‌دادند و پس از آن شهادت به بلاغ داده (یعنی می‌فرمودند:

اشهد انّک قد بلغت رسالات ربّک: و به دنبالش به آنچه صلاح و صواب می‌دانستند دعاء می‌فرموده و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می‌باشد تکیه داده و خود را به این نحو به قبر می‌چسباندند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می‌فرمودند و این دعاء را می‌خواندند:

اللّهم الیک الجأت امری: بار خدای قصدم را به جانب تو معطوف داشتم.

و الی قبر نبیّک محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عبدک و رسولک اسندت ظهری: و پشتم را به قبر پیامبرت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.

و القبلهٔ الّتی رضیت لمحمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم استقبلت: و قبله‌ای را که برای حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پسندیدی مقابل خود قرار دادم.

اللّهم إنّی أصبحت لاـ أملک لنفسی خیر ما أرجو لها: بار خدایا صبح نموده‌ام در حالی که خیر آنچه را که برای خود آرزو دارم مالک نیستم.

و لا ادفع عنا شریما ما احذر علیها: و نه می‌توانم شرّ و بدی آن چه را که بر نفس خود می‌ترسم از آن دفع کنم.

و اصبحت الامور کلّها بیدک: و صبح نموده‌ام در حالی که تمام امور و کارها به دست تو می‌باشد.

و لا فقیر افقر منّی: و نیازمندی محتاج‌تر از من وجود ندارد.

إنّی لِما أَنْزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ: به طور مسلّم و قطع من به آن خیری که تو برایم منظور داشته‌ای محتاج و نیازمند هستم.

اللّهم اردنی منک بخیر و لا رادّ لفضلک: بار خدایا خیر را از ناحیه خودت به من باز گردان در حالی که احدی نیست فضل و خیر تو را به من برگرداند.

اللّهم انّی أعوذ بک من ان تبدّل اسمی او تغیّر جسمی او تزیل نعمتک عنی: بار خدایا همانا به تو پناه می‌برم از اینکه نامم را مبدّل ساخته یا جسمم را تغییر داده یا نعمتت را از من زائل نمائی.

اللّهم زیّنی بالتقوی و جمّلنی بالنّعم و اغمرنی بالعافیهٔ و ارزقنی شکر العافیهٔ: بار خدایا من را به تقوی مزیّن نما و به نعمت‌هایت بیارا و به عافیت غوطه‌ورم گردان و به من توفیق داده که شکر عافیت را به جای آورم.

ما یجب أن یدعی به عند قبر سیدنا رسول الله (صلی الله علیه و آله) تخرج فی المناسک

آنچه واجب است در نزد قبر مطهّر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خوانده شود

۹- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ زَکَرِیَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ نَاجِیَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَلِّمْنِی تَسْلِیماً خَفِیفاً عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) قَالَ قُلْ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی انْتَجَبَکَ وَ اصْطَفَاکَ وَ اخْتَارَکَ وَ هَدَاکَ وَ هَدَی بِکَ- أَنْ یُصَلِّیَ عَلَیْکَ صَلَاةً کَثِیرَةً طَیِّبَةً

علی بن حسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از محمّد بن عیسی بن عبید، از ابی عبد اللّه زکریّا موءمن، از ابراهیم ابن ناحیه، از اسحق بن عمّار، وی می گوید:

محضر مبارک امام صادق علیه السّلام عرضه داشتم: از میان سلام‌هائی که به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم داده می‌شود سلام کوتاهی به من تعلیم بفرمائید:

حضرت فرمودند:

بگو:

أسأل اللّه الذی انتجبک و اصطفاک و اختارک و هداک و هدی بک ان یصلّی علیک صلاهٔ کثیرهٔ طیبهٔ.

از خدائی که ترا برگزید و اختیار نمود و هدایتت کرد بواسطه تو دیگران را

راهنمائی نمود درخواست می کنم که بر تو رحمت فراوان و پاکیزه بفرستد.

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی و یعقوب بن یزید و موسی بن عمر، از أحمد بن محمد بن أبی نصر، از حضرت ابی الحسن الرضا

علیه السّلام، وی می گوید:

محضر مبارک آن حضرت عرضه داشتم: هنگامی که نزد قبر مطهر رسول

خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رسیدیم چگونه به آن جناب سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

بگو:

السّلام علی رسول اللّه: سلام بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم.

السّلام علیک و رحمهٔ اللّه و برکاته: سلاما ما و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

السّلام علیک یا رسول اللّه: سلام بر تو ای فرستاده خدا.

السّلام علیك یا محمّد بن عبد اللّه: سلام بر تو ای حضرت محمّد بن عبد اللّه.

السّلام علیك یا خیرة اللّه: سلام بر تو ای برگزیده خداوند متعال.

السّلام علیك یا حبیب اللّه: سلام بر تو ای محبوب خداوند متعال.

السّلام علیك یا صفوة اللّه: سلام بر تو ای افتخار شده خداوند متعال.

السّلام علیك یا أمین اللّه: سلام بر تو ای امین خداوند متعال.

السّلام أنّک رسول اللّه: شهادت می‌دهم که تو فرستاده خداوند متعال هستی.

و أشهد أنّک محمّد بن عبد اللّه: و شهادت می‌دهم که تو حضرت محمّد بن عبد الله می‌باشی.

و أشهد أنّک قد نصحت لامّتک: و شهادت می‌دهم که تو امتت را اندرز دادی.

و جاهدت فی سبیل ربّک: و در راه خدا کوشش و سعی نمودی.

و عبدته حتّی أتاك الیقین: و خدا را پرستیدی تا زمانی که موت شما را دریافت.

فجزاك اللّه أفضل ما جزی نبیّا عن امّته: پس خداوند به شما برترین پاداشی را که بهر یک از انبیاء عوض امّتش داده بدهد.

اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد: خداوندا رحمتت را بر محمّد و آل محمّد بفرست.

أفضل ما صلّیت علی إبراهیم و آل إبراهیم: برترین رحمتی که بر ابراهیم و آلش فرستادی.

إنّک حمید مجید: همانا تو ستایش شده و بزرگ می‌باشی.

۴] – باب چهارم فضیلت خواندن نماز در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ثواب و اجر آن

پدرم و محمّد بن حسن بن احمد بن ولید از محمّد بن حسن صفّار، از احمد بن حسن بن علی بن فضّال، از عمرو بن سعید از مصدق بن صدقه، از عمّار بن موسی ساباطی، از ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی می گوید:

از آن حضرت پرسیدم:

آیا نماز در مسجد رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مانند نماز در شهر مدینه می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

خیر، زیرا نماز در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم معادل با هزار نماز بوده و نماز در شهر مدینه مانند نماز در سایر شهرها است.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ الْقُمِّیِّ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُوسَی بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِیِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنِ الصَّلَاةِ فِی مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِی تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِی غَیْرِهِ وَ صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِی مَسْجِدِی ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ مَکَّةَ وَ جَعَلَ بَعْضَهَا أَفْضَلَ مِنْ بَعْضٍ فَقَالَ وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّی وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ فَضَّلَ أَقْوَاماً وَ أَمَرَ بِاتِّبَاعِهِمْ وَ أَمَرَ بِمَوَدَّتِهِمْ فِی الْکِتَابِ

پدرم از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف قمی اشعری، از احمد بن محمّد بن عیسی، از موسی بن قاسم بجلی، از کسی که برایش نقل نموده، از مرازم، وی می گوید:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

یک نماز در مسجد من معادل و مساوی با هزار نماز در غیر آن بوده و نماز در مسجد الحرام مساوی با هزار نماز در مسجد من می‌باشد، سپس فرمودند:

حقتعالی مکّه را بر سایر بقاع تفضیل داد و برخی از نواحی آن را بر بعضی دیگر برتر قرار داد فرمود: مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید.

و نیز فرمود:

حق تعالی گروهی را بر دیگران تفضیل داد و امر نمود که سایرین از آنها پیروی کنند و در کتاب عزیزش دستور داد که مودّت و محبّت آن گروه را در دل داشته باشند.

۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی بْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ أَبِیهِ إِسْمَاعِیلَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی الصَّامِتِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) تَعْدِلُ عَشَرَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از پدرش اسماعیل، از ابن مسکان، از ابی الصّامت، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

نماز در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مساوی با ده هزار نماز می‌باشد.

۴- حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیٍّ عَنِ الْحَسَنِ [الْحُسَیْنِ]بْنِ سَعِیدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی وَ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ وَ فَضَالَةَ بْنِ أَیُّوبَ جَمِیعاً عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لِابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ أَکْثِرْ

مِنَ الصَّلَاةِ فِی مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِص

فَإِنَّهُ [فإنّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله)]قَالَ صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِی هَذَا كَأَلْفِ صَلَاةٍ فِی مَسْجِدٍ غَیْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنَّ صَلَاةً فِی مَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِی مَسْجِدِی

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی، از حسین بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله بن ایّوب جملگی از معاویهٔ بن عمّار نقل کرده‌اند که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به ابن ابی یعفور فرمودند:

در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم زیاد نماز بخوان زیرا حضرتش صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

یک نماز در مسجد من مانند هزار نماز در مساجد دیگری می‌باشد مگر مسجد الحرام زیرا یک نماز در این مسجد مساوی با هزار نماز در مسجد من می‌باشد.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ سَلَمَةَ وَ حَدَّثَنِی حَكِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ سَیْفٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِی تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِی غَیْرِهِ

محمّد بن حسن، از سلمه و حکیم بن داود بن حکیم از سلمهٔ بن خطّاب، از علی بن سیف از جمیل بن درّاج نقل نموده که وی گفت:

شنیدم که حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام می‌فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

یک نماز در مسجد من مساوی با هزار نماز در غیر آن می‌باشد.

۶- حَدَّثَنِی حَكِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَی السَّابَاطِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِی مَسْجِدِ الرَّسُولِ (صلی الله علیه و آله) هَلْ مِثْلُ الصَّلَاةِ فِی الْمَدِینَةِ قَالَ (علیه السلام) لَا لِأَنَّ الصَّلَاةَ فِی مَسْجِدِ الرَّسُولِ (صلی الله علیه و آله) بِأَلْفِ صَلَاةٍ وَ الصَّلَاةَ بِالْمَدِینَةِ مِثْلُ الصَّلَاةِ فِی سَائِرِ الْأَمْصَارِ

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمهٔ بن خطاب، از مصدّق بن صدقه، از عمّار بن موسی ساباطی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده، وی می گوید:

از خواندن نماز در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سوءال کرده و عرضه داشتم:

آیا نماز در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مساوی با نماز در مدینه می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

خیر: زیرا نماز در مسجد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم معادل با هزار نماز بوده و نماز در مدینه مانند نماز در سائر شهرها است.

۷- حَدَّثَنِی حَكِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ سَیْفٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِی تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِی غَیْرِهِ

حکیم بن داود از حکیم، از سلمه، از علی بن سیف، از پدرش، از داود بن فرقد، وی می گوید: از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

یک نماز در مسجد من مساوی با هزار نماز در غیر آن می‌باشد.

۸- وَ عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِ الْمَدِینَةِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِی غَیْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ

حکیم بن داود از سلمه، از اسماعیل بن جعفر، از برخی اصحابش، از مرازم، از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند: یک نماز در مسجد مدینه بالاتر از هزار نماز در سایر مساجد می‌باشد.

۵] – باب پنجم زيارت حضرت حمزه عموى گرامى رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و قبور شهداء

۱- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ هِشَامٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْهُمْ (عليهم السلام) قَالَ وَ يَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ حَمْزَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَيْرَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ [وَ نَصَحْتَ لِرَسُولِ اللَّهِ]وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ وَ طَلَبْتَ مَا عِنْدَ اللَّهِ وَ رَغِبْتَ فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ ثُمَّ ادْخُلْ فَصَلِّ وَ لَا تَسْتَقْبِلِ الْقَبْرَ عِنْدَ صَلَاتِكَ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَانْكَبَّ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُوقِي بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ لِتُجِيرَنِي مِنْ نَقِمَتِكَ وَ سَخَطِكَ وَ مَقْتِكَ وَ مِنَ الْإِزْلَالِ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ الْمَعَرَّاتُ وَ تَشْتَغِلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَ تُجَادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا فَإِنْ تَرْحَمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيَّ وَ لَا حُزْنٌ وَ إِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَايَ لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ اللَّهُمَّ فَلَا تُخَيِّبْنِي الْيَوْمَ وَ لَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي فَقَدْ لَزِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ لِمَرْضَاتِكَ [ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ]وَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَتَقَبَّلْ مِنِّي وَ عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَى جِنَايَةِ نَفْسِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَ مَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ يَوْمِ الْحِسَابِ فَانْظُرِ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي [إِلَى تَقَلُّبِي]عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَبِهِمْ فَكُنْ لِي [فُكَّنِي]وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي وَ لَا يَهُونُ [وَ لَا يَهُونَنَّ]عَلَيْكَ ابْتِهَالِي وَ لَا تَحْجُبْ مِنْكَ صَوْتِي وَ لَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ يَا مُفَرِّجُ [مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانِ الْغَرِيبِ- الْحَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَ انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَداً وَ ارْحَمْ تَضَرُّعِي وَ غُرْبَتِي وَ انْفِرَادِي فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَ تَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ وَ لَا تَرُدَّ أَمَلِي

وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ سَلَمَةَ مِثْلَهُ وَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ سَلَمَةَ مِثْلَهُ

حكيم بن داود بن حكيم از سلمة بن خطّاب، از عبد اللّه بن احمد از بكر بن صالح، از عمرو بن هشام از شخصى از اصحاب ما از معصومين عليهم السّلام، وى مى‌گويد:

زائر نزد قبر جناب حمزه بگويد:

السّلام عليك يا عمّ رسول اللّه و خير الشهداء: سلام بر تو اى عموى رسول خدا و بهترين شهداء.

السّلام عليك يا اسد اللّه و اسد رسوله: سلام بر تو اى شير خدا و شير رسول خدا.

اشهد انّك قد جاهدت فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ: شهادت مى‌دهم كه تو در راه خدا آن طورى كه بايد جهاد كنى جهاد كردى.

و نصحت للّه و لرسوله: و شهادت مى‌دهم كه براى خدا و رسول خدا به ديگران اندرز داده و نصيحت نمودى.

وجدت بنفسك و طلبت ما عند اللّه و رغبت فى ما وعد الله: و نفست را ايثار كرده و رضاى خدا را طلب نموده و در آنچه خدا وعده داده رغبت و ميل نشان دادى.

سپس داخل شو و صلوات فرست ولى هنگام صلوات قبر را مقابل خود قرار مده و پس از فراغت از صلوات خود را روى قبر بيانداز و بگو:

اللّهم صلّ على محمّد و على اهل بيته: خداوندا بر محمّد و اهل بيتش رحمت فرست.

اللّهم انّى تعرّضت لرحمتك بلزوقى بقبر عمّ نبيّك صلواتك عليه و على اهل بيته لتجيرنى من نعمتك و سخطك و مقتك و من الازلال فى يوم تكثر فيه الاصوات و المعرّات و تشتغل كلّ نفس بما قدّمت و تجادل كلّ نفس عن نفسها: خداوندا من با چسباندن خويش را به قبر عموى گرامى پيامبرت كه رحمت تو بر او و بر اهل بيتش باد خود را در معرض رحمتت قرار داده تا زنهارم داده و بدين وسيله من را از عتاب و خشم و دشمنى خودت بر حذر داشته و در روزى كه در آن فريادها بسيار و بدن‌هاى عريان بى‌شمار

بوده و هر کس سرگرم اعمالی است که در دنیا مرتکب شده و جمله نفوس در مقام دفاع از خود هستند پناهم دهی.

فان ترحمنی الیوم فلا خوف علیّ و لا حزن: پس اگر در آن روز به من ترحم فرمائی دیگر نه خوفی داشته و نه حزنی.

و ان تعاقب فمولای له القدرة علی عبده: و اگر من را عقاب و عذاب کنی باکی نیست زیرا تو مولا و آقای من بوده و آقا بر عبد و بنده‌اش تسلط و قدرت دارد.

اللّهم فلا تخیبنی الیوم و لا تصرفین بغیر حاجتی: خداوندا در این روز من را ناامید نکرده و بدون حاجت روا شده بر مگردان.

فقد لزقت بقبر عمّ نبیّک و تقربت به الیک ابتغاء مرضاتک و رجاء رحتمک: زیرا خود را به قبر عموی گرامی پیامبرت چسبانده و به واسطه‌اش به تو تقرّب جسته و رضایتت را بدین وسیله طالب بوده و امید رحمتت را دارم.

فتقبّل منّی و عد بحلمک علی جهلی و برأفتک علی جنایة نفسی فقد عظم جرمی: پس از من بپذیر و حلمت را بر جهل و نادانی من و عطوفت و مهربانیت را بر جنایتم

مسلّط و غالب گردان چه آنکه جرم و گناهم بسیار گشته است.

و ما اخاف ان تظلمنی و لکن اخاف سوء یوم الحساب: و از اینکه به من ظلم کنی هراسی ندارم- یعنی می‌دانم که ظلم نمی‌کنی) ولی از زشتی اعمالم در روز حساب خائف و بیمناکم.

فانظر الیوم تقلّبی علی قبر عمّ نبیّک صولاتک علی محمّد و اهل بیته فیهم فکنّی و لا تخیّب سعیی و لا یهونّ علیك ابتهالی و لا تحجب منک صوتی و لا تقلبنی بغیر حوائجی.

پس در امروز بنگر که من جا به جا شده و خود را بر سر قبر عموی پیامبرت رسانده‌ام درود و رحمتت بر حضرت محمّد و اهل بیتش باد، پس به واسطه ایشان من را آزاد نما و سعی و کوششم را ناکام مگذار و مبادا زاری من بر تو سهل

و آسان آید و صدایم را از خود محجوب و نهان مدار و البته بدون حاجت روا شده من را بر مگردان.

یا غیاث کلّ مکروب و محزون یا مفرّج عن الملهوف الحیران الغریب الغریق المشرف علی الهلکة صلّ علی محمّد و أهل بیته الطّاهری. ای پناه‌گاه هر اندوهگین و صاحب حزنی، ای برطرف‌کننده اندوه از غم زده‌ای که سر گردان و غریب و سوخته دل و نزدیك به هلاکت گشته، بر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و خاندان پاکیزه‌اش رحمت و درود بفرست.

و انظر الیّ نظرة لا اشقی بعدها ابدا: نظر نما به من نظری که بعد از آن هرگز به شقاوت نگرایم.

و ارحم تضرّعی و غربتی و انفرادی فقد رجوت رضاك و تحرّیت الخیر الّذی لا بعطیه احد مسواك و لا تردّ املی. به زاری و غربت و تنهائی من رحم نما، همانا من به خشنودی تو از خویش امیدوار بوده و همواره آن خیری را طالبم که کسی غیر از تو آن را اعطاء نمی‌نماید و از تو می‌خواهم که آرزوی من را ناکام و نافرجام نگذاری.

ترجمه:

محمّد بن حسن از محمد بن حسن صفّار از سلمه مثل حدیث اوّل را برایم نقل نموده.

ترجمه:

پدرم از محمّد بن یحیی و احمد بن ادریس جملگی از سلمه مثل حدیث اوّل را برایم نقل نمودند.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ لَهُ طَوِیلٍ قَالَ ثُمَّ مَرَرْتَ بِقَبْرِ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَسَلَّمْتَ عَلَیْهِ ثُمَّ مَرَرْتَ بِقُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقُمْتَ عِنْدَهُمْ فَقُلْتَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا أَهْلَ الدِّیَارِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ إِنَّا بِکُمْ لَاحِقُونَ ثُمَّ تَأْتِی الْمَسْجِدَ الَّذِی فِی الْمَکَانِ الْوَاسِعِ إِلَی جَنْبِ الْجَبَلِ عَنْ یَمِینِکَ حَتَّی تَدْخُلَ أُحُدَ [أُحُداً فَتُصَلِّیَ فِیهِ فَعِنْدَهُ خَرَجَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله) إِلَی أُحُدٍ حَیْثُ لَقِیَ الْمُشْرِکِینَ فَلَمْ یَبْرَحُوا حَتَّی حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَصَلَّی فِیهِ ثُمَّ مَرَّ أَیْضاً

حَتَّى تَرْجِعَ فَصَلِّ عِنْدَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكَ ثُمَّ امْضِ عَلَى وَجْهِكَ حَتَّى تَأْتِيَ مَسْجِدَ الْأَحْزَابِ فَتُصَلِّيَ فِيهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله علیه و آله) دَعَا فِيهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ وَ قَالَ يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا غِيَاثَ الْمَلْهُوفِينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ غَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي

محمّد بن حسن بن احمد از محمّد بن حسن صفّار از محمّد بن حسین، از محمّد بن عبد اللّه بن هلال از عقبه، از مولانا ابی عبد اللّه علیه السّلام در حدیث طولانی فرمودند:

سپس به قبر حمزهٔ بن عبد المطلب گذر نما پس به آن جناب سلام نما و بعد از آن به قبور شهداء عبور نما پس نزد قبور ایشان بایست و بگو:

السّلام علیکم یا اهل الدّار انتم لنا فرط و انّا بکم لاحقون: و انّا بکم لاحقون: سلام بر شما ای اهل دیار مردگان شما جلوتر از ما کوچ کرده و ما هم از دنبال به شما ملحق خواهیم شد.

سپس به مسجدی که در مکان وسیعی نزدیک کوه سمت راستت قرار گرفته برو تا اینکه داخل احد شوی پس در آن نماز بگذار چه آنکه پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از همین مکان به احد تشریف بردند و آن در وقتی بود که با مشرکین مواجه شدند و آنها در آنجا بوده و از آن مکان دور نشدند تا زمانی که وقت نماز فرا رسد و آن جناب نماز خواندند.

سپس از احد بگذر تا برگشته و مراجعت نمائی و وقتی نزدیک قبور شهداء رسیدی نمازی را که حق تعالی در وظیفه تو قرار داده بخوان سپس به راه مقابلت

ادامه بده تا به مسجد احزاب برسی پس در آن جا نماز بگذارد چه آنکه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در روز احزاب در این مسجد دعاء خوانده و فرمودند:

یا صریخ المکروبین و یا مجیب دعوهٔ المضطرین و یا غیاث الملهوفین اکشف همی و کربی و غمّی فقد تری حالی و حال اصحابی.

ای فریادرس اندوهگینان و ای اجابت‌کننده دعای بی‌چارگان و ای پناه‌گاه غمگینان غصه و اندوه من را برطرف کن زیرا حال من و حال یارانم را دیده و از آن مطّلع می‌باشی.

۶] – باب ششم فضیلت و ثواب زیارت مشاهد مشرفه در مدینه

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی وَ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ وَ فَضَالَةَ بْنِ أَیُّوبَ جَمِیعاً عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لَا تَدَعْ إِتْیَانَ الْمَشَاهِدِ کُلِّهَا وَ مَسْجِدِ قُبَا فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِی أُسِّسَ عَلَی التَّقْوی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ وَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِیمَ وَ مَسْجِدِ الْفَضِیخِ وَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَ مَسْجِدِ الْأَحْزَابِ وَ هُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ وَ بَلَغَنِی أَنَّ النَّبِیَّ (صلی الله علیه و آله) کَانَ إِذَا أَتَی قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ وَ لْیَکُنْ فِیمَا تَقُولُ فِی مَسْجِدِ الْفَتْحِ یَا صَرِیخَ الْمَکْرُوبِینَ وَ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ اکْشِفْ عَنِّی غَمِّی وَ کَرْبِی وَ هَمِّی- کَمَا کَشَفْتَ عَنْ نَبِیِّکَ (صلی الله علیه و آله) هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ کَرْبَهُ وَ کَفَیْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِی هَذَا الْمَکَانِ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَعْقُوبَ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِیلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی وَ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ مِثْلَه

محمّد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدّش علیّ بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضالهٔ بن ایوب جملگی از معاویهٔ بن عمّار، وی می گوید:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

مبادا زیارت مشاهد مشرّفه و مسجد قبا را ترک کنی چه آنکه این مسجد همان مسجدی است که حق تعالی در قرآن فرموده:

لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَی التَّقْوی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ ...

و نیز در این مسجد ما در، جده ابراهیم (مقصود ابراهیم فرزند رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشد) مکان داشت و نیز به زیارت مسجد فضیخ و قبور شهداء و مسجد احزاب که همان مسجد فتح باشد مبادرت نما و شنیده‌ام که پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هر گاه به قبور شهداء احد عبور می کردند می‌فرمودند:

سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ: سلام بر شما بواسطه صبر و تحمّلی که نمودید، پس خانه آخرت خوب خانه‌ای است.

سپس حضرت فرمودند:

شایسته است در ضمن دعاهائی که در مسجد فتح می‌خوانی بگوئی:

یا صریخ المکروبین و یا مجیب دعوهٔ المضطرین اکشف عنّی غمّی و کربی و همّی کما کشفت عن نبیّک صلّی اللّه علیه و آله و سلّم همّه و غمّه و کربه و کفیته هول عدوّه فی هذا المکان.

ای فریادرس اندوهگینان و ای اجابت‌کننده دعای بی‌چارگان غم و اندوه و حزن من را بر طرف کن همان طوری که غم و اندوه و حزن را از پیامبرت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بر طرف نمودی و او را از هول و وحشت دشمنش در این مکان کفایت فرمودی.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَی عَنْ حَرِیزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَنْ أَتَی مَسْجِدِی مَسْجِدَ قُبَا فَصَلَّی فِیهِ رَکْعَتَیْنِ رَجَعَ بِعُمْرَةٍ

پدرم و محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری علیه الرحمه از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار از برادرش علی بن مهزیار، از حسن، از عبد اللّه بن یحیی از حریز از کسی که به وی خبر داده، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

کسی که به مسجد من یعنی مسجد قبا داخل شده و دو رکعت نماز در آن بخواند ثواب یک عمره برایش منظور می کنند.

۳- حَدَّثَنِی جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَایِخِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی وَ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ وَ فَضَالَةَ بْنِ أَیُّوبَ جَمِیعاً عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لِابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ وَ لَا تَدَعَنَّ أَنْ تَأْتِیَ الْمَشَاهِدَ کُلَّهَا وَ مَسْجِدَ قُبَا فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِی أُسِّسَ عَلَی التَّقْوی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ وَ مَشْرَبَةَ أُمِّ إِبْرَاهِیمَ وَ مَسْجِدَ الْفَضِیخِ وَ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَ مَسْجِدَ الْأَحْزَابِ وَ هُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ

جماعتی از مشایخ و اساتید ما از عبد الله بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضالهٔ بن ایوب جملگی از معاویهٔ بن عمار نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به ابن ابی یعفور فرمودند:

زیارت مشاهد و مسجد قبا را البته ترک مکن زیرا مسجدی که حق تعالی در آیه شریفه:

لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَی التَّقْوی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ، آورده همین مسجد قبا بوده مضافا به اینکه این مسجد مأوی و غرفه ما در ما جده ابراهیم (فرزند رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) بوده.

و نیز به زیارت مسجد فضیخ و قبور شهداء و مسجد احزاب که همان مسجد فتح است رفته و آنها را ترک مکن.

۴- وَ رُوِیَ عَنْ بَعْضِهِمْ قَالَ إِذَا کَانَ لَکَ مُقَامٌ بِالْمَدِینَةِ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ وَ کَذَلِکَ أَیْضاً بِمَکَّةَ وَ إِنْ أَقَمْتَ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ وَ إِذَا کَانَ لَکَ مُقَامٌ بِالْمَدِینَةِ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ صُمْتَ یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ صَلِّ لَیْلَةَ الْأَرْبِعَاءِ عِنْدَ أُسْطُوَانَةِ التَّوْبَةِ وَ هِیَ أُسْطُوَانَةُ أَبِی لُبَابَةَ الَّتِی کَانَ رَبَطَ إِلَیْهَا نَفْسَهُ حَتَّی نَزَلَ عُذْرُهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ تَقْعُدُ عِنْدَهَا یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ ثُمَّ تَأْتِی لَیْلَةَ الْخَمِیسِ الَّتِی تَلَاهَا مِمَّا یَلِی مَقَامَ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) فَتَقْعُدُ عِنْدَهَا لَیْلَتَکَ وَ یَوْمَکَ وَ تَصُومُ یَوْمَ الْخَمِیسِ ثُمَّ تَأْتِی الْأُسْطُوَانَةَ الَّتِی تَلِی مَقَامَ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) لَیْلَةَ الْجُمُعَةِ فَتُصَلِّی عِنْدَهَا لَیْلَتَکَ وَ یَوْمَکَ وَ تَصُومُ فِیهِ یَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَتَکَلَّمَ بِشَیْءٍ فِی هَذِهِ الثَّلَاثَةِ أَیَّامٍ إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَکَ مِنْهُ وَ لَا تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ وَ لَا تَنَامَ فِی اللَّیْلِ وَ لَا فِی النَّهَارِ [فِی لَیْلٍ وَ نَهَارٍ]فَافْعَلْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ [فَإِنَّ ذَلِکَ مِمَّا تُعَدُّ فِیهِ الْفَضْلُ]ثُمَّ احْمَدِ اللَّهَ فِی یَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ أَثْنِ عَلَیْهِ وَ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ وَ سَلْ حَاجَتَکَ وَ لْیَکُنْ فِیمَا تَقُولُ اللَّهُمَّ مَا کَانَتْ لِی إِلَیْکَ مِنْ حَاجَةٍ سَارَعْتُ أَنَا فِی طَلَبِهَا وَ الْتِمَاسِهَا- أَوْ حَاجَةٍ لَمْ أُسْرِعْ سَأَلْتُکَهَا [أَوْ لَمْ أَسْأَلْکَهَا]فَإِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) نَبِیِّ الرَّحْمَةِ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِی صَغِیرِهَا وَ کَبِیرِهَا

از برخی معصومین علیهم السّلام منقول است که فرمودند:

هر گاه در مدینه طیّبه سه روز اقامه نمودی نماز را تمام بخوان و همچنین است حکم مکّه معظّمه و نیز اگر در مدینه سه روز اقامه کردی هر سه روز را روزه بگیر و کیفیت آن چنین است.

سه روز را از چهارشنبه شروع کن منتهی شب چهار شنبه (یعنی شبی که فردای آن روز چهارشنبه است) نزدیک ستون توبه (و آن ستون ابی لبابه است که وی به منظور توبه از گناهی که کرده بود خود را به آن بست و به تضرّع پرداخت تا جبرئیل امین به پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نازل شد و خبر داد که حقتعالی توبه وی را پذیرفت) نماز بگذار و روز چهارشنبه نیز با حالت روزه نزدیک آن بنشین و پس از اتمام روز و فرارسیدن شب پنجشنبه (یعنی شبی که فردای آن روز پنجشنبه است) نزدیک ستون بعدی که پهلوی ستون ابی لبابه و در کنار مقام نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است برو و در آن شب و روز بعد آن (روز پنجشنبه) آنجا بنشین و روز پنجشنبه را روزه بگیر و آن را به اتمام برسان سپس شب جمعه (شبی که فردای آن روز جمعه می‌باشد) نزدیک ستونی که پهلوی مقام نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم است برو و آن شب و روز بعدش در آنجا نماز بخوان و روز جمعه را روزه بگیر و آن را به اتمام برسان.

قابل توجه است که اگر بتوانی در این سه روز سخن نگوئی، با کس سخن مگو مگر به مقدار ضرورت و نیز تا محتاج نشدی از مسجد خارج نشو و همچنین در شب و روز نخواب.

در روز جمعه خدا را حمد و ثناء گو و بر پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم صلوات فرست و پس از آن حاجتت را از خدا بخواه و در بین دعاهائی که می کنی این دعاء را نیز بخوان:

اللّهم ما کانت لی الیک من حاجهٔ سارعت انا فی طلبها و التماسها او حاجهٔ لم اسرع سألتکها فانّی اتوجّه الیک بنبیّک محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نبی الرحمهٔ فی قضاء حوائجی صغیرها و کبیرها.

خداوندا هر حاجتی که به تو داشته باشم در طلب و خواستنش از تو سریعا اقدام می کنم و اگر در سوءال آن از تو تسریع نکنم به واسطه پیامبرت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که پیامبر رحمت است بطرف تو متوجه شده و در بر آمدن حاجاتم چه حاجات کوچک و چه بزرگ آن حضرت را واسطه قرار می‌دهم.

۵- حَدَّثَنِی جَمَاعَهٔ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَهَٔ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنِّی آتِی الْمَسَاجِدَ الَّتِی حَوْلَ الْمَدِینَهِٔ فَبِأَیِّهَا أَبْدَأُ قَالَ ابْدَأْ بِقُبَا فَصَلِّ فِیهِ وَ أَکْثِرْ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّی فِیهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فِی هَذِهِ الْعَرْصَهِٔ ثُمَّ ائْتِ مَشْرَبَهَٔ أُمِّ إِبْرَاهِیمَ فَصَلِّ فِیهَا فَإِنَّهُ مَسْکَنُ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ مُصَلَّاهُ ثُمَّ تَأْتِی مَسْجِدَ الْفَضِیخِ فَتُصَلِّی فِیهِ رَکْعَتَیْنِ فَقَدْ صَلَّی فِیهِ نَبِیُّکَ فَإِذَا قَضَیْتَ هَذَا الْجَانِبَ فَائْتِ جَانِبَ أُحُدٍ فَابْدَأْ بِالْمَسْجِدِ الَّذِی دُونَ الْحَرَّهِٔ فَصَلَّیْتَ فِیهِ ثُمَّ مَرَرْتَ بِقَبْرِ حَمْزَهَٔ وَ الْحَدِیثُ طَوِیلٌ

گروهی از مشایخ و اساتید من از محمّد بن یحیی و او نیز از محمّد بن حسن صفّار، از محمّد بن عبد اللّه بن هلال و او نیز از عقبهٔ بن خالد نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام پرسیدم:

من به مساجدی که اطراف مدینه است می‌روم به کدام یک از آنها آغاز کنم؟

حضرت فرمودند:

ابتداء به مسجد قبا برو پس در صحن آن بسیار نماز بخوان چه آنکه قبا اوّل مسجدی است که پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در آن نماز گزاردند.

سپس به عرفه مادر ابراهیم برو و در آن نماز بخوان زیرا این مکان مسکن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و جای نماز آن حضرت بوده.

پس از آن به مسجد فضیخ برو و در آن دو رکعت نماز بخوان زیرا پیغمبر شما در آن نماز خوانده و وقتی تکالیف این طرف را اداء کردی به طرف احد برو و پس ابتداء در مسجدی که در جنب حرّه است نماز بخوان پس بر سر قبر حضرت حمزه برو ... و این حدیث طولانی است و دنباله دارد.

۷] – باب هفتم وداع قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی وَ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ وَ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنَ الْمَدِینَةِ فَاغْتَسِلْ ثُمَّ ائْتِ قَبْرَ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) بَعْدَ مَا تَفْرُغُ مِنْ حَوَائِجِکَ فَوَدِّعْهُ وَ اصْنَعْ مِثْلَ مَا صَنَعْتَ عِنْدَ دُخُولِکَ- وَ قُلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِی قَبْرَ نَبِیِّکَ (صلی الله علیه و آله) فَإِنْ تَوَفَّیْتَنِی قَبْلَ ذَلِکَ فَإِنِّی أَشْهَدُ فِی مَمَاتِی عَلَی مَا أَشْهَدُ عَلَیْهِ فِی حَیَاتِی أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ

محمّد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدّش علی، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر و فضاله از معاویة بن عمّار نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

بعد از آنکه از حوائج و خواسته‌های خود فارغ شدی و قصد نمودی از مدینه خارج شوی ابتداء غسل کن و بعد نزد قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برو و با قبر وداع کن و آنچه هنگام داخل شدن به روضه مطهره انجام دادی اکنون نیز به جای آور و بگو:

اللّهم لا تجعله آخر العهد من زیارتی قبر نبیّک صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: خداوندا زیارتی که من قبر پیغمبرت را نمودم آخرین زیارت من قرار مده.

فان توفّیتنی قبل ذلک فانّی اشهد فی مماتی علی ما اشهد علیه فی حیاتی أنْ لا إلهَ إلّا أَنْتَ و انّ محمّدا عبدك و رسولك پس اگر من را قبل از زیارت دیگر می‌راندی بطور قطع و حتم در حال مرگم به آنچه در هنگام حیات و زنده بودنم شهادت می‌دادم، شهادت می‌دهم و آن اینست که می گویم:

نیست معبودی مگر تو و شهادت می‌دهم که حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده تو می‌باشد.

۲- حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ وَدَاعِ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ تَقُولُ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ السَّلَامُ عَلَیْکَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِیمِی عَلَیْکَ

گروهی از مشایخ و اساتید من از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمّد بن عیسی و او از حسن بن فضّال و او از یونس بن یعقوب نقل کرده که گفت:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام راجع به الفاظ وداع قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سوءال کردم:

حضرت فرمودند:

بگو: صلّی اللّه علیك: درود و رحمت فرستد حقتعالی بر تو.

السّلام علیك: سلام و تهنیت بر تو باد.

لا جعله اللّه آخر تسلیمی علیك: خداوند متعال این سلام را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد.

۳- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ رَأَیْتُ أَبَا الْحَسَنِ (علیه السلام) وَ هُوَ یُرِیدُ أَنْ یُوَدِّعَ لِلْخُرُوجِ إِلَی الْعُمْرَةِ فَأَتَی الْقَبْرَ مِنْ مَوْضِعِ رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بَعْدَ الْمَغْرِبِ فَسَلَّمَ عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ لَزِقَ بِالْقَبْرِ ثُمَّ أَتَی الْمِنْبَرَ ثُمَّ انْصَرَفَ حَتَّی أَتَی الْقَبْرَ فَقَامَ إِلَی جَانِبِهِ فَصَلَّی وَ أَلْزَقَ مَنْکِبَهُ الْأَیْسَرَ بِالْقَبْرِ قَرِیباً مِنَ الْأُسْطُوَانَةِ الَّتِی دُونَ الْأُسْطُوَانَةِ المحلقة الْمُخَلَّقَةِ عِنْدَ رَأْسِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) فَصَلَّی سِتَّ رَکَعَاتٍ أَوْ ثَمَانَ رَکَعَاتٍ فِی نَعْلَیْهِ- قَالَ فَکَانَ مِقْدَارُ رُکُوعِهِ وَ سُجُودِهِ ثَلَاثَ تَسْبِیحَاتٍ أَوْ

أَكْثَرَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ سَجَدَ سَجْدَةً أَطَالَ فِيهَا السُّجُودَ حَتَّى بَلَّ عَرَقُهُ الْحَصَى قَالَ وَ ذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ رَآهُ أَلْصَقَ خَدَّهُ بِأَرْضِ الْمَسْجِدِ

سعد بن عبد اللّه باسنادش از حسن بن علیّ بن فضّال نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابا الحسن علیه السّلام را دیدم که قصد وداع قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را داشته و می‌خواستند که از آنجا به عمره بروند، حضرت علیه السّلام بعد از مغرب به طرف قبر مطهّر تشریف برده و نزدیک سر مبارک رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ایستاده، ابتداء بر پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سلام نموده و سپس به قبر چسبیدند و بعد از آن به طرف منبر رفتند و سپس برگشته تا به قبر رسیدند و در کنار آن ایستاده و شانه چپ را به قبر چسبانده و در حالی که نزدیک ستونی که در جنب ستون حلقه‌دار واقع در نزدیکی سر مبارک می‌باشد ایستادند و نعلین‌های عربی به پای مبارکشان بود شش یا هشت رکعت نماز خواندند.

راوی می‌گوید:

مقدار رکوع و سجود آن حضرت به قدر گفتن سه تسبیح یا بیشتر بود و وقتی از نمازها فارغ شدند به سجده رفته و آن قدر سجده را طول دادند تا ریگ‌ها از عرق بدن آن حضرت مرطوبی شدند.

راوی می‌گوید:

بعضی از اصحاب گفته‌اند: که آن حضرت را دیده که صورت مبارکشان روی زمین مسجد نهاده بودند.

۸] – باب هشتم فضیلت نماز خواندن در مسجد کوفه و مسجد سهله و ثواب آن

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی بْنِ عِمْرَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَدِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ أَنَّ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) أَتَی مَسْجِدَ الْکُوفَةِ عَمْداً مِنَ الْمَدِینَةِ فَصَلَّی فِیهِ رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ جَاءَ حَتَّی رَکِبَ رَاحِلَتَهُ وَ أَخَذَ الطَّرِیقَ

محمّد بن حسین بن متّ جوهری از محمّد بن احمد بن یحیی بن عمران، از احمد بن حسن، از محمّد بن حسین از علی بن حدید از محمّد بن سنان، از عمرو بن خالد، از ابو حمزه ثمالی نقل کرده که گفت:

حضرت علی بن الحسین علیه السّلام با قصد و نیت از مدینه خارج شده و به مسجد کوفه داخل شدند پس در آن دو رکعت نماز خوانده سپس از مسجد بیرون رفته تا بر مرکب خود سوار شده و طی طریق فرمودند.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ سُلَیْمَانَ بن [زائد مَوْلَی طِرْبَالٍ وَ غَیْرِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) نَفَقَةُ دِرْهَمٍ بِالْکُوفَةِ تُحْسَبُ بِمِائَتَیْ [بِمِائَةِ]دِرْهَمٍ فِیمَا سِوَاهُ وَ رَکْعَتَانِ فِیهَا تُحْسَبُ بِمِائَةِ رَکْعَةٍ

پدرم رحمهٔ الله علیه، از سعد بن عبد الله و او از محمد بن حسین و او از محمّد بن اسماعیل بن بزیع و او از منصور بن یونس و او از سلیمان بن مولی طربال و غیر او نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

یک درهم در کوفه خرج نمودن معادل با دویست درهم در غیر آن بوده و دو رکعت نماز در آن مساوی با صد رکعت نماز در غیر آن می‌باشد.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ نَجْمِ بْنِ حُطَیْمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ لَوْ یَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِی مَسْجِدِ الْکُوفَةِ لَأَعَدُّوا لَهُ الزَّادَ وَ الرَّاحِلَةَ مِنْ مَکَانٍ بَعِیدٍ وَ قَالَ صَلَاةٌ فَرِیضَةٌ فِیهِ تَعْدِلُ حِجَّةً وَ نَافِلَةٌ فِیهِ تَعْدِلُ عُمْرَةً

محمد بن حسن صفّار از احمد بن محمّد بن حسن بن علیّ بن فضّال از ابراهیم بن محمّد، از فضل بن زکریّا از نجم بن حطیم از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

اگر مردم به فضیلتی که در مسجد کوفه است واقف بودند از راه دور توشه برداشته و بر مرکب سوار شده و به آنجا می‌رفتند و سپس فرمودند:

یک فریضه در آن به جا آوردن مساوی با یک حج بوده و یک نافله در آن خواندن معادل با یک عمره می‌باشد

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی هَاشِمٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِ الْکُوفَةِ الْفَرِیضَةُ تَعْدِلُ حِجَّةً مَقْبُولَةً وَ التَّطَوُّعُ فِیهِ تَعْدِلُ عُمْرَةً مَقْبُولَةً

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش از کسی که برای او حدیث را نقل نموده از عبد الرّحمن بن ابی هاشم، از داود ابن فرقد، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

یک نماز واجب در مسجد کوفه معادل با یک حج مقبول بوده و یک نماز مستحبی در آن برابر با یک عمره قبول شده می‌باشد.

۵- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ سَلَّامِ بْنِ أَبِی عَمْرَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِیفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِیٍّ (علیه السلام) قَالَ النَّافِلَةُ فِی هَذَا الْمَسْجِدِ تَعْدِلُ عُمْرَةً مَعَ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ الْفَرِیضَةُ فِیهِ تَعْدِلُ حِجَّةً مَعَ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ قَدْ صَلَّی فِیهِ أَلْفُ نَبِیٍّ وَ أَلْفُ وَصِیٍّ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد از پدرش، از حسن بن محبوب، از عبد اللّه بن جبله، از سلام بن ابی عمره، از سعد بن طریف، از اصبغ بن نباته از مولانا علی علیه السّلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

نماز نافله در این مسجد معادل با انجام عمره در معیّت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بوده و ناز واجب در آن مساوی با انجام حجّ با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشد، در این مسجد هزار پیغمبر و هزار وصیّ پیامبر نماز خوانده‌اند.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَهَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَ تُصَلِّی الصَّلَاهَ کُلَّهَا فِی مَسْجِدِ الْکُوفَهِ قُلْتُ لَا قَالَ أَمَا لَوْ کُنْتُ بِحَضْرَتِهِ لَرَجَوْتُ أَنْ لَا تَفُوتَنِی فِیهِ صَلَاهٌ قَالَ وَ تَدْرِی مَا فَضْلُهُ قُلْتُ لَا قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ صَالِحٍ وَ لَا نَبِیٍّ إِلَّا وَ قَدْ صَلَّی فِی مَسْجِدِ الْکُوفَانِ حَتَّی إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) لَمَّا أُسْرِیَ بِهِ قَالَ لَهُ جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) أَ تَدْرِی أَیْنَ أَنْتَ السَّاعَهَ یَا مُحَمَّدُ قَالَ لَا قَالَ أَنْتَ مُقَابِلُ مَسْجِدِ کُوفَانَ فَقَالَ اسْتَأْذِنْ رَبَّکَ حَتَّی أَهْبِطَ فَأُصَلِّیَ فِیهِ فَاسْتَأْذَنَ فَأَذِنَ لَهُ فَهَبَطَ فَصَلَّی فِیهِ رَکْعَتَیْنِ وَ إِنَّ الصَّلَاهَ الْمَکْتُوبَهَ فِیهِ تَعْدِلُ بِأَلْفِ صَلَاهٍ وَ إِنَّ النَّافِلَهَ فِیهِ تَعْدِلُ بِخَمْسِ مِائَهِ صَلَاهٍ وَ إِنَّ مُقَدَّمَهُ [قِبْلَتَهُ]لَرَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ وَ إِنَّ مَیْمَنَتَهُ رَوْضَهٌ

مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ وَ إِنَّ مَیْسَرَتَهُ رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ وَ إِنَّ مُوءَخَّرَهُ رَوْضَهٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّهِ وَ إِنَّ الْجُلُوسَ فِیهِ بِغَیْرِ صَلَاهٍ وَ لَا ذِکْرٍ لَعِبَادَهٌ وَ لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِیهِ لَأَتَوْهُ وَ لَوْ حَبْواً

محمد بن حسن از محمّد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از عمرو بن عثمان از کسی که برای او حدیث را نقل نموده از هارون بن خارجه، وی می‌گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

آیا تمام نمازهایت را در مسجد کوفه می‌خوانی؟

عرض کردم: خیر حضرت فرمودند:

من اگر در آنجا حاضر باشم امیدوارم که هیچ نمازی از من در آن مسجد فوت نشود و سپس فرمودند:

آیا فضیلت نماز در این مسجد را می‌دانی عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

هیچ بنده صالح و پیامبری نبوده مگر آنکه در مسجد کوفه نماز گزارده است

حتّی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وقتی به معراج رفتند جبرئیل علیه السّلام به ایشان عرض نمود:

آیا نمی‌دانی در این ساعت به کجا آمده‌ای؟

حضرت فرمودند: خیر عرضه داشت: شما در مقابل مسجد کوفه قرار گرفته‌اید.

حضرت فرمودند: از پروردگارت اذن بگیر تا به آن فرود آمده و در آن نماز بگذارم. پس جبرئیل از حقتعالی استیذان نمود و حقتعالی هم به او اذن داد.

پس پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به مسجد فرود آمده و در آن دو رکعت نماز خواندند.

باید توجه داشت که یک نماز واجب در آن معادل با هزار نماز در جاهای دیگر است و یک نماز نافله در آن مساوی با پانصد نمازی است که در اماکن دیگر خوانده شود.

قبله این مسجد بستانی است از بساتین بهشت و نیز قسمت راست آن بستان دیگری است که از بساتین بهشت چنانچه طرف چپ آن نیز بستان دیگری محسوب می‌شود از بساتین بهشت نشستن در این مسجد بدون اینکه نماز بخوانند یا ذکری بگویند عبادت می‌باشد و اگر مردم فضیلتی را که در این مسجد است می‌دانستند مسلّما به آن حاضر گشته اگر چه به روش اطفال روی دست و شکم راه رفته و خود را روی زمین بکشند.

۷– حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ ظَرِیفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ خَالِدٍ الْقَلَانِسِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ صَلَاةٌ فِی مَسْجِدِ الْكُوفَةِ بِأَلْفِ صَلَاةٍ

محمّد بن الحسن بن على بن مهزيار از پدرش، از جدّش على بن مهزيار از حسن بن سعيد، از ظريف بن ناصح، از خالد قلانسى، وى مى‌گويد:

از امام صادق عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

يک نماز در مسجد كوفه معادل است با هزار نماز.

*** ***

*** ***

۸– وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَكَّةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ عَلِیٍّ الصَّلَاةُ فِیهَا بِمِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدِّرْهَمُ فِیهَا بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ الْمَدِینَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله) وَ حَرَمُ عَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) الصَّلَاةُ [فِیهَا]فِی مَسْجِدِهَا بِعَشَرَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدِّرْهَمُ فِیهَا بِعَشَرَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ الْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله) وَ حَرَمُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیٍّ (علیه السلام) الصَّلَاةُ فِی مَسْجِدِهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ

با همين اسنادى كه گذشت از حضرت امام صادق عليه السّلام نقل شده كه فرمودند:

مكّه حرم خدا و رسول او و مولانا على بن ابى طالب عليه السّلام مى‌باشد، يک نماز در آن معادل با صد هزار نماز بوده و يک درهم در آن انفاق كردن برابر با صد هزار درهم مى‌باشد.

و مدينه منوّره حرم خدا و رسولش صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و حرم امير المؤمنين عليه السّلام مى‌باشد يک نماز در مسجد آن معادل با ده هزار نماز بوده و يک درهم انفاق كردن در آن برابر با ده هزار درهم مى‌باشد.

و كوفه حرم خدا و رسولش صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و حرم امير المؤمنين على عليه السّلام مى‌باشد، يک نماز در مسجد آن معادل با هزار نماز مى‌باشد.

۹– حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ حَدُّ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ الرَّوْحَاءُ

محمّد بن الحسين بن مت الجوهرى، از محمّد بن احمد بن يحيى، از احمد بن محمّد، از ابى محمّد، از على بن اسباط، از برخى اصحابمان، از مولانا ابى عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

حدّ مسجد سهله روحاء مى‌باشد.

حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ مِثْلَهُ

محمّد بن حسن بن احمد بن وليد، از محمّد بن حسن صفّار، از محمّد بن حسين، از على بن اسباط مثل روايت سابق را نقل كرده است.

۱۰– حَدَّثَنِی أَخِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَیْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی الْخَشَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ لِأَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ یَا أَبَا حَمْزَةَ هَلْ شَهِدْتَ عَمِّی لَیْلَةَ خَرَجَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ صَلَّی فِی مَسْجِدِ سُهَیْلٍ قَالَ وَ أَیْنَ مَسْجِدُ سُهَیْلٍ لَعَلَّكَ تَعْنِی مَسْجِدَ السَّهْلَةِ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَوْ صَلَّی فِیهِ رَكْعَتَیْنِ– ثُمَّ اسْتَجَارَ اللَّهَ لَأَجَارَهُ سَنَةً فَقَالَ لَهُ أَبُو حَمْزَةَ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی هَذَا مَسْجِدُ السَّهْلَةِ قَالَ نَعَمْ فِیهِ بَیْتُ إِبْرَاهِیمَ الَّذِی كَانَ یَأْتِی مِنْهُ إِلَی الْعَمَالِقَةِ وَ فِیهِ بَیْتُ إِدْرِیسَ الَّذِی كَانَ یَخِیطُ فِیهِ وَ فِیهِ مُنَاخُ الرَّاكِبِ وَ فِیهِ صَخْرَةٌ خَضْرَاءُ فِیهَا صُوَرُ الْأَنْبِیَاءِ [صُورَةُ جَمِیعِ النَّبِیِّینَ]وَ تَحْتَ الصَّخْرَةِ الطِّینَةُ الَّتِی خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهَا النَّبِیِّینَ وَ فِیهَا الْمِعْرَاجُ وَ هُوَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ مَوْضِعٌ مِنْهُ وَ هُوَ مَمَرُّ

النَّاسِ وَ هُوَ مِنْ كُوفَانَ وَ فِيهِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ إِلَيْهِ الْمَحْشَرُ يُحْشَرُ مِنْ جَانِبِهِ سَبْعُونَ أَلْفاً- يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ ... بِغَيْرِ حِسابٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ أفلح [أَفْلَجَ اللَّهُ حُجَجَهُمْ وَ ضَاعَفَ نِعَمَهُمْ فَإِنَّهُمُ الْمُسْتَبِقُونَ الْفَائِزُونَ الْقَانِتُونَ يُحِبُّونَ أَنْ يَدْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِهِمُ الْمَفْخَرَ وَ يُحَلَّوْنَ بِعَدْلِ اللَّهِ عَنْ لِقَائِهِ وَ أَسْرَعُوا فِي الطَّاعَةِ فَعَمِلُوا وَ عَلِمُوا أَنَّ اللّهَ بِما يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَيْسَ عَلَيْهِمْ حِسَابٌ وَ لَا عَذَابٌ يُذْهِبُ الضِّغْنَ يُطَهِّرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِنْ وَسَطِهِ سَارَ جَبَلُ الْأَهْوَازِ وَ قَدْ أَتَى عَلَيْهِ زَمَانٌ وَ هُوَ مَعْمُورٌ

برادرم علی بن محمّد بن قولویه، از احمد بن ادریس بن احمد، از عمران بن موسی، از حسن بن موسی الخشاب از علی بن حسان، از عمویش عبد الرّحمن بن کثیر، از ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی می‌گوید از امام صادق علیه السّلام شنیدم که به ابی حمزه ثمالی می‌فرمودند:

ای ابا حمزه آیا شاهد بودی عمویم شب خارج گردید؟

ابو حمزه گفت: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا وی در مسجد سهیل نماز گذارد؟

ابو حمزه گفت: مسجد سهیل کجا است؟ شاهد مقصودتان مسجد سهله است حضرت فرمودند.

بلی، سپس فرمودند:

حقّا اگر وی (یعنی عموی امام صادق علیه السّلام که زید بن علی بن الحسین علیهما السّلام باشد) در آن مسجد دو رکعت نماز می‌خواند سپس از خداوند پناه می‌خواست حقتعالی او را برای یک سال پناه می‌داد.

ابو حمزه محضر مبارکش عرض کرد:

پدر و مادرم فدایت شوند، این مسجدی که توصیفاتش را بیان فرمودید آیا مسجد سهله است؟ حضرت فرمودند:

بلی، در آن مسکن و منزل جناب ابراهیم علیه السّلام بوده که از آن بطرف عمالقه می‌رفت و ایشان را ارشاد می‌فرمود و نیز در آن منزل ادریس علیه السّلام است که در آن به خیاطت و دوزندگی اشتغال داشت و همچنین در آن استراحت‌گاه سواران و سنگ سبزی که در آن صورت و شمایل انبیاء نقش بسته شده می‌باشد و در زیر این سنگ گلی هست که خداوند عزّ و جل انبیاء را از آن آفریده و از این مکان و بمنزل معراج صورت گرفته و آن مکان به فاروق اعظم نامیده شده و آن محلّ عبور و مرور مردم به طرف محشر بوده و از کوفه محسوب می‌شود و دمیدن در صور در همین مکان واقع می‌شود و از همین مکان به محشر راه پیدا شده و هفتاد هزار نفر محشور گشته و از همین مکان به طرف بهشت بدون حساب رهسپار گردیده و داخل آن می‌شوند، ایشان کسانی هستند که حقتعالی آنها را رستگار نموده و نعمتهایش بر ایشان را مضاعف کرده است، ایشان در ورود به بهشت بر یک دیگر سبقت و پیشی می‌گیرند، رستگاران و امیدواران به رحمت حق بوده، دوست دارند فخر و کبر را از خود دور کنند، ایشان کسانی هستند که عدل حق تعالی آنها را از ملاقات پروردگارشان ترسان و خائف نموده، دیگر از اوصاف ایشان آن است که در طاعت و فرمان برادری حق شتاب نموده و طریق عمل را پیش گرفته و می‌دانند که خداوند متعال به آنچه انجام می‌دهند بصیر و آگاه است، حسابی بر ایشان نبوده چنانچه عذاب و موءاخذه‌ای متوجه ایشان نمی‌باشد.

این مکان کینه را از دل‌ها برده و موءمنین را از هر گونه آلودگی پاک می‌نماید، و از وسط آن کوه اهواز (در برخی نسخ «اهوان» ضبط شده) رد شده و روزگاری بر آن گذشته که در طی آن این مکان معمور و آباد بوده است.

مترجم گوید:

همان طوری که مرحوم علامه مجلسی عطّر اللّه مرقده در بحار فرموده الفاظ این حدیث از غلط و سقم خالی نمی‌باشد.

۱۱- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ

أَبِيهِ سَيْفٍ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَوْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ أَيُّ بِقَاعِ الْأَرْضِ أَفْضَلُ بَعْدَ حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ الْكُوفَةُ يَا أَبَا بَكْرٍ هِيَ الزَّكِيَّةُ الطَّاهِرَةُ فِيهَا قُبُورُ النَّبِيِّينَ الْمُرْسَلِينَ وَ قُبُورُ غَيْرِ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ الصَّادِقِينَ وَ فِيهَا مَسْجِدُ سُهَيْلٍ الَّذِي لَمْ يَبْعَثِ اللَّهُ نَبِيّاً إِلَّا وَ قَدْ صَلَّى فِيهِ وَ مِنْهَا يَظْهَرُ عَدْلُ اللَّهِ وَ فِيهَا يَكُونُ قَائِمُهُ وَ الْقُوَّامُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هِيَ مَنَازِلُ النَّبِيِّينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ

پدرم از سعد بن عبد اللّه و او از ابی عبد اللّه محمّد بن ابی عبد اللّه رازی جامورانی و او از حسین بن سیف بن عمیره و او از پدرش سیف و او از ابی بکر خضرمی و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام یا ابو جعفر علیه السّلام نقل نموده، می گوید:

محضر مبارکش عرضه داشتم: بعد از حرم خداوند عزّ و جل و حرم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم چه مکانی از زمین از امکنه دیگر برتر و اشرف می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

ای ابو بکر، آن زمین کوفه می‌باشد، این زمین پاک و پاکیزه بوده و در آن قبور انبیاء مرسل و غیر مرسل و اوصیاء انبیاء بوده و در آن مسجد سهیل قرار دارد، از خصوصیات این مسجد آن است که حق تعالی هیچ پیغمبری را مبعوث نفرموده مگر آنکه وی در آن نماز خوانده است و نیز از آن عدل الهی ظاهر و آشکار می گردد و در آن قائم حق تعالی قیام نموده و پس از آن عدالت را بر پای می‌فرماید، در این زمین منازل انبیاء و اوصیاء صالح می‌باشد.

۱۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَلَّمَ وَ جَلَسَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) مِنْ أَيِّ الْبِلَادِ أَنْتَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ أَنَا لَكَ مُحِبٌّ مُوَالٍ قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) أَ تُصَلِّي فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ كُلَّ صَلَاتِكَ قَالَ الرَّجُلُ لَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) أَ تَغْتَسِلُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ فُرَاتِكُمْ مَرَّةً قَالَ لَا- قَالَ فَفِي كُلِّ جُمْعَةٍ فَقَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ قَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ سَنَةٍ قَالَ لَا فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ قَالَ ثُمَّ قَالَ أَ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فِي كُلِّ جُمْعَةٍ قَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ قَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ سَنَةٍ قَالَ لَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ

محمّد حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدّش، از حسن بن محبوب، از حنان بن سدیر نقل نموده، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السّلام بودم که شخصی داخل شد و به آن جناب سلام نمود و نشست حضرت به او فرمودند:

از کدام دیار هستی؟

عرض کرد: از اهل کوفه بوده و دوست دار شما می‌باشم.

راوی می گوید: حضرت به او فرمودند:

آیا تمام نمازهایت را در مسجد کوفه می‌خوانی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

حقا که از خیر محروم هستی، سپس فرمودند:

آیا هر روز یک مرتبه از فرات غسل می کنی.

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: در هر ماه چطور، عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: در هر سال چه طور؟

عرض کرد: خیر حضرت فرمودند: در هر ماه چطور؟

عرض کرد: خیر حضرت فرمودند:

حقا که از خیر محروم می‌باشی.

راوی می‌گوید: حضرت سپس به او فرمود:

آیا قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را در هر جمعه زیارت می‌نمائی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال چه طور؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

حقّا که از خیر محروم می‌باشی.

۱۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِی عُبَیْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) لَا تَدَعْ یَا أَبَا عُبَیْدَةَ الصَّلَاةَ فِی مَسْجِدِ الْکُوفَةِ وَ لَوْ أَتَیْتَهُ حَبْواً فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِیهِ بِسَبْعِینَ صَلَاةً فِی غَیْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ

محمّد بن حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از جدّش علی بن مهزیار، از حسن بن محبوب، از علی بن رئاب از ابی عبیده حذّاء، وی می‌گوید:

حضرت ابو جعفر علیه السّلام فرمودند:

ای ابو عبیده نماز در مسجد کوفه را ترک مکن و حتما به آن مسجد برو و در آن اداء نماز کن اگر چه به روش اطفال روی دست و شکم حرکت کرده و خود را روی زمین بکشی چه آنکه یک نماز در آن معادل و مساوی با هفتاد نماز در مساجد دیگری می‌باشد.

۱۴- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَسْکَرِیُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا (علیه السلام) یَقُولُ الصَّلَاةُ فِی مَسْجِدِ الْکُوفَةِ فُرَادَی أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِینَ صَلَاةً فِی غَیْرِهِ جَمَاعَةً

ابو عبد الرحمن محمّد بن احمد بن حسین عسکری از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از حسن بن سعید، از محمّد بن سنان نقل کرده که وی گفت:

از حضرت رضا علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

یک نماز فرادی در مسجد کوفه خواندن برتر و با فضیلت‌تر از هفتاد نماز بطور جماعت خواندن در غیر آن می‌باشد.

۱۵- وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ ظَرِیفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ خَالِدٍ الْقَلَانِسِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ الصَّلَاةُ فِی مَسْجِدِ الْکُوفَةِ بِأَلْفِ صَلَاةٍ

ابو عبد الرحمن محمّد بن احمد بن حسین عسکری از حسن بن علی، از پدرش علی بن مهزیار از پدرش، از حسن بن سعید، از ظریف بن ناصح، از خالد قلانسی نقل کرده که وی گفت:

از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

یک نماز در مسجد کوفه معادل با هزار نماز در غیر آن می‌باشد.

۱۶- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِیعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ فُضَیْلٍ الْأَعْوَرِ عَنْ لَیْثِ بْنِ أَبِی سُلَیْمٍ قَالَ اسْتَقْبَلْتُهُ وَ قَدْ صَلَّی النَّاسُ الْعَصْرَ- فَقَالَ إِنِّی لَمْ أُصَلِّ الظُّهْرَ بَعْدُ فَلَا تَحْبِسْنِی وَ امْضِ رَاشِداً قَالَ قُلْتُ لِمَ أَخَّرْتَهَا إِلَی السَّاعَةِ قَالَ کَانَتْ لِی حَاجَةٌ فِی السُّوقِ فَأَخَّرْتُ الصَّلَاةَ حَتَّی أُصَلِّیَ فِی الْمَسْجِدِ- لِلْفَضْلِ الَّذِی بَلَغَنِی فِیهِ قَالَ فَرَجَعْتُ فَقُلْتُ أَیَّ شَیْءٍ رُوِّیتَ فِیهِ قَالَ أَخْبَرَنِی فُلَانٌ عَنْ فُلَانٍ عَنْ عَائِشَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یَقُولُ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ وَ إِنِّی هَبَطْتُ إِلَی الْأَرْضِ فَأُهْبِطْتُ إِلَی مَسْجِدِ أَبِی نُوحٍ (علیه السلام) وَ أَبِی إِبْرَاهِیمَ وَ هُوَ مَسْجِدُ الْکُوفَةِ فَصَلَّیْتُ فِیهِ رَکْعَتَیْنِ قَالَ ثُمَّ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِنَّ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ فِیهِ تَعْدِلُ حِجَّةً مَبْرُورَةً وَ النَّافِلَةَ تَعْدِلُ عُمْرَةً مَبْرُورَةً

پدرم و محمّد بن عبد اللّه جمیعا از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی، از حسن بن سعید از علی بن حکم، از فضیل اعور، از لیث بن ابی سلیم نقل کرده که وی می گفت:

نزد او رفتم در حالی که مردم نماز عصر را خوانده بودند، وی فرمود:

من هنوز نماز ظهر را نخوانده‌ام پس مرا معطّل مکن و از خواندن نماز باز مدار و برو ان شاء اللّه موفّق باشی.

راوی می گوید:

عرض کردم چرا نمازتان را به تأخیر انداخته و تا این ساعت نخوانده‌اید؟

فرمود:

در بازار کاری داشتم لذا خواندن نماز را به تأخیر انداخته تا آن را در این مسجد نخوانم زیرا فضیلتی که راجع به خواندن نماز در این مسجدت به سمعم رسیده بود مرا بر این داشت.

راوی می گوید:

دو مرتبه به سوءال و پرسش بر گشته و عرض کردم:

چه روایتی در این زمینه به شما رسیده؟

فرمود:

فلانی از فلانی از عائشه به من خبر داد که وی گفت:

از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شنیدم که می‌فرمودند.

زمانی که من را به آسمان عروج می‌دادند بناشد به زمین فرود آیم پس من به مسجد ابی نوح علیه السّلام و ابی ابراهیم که همان مسجد کوفه است نزول نموده و در آن دو رکعت نماز خواندم ...

سپس راوی می گوید عائشه گفت:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

یک نماز واجب در آن مسجد خواندن معادل با حج مقبول بوده و یک نافله خواندن در آن مساوی با یک عمره قبول شده می‌باشد.

۱۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ مَالِکِ بْنِ ضَمْرَةَ الرَّوَّاسِیِّ [الْعَنْبَرِیِّ]قَالَ قَالَ لِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) أَ تَخْرُجُ إِلَی الْمَسْجِدِ الَّذِی فِی ظَهْرِ دَارِکَ تُصَلِّی فِیهِ فَقُلْتُ لَهُ یَا

أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ذَاکَ مَسْجِدٌ تُصَلِّی فِیهِ النَّاسُ [النِّسَاءُ]فَقَالَ لِی یَا مَالِکُ ذَاکَ مَسْجِدٌ مَا أَتَاهُ مَکْرُوبٌ قَطُّ فَصَلَّی فِیهِ فَدَعَا اللَّهَ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ- وَ أَعْطَاهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ مَالِکٌ فَوَ اللَّهِ مَا أَتَیْتُهُ وَ لَا صَلَّیْتُ فِیهِ فَلَمَّا کَانَ لَیْلَةٌ أَصَابَنِی أَمْرٌ اغْتَمَمْتُ مِنْهُ فَذَکَرْتُ قَوْلَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) وَ قُمْتُ فِی اللَّیْلِ وَ انْتَعَلْتُ فَتَوَضَّأْتُ وَ خَرَجْتُ فَإِذَا عَلَی بَابِی مِصْبَاحٌ فَمَرَّ قُدَّامِی وَ مَرَرْتُ حَتَّی انْتَهَیْتُ إِلَی الْمَسْجِدِ فَوَقَفَ بَیْنَ یَدَیَّ وَ کُنْتُ أُصَلِّی فَلَمَّا فَرَغْتُ انْتَعَلْتُ وَ انْصَرَفْتُ- فَمَرَّ قُدَّامِی حَتَّی انْتَهَیْتُ إِلَی الْبَابِ فَلَمَّا أَنْ دَخَلْتُ ذَهَبَ فَمَا خَرَجْتُ لَیْلَةً بَعْدَ ذَلِکَ إِلَّا وَجَدْتُ الْمِصْبَاحَ عَلَی بَابِی وَ قَضَی اللَّهُ حَاجَتِی

محمّد بن حسن بن مهزیار از پدرش از جدّش علیّ بن مهزیار، از عثمان بن عیسی، از محمّد بن عجلان، از مالک بن ضمره رواسی (عنبری نسخه بدل) نقل نموده که وی گفت:

امیر الموءمنین علیه السّلام به من فرمودند:

آیا به مسجدی که پشت خانه‌ات هست می‌روی و نماز در آن می‌خوانی؟

محضر مبارک عرض کردم:

یا امیر الموءمنین در آن مسجد زنان نماز می گذارند.

حضرت فرمودند:

ای مالک محزون و غمگینی هرگز به این مسجد داخل نشده که در آن نماز خوانده و برای رفع حزن و غمش دعاء نموده باشد مگر آنکه حق تعالی حزنش را بر طرف و غمش را زائل کرده و خواسته‌اش را به او عطا فرموده.

مالک می گوید: به خدا قسم به آن مسجد نرفته و در آن نماز نخواندم تا شبی که گرفتار ناراحتی شده و بخاطر آن غم و اندوه مرا فرا گرفت پس فرموده امیر الموءمنین علیه السّلام بیادم آمد لا جرم در همان وقت شب بر خواسته و نعلینی به پا کرده و وضوء ساخته و از منزل خارج گشتم ناگهان درب منزل چراغی دیدم روشن که جلو من در حرکت است و من نیز در روشنائی آن گام برداشته تا به مسجد رسیدم در این هنگام چراغ از حرکت ایستاد و در جلو من متوقف گردید من به مسجد داخل شده و در آن نماز گزاردم و پس از فراغت از آن نعلین‌ها را به پاکرده و به منزل برگشتم در مراجعت همچنان چراغ را روشن و جلو خود در حرکت دیدم در پرتو آن قدم برداشته تا به درب منزل رسیدم و چون داخل خانه شدم چراغ از نظرم محو گشت و از آن شب به بعد هر شبی که به مسجد می‌رفتم چراغ را در منزل روشن می‌دیدم و حق تعالی حاجت و خواسته من را بر آورده فرمود.

۱۸- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو یُوسُفَ یَعْقُوبُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ وُلْدِ أَبِی فَاطِمَةَ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ زَیْدٍ مَوْلَی عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَی الْکَاهِلِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) وَ هُوَ فِی مَسْجِدِ الْکُوفَةِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ- فَرَدَّ عَلَیْهِ السَّلَامَ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی أَرَدْتُ الْمَسْجِدَ الْأَقْصَی فَأَرَدْتُ أَنْ أُسَلِّمَ عَلَیْکَ وَ أُوَدِّعَکَ فَقَالَ أَیَّ شَیْءٍ أَرَدْتَ بِذَلِکَ فَقَالَ الْفَضْلَ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ فَبِعْ رَاحِلَتَکَ وَ کُلْ زَادَکَ وَ صَلِّ فِی هَذَا الْمَسْجِدِ فَإِنَّ الصَّلَاةَ الْمَکْتُوبَةَ فِیهِ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ وَ النَّافِلَةَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ وَ الْبَرَکَةُ مِنْهُ عَلَی اثْنَیْ عَشَرَ مِیلًا یَمِینُهُ یُمْنٌ وَ یُسْرَاهُ مَکْرٌ وَ فِی وَسَطِهِ عَیْنٌ مِنْ دُهْنٍ وَ عَیْنٌ مِنْ لَبَنٍ وَ عَیْنٌ مِنْ مَاءٍ شَرَاباً لِلْمُؤْمِنِینَ وَ عَیْنٌ مِنْ مَاءٍ طَهُورٌ لِلْمُؤْمِنِینَ مِنْهُ سَارَتْ سَفِینَةُ نُوحٍ وَ کَانَ فِیهِ نَسْرٌ وَ یَغُوثُ وَ یَعُوقُ وَ صَلَّی فِیهِ سَبْعُونَ نَبِیّاً وَ سَبْعُونَ وَصِیّاً أَنَا أَحَدُهُمْ وَ قَالَ بِیَدِهِ فِی صَدْرِهِ مَا دَعَا فِیهِ مَکْرُوبٌ بِمَسْأَلَةٍ فِی حَاجَةٍ مِنَ الْحَوَائِجِ إِلَّا أَجَابَهُ اللَّهُ وَ فَرَّجَ عَنْهُ کُرْبَهُ

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی نقل نموده، وی گفت:

ابو یوسف یعقوب بن عبد اللّه که از فرزندان ابی فاطمه است برایم نقل نمود از اسماعیل بن زید که مولای عبد اللّه بن یحیی کاهلی است و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام روایت کرد که آن جناب فرمودند:

شخصی محضر مبارک امیر الموءمنین علیه السّلام رسید در حالی که آن حضرت در مسجد کوفه نزول اجلال داشتند بر حضرتش

سلام کرد و گفت:

السّلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

حضرت جواب سلامش را دادند.

وی عرض کرد: فدایت شوم عازم مسجد اقصی بودم گفتم ابتداء خدمت شما آمده سلام عرض کرده و با شما وداع نمایم.

حضرت فرمودند:

قصدت از رفتن به آن مسجد چیست؟

عرضه داشت: فدایت شوم درک فضیلت آن مسجد.

حضرت فرمودند:

مرکبت را بفروش و توشه‌ات را تناول کن و در همین مسجد نماز بگذار و نیازی به آن مسجد نیست زیرا یک نماز واجب در اینجا خواندن معادل با یک حجّ قبول شده بوده و یک نماز نافله گزاردن مساوی و برابر است با یک عمره مقبول، برکتی که از این مسجد ناشی می‌باشد تا فاصله دوازده میلی آن منتشر می‌باشند، جانب راست آن نیک بختی و برکت بوده و طرف چپش تزویر و فریب و در وسطش چشمه‌ای از روغن و چشمه‌ای از شیر و چشمه‌ای از آبی که شراب است برای مؤمنین و چشمه‌ای است از آب که برای اهل ایمان طهور و پاکیزه می‌باشد از همین مکان کشتی نوح علیه السّلام حرکت نمود و در همین مسجد بت‌های سه گانه یعنی: نسر و یغوث و یعوق بودند و در همین مسجد هفتاد و پیغمبر و هفتاد وصیّ که یکی از آنها من هستم نماز خوانده‌اند.

سپس در حالی که با دست مبارک اشاره می‌نمودند فرمودند:

در این مسجد هیچ محزون و مکروبی برای حاجتی از حوائجش دعاء نکرده مگر آنکه حق تعالی حزنش را بر طرف و غمش را زائل و حاجتش را روا ساخته است.

مترجم گوید:

اینکه حضرت فرمودند: بت‌های سه گانه یعنی: نسر و یغوث و یعوق در این مسجد بودند نه به ملاحظه شرافت مسجد از این رهگذر باشد بلکه اشاره به قدمت آن است که خود فضیلت و اعتباری محسوب می گردد.

۹] – باب نهم روشن نمودن و تعیین کردن مکان قبر امیر الموءمنین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ کُنْتُ وَ عَامِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُذَاعَةَ الْأَزْدِیُّ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقَالَ لَهُ عَامِرٌ إِنَّ النَّاسَ یَزْعُمُونَ أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) دُفِنَ بِالرَّحْبَةِ فَقَالَ لَا قَالَ فَأَیْنَ دُفِنَ قَالَ إِنَّهُ لَمَّا مَاتَ حَمَلَهُ الْحَسَنُ (علیه السلام) فَأَتَی بِهِ ظَهْرَ الْکُوفَةِ قَرِیباً مِنَ النَّجَفِ یَسْرَةً عَنِ الْغَرِیِّ یَمْنَةً عَنِ الْحِیرَةِ فَدُفِنَ بَیْنَ ذَکَوَاتٍ بِیضٍ قَالَ فَلَمَّا کَانَ بَعْدُ ذَهَبْتُ إِلَی الْمَوْضِعِ فَتَوَهَّمْتُ مَوْضِعاً مِنْهُ ثُمَّ أَتَیْتُهُ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ أَصَبْتَ أَصَبْتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ رَحِمَکَ اللَّهُ [أَصَبْتَ رَحِمَکَ اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ]

پدر و برادرم و علی بن حسین و محمد بن حسن رحمهٔ الله علیهم جملگی از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف نقل نموده‌اند و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از علی بن حکم و او از صفوان جمال حکایت کرده که وی گفت: من و عامر بن عبد اللّه بن جذاعه ازدی محضر امام صادق علیه السّلام بودیم، ناقل می گوید:

عامر به امام عرض نمود: مردم گمان دارند که امیر الموءمنین علیه السّلام در «رحبه» مدفون هستند حضرت فرمودند: خیر، این طور نیست.

راوی می گوید: عرضه داشتم پس آن حضرت در کجا مدفون می‌باشند؟

حضرت فرمودند:

وقتی امیر الموءمنین علیه السّلام رحلت فرمودند امام حسن علیه السّلام ایشان را به پشت کوفه در مکانی که نزدیک نجف و در چپ غری و راست حیره بود انتقال داده سپس بین ریگهای سفید و روشن آن حضرت را دفن نمودند.

راوی می گوید:

بعد از این به مکانی رفته و پنداشتم آن مکان مدفن حضرت امیر الموءمنین علیه السّلام است و سپس که محضر مبارک امام صادق علیه السّلام مشرّف شدم از پندار خود به آن جناب خبر داده و از صحّت و سقم آن جویا شدم، حضرت سه مرتبه فرمودند:

خداوند تو را رحمت کند در پندارت به صواب رفتی.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ الْحُسَیْنِ الْخَلَّالِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قُلْتُ لِلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (صلی الله علیه و آله) أَیْنَ دَفَنْتُمْ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) قَالَ خَرَجْنَا بِهِ لَیْلًا حَتَّی مَرَرْنَا عَلَی مَسْجِدِ الْأَشْعَثِ حَتَّی خَرَجْنَا إِلَی ظَهْرِ نَاحِیَةِ الْغَرِیِّ

محمّد بن حسن، از محمّد بن حسن صفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن ابی عمیر، از حسین خلّال از جدّش نقل نموده، وی گفت:

محضر حسین بن علی صلوات الله علیهما عرض کردم: امیر الموءمنین علیه السّلام را در کجا دفن نمودید؟

حضرت فرمودند:

پیکر مطهّر آن جناب را شب بیرون برده تا به مسجد اشعث رسیده و از آن گذشته تا به پشت ناحیه غری منتقلش نمودیم.

۳- حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ أَتَانِی عُمَرُ [عَمْرُو]بْنُ یَزِیدَ فَقَالَ لِی ارْکَبْ فَرَکِبْتُ مَعَهُ فَمَضَیْنَا حَتَّی نَزَلْنَا مَنْزِلَ حَفْصٍ الْکُنَاسِیِّ فَاسْتَخْرَجَهُ فَرَکِبَ مَعَنَا فَمَضَیْنَا حَتَّی أَتَیْنَا الْغَرِیَّ فَانْتَهَیْنَا إِلَی قَبْرٍ فَقَالَ انْزِلُوا هَذَا الْقَبْرَ قَبْرَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) فَقُلْنَا لَهُ مِنْ أَیْنَ عَرَفْتَ هَذَا قَالَ أَتَیْتُهُ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) حَیْثُ کَانَ فِی الْحِیرَةِ غَیْرَ مَرَّةٍ وَ خَبَّرَنِی أَنَّهُ قَبْرُهُ

گروهی از مشایخ من، از محمّد بن یحیی و او از احمد بن محمّد و او از ابن ابی عمیر و او از قاسم بن محمّد و او از عبد اللّه بن سنان نقل کرده که وی گفت:

عمرو بن یزید نزد من آمد و بمن گفت: سوار شو، من با او سوار شده و حرکت کردیم تا به منزل حفص کناسی رسیده و او را به بیرون خواندیم وقتی از منزل خارج شد با ما سوار گشته و هر سه حرکت کردیم تا به غری رسیده و از آنجا به حرکت خود ادامه دادیم تا منتهی به قبری شدیم عمرو بن یزید گفت فرود آئید این قبر، قبر امیر الموءمنین علیه السّلام است.

به او گفتیم: از کجا دانستی.

گفت: زمانی که حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در حیره بودند مکرّر با آن جناب به اینجا آمده و فرمودند: این قبر، قبر امیر الموءمنین علیه السّلام می‌باشد.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ یَزِیدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ هُوَ بِالْحِیرَةِ أَ مَا تُرِیدُ مَا وَعَدْتُکَ قَالَ قُلْتُ بَلَی یَعْنِی الذَّهَابَ إِلَی قَبْرِ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ (علیه السلام) قَالَ فَرَکِبَ وَ رَکِبَ إِسْمَاعِیلُ ابْنُهُ مَعَهُ وَ رَکِبْتُ مَعَهُمْ حَتَّی إِذَا جَازَ الثُّوَیَّةَ وَ کَانَ بَیْنَ الْحِیرَةِ وَ النَّجَفِ عِنْدَ ذَکَوَاتٍ بِیضٍ نَزَلَ وَ نَزَلَ إِسْمَاعِیلُ وَ نَزَلْتُ مَعَهُمْ فَصَلَّی فَصَلَّی إِسْمَاعِیلُ وَ صَلَّیْتُ فَقَالَ لِإِسْمَعِیلَ قُمْ فَسَلِّمْ عَلَی جَدِّکَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَ لَیْسَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) بِکَرْبَلَاءَ فَقَالَ نَعَمْ وَ لَکِنْ لَمَّا حُمِلَ رَأْسُهُ إِلَی الشَّامِ سَرَقَهُ مَوْلًی لَنَا فَدَفَنَهُ بِجَنْبِ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَع

پدرم و محمّد بن یعقوب از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از پدرش و او از یحیی بن زکریّا و او از یزید بن عمر بن طلحه نقل کرده که وی گفت:

زمانی که امام صادق علیه السّلام در حیره بودند به من فرمودند:

آیا اراده آنچه به تو وعده داده بودم را نداری؟

روای می‌گوید: عرضه داشتم چرا (یعنی رفتن به زیارت قبر الموءمنین علیه السّلام).

سپس راوی می‌گوید: امام علیه السّلام سوار مرکب شده و فرزندشان اسماعیل نیز با آن جناب سوار گشته و من نیز با ایشان سوار شدم و حرکت کردیم تا از وادی ثویه گذشته و بین حیره و نجف جنب ریگ‌های سفید و روشن حضرت پیاده شدند و اسماعیل نیز از مرکب به زیر آمد و من هم از مرکب پائین آمدم، حضرت نماز گزاردند و اسماعیل نیز با آن حضرت نماز خواند من هم نماز گزاردم سپس حضرت به اسماعیل فرمودند:

بایست و بر جدّت حسین بن علی علیهما السّلام، سلام بده.

من عرض کردم: فدایت شوم: آیا حضرت حسین علیه السّلام در کربلاء نیستند؟

فرمودند:

بلی ولی هنگامی که سر مطهّر آن حضرت را به شام آوردند یکی از دوستان ما آن را ربود و در جنب امیر الموءمنین علیه السّلام دفن نمود.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِیعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّیلٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَسَنِ الْخَزَّازِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِی الْفَرَجِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ کُنْتُ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَمَرَّ بِظَهْرِ الْکُوفَةِ فَنَزَلَ وَ صَلَّی رَکْعَتَیْنِ- ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِیلًا فَصَلَّی رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ سَارَ قَلِیلًا فَنَزَلَ فَصَلَّی رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مَوْضِعُ قَبْرِ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ فَمَا الْمَوْضِعَیْنِ اللَّذَیْنِ صَلَّیْتَ فِیهِمَا قَالَ مَوْضِعُ رَأْسِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ مَوْضِعُ مِنْبَرِ الْقَائِمِ (علیه السلام)

پدرم و محمّد بن حسن جملگی از حسن بن متّیل، و او از سهل بن زیاد و او از ابراهیم بن عقبه و او از حسن خزّاز و شاء و او از ابو الفرج و او از ابان بن تغلب نقل کرده که وی گفت:

در معيّت حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام بودم كه آن حضرت از پشت كوفه عبور فرموده و سپس از مركب به زير آمده و دو ركعت نماز خواندند و بعد اندكى جلو رفته و دو ركعت ديگر خوانده سپس كمى حركت فرموده و باز پياده شدند و دو ركعت نماز خوانده سپس فرمودند:

اين جا، قبر امير المؤمنين عليه السّلام است.

عرض كردم: فدايت شوم پس آن دو مكان كه در آن نماز خوانديد چه بود؟

حضرت فرمودند:

يكى مكان سر مطهّر حضرت حسين عليه السّلام بود و ديگرى جاى منبر قائم عليه السّلام مى‌باشد.

۶- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّكَ إِذَا أَتَيْتَ الْغَرِيَّ رَأَيْتَ قَبْرَيْنِ قَبْراً كَبِيراً وَ قَبْراً صَغِيراً فَأَمَّا الْكَبِيرُ فَقَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمَّا الصَّغِيرُ فَرَأْسُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع

پدرم از سعد بن عبد اللّه و او از حسن بن موسى الخشاب و او از على بن اسباط به طور مرفوعه نقل نموده و گفت:

امام صادق عليه السّلام فرمودند:

وقتى به غرىّ وارد شده دو قبر مى‌بينى: قبر بزرگ و قبر كوچك.

امّا قبر بزرگ آن قبر امير المؤمنين عليه السّلام است.

و امّا قبر كوچك: آن محل دفن سرّ مطهر حضرت حسين بن على عليه السّلام مى‌باشد.

۷- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) قَالَ سَارَ وَ أَنَا مَعَهُ مِنَ الْقَادِسِيَّةِ حَتَّى أَشْرَفَ عَلَى النَّجَفِ فَقَالَ هُوَ الْجَبَلُ الَّذِي اعْتَصَمَ بِهِ ابْنُ جَدِّي نُوحٍ (عليه السلام) فَقَالَ سَآوِي إِلى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْماءِ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ بِالنَّجَفِ أَ يَعْتَصِمُ بِكَ مِنِّي فَغَابَ فِي الْأَرْضِ- وَ تَقَطَّعَ إِلَى قِبَلِ الشَّامِ ثُمَّ قَالَ اعْدِلْ بِنَا فَعَدَلْتُ فَلَمْ يَزَلْ سَائِراً حَتَّى أَتَى الْغَرِيَّ فَوَقَفَ عَلَى الْقَبْرِ فَسَاقَ السَّلَامَ مِنْ آدَمَ عَلَى نَبِيٍّ وَ نَبِيٍّ ع وَ أَنَا أَسُوقُ مَعَهُ حَتَّى وَصَلَ السَّلَامَ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) ثُمَّ خَرَّ عَلَى الْقَبْرِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ عَلَا نَحِيبُهُ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ صَلَّيْتُ مَعَهُ وَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا هَذَا الْقَبْرُ فَقَالَ هَذَا قَبْرُ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع

محمّد بن عبد اللّه، از محمّد بن ابى عبد اللّه كوفى و او از موسى بن عمران نخعى و او از حسين بن يزيد نقل نموده كه وى گفت:

صفوان بن مهران از حضرت جعفر بن محمّد عليهما السّلام حديثى را اين طور نقل كرد:

صفوان مى‌گويد: امام عليه السّلام از سرزمين قادسيه حركت كردند در حالى كه من نيز همراه ايشان بودم تا به نجف رسيديم، حضرت فرمودند:

اين كوه همان كوهى است كه فرزند جدّم نوح عليه السّلام به آن پناه برد و گفت:

سَآوِي إِلى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْماءِ.

خداوند تبارك و تعالى به كوه خطاب نمود:

آيا او از من به تو پناه مى‌برد؟! پس از اين خطاب كوه در زمين نهان گشت و رشته‌اش تا قبل از سرزمين شام بريده و منهدم گرديد سپس به من فرمود:

به موازات من حركت كن.

پس من به موازات حضرتش حركت نمودم و پيوسته آن جناب مركب مى‌راندند تا به غرىّ رسيده پس بالاى قبرى توقف فرمود و سپس شروع نمودند به سلام دادن به يك يك از انبياء از حضرت آدم عليه السّلام آغاز نموده و نام هر كدام را جداگانه برده و به آنها سلام مى‌كردند و من نيز به متابعت از آن حضرت به هر يك از انبياء سلام مى‌دادم تا رسيدند به سلام بر نبى اكرم صلّى اللّه

عليه و آله و سلّم و پس از سلام به آن حضرت صورت مبارك را بر قبر مطهّر نهاده و بر صاحب قبر سلام نمودند و پس از آن صدا به گريه بلند نمودند و بعد از آن ايستاده و چهار ركعت نماز خواندند و من نيز با آن حضرت نماز گزاردم و پس از فراغ از نماز محضر مباركش عرض كردم: ای پسر رسول خدا صلّی اللّه عليه و آله و سلّم اين قبر كيست؟

فرمودند: اين قبر جدّم علی بن ابی طالب عليه السّلام می‌باشد.

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ ذَكَرْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) يَحْيَى بْنَ مُوسَى وَ تَعَرُّضَهُ لِمَنْ يَأْتِي قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ أَنَّهُ كَانَ يَنْزِلُ مَوْضِعاً كَانَ يُقَالُ بِهِ الثُّوَيَّةُ يَتَنَزَّهُ إِلَيْهِ أَلَا وَ قَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَوْقَ ذَلِكَ قَلِيلًا وَ هُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي رَوَى صَفْوَانُ الْجَمَّالُ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَصَفَهُ لَهُ قَالَ لَهُ فِيمَا ذَكَرَ إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْغَرِيِّ ظَهْرِ الْكُوفَةِ فَاجْعَلْهُ خَلْفَ ظَهْرِكَ وَ تَوَجَّهْ خَلْفَ النَّجَفِ وَ تَيَامَنْ قَلِيلًا فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الذَّكَوَاتِ الْبِيضِ وَ الثَّنِيَّةُ أَمَامَهُ فَذَلِكَ قَبْرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ أَنَا أَتَيْتُهُ كَثِيراً وَ مِنْ أَصْحَابِنَا مَنْ لَا يَرَى ذَلِكَ وَ يَقُولُ هُوَ فِي الْمَسْجِدِ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ هُوَ فِي الْقَصْرِ فَأَرُدُّ عَلَيْهِمْ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ لِيَجْعَلَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي الْقَصْرِ فِي مَنَازِلِ الظَّالِمِينَ وَ لَمْ يَكُنْ يُدْفَنُ فِي الْمَسْجِدِ وَ هُمْ يُرِيدُونَ سَتْرَهُ فَأَيُّنَا أَصْوَبُ قَالَ أَنْتَ أَصْوَبُ مِنْهُمْ أَخَذْتَ بِقَوْلِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) قَالَ ثُمَّ قَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا أَرَى أَحَداً مِنْ أَصْحَابِنَا يَقُولُ بِقَوْلِكَ وَ لَا يَذْهَبُ مَذْهَبَكَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَمَّا ذَلِكَ شَيْءٌ مِنَ اللَّهِ قَالَ أَجَلْ إِنَّ اللَّهَ يُوَفِّقُ مَنْ يَشَاءُ وَ يُؤْمِنُ عَلَيْهِ فَقُلْ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ وَ احْمَدْهُ عَلَيْهِ

محمّد بن احمد بن علی بن يعقوب، از علی بن حسن بن علی بن فضّال و از پدرش و او از حسن بن جهم بن بكير نقل نموده كه وی گفت: محضر مبارك ابی الحسن عليه السّلام از يحيی بن موسی ياد كرده و عرضه داشتم كه وی متعرض كسانی كه به زيارت قبر امير المومنين عليه السّلام می‌آيند می‌شود و در مكانی كه آن را ثويه می‌خوانند فرود آمده و آنجا را تفريح‌گاه خود قرار داده منتهی قبر امير المومنين عليه السّلام اندكی بالاتر از آنجا است و آن همان موضعی است كه صفوان جمّال از امام صادق عليه السّلام روايت كرده و حضرت برايش آنجا را توصيف فرموده، حضرت در ضمن اوصافی كه برای آن موضع ذكر فرمودند خاطر نشان نمودند:

وقتی به غری كه پشت كوفه واقع شده منتهی گشتی آنجا را پشت خود قرار بده و رو به پشت نجف نما و كمی به طرف راست مايل شو و وقتی به ريگ‌های سفيد و روشن منتهی گشتی و ثنيّه جلو آن واقع شد همان جا قبر امير المومنين عليه السّلام می‌باشد.

راوی (حسن بن جهم) می‌گويد: من به اين مكان بسيار آمده‌ام.

سپس محضر امام عليه السّلام (حضرت ابی الحسن) عرض كرد:

بعضی از اصحاب ما رأيشان غير از اين بوده و معتقدند كه قبر در مسجد است و برخی ديگر آن را در قصر می‌دانند ولی من در ردّ ايشان می‌گويم:

خداوند متعال هرگز قبر امير المومنين عليه السّلام را در قصر كه منزل ظالمين است قرار نمی‌دهد چنانچه هيچ گاه نمی‌گذارد پيكر مطهّر آن جناب در مسجد دفن شود با اينكه قصد ظالمين پوشاندن و مخفی نگاه داشتن آن می‌باشد سپس محضر امام عليه السّلام عرض می‌كند:

كدام يك از ما در اين اعتقاد به صواب هستيم؟

حضرت فرمودند:

اعتقاد تو صحيح است، زيرا كه تو كلام جعفر بن محمد عليهما السّلام را اخذ نموده‌ای.

راوی می‌گويد:

سپس امام عليه السّلام به من فرمودند:

ای ابا محمّد احدی از اصحاب را نمی‌بینم که اعتقاد تو را داشته و به قول تو مایل باشد.

محضرش عرض کردم:

آیا این عنایت و لطفی از جانب حق تعالی می‌باشد؟

فرمودند:

بلی، خداوند به هر کس بخواهد توفیق داده و وی را امین قرار می‌دهد پس تو این عقیده را به توفیق حق تعالی بدان و او را در مقابل آن ستایش نما.

۹- وَ حَدَّثَنِی بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَلِیٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ بْنِ بُکَیْرٍ قَالَ ذَکَرْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ بِطُولِهِ

محمّد بن حسن و محمّد بن احمد بن حسین جمیعا از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از حسن بن علی بن فضّال، از حسن بن جهم بن بکیر نقل نموده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السّلام یادی نمودم از ... و همان حدیث قبلی را تماما نقل کرده است.

۱۰- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَشْیَمَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ یُونُسَ بْنِ ظَبْیَانَ قَالَ کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بِالْحِیرَةِ أَیَّامَ مَقْدَمِهِ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ فِی لَیْلَةٍ صَحْیَانَةٍ مُقْمِرَةٍ قَالَ فَنَظَرَ إِلَی السَّمَاءِ فَقَالَ یَا یُونُسُ أَ مَا تَرَی هَذِهِ الْکَوَاکِبَ مَا أَحْسَنَهَا أَمَا إِنَّهَا أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ یَا یُونُسُ فَمُرْ بِإِسْرَاجِ الْبَغْلِ وَ الْحِمَارِ فَلَمَّا أُسْرِجَا قَالَ یَا یُونُسُ أَیُّهُمَا أَحَبُّ إِلَیْکَ الْبَغْلُ أَوِ الْحِمَارُ قَالَ فَظَنَنْتُ أَنَّ الْبَغْلَ أَحَبُّ إِلَیْهِ لِقَوَّتِهِ فَقُلْتُ الْحِمَارُ فَقَالَ أُحِبُّ أَنْ تُؤْثِرَنِی بِهِ قُلْتُ قَدْ فَعَلْتُ فَرَکِبَ وَ رَکِبْتُ وَ لَمَّا خَرَجْنَا مِنَ الْحِیرَةِ قَالَ تَقَدَّمْ یَا یُونُسُ قَالَ فَأَقْبَلَ یَقُولُ تَیَامَنْ تَیَاسَرْ فَلَمَّا انْتَهَیْنَا إِلَی الذَّکَوَاتِ الْحُمْرِ قَالَ هُوَ الْمَکَانُ قُلْتُ نَعَمْ فَتَیَامَنَ ثُمَّ قَصَدَ إِلَی مَوْضِعٍ فِیهِ مَاءٌ وَ عَیْنٌ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ دَنَا مِنْ أَکَمَةٍ فَصَلَّی عِنْدَهَا ثُمَّ مَالَ عَلَیْهَا وَ بَکَی ثُمَّ مَالَ إِلَی أَکَمَةٍ دُونَهَا فَفَعَلَ مِثْلَ ذَلِکَ- ثُمَّ قَالَ یَا یُونُسُ افْعَلْ مِثْلَ مَا فَعَلْتُ فَفَعَلْتُ ذَلِکَ فَلَمَّا تَفَرَّغْتُ قَالَ لِی یَا یُونُسُ تَعْرِفُ هَذَا الْمَکَانَ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ الْمَوْضِعُ الَّذِی صَلَّیْتُ عِنْدَهُ أَوَّلًا هُوَ قَبْرُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) وَ الْأَکَمَةُ الْأُخْرَی رَأْسُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) أَنَّ الْمَلْعُونَ عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیَادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ لَمَّا بَعَثَ رَأْسَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) إِلَی الشَّامِ رُدَّ إِلَی الْکُوفَةِ فَقَالَ أَخْرِجُوهُ عَنْهَا لَا یُفْتَنْ بِهِ أَهْلُهَا فَصَیَّرَهُ اللَّهُ عِنْدَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) فَالرَّأْسُ مَعَ الْجَسَدِ وَ الْجَسَدُ مَعَ الرَّأْسِ

محمّد بن حسن و محمّد بن احمد بن حسین جمیعا از حسن بن علی بن مهزیار و او از پدرش علی بن مهزیار نقل نموده که وی می‌گفت:

علی بن احمد بن اشیم برایم نقل نمود از شخصی و او از یونس بن ظبیان حکایت کرد که وی گفت: در ایّامی که حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام در حیره بر ابی

جعفر وارد شده بودند شبی که هوا صاف و خالی از ابر بود و ماه در آسمان می‌درخشید من محضر مبارک امام علیه السّلام بودم آن جناب به آسمان نظر نموده و فرمودند:

یونس، می‌بینی که این ستارگان چه قدر زیبا هستند!؟

توجّه داشته باش که این کرات نورانی امان برای اهل آسمان هستند همان طوری که ما امان برای اهل زمین می‌باشیم، سپس فرمودند:

ای یونس، قاطر و الاغی را زین کن و بیاور.

وقتی هر دو زین شده و آماده گشتند حضرت فرمودند:

ای یونس، کدام یک را دوست داری. قاطر یا الاغ را؟

یونس می گوید: گمان کردم آن جناب قاطر را به خاطر نیرو و قوّه‌ای که دارد بیشتر دوست دارند سوار شوند لذا در جواب آن حضرت عرض کردم: من الاغ را بیشتر دوست دارم. حضرت فرمودند:

دوست دارم الاغ را به من دهی.

عرض کردم: من الاغ را سوار شدم.

به هر صورت حضرت بر قاطر و من نیز بر الاغ سوار شده و حرکت کردیم و وقتی از حیره بیرون رفتیم حضرت به من فرمودند:

ای یونس: جلو برو یونس می گوید: جلو رفتم حضرت می‌فرمود: به سمت راست و به سمت چپ برو (یعنی پیوسته آن جناب من را راهنمائی نموده گاهی می‌فرمودند به سمت راست برو و زمانی دستور می‌دادند که به چپ برو) و وقتی به ریگ‌های سرخ رسیدیم فرمودند: این همان مکان است.

من نیز حضرت را تصدیق کردم سپس آن جناب به سمت راست آن مکان

رفته و مقصودشان جایی بود که در آن آب و چشمه باشد و وقتی به چنین موضعی رسیدند از چشمه وضوء گرفته سپس به مکانی که بلند به نظر می‌رسید نزدیک شدند و در آنجا نماز خواندند و پس از نماز روی آن مکان خم شده و زمانی گریستند و سپس به مکان بلند دیگری که نزدیک آن بود رفته و عینا اعمال سابق را بجا آوردند و بعد فرمودند:

ای یونس آنچه را من عمل کردم تو نیز به جای آور.

پس من آنچه حضرت انجام داده بودند را به جای آوردم و بعد از فراغت به من فرمودند:

ای یونس دانستی این چه مکانی است؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: جایی که اوّل نماز خواندم آن قبر امیر الموءمنین علیه السّلام است و مکان دوّم محل دفن سر مطهّر حضرت حسین بن علی بن ابی طالب علیهما السّلام می‌باشد،

پس از آن اضافه نموده و فرمودند:

زمانی که عبید اللّه بن زیاد ملعون سر مبارک حضرت را به شام فرستاد از شام آن را به کوفه بر گرداندند وی به اصحابش گفت: این سر را از این شهر بیرون ببرید و باعث فتنه و آشوب بین اهل این شهر نشوید و بدین ترتیب خداوند متعال سر مبارک آن جناب را نزد امیر الموءمنین قرار داد و از آن پس سر به جسد ملحق شد و بدن با سر متّصل گردید.

۱۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ الزَّیَّاتِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنِّی لَمَّا کُنْتُ بِالْحِیرَةِ عِنْدَ أَبِی الْعَبَّاسِ کُنْتُ آتِی قَبْرَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) لَیْلًا وَ هُوَ بِنَاحِیَةِ النَّجَفِ إِلَی جَانِبِ الْغَرِیِّ النُّعْمَانِ فَأُصَلِّی عِنْدَهُ صَلَاةَ اللَّیْلِ وَ أَنْصَرِفُ قَبْلَ الْفَجْرِ

محمّد بن جعفر رزّاز از محمّد بن حسین بن ابی خطاب زیات و او از حسن بن محبوب و او از اسحق بن جریر نقل کرده که وی گفت:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هنگامی که در حیره نزد ابی العباس بودم شب‌ها به زیارت قبر امیر الموءمنین علیه السّلام می‌رفتم، قبر آن حضرت در ناحیه نجف به جانب غری النّعمان می‌باشد به هر صورت نزد قبر نماز شب را خوانده و پیش از طلوع فجر از آنجا بر می گشتم.

۱۲- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ مَوْضِعِ قَبْرِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) قَالَ فَوَصَفَ لِی مَوْضِعَهُ حَیْثُ دَکَادِکِ الْمِیلِ- قَالَ فَأَتَیْتُهُ فَصَلَّیْتُ عِنْدَهُ ثُمَّ عُدْتُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه

السلام) مِنْ قَابِلٍ فَأَخْبَرْتُهُ بِذَهَابِي وَ صَلَاتِي عِنْدَهُ فَقَالَ أَصَبْتَ فَمَكَثْتُ عِشْرِينَ سَنَةً أَصَلِّي عِنْدَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن حسين و او از حجّال و او از صفوان بن

مهران و او از مولانا ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل مى‌كند، وى مى‌گويد:

راجع به مكان قبر امير الموءمنين عليه السّلام از آن حضرت پرسيدم؟

حضرت وصف آن مكان را برايم بيان فرموده و اظهار داشتند:

موضعى است كه ريگ‌ها به روى هم انباشته شده و پشته‌اى ساخته‌اند.

راوى مى‌گويد:

به آن مكان رفته و در آنجا نماز خوانده سپس به محضر مبارك امام عليه السّلام بعدا مراجعت كرده و ايشان را از رفتن و نماز خواندنم در آنجا اطلاع دادم.

حضرت فرمودند: عمل صحيحى انجام دادى.

بعد از آن مدّت بيست سال در آنجا توقّف كرده و به خواندن نماز مشغول گرديدم.

۱۳- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ سَأَلْتُ الرِّضَا (عليه السلام) فَقُلْتُ أَيْنَ مَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَقَالَ الْغَرِيُّ فَقُلْتُ لَهُ

جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ يَقُولُونَ دُفِنَ فِي الرَّحْبَةِ قَالَ لَا وَ لَكِنْ بَعْضُ النَّاسِ يَقُولُ دُفِنَ بِالْمَسْجِدِ

پدرم از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمّد بن عيسى و او از احمد بن محمّد بن ابى نصر نقل كرده كه وى گفت:

از حضرت رضا عليه السّلام پرسيدم: جاى قبر امير الموءمنين عليه السّلام كجا است؟

حضرت فرمودند: غرىّ.

محضرش عرضه داشتم: فدايت شوم برخى مى‌گويند آن حضرت در رحبه دفن شده‌اند؟

حضرت فرمودند: خير ولى پاره‌اى معتقدند كه آن جناب در مسجد دفن گرديده است.

*** ***

*** ***

۱۰] - باب دهم ثواب زیارت امیر الموءمنین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَیْمَانَ النَّیْشَابُورِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْیَمَانِیِّ عَنْ مَنِیعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ یُونُسَ عَنْ أَبِی وَهْبٍ الْبَصْرِیِّ قَالَ دَخَلْتُ الْمَدِینَهَ فَأَتَیْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَتَیْتُکَ وَ لَمْ أَزُرْ قَبْرَ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ (علیه السلام) قَالَ بِئْسَ مَا صَنَعْتَ لَوْ لَا أَنَّکَ مِنْ شِیعَتِنَا مَا نَظَرْتُ إِلَیْکَ أَ لَا تَزُورُ مَنْ یَزُورُهُ اللَّهُ تَعَالَی مَعَ الْمَلَائِکَهِ وَ یَزُورُهُ الْأَنْبِیَاءُ مَعَ الْمُوءْمِنِینَ [وَ یَزُورُهُ الْمُوءْمِنُونَ]قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا عَلِمْتُ ذَلِکَ قَالَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَمِیرَ الْمُوءْمِنِینَ (علیه السلام) أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَئِمَّهِ کُلِّهِمْ وَ لَهُ ثَوَابُ أَعْمَالِهِمْ وَ عَلَی قَدْرِ أَعْمَالِهِمْ فُضِّلُوا

پدرم و محمّد بن یعقوب، از محمّد بن یحیی عطّار و او از حمدان بن سلیمان نیشابوری و او از عبد اللّه بن محمّد یمانی و او از منیع بن حجّاج و او از یونس و او از ابی وهب بصری نقل کرده که وی گفت:

داخل مدینه شده نزد حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام مشرّف شده محضرش عرضه داشتم:

فدایت شوم خدمت شما رسیدم ولی به زیارت قبر امیر الموءمنین علیه السّلام نرفته‌ام.

حضرت فرمودند:

بد کاری کردی اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی‌کردم، چرا زیارت نکردی کسی را که خداوند با فرشتگانش زیارتش می‌کنند، انبیاء و موءمنین زیارتش می‌نمایند؟

عرض کردم: فدایت شوم به این امر واقف نبودم.

حضرت فرمودند:

بدان که امیر الموءمنین علیه السّلام نزد حقتعالی از تمام ائمه علیهم السّلام افضل و برتر بوده و ثواب اعمال ایشان برای آن حضرت منظور می‌شود (یعنی غیر از اینکه در قبال اعمال خود آن جناب حق تعالی ثواب لحاظ می‌کند اعمال ائمه هدی علیهم السّلام نیز موجب حصول ثواب برای حضرتش می‌باشد) در حالی که حضرات ائمّه علیهم السّلام به مقدار اعمال صادره از خودشان فضیلت و برتری عائدشان می‌شود.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ أَبِی عَلِیٍّ الْأَشْعَرِیِّ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِی ابْنُ سِنَانٍ قَالَ حَدَّثَنِی الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقُلْتُ إِنِّی أَشْتَاقُ إِلَی الْغَرِیِّ قَالَ فَمَا شَوْقُکَ إِلَیْهِ قُلْتُ لَهُ إِنِّی أُحِبُّ أَمِیرَ الْمُوءْمِنِینَ (علیه السلام) وَ أُحِبُّ أَنْ أَزُورَهُ قَالَ فَهَلْ تَعْرِفُ فَضْلَ زِیَارَتِهِ قُلْتُ لَا یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ- فَعَرِّفْنِی ذَلِکَ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ زِیَارَهَ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ (علیه السلام) فَاعْلَمْ أَنَّکَ زَائِرٌ عِظَامَ آدَمَ وَ بَدَنَ نُوحٍ وَ جِسْمَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) قُلْتُ إِنَّ آدَمَ هَبَطَ بِسَرَنْدِیبَ فِی مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَ زَعَمُوا أَنَّ عِظَامَهُ فِی بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَکَیْفَ صَارَتْ عِظَامُهُ بِالْکُوفَهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَوْحَی إِلَی نُوحٍ (علیه السلام) وَ هُوَ فِی السَّفِینَهِ أَنْ یَطُوفَ بِالْبَیْتِ أُسْبُوعاً فَطَافَ کَمَا أَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهِ ثُمَّ نَزَلَ فِی الْمَاءِ إِلَی رُکْبَتَیْهِ فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتاً فِیهِ عِظَامُ آدَمَ فَحَمَلَ التَّابُوتَ فِی جَوْفِ السَّفِینَهِ حَتَّی طَافَ بِالْبَیْتِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی أَنْ یَطُوفَ- ثُمَّ وَرَدَ إِلَی بَابِ الْکُوفَهِ فِی وَسَطِ مَسْجِدِهَا فَفِیهَا قَالَ اللَّهُ لِلْأَرْضِ ابْلَعِی ماءَکِ فَبَلَعَتْ مَاءَهَا مِنْ مَسْجِدِ الْکُوفَهِ کَمَا بَدَأَ الْمَاءُ مِنْ مَسْجِدِهَا وَ تَفَرَّقَ الْجَمْعُ الَّذِی کَانَ مَعَ نُوحٍ فِی السَّفِینَهِ- فَأَخَذَ نُوحٌ التَّابُوتَ فَدَفَنَهُ بِالْغَرِیِّ وَ هُوَ قِطْعَهٌ مِنَ الْجَبَلِ الَّذِی کَلَّمَ اللَّهُ عَلَیْهِ مُوسَی تَکْلِیماً وَ قَدَّسَ عَلَیْهِ عِیسَی تَقْدِیساً وَ اتَّخَذَ عَلَیْهِ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا وَ اتَّخَذَ عَلَیْهِ مُحَمَّداً حَبِیباً وَ جَعَلَهُ لِلنَّبِیِّینَ مَسْکَناً وَ اللَّهِ مَا سَکَنَ فِیهِ أَحَدٌ بَعْدَ آبَائِهِ الطَّاهِرِینَ- آدَمَ وَ نُوحٍ أَکْرَمُ مِنْ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ (علیه السلام) فَإِذَا أَرَدْتَ جَانِبَ النَّجَفِ فَزُرْ عِظَامَ آدَمَ وَ بَدَنَ نُوحٍ وَ جِسْمَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) فَإِنَّکَ زَائِرٌ الْآبَاءَ الْأَوَّلِینَ وَ مُحَمَّداً (صلی الله علیه و آله) خَاتَمَ النَّبِیِّینَ وَ عَلِیّاً سَیِّدَ الْوَصِیِّینَ فَإِنَّ زَائِرَهُ تُفْتَحُ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ عِنْدَ دَعْوَتِهِ فَلَا تَکُنْ عَنِ الْخَیْرِ نَوَّاماً

محمّد بن يعقوب از ابو على اشعرى و او از كسى كه نامش را برده و او از محمّد بن سنان.

و نيز محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حميرى، از پدرش و او از محمّد بن حسين بن ابى الخطاب نقل كرده كه وى گفت:

ابن سنان گفته است: مفضل بن عمر برايم چنين حكايت نمود:

گفت: محضر امام صادق عليه السّلام داخل شده عرض كردم: مايل و مشتاقم كه به غرىّ بروم حضرت فرمودند:

چه اشتياقى به آن دارى؟

عرض كردم: امير المومنين عليه السّلام را دوست داشته و به زيارتش علاقمند هستم.

حضرت فرمودند:

آيا فضيلت زيارت آن حضرت را مى‌دانى؟

عرضه داشتم: خير اى فرزند رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم، من را از آن آگاه و مطّلع بفرمائيد.

حضرت فرمودند:

هر گاه اراده زيارت امير المومنين عليه السّلام را نمودى بدان كه در واقع استخوان‌هاى حضرت آدم عليه السّلام و بدن نوح عليه السّلام و جسم امير المومنين عليه السّلام را زيارت مى كنى.

عرض كردم:

حضرت آدم در سرنديب محل طلوع آفتاب هبوط نمود و عموم معتقدند استخوانهايش در بيت اللّه الحرام دفن شده پس چطور مى‌فرمائيد در كوفه مى‌باشد؟! حضرت فرمودند:

خداوند متعال به حضرت نوح عليه السّلام در حالى كه در كشتى بود وحى فرمود كه هفت بار طواف بيت نمايد، آن جناب طبق آنچه به وى وحى شده بود طواف نمود سپس از كشتى بيرون آمد و تا زانوهايش در آب فرورفت، تابوتى كه در آن استخوانهاى حضرت آدم بود را از آب بيرون آورده و آن را به داخل كشتى حمل فرمود و بدنبال آن مطابق خواسته حق تعالى دور بيت طواف نمود و پس از آن وارد درب كوفه كه در وسط مسجد كوفه هست گرديد در اين وقت بود كه حق تعالى به زمين فرمود: آبى كه در بردارى فرو ببر، پس زمين آبش را از مسجد كوفه فرو برد همان طورى كه قبلا از همين مسجد ظاهر ساخته بود و به هر صورت گروهى كه با نوح در سفينه بودند متفرّق گشته سپس جناب نوح تابوت را در غرى دفن كرد (غرى قطعه‌اى از كوهى است كه موسى عليه السّلام در آن با خدا تكلّم نمود و عيسى در آن تقديس گرديد و ابراهيم در آن به منصب خليلى نصب گرديد و حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم در آن حبيب خدا خوانده شد و همين كوه بود كه حق تعالى آن را مسكن انبياء قرار داد).

سپس حضرت فرمودند:

به خدا قسم بعد از آباء طاهرين پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم يعنى حضرت آدم و نوح عليهما السّلام احدى كريم‌تر از امير المومنين عليه السّلام در آن سكونت اختيار نكرده.

سپس فرمودند:

و بدين ترتيب هر گاه اراده كردى نجف را، پس استخوان‌هاى آدم و بدن نوح و جسم على بن ابى طالب عليه السّلام را زيارت كن كه زائر آباء اوّل و گذشته (آدم و نوح عليهما السّلام) و حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم كه خاتم انبياء است و حضرت علىّ عليه السّلام كه سيد

اوصياء بوده مى‌باشى و بايد توجه داشته باشى كه براى زائر آن حضرت درب‌هاى آسمان گشوده مى‌شود پس از اين خير عظيم غافل مباش.

۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ أَبِی شِهَابٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ الْحَسَنُ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یَا أَبَتِ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَکَ قَالَ بُنَیَّ مَنْ زَارَنِی حَیّاً أَوْ مَیِّتاً أَوْ زَارَ أَبَاکَ- کَانَ حَقّاً عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ أَزُورَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ

علی بن حسین از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از عثمان بن عیسی و او از معلّی بن ابی شهاب و او از مولانا ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده، وی می گوید:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

حضرت امام حسن علیه السّلام محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عرضه داشت:

ای پدر پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

فرزندم! کسی که من را زیارت کند در زمان حیات یا بعد از ممات یا پدر تو را زیارت کند بر خداوند عزّ و جلّ است که او را در روز قیامت زیارت کرده و از گناهانش برهاند.

۱۱] – باب یازدهم زیارت قبر امیر الموءمنین علیه السّلام و کیفیت زیارت و خواندن دعا در آنجا

۱- حَدَّثَنِی أَبُو عَلِیٍّ أَحْمَدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مَهْدِیٍّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی عَلِیُّ بْنُ صَدَقَهَٔ الرَّقِّیُّ قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُوسَی قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ (علیهم السلام) عَنْ أَبِیهِ جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ زَارَ زَیْنُ الْعَابِدِینَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) قَبْرَ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) وَ وَقَفَ عَلَی الْقَبْرِ فَبَکَی ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَمِیرَ الْمُوءْمِنِینَ وَ رَحْمَهُٔ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَمِینَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَی عِبَادِهِ [السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَمِیرَ الْمُوءْمِنِینَ]أَشْهَدُ أَنَّکَ جَاهَدْتَ فِی اللَّهِ

حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِکِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ (صلی الله علیه و آله) حَتَّی دَعَاکَ اللَّهُ إِلَی جِوَارِهِ وَ قَبَضَکَ إِلَیْهِ بِاخْتِیَارِهِ وَ أَلْزَمَ أَعْدَاءَکَ الْحُجَّهَٔ فِی قَتْلِهِمْ إِیَّاکَ مَعَ مَا لَکَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَهِٔ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِی مُطْمَئِنَّهًٔ بِقَدَرِکَ- رَاضِیَهًٔ بِقَضَائِکَ مُولَعَهًٔ بِذِکْرِکَ وَ دُعَائِکَ مُحِبَّهًٔ لِصِفْوَهِٔ أَوْلِیَائِکَ مَحْبُوبَهًٔ فِی أَرْضِکَ وَ سَمَائِکَ صَابِرَهًٔ عَلَی نُزُولِ بَلَائِکَ شَاکِرَهًٔ لِفَوَاضِلِ نَعْمَائِکَ ذَاکِرَهًٔ لِسَوَابِغِ آلَائِکَ مُشْتَاقَهًٔ إِلَی فَرْحَهِٔ لِقَائِکَ مُتَزَوِّدَهًٔ التَّقْوَی لِیَوْمِ جَزَائِکَ مُسْتَنَّهًٔ بِسُنَنِ أَوْلِیَائِکَ [أَنْبِیَائِکَ]مُفَارِقَهًٔ لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِکَ مَشْغُولَهًٔ عَنِ الدُّنْیَا بِحَمْدِکَ وَ ثَنَائِکَ ثُمَّ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَی الْقَبْرِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِینَ إِلَیْکَ وَالِهَهٌٔ وَ سُبُلَ الرَّاغِبِینَ إِلَیْکَ شَارِعَهٌٔ وَ أَعْلَامَ الْقَاصِدِینَ إِلَیْکَ وَاضِحَهٌٔ وَ أَفْئِدَهَٔ الْعَارِفِینَ مِنْکَ فَازِعَهٌٔ وَ أَصْوَاتَ الدَّاعِینَ إِلَیْکَ صَاعِدَهٌٔ وَ أَبْوَابَ الْإِجَابَهِٔ لَهُمْ مُفَتَّحَهٌٔ وَ دَعْوَهَٔ مَنْ نَاجَاکَ مُسْتَجَابَهٌٔ وَ تَوْبَهَٔ مَنْ أَنَابَ إِلَیْکَ مَقْبُولَهٌٔ وَ عَبْرَهَٔ مَنْ بَکَی مِنْ خَوْفِکَ مَرْحُومَهٌٔ وَ الْإِعَانَهَٔ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِکَ مَوْجُودَهٌٔ وَ الْإِغَاثَهَٔ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِکَ مَبْذُولَهٌٔ وَ عِدَاتِکَ لِعِبَادِکَ مُنْجَزَهٌٔ وَ زَلَلَ مَنِ اسْتَقَالَکَ مُقَالَهٌٔ وَ أَعْمَالَ الْعَامِلِینَ لَدَیْکَ مَحْفُوظَهٌٔ وَ أَرْزَاقَکَ إِلَی الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْکَ نَازِلَهٌٔ وَ عَوَائِدَ الْمَزِیدِ لَهُمْ مُتَوَاتِرَهٌٔ وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِینَ مَغْفُورَهٌٔ وَ حَوَائِجَ خَلْقِکَ عِنْدَکَ مَقْضِیَّهٌٔ وَ جَوَائِزَ السَّائِلِینَ عِنْدَکَ مَوْفُورَهٌٔ وَ عَوَائِدَ الْمَزِیدِ إِلَیْهِمْ وَاصِلَهٌٔ وَ مَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِینَ مُعَدَّهٌٔ وَ مَنَاهِلَ الظِّمَاءِ لَدَیْکَ مُتْرَعَهٌٔ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِی وَ اقْبَلْ ثَنَائِی وَ أَعْطِنِی رَجَائِی [جَزَائِی]وَ اجْمَعْ بَیْنِی وَ بَیْنَ أَوْلِیَائِی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَٔ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ (علیهم السلام) إِنَّکَ وَلِیُّ نَعْمَائِی وَ مُنْتَهَی رَجَائِی وَ غَایَهُٔ مُنَایَ فِی مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ أَنْتَ إِلَهِی وَ سَیِّدِی وَ مَوْلَایَ اغْفِرْ لِی وَ لِأَوْلِیَائِنَا وَ کُفَّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَ اشْغَلْهُمْ عَنْ أَذَانَا وَ أَظْهِرْ کَلِمَهَٔ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْیَا وَ أَدْحِضْ کَلِمَهَٔ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَی- إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیر

ابو علی احمد بن علی بن مهدی می گوید:

ابو علی بن صدقه رقّی برایم نقل نموده و گفت:

علی بن موسی علیه السّلام برایم نقل نموده و گفت:

پدرم حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدر بزرگوارش حضرت جعفر علیه السّلام نقل فرمود که آن جناب فرمودند:

حضرت زین العابدین علیه السّلام قبر امیر الموءمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام را به این کیفیّت زیارت کردند:

ابتداء بالای قبر توقّف نموده و فصلی گریسته و بعد از آن فرمودند:

سلام بر تو ای امیر موءمنان و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، سلام بر تو ای امین خدا در روی زمین و حجّتش بر بنده‌گان، سلام بر تو ای امیر موءمنان، شهادت می‌دهم که تو در راه خدا آن طور که شاید و باید جهاد نموده و به کتاب خدا عمل و سنن و احکام پیامبرش صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را پیروی کردی تا حق تعالی تو را به جوار خودش خواند و به اختیار خویش قبض روحت فرمود و به واسطه کشتنت دشمنان را در حالی که حجّت‌ها و براهین بالغه الهی بر جمیع خلایق در دست تو بود حق تعالی بر دشمنان اتمام حجّت نمود، بار خدایا نفس من را به تقدیرات خود مطمئن و به قضائت راضی و خشنود و به یاد و خواندنت حریص و نسبت به برگزیده‌گان از دوستانت محب و علاقه‌مند قرار بده، خداوندا من را در زمین و آسمانت محبوب دیگران نما و بر نزول بلاء و گرفتاری‌ها شکیبا و در مقابل نعمتهای بزرگت شاکر و نسبت به نعمتهای تامه و کاملات ذاکر و متوجه و به سرور و شادی ملاقاتت مشتاق گردان.

خداوندا تقوی و پرهیزکاری را زاد و توشه‌ام قرار بده برای روز جزایت، و موءدّبم کن به آداب دوستانت و بر حذرم دار از اخلاق و سجایای دشمنانت، خداوندا از تو می‌خواهم که بواسطه حمد و ستایشت از دنیا منصرفم نمائی.

سپس آن حضرت صورت مبارک بر قبر نهاده و عرضه داشت:

بار خدایا دل‌های خاشعین درگاهت واله تو است، و طرق و راه‌های مایلین به تو گشاده و باز و نشانه‌های قاصدین تو روشن و آشکار و دلهای عارفین از تو به فزع آمده، و صدای خوانندگانت بلند و درهای اجابت دعاهایشان گشوده و دعای کسانی که تو را می‌خوانند مستجاب و توبه بازگشت‌کنندگان به تو پذیرفته می‌باشد.

بار خدایا اشک گریه‌کنندگان از خوفت مورد ترحم تو واقع شده و کمک تو نسبت به آنان که از تو طلب کمک کرده‌اند در خارج تحقق یافته و پناهت به پناهندگان به تو بذل و اعطاء گردیده و وعده‌هایت به بندگان تحقق پیدا کرده و لغزش کسانی که از تو طلب عفو کرده‌اند معفو قرار داده شده و اعمال عمل‌کنندگان نزد تو محفوظ بوده و ارزاق بندگان از نزد تو به ایشان نازل گشته، و احسان‌ها و نیکی‌های فراوان بر بندگان پشت سر هم بوده و گناهان استغفارکنندگان بخشیده شده و حاجتهای مخلوقات به تو برآورده شده و پاداش‌های درخواست‌کنندگان از تو فراوان و نیکی‌های زیاد به آنها رسیده و خوان‌های طالبین طعام آماده و گسترده و آب‌خورگاه تشنگان نزد تو مملو و پر می‌باشد.

بار خدایا دعای من را مستجاب فرما و ستایش من را قبول نما و به من امید ببخش و بین من و دوستانم جمع فرما به حق محمّد و علیّ و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام، همانا تو ولی نعمت من و نهایت امیدم در برگشتن و درنگ نمودنم می‌باشی، توئی خدا و آقا و ولّی من، من و دوستان ما را ببخش و شرّ دشمنان را از ما بازدار و ایشان را از اذیّت به ما روی گردان، کلمه حق را آشکار و آن را مرتفع و افراشته نما و کلمه باطل را نابود و خوار گردان چه آنکه تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ رَحِمَهُ اللَّهُ فِیمَا ذَکَرَ مِنْ کِتَابِهِ الَّذِی سَمَّاهُ کِتَابَ الْجَامِعِ رَوَی عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) أَنَّهُ کَانَ یَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّکَ [أَنْتَ]أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقَّهُ- صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ لَقِیتَ اللَّهَ وَ أَنْتَ شَهِیدٌ عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَکَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَ جَدَّدَ عَلَیْهِ الْعَذَابَ جِئْتُکَ عَارِفاً بِحَقِّکَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِکَ مُعَادِیاً لِأَعْدَائِکَ وَ مَنْ ظَلَمَکَ أَلْقَی عَلَی ذَلِکَ رَبِّی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی إِنَّ لِی ذُنُوباً کَثِیرَةً فَاشْفَعْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ یَا مَوْلَایَ فَإِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَعْلُوماً وَ إِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهاً عَظِیماً وَ شَفَاعَةً وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی- وَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی وَ یَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) أَیْضاً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَکْرَمَنِی بِمَعْرِفَتِهِ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ (صلی الله علیه و آله) وَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ رَحْمَةً مِنْهُ لِی وَ تَطَوُّعاً مِنْهُ عَلَیَّ وَ مَنَّ عَلَیَّ بِالْإِیمَانِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی سَیَّرَنِی فِی بِلَادِهِ وَ حَمَلَنِی عَلَی دَوَابِّهِ وَ طَوَی لِیَ الْبَعِیدَ وَ دَفَعَ عَنِّی الْمَکْرُوهَ حَتَّی أَدْخَلَنِی حَرَمَ أَخِی [رَسُولِهِ وَ]نَبِیِّهِ وَ أَرَانِیهِ فِی عَافِیَةٍ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنِی مِنْ زُوَّارِ قَبْرِ وَصِیِّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ- جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِیّاً عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ اللَّهُمَّ عَبْدُکَ وَ زَائِرُکَ یَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِزِیَارَةِ قَبْرِ أَخِی نَبِیِّکَ [رَسُولِکَ]وَ عَلَی کُلِّ مَأْتِیٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَیْرُ مَأْتِیٍّ وَ أَکْرَمُ مَزُورٍ وَ أَسْأَلُکَ یَا اللَّهُ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ یَا جَوَادُ یَا وَاحِدُ یَا أَحَدُ یَا فَرْدُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إِیَّایَ مِنْ زِیَارَتِی فِی مَوْقِفِی هَذَا فَکَاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یُسَارِعُ فِی الْخَیْرَاتِ وَ یَدْعُوکَ رَهَباً وَ رَغَباً- وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ الْخَاشِعِینَ اللَّهُمَّ إِنَّکَ بَشَّرْتَنِی عَلَی لِسَانِ نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) فَقُلْتَ وَ بَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ. اللَّهُمَّ فَإِنِّی بِکَ مُؤْمِنٌ وَ بِجَمِیعِ أَنْبِیَائِکَ مُوقِنٌ فَلَا تُوقِفْنِی بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفاً تَفْضَحُنِی بِهِ عَلَی رُءُوسِ الْأَشْهَادِ بَلْ أَوْقِفْنِی مَعَهُمْ وَ تَوَفَّنِی عَلَی التَّصْدِیقِ بِهِمْ فَإِنَّهُمْ عَبِیدُکَ وَ أَنْتَ خَصَصْتَهُمْ بِکَرَامَتِکَ وَ أَمَرْتَنِی بِاتِّبَاعِهِمْ ثُمَّ تَدْنُو مِنَ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَمِینِ اللَّهِ عَلَی وَحْیِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ وَ مَعْدِنِ الْوَحْیِ وَ التَّنْزِیلِ وَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ

لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ الشَّاهِدِ عَلَى خَلْقِهِ وَ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمَظْلُومِينَ أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ وَ أَرْفَعَ وَ أَشْرَفَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ خَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ وَ وَصِيِّهِ [وَ وَصِيِّ رَسُولِكَ] الَّذِي انْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَ الدَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالاتِكَ وَ دَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ- وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ بَعْدِهِ الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْتَهُمْ أَنْصَاراً لِدِينِكَ وَ حَفَظَةً لِسِرِّكَ وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِكَ وَ أَعْلَاماً لِعِبَادِكَ وَ تُصَلِّي عَلَيْهِمْ مَا اسْتَطَعْتَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ السَّلَامُ عَلَى خَالِصَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْمُتَوَسِّمِينَ السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِكَ وَ وَازَرُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ خَافُوا بِخَوْفِهِ [لِخَوْفِهِ] السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ ثُمَّ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ وَ وَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ صَاحِبَ الْمِيسَمِ وَ الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِراً مُحْتَسِباً- مُجَاهِداً عَنْ دِينِ اللَّهِ مُوَقِّياً لِرَسُولِ اللَّهِ طَالِباً مَا عِنْدَ اللَّهِ رَاغِباً فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنِ افْتَرَى عَلَيْكَ وَ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَصَبَكَ حَقَّكَ وَ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرَاءٌ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَتْكَ وَ أُمَّةً جَحَدَتْ وَلَايَتَكَ وَ أُمَّةً تَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ وَ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ أُمَّةً حَادَتْ [حَالَتْ] عَنْكَ وَ خَذَلَتْكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ- وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ وَ بِئْسَ وِرْدُ الْوَارِدِينَ وَ بِئْسَ دَرَكُ الْمُدْرِكِ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعَنَاتِكَ وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَوَابِيتَ وَ الطَّوَاغِيتَ- وَ الْفَرَاعِنَةَ وَ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى وَ الْجِبْتَ وَ كُلَّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ كُلَّ مُفْتَرٍ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ أَوْلِيَاءَهُمْ وَ أَعْوَانَهُمْ وَ مُحِبِّيهِمْ لَعْناً كَثِيراً وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) ثَلَاثاً اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) ثَلَاثاً اللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً لَا تُعَذِّبُهُ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ وَ ضَاعِفْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ كَمَا شَاقُّوا وُلَاةَ أَمْرِكَ وَ أَعِدَّ لَهُمْ عَذَاباً لَمْ تُحِلَّهُ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَ أَدْخِلْ عَلَى قَتَلَةِ أَنْصَارِ رَسُولِكَ وَ قَتَلَةِ أَنْصَارِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى قَتَلَةِ أَنْصَارِ الْحَسَنِ وَ عَلَى قَتَلَةِ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ قَتَلَةِ مَنْ قُتِلَ فِي وَلَايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ عَذَاباً مُضَاعَفاً فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ وَ لَا تُخَفِّفْ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِكَ [مِنْ عَذَابِهَا] وَ هُمْ فِيهِ [فِيهَا] مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ- نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَدْ عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَ الْخِزْيَ الطَّوِيلَ بِقَتْلِهِمْ عِتْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَتْبَاعَهُمْ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السِّرِّ وَ ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَ تَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعاً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ (عليه السلام) وَ قُلْ سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ وَ النَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَ الشَّاهِدِينَ عَلَى أَنَّكَ صَادِقٌ [أَمِينٌ] صِدِّيقٌ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ- أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ وَ أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ وَلِيَّ رَسُولِهِ- بِالْبَلَاغِ وَ الْأَدَاءِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ بَابُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى وَ أَنَّكَ خَلِيلُ اللَّهِ وَ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ- وَ قَدْ أَتَيْتُكَ وَافِداً لِعَظِيمِ حَالِكَ وَ مَنْزِلَتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ أَتَيْتُكَ زَائِراً مُتَقَرِّباً إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ طَالِباً خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي أَتَيْتُكَ انْقِطَاعاً إِلَيْكَ وَ إِلَى وُلْدِكَ الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى بَرَكَةِ [بَرِيَّةِ] الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكَ مُسَلِّمٌ وَ أَمْرِي لَكَ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكَ مُعَدَّةٌ وَ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ فِي طَاعَتِكَ وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ أَلْتَمِسُ بِذَلِكَ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ مَنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِطَاعَتِهِ [بِصِلَتِهِ] وَ حَثَّنِي عَلَى بِرِّهِ وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَ هَدَانِي لِحُبِّهِ وَ رَغَّبَنِي فِي الْوِفَادَةِ إِلَيْهِ وَ إِلَى طَلَبِ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ يَسْعَدُ مَنْ تَوَلَّاكُمْ وَ لَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاكُمْ وَ لَا يَخْسَرُ مَنْ يَهْوَاكُمْ وَ لَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاكُمْ لَا أَجِدُ أَحَداً أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْراً لِي مِنْكُمْ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ دَعَائِمُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ وَ الشَّجَرَةُ الطَّيِّبَةُ- اللَّهُمَّ لَا تُخَيِّبْ تَوَجُّهِي إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ وَ آلِ

رَسُولِکَ اللَّهُمَّ أَنْتَ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِزِیَارَةِ مَوْلَایَ وَ وَلَایَتِهِ وَ مَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْنِی مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَ تَنْصُرُ بِهِ [یُنْتَصَرُ بِهِ وَ یَنْصُرُهُ]وَ مُنَّ عَلَیَّ بِنَصْرِکَ لِدِینِکَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ أَحْیِنِی عَلَی مَا حَیِیَ عَلَیْهِ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) وَ أَمِتْنِی عَلَی مَا مَاتَ عَلَیْهِ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع

محمّد بن حسن بن ولید رحمهٔ الله علیه در کتابی که نامش را «کتاب الجامع» نهاده می گوید:

از حضرت ابی الحسن علیه السّلام روایت شده که آن جناب هنگام زیارت قبر امیر الموءمنین علیه السّلام می‌فرمودند:

سلام بر تو ای ولی خدا، شهادت می‌دهم که تو اوّلین مظلوم و اوّلین کسی که حقّش غصب شده می‌باشی، صبر و تحمّل نمودی تا هنگامی که اجل تو را دریافت و شهادت می‌دهم که خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید بودی، عذاب کند خداوند متعال کشنده تو را به انواع عذاب‌ها و تجدید نماید بر او، آن به آن، عذاب را، نزد تو آمدم در حالی که به حقّت عارف و به شأن و مقاومت مستبصر و نسبت به دشمنان و ظالمینت دشمن می‌باشم ان شاء الله، خداوند را با همین مرام و عقیده ملاقات خواهم نمود، بدرستی که گناهان زیادی بر عهده من است پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش چه آنکه نزد خدا برای شما مقام و مرتبه‌ای معلوم و مشخصی بوده و جاه و جلال عظیمی ثابت می‌باشد و خود خداوند فرموده: وَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی.

و نیز حضرت هنگام زیارت قبر امیر الموءمنین علیه السّلام می‌فرمودند:

حمد سزاوار خداوندی است که به واسطه معرفت پیدا کردن به او و به رسولش صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و به کسانی که حق تعالی طاعتشان را واجب گرداند، بر من اکرام نمود و این رحمتی است از ناحیه حضرتش بر من و فضیلتی است که نصیبم فرموده و همچنین ستایش شایسته ذات مقدّسش بوده که به واسطه ایمان بر من منّت نهاد، حمد و ثناء خداوندی را سزد که من را در شهرهای روی زمینش سیر داد و بر پشت حیواناتش سوار نمود و راه‌های دور را برای من درهم پیچید و هر گونه گزند و ناراحتی را از من دور ساخت تا به حرم برادر رسول گرامیش داخلم نمود و آن را به من نشان داد در حالی که با عافیت و سلامتی می‌باشم، حمد سزاوار خداوندی است که من را از زائرین قبر وصیّ رسولش صلّی اللّه علیه و آله و سلّم قرار داد، حمد شایسته ذاتی است که من را به این معنا هدایت فرمود و اگر او هدایتم نمی‌کرد ابدا به آن راه نمی‌یافتم.

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از حق تعالی که تنها و بدون شریک است وجود ندارد و شهادت می‌دهم که حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده او است حق را از ناحیه خدا آورده است و شهادت می‌دهیم که حضرت علی علیه السّلام بنده خدا و برادر رسول او است.

بار خدایا، بنده‌ات و زائرت به واسطه زیارت قبر برادر پیغمبرت به سوی تو تقرّب می‌جوید در حالی که بر هر مزور و زیارت‌شده‌ای حقّی است که باید آن را نسبت به زائر اداء کند و تو بهترین و کریم‌ترین مزورها می‌باشی، و از تو در خواست می کنم ای اللّه و ای رحمان و ای رحیم و ای جواد و ای واحد و ای احد و ای فرد و ای صمد و ای کسی که نمی‌زاید و زائیده نشده و احدی همتایش نیست اینکه رحمتت را بر محمّد و آل محمد و اهل بیتش نصیب گردانی و اینکه پاداشی که در قبال این زیارت به من می‌دهی آزادی من از آتش جهنّم باشد، خداوندا من را از کسانی قرار بده که در کارهای خیر شتاب کرده و در حال خوف و رجاء تو را می‌خواند، خدایا من را از خاشعین درگاهت قرار بده، خداوندا تو با لسان پیامبرت به من بشارت داده و فرموده‌ای:

وَ بَشِّرِ الَّذِینَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ.

بار خدایا من به تو ایمان داشته و به تمام فرستادگانت یقین دارم از این رو انتظار دارم بعد از معرفت داشتن به ایشان من را در جایی نگه نداری که به طور علن و آشکار مقابل خلائق رسوایم نمائی بلکه تقاضایم این است که با این ذوات محترم من را نگاه داشته و در حالی که آنها را تصدیق دارم از دنیا ببری چه آنکه انبیاء عظام بنده گان تو بوده و تو ایشان را به کرامت خود اختصاص داده و به من امر کرده‌ای که اطاعتشان کنم سپس به قبر نزدیک شو و بگو:

سلام از خدا به تو و سلام بر محمد بن عبد اللّه که امین خدا است بر وحی و امور لازمه او از قبیل احکام واجبه و محرّمه و مرکز وحی و نزل آیات و پایان دهنده گذشتگان و گشاینده آیندگان است، قائم بر تمام اینها و شاهد بر تمام خلق بوده و چراغی فروزان و فروزنده می‌باشد سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد.

بار خدایا رحمت واسعه‌ات را بر محمّد و اهل بیتش که مظلومین در این سرا هستند بفرست رحمتی برتر و کامل‌تر و بالاتر و گران‌قدرتر از هر رحمتی که بر انبیاء و فرستادگان و برگزیدگانت فرستادی.

خداوندا رحمت خود را بر حضرت علی امیر الموءمنین علیه السّلام بفرست، وجود مبارکی که بنده تو و بهترین مخلوقاتت بعد از نبی و برادر رسول گرامیت و جانشین آن حضرت است، آقا و سروری که بعد از پیامبرت از میان مخلوقات انتخاب نموده و حضرتش را دلیل و نشان بر کسی که مسئول رساندن پیام‌هایت به خلق است قرار دادی، رهبری که سیاست‌مدار دین با عدالت تو بوده و فرجام و پایان دهنده داوری تو است در بین خلق، سلام و رحمت و برکات حقتعالی بر او باد.

خداوندا رحمت واسعه خود را بر پیشوایانی که فرزندان امیر الموءمنین علیه السّلام هستند نصیب گردان، ایشان پس از حضرتش علیه السّلام متصدّی امر تو می‌باشند، آنان پاکیزه‌گانی هستند که تو به عنوان انصار دین و حافظین سرّ و شاهدین بر خلق و شاخص‌ها برای بنده‌گانت انتخابشان نمودی، بار خدایا به مقداری که قدرت و توان داری رحمتت را بر ایشان نازل گردان، سلام بر پیشوایانی که امین‌ها محسوب می‌گردند، سلام بر آنان که انتخاب‌شده‌گان خداوند متعال از میان خلق می‌باشند، سلام بر پیشوایانی که صاحبان فراست هستند، سلام بر موءمنینی که به امر تو قیام نموده و دوستان خدا را نصرت و کمك کرده و بواسطه خوف آنها ایشان نیز خائف هستند سلام بر فرشتگان مقرّب خداوند.

سپس بگو:

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای امیر موءمنان، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای ستون دین و وارث علم گذشتگان و آینده‌گان و دارنده وسیله گذاردن داغ و نشان و صاحب راه مستقیم. شهادت می‌دهم که تو نماز را بپاداشته و زکات را اداء نموده و به معروف امر و از منکر نهی فرموده و رسول را متابعت کرده و کتاب خدا را آن طور که شایسته است تلاوت و در راه خدا به جهاد برخاسته و حق آن را اداء کرده و برای رضاء خدا و رسولش نصیحت نموده‌ای.

شهادت می‌دهم که نفس شریف و جان عزیزت را در راه خدا ایثار کرده در حالی که بر بلایا و سختی‌ها صابر و فرازها را آزموده و رسول خدا را حافظ و نگهدار و خواستار آنچه رضاء خدا است بوده و در آنچه باری تعالی وعده داده خود را مایل و راغب قرار داده و در طریق حقّ و صوابی که بودی گام برداشتی و در این راه شهید گشته در حالی که بر آنچه از امّت صادر گردیده شاهد و ناظر بوده و حقتعالی و رسول گرامیش و فرشتگان نیز شهادت می‌دهند که راه تو حق بوده و آنچه می‌باید اداء می‌کردی، اداء نمودی پس خداوند منّان به خاطر رسول عزیزش و اسلام و اهل آن را به تو جزاء دهد آن هم برترین جزاها را.

خداوند متعال لعنت کند کسی را که تو را کشت و آنکه مخالفت تو را نمود و همچنین لعنت کند کسی که بر تو بهتان بست و به تو ظلم و ستم نمود و نیز لعنت کند کسی را که حقّ تو را غضب نمود و آنکه وقتی این خبر به او رسید خشنود گردید، خدایا شاهد باش که من از ایشان متنفّر و بی‌زارم.

خداوند متعال لعنت کند امّت و گروهی را که با تو مخالفت کردند و طائفه‌ای را که ولایت تو را منکر شدند و قومی را که بر علیه تو تظاهر نمودند و جماعتی را که تو را کشتند و دسته‌ای را که از تو روی برتافته و خوارت نمودند، حمد و سپاس خدا را که دوزخ را جای‌گاه ایشان قرار داد و محقّقا محل ورود ایشان به موضعی است و محل ورود واردین نیز بد مکانی بوده و درك که طبقه زیرین دوزخ است و جایگاه ایشان می‌باشد نیز جایگاه بسیار بدی است.

خداوندا قاتلین انبیاء و اوصیاء ایشان را با تمام انحاء لعن، لعنت کن و گرمای آتش دوزخ را به ایشان برسان، خداوندا جبت‌ها (بت‌ها و ساحرها و کاهن‌ها) و طاغوت‌ها (شیطان‌ها) و فرعون‌ها و لات و عزّی و جبت و هر رقیب و ضدّ خداوندی که به جای حق تعالی خوانده می‌شود و تمام آنان که بر خداوند افتراء بسته‌اند لعنت نما، خداوندا تمام ایشان و تابعین آنها و پیروان و دوستان و کمک‌کنندگان و علاقه‌مندان ایشان را لعنت فراوان نما و بگو:

خداوندا قاتلین امیر الموءمنین علیه السّلام را لعنت بفرما (سه بار).

خداوندا ایشان را عذابی دردناک نما که احدی را چنین عذابی نکرده باشی، و عذاب خود را بر ایشان دو چندان کن همان طوری که اولیاء امورت را به مشقّت و رنج انداختند و عذابی را که بر هیچ کس نکردی بر ایشان آماده نما.

خداوندا بر قاتلین انصار رسولت و کشندگان انصار امیر الموءمنین و قاتلین انصار امام حسن و امام حسین علیهم السّلام و کشندگان کسانی که در راه ولایت و دوستی آل محمد علیهم السّلام کشته شده‌اند عذابی وارد نما که برابر دو چندان عذاب دیگران بوده و آنها را در جایگاه زیرین جهنم قرار بده و هرگز در عذابشان تخفیف مده در حالی که به شدّت در حسرت بوده و از رحمتت به دور مانده و نزد پروردگارشان سر افکنده هستند، ایشان به واسطه کشتن عترت انبیاء و پیامبران و بندگان صالح ندامت و ذلّت طولانی را معاینهٔ حسّ خواهند نمود.

خداوندا ایشان را در اخفی الخفاء و اظهر الظهور، در زمینت و آسمانت لعنت نما.

خداوندا نسبت به دوستانت برای من زبانی صادق و راستگو قرار بده و حب و دوستی زیارت مشاهدشان را نصیبم گردان تا اینکه به ایشان ملحقم نموده و در دنیا و آخرت تابع و دنباله رو آنها قرارم دهی ای مهربان‌تر از هر مهربانی.

سپس بالای سر آن حضرت بنشین و بگو:

سلام خدا و سلام فرشتگان و سلام آنان که با قلبشان تسلیم تو بوده و به فضل تو گویا و مقرّ بوده و شهادت می‌دهند که تو راست گو و بسیار راستگو می‌باشی، بر تو ای آقای من، سلام خدا بر تو و بر روح و جسم تو، شهادت می‌دهم که تو پاکیزگی و پاک و پاک شده می‌باشی.

شهادت می‌دهم ای ولیّ خدا و ولیّ رسولش که تو آنچه را مأمور به رساندنش بودی رساندی و امانتی که نزدت بود اداء کردی و شهادت می‌دهم که تو نزدیک‌ترین خلق به خدا بوده و باب اللّه (یعنی از راه تو باید به خدا نزدیک شد) هستی و وجه اللّه می‌باشی (یعنی اگر کسی بخواهد روی به خدا کند باید به تو روی نماید) و شهادت می‌دهم که تو دوست خالص خدا و بنده او و برادر رسولش می‌باشی.

همانا از راه دور به نزد تو آمده‌ام زیرا حال و منزلت نزد خدا و رسولش بسیار عظیم و عالی است.

به نزدت آمده‌ام به حال زیارت در حالی که بواسطه این زیارت به حق تعالی تقرّب جسته و رهائی نفسم از زندان شهوات را طلب نموده و از آتش دوزخی که همچون من به واسطه جنایت بر نفس و ظلم بر خود استحقاقش را دارم به تو پناه می‌برم.

به نزدت آمده‌ام در حالی که از دیگران جدا و به تو و فرزندانت که در هدایت مردم و رفع شبهات و ازاله جهل از ایشان جانشینان بعد از تو هستند متّصل و مایلم لذا دل و قلبم تسلیم و افعال و اعمال تابع و کمک و نصرتم برای تو آماده می‌باشد و من بنده خدا و در طریق طاعت و فرمان برداری غلامت بوده و در کوچ و سفر نمودن توجّهم به تو می‌باشد و بواسطه این معنا کمال منزلت و نهایت مرتبه را در نزد خدا طلب می‌کنم ای آقای من تو آن کسی هستی که حق تعالی فرمان به اطاعتش را به من داده و بر احسان به او وادارم کرده و بر فضل و شرافتش دلالت و به حبّ و دوستیش هدایتم نموده و در پیمودن راه به سویش و نیز به طلب حوائج نزدش ترغیبم کرده‌ای، شما خاندانی هستید که آن کس که شما را دوست بدارد سعادتمند گشته و آنکه نزدتان آید را ناامید نکرده و کسی که هوای شما را داشته باشد زیان ننموده و آنکه با شما دشمنی کند سعادتمند نمی‌گردد، هرگز سراغ ندارم کسی

را که خیر رساننده‌تر باشد از شما به من، شما خاندان رحمت و ستون‌های دین و رکن‌های زمین و شجره طیبه می‌باشید.

خداوندا امیدی که از ناحیه توجّهم به تو به واسطه رسول و آل او می‌باشد را به ناامیدی مبدّل مکن.

خداوندا به واسطه زیارت آقایم و دوستی و معرفتش بر من منّت نهاده‌ای پس من را از کسانی قرار بده که او را کمک کرده‌ای.

خداوندا با کمک نمودنت دین خود را بر من در دنیا و آخرت منّت بگذار.

خداوندا من را زنده بدار بر آنچه علی بن ابی طالب علیه السّلام بر آن زنده بود و بمیران بر آنچه علی بن ابی طالب علیه السّلام بر آن از دنیا رحلت فرمود.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ وَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الصَّادِقِ (علیه السلام) أَوْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ (علیه السلام) قَالَ تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ لَقِیتَ اللَّهَ وَ أَنْتَ شَهِیدٌ عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَکَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَ جَدَّدَ عَلَیْهِ الْعَذَابَ جِئْتُکَ عَارِفاً بِحَقِّکَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِکَ مُوَالِیاً لِأَوْلِیَائِکَ مُعَادِیاً لِأَعْدَائِکَ وَ مَنْ ظَلَمَکَ أَلْقَی عَلَی ذَلِکَ رَبِّی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی إِنَّ لِی ذُنُوباً کَثِیرَةً فَاشْفَعْ لِی إِلَی رَبِّکَ فَإِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَعْلُوماً وَ إِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهاً وَ شَفَاعَةً وَ قَالَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی وَ هُمْ مِنْ خَشْیَتِهِ مُشْفِقُونَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ مِثْلَهُ

محمّد بن یعقوب از کسی که برایش نقل کرده و او از سهل بن زیاد و او از محمّد بن اورمه و نیز پدرم از حسین بن حسن بن ابان و او از محمّد بن اورمه و او از کسی که برایش نقل نموده و او از امام صادق علیه السّلام یا از حضرت ابی الحسن الثالث علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

نزد قبر امیر الموءمنین علیه السّلام بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا، تو اوّل مظلوم و اوّل کسی هستی که حقّش غصب شده، صبر نموده و تحمّل کردی تا موت تو را دریافت و شهادت می‌دهم که خدا را ملاقات نمودی در حالی که شهید بودی، خدا قاتل و کشنده تو را به انواع عذاب‌ها معذّب نموده و آن را بر او تجدید نماید، به نزدت آمده در حالی که به حقّت آگاه و به شأن و مرتبه‌ات مطّلع و نسبت به دوستانت دوست و دشمنان و آنان که به تو ظلم کرده‌اند دشمن می‌باشم، خدا را با همین حال ملاقات خواهم نمود ان شاء اللّه تعالی.

همانا گناهان زیادی در عهده من بوده پس نزد پروردگارت من را شفاعت فرما زیرا برای تو نزد او مقام و مرتبه‌ای معلوم بوده و در درگاهش شوکتی عظیم و حق شفاعت داری و خداوند خود در قرآن کریمش فرموده:

وَ لا یَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی وَ هُمْ مِنْ خَشْیَتِهِ مُشْفِقُونَ.

محمّد بن جعفر رزّاز قرشی از محمّد بن عیسی بن عبید و او از برخی اصحاب و او از حضرت ابی الحسن ثالث علیه السّلام مثل همین زیارت را نقل نموده.

۱۲] – باب دوازدهم وداع قبر امیر الموءمنین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ فِی کِتَابِ الْجَامِعِ یَرْوِی عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُوَدِّعَ قَبْرَ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ (علیه السلام) فَقُلِ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَ أَسْتَرْعِیکَ وَ أَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ- آمَنَّا [إِیمَاناً]بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ [بِالرُّسُلِ وَ بِمَا جَاءَتْ بِهِ وَ دَعَتْ إِلَیْهِ وَ دَلَّتْ عَلَیْهِ- فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِینَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِی إِیَّاهُ فَإِنْ تَوَفَّیْتَنِی قَبْلَ ذَلِکَ فَإِنِّی أَشْهَدُ فِی مَمَاتِی عَلَی مَا کُنْتُ] شَهِدْتُ]عَلَیْهِ فِی حَیَاتِی أَشْهَدُ أَنَّکُمُ الْأَئِمَّةُ- وَ تُسَمِّیهِمْ وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَ حَارَبَهُمْ مُشْرِکُونَ وَ مَنْ رَدَّ عَلَیْهِمْ وَ رَدَّ عِلْمَهُمْ فِی أَسْفَلِ دَرْکٍ مِنَ الْجَحِیمِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ حَارَبَهُمْ لَنَا أَعْدَاءٌ وَ نَحْنُ مِنْهُمْ بَرَاءٌ وَ أَنَّهُمْ حِزْبُ الشَّیْطَانِ وَ عَلَی مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلائِکَةِ وَ النّاسِ أَجْمَعِینَ وَ مَنْ شَرِکَ فِیهِمْ وَ مَنْ سَرَّهُ قَتْلُهُمْ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ التَّسْلِیمِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِهِ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِی مَعَ هَوءُلَاءِ الْمُسَمَّیْنَ الْأَئِمَّةِ اللَّهُمَّ وَ ذَلِّلْ قُلُوبَنَا لَهُمْ بِالطَّاعَةِ-

وَ الْمُنَاصَحَةِ وَ الْمَحَبَّةِ وَ حُسْنِ الْمُوَازَرَةِ

محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید در کتاب جامع از حضرت ابو الحسن علیه السّلام روایت نموده که آن جناب فرمودند: هنگامی که خواستی قبر امیر الموءمنین علیه السّلام را وداع کنی بگو:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، تو را به خدا سپرده و از او خواستار نگاهبانی توام سلام بر تو می‌نمایم، به خدا و به رسولانش و به آنچه آورده و مردم را به آن دعوت کرده‌اند ایمان دارم پس ما را در زمره گواهان به این حقائق بنویس.

خدایا این زیارت را آخرین زیارتم قرار مده پس اگر مرا قبل از آن (زیارت دیگر) میراندی محققا در حال مردنم به آنچه در حال حیات شهادت دادم، شهادت می‌دهم. شهادت می‌دهم که شما ائمه و پیشوایان من هستید (در اینجا نام ائمه طاهرین سلام اللّه علیهم را یکی پس از دیگری ببر).

و شهادت می‌دهم کسانی که ایشان را کشته و با آنها به حرب برخاسته‌اند مشرک می‌باشند و شهادت می‌دهم به اینکه هر کس ایشان را ردّ کرده جای گاه‌اش در پست‌ترین طبقات دوزخ می‌باشد.

و شهادت می‌دهم به اینکه هر کس با ایشان به حرب برخاست دشمن ما است و ما از او تنفّر و دوری می‌جوئیم و قطعا در زمره حزب شیطان می‌باشد و بر کسانی که از ایشان را کشتند، لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردم باد و نیز لعنت خدا و فرشتگان و جمیع خلائق بر کسانی که در خون ایشان شریک شده و همچنین بر کسانی که از کشته شدن آنان مسرور و خوشحال شدند.

بار خدایا پس از درود قلبی و زبانی از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد رحمت فرستی و این زیارت را آخرین زیارتم قرار ندهی و اگر آن را آخر زیارت من قرار دادی پس مرا با این امامان نامبرده محشور نما.

بار خدایا دلهای ما را رام ایشان و برای اطاعتشان و خیر خواهی و محبّت و نیکو پشتیبانی نمودن قابل گردان.

*** ***

*** ***

۱۳] - باب سیزدهم فضیلت آب فرات و نوشیدن و غسل نمودن در آن

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عِیسَی بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِیٍّ (علیه السلام) قَالَ الْمَاءُ سَیِّدُ شَرَابِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ- وَ أَرْبَعَهُ أَنْهَارٍ فِی الدُّنْیَا مِنَ الْجَنَّهِ الْفُرَاتُ وَ النِّیلُ وَ سَیْحَانُ وَ جَیْحَانُ الْفُرَاتُ الْمَاءُ وَ النِّیلُ الْعَسَلُ وَ سَیْحَانُ الْخَمْرُ وَ جَیْحَانُ اللَّبَنُ

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمّد بن عیسی و او از عیسی بن عبد اللّه بن محمّد بن عمر بن علی بن ابی طالب علیه السّلام و او از پدرش و او از جدّش و او از حضرت علی علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

آب سرور مایعات دنیا و آخرت می‌باشد و چهار نهر در دنیا هستند که از بهشت می‌باشند و آنها عبارتند از:

فرات، نیل، سیحان و جیحان.

فرات آب بوده و نیل عسل و سیحان خمر و جیحان شیر می‌باشند.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ هَارُونَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ مَنْ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ وَ حُنِّکَ بِهِ فَهُوَ مُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ

سعد بن عبد اللّه، از ابو جمیله و او از سلیمان بن هارون نقل کرده که وی از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنید که آن حضرت می‌فرمودند:

کسی که از آب فرات بنوشد و با آن تحنیک کند دوستدار ما خاندان خواهد بود.

۳- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ لَوْ أَنَّ بَیْنَنَا وَ بَیْنَ الْفُرَاتِ کَذَا وَ کَذَا مِیلًا لَذَهَبْنَا إِلَیْهِ وَ اسْتَشْفَیْنَا بِهِ

سعد بن عبد اللّه به اسنادش از احمد بن محمّد، از عثمان بن عیسی، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام آن حضرت فرمودند:

اگر فاصله بین ما و بین فرات فلان و فلان مقدار میل می‌بود همانا این راه را طی می‌کرده و به آن آب خود را می‌رسانده و بواسطه‌اش استشفاء می‌جستیم.

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَهَ بْنِ مَیْمُونٍ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ هَارُونَ الْعِجْلِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ مَا أَظُنُّ أَحداً یُحَنَّکُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ وَ سَأَلَنِی کَمْ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ لَوْ کُنْتُ عِنْدَهُ لَأَحْبَبْتُ أَنْ آتِیَهُ طَرَفَیِ النَّهَارِ

محمّد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمّد بن حسن صفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسن بن علیّ بن فضّال، از ثعلبهٔ بن میمون، از سلیمان بن هارون عجلی، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

گمان نمی‌کنم کسی با آب فرات تحنیک کند مگر آنکه دوست‌دار ما اهل بیت می‌باشد، سپس فرمود: فاصله بین تو و آب فرات چه مقدار می‌باشد؟

پس محضرش خبر داده و فاصله مزبور را بیان کردم.

حضرت فرمودند:

اگر من در این فاصله می‌بودم دوست می‌داشتم دو طرف روز (صبح و غروب) به فرات بروم.

۵- وَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ نَهِیکٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ

اللَّهِ (علیه السلام) فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ آوَیْناهُما إِلی رَبْوَةٍ ذاتِ قَرارٍ وَ مَعِینٍ قَالَ الرَّبْوَةُ نَجَفُ الْکَوفَةِ وَ الْمَعِینُ الْفُرَاتُ

علی بن حسین بن موسی از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش، از علی بن حکم از سلیمان بن نهیک، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت در ذیل فرموده خداوند عزّ و جلّ:

وَ آوَیْناهُما إِلی رَبْوَةٍ ذاتِ قَرارٍ وَ مَعِینٍ.

فرمودند:

مقصود از «ربوه» نجف کوفه و از «معین» فرات می‌باشد.

۶- وَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عِیسَی بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِیٍّ (علیه السلام) قَالَ الْفُرَاتُ سَیِّدُ الْمِیَاهِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ

علی بن حسین رحمة اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمد بن عیسی و او از عیسی بن عبد اللّه بن محمّد بن عمر و او از پدرش از جدّ وی و او از حضرت علی علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: فرات در دنیا و آخرت سرور آب‌ها است.

۷- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَکِیمِ بْنِ جُبَیْرٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ یَقُولُ إِنَّ مَلَکاً یَهْبِطُ کُلَّ لَیْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثُ مَثَاقِیلَ مِسْکٍ مِنْ مِسْکِ الْجَنَّةِ فَیَطْرَحُهَا فِی الْفُرَاتِ وَ مَا مِنْ نَهَرٍ فِی مَشْرِقٍ وَ لَا فِی مَغْرِبٍ [فِی شَرْقٍ وَ لَا غَرْبٍ]أَعْظَمُ بَرَکَةً مِنْهُ

محمّد بن عبد اللّه از پدرش عبد اللّه بن جعفر حمیری، از احمد بن ابی عبد اللّه، از پدرش، از کسی که برای او حدیث گفته، از حنان بن سدیر، از پدرش، از حکیم بن جبیر، وی می گوید:

از حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام شنیدم که می‌فرمود:

فرشته‌ای در هر شب به زمین فرود می‌آید در حالی که با سه مثقال مشک از مشک‌های بهشتی است پس آن را در فرات می‌ریزد و هیچ نهری در شرق و غرب نیست که برکتش بیشتر از آن باشد.

۸- وَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَیْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ تَقْطُرُ فِی الْفُرَاتِ کُلَّ یَوْمٍ قَطَرَاتٌ مِنَ الْجَنَّةِ

علی بن محمّد بن قولویه، از احمد بن ادریس، از احمد بن محمّد بن عیسی، از ابن فضّال، از ابن ابی عمیر، از حسین بن عثمان از کسی که یادش نموده، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هر روز در فرات قطراتی از بهشت می‌ریزد.

۹- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ رَبِیعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَیْمَانَ قَالَ لَمَّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) الْکُوفَةَ فِی زَمَنِ أَبِی الْعَبَّاسِ فَجَاءَ عَلَی دَابَّتِهِ فِی ثِیَابِ سَفَرِهِ- حَتَّی وَقَفَ عَلَی جِسْرِ الْکُوفَةِ ثُمَّ قَالَ لِغُلَامِهِ اسْقِنِی فَأَخَذَ کُوزَ مَلَّاحٍ فَغَرَفَ لَهُ بِهِ فَأَسْقَاهُ فَشَرِبَ وَ الْمَاءُ یَسِیلُ مِنْ شِدْقَیْهِ وَ عَلَی لِحْیَتِهِ وَ ثِیَابِهِ ثُمَّ اسْتَزَادَهُ فَزَادَهُ فَحَمِدَ اللَّهَ ثُمَّ قَالَ نَهَرٌ مَاءٍ مَا أَعْظَمَ بَرَکَتَهُ أَمَا إِنَّهُ یَسْقُطُ فِیهِ کُلَّ یَوْمٍ سَبْعُ قَطَرَاتٍ مِنَ الْجَنَّةِ أَمَا لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِیهِ مِنَ الْبَرَکَةِ لَضَرَبُوا الْأَخْبِیَةَ عَلَی حافَتَیْهِ أَمَا لَوْ لَا مَا یَدْخُلُهُ مِنَ الْخَاطِئِینَ مَا اغْتَمَسَ فِیهِ ذُو عَاهَةٍ إِلَّا بَرَأَ

محمّد بن حسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از جدّش علی بن مهزیار از حسن بن سعید، از علی بن حکم، از ربیع بن محمّد مسلیّ، از عبد اللّه بن سلیمان، وی می گوید:

در زمان ابی العبّاس وقتی حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام به کوفه تشریف آوردند سوار مرکب بوده در حالی که لباسهای سفر به تن داشتند، حضرت روی پل کوفه

حضرت به محبت داشتن و ثواب محبت به آن دو بزرگوار

توقف فرموده سپس به غلام فرمودند:

به من آب بده.

غلام کوزه کشتیبانی را گرفت و در آن آب ریخت و سپس به حضرت آب داد.

آن جناب آب را نوشیدند در حالی که آب از دو گوشه دهانشان جاری بود و بر محاسن شریف و لباسهای آن حضرت می‌ریخت سپس دو باره آب طلبیدند و غلام به حضرتش آب داد حضرت حمد و ستایش حقتعالی به جای آورده سپس فرمودند:

فرات نهر آبی است و چقدر برکتش زیاد می‌باشد در این آب هر روز هفت قطره از بهشت می‌ریزد و اگر مردم به برکتی که در این آب هست واقف بودند مسلّما در اطراف آن خیمه می‌زدند و از آن توشه برمی‌داشتند.

سپس حضرت فرمودند:

اگر گناه‌کاران در آن داخل نشده بودند به طور قطع و جزم هر مریض و آفت زده‌ای که داخلش می‌شد و در آن فرو می‌رفت مرضش بهبود می‌یافت و آفتش برطرف می‌گشت.

۱۰- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ عَرَفَةَ عَنْ رِبْعِیٍّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) شَاطِئُ وادی [الْوَادِی الْأَیْمَنِ الَّذِی ذَکَرَهُ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ هُوَ الْفُرَاتُ وَ الْبُقْعَةُ الْمُبَارَکَةُ هِیَ کَرْبَلَاءُ وَ الشَّجَرَةُ هِیَ مُحَمَّدٌ ص

محمّد بن حسن بن علی بن مهزیار از پدرش و او از جدّ وی یعنی علی بن مهزیار و او از حسن بن سعید و او از علی بن حکم و او از عرفه و او از ربعی، وی می‌گوید:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

کنار وادی ایمن که حق تعالی در قرآن فرموده همان فرات بوده و مقصود از «بقعه مبارکه» کربلا و از «شجره» وجود مقدّس حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشد.

۱۱- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَا أَظُنُّ أَحَداً یُحَنَّکُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا کَانَ لَنَا شِیعَةً- قَالَ قَالَ ابْنُ أَبِی عُمَیْرٍ وَ لَا أَعْلَمُهُ ابْنَ سِنَانٍ إِلَّا وَ قَدْ رَوَاهُ لِی وَ رَوَی ابْنُ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ یَجْرِی فِی الْفُرَاتِ مِیزَابَانِ مِنَ الْجَنَّةِ

پدرم از سعد بن عبد اللّه و او از ابراهیم بن مهزیار و او از برادرش علی بن مهزیار و او از ابن ابی عمیر و او از حسین بن عثمان و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده ....

و محمّد بن ابی حمزه از کسی که یادش نموده و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند: گمان نمی‌کنم احدی به آب فرات تحنیک کند مگر آنکه شیعه و تابع ما خواهد شد.

راوی می‌گوید: ابن ابی عمیر گفته است این روایت را ابن سنان برایم نقل نموده.

و نیز ابن ابی عمیر از برخی اصحاب نقل کرده که گفته است. دو ناودان از بهشت در آب فرات جاری می‌باشد.

۱۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ حَکِیمِ بْنِ جُبَیْرٍ الْأَسَدِیِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) یَقُولُ إِنَّ اللَّهَ یُهْبِطُ مَلَکاً کُلَّ لَیْلَةٍ مَعَهُ ثَلَاثُ مَثَاقِیلَ مِنْ مِسْکِ الْجَنَّةِ فَیَطْرَحُهُ فِی فُرَاتِکُمْ هَذَا وَ مَا مِنْ نَهَرٍ فِی شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا فِی غَرْبِهَا أَعْظَمَ بَرَکَةً مِنْهُ

محمّد بن حسن از محمّد بن حسن صفّار، از عباس بن معروف، از علی بن مهزیار، از محمّد بن اسماعیل، از حنان بن سدیر از حکیم بن جبیر اسدی، وی می‌گوید:

از حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام شنیدم که می‌فرمود:

خداونـد متعال در هر شب فرشـته‌ای نازل می‌کنـد که با او سه مثال از مشک بهشتی است پس آن فرشـته مشک را در فرات (همین فرات) می‌ریزد و هیچ نهری در شرق و غرب زمین با برکت‌تر از فرات نمی‌باشد.

۱۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی بْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَهَٔ بْنِ مَیْمُونٍ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ هَارُونَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا أَظُنُّ أَحَداً یُحَنَّکُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَیْتَ

علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از ابن فضّال، از ثعلبه بن میمون، از سلیمان بن هارون، می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

گمان نمی‌کنم احدی با آب فرات تحنیک کند مگر آنکه ما اهل بیت پیامبر را دوست می‌دارد.

۱۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ الْکُوفِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالُ عَنْ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُقْبَهَٔ بْنِ خَالِدٍ قَالَ ذَکَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) الْفُرَاتَ قَالَ أَمَا إِنَّهُ مِنْ شِیعَهِٔ عَلِیٍّ (علیه السلام) وَ مَا حُنِّکَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ

محمّـد بن عبـد اللّه بن جعفر حمیری از پـدرش، از احمـد بن محمّـد برقی از عبد الرحمن بن حمّاد کوفی، وی می گوید: عبد اللّه بن محمّد حجّال، از غالب بن عثمان و او از عقبهٔ بن خالد نقل کرده، وی می گوید: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام نامی از فرات بردند سپس فرمودند:

فرات در زمره شیعیان علی علیه السّلام بوده و احدی با آن تحنیک نمی‌کند مگر آنکه ما اهل بیت را دوست دارد.

۱۵- حَدَّثَنِی أَبِی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّیلٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِیِّ الرَّازِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَهَٔ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَهَٔ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَهَٔ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا أَحَدٌ یَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ وَ یُحَنَّکُ بِهِ إِذَا وُلِدَ إِلَّا أَحَبَّنَا لِأَنَّ الْفُرَاتَ نَهَرٌ مُؤْمِنٌ

پـدرم، از حسـن بـن متّیـل، از عمران بن موسـی، از عبـد اللّه جـامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزه، از سـیف بن عمیره، از صندل از هارون من خارجه، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

احـدی نیست که هنگـامی تولّـد از آب فرات بنوشـد و بـا آن تحنیـک نمایـد مگر آنکه مـا را دوست می‌دارد زیرا فرات نهر موءمن می‌باشد.

۱۶- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَهَٔ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ نَهْرَانِ مُؤْمِنَانِ وَ نَهْرَانِ کَافِرَانِ- نَهْرَانِ کَافِرَانِ نَهَرُ بَلْخٍ وَ دِجْلَهُٔ وَ الْمُؤْمِنَانِ نِیلُ مِصْرَ وَ الْفُرَاتُ فَحَنِّکُوا أَوْلَادَکُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ

پدرم به اسـنادش از حسن بن علی بن ابی حمزه، از پدرش، ابی بصـیر، از حضـرت ابی عبد اللّه علیه السّلام. نقل کرده که آن جناب فرمودند:

دو نهر موءمن و دو نهر کافر می‌باشند.

دو نهر کافر عبارتند از: نهر بلخ و نهر دجله.

دو نهر موءمن عبارتند از: رود نیل و رود فرات.

پس فرزندانتان را، با آب فرات تحنیک نمائید.

۱۴] - باب چهاردهم در بیان محبّت حضرت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به حضرت امام حسن و امام‌حسین علیهما السّلام و امر نمودن حضرت به محبّت داشتن و ثواب محبّت به آن دو بزرگوار

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ جَمِیعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ وَ غَیْرِهِ عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَخِیهِ نُوحٍ عَنِ الْأَجْلَحِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ کُهَیْلٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنْ عَلِیٍّ (علیه السلام) قَالَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یَقُولُ یَا عَلِیُّ لَقَدْ أَذْهَلَنِی هَذَانِ الْغُلَامَانِ یَعْنِی الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ (علیهما السلام) أَنْ أُحِبَّ بَعْدَهُمَا أَحَداً أَبَداً إِنَّ رَبِّی أَمَرَنِی أَنْ أُحِبَّهُمَا وَ أُحِبَّ مَنْ یُحِبُّهُمَا

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف و عبد اللّه بن جعفر حمیری و محمّد بن یحیی عطّار جملگی از احمد بن محمّد بن عیسی و او از علی بن حکم و غیر محمّد بن یحیی عطّار از جمیل بن درّاج و او از برادرش نوح و از اجلح و او از سلمهٔ بن کهیل و او از عبد العزیز و او از حضرت علی علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

ای علی (علیه السّلام) این دو کودک یعنی حسن و حسین علیهما السّلام من را منصرف کرده‌اند از اینکه کسی بعد از ایشان را دوست داشته باشیم، پروردگارم مرا امر فرمود که ایشان و کسی ایشان را دوست دارد، دوست داشته باشم.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّیْدِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبَّاسٍ وَ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ حَرْبٍ جَمِیعاً قَالَ حَدَّثَنَا مَنْ سَمِعَ بَکْرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْمُزَنِیَّ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ الْحُصَیْنِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) لِی یَا عِمْرَانُ إِنَّ لِکُلِّ شَیْءٍ مَوْقِعاً مِنَ الْقَلْبِ وَ مَا وَقَعَ مَوْقِعَ هَذَیْنِ الْغُلَامَیْنِ مِنْ قَلْبِی شَیْءٌ قَطُّ فَقُلْتُ کُلُّ هَذَا یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ یَا عِمْرَانُ وَ مَا خَفِیَ عَلَیْکَ أَکْثَرُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِی بِحُبِّهِمَا

محمّد بن احمد بن ابراهیم از حسین بن علی زیدیّ و او از پدرش و او از علی بن عباس و عبد السّلام بن حرب جمیعا نقل کرده، عبد السّلام بن حرب می‌گوید:

کسی که حدیث را از بکر بن عبد اللّه مزنی شنیده برایم از عمران بن حصین نقل نموده که وی گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به من فرمودند:

ای عمران:

هر چیزی در قلب جایگاهی دارد ولی جای‌گاه این دو کودک از قلب من هرگز مکان خاصّی نیست.

عمران می‌گوید: عرض کردم ای رسول خدا تمام قلب شما جای‌گاه این دو است؟

حضرت فرمودند:

ای عمران: آنچه بر تو مخفی مانده بیش از آن است که دانسته‌ای، خداوند متعال من را به محبّت ایشان امر فرموده است.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ سُفْیَانَ الْجَرِیرِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی رَافِعٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِی ذَرٍّ الْغِفَارِیِّ قَالَ أَمَرَنِی رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِحُبِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) فَأَنَا أُحِبُّهُمَا وَ أُحِبُّ مَنْ یُحِبُّهُمَا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِیَّاهُمَا

پدرم از سعد بن عبد اللّه و او از محمّد بن حسین بن ابی الخطاب و او از کسی که برایش حدیث کرده و او از سفیان جریر و او از پدرش و او از ابی رافع و او از پدرش و او از جدّ وی و او از ابو ذر غفاری نقل کرده که فرمود:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم من را به محبّت امام حسن و امام حسین علیهما السّلام امر فرمود پس من ایشان و کسی که آنها را دوست داشته باشد دوست دارم زیرا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ایشان را دوست دارد.

۴- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ نَسِيتُ اسْمَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُهَلْهَلٍ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ رَبِيعَةَ السَّعْدِيِّ عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يُقَبِّلُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ (عليهما السلام) وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ (عليهما السلام) وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مُخْلِصاً لَمْ تَلْفَحِ النَّارُ وَجْهَهُ وَ لَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ بِعَدَدِ رَمْلِ عَالِجٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ذَنْبُهُ ذَنْباً يُخْرِجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ

پدرم از عبد اللّه بن جعفر حميرى نقل نموده كه وى گفت:

مردى كه نامش را فراموش كرده‌ام و از اصحاب ما بود از عبيد اللّه بن موسى و او از مهلهل عبدى و او از ابى هارون عبدى و او از ربيعة السّعدى و او از ابى ذر غفارى نقل كرد كه وى فرمود: رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم را ديدم كه حسن و حسين عليهما السّلام را مى‌بوسيد و مى‌فرمود:

كسى كه حسن و حسين عليهما السّلام و ذريّه اين دو را دوست داشته و ايشان را خالصانه بخواهد آتش دوزخ هرگز صورتشان را نسوزاند اگر چه گناهان آنها به مقدار ريگ‌هاى بيابان باشد مگر آنكه گناهانشان ايشان را از ايمان خارج كرده باشند.

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَابِسٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ عَبِيدَةَ السَّلْمَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَقُولُ مَنْ كَانَ يُحِبُّنِي فَلْيُحِبَّ ابْنَيَّ هَذَيْنِ فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا

محمّد بن جعفر رزّاز قرشى مى گويد:

محمّد بن حسين بن خطاب از حسن بن محبوب از كسى كه نامش را برده، از على بن عابس، از حجّال، از عمرو بن مرّة از عبد اللّه بن سلمة از عبيده سلمانى، از عبد اللّه بن مسعود نقل كرده كه وى گفت:

از رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم شنيدم كه مى‌فرمودند:

كسى كه مرا دوست دارد بايد اين دو كودك (امام حسن و امام حسين) را هم دوست باشد چه آنكه خداوند من را به دوست داشتن اين دو امر فرموده است.

۶- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْبَزَّازِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ فَلْيُوَالِ [فَلْيَتَوَلَّ]عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ (عليهم السلام) فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُمَا مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ

پدرم از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمد بن عيسى و او از پدرش و او از محمّد بن عيسى و او از عبد اللّه بن مغيره و او از محمّد بن سليمان بزّاز و او از عمرو بن شمر و او از جابر و او از حضرت ابى جعفر عليه السّلام نقل نموده كه آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم فرمودند:

كسى كه مى‌خواهد به ريسمان محكم خدا كه حضرتش در قرآن از آن ياد كرده چنگ بزند بايد على بن ابى طالب عليه السّلام و حسن و حسين عليهما السّلام را دوست بدارد چه آنكه خداوند متعال از فوق عرش اين دو را دوست دارد.

۷- وَ عَنْهُ وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَنْ أَبْغَضَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَيْسَ عَلَى وَجْهِهِ لَحْمٌ وَ لَمْ تَنَلْهُ شَفَاعَتِي

پدرم از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمّد و او از پدرش و نيز عبد الرحمن بن ابى نجران از شخصى و او از عبّاس بن وليد و او از پدرش و او از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل نموده كه حضرت فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

کسی که نسبت به امام حسن و امام حسین علیهما السّلام بغض داشته باشد روز قیامت خواهد آمد در حالی که گوشت در صورت نداشته و شفاعت من شاملش نمی‌شود.

۸- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَبِی الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قُرَّةُ عَیْنِی النِّسَاءُ وَ رَیْحَانَتِی رَیْحَانَتَایَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ ع

ترجمه: محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب، از محمّد بن اسماعیل از ابی المغری، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌فرمودند:

نور چشمم زنان بوده و گل خوش‌بوی من حسن و حسین علیهما السّلام می‌باشند.

۹- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبَّاسٍ عَنِ الْمِنْهَالِ بْنِ عُمَرَ وَ عَنِ الْأَصْبَغِ عَنْ زَاذَانَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) فِی الرَّحْبَةِ یَقُولُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ رَیْحَانَتَا رَسُولِ اللَّهِ ص

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی از پدرش و او از حسن بن محبوب و او از کسی که نامش را برده و او از علی بن عبّاس و او از منهال بن عمرو، و او از اصبغ و او از زاذان نقل کرده که وی گفت:

شنیدم حضرت صادق علیه السّلام در قریه رحبه می‌فرمودند:

حسن و حسین علیهما السّلام دو ریحانه (گل خوش‌بو) رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشند.

۱۰- حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ مَشَایِخِی مِنْهُمْ أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ زَکَرِیَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ أَبِی مُسْکَانَ عَنْ زَیْدٍ مَوْلَی ابْنِ هُبَیْرَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) خُذُوا بِحُجْزَةِ هَذَا الْأَنْزَعِ فَإِنَّهُ الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَ الْهَادِی لِمَنِ اتَّبَعَهُ وَ مَنْ سَبَقَهُ مَرَقَ مِنْ دِینِ اللَّهِ وَ مَنْ خَذَلَهُ مَحَقَهُ اللَّهُ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ [اعْتَصَمَ بِحَبْلِ اللَّهِ]وَ مَنْ أَخَذَ بِوَلَایَتِهِ هَدَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَرَکَ وَلَایَتَهُ أَضَلَّهُ اللَّهُ وَ مِنْهُ سِبْطَا أُمَّتِی الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ هُمَا ابْنَایَ وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ وَ الْقَائِمُ الْمَهْدِیُّ فَأَحِبُّوهُمْ وَ تَوَالَوْهُمْ وَ لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّهُمْ وَلِیجَةً مِنْ دُونِهِمْ فَیَحِلَّ عَلَیْکُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ ذِلَّةٌ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ قَدْ خابَ مَنِ افْتَرَی

دسته‌ای از مشایخ و اساتیدم از جمله: پدرم و محمّد بن حسن و علی بن حسین جمیعا از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف از محمّد بن عیسی بن عبید یقطینی و او از ابی عبد اللّه زکریا موءمن و او از ابی مسکان و او را از زید مولای ابن هبیره نقل کرده که گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السّلام فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

بگیرید میان (جایی که کمر بسته می‌شود) این مرد انزع (به کسی گویند که موی‌های دو طرف پیشانی او ریخته باشد) را زیرا او صدیق اکبر بوده و تابعین خود را هدایت می‌کند و کسی که بر او سبقت گیرد از دین خدا خارج شود و آن کس که او را مخذول و ذلیل نماید خداوند نابودش می‌نماید و کسی که به او متوصل شود به خدا متوصل شده و آن کس که به ولایتش اخذ نماید خدا هدایتش نموده و هر کس که ولایت او را ترک نماید خداوند گمراهش کند و دو سبط امّت من یعنی حسن و حسین علیهما السّلام که دو فرزندان من هستند از ایشان می‌باشند و امام و پیشوایان که هادیان خلقند و همچنین حضرت قائم مهدی علیه السّلام از فرزندان حسین علیه السّلام هستند، بنا بر این ایشان را دوست بدارند و با دشمنانشان دوستی نکنید که در این صورت غضب پروردگار متوجّه شما شده و در زندگانی دنیا ذلیل و خوار خواهید شد.

۱۱- حَدَّثَنِی الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ الزَّعْفَرَانِیُّ بِالرَّیِّ قَالَ حَدَّثَنَا یَحْیَی بْنُ سُلَیْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ خَیْثَمٍ عَنْ سَعِیدِ بْنِ أَبِی رَاشِدٍ عَنْ یَعْلَی بْنِ مُرَّةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) حُسَیْنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَیْناً حُسَیْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ

حسین بن علی زعفرانی در ری برایم نقل نمود، وی گفت:

یحیی بن سلیمان، از عبد اللّه بن خثیم و او از سعید بن ابی راشد و او از یعلی بن مرّه نقل کرده، وی گفت:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

حسین از من و من از حسین هستم، کسی که حسین را دوست بدارد خدا او را دوست دارد، حسین سبطی است از اسباط (یعنی همان طوری که حضرت یعقوب ۱۲ اسباط داشت و هر کدام سبطی از اسباط بودند، پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نیز ۱۲ اسباط داشت که حضرت سید الشهداء علیه السّلام سبطی از این اسباط بودند).

۱۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ زَکَرِیَّا الْعَدَوِیِّ الْبَصْرِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْأَعْلَی [اللَّهِ]ابْنِ حَمَّادٍ الْبُرْسِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا وَهْبٌ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَعِیدِ بْنِ أَبِی رَاشِدٍ عَنْ یَعْلَی الْعَامِرِیِّ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِلَی طَعَامٍ دُعِیَ إِلَیْهِ فَإِذَا هُوَ بِحُسَیْنٍ (علیه السلام) یَلْعَبُ مَعَ الصِّبْیَانِ فَاسْتَقْبَلَهُ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله) أَمَامَ الْقَوْمِ ثُمَّ بَسَطَ یَدَیْهِ فَطَفَرَ الصَّبِیُّ هَاهُنَا مَرَّةً وَ هَاهُنَا مَرَّةً وَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یُضَاحِکُهُ حَتَّی أَخَذَهُ فَجَعَلَ إِحْدَی یَدَیْهِ تَحْتَ ذَقَنِهِ وَ الْأُخْرَی تَحْتَ قَفَائِهِ وَ وَضَعَ فَاهُ عَلَی فِیهِ وَ قَبَّلَهُ ثُمَّ قَالَ حُسَیْنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَیْناً حُسَیْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابی سعید حسن بن علیّ بن زکریا عدوی بصری نقل کرده، وی گفت: عبد الاعلی بن حماد البرسی برایم نقل نمود که وهب از عبد اللّه بن عثمان، از سعید بن ابی راشد از یعلی العامری، وی می‌گوید:

از محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بیرون آمده و به صرف طعامی که مدعوّ بودم حاضر شدم در آن مجلس حضرت حسین علیه السّلام را دیدم که با اطفال بازی می‌کردند، پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دو دست مبارك را باز کرده و او را به پیش خواندند، طفل (حضرت حسین علیه السّلام) شروع به پریدن به این طرف و آن طرف نمود و پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از این حرکات می‌خندیدند تا بالاخره او را گرفتند سپس یک دست مبارك را زیر چانه‌اش و دست دیگر را پشت سرش قرار داد و دهان مبارك را روی دهانش گذارد و او را بوسید و سپس فرمود:

حسین از من و من از حسینم، خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست دارد، حسین سبطی است از اسباط.

۱۳- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ قَالَ حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِیٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِیهِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ (علیهما السلام) قَالَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِیَدِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ فَقَالَ مَنْ أَحَبَّ هَذَیْنِ الْغُلَامَیْنِ وَ أَبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا- فَهُوَ مَعِی فِی دَرَجَتِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ

از محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابی سعید منقول است که گفت:

نصر بن علیّ گفت: علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دست حسن و حسین را گرفته سپس فرمودند:

کسی که این دو طفل و پدر و مادرشان را دوست بدارد در روز قیامت با من هم درجه خواهد بود.

۱۵] – باب پانزدهم زیارت حضرت حسن بن علی علیهما السّلام و قبور ائمه معصومین علیهم السّلام در قبرستان‌بقیع

۱- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ قَالَ حَدَّثَنِی سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَمِّهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ بَیَّاعِ السَّابِرِیِّ رَفَعَهُ قَالَ کَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ ابْنُ الْحَنَفِیَّةِ یَأْتِی قَبْرَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَیَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ [یَا بَقِیَّةَ الْمُؤْمِنِینَ]وَ ابْنَ أَوَّلِ الْمُسْلِمِینَ وَ کَیْفَ لَا تَکُونُ کَذَلِکَ وَ أَنْتَ سَلِیلُ الْهُدَی وَ حَلِیفُ التَّقْوَی وَ خَامِسُ أَهْلِ الْکِسَاءِ غَذَّتْکَ یَدُ الرَّحْمَةِ وَ رُبِّیتَ فِی حِجْرِ الْإِسْلَامِ وَ رَضَعْتَ مِنْ ثَدْیِ الْإِیمَانِ- فَطِبْتَ حَیّاً وَ طِبْتَ مَیِّتاً غَیْرَ أَنَّ النَّفْسَ غَیْرُ رَاضِیَةٍ [الْأَنْفُسَ غَیْرُ طَیِّبَةٍ]بِفِرَاقِکَ وَ لَا شَاکَّةٍ فِی حَیَاتِکَ یَرْحَمُکَ اللَّهُ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنَ فَعَلَی أَبِی مُحَمَّدٍ السَّلَامُ

حکیم بن داود بن حکیم می گوید:

سلمهٔ بن خطّاب، از عمر بن علی و او از عمویش و او از عمر بن یزید که

جامه‌های نیکو می‌فروخت نقل کرده و وی حدیث را به طور مرفوعه بیان نموده می گوید:

محمّد بن علی بن حنفیّه به سر قبر حضرت حسن بن علی علیهما السّلام حاضر می‌شد و می گفت:

سلام بر تو ای فرزند امیر موءمنان و فرزند اوّلین نفر از مسلمین، و چگونه این طور نباشد و حال آنکه تو فرزند هدایت و هم قسم با تقوی و پنجمین نفر از اصحاب کساء می‌باشی، دست رحمت خدا تو را پرورش داده، و در دامان اسلام رشد نموده‌ای و از پستان ایمان شیر خورده‌ای، پس در حال حیات و ممات خوشا به حالت، منتهی نفس از فراق و جدائی تو خشنود نبوده و تردیدی در حیات و زنده بودن تو ندارد.

سپس توجّه به امام حسین علیه السّلام نمود و گفت:

ای ابا عبد اللّه بر ابو محمد علیه السّلام رحمت و سلام باد.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَکْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ هِشَامٍ [هَاشِمٍ]عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمْ [أَحَدِهِمَا]ع قَالَ إِذَا أَتَیْتَ قُبُورَ الْأَئِمَّةِ بِالْبَقِیعِ فَقِفْ عِنْدَهُمْ وَ اجْعَلِ الْقِبْلَةَ خَلْفَکَ وَ الْقَبْرَ بَیْنَ یَدَیْکَ ثُمَّ تَقُولُ- السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَئِمَّةَ الْهُدَی السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبِرِّ وَ التَّقْوَی السَّلَامُ عَلَیْکُمُ الْحُجَجُ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا السَّلَامُ عَلَیْکُمُ الْقَوَّامُونَ فِی الْبَرِیَّةِ بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ النَّجْوَی أَشْهَدُ أَنَّکُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِی ذَاتِ اللَّهِ وَ کُذِّبْتُمْ وَ أُسِیءَ إِلَیْکُمْ فَغَفَرْتُمْ وَ أَشْهَدُ أَنَّکُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِیُّونَ]الْمُهْتَدُونَ]وَ أَنَّ طَاعَتَکُمْ مَفْرُوضَةٌ- وَ أَنَّ قَوْلَکُمُ الصِّدْقُ وَ أَنَّکُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَ أَنَّکُمْ دَعَائِمُ الدِّینِ وَ أَرْکَانُ الْأَرْضِ لَمْ تَزَالُوا بِعَیْنِ اللَّهِ یَنْسَخُکُمْ فِی أَصْلَابِ کُلِّ مُطَهَّرٍ وَ یَنْقُلُکُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدَنِّسْکُمُ الْجَاهِلِیَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرَکْ فِیکُمْ فِتَنُ الْأَهْوَاءِ- طِبْتُمْ وَ طَابَتْ مَنْبَتُکُمْ مَنَّ بِکُمْ عَلَیْنَا دَیَّانُ الدِّینِ فَجَعَلَکُمْ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَیْکُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ کَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا- إِذَا اخْتَارَکُمُ اللَّهُ لَنَا وَ طَیَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَیْنَا مِنْ وَلَایَتِکُمْ وَ کُنَّا عِنْدَهُ مُسَمَّیْنَ لِعِلْمِکُمْ مُعْتَرِفِینَ بِتَصْدِیقِنَا إِیَّاکُمْ وَ هَذَا مَقَامُ مَنْ أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ وَ اسْتَکَانَ وَ أَقَرَّ بِمَا جَنَی وَ رَجَی بِمَقَامِهِ الْإِخْلَاصَ وَ أَنْ یَسْتَنْقِذَ بِکُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْکَی مِنَ الرَّدَی فَکُونُوا لِی شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَیْکُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْکُمْ أَهْلُ الدُّنْیَا وَ اتَّخَذُوا آیَاتِ اللَّهِ هُزُواً وَ اسْتَکْبَرُوا عَنْهَا یَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا یَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا یَلْهُو وَ مُحِیطٌ بِکُلِّ شَیْءٍ- و لَکَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِی وَ عَرَّفْتَنِی أَئِمَّتِی وَ بِمَا أَقَمْتَنِی عَلَیْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُکَ وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَ مَالُوا إِلَی سِوَاهُ فَکَانَتِ الْمِنَّةُ مِنْکَ عَلَیَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِی بِهِ فَلَکَ الْحَمْدُ إِذْ کُنْتُ عِنْدَکَ فِی مَقَامٍ مَذْکُوراً مَکْتُوباً فَلَا تَحْرِمْنِی مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُخَیِّبْنِی فِیمَا دَعَوْتُ فِی مَقَامِی

هَذَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ ادْعُ لِنَفْسِکَ بِمَا أَحْبَبْتَ

از حکیم بن داود بن حکیم از سلمه، از عبد اللّه بن احمد، از بکر بن صالح از عمرو بن هشام از برخی اصحاب، از احد الصّادقین

علیهما السّلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

هر گاه در بقیع به قبور ائمه علیهم السّلام حاضر شدی بایست و قبله را پشت سر و قبر را در مقابل قرار بده سپس بگو:

سلام بر شما پیشوایان هدایت، سلام بر شما اهل نیکی و پرهیزکاری، سلام بر شما که حجّت‌های خدا هستید بر اهل دنیا، سلام بر شما که در زمین به عدالت حکم می‌فرمائید، سلام بر شما که برای برگزیده شدن لایق و شایسته هستید، سلام بر شما ای دودمان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سلام بر شما ای اهل راز و سرّ، شهادت می‌دهم که شما احکام خدا را تبلیغ کرده و به مردم اندرز گفته و به خاطر خداوند متحمّل مصائب و مشکلات گردیده و مورد تکذیب دیگران واقع شده و به شما بدی کرده‌اند پس آنها را بخشیده و خلافشان را نادیده فرض نمودید، و شهادت می‌دهم که شما پیشوایان هدایت‌کننده و هدایت شده ما بوده و اطاعت شما بر ما واجب و کلامتان راست و مطابق با واقع است، مردم را خواندید ولی شما را اجابت نکردند. آنها را به معروف امر کردید ولی اطاعتتان را نکردند و شهادت می‌دهم که شما اسطوانه‌های دین و رکن‌های روی زمین هستید، پیوسته خداوند شما را در صلب‌های پاکیزه منتقل فرموده و از ارحام پاک نقلتان داده و هرگز نادانی نادانان شما را آلوده نکرده و شریک و همتای شما نشده است فتنه‌هائی که از خواهش‌های نفس پیدا می‌شود، پاکیزه‌اید و محلّ نشو و نمای شما نیز پاک و پاکیزه می‌باشد، خداوند قهّار بواسطه شما بر ما منّت نهاده پس شما را در منازلی قرار داده که اذن داده است در آن منازل اسمش با صدای بلند برده شود و صلوات ما بر شما را رحمت برای ما و کفّاره گناهانمان قرار داده زیرا حقتعالی شما را برای ما برگزیده و خلقت و آفرینش ما را با آنچه بر ما منّت نهاد یعنی ولایت و دوستی شما پاک و طاهر نمود و ما نزد او علم و آگاهی شما را یاد کرده در حالی که اعتراف می‌کنیم شما را تصدیق داریم و اینجا که ایستاده‌ام مکان و محل کسی است که در گناه زیاده روی کرده و مرتکب خطاء و اشتباه شده و خوار و ذلیل گشته و به آنچه جنایت نموده اقرار کرده و امید دارد به برکت این مکان شریف از تبعات گناهانش خلاص و رها گشته و به کمک شما حقتعالی او را نجات داده نظیر نجات دادن هلاک‌شوندگان را از هلاک و مرگ، پس درخواست من این است که شفیع من باشید، چه آنکه من به سوی شما پناه آورده زمانی که اهل دنیا از شما روی تافته و آیات الهی را به استهزاء گرفته و از آنها سر باز زدند، ای کسی که سر پا بوده و اشتباه نمی‌کنی و دائم و همیشگی بوده و به لهو و باطل نمی‌پردازی و به هر چیز احاطه داری به واسطه توفیقی که به من داده و پیشوایانم را به من شناساندی بر من منّت نهادی، و به آنچه من را بر آن به پا داشتی در هنگامی که بندگانت از آن روی گردانده و به آن جاهل شده و حقّش را سبک شمردند و به غیر آن میل ورزیدند منّت تو بر من با جماعتی که ایشان را به آن چه من را به آن اختصاص دادی، مختصّ ساختی پس حمد و ستایشم اختصاص به تو دارد زمانی که در مقام و مکانی یاد گشته و ثبت شده نزد تو می‌باشم پس از آنچه امیدوارم من را ناامید مکن و از آنچه در این مقام من را به آن دعوت فرموده‌ای محروم مساز به حق حرمت و عظمت محمد و آل طاهرین آن حضرت.

و سپس برای خودت به آنچه دوست داری دعاء کن.

۳- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ غَيْرُهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ مَا أَحْبَبْتَ

علی بن الحسین و غیر او از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از عبد الرّحمن بن ابی نجران، از یزید بن إسحاق اشعری از حسن بن عطیّه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

در مقابل قبر علی بن الحسین علیهما السّلام هر چه خواستی بگو.

۱۶] – باب شانزدهم در بیان خبر دادن جبرئیل علیه السّلام از شهادت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِیُّ الْکُوفِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ سَعِیدِ بْنِ یَسَارٍ أَوْ غَیْرِهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ لَمَّا أَنْ هَبَطَ جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) عَلَی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِقَتْلِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَخَذَ بِیَدِ عَلِیٍّ فَخَلَا بِهِ مَلِیّاً مِنَ النَّهَارِ فَغَلَبَتْهُمَا الْعَبْرَةُ فَلَمْ یَتَفَرَّقَا حَتَّی هَبَطَ عَلَیْهِمَا جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) أَوْ قَالَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِینَ فَقَالَ لَهُمَا رَبُّکُمَا یُقْرِءُکُمَا السَّلَامَ وَ یَقُولُ عَزَمْتُ عَلَیْکُمَا لَمَّا صَبَرْتُمَا قَالَ فَصَبَراً [فَصَبَرَا حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ سَعِیدِ بْنِ یَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ مِثْلَهُ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ یَسَارٍ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز قرشی کوفی می گوید:

محمّد بن الحسین بن أبی الخطّاب از محمّد بن سنان، از سعید بن یسار یا غیر او نقل کرده، وی گفت:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

هنگامی که جبرئیل علیه السّلام خبر شهادت حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام را به پیامبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رساند آن جناب دست امیر الموءمنین علی علیه السّلام را گرفته و مقدار زیادی از روز را با هم خلوت کرده و هر دو گریستند، و از یک دیگر جدا نشدند مگر آنکه جبرئیل علیه السّلام بر ایشان نازل شد و عرضه داشت:

پروردگارتان سلامتان می‌رساند و می‌فرماید: صبر نمودن را بر شما واجب و لازم نمودم.

سپس حضرت فرمودند: هر دو صبر کرده و بی‌تابی نکردند.

ترجمه:

محمد بن حسن بن ولید، از محمّد بن حسن صفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن سنان، از سعید بن یسار نقل نموده که گفت:

از امام صادق علیه السّلام شنیدم که مثل نقل قبلی را فرمودند:

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه و او از یعقوب بن یزید و او از محمّد بن سنان و او از سعد بن یسار نیز مثل روایت قبلی را نقل نموده.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِی سَلَمَةَ سَالِمِ بْنِ مُکَرَّمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَیْنِ جَاءَ جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) إِلَی رَسُولِ اللَّهِص فَقَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ سَتَلِدُ وَلَداً تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَیْنِ کَرِهَتْ حَمْلَهُ وَ حِینَ وَضَعَتْهُ کَرِهَتْ وَضْعَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) هَلْ رَأَیْتُمْ فِی الدُّنْیَا أُمّاً تَلِدُ غُلَاماً فَتَکْرَهُهُ وَ لَکِنَّهَا کَرِهَتْهُ لِأَنَّهَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَیُقْتَلُ قَالَ وَ فِیهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَةُ- وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حُسْناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً

پدرم از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمّد عیسی و او از حسین بن علی الوشاء و او از احمد بن عائذ و او از أبی سلمه سالم بن مکرم و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت فاطمه علیها السّلام به حضرت سیّد الشهداء سلام اللّه علیه باردار شدند جبرئیل علیه السّلام به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نازل شد و عرضه داشت:

حضرت فاطمه سلام اللّه علیهما عنقریب فرزندی بیاورد که بعد از شما امّتت او را می‌کشند، پس هنگامی که حضرت فاطمه علیها السّلام به حضرت سیّد الشّهداء علیه السّلام باردار شد از حملشان کراهت داشته و زمانی که حمل را وضع نمودند از وضع آن نیز

کراهت داشتند، سپس امام صادق علیه السّلام می‌فرماید:

آیا در دنیا مادری را دیده‌اید که فرزندی بزاید و از آن کراهت داشته باشد، البته این کراهت به خاطر این بود که حضرت می‌دانستند که این مولود عنقریب کشته خواهد شد و در همین مورد آیه شریفه «وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً»

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَخِیهِ أَحْمَدَ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ أَتَی جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) إِلَی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ لَهُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مُحَمَّدُ أَ لَا أُبَشِّرُکَ بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِی فِیهِ قَالَ فَانْتَهَضَ إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ عَادَ إِلَیْهِ الثَّانِیَةَ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِکَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَانْعَرَجَ إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ انْقَضَّ إِلَیْهِ الثَّالِثَةَ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِکَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَقَالَ إِنَّ رَبَّکَ جَاعِلٌ الْوَصِیَّةَ فِی عَقِبِهِ فَقَالَ نَعَمْ أَوْ قَالَ ذَلِکَ ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَدَخَلَ عَلَی فَاطِمَةَ (علیها السلام) فَقَالَ لَهَا إِنَّ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) أَتَانِی فَبَشَّرَنِی بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَقَالَتْ لَا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَقَالَ لَهَا إِنَّ رَبِّی جَاعِلٌ الْوَصِیَّةَ فِی عَقِبِهِ فَقَالَتْ نَعَمْ إِذَنْ قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَی عِنْدَ ذَلِکَ هَذِهِ الْآیَةَ- حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً لِمَوْضِعِ إِعْلَامِ جَبْرَئِیلَ إِیَّاهَا بِقَتْلِهِ فَحَمَلَتْهُ کُرْهاً بِأَنَّهُ مَقْتُولٌ وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً لِأَنَّهُ مَقْتُولٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه و او از محمّد بن حمّاد و او از برادرش احمد بن حمّاد و از محمّد بن عبد اللّه از پدرش نقل نموده که گفت:

از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمودند:

جبرئیل علیه السّلام محضر مبارک رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مشرّف شد و عرضه داشت:

ای محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سلام بر تو، آیا تو را به فرزندی که امّت بعد از تو او را می‌کشند بشارت ندهم؟! حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.

امام صادق علیه السّلام فرمودند: جبرئیل به آسمان رفت سپس برای بار دوّم نازل شد و نزد حضرت آمد و به آن جناب همان گفتار اوّلی را عرض نمود.

حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.

پس جبرئیل به آسمان عروج کرد و بعد برای بار سوّم محضر حضرتش مشرّف شد و همان گفتار را تکرار کرد.

حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست.

جبرئیل عرض کرد: پروردگارت اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد.

حضرت فرمودند: بسیار خوب پذیرفتم.

یا پس از آنکه جبرئیل گفتار مزبور را ایراد کرد سپس پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ایستادند و تشریف بردند تا بر حضرت فاطمه علیها السّلام وارد شدند و فرمودند:

جبرئیل علیه السّلام نزد من آمد و مرا به فرزندی که پس از من امّتم او را می‌کشند بشارت داد.

حضرت فاطمه علیها السّلام عرض کردند: من را به او نیازی نیست.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: پروردگارم اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد.

حضرت فاطمه علیها السّلام عرضه داشتند: بسیار خوب پذیرفتم.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

در این هنگام حق تعالی این آیه را نازل کرد: حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً (زیرا جبرئیل اعلام به کشتن آن فرزند نمود) فحملته

کرها (یعنی کراهت داشت از اینکه کشته می‌شود) و وضعته کرها (زیرا جبرئیل خبر داد که او کشته می‌شود)

۴- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ الزَّیَّاتِ قَالَ حَدَّثَنِی رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) نَزَلَ عَلَی مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ یَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ وَ یُبَشِّرُکَ بِمَوْلُودٍ یُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ (علیها السلام) تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَقَالَ یَا جَبْرَئِیلُ وَ عَلَی رَبِّیَ السَّلَامُ لَا حَاجَةَ لِی فِی مَوْلُودٍ یُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی قَالَ فَعَرَجَ جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِکَ فَقَالَ یَا جَبْرَئِیلُ وَ عَلَی رَبِّیَ السَّلَامُ لَا حَاجَةَ لِی فِی مَوْلُودٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَعَرَجَ جَبْرَئِیلُ إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ لَهُ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّکَ یُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ یُبَشِّرُکَ أَنَّهُ جَاعِلٌ فِی ذُرِّیَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَ الْوَلَایَةَ وَ الْوَصِیَّةَ- فَقَالَ قَدْ رَضِیتُ ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَی فَاطِمَةَ (علیها السلام) إِنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُنِی بِمَوْلُودٍ یُولَدُ مِنْکِ تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَأَرْسَلَتْ إِلَیْهِ أَنْ لَا حَاجَةَ لِی فِی مَوْلُودٍ یُولَدُ مِنِّی تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَأَرْسَلَ إِلَیْهَا إِنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ فِی ذُرِّیَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَ الْوَلَایَةَ وَ الْوَصِیَّةَ- فَأَرْسَلَتْ إِلَیْهِ إِنِّی قَدْ رَضِیتُ فَحَمَلَتْهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً- وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً حَتَّی إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِینَ سَنَةً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لِی فِی ذُرِّیَّتِی فَلَوْ أَنَّهُ قَالَ أَصْلِحْ لِی ذُرِّیَّتِی لَکَانَتْ ذُرِّیَّتُهُ کُلُّهُمْ أَئِمَّةً وَ لَمْ یَرْضَعِ الْحُسَیْنُ مِنْ فَاطِمَةَ وَ لَا مِنْ أُنْثَی- لَکِنَّهُ کَانَ یُؤْتَی بِهِ النَّبِیَّ (صلی الله علیه و آله) فَیَضَعُ إِبْهَامَهُ إِصْبَعَهُ فِی فِیهِ فَیَمَصُّ مِنْهَا مَا یَکْفِیهِ الْیَوْمَیْنِ وَ الثَّلَاثَةَ فَنَبَتَ لَحْمُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ دَمُهُ مِنْ دَمِهِ وَ لَمْ یُولَدْ مَوْلُودٌ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ إِلَّا عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (صلی الله علیه و آله) وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ الزَّیَّاتِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

*** ***

*** ***

محمّد بن جعفر رزّاز می‌گوید: محمّد بن الحسین بن الخطّاب از محمّد بن عمرو بن سعید زیّات نقل کرده که گفت:

شخصی از اصحاب برایم نقل نمود که امام صادق علیه السّلام فرمودند:

جبرئیل علیه السّلام بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نازل شد پس عرض کرد:

یا محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خداوند سلام می‌رساند و بشارت می‌دهد شما را به فرزندی که از حضرت فاطمه علیهما السّلام متولّد شده و امّت پس از شما او را می‌کشند.

حضرت فرمودند:

ای جبرئیل به پروردگار سلام من را برسان و عرض کن احتیاجی به چنین فرزندی که از فاطمه سلام اللّه علیها متولّد شود و بعد از من امّتم او را بکشند ندارم.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

جبرئیل علیه السّلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مشرّف شد و همان گفتار را تکرار کرد.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

ای جبرئیل به پروردگارم سلام من را برسان و عرض کن احتیاجی به چنین فرزندی که از فاطمه سلام اللّه علیها متولّد شود و بعد از من امّتم او را بکشند ندارم.

پس جبرئیل علیه السّلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مشرّف شد و عرض کرد.

ای محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: پروردگارت به تو سلام می‌رساند و بشارت می‌دهد که امامت و ولایت و وصایت را در نسل این مولود قرار می‌دهد.

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: راضی و خشنود شدم.

سپس حضرت برای فاطمه سلام اللّه علیها خبر فرستاد .. و اظهار نمودند که:

خداوند به من بشارت داده که فرزندی از شما متولّد گشته و پس از من امّتم او را می‌کشند.

حضرت فاطمه سلام اللّه علیها برای پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خبر فرستاده و اظهار کردند که:

به فرزندی که امّت بعد از شما او را بکشند نیازی ندارم.

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خبر فرستادند که:

خداوند امامت و ولایت و وصایت را در نسل این فرزند قرار داده.

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای رسول خدا خبر فرستادند که راضی شدم.

پس در حالی که از مقتول واقع شدن آن فرزند کراهت داشت به او باردار گردید و سپس در حالی که از اخبار جبرئیل به مقتول واقع شدن آن مولد کراهت داشت بار حمل را بر زمین نهاد و مجموع دوران حمل و شیرخوارگی آن طفل سی ماه بود تا آنکه به سن بلوغ و سپس به چهل سالگی رسید و به درگاه الهی عرضه داشت: بار خدایا من را بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطاء فرمودی شکر، بیامرز، و به کار شایسته‌ای که خشنودی تو در آن است موفق نما و فرزندان من را صالح گردان.

قابل توجّه آنکه: اگر جناب سیّد الشهداء به جای «اصلح فی ذرّیّتی» عبارت «اصلح لی ذرّیّتی» را ایراد می‌کردند به طور قطع و حتم تمام ذرّیه آن جناب از پیشوایان می‌شدند.

لازم به تذکّر است که آن حضرت نه از حضرت فاطمه سلام اللّه علیها شیر خوردند و نه از خانم دیگری بلکه حضرتش را نزد نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌آوردند و آن جناب انگشت ابهامشان را در دهان او می‌گذاردند و سیّد الشهداء علیه السّلام به مقدار غذای دو و سه روزشان را از انگشت حضرت می‌مکیدند پس گوشت حضرت امام حسین علیه السّلام از گوشت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و خونشان از خون حضرت تکوین یافت و هیچ مولودی در شش ماهگی متولد نگشته مگر حضرت عیسی بن مریم و حضرت امام حسین علیهما السّلام.

و پدرم رحمه اللّه از سعد بن عبد اللّه و او از اسماعیل بن عیسی و او از محمّد بن عمرو بن سعید زیّات به اسنادش مثل همین خبر را نقل کرده است.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِیعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُکَیْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ دَخَلَتْ فَاطِمَةُ (علیها السلام) عَلَی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ عَیْنَاهُ تَدْمَعُ فَسَأَلَتْهُ مَا لَکَ- فَقَالَ إِنَّ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) أَخْبَرَنِی أَنَّ أُمَّتِی تَقْتُلُ حُسَیْناً فَجَزِعَتْ وَ شَقَّ عَلَیْهَا فَأَخْبَرَهَا بِمَنْ یَمْلِکُ مِنْ وُلْدِهَا فَطَابَتْ نَفْسُهَا وَ سَکَنَتْ

پدرم و محمّد بن الحسن جملگی از محمّد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از ابن فضّال، از عبد اللّه بن بکیر از بعضی اصحاب از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که ایشان فرمودند:

حضرت فاطمه سلام اللّه علیها بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم داخل شده در حالی که چشمان آن جناب اشک بار بود.

حضرت فاطمه سلام اللّه علیها از آن جناب پرسیدند: شما را چه می‌شود؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: جبرئیل علیه السّلام به من خبر داده که امّتم عنقریب حسین را می‌کشند.

پس فاطمه علیها السّلام به جزع آمده و جامه خود را پاره کرده.

رسول خـدا صـلّی اللّه علیه و آله و سـلّم که حال را مشاهـده نمودند به آن حضـرت خبر دادند که یکی از فرزندان این مولود مالک امور گشته و انتقام از قاتلین خواهد گرفت.

پس از این خبر حضرت فاطمه سلام اللّه علیها خشنود گشته و نفس مبارکش آرام

۶- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی غُنْدَرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (صلی الله علیه و آله) زَارَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ قَدْ أَهْدَتْ لَنَا أُمُّ أَیْمَنَ لَبَناً وَ زُبْداً وَ تَمْراً فَقَدَّمْنَا مِنْهُ فَأَکَلَ ثُمَّ قَامَ إِلَی زَاوِیَةِ الْبَیْتِ فَصَلَّی رَکَعَاتٍ [رَکْعَتَانِ [ ]رَکْعَتَیْنِ فَلَمَّا کَانَ فِی آخِرِ سُجُودِهِ بَکَی بُکَاءً شَدِیداً فَلَمْ یَسْأَلْهُ أَحَدٌ مِنَّا إِجْلَالًا وَ إِعْظَاماً لَهُ فَقَامَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) وَ قَعَدَ فِی حَجْرِهِ فَقَالَ یَا أَبَتِ لَقَدْ دَخَلْتَ بَیْتَنَا فَمَا سُرِرْنَا بِشَیْءٍ کَسُرُورِنَا بِدُخُولِکَ ثُمَّ بَکَیْتَ بُکَاءً غَمَّنَا فَمَا أَبْکَاکَ فَقَالَ یَا بُنَیَّ أَتَانِی جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) آنِفاً فَأَخْبَرَنِی أَنَّکُمْ قَتْلَی وَ أَنَّ مَصَارِعَکُمْ شَتَّی فَقَالَ یَا أَبَتِ فَمَا لِمَنْ زَارَ قُبُورَنَا عَلَی تَشَتُّتِهَا فَقَالَ یَا بُنَیَّ أُولَئِکَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِی یَزُورُونَکُمْ فَیَلْتَمِسُونَ بِذَلِکَ الْبَرَکَةَ وَ حَقِیقٌ عَلَیَّ أَنْ آتِیَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ حَتَّی أُخَلِّصَهُمْ مِنْ أَهْوَالِ السَّاعَةِ وَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ یُسْکِنُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ

محمّد بن حسن بن احمد بن ولید، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از حسین بن ابی غندر، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت امیر المومنین علیه السّلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به زیارت ما آمدند و قبلا امّ أیمن برای ما شیر و سر شیر و خرما هدیه داده بود لذا به منظور پذیرائی از حضرت، آنها را مقابلش نهادیم، حضرت میل فرموده سپس ایستادند و به گوشه‌ای از خانه تشریف برده و چند رکعت نماز خواندند و در آخرین سجده به شدّت گریستند و احدی از ما به منظور اجلال و تعظیم از آن وجود مبارک سوءال نکرد که سبب گریستن شما چیست ولی حضرت حسین علیه السّلام ایستاد و سپس در دامن رسول خدا نشست عرض نمود:

ای پدر به منزل ما وارد شدی و هیچ چیز ما را این مقدار مسرور ننمود سپس گریستی بطوری که ما را مغموم و محزون کردی، سبب گریستن شما چیست؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: پسرم هم اکنون جبرئیل علیه السّلام نزد من آمد و به من خبر داد که شما را می کشند و قبور شما متفرق و پراکنده است.

را که امام مظلوم علیه السلام در آن کشته می‌شود به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

حضرت سیّد الشهداء سلام اللّه علیه عرض کرد: ای پدر چه ثوابی است برای کسی که این قبور متفرق و پراکنده را زیارت کند؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: پسرم زائرین شما گروهی از امّت من بوده که درخواستشان از زیارت شما حصول برکت می‌باشد و سزاوار است که من روز قیامت به نزدشان رفته و آنها را از هول و وحشت قیامت رهانیده و از گناهانی که کرده‌اند خلاصشان بنمایم و سپس حقتعالی آنها را در بهشت جای می‌دهد.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَبِی الْقَاسِمِ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْقُرَشِیِّ عَنْ عُبَیْدِ بْنِ یَحْیَی الثَّوْرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیهم السلام) قَالَ زَارَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) ذَاتَ یَوْمٍ فَقَدَّمْنَا إِلَیْهِ طَعَاماً وَ أَهْدَتْ إِلَیْنَا أُمُّ أَیْمَنَ صَحْفَةً مِنْ تَمْرٍ وَ قَعْباً مِنْ لَبَنٍ وَ زُبْدٍ فَقَدَّمْنَا إِلَیْهِ فَأَکَلَ مِنْهُ فَلَمَّا فَرَغَ قُمْتُ وَ سَکَبْتُ عَلَی یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَاءً فَلَمَّا غَسَلَ یَدَیْهِ مَسَحَ وَجْهَهُ وَ لِحْیَتَهُ بِبِلَّةِ یَدَیْهِ ثُمَّ قَامَ إِلَی مَسْجِدٍ فِی جَانِبِ الْبَیْتِ وَ صَلَّی وَ خَرَّ سَاجِداً فَبَکَی وَ أَطَالَ الْبُکَاءَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَمَا اجْتَرَأَ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ أَحَدٌ یَسْأَلُهُ عَنْ شَیْءٍ فَقَامَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) یَدْرُجُ حَتَّی صَعِدَ عَلَی فَخِذَیْ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَأَخَذَ بِرَأْسِهِ إِلَی صَدْرِهِ وَ وَضَعَ ذَقَنَهُ عَلَی رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ

(صلی الله علیه و آله) ثُمَّ قَالَ یَا أَبَتِ مَا یُبْکِیکَ فَقَالَ لَهُ یَا بُنَیَّ إِنِّی نَظَرْتُ إِلَیْکُمُ الْیَوْمَ فَسُرِرْتُ بِکُمْ سُرُوراً لَمْ أُسَرَّ بِکُمْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ فَهَبَطَ إِلَیَّ جَبْرَئِیلُ فَأَخْبَرَنِی أَنَّکُمْ قَتْلَى وَ أَنَّ مَصَارِعَکُمْ شَتَّى فَحَمِدْتُ اللَّهَ عَلَى ذَلِکَ وَ سَأَلْتُ لَکُمُ الْخِیَرَةَ فَقَالَ لَهُ یَا أَبَتِ فَمَنْ یَزُورُ قُبُورَنَا وَ یَتَعَاهَدُهَا عَلَى تَشَتُّتِهَا قَالَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِی یُرِیدُونَ بِذَلِکَ بِرِّی وَ صِلَتِی- أَتَعَاهَدُهُمْ فِی الْمَوْقِفِ وَ آخُذُ بِأَعْضَادِهِمْ فَأُنْجِیهِمْ مِنْ أَهْوَالِهِ وَ شَدَائِدِهِ

محمّد بن حسن بن احمد بن ولید می‌گوید:

محمّد بن ابی القاسم ماجیلویه، از محمّد بن علیّ القرشی، از عبید بن یحیی ثوری، از محمّد بن حسین بن علی بن الحسین از پدر بزرگوارشان، از جدّشان، از علی بن ابی طالب علیهم السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روزی به زیارت ما آمدند پس طعامی نزد آن جناب نهادیم و کاسه خرما و ظرف شیر و سر شیری که ام ایمن برای‌مان هدیه آورده بود را نیز در مقابل حضرت نهادیم، آن جناب تناول فرموده و پس از فراغت ایشان از طعام ایستادم و آب روی دو دست مبارک ایشان ریخته و پس از آنکه حضرت دو دست خویش را شستند، دست‌های مرطوبی خود را به صورت و محاسن شریف کشیده سپس ایستادند و به مسجدی که در یک طرف خانه بود تشریف برده و نماز گزارده و در آخر به سجده رفته پس در آن گریه طولانی نموده سپس سر از آن برداشتند و از ما اهل بیت احدی جرأت نکرد سبب گریه آن حضرت را بپرسد، پس حضرت امام حسین علیه السّلام ایستاده و آهسته آهسته جلو رفت تا خود را به آن جناب رساند و از حضرتش بالا رفت تا به روی ران‌های حضرت قرار گرفت پس سر به سینه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، چانه را روی سر آن جناب نهاد سپس عرضه داشت:

ای پدر چرا گریستی؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: امروز به شما نگریستم بسیار مسرور و خوشحال شدم به طوری که پیش از آن چنین سرور و نشاطی در من پیدا نشده بود، پس جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد که شما کشته خواهید شد و قبورتان پراکنده خواهد بود پس خدا را حمد و ستایش کرده و از خدا خیر شما را درخواست نمودم.

حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام عرض کرد: ای پدر چه کسی قبور ما را زیارت می‌کند و با اینکه از هم جدا و متفرقند به سر آنها خواهد آمد؟

حضرت فرمودند: جماعتی از امّتم، و قصدشان از زیارت این قبور احسان به من می‌باشد و من نیز در قیامت به نزدشان حاضر شده و بازوهایشان را گرفته و آنها را از هول و وحشت و گرفتاری آن روز می‌رهانم.

۱۷] – باب هفدهم سخن جبرئیل با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و اینکه امّت بعد از شما حسین علیه السّلام را می‌کشند و نشان دادن سرزمینی را که امام مظلوم علیه السّلام در آن کشته‌می‌شود به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَی قَالَ حَدَّثَنِی سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَیْدٍ عَنْ یَحْیَی الْحَلَبِیِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) أَتَی رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) یَلْعَبُ بَیْنَ یَدَیْهِ فَأَخْبَرَهُ أَنَّ أُمَّتَهُ سَتَقْتُلُهُ قَالَ فَجَزِعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ أَ لَا أُرِیکَ التُّرْبَةَ الَّتِی یُقْتَلُ فِیهَا قَالَ فَخَسَفَ مَا بَیْنَ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِلَی الْمَکَانِ الَّذِی قُتِلَ فِیهِ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) حَتَّی الْتَقَتَا الْقِطْعَتَانِ فَأَخَذَ مِنْهَا وَ دُحِیَتْ فِی أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ عَیْنٍ فَخَرَجَ وَ هُوَ یَقُولُ طُوبَی لَکِ مِنْ تُرْبَةٍ وَ طُوبَی لِمَنْ یُقْتَلُ حَوْلَکِ قَالَ وَ کَذَلِکَ صَنَعَ صَاحِبُ سُلَیْمَانَ تَکَلَّمَ بِاسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ فَخُسِفَ مَا بَیْنَ سَرِیرِ سُلَیْمَانَ وَ بَیْنَ الْعَرْشِ مِنْ سُهُولَةِ الْأَرْضِ وَ حُزُونَتِهَا- حَتَّی الْتَقَتِ الْقِطْعَتَانِ فاجْتَرَّ الْعَرْشَ قَالَ سُلَیْمَانُ یُخَیَّلُ إِلَیَّ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ تَحْتِ سَرِیرِی- قَالَ وَ دُحِیَتْ فِی أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ الْعَیْنِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه می گوید:

سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، از نضر بن سوید، از یحیی حلبی، از هارون بن خارجه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند جبرئیل علیه السّلام نزد پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمد در حالی که امام حسین علیه السّلام در مقابل آن حضرت بازی می کرد پس به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خبر داد که عنقریب امّت شما حسین را خواهند کشند.

امام صادق علیه السّلام می‌فرمایند:

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از این خبر به جزع و ناله آمدند.

جبرئیل علیه السّلام محضر مبارکش عرضه داشت:

مایل هستید سرزمینی که حسین علیه السّلام در آن کشته می‌شود به شما نشان دهم؟

امام صادق علیه السّلام می‌فرماید:

در این هنگام فاصله بین مکان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و جایی که حضرت سیّد الشّهداء علیه السّلام در آن کشته شدند فرو رفته بطوری که دو مکان مزبور با هم ملاقات کرده سپس حضرت مقداری از تربت و خاک آن مکان را برداشتند و سریع‌تر از چشم به هم زدن زمین گسترده شد پس جناب رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از آن مکان خارج شده در حالی که می‌فرمودند:

خوشا به تو از خاکی که دارای، خوشا به حال کسی که در اطراف و حوالی تو کشته می‌شود.

امام صادق علیه السّلام می‌فرمایند:

صاحب و وزیر سلیمان نیز چنین کرد یعنی به کمک اسم اعظم باری تعالی در زمین خسف پدید آورد و بین تخت سلیمان علیه السّلام و عرش فرو رفت و تمام پستی و بلندی‌های آن پائین رفت به طوری که این دو قطع از زمین (جای تخت و عرش) با هم ملاقی شدند پس عرش چنان کشیده شد که تصوّر نمودم از زیر تخت من خارج گشت.

امام صادق علیه السّلام می‌فرمایند:

سریع‌تر از چشم به هم زدن زمین گسترده شد.

۲- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِی جَمِیلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِی أُسَامَةَ

زَیْدٍ الشَّحَّام عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ نَعَی جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) الْحُسَیْنَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فِی بَیْتِ أُمِّ سَلَمَهَ فَدَخَلَ عَلَیْهِ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) وَ جَبْرَئِیلُ عِنْدَهُ فَقَالَ إِنَّ هَذَا تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ- فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَرِنِی مِنَ التُّرْبَهِ الَّتِی یُسْفَکُ فِیهَا دَمُهُ فَتَنَاوَلَ جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) قَبْضَهً مِنْ تِلْکَ التُّرْبَهِ فَإِذَا هِیَ تُرْبَهٌ حَمْرَاءُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عبد الحمید عطّار، از ابی جمیلهٔ مفضّل بن صالح، از ابی اسامه زید شحّام، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که حضرت فرمودند:

جبرئیل علیه السّلام در خانهام سلمه خبر شهادت حضرت امام حسین علیه السّلام را به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم داد و شرح آن چنین است:

حضرت امام حسین علیه السّلام در خانهام سلمه بر پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وارد شد در حالی که جبرئیل علیه السّلام در محضر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بود، جبرئیل عرضه داشت:

امّت شما این (امام حسین علیه السّلام) را خواهند کشت.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

از آن خاکی که خون او در آن می‌ریزد مقداری را به من نشان بده.

جبرئیل علیه السّلام یک مشت از آن را برداشت و وقتی به آن حضرت خواست نشان دهد خاک قرمز گردید.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَی عَنْ سَعْدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عِیسَی وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ سَمَاعَهَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ وَ زَادَ فِیهِ فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ أُمِّ سَلَمَهَ حَتَّی مَاتَتْ رَحِمَهَا اللَّهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد از علی بن اسماعیل بن عیسی و محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب و ابراهیم بن هاشم، از عثمان بن عیسی، از سماعهٔ بن مهران، از مولانا ابی عبد اللّه علیه السّلام حدیثی مثل حدیث گذشته را نقل کرده منتهی در آن این فقره را افزوده:

این تربت پیوسته نزد ام سلمه بود تا از دنیا رفت رحمهٔ اللّه علیها.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِیدِ الْخَزَّازِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِکِ بْنِ أَعْیَنَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) کَانَ فِی بَیْتِ أُمِّ سَلَمَهَ وَ عِنْدَهُ جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) فَدَخَلَ عَلَیْهِ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) فَقَالَ لَهُ جَبْرَئِیلُ إِنَّ أُمَّتَکَ تَقْتُلُ ابْنَکَ هَذَا أَ لَا أُرِیکَ مِنْ تُرْبَهِ الْأَرْضِ الَّتِی یُقْتَلُ فِیهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) نَعَمْ فَأَهْوَی جَبْرَئِیلُ (علیه السلام) بِیَدِهِ وَ قَبَضَ قَبْضَهً مِنْهَا فَأَرَاهَا النَّبِیَّ ص

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه و او از محمّد بن ولید خزّاز و او از حمّاد بن عثمان و او از عبد الملک بن اعین نقل کرده که گفت:

از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در خانهام سلمه بودند و جبرئیل علیه السّلام در محضر آن حضرت حضور داشت پس حضرت حسین علیه السّلام داخل شد، جبرئیل علیه السّلام عرضه داشت:

امّت شما فرزندت حسین را خواهند کشت، آیا از خاک زمینی که او را روی آن می‌کشند به شما مقداری را نشان بدهم.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: بلی.

پس جبرئیل دستش را دراز نمود و مشتی از آن خاک را برداشت و سپس به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشانش داد.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ بَیْنَمَا الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیهما السلام) عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِذْ أَتَاهُ جَبْرَئِیلُ (علیه

السلام) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَ تُحِبُّهُ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ أَمَا إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُهُ قَالَ فَحَزِنَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) حُزْناً شَدِيداً فَقَالَ لَهُ جَبْرَئِيلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ تُرِيدُ [أَ يَسُرُّكَ]أَنْ أُرِيَكَ التُّرْبَةَ الَّتِي يُقْتَلُ فِيهَا فَقَالَ نَعَمْ فَخَسَفَ مَا بَيْنَ مَجْلِسِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) إِلَى كَرْبَلَاءَ حَتَّى الْتَقَتَا الْقِطْعَتَانِ هَكَذَا ثُمَّ جَمَعَ بَيْنَ السَّبَّابَتَيْنِ ثُمَّ تَنَاوَلَ بِجَنَاحِهِ مِنَ التُّرْبَةِ وَ نَاوَلَهَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) ثُمَّ رَجَعَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) طُوبَى لَكِ مِنْ تُرْبَةٍ وَ طُوبَى لِمَنْ يُقْتَلُ فِيكِ

محمّد بن جعفر قریشی رزّاز از محمّد بن حسین، از محمّد بن سنان، از هارون بن خارجه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی می گوید:

شنیدم از حضرت امام صادق علیه السّلام که می‌فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیهم السّلام نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بودند جبرئیل بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم داخل گشت و عرضه داشت:

ای محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آیا وی را دوست می‌داری.

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کرد: این حتمی است که امّت شما عنقریب او را خواهند کشت.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شدیدا محزون و غمگین شدند.

پس جبرئیل علیه السّلام عرضه داشت: یا رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آیا می‌خواهی تربت و خاکی که وی روی آن کشته می‌شود را ببینی؟

حضرت فرمودند: بلی.

پس فاصله بین مجلس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و کربلا فرو رفت به طوری که این قطعه با هم متصل شد به این نحو (سپس امام صادق علیه السّلام برای تصویر کردن اتصال دو قطعه زمین دو انگشت سبابه دست‌ها را به هم متّصل فرمودند).

پس از آن جبرئیل با بالش مقداری از تربت کربلا را برداشت و رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آن را از وی گرفتند سپس جبرئیل به کمتر از چشم به هم زدن برگشت.

و بعد از آن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

چه خوش تربتی هستی و چه خوش کسی است که در تو کشته می‌شود.

۶- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ سَالِمِ بْنِ مُكَرَّمٍ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةُ الْحُسَيْنَ (عليهما السلام) جَاءَ جَبْرَئِيلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِص فَقَالَ لَهُ إِنَّ أُمَّتَكَ تَقْتُلُ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) مِنْ بَعْدِكَ ثُمَّ قَالَ أَ لَا أُرِيكَ مِنْ تُرْبَتِهِ فَضَرَبَ بِجَنَاحِهِ فَأَخْرَجَ مِنْ تُرْبَةِ كَرْبَلَاءَ وَ أَرَاهَا إِيَّاهُ ثُمَّ قَالَ هَذِهِ التُّرْبَةُ الَّتِي يُقْتَلُ عَلَيْهَا

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه و او از احمد بن محمّد بن عیسی و او از حسن بن علی وشاء و او از احمد بن عائذ و او از ابی خدیجهٔ بن مکرم جمّال و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت حسین علیه السّلام از فاطمه سلام اللّه علیها متولّد شد جبرئیل علیه السّلام محضر مبارک رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مشرّف شد و عرض

کرد:

امّت شما حسین علیه السّلام را بعد از شما می کشند سپس اظهار داشت:

آیا تربت او را به شما نشان دهم؟! پس بال زد و مقداری از خاک کربلا را برداشت و آن را به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشان داده سپس گفت:

این تربتی است که حسین علیه السّلام روی آن کشته می‌شود.

۷- حَدَّثَنِی أَبِی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّعْفَرَانِیِّ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو الْأَسْلَمِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَنْبَسَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ الْمَلَکُ الَّذِی جَاءَ إِلَی مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) یُخْبِرُهُ بِقَتْلِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) کَانَ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) الرُّوحَ الْأَمِینَ مَنْشُورَ الْأَجْنِحَةِ بَاکِیاً صَارِخاً قَدْ حَمَلَ مِنْ تُرْبَةِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ هِیَ تَفُوحُ کَالْمِسْکِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ تُفْلِحُ أُمَّتِی تَقْتُلُ فَرْخِی أَوْ قَالَ فَرْخَ ابْنَتِی فَقَالَ جَبْرَئِیلُ یَضْرِبُهَا اللَّهُ بِالاخْتِلَافِ فَتَخْتَلِفُ قُلُوبُهُمْ

پدرم از حسین بن علی زعفرانی نقل نمود که وی گفت:

محمّد بن عمرو اسلمی برایم نقل کرده که عمرو بن عبد اللّه بن عنبسه، از محمّد بن عبد اللّه بن عمرو از پدرش، از ابن عبّاس نقل نمود که وی گفت:

فرشته‌ای که محضر مبارک رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مشرّف شد و به آن جناب از شهادت حضرت امام حسین علیه السّلام خبر داد جبرئیل روح الامین بود در حالی که بال‌هایش را باز کرده و می‌گریست و فریاد می‌نمود مقداری از تربت حضرت سید الشّهداء علیه السّلام را که همچون مشک بویش منتشر بود با خود حمل می‌کرد.

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

آیا امّتی که جوجه من را می‌کشند رستگار خواهند شد؟

یا فرمودند:

آیا امتی که جوجه دختر من را می‌کشند رستگار می‌گردند؟

جبرئیل عرض کرد:

خداوند متعال آنها را از هم پراکنده نموده و سپس دل‌هایشان نیز با هم نبوده و همواره بینشان اختلاف می‌باشد.

۸- حَدَّثَنِی النَّاقِدُ أَبُو الْحُسَیْنِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْغَنَوِیِّ عَنْ سُلَیْمَانَ قَالَ وَ هَلْ بَقِیَ فِی السَّمَاوَاتِ مَلَکٌ لَمْ یَنْزِلْ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یُعَزِّیهِ بِوَلَدِهِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ یُخْبِرُهُ بِثَوَابِ اللَّهِ إِیَّاهُ وَ یَحْمِلُ إِلَیْهِ تُرْبَتَهُ مَصْرُوعاً عَلَیْهَا مَذْبُوحاً مَقْتُولًا جَرِیحاً طَرِیحاً مَخْذُولًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) اللَّهُمَّ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ اقْتُلْ مَنْ قَتَلَهُ وَ اذْبَحْ مَنْ ذَبَحَهُ وَ لَا تُمَتِّعْهُ بِمَا طَلَبَ قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ فَوَ اللَّهِ لَقَدْ عُوجِلَ الْمَلْعُونُ یَزِیدُ وَ لَمْ یَتَمَتَّعْ بَعْدَ قَتْلِهِ بِمَا طَلَبَ- قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَ لَقَدْ أُخِذَ مناقصة [مُغَافَصَةً]بَاتَ سَکْرَانَ وَ أَصْبَحَ مَیِّتاً مُتَغَیِّراً کَأَنَّهُ مَطْلِیٌّ بِقَارٍ أُخِذَ عَلَی أَسَفٍ وَ مَا بَقِیَ أَحَدٌ مِمَّنْ تَابَعَهُ عَلَی قَتْلِهِ أَوْ کَانَ فِی مُحَارَبَتِهِ إِلَّا أَصَابَهُ جُنُونٌ أَوْ جُذَامٌ أَوْ بَرَصٌ وَ صَارَ ذَلِکَ وِرَاثَةً فِی نَسْلِهِمْ

ناقد ابو الحسین احمد بن عبد اللّه بن علی می‌گوید:

جعفر بن سلیمان، از پدرش و او از عبد الرحمن غنوی و او از سلیمان نقل کرده که وی گفت:

آیا در آسمان‌ها فرشته‌ای مانـد که به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نازل نشود و به آن جناب راجع به شهادت فرزندش حضرت امام حسین علیه السّلام تسلیت نگوید و از ثواب دادن حقتعالی به او وی را با خبر نکند و از تربت آن شهید در حالی که آن جناب به روی آن با سر بریده و کشته شده و با بدنی پر از جراحت و بدون یار و یاور افتاده به نزد رسول خدا حمل ننماید؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

بار خدایا کسانی که او را یاری نکردند یاری مکن و آنان که او را کشتند بکش و آنها که او را سر بریدند سرشان را ببر و از آنچه

طالب هستند بهره‌مند مساز.

عبد الرحمن می گوید:

به خدا قسم یزید ملعون مهلت نیافت و پس از کشتن آن جناب آنچه را که طالب بود نیافت و از آن بهره‌مند نشد، شب با حالتی مست و خارج از حال طبیعی خوابید و صبح کرد در حالی که مرده‌ای بود متغیر گویا او را قیر اندود کرده‌اند، با حالتی غمگین و حسرت و حزن مرد و احدی از آنان که در کشتن سید الشهداء سلام اللّه علیه از او تبعیّت کرده یا در محاربه و جنگ با آن سرور مقابل شدند باقی نماندند مگر آنکه یا مبتلا به دیوانگی و یا جذام و یا برص گردیدند و این امراض در نسل ایشان به ارث باقی ماند خداوند همه آنها را لعن و از رحمت واسعه‌اش دور نماید.

۹- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِیمِ بْنِ نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِیمِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَصْبَحَ صَبَاحاً فَرَأَتْهُ فَاطِمَةُ بَاكِیاً حَزِیناً فَقَالَتْ مَا لَكَ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَبَی أَنْ یُخْبِرَهَا فَقَالَتْ لَا آكُلُ وَ لَا أَشْرَبُ حَتَّی تُخْبِرَنِی فَقَالَ إِنَّ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) أَتَانِی بِالتُّرْبَةِ الَّتِی یُقْتَلُ عَلَیْهَا غُلَامٌ لَمْ یُحْمَلْ بِهِ بَعْدُ وَ لَمْ تَكُنْ تَحْمِلُ بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ هَذِهِ تُرْبَتُهُ حَدَّثَنِی عُبَیْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَمِیرَةَ الْأَسْلَمِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی عَمْرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَنْبَسَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِیثَ مِثْلَ حَدِیثِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الزَّعْفَرَانِیِّ سَوَاءً حَدَّثَنِی عُبَیْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ قَالَ حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْغَنَوِیِّ عَنْ سُلَیْمَانَ وَ ذَكَرَ مِثْلَ حَدِیثِ أَبِی الْحُسَیْنِ النَّاقِدِ سَوَاءً

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از احمد بن محمّد بن ابی نصر، از عبد الکریم بن عمرو، از معلی بن خنیس نقل کرده که وی گفت:

در صبح روزی حضرت فاطمه علیها السّلام رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را گریان و محزون دیده پس عرضه داشت: ای رسول خدا شما را چه می‌شود؟

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از خبر دادن به ایشان امتناع نمودند.

حضرت فاطمه علیها السّلام عرض کرد: نه غذا خورده و نه آب می‌آشامم تا به من خبر دهید.

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: جبرئیل خاکی را برایم آورده که بر روی آن جوانی که هنوز مادرش به او باردار نشده کشته خواهد شد و این همان تربت و خاک است (این واقعه زمانی بود که هنوز حضرت فاطمه علیها السّلام به حسین علیه السّلام باردار نشده بودند).

عبید اللّه بن فضل بن محمّد بن هلال می گوید:

محمّد بن عمیره اسلمی برایم نقل نمود، وی گفت: عمرو بن عبد اللّه بن عنبسه، از محمّد بن عبد اللّه بن عمرو، از پدرش و او از ابن عباس نقل کرده که وی حدیث را نظیر حدیث ابی عبد اللّه زعفرانی (حدیث هفتم همین باب) نقل نموده:

و عبید اللّه بن فضل برایم نقل نمود، وی گفت: جعفر بن سلیمان، از پدرش، از عبد الرّحمن غنوی، از سلیمان نقل کرد که وی حدیث را نظیر حدیث ابی الحسین الناقد (حدیث هشتم) حکایت نمود.

۱۸] – باب هیجدهم آیاتی که در باره شهادت حضرت امام حسین علیه السّلام نازل شده و بیان انتقام حق تعالی از قاتلین اگر چه در زمانی بس متأخّر باشد

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ الْحَنَّاطِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَاسِمٍ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ قَضَیْنا إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ فِی الْکِتابِ- لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ قَالَ قَتْلُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) وَ طَعْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیراً قَتْلُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَإِذا جاءَ وَعْدُ أُولاهُما قَالَ إِذَا جَاءَ نَصْرُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) بَعَثْنا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ قَوْماً یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ (علیه السلام) لَا یَدَعُونَ وَتْراً لِآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَحْرَقُوهُ- وَ کانَ وَعْداً مَفْعُولًا

محمّد بن جعفر قرشی رزّاز می گوید:

محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب، از موسی بن سعدان حنّاط، از عبد اللّه بن قاسم حضرمی، از صالح بن سهل از ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت در ذیل آیه شریفه:

وَ قَضَیْنا إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ فِی الْکِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ، فرمودند:

مقصود از مرّتین یکی قتل و شهید نمودن امیر الموءمنین علیه السّلام بوده و دیگری طعن و زخم زبان‌هائی بود که به حسن بن علی علیهما السّلام زده شد.

و مراد از «لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیراً» شهادت حسین بن علی علیهما السّلام است.

و منظور از «فاذا جاء و عدا اولیهما» اینست که وقتی فرا رسید زمان خون خواهی حضرت امام حسین علیه السّلام و یاری کردن آن جناب.

و تفسیر «بَعَثْنا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجاسُوا خِلالَ الدِّیارِ» اینست که:

خداوند متعال قبل از قیام قائم علیه السّلام گروهی را بر انگیزد که آنها احدی را بر آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم واگذارند مگر آنکه او را آتش می‌زنند و این وعده خدا حتما بوقوع می‌پیوندد.

۲- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ تَلَا هَذِهِ الْآیَةَ إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ مِنْهُمْ وَ لَمْ یُنْصَرْ بَعْدُ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهِ لَقَدْ قُتِلَ قَتَلَةُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ لَمْ یُطْلَبْ بِدَمِهِ بَعْدُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن سنان، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت آیه:

«إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ یَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهادُ» را تلاوت نموده سپس فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیهم السّلام از جمله این دسته بود و مورد کمک و نصرت قرار نگرفت پس از آن فرمود:

به خدا سوگند کشندگان حسین بن علی علیهما السّلام جملگی کشته شدند در حالی که کسی خون آن حضرت را از ایشان طلب نکرد.

۳- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ وَ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذَا الْمَوْءُدَةُ سُئِلَتْ. بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ نَزَلَتْ فِی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ع

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از یعقوب بن یزید و ابراهیم بن هاشم، از محمّد بن ابی عمیر، از برخی رجالش از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در ذیل فرموده خداوند عزّ و جل:

وَ إِذَا الْمَوْءُدَةُ سُئِلَتْ، بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ.

فرمودند:

این آیه در شأن حسین بن علی علیهما السّلام نازل شده.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ حَکَمٍ الْحَنَّاطِ عَنْ ضُرَیْسٍ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللّهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ قَالَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ ع

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از عبّاس بن معروف، از صفوان بن یحیی، از حکم حنّاط، از ضریس، از ابی خالد کابلی، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل نموده که گفت:

از آن جناب شنیدم که در ذیل فرموده حق عزّ و جلّ:

أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللّهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ.

فرمودند:

ایشان علی و حسن و حسین علیهم السّلام می‌باشند.

۵- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ سَأَلْتُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی قَوْلِهِ تَعَالَی- وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً قَالَ ذَلِکَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ یَخْرُجُ فَیَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ یَکُنْ مُسْرِفاً وَ قَوْلُهُ فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ لَمْ یَکُنْ لِیَصْنَعَ شَیْئاً یَکُونُ سَرَفاً ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقْتُلُ وَ اللَّهِ ذَرَارِیَّ قَتَلَةِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) بِفَعَالِ آبَائِهَا

محمّد بن الحسن بن احمد، از محمّد بن الحسن الصفّار، از عباس بن معروف، از محمّد بن سنان، از شخصی نقل نموده که وی گفت:

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام از تفسیر آیه شریفه:

وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً.

پرسیدم، حضرت فرمودند:

مقصود از «ولی» قائم آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بوده که خروج نموده پس به خون خواهی حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام شروع به کشتن می‌نماید بطوری که اگر اهل زمین را بکشد اسراف نکرده است.

و در ذیل این فقره از آیه «فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ» می‌فرماید:

حضرت قائم علیه السّلام اقدام به چیزی که اسراف محسوب شود نمی‌کنند.

سپس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

به خدا قسم حضرت قائم علیه السّلام اعقاب کشندگان سیّد الشّهداء علیه السّلام را بواسطه عمل آباء و اجدادشان را خواهد کشت.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ
أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی قَوْلِهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَلا عُدْوانَ إِلّا عَلَی الظّالِمِینَ قَالَ أَوْلَادُ قَتَلَةِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین، از عثمان بن عیسی، از سماعهٔ بن مهران، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در ذیل فرموده حق تبارک و تعالی:

فَلا عُدْوانَ إِلّا عَلَی الظّالِمِینَ.

فرمودند:

مقصود از «ظالمین» فرزندان کشندگان امام حسین علیه السّلام می‌باشد.

ترجمه:

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از ابراهیم بن هاشم و محمّد بن الحسین، از عثمان بن عیسی از سماعهٔ بن مهران مثل حدیث قبل را نقل نموده.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْکُوفِیُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی- وَ قَضَیْنا إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ فِی الْکِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ قَالَ قَتْلُ عَلِیٍّ وَ طَعْنُ الْحَسَنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیراً قَالَ قَتْلُ الْحُسَیْنِ ع

محمّد بن جعفر کوفی رزّاز، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از موسی بن سعدان، از عبد اللّه بن القاسم الحضرمی از صالح بن سهل، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در ذیل فرموده حق تبارک و تعالی: وَ قَضَیْنا إِلی بَنِی إِسْرائِیلَ فِی الْکِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ.

نقل نموده که آن جناب فرمودند:

مقصود از «مرتین» یکی کشتن حضرت علی علیه السّلام بوده و دیگری زخم زبان زدن به امام حسن علیه السّلام می‌باشد.

و مراد از «وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبِیراً» کشتن حضرت امام حسین علیه السّلام می‌باشد.

۱۹] – باب نوزدهم آگاه بودن انبیاء از شهادت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِی سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ جَمِیعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ إِسْمَاعِیلَ الَّذِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ- وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیًّا لَمْ یَکُنْ إِسْمَاعِیلَ بْنَ إِبْرَاهِیمَ (علیهما السلام) کَانَ نَبِیّاً مِنَ الْأَنْبِیَاءِ بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَی قَوْمِهِ فَأَخَذُوهُ فَسَلَخُوا فَرْوَةَ رَأْسِهِ وَ وَجْهِهِ- فَأَتَاهُ مَلَکٌ عَنِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِی إِلَیْکَ فَمُرْنِی بِمَا شِئْتَ فَقَالَ لِی أُسْوَةٌ بِمَا یُصْنَعُ بِالْحُسَیْنِ ع

پدرم رحمهٔ اللّه علیه فرمود:

سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف از احمد بن محمّد بن عیسی و محمّد بن حسین بن ابی الخطاب و یعقوب بن یزید، جملگی از محمّد بن سنان، از کسی که یادش نموده از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش در باره او فرموده:

وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا.

اسماعیل بن ابراهیم علیهما السّلام نبوده بلکه مقصود از وی پیامبری از پیامبران عظام بوده که حق تعالی وی را به طرف قومش مبعوث داشت قومش او را گرفته و پوست سر و صورتش را کندند پس فرشته‌ای از جانب حق تبارک و تعالی نزدش آمد، عرضه داشت:

خداوند متعال من را به سوی تو فرستاده و امر کرده که به تو عرض کنم هر چه می‌خواهی از او بخواه.

او فرمود:

من خواستارم که آنچه به حضرت حسین علیه السّلام از بلا و محنت می‌رسد پیرو آن حضرت بوده و به من نیز آنها متوجه گردد.

۲- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْهُمَا جَمِیعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّهُ کَانَ لِلَّهِ رَسُولًا نَبِیّاً تَسَلَّطَ عَلَیْهِ قَوْمُهُ فَقَشَرُوا جِلْدَةَ وَجْهِهِ وَ فَرْوَةَ رَأْسِهِ- فَأَتَاهُ رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِینَ فَقَالَ لَهُ رَبُّکَ یُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ قَدْ رَأَیْتُ مَا صُنِعَ بِکَ وَ قَدْ أَمَرَنِی بِطَاعَتِکَ فَمُرْنِی بِمَا شِئْتَ فَقَالَ یَکُونُ لِی بِالْحُسَیْنِ أُسْوَةٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی و ابن ابی الخطاب و ابن یزید، جملگی از محمّد بن سنان، از عمّار بن مروان، از سماعهٔ بن مهران از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال رسول و پیامبری داشت که قومش بر او مسلّط شده و پوست صورت و سر او را کندند رسولی از رسولان پروردگار عالمیان نزد او آمد و گفت:

پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید:

آنچه به تو وارد شد را دیدم و به من امر فرمود که تو را اطاعت نمایم حال آنچه می‌خواهی به من بفرما.

وی فرمود: من خواستارم که آنچه به حضرت حسین علیه السّلام از بلا و محنت رسید پیرو آن حضرت باشم.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَةَ الْعِجْلِیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِی عَنْ إِسْمَاعِیلَ الَّذِی ذَکَرَهُ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ حَیْثُ یَقُولُ- وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیًّا أَ کَانَ إِسْمَاعِیلَ بْنَ إِبْرَاهِیمَ (علیهما السلام) فَإِنَّ النَّاسَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُ إِسْمَاعِیلُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ فَقَالَ (علیه السلام) إِنَّ إِسْمَاعِیلَ مَاتَ قَبْلَ إِبْرَاهِیمَ وَ إِنَّ إِبْرَاهِیمَ کَانَ حُجَّةً لِلَّهِ کُلَّهَا [قَائِماً]صَاحِبَ شَرِیعَةٍ فَإِلَی مَنْ أُرْسِلَ إِسْمَاعِیلُ إِذَنْ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ فَمَنْ کَانَ قَالَ (علیه السلام) ذَاکَ إِسْمَاعِیلُ بْنُ حِزْقِیلَ النَّبِیُّ (علیهما

السلام) بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَی قَوْمِهِ فَکَذَّبُوهُ فَقَتَلُوهُ وَ سَلَخُوا وَجْهَهُ فَغَضِبَ اللَّهُ لَهُ عَلَیْهِمْ فَوَجَّهَ إِلَیْهِ أَسْطَاطَائِیلَ مَلَکَ الْعَذَابِ فَقَالَ لَهُ یَا إِسْمَاعِیلُ أَنَا أَسْطَاطَائِیلُ مَلَکُ الْعَذَابِ وَجَّهَنِی إِلَیْکَ رَبُّ الْعِزَّةِ لِأُعَذِّبَ قَوْمَکَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِنْ شِئْتَ فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِیلُ لَا حَاجَةَ لِی فِی ذَلِکَ فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهِ فَمَا حَاجَتُکَ یَا إِسْمَاعِیلُ فَقَالَ یَا رَبِّ إِنَّکَ أَخَذْتَ الْمِیثَاقَ لِنَفْسِکَ بِالرُّبُوبِیَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ وَ لِأَوْصِیَائِهِ بِالْوَلَایَةِ وَ أَخْبَرْتَ خَیْرَ خَلْقِکَ بِمَا تَفْعَلُ أُمَّتُهُ بِالْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) مِنْ بَعْدِ نَبِیِّهَا وَ إِنَّکَ وَعَدْتَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) أَنْ تَکُرَّهُ إِلَی الدُّنْیَا حَتَّی یَنْتَقِمَ بِنَفْسِهِ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِکَ بِهِ فَحَاجَتِی إِلَیْکَ یَا رَبِّ أَنْ تَکُرَّنِی إِلَی الدُّنْیَا حَتَّی أَنْتَقِمَ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِکَ بِی کَمَا تَکُرُّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) فَوَعَدَ اللَّهُ إِسْمَاعِیلَ بْنَ حِزْقِیلَ ذَلِکَ فَهُوَ یُکَرُّ مَعَ الْحُسَیْنِ ع

محمّد بن جعفر رزّاز از محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب و احمد بن حسن بن علی بن فضّال از پدرش از مروان بن مسلم از برید بن معاویة العجلی نقل کرده که گفت: محضر امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

ای پسر رسول خدا: خبر دهید به من از اسماعیل که حق تعالی در کتاب خودش از او یاد کرده و فرموده:

وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ وَ کانَ رَسُولًا نَبِیًّا.

آیا مقصود از او اسماعیل بن ابراهیم علیهما السّلام است چه آنکه مردم این طور می‌پندارند که وی اسماعیل بن ابراهیم می‌باشد.

امام علیه السّلام فرمودند:

اسماعیل پیش از حضرت ابراهیم از دنیا رفت و جناب ابراهیم علیه السّلام حجّت قائم حق تعالی و صاحب شریعت بود و مع ذلک اسماعیل با چنین موقعیتی به جانب چه کسانی می‌توانست مبعوث باشد؟! راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

پس اسماعیل در آیه مذکور چه کسی است؟

حضرت فرمودند:

وی اسماعیل بن حزقیل پیغمبر می‌باشد که خداوند متعال او را به جانب قومش مبعوث نمود و آنها وی را تکذیب کرده و کشتند و سپس پوست صورتش را کندند پس خداوند به ایشان غضب نمود و سطاطائیل را که فرشته عذاب است بر او نازل کرد، فرشته عرضه داشت:

ای اسماعیل من سطاطائیل بوده که فرشته عذاب می‌باشم پروردگار متعال من را نزد شما فرستاده تا قوم شما را به انواع عذاب‌ها معذّب نمایم و در صورتی که نخواهی ایشان را به بلاها و گرفتاری‌ها مبتلا سازم.

اسماعیل به او فرمود:

به این امر نیاز و احتیاجی ندارم.

پس حق تعالی وحی فرستاد: ای اسماعیل حاجت تو چیست؟

عرض کرد: پروردگارا از بندگانت عهد و میثاق گرفتی که تو را ربّ و پروردگار دانسته و حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را پیغمبر و اوصیاء کرامش را ولیّ بدانند و به بهترین مخلوقاتت خبر دادی که امّتش با حسین بن علی علیهما السّلام بعد از پیامبر چه خواهند نمود و به حسین علیه السّلام وعده دادی که به دنیا برگردانده می‌شود تا خودش از آن قوم جفا کار انتقام بگیرد و حاجت من به تو ای پروردگارم آن است که من را نیز به دنیا برگردانی تا انتقام خود را از ظالمین بگیرم همان طوری که حسین علیه السّلام را به دنیا بازگردانیدی، پس حق تعالی به اسماعیل بن حزقیل وعده داد او را با حسین بن علی سلام اللّه علیهما به دنیا برگرداند.

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ إِسْمَاعِیلَ الَّذِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ- وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ أُخِذَ فَسُلِخَتْ فَرْوَةُ وَجْهِهِ وَ رَأْسِهِ فَأَتَاهُ مَلَکٌ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِی إِلَیْکَ فَمُرْنِی بِمَا شِئْتَ فَقَالَ لِی أُسْوَةٌ بِالْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ع

محمّد بن الحسن بن علی بن مهزیار از پدرش از جدّش علی بن مهزیار، از محمّد بن سنان از کسی که ذکرش نموده نقل کرد که گفت امام صادق علیه السّلام فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش از او یاد کرده و فرموده:

وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ.

گرفتار قومش شد و او را گرفته پوست صورت و سرش را کندند پس فرشته‌ای نزد او آمد عرضه داشت:

خداوند متعال من را نزد تو فرستاده اکنون آنچه می‌خواهی به من دستور بده.

اسماعیل فرمود:

من پیرو حسین بن علی علیهما السّلام می‌باشم.

*** ***

*** ***

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ إِسْمَاعِیلَ الَّذِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی فِی کِتَابِهِ- وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُکانَ صادِقَ الْوَعْدِ أُخِذَ فَسُلِخَتْ فَرْوَةُ وَجْهِهِ وَ رَأْسِهِ فَأَتَاهُ مَلَکٌ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِی إِلَیْکَ فَمُرْنِی بِمَا شِئْتَ فَقَالَ لِی أُسْوَةٌ بِالْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ع

حمّد بن الحسن بن علی بن مهزیار از پدرش از جدّش علی بن مهزیار، از محمّد بن سنان از کسی که ذکرش نموده نقل کرد که گفت امام صادق علیه السّلام فرمودند:

اسماعیلی که حق تعالی در کتاب عزیزش از او یاد کرده و فرموده: وَ اذْکُرْ فِی الْکِتابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کانَ صادِقَ الْوَعْدِ. گرفتار قومش شد و او را گرفته پوست صورت و سرش را کندند پس فرشته‌ای نزد او آمد عرضه داشت: خداوند متعال من را نزد تو فرستاده اکنون آنچه می‌خواهی به من دستور بده. اسماعیل فرمود: من پیرو حسین بن علی علیهما السّلام می‌باشم.

۲۰] - باب بیستم آگاهی فرشتگان از شهادت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ الْکُوفِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی خَالِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِی مُوسَی بْنُ سَعْدَانَ الْحَنَّاطُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ شُعَیْبٍ الْمِیثَمِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیهما السلام) لَمَّا وُلِدَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) أَنْ یَهْبِطَ فِی أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِکَةِ فَیُهَنِّئَ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) قَالَ وَ کَانَ مَهْبِطُ جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) عَلَی جَزِیرَةٍ فِی الْبَحْرِ فِیهَا مَلَکٌ یُقَالُ لَهُ فُطْرُسُ کَانَ مِنَ الْحَمَلَةِ فَبُعِثَ فِی شَیْءٍ فَأَبْطَأَ فِیهِ فَکُسِرَ جَنَاحُهُ وَ أُلْقِیَ فِی تِلْکَ الْجَزِیرَةِ یَعْبُدُ اللَّهَ فِیهَا سِتَّمِائَةِ عَامٍ حَتَّی وُلِدَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) فَقَالَ الْمَلَکُ لِجَبْرَئِیلَ (علیه السلام) أَیْنَ تُرِیدُ- قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی أَنْعَمَ عَلَی مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) بِنِعْمَةٍ فَبُعِثْتُ أُهَنِّئُهُ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّی فَقَالَ یَا جَبْرَئِیلُ احْمِلْنِی مَعَکَ لَعَلَّ مُحَمَّداً (صلی الله علیه و آله) یَدْعُو اللَّهَ لِی قَالَ فَحَمَلَهُ فَلَمَّا دَخَلَ جَبْرَئِیلُ عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ هَنَّأَهُ مِنَ اللَّهِ وَ هَنَّأَهُ مِنْهُ وَ أَخْبَرَهُ بِحَالِ فُطْرُسَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یَا جَبْرَئِیلُ أَدْخِلْهُ فَلَمَّا أَدْخَلَهُ أَخْبَرَ فُطْرُسُ النَّبِیَّ (صلی الله علیه و آله) بِحَالِهِ فَدَعَا لَهُ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله) وَ قَالَ لَهُ تَمَسَّحْ بِهَذَا الْمَوْلُودِ وَ عُدْ إِلَی مَکَانِکَ قَالَ فَتَمَسَّحَ فُطْرُسُ بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ ارْتَفَعَ وَ قَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَمَا إِنَّ أُمَّتَکَ سَتَقْتُلُهُ- وَ لَهُ عَلَیَّ مُکَافَاةٌ أَنْ لَا یَزُورَهُ زَائِرٌ إِلَّا بَلَّغْتُهُ عَنْهُ وَ لَا یُسَلِّمَ عَلَیْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا بَلَّغْتُهُ سَلَامَهُ وَ لَا یُصَلِّیَ عَلَیْهِ مُصَلٍّ إِلَّا بَلَّغْتُهُ عَلَیْهِ صَلَاتَهُ قَالَ ثُمَّ ارْتَفَعَ

محمّد بن جعفر قریشی رزّاز کوفی می گوید:

از دائی‌ام محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب گفت:

موسی بن سعدان حنّاط از عبد اللّه بن قاسم حضرمی، از ابراهیم بن شعیب میثمی نقل کرد که گفت:

شنیدم امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هنگامی که حسین بن علی علیهما السّلام متولّد شدند حق تعالی به جبرئیل امر فرمود که در ضمن هزار فرشته دیگر به زمین فرود آید و از طرف خدا و خودش به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تهنیت بگوید.

حضرت فرمودند:

محل فرود آمدن جبرئیل جزیره‌ای بود در میان دریائی و در آن جزیره فرشته‌ای می‌زیست بنام فطرس که از جمله عرش محسوب می‌شد و حق تعالی او را بر انجام کاری مبعوث نمود و چون وی در بجا آوردن آن سستی نمود بالش شکسته شد و او در آن جزیره افتاد و مدت ششصد سال خداوند را عبادت می کرد تا حضرت حسین بن علی علیهما السّلام متولد شدند به هر صورت فطرس به جبرئیل عرضه داشت:

اراده کجا داری؟ جبرئیل فرمود: خداوند متعال بر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نعمتی عنایت فرموده و من را برای گفتن تهنیت از جانب خودش و خودم به نزد آن جناب فرستاده اکنون محضر مبارک آن حضرت می‌روم.

فطرس عرضه داشت: ای جبرئیل من را با خودت ببر شاید حضرت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای من دعاء فرماید.

حضرت فرمودند:

جبرئیل فطرس را با خود برد و هنگامی که به مکان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رسید فطرس را بیرون گذارد و خودش محضر مبارک آن جناب مشرّف گردید و از ناحیه خدا و خود به حضرتش تهنیت گفت و سپس حال فطرس را گزارش داد.

حضرت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

ای جبرئیل او را داخل کن.

جبرئیل او را داخل نمود و وی حال خود را برای آن جناب بازگو نمود.

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برایش دعاء نموده و فرمودند:

بال شکسته خودت را به این مولود بکش و به جای خودت برگردد.

حضرت فرمودند:

هر سلام‌کننده‌ای که به حضرتش سلام کند، سلامش را به محضرش ابلاغ نموده و هر کسی که به جنابش تهنیت گوید آن را به حضورش عرضه نمایم این بگفت و به آسمان پرواز کرد.

۲۱] – باب بیست و یکم در بیان لعنت نمودن حق تبارک و تعالی و انبیاء عظام در حق قاتلین حسین بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْقَمَّاطِ عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ بَیْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فِی مَنْزِلِ فَاطِمَهَ (علیها السلام) وَ الْحُسَیْنُ فِی حَجْرِهِ إِذْ بَکَی وَ خَرَّ سَاجِداً ثُمَّ قَالَ یَا فَاطِمَهُ یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ إِنَّ الْعَلِیَّ الْأَعْلَی تَرَاءَی لِی فِی بَیْتِکِ هَذَا فِی سَاعَتِی هَذِهِ فِی أَحْسَنِ صُورَهٍ وَ أَهْیَإِ هَیْئَهٍ وَ قَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ أَ تُحِبُّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) فَقُلْتُ نَعَمْ قُرَّهُ عَیْنِی وَ رَیْحَانَتِی- وَ ثَمَرَهُ فُؤَادِی وَ جِلْدَهُ مَا بَیْنَ عَیْنَیَّ فَقَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ وَ وَضَعَ یَدَهُ عَلَی رَأْسِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) بُورِکَ مِنْ مَوْلُودٍ عَلَیْهِ بَرَکَاتِی وَ صَلَوَاتِی وَ رَحْمَتِی وَ رِضْوَانِی. وَ لَعْنَتِی وَ سَخَطِی وَ عَذَابِی وَ خِزْیِی وَ نَکَالِی عَلَی مَنْ قَتَلَهُ وَ نَاصَبَهُ وَ نَاوَاهُ وَ نَازَعَهُ أَمَا إِنَّهُ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ- فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی بن عبید یقطینی از محمّد بن سنان از ابی سعید قماط از ابن ابی یعفور از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

روزی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در منزل حضرت فاطمه سلام اللّه علیها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین علیه السّلام در دامن آن جناب بودند، حضرت گریسته و به سجده رفته سپس فرمودند:

ای فاطمه، ای دختر محمّد! در این ساعت و در همین مکان خداوند علیّ اعلی در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت:

ای محمّد آیا حسین را دوست داری؟

گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده ما بین دیده گان من است.

در حالی که دست بر سر حسین علیه السّلام نهاده بود به من فرمود:

ای محمّد: برکت حاصل می‌شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و رضوان من می‌باشد و لعنت و غضب و عذاب و ذلّت و عقوبت من بر کسی که او را کشته و نصب عداوتش نموده و با او دشمنی کرده و با وی به حرب برخاسته است. بطور حتم و قطع او سرور شهداء است از اوّلین و آخرین در دنیا و آخرت ....

۲- وَ حَدَّثَنِی أَبُو الْحُسَیْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیٍّ النَّاقِدُ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو هَارُونَ الْعِیسِیُّ [الْعَبْسِیُّ]عَنْ أَبِی الْأَشْهَبِ جَعْفَرِ بْنِ حَنَانٍ [حَیَّانَ]عَنْ خَالِدٍ الرَّبَعِیِّ قَالَ حَدَّثَنِی مَنْ سَمِعَ کَعْباً یَقُولُ أَوَّلُ مَنْ لَعَنَ قَاتِلَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) إِبْرَاهِیمُ خَلِیلُ الرَّحْمَنِ لَعَنَهُ وَ أَمَرَ وُلْدَهُ بِذَلِکَ وَ أَخَذَ عَلَیْهِمُ الْعَهْدَ وَ الْمِیثَاقَ ثُمَّ لَعَنَهُ مُوسَی بْنُ عِمْرَانَ وَ أَمَرَ أُمَّتَهُ بِذَلِکَ ثُمَّ لَعَنَهُ دَاوُدُ وَ أَمَرَ بَنِی إِسْرَائِیلَ بِذَلِکَ ثُمَّ لَعَنَهُ عِیسَی وَ أَکْثَرَ أَنْ قَالَ یَا بَنِی إِسْرَائِیلَ الْعَنُوا قَاتِلَهُ وَ إِنْ أَدْرَکْتُمْ أَیَّامَهُ فَلَا تَجْلِسُوا عَنْهُ فَإِنَّ الشَّهِیدَ مَعَهُ کَالشَّهِیدِ مَعَ الْأَنْبِیَاءِ مُقْبِلٍ غَیْرِ مُدْبِرٍ [مُقْبِلًا غَیْرَ مُدْبِرٍ وَ کَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی بُقْعَتِهِ وَ مَا مِنْ نَبِیٍّ إِلَّا وَ قَدْ زَارَ کَرْبَلَاءَ وَ وَقَفَ عَلَیْهَا وَ قَالَ إِنَّکِ لَبُقْعَهٌ کَثِیرَهُ الْخَیْرِ فِیکِ یُدْفَنُ الْقَمَرُ الْأَزْهَرُ

ابو الحسین محمّد بن عبد اللّه بن علیّ الناقد می‌گوید:

ابو هرون عیسی، از ابی الاشهب جعفر بن حیّان از خالد ربعی نقل نمود و گفت:

کسی که از کعب شنیده بود گفت: اوّلین کسی که قاتل حضرت حسین بن علی علیهما السّلام را لعن نمود حضرت ابراهیم خلیل الرحمن بود، آن جناب قاتل حضرت سیّد الشهداء را لعن نمود و به فرزندانشان نیز امر فرمودند که چنین نمایند و از آنها عهد و پیمان گرفت بر آن و سپس حضرت موسی بن عمران قاتل آن جناب را لعن کرد و امّتش را به آن مأمور ساخت پس از ایشان حضرت داود قاتل آن حضرت را لعن کرده و به بنی اسرائیل امر نمود که ایشان نیز لعن کنند و سپس حضرت عیسی به آن مبادرت

نمود و بیشترین گفتار آن حضرت این بود که ای بنی اسرائیل قاتل حسین بن علی علیهما السّلام را لعنت کنید و اگر زمان آن حضرت را درک نمودید مبادا او را تنها گذارده و در رکابش حاضر نشوید زیرا کسی که با آن جناب شهید شود همچون شهید با انبیاء است، او روی آورنده است نه

پشت‌کننده، گویا به جایگاه او نظر کرده و آن را می‌بینم، و نیست پیغمبری مگر آنکه کربلاء را زیارت کرده و بر آن ایستاده و گفته است:

تو جایگاهی پرخیر بوده، در تو ماه درخشنده و نور افشان دفن می‌گردد.

۳- حَدَّثَنِی الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ الزَّعْفَرَانِیُّ بِالرَّیِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ النَّصِیبِیُّ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ أَخْبَرَنِی

الْمَشِیخَةُ أَنَّ الْمَلَکَ الَّذِی جَاءَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ أَخْبَرَهُ بِقَتْلِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) کَانَ مَلَکَ الْبِحَارِ وَ ذَلِکَ أَنَّ مَلَکاً مِنْ مَلَائِکَةِ الْفِرْدَوْسِ نَزَلَ عَلَی الْبَحْرِ فَنَشَرَ أَجْنِحَتَهُ عَلَیْهَا ثُمَّ صَاحَ صَیْحَةً وَ قَالَ یَا أَهْلَ الْبِحَارِ الْبَسُوا أَثْوَابَ الْحُزْنِ فَإِنَّ فَرْخَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَذْبُوحٌ ثُمَّ حَمَلَ مِنْ تُرْبَتِهِ فِی أَجْنِحَتِهِ إِلَی السَّمَاوَاتِ فَلَمْ یَبْقَ مَلَکٌ فِیهَا إِلَّا شَمَّهَا وَ صَارَ عِنْدَهُ لَهَا أَثَرٌ وَ لَعَنَ قَتَلَتَهُ وَ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ

حسین بن علی زعفرانی در ری برایم نقل نمود وی گفت:

محمّد بن عمر نصیبی از هشام بن سعد حکایت کرد و گفت:

اساتید و شیوخ ما به من خبر دادند فرشته‌ای که نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمد و خبر شهادت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام را گزارش داد فرشته دریاها بود و شرح آن این است که:

فرشته‌ای از فرشته‌های بهشت بر دریا نازل شد و بال‌هایش را روی سطح آب گسترانید سپس فریادی بلند زد و گفت:

ای اهل دریا لباس‌های حزن و اندوه بپوشید زیرا فرزند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را سر بریده‌اند سپس از تربت آن حضرت در بالهایش نهاد و به آسمان‌ها پرواز کرد و فرشته‌ای نبود در آسمان‌ها مگر آن را بوئید و در وی اثر گذارد و کشنده‌گان آن حضرت و تابعین آنها را لعنت نمود.

۲۲] – باب بیست و دوّم در بیان کلام رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بعد از من امّت من حسین علیه السّلام را می‌کشند

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی وَ جَعْفَرِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ قَالا حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنُ بْنُ أَبِی غُنْدَرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ کَانَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیهما السلام) ذَاتَ یَوْمٍ فِی حَجْرِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) یُلَاعِبُهُ وَ یُضَاحِکُهُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ یَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَشَدَّ إِعْجَابَکَ بِهَذَا الصَّبِیِّ فَقَالَ لَهَا وَیْلَکِ وَ کَیْفَ لَا أُحِبُّهُ وَ لَا أُعْجَبُ بِهِ وَ هُوَ ثَمَرَةُ فُؤَادِی وَ قُرَّةُ عَیْنِی أَمَا إِنَّ أُمَّتِی سَتَقْتُلُهُ فَمَنْ زَارَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً مِنْ حِجَجِی قَالَتْ یَا رَسُولَ اللَّهِ حِجَّةً مِنْ حِجَجِکَ قَالَ نَعَمْ حِجَّتَیْنِ مِنْ حِجَجِی قَالَتْ یَا رَسُولَ اللَّهِ حِجَّتَیْنِ مِنْ حِجَجِکَ قَالَ نَعَمْ وَ أَرْبَعَةً قَالَ فَلَمْ تَزَلْ تزاده [تُزَادُّهُ وَ یَزِیدُ وَ یُضْعِفُ حَتَّی بَلَغَ تِسْعِینَ حِجَّةً مِنْ حِجَجِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) بِأَعْمَارِهَا پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن بن ولید، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی و جعفر بن عیسی بن عبید اللّه گفتند:

برای ما حدیث گفت ابو عبد اللّه الحسین بن ابی غندر از کسی که برایش از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نمود وی گفت: روزی حسین بن علی علیهما السّلام در دامن نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشسته بود و با آن حضرت بازی می‌کرد و هر دو می‌خندیدند.

عایشه گفت: یا رسول اللّه، چه قدر علاقه و محبّت شما به این طفل زیاد است!؟ حضرت فرمودند: وای بر تو! چه گونه او را دوست نداشته و به او محبت نداشته باشم در حالی که میوه دل من و نور چشمم می‌باشد، این امر قطعی است که عنقریب امّت من او را خواهند کشت و کسی که بعد از شهادتش او را زیارت کند خداوند برای او ثواب یک حج از حجّهای من را می‌نویسد.

عایشه عرض کرد: یا رسول اللّه حجی از حجّهای شما!؟

حضرت فرمودند: بلی، دو حج از حجهای من.

عایشه عرضه داشت: یا رسول اللّه دو حج از حجهای شما!؟

حضرت فرمودند: بلی، چهار حج از حجهای من.

راوی می‌گوید: پیوسته حضرت به تعداد حجها اضافه کردند و آن را بالا بردند تا به نود حج با عمره از حجها و عمره‌های خودشان صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رساندند.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِکِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ کَانَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِیکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ سَالِبِیکَ وَ أَهْلَکَ اللَّهُ الْمُتَوَازِرِینَ عَلَیْکَ وَ حَکَمَ اللَّهُ بَیْنِی وَ بَیْنَ مَنْ أَعَانَ عَلَیْکَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ یَا أَبَتِ أَیَّ شَیْءٍ تَقُولُ قَالَ یَا بِنْتَاهْ ذَکَرْتُ مَا یُصِیبُهُ بَعْدِی وَ بَعْدَکِ مِنَ الْأَذَی وَ الظُّلْمِ وَ الْغَدْرِ وَ الْبَغْیِ وَ هُوَ یَوْمَئِذٍ فِی عُصْبَةٍ کَأَنَّهُمْ نُجُومُ السَّمَاءِ یَتَهَادَوْنَ إِلَی الْقَتْلِ وَ کَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی مُعَسْکَرِهِمْ- وَ إِلَی مَوْضِعِ رِحَالِهِمْ وَ تُرْبَتِهِمْ فَقَالَتْ یَا أَبَتِ وَ أَیْنَ هَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِی تَصِفُ قَالَ مَوْضِعٌ یُقَالُ لَهُ کَرْبَلَاءُ وَ هِیَ ذَاتُ کَرْبٍ وَ بَلَاءٍ عَلَیْنَا وَ عَلَی الْأُمَّةِ یَخْرُجُ عَلَیْهِمْ شِرَارُ أُمَّتِی وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ یَشْفَعُ لَهُ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ مَا شُفِّعُوا فِیهِمْ وَ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِی النَّارِ قَالَتْ یَا أَبَتِ فَیُقْتَلُ قَالَ نَعَمْ یَا بِنْتَاهْ قُتِلَ قَبْلَهُ أَحَدٌ کَانَ تَبْکِیهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ وَ الْمَلَائِکَةُ وَ الْوَحْشُ وَ الْحِیتَانُ فِی الْبِحَارِ وَ الْجِبَالِ لَوْ یُؤْذَنُ لَهَا مَا بَقِیَ عَلَی الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ وَ تَأْتِیهِ قَوْمٌ مِنْ مُحِبِّینَا لَیْسَ فِی الْأَرْضِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ لَا أَقْوَمُ بِحَقِّنَا مِنْهُمْ وَ لَیْسَ عَلَی ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ یَلْتَفِتُ إِلَیْهِ غَیْرُهُمْ أُولَئِکَ مَصَابِیحُ فِی ظُلُمَاتِ الْجَوْرِ وَ هُمُ الشُّفَعَاءُ وَ هُمْ وَارِدُونَ حَوْضِی غَداً أَعْرِفُهُمْ إِذَا وَرَدُوا عَلَیَّ بِسِیمَاهُمْ- وَ أَهْلُ کُلِّ دِینٍ یَطْلُبُونَ أَئِمَّتَهُمْ وَ هُمْ یَطْلُبُونَنَا وَ لَا یَطْلُبُونَ غَیْرَنَا وَ هُمْ قِوَامُ الْأَرْضِ بِهِمْ یَنْزِلُ الْغَیْثُ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ بِطُولِهِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد از عبد اللّه بن حماد بصری از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم از مسمع بن عبد الملک از ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السّلام را مادر گرامیشان حمل می‌کردند، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم او را گرفته و فرمودند:

خداوند متعال کشندگان تو را لعنت کند، حقتعالی کسانی که جامه از تن تو بیرون می‌آورند را لعنت نماید، خدا بکشد آنان را که یک دیگر را بر علیه تو کمک می‌کنند، و بین من و آنان حکم بنماید.

حضرت فاطمه سلام اللّه علیها عرض کردند:

ای پدر چه می‌فرمائید؟ حضرت فرمودند:

دخترم مصیبت‌هائی که بعد از من و تو به او می‌رسد و اذیّت‌ها و ظلم‌ها و مکرها و تعدّی‌هائی که متوجهش می‌گردد را به یاد آوردم، او در آن روز در میان جمعی مردان که جملگی همچون ستارگان درخشانند بوده و همگی به طرف مرگ و کشتن حرکت می‌کنند، گویا اکنون لشکرگاه آنها را دیده و به جایگاه و محلّ دفن ایشان می‌نگرم.

حضرت فاطمه سلام اللّه علیها عرض کردند:

ای پدر جایی را که توصیف می‌فرمائید کجا است؟

حضرت فرمودند:

مکانی است که به آن کربلاء می‌گویند و آن زمین برای ما و امّت موجب اندوه و بلاء است، بدترین افراد امّت من بر ایشان خروج می‌نمایند، اگر تمام اهل آسمان‌ها و زمین شفیع یک نفر از این گروه شرور باشند شفاعتشان پذیرفته نشود و بطور قطع تمام آنها در جهنم جاوید خواهند بود.

حضرت فاطمه سلام اللّه علیها عرض کردند:

پدر، این طفل کشته خواهد شد؟! حضرت فرمودند:

بله، دخترم، پیش از او کسی این طور کشته نشده که آسمان‌ها و زمین و فرشتگان و حیوانات وحشی و ماهی‌های دریا و کوهها برایش گریه کنند.

اگر این موجودات مأذون بودند پس از شهادت این طفل هیچ نفس کشی روی زمین باقی نمی‌ماند و گروهی از دوستان ما خواهند آمد که در روی زمین کسی از آنها اعلم به خدا نبوده و کوشاتر در اقامه حقّ ما از آنها نمی‌توان یافت و روی زمین احدی غیر از ایشان نیست که مورد التفات و توجه باشد، ایشان چراغ‌های فروزانی بوده که در ظلمات جور و ستم می‌درخشند ایشان شفعاء دیگران بوده و در فردای قیامت بر حوض من وارد خواهند شد، هنگامی که بر من وارد شوند بوسیله سیما و چهره‌اشان می‌شناسمشان و اهل هر دینی پیشوایان خود را طلب نموده و ایشان ما را طالب بوده و غیر ما را طلب نمی‌کنند، ایشان باعث قوام و استوار بودن زمین می‌باشند، به برکت آنها باران بر زمین می‌بارد.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ زَکَرِیَّا الْمُوْمِنِ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ زَیْدِ بْنِ الْحَسَنِ أَبِی الْحَسَنِ وَ عَبَّادٍ جَمِیعاً عَنْ سَعْدٍ الْإِسْکَافِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیَا مَحْیَایَ وَ یَمُوتَ مَمَاتِی وَ یَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنٍ فَیَلْزَمَ قَضِیباً غَرَسَهُ رَبِّی بِیَدِهِ فَلْیَتَوَلَّ عَلِیّاً وَ الْأَوْصِیَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَ لْیُسَلِّمْ لِفَضْلِهِمْ فَإِنَّهُمُ الْهُدَاةُ الْمَرْضِیُّونَ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِی وَ عِلْمِی وَ هُمْ عِتْرَتِی مِنْ لَحْمِی وَ دَمِی إِلَی اللَّهِ أَشْکُو عَدُوَّهُمْ مِنْ أُمَّتِی الْمُنْکِرِینَ لِفَضْلِهِمْ الْقَاطِعِینَ فِیهِمْ صِلَتِی وَ اللَّهِ لَیَقْتُلَنَّ ابْنِی لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِی

محمّد بن الحسن بن الولید، از محمّد بن الحسن الصفّار، از محمّد بن عیسی بن عبید، از ابی عبد اللّه زکریّا الموءمن از ایّوب بن عبد الرحمن و زید بن الحسن ابی الحسن و عباد جملگی از سعد الاسکاف نقل نموده و گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السّلام فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و مماتش ممات من بوده و به بهشت جاودان داخل گردد و ملازم درختی باشد که حق تعالی به دست قدرتش آن را کاشته پس باید علی علیه السّلام و جانشینان بعد از او را دوست داشته و فضیلت ایشان را قبول نموده باشد زیرا ایشان راهنمایان پسندیده خدا بوده و جناب اقدس الهی به ایشان فهم و علم من را اعطاء فرموده است و ایشان اهل بیت من بوده که از گوشت و خون من می‌باشند شکایت دشمنان ایشان از امّتم را به خدا خواهم نمود، دشمنانی که منکر فضیلت ایشان بوده و به جای اینکه صله رحم من را نموده آن را قطع کرده‌اند، به خدا قسم فرزندم را خواهند کشت، خداوند متعال شفاعت من را هرگز نصیب ایشان نخواهند نمود.

۴- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ شَجَرَةَ عَنْ سَلَّامٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّنْعَانِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِذَا دَخَلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) جَذَبَهُ إِلَیْهِ ثُمَّ یَقُولُ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) أَمْسِکْهُ ثُمَّ یَقَعُ عَلَیْهِ فَیُقَبِّلُهُ وَ یَبْکِی یَقُولُ یَا أَبَتِ لِمَ تَبْکِی فَیَقُولُ یَا بُنَیَّ أُقَبِّلُ مَوْضِعَ السُّیُوفِ مِنْکَ قَالَ یَا أَبَتِ وَ أُقْتَلُ قَالَ إِی وَ اللَّهِ وَ أَبُوکَ وَ أَخُوکَ وَ أَنْتَ قَالَ یَا أَبَتِ فَمَصَارِعُنَا شَتَّی قَالَ نَعَمْ یَا بُنَیَّ قَالَ فَمَنْ یَزُورُنَا مِنْ أُمَّتِکَ قَالَ لَا یَزُورُنِی وَ یَزُورُ أَبَاکَ وَ أَخَاکَ وَ أَنْتَ إِلَّا الصِّدِّیقُونَ مِنْ أُمَّتِی

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی از پدرش، از حسن بن محبوب، از علیّ بن شجرة، از سلام جعفی، از عبد اللّه بن محمّد صنعانی، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

هر گاه حضرت حسین بن علی علیهما السّلام بر پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم داخل می‌شدند حضرت او را به خود می‌چسباندند و سپس به امیر المؤمنین علیه السّلام می‌فرمودند: او را نگاه دار و پس از آن او را بوسیده و می‌گریستند.

حسین علیه السّلام عرض می‌کرد: ای پدر چرا گریه می‌کنی؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌فرمود: فرزندم جاهای شمشیر را بوسیده و می‌گریم.

حسین علیه السّلام عرضه می‌داشت: ای پدر من کشته خواهم شد؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌فرمود: بلی به خدا قسم تو و پدرت و برادرت جملگی کشته خواهید شد.

عرض می‌نمود: پدر، قبور ما از هم متفرق و پراکنده می‌باشد؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌فرمود: بلی پسرم.

عرض می‌کرد: از امّت شما چه کسانی به زیارت ما می‌آیند؟

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌فرمود: من و پدرت و برادرت و تو را زیارت نخواهد نمود مگر راست گویان از امّت من.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ زَکَرِیَّا الْعَدَوِیِّ الْبَصْرِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ الْمُخْتَارِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ بِشْرٍ عَنِ القوام [الْعَوَّامِ]مَوْلَی قُرَیْشٍ قَالَ سَمِعْتُ مَوْلَایَ عَمْرَو بْنَ هُبَیْرَةَ قَالَ رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ فِی حَجْرِهِ یُقَبِّلُ هَذَا مَرَّةً وَ هَذَا مَرَّةً وَ یَقُولُ لِلْحُسَیْنِ إِنَّ الْوَیْلَ لِمَنْ یَقْتُلُکَ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابی سعید حسن بن علی بن زکریّا عدوی بصری نقل نموده که وی گفت:

عمرو بن مختار گفت: اسحق بن بشر از قوّام که مولای قریش بود نقل کرد که وی گفت:

از آقای خود عمر بن هبیره شنیدم که گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را دیدم که حسن و حسین علیهما السّلام در دامن آن حضرت بوده و آن جناب گاهی او و زمانی این را می‌بوسیده و به حسین علیه السّلام می‌فرمودند:

وای بر کسی که تو را می‌کشد.

۶- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْقَمَّاطِ عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ بَیْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فِی مَنْزِلِ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَیْنُ فِی حَجْرِهِ إِذْ بَکَی وَ خَرَّ سَاجِداً ثُمَّ قَالَ یَا فَاطِمَةُ یَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ إِنَّ الْعَلِیَّ الْأَعْلَی تَرَاءَی لِی فِی بَیْتِکِ هَذَا فِی سَاعَتِی هَذِهِ فِی أَحْسَنِ صُورَةٍ وَ أَهْیَإِ هَیْئَةٍ فَقَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ أَ تُحِبُّ الْحُسَیْنَ قُلْتُ یَا رَبِّ قُرَّةُ عَیْنِی وَ رَیْحَانَتِی وَ ثَمَرَةُ فُؤَادِی وَ جِلْدَةُ مَا بَیْنَ عَیْنَیَّ فَقَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ وَ وَضَعَ یَدَهُ عَلَی رَأْسِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) بُورِکَ مِنْ مَوْلُودٍ عَلَیْهِ بَرَکَاتِی وَ صَلَوَاتِی وَ رَحْمَتِی وَ رِضْوَانِی وَ نَقِمَتِی وَ لَعْنَتِی وَ سَخَطِی وَ عَذَابِی وَ خِزْیِی وَ نَکَالِی عَلَی مَنْ قَتَلَهُ وَ نَاصَبَهُ وَ نَاوَاهُ وَ نَازَعَهُ أَمَا إِنَّهُ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ وَ سَیِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ وَ أَبُوهُ أَفْضَلُ مِنْهُ وَ خَیْرٌ فَأَقْرِئْهُ السَّلَامَ وَ بَشِّرْهُ بِأَنَّهُ رَایَةُ الْهُدَی وَ مَنَارُ أَوْلِیَائِی وَ حَفِیظِی وَ شَهِیدِی عَلَی خَلْقِی وَ خَازِنُ عِلْمِی- وَ حُجَّتِی عَلَی أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرَضِینَ وَ الثَّقَلَیْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ

ترجمه: پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی، از محمّد بن سنان، از ابی سعید قمّاط، از ابن ابی یعفور، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

روزی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در منزل حضرت فاطمه سلام اللّه علیها تشریف داشته در حالی که حضرت امام حسین علیه السّلام در دامن آن جناب بودند، حضرت گریسته و به سجده رفته، سپس فرمودند:

ای فاطمه، ای دختر محمّد! در این ساعت و در همین مکان خداوند علیّ اعلی در بهترین صورت و زیباترین شکل خود را به من نشان داد و گفت:

ای محمّد آیا حسین را دوست داری؟

گفتم: بلی، نور دیده و گل خوشبو و میوه دل و پرده ما بین دیده‌گان من است.

در حالی که دست بر سر حسین علیه السّلام نهاده بود به من فرمود:

ای محمّد: برکت حاصل می‌شود از مولودی که بر او برکات و رحمت و رضوان من می‌باشد و لعنت و غضب و عذاب و ذلّت و عقوبت من بر کسی که او را کشته و نصب عداوتش نموده و با او دشمنی کرده و با وی به حرب برخاسته است.

به طور حتم و قطع او سرور شهداء است از اوّلین و آخرین در دنیا و آخرت و آقای جوانان اهل بهشت است از جملگی خلائق و پدرش از او برتر و بهتر است پس سلام من را به او برسان و بشارتش بده که او علامت هدایت و نشانه است برای دوستان من و نگهبان و شاهد من بر خلق و خزانه‌دار علم من و حجتم بر اهل آسمان‌ها و زمین و جن و انس می‌باشد.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادٍ الْکُوفِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُوسَی الْأَنْصَارِیِّ قَالَ حَدَّثَنِی مُصْعَبٌ عَنْ جَابِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مَمَاتِی وَ یَدْخُلَ جَنَّتِی جَنَّةَ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّی بِیَدِهِ فَلْیَتَوَلَّ عَلِیّاً وَ یَعْرِفْ فَضْلَهُ وَ الْأَوْصِیَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَ یَتَبَرَّی مِنْ عَدُوِّی أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِی وَ عِلْمِی هُمْ عِتْرَتِی مِنْ لَحْمِی وَ دَمِی أَشْکُو إِلَی رَبِّی عَدُوَّهُمْ مِنْ أُمَّتِی الْمُنْکِرِینَ لِفَضْلِهِمْ الْقَاطِعِینَ فِیهِمْ صِلَتِی وَ اللَّهِ لَیَقْتُلُنَّ ابْنِی ثُمَّ لَا تَنَالُهُمْ شَفَاعَتِی

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از محمّد بن حسین بن ابی الخطاب، از محمّد بن حمّاد کوفی، از ابراهیم بن موسی انصاری نقل کرده که وی گفت مصعب از جابر و او از حضرت محمّد بن علی علیهما السّلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

کسی که دوست دارد حیاتش حیات من و مماتش ممات من بوده و به بهشت جاودانی که حقتعالی درختانش را به دست قدرتش کاشته داخل گردد باید علی علیه السّلام را دوست داشته و به فضل آن حضرت و جانشینانش آگاه بوده و از دشمن من تبری و دوری بجوید، خداوند متعال فهم و دانش من را به ایشان (حضرت علی و اوصیایش علیهم السّلام) اعطاء فرموده، ایشان اهل بیت من

بوده که از گوشت و خون من می‌باشند شکایت دشمنان ایشان از امّتم را به خدا خواهم نمود، دشمنانی که منکر فضیلت ایشان بوده و به جای اینکه صله رحم من را نموده آن را قطع کرده‌اند به خدا قسم فرزندم را خواهند کشت و بدنبالش شفاعت من به ایشان نخواهد رسید.

۲۳] - باب بیست و سوّم گفتار امیر الموءمنین علیه السّلام راجع به شهادت امام حسین علیه السّلام و مقاله امام حسین علیه السّلام و جواب آن حضرت

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی خَالِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَیَابَةَ عَنْ أَبِی دَاوُدَ السَّبُعِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِیِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ وَ الْحُسَیْنُ (علیهما السلام) إِلَی جَنْبِهِ فَضَرَبَ بِیَدِهِ عَلَی کَتِفِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) ثُمَّ قَالَ إِنَّ هَذَا یُقْتَلُ وَ لَا یَنْصُرُهُ أَحَدٌ قَالَ قُلْتُ یَا أَمِیرَ الْمُوءْمِنِینَ وَ اللَّهِ إِنَّ تِلْکَ لَحَیَاةُ سَوْءٍ قَالَ إِنَّ ذَلِکَ لَکَائِنٌ وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز قرشی می گوید:

دائی من محمّد بن حسین بن ابی الخطاب، از علی بن نعمان و او از عبد الرّحمن بن سیابه و او از ابی داود سبعی و او از ابی عبد اللّه جدلی نقل کرده که وی گفت:

بر امیر الموءمنین علیه السّلام داخل شدم در حالی که حضرت حسین علیه السّلام در کنار آن حضرت نشسته بودند امیر الموءمنین علیه السّلام دست بر شانه حسین علیه السّلام زد و سپس فرمود:

این کشته خواهد شد و احدی یاری او را نخواهد نمود.

راوی می گوید:

عرضه داشتم یا امیر الموءمنین به خدا قسم این زندگی بدی است.

حضرت فرمودند:

این حادثه حتما به وقوع می‌پیوندد.

ترجمه:

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه و عبد اللّه بن جعفر حمیری و محمّد بن یحیی عطّار، از محمّد بن حسین باسنادش مثل حدیث مذکور نقل کرده‌اند.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ [عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ عَلِیٌّ (علیه السلام) لِلْحُسَیْنِ (علیه السلام) یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أُسْوَةٌ أَنْتَ قُدُماً فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا حَالِی قَالَ عَلِمْتَ مَا جَهِلُوا وَ سَیَنْتَفِعُ عَالِمٌ بِمَا عَلِمَ یَا بُنَیَّ اسْمَعْ وَ أَبْصِرْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَکَ فَوَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَیَسْفِکَنَّ بَنُو أُمَیَّةَ دَمَکَ ثُمَّ لَا یُزِیلُونَکَ عَنْ دِینِکَ وَ لَا یُنْسُونَکَ ذِکْرَ رَبِّکَ فَقَالَ الْحُسَیْنُ وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ حَسْبِی أَقْرَرْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ أُصَدِّقُ قَوْلَ نَبِیِّ اللَّهِ وَ لَا أُکَذِّبُ قَوْلَ أَبِی حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةٌ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز از دائی خود محمّد بن حسین بن ابی الخطاب، از نضر بن مزاحم، از عمر بن سعد از علی بن حمّاد، از عمرو بن شمر، از جابر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت علی علیه السّلام به حضرت امام حسین علیه السّلام فرمودند:

ای ابا عبد اللّه از قدیم ثابت و مسلّم شده که تواسوه و مقتدای خلق می‌باشی.

حسین علیه السّلام عرضه داشت: فدایت شوم حالم چیست؟

حضرت علی علیه السّلام فرمودند: می‌دانی آنچه را که خلق نمی‌دانند و عنقریب عالم به آنچه می‌داند منتفع خواهد شد، فرزندم

بشنو و ببین پیش از آنکه مبتلا گردی، قسم به کسی که جانم در دست او است بنو امیه خون تو را خواهند ریخت ولی نمی‌توانند تو را از دینت جدا کرده و قادر نیستند یاد پروردگارت را از خاطرت ببرند.

حسین علیه السّلام عرض کرد: قسم به کسی که جانم در دست او است همین قدر مرا کافی است به آنچه خدا نازل فرموده اقرار داشته و گفتار پیامبر خدا را تصدیق داشته و کلام پدرم را تکذیب نمی‌کنم.

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی، از سعد بن عبد اللّه و محمّد بن یحیی، از محمّد بن حسین به اسنادش مثل روایت مذکور را نقل نموده است.

۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ [عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ عَنْ یَزِیدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَانِئِ بْنِ هَانِئٍ عَنْ عَلِیٍّ (علیه السلام) قَالَ لَیُقْتَلُ الْحُسَیْنُ قَتْلًا وَ إِنِّی لَأَعْرِفُ تُرْبَةَ الْأَرْضِ الَّتِی یُقْتَلُ عَلَیْهَا قَرِیباً مِنَ النَّهْرَیْنِ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز از دائی خود محمّد بن الحسین، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از یزید بن اسحق، از هانی بن هانی، از حضرت علی علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حسین علیه السّلام کشته خواهد شد کشته‌شدنی و من به زمینی که او روی آن کشته خواهد شد آگاه بوده و می‌دانم که آن زمین بین دو نهر آب قرار گرفته است.

ترجمه:

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین باسنادش حدیثی مثل حدیث سابق را نقل نموده است.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الصُّهْبَانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ عَنْ فُضَیْلٍ الرَّسَّانِ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ عَقِیصَا قَالَ سَمِعْتُ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیهما السلام) وَ خَلَا بِهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَیْرِ وَ نَاجَاهُ طَوِیلًا قَالَ ثُمَّ أَقْبَلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) بِوَجْهِهِ إِلَیْهِمْ وَ قَالَ إِنَّ هَذَا یَقُولُ لِی کُنْ حَمَاماً مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ وَ لَأَنْ أُقْتَلَ [وَ بَیْنِی وَ بَیْنَ الْحَرَمِ بَاعٌ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أُقْتَلَ وَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ شِبْرٌ وَ لَأَنْ أُقْتَلَ بِالطَّفِّ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أُقْتَلَ بِالْحَرَمِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین جملگی از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن ابی الصّهبان، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از عاصم بن حمید، از فضیل رسّان، از ابو سعید عقیصا نقل کرده که گفت:

از حضرت حسین بن علی علیهما السّلام در حالی که در خلوت عبد اللّه بن زبیر با آن جناب بود مناجات طولانی با خداوند را شنیدم سپس حضرتش روی مبارک به مردم نموده و فرمودند:

این شخص (یعنی عبد اللّه بن زبیر) به من می‌گوید: کبوتری از کبوتران حرم باش، ولی بدانید اگر من کشته شوم در حالی که فاصله من و حرم به مقدار باع (فاصله بین سر دو انگشت وسطی از دست چپ و راست هنگامی که دست‌ها را کاملا باز نمایند) بوده بهتر است از اینکه فاصله به مقدار یک وجب باشد و نیز اگر در سرزمین طف خونم ریخته شود بهتر است از اینکه در حرم کشته شوم.

۵- وَ عَنْهُمَا عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَیْرِ لِلْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ لَوْ جِئْتَ إِلَی مَکَّةَ فَکُنْتَ بِالْحَرَمِ فَقَالَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) لَا نَسْتَحِلُّهَا وَ لَا تُسْتَحَلُّ بِنَا وَ لَأَنْ أُقْتَلَ عَلَی تَلٍّ أَعْفَرَ أَحَبُّ

إِلَیَّ مِنْ أَنْ أُقْتَلَ بِهَا

پدرم و علی بن الحسین (رحمهٔ اللّه علیهما)، از سعد، از محمّد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

عبد اللّه بن زبیر به حضرت حسین بن علی علیهما السّلام عرض کرد:

کاش به مکّه آمده و در حرم بمانید.

حضرت فرمودند:

نه ما آمدن در حرم را روا داشته و نه شما آنجا را برای ما روا دارید و محقّقا این طور است که اگر بر تپّه ریگ سرخ و روی آن کشته شوم نزد من بهتر است تا در حرم کشته شوم.

۶- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) خَرَجَ مِنْ مَکَّةَ قَبْلَ التَّرْوِیَةِ بِیَوْمٍ فَشَیَّعَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَیْرِ فَقَالَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ حَضَرَ الْحَجُّ وَ تَدَعُهُ وَ تَأْتِی الْعِرَاقَ فَقَالَ یَا ابْنَ الزُّبَیْرِ لَأَنْ أُدْفَنَ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أُدْفَنَ بِفِنَاءِ الْکَعْبَةِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از علی بن حکم، از پدرش، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیهما السّلام یک روز قبل از ترویه از مکّه خارج شدند و عبد اللّه بن زبیر آن جناب را تشییع کرده و به حضرتش عرض نمود:

یا ابا عبد اللّه وقت انجام اعمال حجّ رسیده شما مکّه را ترک کرده و به عراق تشریف می‌برید؟

حضرت فرمودند:

ای ابن زبیر: اگر در کنار فرات دفن شوم بهتر است تا در اطراف مکّه مدفون گردم.

۷- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عِیسَی عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیه السلام) قَالَ لِأَصْحَابِهِ یَوْمَ أُصِیبُوا أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ فِی قَتْلِکُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اصْبِرُوا حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ مِثْلَهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از صفوان بن یحیی از حسین بن ابی العلاء از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی سلام اللّه علیهما روزی که خود و یارانشان به مصیبت گرفتار شدند به ایشان فرمودند:

شهادت می‌دهم که از جانب پروردگار اذن داده شد که جانتان را قربان کنید پس تقوا اختیار کرده و صبر نمائید.

محمّد بن جعفر رزّاز از دائی خود محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب و او از علی بن نعمان و او از حسین بن ابی العلاء مثل حدیث سابق را نقل کرده است.

۸- وَ حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ رِئَابٍ عَنِ الْحَلَبِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) صَلَّی بِأَصْحَابِهِ الْغَدَاةَ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَیْهِمْ فَقَالَ- إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ فِی قَتْلِکُمْ فَعَلَیْکُمْ بِالصَّبْرِ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علی بن رئاب، از حلبی نقل نموده که گفت: شنیدم حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام می‌فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیهما السّلام در صبح عاشوراء با یارانشان نماز خوانده سپس به ایشان توجه نموده و فرمودند:

خداوند متعال اذن داد که شما جانتان را قربان کنید پس بر شما باد که صبر نمائید.

۹- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ قَالَ قَالَ وَ الَّذِی رُفِعَ إِلَیْهِ الْعَرْشُ لَقَدْ حَدَّثَنِی أَبُوکَ بِأَصْحَابِ الْحُسَیْنِ لَا یَنْقُصُونَ رَجُلًا وَ لَا یَزِیدُونَ رَجُلًا تَعْتَدِی بِهِمْ هَذِهِ الْأُمَّةُ کَمَا اعْتَدَتْ بَنُو إِسْرَائِیلَ

يَوْمَ السَّبْتِ وَ قُتِلَ يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ

حسن از پدرش، از محمّد بن عیسی، از صفوان بن یحیی، از یعقوب بن شعیب، از حسین بن ابی العلاء نقل نموده که وی گفت: قسم به کسی که عرش را بپاداشته پدرت راجع به یاران امام حسین علیه السّلام برایم نقل نمود که ایشان عددشان ثابت بود نه یکی کم و نه یکی زیاد، این امّت به ایشان ستم و تعدّی نمودند همان طوری که بنی اسرائیل روز شنبه ستم کردند و شهادت آن حضرت روز شنبه دهم محرّم الحرام واقع شد.

۱۰- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ الْحُسَيْنَ (صلی الله علیه و آله) صَلَّى بِأَصْحَابِهِ يَوْمَ أُصِيبُوا ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ فِي قَتْلِكُمْ يَا قَوْمِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اصْبِرُوا

پدرم رحمة اللّه علیه و مشایخم از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، از نصر بن سوید، از یحیی بن عمران حلبی، از حسین بن ابی العلاء، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیهما السّلام در آن روزی که با اصحاب و یارانشان به بلاء و مصیبت گرفتار شدند پس از آنکه با ایشان نماز خواندند فرمودند:

شهادت می‌دهم که خداوند متعال به شما اذن داد جانتان را نثارش کنید، ای گروه از خداوند بترسید و تقوی اختیار کرده و صبر و شکیبائی داشته باشید.

۱۱- حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْأَسْلَمِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا ذَرٍّ وَ هُوَ يَوْمَئِذٍ قَدْ أَخْرَجَهُ عُثْمَانُ إِلَى الرَّبَذَةِ فَقَالَ لَهُ النَّاسُ يَا أَبَا ذَرٍّ أَبْشِرْ فَهَذَا قَلِيلٌ فِي اللَّهِ تَعَالَى فَقَالَ مَا أَيْسَرَ هَذَا وَ لَكِنْ كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (علیه السلام) قَتْلًا أَوْ قَالَ ذُبِحَ ذَبْحاً وَ اللَّهِ لَا يَكُونُ فِي الْإِسْلَامِ بَعْدَ قَتْلِ الْخَلِيفَةِ أَعْظَمُ قَتْلًا مِنْهُ [بَعْدَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ أَعْظَمُ قَتِيلًا مِنْهُ_ [وَ إِنَّ اللَّهَ سَيَسُلُّ سَيْفَهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا يَغْمِدُهُ أَبَداً وَ يَبْعَثُ نَاقِماً [قَائِماً]مِنْ ذُرِّيَّتِهِ فَيَنْتَقِمُ مِنَ النَّاسِ وَ إِنَّكُمْ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يَدْخُلُ عَلَى أَهْلِ الْبِحَارِ وَ سُكَّانِ الْجِبَالِ فِي الْغِيَاضِ وَ الْآكَامِ وَ أَهْلِ السَّمَاءِ مِنْ قَتْلِهِ لَبَكَيْتُمْ وَ اللَّهِ حَتَّى تَزْهَقَ أَنْفُسُكُمْ وَ مَا مِنْ سَمَاءٍ يَمُرُّ بِهِ رُوحُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) إِلَّا فَزِعَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَقُومُونَ قِيَامًا تُرْعِدُ مَفَاصِلُهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَا مِنْ سَحَابَةٍ تَمُرُّ وَ تُرْعِدُ وَ تُبْرِقُ إِلَّا لَعَنَتْ قَاتِلَهُ وَ مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ تُعْرَضُ رُوحُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَيَلْتَقِيَانِ

ابو الحسین محمّد بن عبد اللّه بن علی ناقد می‌گوید:

عبد الرحمن اسلمی از عبد اللّه بن الحسین، از عروة بن زبیر برایم نقل نمود که وی گفت:

در روزی که عثمان ابا ذر را به ربذه تبعید کرد از وی در پاسخ مردم که به او گفتند:

بشارت باد تو را، این مصیبت در راه خدا اندک است.

شنیدم که فرمود: این بلاء سهل و آسان است ولی در چه حالی هستید هنگامی که حسین بن علی علیهما السّلام شهید شود شهیدشدنی.

یا فرمود:

چه حالی دارید وقتی حسین بن علی علیهما السّلام ذبح شود ذبح‌شدنی.

به خدا قسم در اسلام بعد از قتل حسین بن علی علیهما السّلام قتلی بزرگ‌تر از آن واقع نخواهد شد و خداوند عنقریب شمشیر انتقامش را بر این امت از نیام بیرون خواهد آورد و هرگز در غلاف نخواهد برد و از ذریّه آن حضرت خون خواهی را بر انگیزد که از مردم انتقام خون آن جناب را بگیرد و شما اگر بدانید که از ناحیه قتل آن حضرت چه بر اهل دریا و ساکنین کوهها در جنگل‌ها و تپه‌ها خواهد آمد بخدا قسم آن قدر گریه می‌کنید تا از بین بروید و آسمانی نیست که روح سیّد الشّهداء به آن عبور کند مگر

آنکه هفتاد هزار ملک به فزع در می‌آیند، این ملائک و فرشتگان می‌ایستند به طوری که مفاصل آنها تا روز قیامت بانک و فریاد می‌کنند و هیچ ابری نیست که حرکت کرده و بغرّد و برق زند مگر آنکه کشنده آن حضرت را لعنت می‌کند و هیچ روزی نیست مگر آنکه روح مطهّر آن حضرت را بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم عرضه داشته پس آن دو با هم ملاقات می‌کنند.

۱۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ عَبْدِ السَّمِینِ یَرْفَعُهُ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) قَالَ کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) یَخْطُبُ النَّاسَ وَ هُوَ یَقُولُ سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی فَوَ اللَّهِ مَا تَسْأَلُونِّی عَنْ شَیْءٍ مَضَی وَ لَا شَیْءٍ یَکُونُ- إِلَّا نَبَّأْتُکُمْ بِهِ قَالَ فَقَامَ إِلَیْهِ سَعْدُ بْنُ أَبِی وَقَّاصٍ وَ قَالَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَخْبِرْنِی کَمْ فِی رَأْسِی وَ لِحْیَتِی مِنْ شَعْرَةٍ فَقَالَ لَهُ وَ اللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتَنِی عَنْ مَسْأَلَةٍ حَدَّثَنِی خَلِیلِی رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَنَّکَ سَتَسْأَلُنِی عَنْهَا وَ مَا فِی رَأْسِکَ وَ لِحْیَتِکَ مِنْ شَعْرَةٍ إِلَّا وَ فِی أَصْلِهَا شَیْطَانٌ جَالِسٌ وَ أَنَّ فِی بَیْتِکَ لَسَخْلًا یَقْتُلُ الْحُسَیْنَ ابْنِی وَ عُمَرُ یَوْمَئِذٍ یَدْرُجُ بَیْنَ یَدَیْ أَبِیهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عبد الجبّار، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از جعفر بن محمّد بن حکیم، از عبد السّمین بطور مرفوعه از حضرت امیر الموءمنین علیه السّلام نقل کرده وی می‌گوید:

جناب امیر الموءمنین علیه السّلام برای مردم خطبه خوانده و سپس فرمودند:

پیش از آنکه من را از دست دهید از من سوءال کنید، به خدا قسم از چیزی که گذشته و چیزی که خواهد آمد سوءال نمی‌کنید مگر آنکه جوابتان را خواهم داد.

راوی می‌گوید:

سعد بن ابی وقاص ایستاد و عرض کرد: یا امیر الموءمنین به من خبر ده چند تار مو در سر و محاسن من می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

به خدا قسم از مسأله‌ای سوءال کردی که دوست من رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم قبلا به من فرموده بود که تو عنقریب از آن سوءال می‌کنی، در سر و محاسن تو هیچ تار موئی نیست مگر آن که در بیخ آن شیطانی نشسته و نیز در خانه تو بزغاله‌ای است که حسین فرزندم را می‌کشد.

راوی می‌گوید:

در آن روز عمر (یعنی عمر بن سعد) مقابل پدرش راه می‌رفت.

*** ***

*** ***

۱۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْخَثْعَمِیِّ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَیْدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) قَالَ قَالَ وَ الَّذِی نَفْسُ حُسَیْنٍ بِیَدِهِ لَا یَنْتَهِی بَنِی أُمَیَّةَ مُلْکُهُمْ حَتَّی یَقْتُلُونِی وَ هُمْ قَاتِلِیَّ فَلَوْ قَدْ قَتَلُونِی لَمْ یَصِلُوا جَمِیعاً أَبَداً وَ لَمْ یَأْخُذُوا عَطَاءً فِی سَبِیلِ اللَّهِ جَمِیعاً أَبَداً إِنَّ أَوَّلَ قَتِیلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَنَا وَ أَهْلُ بَیْتِی وَ الَّذِی نَفْسُ حُسَیْنٍ بِیَدِهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ وَ عَلَی الْأَرْضِ هَاشِمِیٌّ یَطْرُقُ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْخَزَّازِ عَنْ طَلْحَةَ عَنْ جَعْفَرٍ (علیه السلام) مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب، از محمّد بن یحیی خثعمی، از طلحهٔ بن زید، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده و آن جناب از پدر بزرگوارشان و آن حضرت از جدّ آن جناب و آن حضرت از حسین بن علی علیهما السّلام نقل نمودند:

حضرت فرمودند:

قسم به کسی که جان حسین در دست او است سلطنت بنی امیه به پایان نمی‌رسد تا من را بکشند و ایشان کشنده من هستند، پس از گر من را بکشند هر گز موفّق نخواهند شد نمازشان را با امام عادلی جماعهٔ خوانده و نه اخذ کنند عطاء و مالی را که در راه خدا می‌دهند (نظیر زکات)، من و اهل بیت من و اوّلین کشته این امّت هستیم و قسم به کسی که جان حسین در دست او است قیامت بپا نخواهد شد در حالی که یک هاشمی در روی زمین چشم برهم می‌زند.

پدرم علیه الرحمهٔ از سعد، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن یحیی خزّاز از طلحهٔ، از امام جعفر صادق علیه السّلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

۱۴- حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ مَشَایِخِی مِنْهُمْ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ جَمِیعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ لَمَّا صَعِدَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیه السلام) عَقَبَةَ الْبَطْنِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ مَا أَرَانِی إِلَّا مَقْتُولًا قَالُوا وَ مَا ذَاکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ رُؤْیًا رَأَیْتُهَا فِی الْمَنَامِ قَالُوا وَ مَا هِیَ قَالَ رَأَیْتُ کِلَاباً تَنْهَشُنِی أَشَدُّهَا عَلَیَّ کَلْبٌ أَبْقَعُ

جماعتی از مشایخ و اساتیدم که از جمله آنها علی بن حسین و محمّد بن حسین باشند از سعد و او از احمد بن محمّد و محمّد بن حسین و ابراهیم بن هاشم نقل کرده و همگی ایشان از حسن بن علی بن فضال و او از ابی جمیله مفضّل بن صالح و او از شهاب بن عبد ربّه و او از مولانا ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حسین بن علی علیهما السّلام بالای عقبه بطن رفتند به اصحاب و یارانشان فرمودند:

نمی‌بینم خودم را مگر کشته شده.

اصحاب عرضه داشتند:

یا ابا عبد اللّه این چه سخنی است که می‌فرمائید؟

حضرت فرمودند:

خوابی است که دیده‌ام.

عرض کردند: شرح آن چیست؟

فرمودند:

سگ‌هائی را دیدم که من را نیش می‌زند و موذی‌ترین ایشان نسبت به من سگی پیس بود.

۱۵- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عِیسَی وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ الزَّیَّاتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُکَیْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ کَتَبَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ مِنْ مَکَّةَ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ مِنَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ مَنْ قِبَلَهُ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ لَحِقَ بِی اسْتُشْهِدَ وَ مَنْ لَمْ یَلْحَقْ بِی لَمْ یُدْرِکِ الْفَتْحَ وَ السَّلَامُ

پدرم علیه الرحمه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از علی بن اسماعیل بن عیسی و محمّد بن حسین بن ابی الخطاب از محمّد بن عمرو بن سعید زیّات از عبد اللّه بن بکیر، از زراره از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی سلام اللّه علیهما نامه‌ای از مکّه به محمّد بن علی علیه السّلام به این شرح مرقوم فرمودند:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ از طرف حسین بن علی علیهما السّلام به محمّد بن علی علیه السّلام (یعنی محمّد بن حنفیّهٔ) و بنی هاشمی که او را قبول داشته و با وی می‌باشند:

امّا بعد: هر کس با من همراه شود شهید خواهد شد و آنان که همراهی نکرده و با من نباشند فتح و گشایش به خود نخواهند دید و السّلام.

۱۶- قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو حَدَّثَنِی كَرَّامٌ عَبْدُ الْكَرِیمِ بْنُ عَمْرٍو عَنْ مُیَسِّرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ كَتَبَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیه السلام) إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) مِنْ كَرْبَلَاءَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ مِنَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ مَنْ قِبَلَهُ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ أَمَّا بَعْدُ فَكَأَنَّ الدُّنْیَا لَمْ تَكُنْ وَ كَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ وَ السَّلَامُ

محمّد بن عمرو می‌گوید:

کرام عبد الکریم بن عمرو از میسر بن عبد العزیز از حضرت ابی جعفر برایم نقل نمود که آن حضرت فرمودند: حضرت حسین بن علی علیهما السّلام از کربلاء برای محمّد بن علی علیه السّلام نوشتند:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ از حسین بن علی به محمّد بن علی و بنی هاشمی که او را پذیرفته‌اند:

امّا بعد:

گویا دنیا نبوده و پیوسته آخرت بوده است. و السّلام.

۲۴] - باب بیست و چهارم نشانه‌ها و علامت‌هائی که در بلاد وجود داشته و به آنها بر شهادت حسین بن علی علیهما السّلام استدلال شده

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ یَحْیَی بْنِ بَشِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا بَصِیرٍ یَقُولُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بَعَثَ هِشَامُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِکِ إِلَی أَبِی فَأَشْخَصَهُ إِلَی الشَّامِ فَلَمَّا دَخَلَ عَلَیْهِ قَالَ لَهُ یَا أَبَا جَعْفَرٍ أَشْخَصْنَاکَ لِنَسْأَلَکَ عَنْ مَسْأَلَةٍ لَمْ یَصْلُحْ أَنْ یَسْأَلَکَ عَنْهَا غَیْرِی وَ لَا أَعْلَمُ فِی الْأَرْضِ خَلْقاً یَنْبَغِی أَنْ یَعْرِفَ أَوْ عَرَفَ هَذِهِ الْمَسْأَلَةَ إِنْ کَانَ إِلَّا وَاحِداً فَقَالَ أَبِی لِیَسْأَلْنِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَمَّا أَحَبَّ فَإِنْ عَلِمْتُ أَجَبْتُ ذَلِکَ وَ إِنْ لَمْ أَعْلَمْ قُلْتُ لَا أَدْرِی وَ کَانَ الصِّدْقُ أَوْلَی بِی فَقَالَ هِشَامٌ أَخْبِرْنِی عَنِ اللَّیْلَةِ الَّتِی قُتِلَ فِیهَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ع بِمَا اسْتَدَلَّ بِهِ الْغَائِبُ عَنِ الْمِصْرِ الَّذِی قُتِلَ فِیهِ عَلَی قَتْلِهِ وَ مَا الْعَلَامَةُ فِیهِ لِلنَّاسِ- فَإِنْ عَلِمْتَ ذَلِکَ وَ أَجَبْتَ فَأَخْبِرْنِی هَلْ کَانَ تِلْکَ الْعَلَامَةُ لِغَیْرِ عَلِیٍّ (علیه السلام) فِی قَتْلِهِ فَقَالَ لَهُ أَبِی یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِنَّهُ لَمَّا کَانَ تِلْکَ اللَّیْلَةُ الَّتِی قُتِلَ فِیهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) لَمْ یُرْفَعْ عَنْ وَجْهِ الْأَرْضِ حَجَرٌ إِلَّا وُجِدَ تَحْتَهُ دَمٌ عَبِیطٌ حَتَّی طَلَعَ الْفَجْرُ وَ کَذَلِکَ کَانَتِ اللَّیْلَةُ الَّتِی قُتِلَ فِیهَا هَارُونُ أَخُو مُوسَی (علیهما السلام) وَ کَذَلِکَ کَانَتِ اللَّیْلَةُ الَّتِی قُتِلَ فِیهَا یُوشَعُ بْنُ نُونٍ وَ کَذَلِکَ کَانَتِ اللَّیْلَةُ الَّتِی رُفِعَ فِیهَا عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ إِلَی السَّمَاءِ وَ کَذَلِکَ کَانَتِ اللَّیْلَةُ الَّتِی قُتِلَ فِیهَا شَمْعُونُ بْنُ حَمُّونَ الصَّفَا وَ کَذَلِکَ کَانَتِ اللَّیْلَةُ الَّتِی قُتِلَ فِیهَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) وَ کَذَلِکَ کَانَتِ اللَّیْلَةُ الَّتِی قُتِلَ فِیهَا الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیه السلام) قَالَ فَتَرَبَّدَ وَجْهُ هِشَامٍ حَتَّی انْتَقَعَ لَوْنُهُ وَ هَمَّ أَنْ یَبْطِشَ بِأَبِی فَقَالَ لَهُ أَبِی یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ الْوَاجِبُ عَلَی الْعِبَادِ الطَّاعَةُ لِإِمَامِهِمْ وَ الصِّدْقُ لَهُ بِالنَّصِیحَةِ وَ إِنَّ الَّذِی دَعَانِی إِلَی أَنْ أُجِیبَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فِیمَا سَأَلَنِی عَنْهُ مَعْرِفَتِی إِیَّاهُ بِمَا یَجِبُ لَهُ عَلَیَّ مِنَ الطَّاعَةِ فَلْیُحْسِنْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیَّ الظَّنَّ فَقَالَ لَهُ هِشَامٌ انْصَرِفْ إِلَی أَهْلِکَ إِذَا شِئْتَ قَالَ فَخَرَجَ فَقَالَ لَهُ هِشَامٌ عِنْدَ خُرُوجِهِ أَعْطِنِی عَهْدَ اللَّهِ وَ مِیثَاقَهُ أَنْ لَا تُوَقِّعَ هَذَا الْحَدِیثَ إِلَی أَحَدٍ حَتَّی أَمُوتَ فَأَعْطَاهُ أَبِی مِنْ ذَلِکَ مَا أَرْضَاهُ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ بِطُولِهِ

پدرم علیه الرحمه و گروهی از از اساتیدم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی از حسین بن سعید از شخصی از یحیی بن بشیر نقل کرده که وی گفت:

از ابو بصیر شنیدم که می‌گفت: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

هشام بن عبد الملک پی پدرم فرستاد و ایشان را به شام دعوت نمود، هنگامی که پدرم بر وی داخل شد او محضر پدرم عرضه داشت: ای ابو جعفر من شما را به اینجا دعوت کرده و آوردم تا مسأله‌ای را از شما بپرسم چه آنکه صلاح نیست دیگری آن را از شما جویا شود و اساسا روی زمین کسی را سراغ ندارم که شایسته دانستن این مسأله بوده یا کاملا از آن اطّلاع داشته باشد و تنها شخصی که از آن آگاه است یک نفر بوده و آن شما می‌باشید.

پدرم فرمودند:

آنچه را امیر المؤمنین می‌خواهد سؤال کند اگر بدانم جواب داده و اگر ندانم می‌گویم نمی‌دانم و راست گفتن سزاوارتر است به من.

هشام عرض کرد: خبر دهید به من از شبی که در آن علیّ بن ابی طالب علیه السّلام کشته شدند و بفرمائید غائبی که در آن شهر نبوده و هنگام شهادت آن حضرت حضور نداشته به چه دلیلی بر قتل آن جناب استدلال کند و اصلا برای مردم چه علامتی دال بر شهادت آن حضرت وجود داشته اگر از آن آگاه هستید و جواب می‌دهید در ضمن به من خبر دهید آیا آن علامت برای شهادت و قتل غیر علی بن ابی طالب علیه السّلام نیز بوده یا نه؟ پدرم به او فرمود:

ای امیر المؤمنین در آن شبی که امیر مؤمنان علیه السّلام کشته شد هر سنگی را که از زمین بلند می‌کردند زیر آن خون تازه بود چنانچه در شبی که هارون برادر موسی علیه السّلام کشته شد و شبی که در آن یوشع بن نون مقتول واقع شد و شبی که در آن

حضرت عیسی بن مریم به آسمان رفت و شبی که در آن شمعون بن حمون صفا به قتل رسید چنین بود و همچنین شبی که در آن حسین بن علی علیهما السّلام شهید گردید زیر هر سنگی که برداشته می‌شد خون تازه دیده می‌شد.

امام صادق علیه السّلام سپس فرمودند:

رنگ صورت هشام از غضب تغییر کرد و حمله کرد به پدرم که ایشان را بگیرد.

پدرم به وی فرمود:

ای امیر الموءمنین بر بندگان لازم است از امامشان اطاعت کرده و در مقام نصیحت و خیر خواهی او باشند و تنها چیزی که من را بر این داشت در خواست امیر را اجابت کرده و در اینجا حاضر شدم علم به این نکته است که بر من اطاعت امیر لازم است از این رو انتظار دارم که امیر الموءمنین به من حسن ظن داشته باشد.

هشام به ایشان گفت:

اگر می‌خواهی به نزد اهل خود برگرد.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

پدرم از نزد او خارج شد و هشام هنگام خروج به ایشان عرض کرد:

با خدا عهد و میثاق کنید که این حدیث را تا من زنده‌ام با کسی باز گو نکنید.

پدرم به وی قول مساعد داد و او را از این رهگذر خشنود نمودند.

۲- حَدَّثَنِی أَبُو الْحُسَیْنِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیٍّ النَّاقِدُ قَالَ حَدَّثَنِی عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْبَلْخِیُّ [السُّلَمِیُّ]قَالَ لِی أَبُو الْحُسَیْنِ وَ أَخْبَرَنِی عَمِّی عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی نَصْرٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ الْمَقْدِسِ أَنَّهُ قَالَ وَ اللَّهِ لَقَدْ عَرَفْنَا أَهْلَ بَیْتِ الْمَقْدِسِ وَ نَوَاحِیهَا عَشِیَّةَ قَتْلِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) قُلْتُ وَ کَیْفَ ذَاکَ- قَالَ مَا رَفَعْنَا حَجَراً وَ لَا مَدَراً وَ لَا صَخْراً إِلَّا وَ رَأَیْنَا تَحْتَهَا دَماً عَبِیطاً یَغْلِی وَ احْمَرَّتِ الْحِیطَانُ کَالْعَلَقِ وَ مُطِرَ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ دَماً عَبِیطاً وَ سَمِعْنَا مُنَادِیاً یُنَادِی فِی جَوْفِ اللَّیْلِ یَقُولُ-

أَ تَرْجُو أُمَّةٌ قَتَلَتْ حُسَیْناً مَعَاذَ اللَّهِ لَا نِلْتُمْ یَقِینا قَتَلْتُمْ خَیْرَ مَنْ رَکِبَ الْمَطَایَا *** ***شَفَاعَةَ جَدِّهِ یَوْمَ الْحِسَابِ شَفَاعَةَ أَحْمَدَ وَ أَبِی تُرَابٍ وَ خَیْرَ الشِّیبِ طُرّاً وَ الشَّبَاب

- وَ انْکَسَفَتِ الشَّمْسُ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ ثُمَّ تَجَلَّتْ عَنْهَا وَ انْشَبَکَتِ النُّجُومُ فَلَمَّا کَانَ مِنْ غَدٍ أُرْجِفْنَا بِقَتْلِهِ فَلَمْ یَأْتِ عَلَیْنَا کَثِیرُ شَیْءٍ حَتَّی نُعِیَ إِلَیْنَا الْحُسَیْنُ ع

ابو الحسین احمد بن عبد اللّه بن علی ناقد می‌گوید:

عبد الرّحمن بلخی برایم نقل نمود و ابو الحسین برایم گفت و عمویم از پدرش برایم خبر داد، از ابی نضره و او از شخصی از اهل بیت المقدس که وی گفت:

به خدا قسم ما اهل بیت المقدس و حوالی آن به عصری که حضرت حسین بن علی علیهما السّلام در آن شهید شدند آگاه و مطّلع هستیم.

به او گفتم: چه طور؟

گفت: هیچ ریگ و کلوخ و سنگی را بر نداشتیم مگر زیر آن خون تازه‌ای دیدیم که می‌جوشید، دیوارها قرمز گشت همچون خون بسیار سرخ، باران تا سه روز بصورت خون تازه می‌بارید و در دل شب منادی نداء می‌کرد:

أ ترجوا امهٔ قتلت حسینا *** ***شفاعهٔ حدّه یوم الحساب

آیا امّتی که حسین علیه السّلام را کشتند امید دارند در روز حساب جدّش ایشان را شفاعت کند؟

معاذ اللّه! لانلتم یقینا *** ***شفاعهٔ احمد و أبی تراب

پناه بر خدا! بطور قطع و یقین به شفاعت احمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حضرت ابو تراب علیه السّلام نخواهید رسید.

قتلتم خیر من رکب المطایا *** ***و خیر الشّیب طرّا و الشباب

کشتید بهترین کسی را که بر اسبان می‌نشست و بهترین تمام سالمندان و جوانان بود.

تا سه روز خورشید در نظر ما به حالت کسوف دیده می‌شد و پس از سه روز باز مشاهده گردید در شب ستارگان از کثرت و تراکم به طور خاصی دیده شدند پس فردای آن روز از قتل و شهادت آن حضرت پی‌گیری نموده چیزی عائد ما نشد تا خبر شهادت و قتل آن جناب علیه السّلام به ما رسید.

۳- حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاقِدُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مَعْشَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) لَمْ يَبْقَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حَصَاةٌ إِلَّا وُجِدَ تَحْتَهَا دَمٌ عَبِيطٌ

ابو الحسین احمد بن عبد اللّه بن علیّ ناقد به اسنادش می گوید:

عمر بن سعد گفت: ابو معشر برایم از زهیر نقل کرد که وی گفت:

هنگامی که حسین بن علی علیهما السّلام شهید شد در بیت المقدّس ریگی باقی نماند مگر زیر آن خون تازه بود.

۲۵] - باب بیست و پنجم آنچه در باره کشنده امام حسین و یحیی بن زکریا علیهم السّلام وارد شده

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ كُلَیْبِ بْنِ مُعَاوِیَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ كَانَ قَاتِلُ یَحْیَی بْنِ زَكَرِیَّا وَلَدَ زِنًا وَ كَانَ قَاتِلُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَلَدَ زِناً وَ لَمْ تَبْكِ السَّمَاءُ إِلَّا عَلَیْهِمَا حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ كُلَیْبِ بْنِ مُعَاوِیَةَ الْأَسَدِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

پدرم رحمة اللّه علیه و گروهی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی و محمّد بن حسین بن ابی الخطاب، از جعفر بن بشیر، از حماد از کلیب بن معاویة، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کشنده یحیی بن زکریا ولد الزنا بوده و کشنده حضرت امام حسین علیه السّلام نیز ولد الزنا است و آسمان نگریسته مگر بر این دو.

محمّد بن حسن و محمّد بن احمد بن حسین جملگی از حسن بن علی بن مهزیار از پدرش از حسن، از فضالة بن ایوب از کلیب بن معاویة اسدی از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده‌اند.

۲- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِنَّ فِی النَّارِ لَمَنْزِلَةً لَمْ یَكُنْ یَسْتَحِقُّهَا أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَاتِلُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ یَحْیَی بْنِ زَكَرِیَّا ع

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه از ابراهیم بن هاشم از عثمان بن عیسی از عمرو بن شمر از جابر، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل نموده که آن جناب فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

در جهنّم جایگاهی است که احدی از مردم استحقاق آن را نداشته مگر کشنده حضرت حسین بن علی و یحیی بن زکریا علیهم السّلام

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ تُقْتَلُ وَ اللَّهِ ذَرَارِیُّ قَتَلَةِ الْحُسَیْنِ بِفِعْلِ آبَائِهَا

پدرم علیه الرحمه و علی بن حسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از محمّد بن سنان، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی گفت:

شنیدم امام صادق علیه السّلام می‌فرمودند:

به خدا قسم فرزندان کشندگان حضرت حسین بن علی علیهما السّلام به واسطه افعال پدرانشان کشته خواهند شد.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَیْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ كَانَ قَاتِلُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَلَدَ زِناً وَ قَاتِلُ یَحْیَی بْنِ زَكَرِیَّا وَلَدَ زِنًا

پدرم علیه الرحمه و محمّد بن الحسن، از محمّد بن حسن صفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی از ابن فضّال، از ابن بکیر از زراره، از عبد الخالق از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کشنده حضرت حسین بن علی علیهما السّلام و یحیی بن زکریا ولد زنا بودند.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مُثَنًّی عَنْ سَدِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَتْلَ أَوْلَادِ النَّبِیِّینَ مِنَ الْأُمَمِ الْمَاضِیَةِ- عَلَی یَدَیْ أَوْلَادِ زِنًا

محمّد بن جعفر قرشی رزّاز از دائی خودش محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب از علی بن نعمان از مثنّی از سدیر نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا جعفر علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

خداوند متعال قتل فرزندان پیامبران امّت‌های گذشته را در دست زنازادگان قرار داده است.

۶- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ كَانَ الَّذِي قَتَلَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَلَدَ زِناً وَ الَّذِي قَتَلَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا وَلَدَ زِنًا

محمّد بن جعفر قرشی، از محمّد بن حسین، از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسی که حضرت حسین بن علی علیهما السّلام و نیز شخصی که حضرت یحیی بن زکریا را کشت زنازاده بود.

۷- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي قَوْلِ فِرْعَوْنَ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسى فَقِيلَ لَهُ مَنْ كَانَ يَمْنَعُهُ قَالَ كَانَ لِرُشْدِهِ لِأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْحُجَجَ لَا يَقْتُلُهَا إِلَّا أَوْلَادُ زِنًا وَ الْبَغَايَا وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِهَذَا الْحَدِيثِ [بِهَذِهِ الْأَحَادِيثِ]

محمّد بن جعفر قرشی از محمّد بن حسین، از علی بن اسباط از اسماعیل بن ابی زیاد از برخی رجالش از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که در ذیل کلام فرعون که گفت:

ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسى (واگذارید من را تا موسی را بکشم) به حضرت عرض شد: چه کسی او را از قتل موسی منع می‌کرد؟

حضرت فرمودند:

افراد حلال زاده چه آنکه انبیاء و حجت‌های خدا را تنها زنازادگان و حرامزاده‌ها می‌کشند.

پدرم رحمة اللّه علیه و گروهی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف، از محمّد بن حسین این حدیث را برایم نقل نموده‌اند.

۸- وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قَاتِلُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَلَدُ زِنًا

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه، از ابراهیم بن هاشم، از ابن ابی عمیر، از برخی اصحابش از ابن مسکان از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نمود که آن جناب فرمودند:

کشنده حسین بن علی علیهما السّلام زنازاده بوده است.

۹- وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ لَا يَقْتُلُ النَّبِيِّينَ وَ أَوْلَادَ النَّبِيِّينَ إِلَّا أَوْلَادُ زِنًا

ترجمه: پدرم علیه الرحمه و محمّد بن حسن از سعد بن عبد اللّه، از ابراهیم بن هاشم، از عثمان بن عیسی از عمرو بن شمر از جابر از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

انبیاء و اولاد انبیاء را تنها زنازادگان می‌کشند.

۱۰- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَسَنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعُمَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ شَدَّادٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) لَا يَقْتُلُ الْأَنْبِيَاءَ وَ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا وَلَدُ زِنًا

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه و عبد اللّه بن جعفر حمیری از احمد بن ابی عبد اللّه برقی از پدرش محمّد بن خالد از عبد العظیم بن عبد اللّه بن علی الحسنی از حسن بن حسین عمری از حسین بن شدّاد جعفی از جابر از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل

کرد که آن حضرت فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

انبیاء و فرزندان ایشان را نمی‌کشد مگر زنا زاده.

۱۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْفَضَّالِ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ کَثِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ کَانَ قَاتِلُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَلَدَ زِنًا وَ کَانَ قَاتِلُ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَلَدَ زِنًا وَ لَمْ تَبْکِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا لَهُمَا وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید از محمّد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی از حسن بن علی بن فضّال از مروان بن مسلم از اسماعیل بن کثیر نقل

نموده که وی گفت:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

قاتل حضرت حسین بن علی سلام اللّه علیهما و کشنده حضرت یحیی بن زکریّا علیهما السّلام زنا زاده بوده و آسمان و زمین نگریسته مگر بر این دو ....

۲۶] - باب بیست و ششم گریستن تمام مخلوقات بر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی خَالِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ أَبِی إِسْمَاعِیلَ السَّرَّاجِ عَنْ یَحْیَی بْنِ مَعْمَرٍ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ قَالَ بَکَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ وَ الطَّیْرُ وَ الْوَحْشُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) حَتَّی ذَرَفَتْ دُمُوعُهَا وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ جَمِیعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز قرشی می گوید:

دائی من محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از ابی اسماعیل سرّاج، از یحیی بن معمّر عطّار، از ابی بصیر، از حضرت ابو جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

انس و جن، پرنده و وحوش بر حسین بن علی علیهما السّلام گریستند حتّی اشک‌هایشان جاری گشت.

و پدرم علیه الرحمه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف و محمّد بن یحیی عطار جملگی از محمّد بن حسین به اسنادش مثل همین خبر را نقل کرده‌اند.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی دَاوُدَ عَنْ سَعِیدِ بْنِ عُمَرَ الْجُلَّابِ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ قَالَ عَلِیٌّ (علیه السلام) بِأَبِی وَ أُمِّی الْحُسَیْنَ الْمَقْتُولَ بِظَهْرِ الْکُوفَةِ وَ اللَّهِ کَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی الْوُحُوشِ مَادَّةً أَعْنَاقَهَا عَلَی قَبْرِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْوَحْشِ یَبْکُونَهُ وَ یَرْثُونَهُ لَیْلًا حَتَّی الصَّبَاحِ فَإِذَا کَانَ ذَلِکَ فَإِیَّاکُمْ وَ الْجَفَاءَ

پدرم رحمة اللّه علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمر جلّاب، از حارث اعور نقل کرده که گفت:

حضرت علی علیه السّلام که پدر و مادرم فدایش باد فرمودند:

حسین در پشت کوفه کشته خواهد شد، به خدا قسم گویا می‌بینم که وحوش گردن‌های خود را بر قبرش کشیده و بر او می گریند و از شب تا صبح بر او مرثیه می‌خوانند و وقتی حال وحوش چنین باشد پس شما انسان‌ها از جفاء به او حذر کنید.

۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ النَّهَاوَنْدِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ ثُوَیْرِ بْنِ أَبِی فَاخِتَةَ وَ یُونُسَ بْنِ ظَبْیَانَ وَ أَبِی سَلَمَةَ السَّرَّاجِ وَ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ کُلُّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیه السلام) لَمَّا مَضَی بَکَتْ عَلَیْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِیهِنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ وَ مَنْ یَنْقَلِبُ عَلَیْهِنَّ وَ الْجَنَّةُ وَ النَّارُ وَ مَا خَلَقَ رَبُّنَا وَ مَا یُرَی وَ مَا لَا یُرَی وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی عُثْمَانَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر قرشی رزّاز از محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب از حسن بن علیّ بن ابی عثمان از عبد الجبّار نهاوندی از ابی سعید، از حسین بن ثویر بن أبی فاخته و یونس بن ظبیان و ابی سلمه سرّاج و مفضّل بن عمر جملگی گفتند:

شنیدیم حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام می‌فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیهما السّلام به شهادت رسیدند آسمان‌های هفتگانه و طبقات هفت‌گانه زمین و آنچه در آنها و بین آنها بود و تمام موجودات و جنبنده‌گان بر روی آنها و بهشت و دوزخ و بالأخره کلیّه اشیائی که پروردگار ما آنها را آفریده و موجودات مرئی و نامرئی کلّا بر آن حضرت گریستند.

و پدرم علیه الرّحمه از سعد بن عبد اللّه و او از محمّد بن الحسین و او از حسن بن علی بن ابی عثمان با اسنادش برایم مثل حدیث مذکور را نقل نمود.

۴- وَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ النَّهَاوَنْدِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ ثُوَیْرٍ عَنْ یُونُسَ وَ أَبِی سَلَمَةَ السَّرَّاجِ وَ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالُوا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ لَمَّا مَضَی الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیه السلام) بَکَی عَلَیْهِ جَمِیعُ مَا خَلَقَ اللَّهُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْیَاءَ الْبَصْرَةَ وَ دِمَشْقَ وَ آلَ عُثْمَانَ

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه، از حسین بن عبید اللّه، از حسن بن علی بن ابی عثمان از عبد الجبّار نهاوندی از ابو سعید از حسین بن ثویر و یونس و ابی سلمه سرّاج و مفضّل بن عمر جملگی گفتند:

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام شنیدیم که فرمود:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیهما السّلام شهید شدند تمام مخلوقات خدا بر آن حضرت گریستند مگر سه چیز: بصره و دمشق و آل عثمان.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ ثُوَیْرٍ قَالَ کُنْتُ أَنَا وَ یُونُسُ بْنُ ظَبْیَانَ وَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَ أَبُو سَلَمَةَ السَّرَّاجُ جُلُوساً عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَکَانَ الْمُتَکَلِّمُ یُونُسَ وَ کَانَ أَکْبَرَنَا سِنّاً وَ ذَکَرَ حَدِیثاً طَوِیلًا یَقُولُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لَمَّا مَضَی بَکَتْ عَلَیْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِیهِنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ وَ مَا یَنْقَلِبُ فِی الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا وَ مَا یُرَی وَ مَا لَا یُرَی وَ بَکَی عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْیَاءَ لَمْ تَبْکِ عَلَیْهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ أَشْیَاءَ قَالَ لَمْ تَبْکِ عَلَیْهِ الْبَصْرَةُ وَ لَا دِمَشْقُ وَ لَا آلُ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از قاسم بن یحیی، از حسن بن راشد از حسین بن ثویر نقل کرده که وی گفت:

من و یونس بن ظبیان و مفضّل بن عمر و ابو سلمه سرّاج محضر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نشسته بودیم و یونس که از همه ما مسن‌تر بود سخن می‌گفت و حدیث طولانی را ذکر کرد سپس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هنگامی که حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام شهید شدند آسمان‌ها و طبقات هفت‌گانه زمین و آنچه در آنها و بین آنها بود و تمام جنبنده‌گان در بهشت و دوزخ و کلیّه موجودات مرئی و نامرئی بر آن حضرت گریستند مگر سه چیز که بر آن مظلوم گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدام بودند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بن عفّان بودند که به آن سرور نگریستند.

۶- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ أَبِی یَعْقُوبَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَا زُرَارَةُ إِنَّ السَّمَاءَ بَکَتْ عَلَی الْحُسَیْنِ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً بِالدَّمِ وَ إِنَّ الْأَرْضَ بَکَتْ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً بِالسَّوَادِ وَ إِنَّ الشَّمْسَ بَکَتْ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً بِالْکُسُوفِ وَ الْحُمْرَةِ وَ إِنَّ الْجِبَالَ تَقَطَّعَتْ وَ انْتَثَرَتْ وَ إِنَّ الْبِحَارَ تَفَجَّرَتْ وَ إِنَّ الْمَلَائِکَةَ بَکَتْ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً عَلَی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ مَا اخْتَضَبَتْ مِنَّا امْرَأَةٌ وَ لَا ادَّهَنَتْ وَ لَا اکْتَحَلَتْ- وَ لَا رَجَّلَتْ حَتَّی أَتَانَا رَأْسُ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ زِیَادٍ وَ مَا زِلْنَا فِی عَبْرَةٍ بَعْدَهُ وَ کَانَ جَدِّی إِذَا ذَکَرَهُ بَکَی حَتَّی تَمْلَأَ عَیْنَاهُ لِحْیَتَهُ وَ حَتَّی یَبْکِیَ لِبُکَائِهِ رَحْمَةً لَهُ مَنْ رَآهُ وَ إِنَّ الْمَلَائِکَةَ الَّذِینَ عِنْدَ قَبْرِهِ لَیَبْکُونَ فَیَبْکِی لِبُکَائِهِمْ کُلُّ مَنْ فِی الْهَوَاءِ وَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَلَائِکَةِ وَ لَقَدْ خَرَجَتْ نَفْسُهُ (علیه السلام) فَزَفَرَتْ جَهَنَّمُ زَفْرَةً کَادَتِ الْأَرْضُ تَنْشَقُّ لِزَفْرَتِهَا وَ لَقَدْ خَرَجَتْ نَفْسُ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ زِیَادٍ وَ یَزِیدَ بْنِ مُعَاوِیَةَ فَشَهَقَتْ جَهَنَّمُ شَهْقَةً لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ حَبَسَهَا بِخُزَّانِهَا لَأَحْرَقَتْ مَنْ عَلَی ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ فَوْرِهَا وَ لَوْ یُؤْذَنُ لَهَا مَا بَقِیَ شَیْءٌ إِلَّا ابْتَلَعَتْهُ وَ لَکِنَّهَا مَأْمُورَةٌ مَصْفُودَةٌ- وَ لَقَدْ عَتَتْ عَلَی الْخُزَّانِ غَیْرَ مَرَّةٍ حَتَّی أَتَاهَا جَبْرَئِیلُ فَضَرَبَهَا بِجَنَاحِهِ

فَسَكَنَتْ وَ إِنَّهَا لَتَبْكِيهِ وَ تَنْدُبُهُ وَ إِنَّهَا لَتَتَلَظَّى عَلَى قَاتِلِهِ وَ لَوْ لَا مَنْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ لَنَقَضَتِ الْأَرْضَ وَ أَكْفَأَتْ بِمَا عَلَيْهَا وَ مَا تَكْثُرُ الزَّلَازِلُ إِلَّا عِنْدَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَ مَا مِنْ عَيْنٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَ لَا عَبْرَةٍ مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ وَ دَمَعَتْ عَلَيْهِ وَ مَا مِنْ بَاكٍ يَبْكِيهِ إِلَّا وَ قَدْ وَصَلَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ أَسْعَدَهَا عَلَيْهِ وَ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ وَ أَدَّى حَقَّنَا وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُحْشَرُ إِلَّا وَ عَيْنَاهُ بَاكِيَةٌ إِلَّا الْبَاكِينَ عَلَى جَدِّيَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَإِنَّهُ يُحْشَرُ وَ عَيْنُهُ قَرِيرَةٌ وَ الْبِشَارَةُ تِلْقَاهُ وَ السُّرُورُ بَيِّنٌ عَلَى وَجْهِهِ وَ الْخَلْقُ فِي الْفَزَعِ وَ هُمْ آمِنُونَ وَ الْخَلْقُ يُعْرَضُونَ وَ هُمْ حُدَّاثُ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) تَحْتَ الْعَرْشِ وَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ لَا يَخَافُونَ سُوءَ يَوْمِ الْحِسَابِ يُقَالُ لَهُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ فَيَأْبَوْنَ- وَ يَخْتَارُونَ مَجْلِسَهُ وَ حَدِيثَهُ وَ إِنَّ الْحُورَ لَتُرْسِلُ إِلَيْهِمْ أَنَّا قَدِ اشْتَقْنَاكُمْ مَعَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ فَمَا يَرْفَعُونَ رُءُوسَهُمْ إِلَيْهِمْ لِمَا يَرَوْنَ فِي مَجْلِسِهِمْ مِنَ السُّرُورِ وَ الْكَرَامَةِ وَ إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ مَسْحُوبٍ بِنَاصِيَتِهِ إِلَى النَّارِ وَ مِنْ قَائِلٍ فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ وَ لا صَدِيقٍ حَمِيمٍ وَ إِنَّهُمْ لَيَرَوْنَ مَنْزِلَهُمْ وَ مَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَدْنُوا إِلَيْهِمْ وَ لَا يَصِلُونَ إِلَيْهِمْ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَأْتِيهِمْ بِالرِّسَالَةِ مِنْ أَزْوَاجِهِمْ وَ مِنْ خُدَّامِهِمْ عَلَى مَا أُعْطُوا مِنَ الْكَرَامَةِ فَيَقُولُونَ نَأْتِيكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَيَرْجِعُونَ إِلَى أَزْوَاجِهِمْ بِمَقَالاتِهِمْ فَيَزْدَادُونَ إِلَيْهِمْ شَوْقاً إِذَا هُمْ خَبَّرُوهُمْ بِمَا هُمْ فِيهِ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ قُرْبِهِمْ مِنَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَيَقُولُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانَا الْفَزَعَ الْأَكْبَرَ وَ أَهْوَالَ الْقِيَامَةِ وَ نَجَّانَا مِمَّا كُنَّا نَخَافُ وَ يُؤْتَوْنَ بِالْمَرَاكِبِ وَ الرِّحَالِ عَلَى النَّجَائِبِ فَيَسْتَوُونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ فِي الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَ الْحَمْدِ لِلَّهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ حَتَّى يَنْتَهُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حميرى از پدرش، از على بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصرى، از عبد اللّه بن عبد الرحمن الاصمّ، از أبى يعقوب از أبان بن عثمان، از زراره نقل نموده كه وى گفت:

حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

اى زراره آسمان تا چهل روز بر حسين بن على عليهما السّلام خون باريد و زمين تا چهل روز تار و تاريک بود و خورشيد تا چهل روز گرفته و نورش سرخ بود و كوهها تكه تكه شده و پراكنده گشتند و درياها روان گرديده و فرشتگان تا چهل روز بر آن حضرت گريستند و هيچ زنى از ما اهل بيت خضاب نكرد و روغن به خود نماليد و سرمه نكشيد و موهايش را شانه نزد تا وقتى كه سر عبيد اللّه بن زياد را به نزد ما فرستادند و پيوسته بعد از شهادت آن حضرت چشمان، اشك آلود بود و هر گاه جدّم ياد آن حضرت را مى‌نمود محاسنش از اشك خيس مى‌گشت بطورى كه هر كس آن جناب را مى‌ديد به حالش ترحّم نموده و از گريه‌اش به گريه مى‌افتاد و فرشتگانى كه نزد قبر آن حضرت هستند جملگى مى‌گريند و از گريه ايشان تمام فرشتگان در آسمان و زمين گريه مى‌كنند، هنگامى كه روح مطهّر آن حضرت از كالبد شريفش خارج شد دوزخ فرياد و بانگى زد كه نزديک بود از صداى آن زمين منشق شود و زمانى كه روح خبيث عبيد اللّه بن زياد و يزيد بن معاويه از بدن كثيفشان خارج گرديد جهنّم جيغى كشيد كه اگر حق تعالى بوسيله فرشتگان حافظ دوزخ آن را كنترل و حبس نمى‌نمود تمام موجودات روى زمين از هيبت آن مى‌سوختند و اگر آتش جهنّم از حق تعالى اذن مى‌داشت هيچ جنبنده‌اى را روى زمين باقى نمى‌گذارد بلكه تمام را مى‌بلعيد منتهى مأمور و اسير فرمان او است و بدون أمر حق جلّت عظمته حركتى از آن صادر نمى‌شود و مع ذلك چند مرتبه بر نگهبانان طغيان كرده تا بالأخره جبرئيل در آنجا حاضر شد و بالش را بر آن زد تا ساكت گرديد.

ولى در عين حال از آن تاريخ به بعد بر حضرتش گريه و ندبه كرده و پيوسته بر قاتلين او زبانه مى‌كشد و اگر حجّت‌هاى خدا روى زمين نمى‌بودند آن را واژگون مكرد و لرزش‌هاى زمين و زلزله‌ها زياد نمى‌شود مگر صرفا در وقت قيامت.

و هيچ چشم و اشكى نزد خدا محبوب‌تر از چشم و اشكى نيست كه بگريد و بر آن حضرت جارى گردد و هيچ گريه‌كننده‌اى نيست كه بر آن جناب بگريد مگر آنكه گريه‌اش به حضرت فاطمه عليها السّلام رسيده و آن بانو را يارى مى‌كند و نيز گريه‌اش به حضرت رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم رسيده و بدين وسيله حقّ ما را ادا كرده.

و هيچ بنده‌اى نيست كه روز قيامت محشور شود مگر آنكه چشمانش گريان است غير از گريه‌كنندگان بر جدّم حضرت حسين بن

علی علیهما السّلام چه آنکه ایشان در حالی که چشمانی روشن و باز دارند محشور می‌گردند و آثار سرور و شادی در صورتشان نمایان می‌باشد، مردم در فزع و ناراحتی بوده ولی ایشان از هر غم و محنتی در امان هستند، مردم متفرق و پراکنده و مضطرب بوده ولی ایشان در زیر عرش و سایه آن به یاد حسین علیه السّلام بوده و در باره آن جناب به گفتن حدیث مشغولند، از ناملایمات و ناراحتیهای روز حساب هیچ خوف و هراسی ندارند.

به ایشان گفته می‌شود: داخل بهشت شوید ولی آنها از ورود به بهشت امتناع نموده و مجلس ذکر حسین علیه السّلام را اختیار می‌کنند، فرشتگان و حور العین به آنها پیغام می‌دهند که ما با ولدان مخلّد مشتاق شما هستیم ولی ایشان از فرط سرور و نشاطی که در مجلسشان دارند سرشان را بالا نکرده و به آنها نمی‌نگرند.

دشمنان ایشان در آخرت دو گروه هستند:

الف: کسانی که موی جلو سر ایشان را فرشتگان عذاب گرفته و آنها را روی زمین کشان کشان به طرف جهنم می‌برند.

ب: آنان که از روی حسرت می‌گویند: فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ وَ لا صَدِیقٍ حَمِیمٍ.

نه شفیعی داریم و نه دوستی که از ما حمایت کند.

دشمنان ایشان مقام و منزل آنها را دیده ولی نمی‌توانند نزدیک ایشان شوند.

فرشتگان از طرف همسرهای ایشان در بهشت و نگهبانان بر ایشان پیغام آورده که چه کرامت و عطایائی به آنها اعطاء شده.

ایشان در جواب می‌گویند: ان شاء اللّه نزد شما خواهیم آمد و پس از این گفتار به نزد آنها بازگشته و وقتی همسرانشان به آنها خبر می‌دهند که در نزدیکی حضرت حسین علیه السّلام می‌باشند شوقشان زیاد گشته و از شعف دل می‌گویند:

حمد می‌کنیم حق تعالی را که ما را از فزع اکبر و وحشت‌های قیامت در امان داشت و از آنچه هراس داشتیم نجات داد.

خداوند متعال به ایشان مرکب‌ها و اسب‌های نیکوئی که بر پشت آنها زین نهاده شده اعطاء فرمود و ایشان بر آنها سوار شده و در حالی که خدای منّان را ستوده و حمد و ثناء گفته و صلوات بر محمّد و آل محمّد می‌فرستند حرکت نموده تا به منازل و جایگاه خویش می‌رسند.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أُحَدِّثُهُ فَدَخَلَ عَلَیْهِ ابْنُهُ فَقَالَ لَهُ مَرْحَباً وَ ضَمَّهُ وَ قَبَّلَهُ وَ قَالَ حَقَّرَ اللَّهُ مَنْ حَقَّرَکُمْ وَ انْتَقَمَ مِمَّنْ وَتَرَکُمْ وَ خَذَلَ اللَّهُ مَنْ خَذَلَکُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکُمْ وَ کَانَ اللَّهُ لَکُمْ وَلِیّاً وَ حَافِظاً وَ نَاصِراً فَقَدْ طَالَ بُکَاءُ النِّسَاءِ وَ بُکَاءُ الْأَنْبِیَاءِ- وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ مَلَائِکَةِ السَّمَاءِ ثُمَّ بَکَی وَ قَالَ یَا أَبَا بَصِیرٍ إِذَا نَظَرْتُ إِلَی وُلْدِ الْحُسَیْنِ أَتَانِی مَا لَا أَمْلِکُهُ بِمَا أَتَی إِلَی أَبِیهِمْ وَ إِلَیْهِمْ یَا أَبَا بَصِیرٍ إِنَّ فَاطِمَةَ (علیها السلام) لَتَبْکِیهِ وَ تَشْهَقُ فَتَزْفِرُ جَهَنَّمُ زَفْرَةً لَوْ لَا أَنَّ الْخَزَنَةَ یَسْمَعُونَ بُکَاءَهَا وَ قَدِ اسْتَعَدُّوا لِذَلِکَ مَخَافَةَ أَنْ یَخْرُجَ مِنْهَا عُنُقٌ- أَوْ یَشْرُدَ دُخَانُهَا فَیُحْرِقَ أَهْلَ الْأَرْضِ فَیَحْفَظُونَهَا [فَیَکْبَحُونَهَا]مَا دَامَتْ بَاکِیَةً وَ یَزْجُرُونَهَا وَ یُوثِقُونَ مِنْ أَبْوَابِهَا مَخَافَةً عَلَی أَهْلِ الْأَرْضِ فَلَا تَسْکُنُ حَتَّی یَسْکُنَ صَوْتُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ إِنَّ الْبِحَارَ تَکَادُ أَنْ تَنْفَتِقَ فَیَدْخُلَ بَعْضُهَا عَلَی بَعْضٍ وَ مَا مِنْهَا قَطْرَةٌ إِلَّا بِهَا مَلَکٌ مُوَکَّلٌ فَإِذَا سَمِعَ الْمَلَکُ صَوْتَهَا أَطْفَأَ نَارَهَا بِأَجْنِحَتِهِ وَ حَبَسَ بَعْضَهَا عَلَی بَعْضٍ مَخَافَةً عَلَی الدُّنْیَا وَ مَا فِیهَا وَ مَنْ عَلَی الْأَرْضِ فَلَا تَزَالُ الْمَلَائِکَةُ مُشْفِقِینَ یَبْکُونَهُ لِبُکَائِهَا وَ یَدْعُونَ اللَّهَ وَ یَتَضَرَّعُونَ إِلَیْهِ وَ یَتَضَرَّعُ أَهْلُ الْعَرْشِ وَ مَنْ حَوْلَهُ وَ تَرْتَفِعُ أَصْوَاتٌ مِنَ الْمَلَائِکَةِ بِالتَّقْدِیسِ لِلَّهِ مَخَافَةً عَلَی أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَوْ أَنَّ صَوْتاً مِنْ أَصْوَاتِهِمْ یَصِلُ إِلَی الْأَرْضِ لَصَعِقَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعَتِ الْجِبَالُ وَ زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ عَظِیمٌ قَالَ غَیْرُهُ أَعْظَمُ مِنْهُ مَا لَمْ تَسْمَعْهُ ثُمَّ قَالَ لِی یَا أَبَا بَصِیرٍ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَکُونَ فِیمَنْ یُسْعِدُ فَاطِمَةَ (علیها السلام) فَبَکَیْتُ حِینَ قَالَهَا فَمَا قَدَرْتُ عَلَی الْمَنْطِقِ وَ مَا قَدَرَ عَلَی کَلَامِی مِنَ الْبُکَاءِ ثُمَّ قَامَ إِلَی الْمُصَلَّی یَدْعُو- فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ عَلَی تِلْکَ الْحَالِ فَمَا انْتَفَعْتُ بِطَعَامٍ وَ مَا جَاءَنِی النَّوْمُ وَ أَصْبَحْتُ صَائِماً وَجِلًا حَتَّی أَتَیْتُهُ فَلَمَّا رَأَیْتُهُ قَدْ سَکَنَ سَکَنْتُ وَ حَمِدْتُ اللَّهَ حَیْثُ لَمْ تَنْزِلْ بِی عُقُوبَةٌ

محمّد بن عبد اللّه، از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم، از عبد اللّه بن مسکان، از ابو بصیر نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السّلام بوده و برای آن جناب سخن می‌گفتم در این هنگام یکی از فرزندان حضرت داخل شد.

امام علیه السّلام به او فرمودند: بارک اللّه و او را به سینه خود چسبانده و وی را بوسیده و فرمودند:

خدا ذلیل کند کسانی را که شما را ذلیل کنند و انتقام کشد از آنان که به شما ظلم کنند، و خوار کند افرادی را که شما را خوار کنند، و لعنت کند اشخاصی را که شما را می‌کشند و خدا ولی و حافظ و ناصر شما باشد، زنان و انبیاء و صدیقین و شهداء و فرشتگان آسمان بسیار بر شما گریستند، سپس آن حضرت گریسته و فرمودند:

ای ابو بصیر هر گاه به بچه‌های حضرت حسین علیه السّلام می‌نگرم به واسطه مصیبت و ظلمی که به پدرشان و خودشان شده حالتی به من دست می‌دهد که قابل کنترل نیست.

ای ابو بصیر: فاطمه علیها السّلام بر آن حضرت گریست و زجّه زده و به دنبال آن جهنّم فریادی کشید و جیغی زد که فرشتگان حافظ و نگهبان بر آن، صدای گریه دوزخ را شنیدند و سریع آماده شدند آن را کنترل کنند زیرا خوف آن بود که از درون دوزخ آتش زبانه کشد یا دود آن بیرون رفته و اهل زمین را بسوزاند لذا تا مادامی که دوزخ گریان و نالان است فرشتگان حافظ آن را مهار کرده و به جهت خوف و هراسی که بر اهل زمین دارند آن را محافظت نموده و درب‌های آن را محکم بسته‌اند ولی در عین حال دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود مگر صدای فاطمه علیها السّلام آرام گردد.

ای ابو بصیر دریاها نزدیک بود شکاف برداشته در نتیجه برخی در بعضی دیگر داخل شوند و قطره‌ای از آب دریاها نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکّل است، لذا هر گاه فرشته موکّل بانگ دریا و خروش آن را بشنود با زدن بالش خروش و طغیان را خاموش و ساکت می‌کند و آنها را حبس و نگاه داشته تا بر یک دیگر داخل و وارد شوند و این نیست مگر بخاطر خوف و هراس بر دنیا و آنچه در آن و کسانی که بر روی زمین می‌باشند و پیوسته فرشتگان از روی شفقت و ترحّم به واسطه گریستن دریاها می‌گریند و خدا را خوانده و به جانبش تضرّع و زاری نموده و اهل عرش و اطراف آن نیز جملگی در تضرّع و ناله می‌باشند.

صداهای فرشتگان بلند است که به خاطر خوف و هراس بر اهل زمین همواره حق تعالی را تقدیس و تنزیه می‌نمایند و اگر احیانا صدای آنها به زمین برسد اهل زمین به فریاد آمده و کوهها قطعه قطعه شده و زمین اهلش را می‌لرزاند.

ابو بصیر می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السّلام عرضه داشتم:

فدایت شوم این امر بسیار عظیم و بزرگ است! حضرت فرمودند: از این عظیم‌تر غیر آن، یعنی خبری که نشنیده‌ای می‌باشد.

سپس فرمودند: ای ابو بصیر! دوست نداری در زمره کسانی باشی که حضرت فاطمه علیها السّلام را کمک می‌کنند؟

ابو بصیر می‌گوید: وقتی امام علیه السّلام این کلام را فرمودند بطوری که گریه به من دست داد که قادر بر سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می‌فشرد که توانایی بر تکلّم نداشتم.

سپس حضرت بپا خواسته و به نمازخانه تشریف برده و به خواندن دعا پرداختند.

پس از مجلس حضرت با چنین حالی بر خاسته و بیرون آمدم پس نه طعام خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد را با حالی ترسان روزه گرفته تا آنکه محضر مبارکش دوباره مشرّف شدم پس وقتی آن جناب را ساکن و آرام دیدم من نیز آرام گرفتم و از اینکه عقوبت و بلائی بر من نازل نشده حق تعالی را حمد و ستایش نمودم.

*** ***

*** ***

۲۷] – باب بیست و هفتم گریستن فرشتگان بر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَهُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ [الْحُسَیْنِ]بْنِ سَعِیدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ رِبْعِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفُضَیْلِ بْنِ یَسَارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَا لَکُمْ لَا تَأْتُونَهُ یَعْنِی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّ أَرْبَعَهَ آلَافِ مَلَکٍ یَبْکُونَ [یَبْکُونَهُ]عِنْدَ قَبْرِهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، از حمّاد بن عیسی، از ربعی بن عبد اللّه، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

شما را چه می‌شود که به آنجا نمی‌روید (یعنی به قبر حضرت حسین علیه السّلام) چه آنکه چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آن جناب حاضر بوده و بر آن حضرت می گریند.

۲- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ الْکَلْبِیِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنَّ أَرْبَعَهَ آلَافِ مَلَکٍ هَبَطُوا یُرِیدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ لَمْ یُؤْذَنْ لَهُمْ فِی الْقِتَالِ فَرَجَعُوا فِی الِاسْتِئْذَانِ فَهَبَطُوا وَ قَدْ قُتِلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثٌ غُبْرٌ یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ رَئِیسُهُمْ مَلَکٌ یُقَالُ لَهُ الْمَنْصُورُ

و محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن حسین بن أبی الخطّاب، از موسی بن سعدان، از عبد اللّه بن القاسم، از عمر بن أبان الکلبی، از أبان بن تغلب نقل کرده که گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

چهار هزار فرشته به زمین فرود آمدند و خواستند همراه حضرت امام حسین علیه السّلام به قتال بپردازند ولی آن جناب به ایشان اذن ندادند، پس بار دیگر که به زمین فرود آمده برای اذن گرفتن آن حضرت شهید شده بودند لذا ایشان بر سر قبر آن حضرت به حالتی ژولیده و گرفته باقی مانده و تا روز قیامت می گریند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او منصور می گویند.

۳- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَهُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ رِبْعِیٍّ عَنِ الْفُضَیْلِ بْنِ یَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لَکُمْ لَا تَأْتُونَهُ یَعْنِی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّ أَرْبَعَهَ آلَافِ مَلَکٍ یَبْکُونَ عِنْدَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ

و پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از علی بن اسماعیل، از حمّاد بن عیسی، از ربعی، از فضیل بن یسار نقل کرده‌اند که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

شما را چه می‌شود که به آنجا نمی‌روید (یعنی به قبر حضرت حسین علیه السّلام) چه آنکه چهار هزار فرشته تا روز قیامت بر سر قبر آن جناب حاضر بوده و بر آن حضرت می گریند.

۴- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَبِی إِسْمَاعِیلَ السَّرَّاجِ عَنْ یَحْیَی بْنِ مَعْمَرٍ الْعَطَّارِ [الْقَطَّانِ]عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ أَرْبَعَهُ آلَافِ مَلَکٍ شُعْثٌ غُبْرٌ یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ [السَّاعَهِ]

و محمّد بن جعفر رزّاز از محمّد بن حسین از محمّد بن اسماعیل، از أبی اسماعیل سرّاج، از یحیی بن معمّر عطّار، از أبی بصیر، از حضرت أبی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته ژولیده و گرفته تا قیامت بر آن حضرت گریه می کنند.

۵- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ

عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ وَكَّلَ اللَّهُ تَعَالَى بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شُعْثاً غُبْراً مُنْذُ يَوْمِ قُتِلَ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ يَعْنِي بِذَلِكَ قِيَامَ الْقَائِمِ ع

و پدرم علیه الرحمهٔ و علی بن الحسین، جملگی از سعد بن عبد اللّه، از احمد ابن محمّد بن عیسی، از علی بن الحکم، از علی بن أبی حمزه، از أبی بصیر، از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده‌اند که آن جناب فرمودند:

از روزی که حضرت حسین بن علی علیهما السّلام شهید شده‌اند تا زمانی که خدا بخواهد یعنی تا قیام قائم علیه السّلام خداوند هفتاد هزار فرشته را مبعوث فرموده که با حالی ژولیده و گرفته هر روز بر حضرتش صلوات فرستاده و طلب رحمت می‌کنند.

۶- وَ عَنْ سَعْدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ مُبَارَكٍ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

پدرم علیه الرحمهٔ و علی بن الحسین جملگی از سعد، از ابراهیم بن هاشم، از ابن فضال از ثعلبه، از مبارک عطّار، از محمّد بن قیس نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به من فرمودند:

چهار هزار فرشته ژولیده و گرفته نزد قبر حضرت حسین علیه السّلام بوده که تا روز قیامت بر آن جناب می‌گریند.

۷- وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ [شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

پدرم علیه الرحمه و محمّد بن الحسن و علیّ بن الحسین، جملگی از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمّد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون، از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند منّان چهار هزار فرشته بر قبر حضرت سیّد الشّهداء علیه السّلام موکّل نموده که همگی ژولیده و گرفته بوده و تا روز قیامت گریه می‌کنند.

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ إِنَّ عَلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ- شُعْثٌ غُبْرٌ [شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ يَحْرُسُونَهُ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن حسن الصفّار، از محمّد بن حسین بن أبی الخطّاب علیهما السّلام از صفوان بن یحیی، از حریز، از فضیل بن یسار، از امام باقر یا امام صادق علیهما السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته ژولیده و غمگین و گرفته بر قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام موکّل بوده که تا روز قیامت گریه می‌کنند.

محمّد بن مسلم می‌گوید: این چهار هزار فرشته قبر را حراست و نگهبانی می‌نمایند.

۹- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيٍّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بِالْمَدِينَةِ أَيْنَ قُبُورُ الشُّهَدَاءِ فَقَالَ أَ لَيْسَ أَفْضَلُ الشُّهَدَاءِ عِنْدَكُمْ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ حَوْلَهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ [شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از عبّاس بن معروف، از حمّاد بن عیسی، از ربعی نقل کرده که وی گفت:

در مدینه محضر امام صادق علیه السّلام بودم به ایشان عرض کردم:

قبور شهداء در کجا است؟

حضرت فرمودند:

مگر افضل و برترین شهداء نزد شما نیست؟! قسم به آن کسی که جانم در دست او است اطراف قبر آن حضرت چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته هستند بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند.

و محمّد بن الحسن، از محمّد بن حسن الصفّار، از عبّاس بن معروف نظیر این حدیث را نقل کرده.

۱۰- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ يَحْيَى بْنِ مَعْمَرٍ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَ الْحُسَيْنَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَا يَمْرَضُ أَحَدٌ إِلَّا عَادُوهُ وَ لَا يَمُوتُ أَحَدٌ إِلَّا شَهِدُوهُ وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز می گوید:

محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب برایم نقل نمود از محمّد بن اسماعیل بن بزیع و او از اسماعیل سرّاج و او از یحیی بن معمّر عطّار و او از أبی بصیر و او از حضرت ابو جعفر علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته هستند برای حضرت امام حسین علیه السّلام تا روز قیامت می گریند. پس احدی از مردم به زیارت آن حضرت نمی‌آیند مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش آمده و احدی از مردم مریض و بیمار نشده مگر که ایشان به عیادتش رفته و کسی از مردم نیست که بمیرد مگر آنکه این فرشتگان بالای سرش حاضر می‌شوند.

و پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن حسین به اسنادش نظیر همین حدیث را نقل نموده است.

۱۱- وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ وَكَّلَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ [شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَطَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ وَ صَعِدَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ فَلَمْ يَزَلْ يَبْكُونَهُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ

پدرم علیه الرحمه از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن علی بن عبد اللّه بن مغیره از عبّاس بن عامر، از ابان، از ابو حمزهٔ ثمالی از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السّلام موکّل قرار داده که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته بوده و از طلوع صبح تا زوال آفتاب (وقت ظهر) بر آن جناب می گریند و وقتی ظهر می‌شود چهار هزار فرشته دیگر به زمین فرود آمده و این چهار هزار نفر به آسمان می‌روند و فرشتگان به زمین آمده پیوسته می گریند تا صبح طلوع کند ....

۱۲- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقَالَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَقَالَ إِنَّ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) لَمَّا أُصِيبَ بَكَتْهُ حَتَّى الْبِلَادُ- فَوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن عبد اللّه، از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از ابو القاسم، از قاسم بن محمّد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون نقل کرده که وی گفت: شخصی از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام سوءال نمود و من نیز آنجا حاضر بودم.

وی عرضه داشت: برای کسی که قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام را زیارت کند چه ثوابی است؟

حضرت فرمودند:

زمانی که حضرت حسین علیه السّلام به بلا و مصیبت گرفتار شد تمام موجودات حتّی بلاد و شهرها بر آن حضرت گریستند، پس خداوند منّان چهار هزار فرشته بر او موکّل ساخت که جملگی ژولیده و غمگین و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند .....

۱۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَبَّاحٍ الْحَذَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ زُورُوا الْحُسَیْنَ (علیه السلام) وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ غَیْرَ جَاحِدٍ لَمْ یَكُنْ لَهُ عِوَضٌ غَیْرَ الْجَنَّةِ وَ رُزِقَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ آتَاهُ اللَّهُ بِفَرَجٍ عَاجِلٍ إِنَّ اللَّهَ وَكَّلَ بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ كُلُّهُمْ یَبْكُونَهُ وَ یُشَیِّعُونَ مَنْ زَارَهُ إِلَى أَهْلِهِ فَإِنْ مَرِضَ عَادُوهُ وَ إِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ بِالاسْتِغْفَارِ لَهُ وَ التَّرَحُّمِ عَلَیْهِ حَدَّثَنِی حَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَى عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین، از حسن بن محبوب، از صباح حذّاء، از محمّد بن مروان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده، وی گفت:

شنیدم که آن حضرت می‌فرمودند:

حسین علیه السّلام را زیارت کنید اگر چه در هر سال باشد زیرا کسانی که او را در حالی که به حقّش عارف بوده و آن را انکار ندارند زیارت کنند عوض و پاداشی ندارند مگر بهشت و روزی آنها واسع و فراخ بوده و خداوند منّان در دنیا فرج نصیبشان می کند، حق تبارك و تعالی چهار هزار فرشته را موکّل قبر حسین بن علی علیهما السّلام فرموده که تمام بر او می گریند و زائرین حضرت را مشایعت کرده تا به اهل خود برسند و اگر مریض شوند آنها را عیادت کرده و هنگامی که از دنیا روند بر سر جنازه آنها حاضر شده و بر ایشان طلب آمرزش و رحمت می‌نمایند.

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب به اسنادش نظیر همین روایت را نقل نموده است.

۱۴- وَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَى عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَةَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ وَكَّلَ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) سَبْعِینَ أَلْفَ [مَلَكٍ ملكا شُعْثاً غُبْراً یَبْكُونَهُ إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ یُصَلُّونَ عِنْدَهُ الصَّلَاةُ الْوَاحِدَةُ مِنْ صَلَاتِهِمْ [مِنْ صَلَاةِ أَحَدِهِمْ]تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ مِنْ صَلَاةِ الْآدَمِیِّینَ یَكُونُ ثَوَابُ صَلَاتِهِمْ وَ أَجْرُ ذَلِكَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَهُ

پدرم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از بکر بن محمّد، از حضرت ابی عبد اللّه علیهما السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السّلام موکّل ساخته که تمام ژولیده و غمگین و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن حضرت گریسته و نزد قبر آن جناب نماز می‌گذارند یک نماز ایشان معادل هزار نماز انسان‌ها می‌باشد و جالب اینکه ثواب نماز آنها برای کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کند.

۱۵- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَى عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ مَالِكٍ الْجُهَنِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ وَكَّلَ بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) مَلَكاً فِی أَرْبَعَةِ آلَافِ مَلَكٍ یَبْكُونَهُ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِزُوَّارِهِ وَ یَدْعُونَ اللَّهَ لَهُمْ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب، از صفوان بن یحیی، از حنان بن سدیر، از مالك جهنیّ از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال فرشته‌ای را در میان چهار هزار فرشته دیگر بر حسین علیه السّلام موکّل قرار داد، این فرشتگان جملگی بر آن حضرت گریسته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و دعاء می‌نمایند.

۱۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَیْثَمُ بْنُ وَاقِدٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِکِ بْنِ مُقَرِّنٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا زُرْتُمْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَالْزَمُوا الصَّمْتَ إِلَّا مِنْ خَیْرٍ وَ إِنَّ مَلَائِکَةَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ مِنَ الْحَفَظَةِ- تَحْضُرُ الْمَلَائِکَةَ الَّذِینَ بِالْحَائِرِ فَتُصَافِحُهُمْ فَلَا یُجِیبُونَهَا مِنْ شِدَّةِ الْبُکَاءِ فَیَنْتَظِرُونَهُمْ حَتَّی تَزُولَ الشَّمْسُ وَ حَتَّی یُنَوِّرَ الْفَجْرُ ثُمَّ یُکَلِّمُونَهُمْ وَ یَسْأَلُونَهُمْ عَنْ أَشْیَاءَ مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ فَأَمَّا مَا بَیْنَ هَذَیْنِ الْوَقْتَیْنِ- فَإِنَّهُمْ لَا یَنْطِقُونَ وَ لا یَفْتُرُونَ عَنِ الْبُکَاءِ وَ الدُّعَاءِ وَ لَا یَشْغَلُونَهُمْ فِی هَذَیْنِ الْوَقْتَیْنِ عَنْ أَصْحَابِهِمْ فَإِنَّمَا شُغُلُهُمْ بِکُمْ إِذَا نَطَقْتُمْ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ مَا الَّذِی یَسْأَلُونَهُمْ عَنْهُ وَ أَیُّهُمْ یَسْأَلُ صَاحِبَهُ الْحَفَظَةُ أَوْ أَهْلُ الْحَائِرِ قَالَ أَهْلُ الْحَائِرِ یَسْأَلُونَ الْحَفَظَةَ لِأَنَّ أَهْلَ الْحَائِرِ مِنَ الْمَلَائِکَةِ لَا یَبْرَحُونَ وَ الْحَفَظَةُ تَنْزِلُ وَ تَصْعَدُ قُلْتُ فَمَا تَرَی یَسْأَلُونَهُمْ عَنْهُ قَالَ إِنَّهُمْ یَمُرُّونَ إِذَا عَرَجُوا بِإِسْمَاعِیلَ صَاحِبِ الْهَوَاءِ فَرُبَّمَا وَافَقُوا النَّبِیَّ (صلی الله علیه و آله) وَ عِنْدَهُ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْأَئِمَّةُ مَنْ مَضَی مِنْهُمْ- فَیَسْأَلُونَهُمْ عَنْ أَشْیَاءَ وَ مَنْ حَضَرَ مِنْکُمُ الْحَائِرَ وَ یَقُولُونَ بَشِّرُوهُمْ بِدُعَائِکُمْ فَتَقُولُ الْحَفَظَةُ کَیْفَ نُبَشِّرُهُمْ وَ هُمْ لَا یَسْمَعُونَ کَلَامَنَا فَیَقُولُونَ لَهُمْ بَارِکُوا عَلَیْهِمْ وَ ادْعُوا لَهُمْ عَنَّا فَهِیَ الْبِشَارَةُ مِنَّا فَإِذَا انْصَرَفُوا فَحِفُّوهُمْ بِأَجْنِحَتِکُمْ حَتَّی یُحِسُّوا مَکَانَکُمْ وَ إِنَّا نَسْتَوْدِعُهُمُ الَّذِی لَا تَضِیعُ وَدَائِعُهُ وَ لَوْ یَعْلَمُونَ مَا فِی زِیَارَتِهِ مِنَ الْخَیْرِ وَ یَعْلَمُ ذَلِکَ النَّاسُ لَاقْتَتَلُوا عَلَی زِیَارَتِهِ بِالسُّیُوفِ وَ لَبَاعُوا أَمْوَالَهُمْ فِی إِتْیَانِهِ وَ إِنَّ فَاطِمَةَ (علیها السلام) إِذَا نَظَرَتْ إِلَیْهِمْ وَ مَعَهَا أَلْفُ نَبِیٍّ وَ أَلْفُ صِدِّیقٍ وَ أَلْفُ شَهِیدٍ وَ مِنَ الْکَرُوبِیِّینَ أَلْفُ أَلْفٍ یُسْعِدُونَهَا عَلَی الْبُکَاءِ وَ إِنَّهَا لَتَشْهَقُ شَهْقَةً فَلَا یَبْقَی فِی السَّمَاوَاتِ مَلَکٌ إِلَّا بَکَی رَحْمَةً لِصَوْتِهَا وَ مَا تَسْکُنُ حَتَّی یَأْتِیَهَا النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله) [أَبُوهَا]فَیَقُولُ یَا بُنَیَّةِ قَدْ أَبْکَیْتِ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ شَغَلْتِهِمْ عَنِ التَّسْبِیحِ وَ التَّقْدِیسِ فَکُفِّی حَتَّی یُقَدِّسُوا فَ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ وَ إِنَّهَا لَتَنْظُرُ إِلَی مَنْ حَضَرَ مِنْکُمْ فَتَسْأَلُ اللَّهَ لَهُمْ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ وَ لَا تَزْهَدُوا فِی إِتْیَانِهِ فَإِنَّ الْخَیْرَ فِی إِتْیَانِهِ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ یُحْصَی

محمّـد بن عبـد اللّه بن جعفر حمیری، از پـدرش، از علیّ بن محمّـد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصریّ، از عبد اللّه بن عبد الرّحمن اصم نقل کرده که وی گفت:

هیثم بن واقد، از عبد الملک بن مقرّن از امام صادق علیه السّلام برای ما نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت حضـرت ابا عبـد اللّه علیه السّـلام رفتیـد در آنجا سـکوت اختیار کرده و کلامی نگوئید مگر سـخن نیک و خیر، زیرا فرشـتگان شب و روز که از نگهبانان و حافظین هسـتند نزد فرشـتگانی که در حائر حسینی می‌باشـند آمـده و با ایشان مصافحه کرده ولی ایشان از شـدّت گریه و ناراحتی که دارنـد جواب آنها را نـداده بناچار آنها صبر می‌کننـد تا ظهر فردا برسد و صـبح طلوع نماید سپس آنـان بـا ایشـان سـخن گفته و راجع به امور آسـمانی سوءالاـتی را مطرح می‌نماینـد ولی بین این دو وقت (صـبح و ظهر) ابـدا صحبت نکرده و از گریسـتن و دعـاء نمودن کوتـاهی نمی‌کننـد و در این دو وقت آن فرشـتگان نیز ایشـان را از یارانشان منصـرف و مشغول نمی‌کنند تنها وقتی شما سخن گفته و تکلم می‌نمائید ایشان مشغول و منصرف می‌گردند.

راوی می‌گوید: محضر امام علیه السّلام عرض کردم:

فـدایت شوم، چه چیزی را سوءال می‌کننـد و کـدامیک از دیگری می‌پرسـد آیـا فرشـتگان نگهبان و حافظ از فرشـتگان حائر سوءال می‌کنند یا بالعکس؟ حضرت فرمودند:

فرشتگان اهل حائر از حافظین و نگهبانان می‌پرسند، زیرا فرشتگان حائر از آنجا دور نشده و به جایی دیگر نمی‌روند ولی حافظین، و نگهبانان به زمین نزول کرده و از آن به آسمان صعود می‌کنند.

عرض کردم: نظر شـما راجع به سوءال آنهـا چه بوده و می‌فرمائیـد از چه چیز سوءال می‌کننـد؟ حضـرت فرمودنـد: حـافظین وقـتی به آسمان عروج می‌کنند عبورشان به اسماعیل یعنی صاحب هواء می‌افتد و بسا با نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ملاقات کرده در حالی که نزد آن جناب حضـرات فاطمه و حسن و حسـین و ائمه علیهم السّـلام (مقصود حضرات ائمّه ماضی بوده نه امام حاضر علیه السّـلام) حضور دارنـد پس فرشـتگان از ایشـان راجع به اشـیائی چنـد و در باره آنان که از شـما در حائر حاضـر می‌شونـد سوءالاتی

می کنند؟ حضرات معصومین علیهم السّلام در پاسخ سوءالاتشان می‌فرمایند:

زائرین را بشارت دهید و به دعائی که برای ایشان می‌نمائید مژده دهید.

فرشتگان حافظ عرض می کنند: چگونه به ایشان بشارت دهیم در حالی که صدای ما را نمی‌شنوند؟ حضرات معصومین علیهم السّلام به ایشان می‌فرمایند:

برای ایشان دعاء کنیـد که برکات حقتعالی بر ایشان مداوم باشد و نیز از جانب ما ایشان را دعاء نمایند و این خود بشارتی است از ما به ایشـان و وقتی از زیـارت برگشـتند بـا بال‌هایتـان ایشان را نوازش کنیـد، بطوری که شـما را حسّ و درک نماینـد و ما ایشان را به امانت نزد شما می‌سپاریم و امید است که این ودائع ضایع و تباه نشوند.

و اگر خیر و برکتی که در زیارت آن جناب است مردم می‌دانستند قطعا و به طور حتم در نائل شدن به زیارت آن حضرت با شمشیر با یک دیگر به مقاتله پرداخته و مال‌های خود را فروخته و به زیارت آن جناب می‌رفتند.

و حضـرت فـاطمه علیها السّـلام هر گاه به ایشان (زائرین) نظر نماینـد در حالی که با وی هزار پیغمبر و هزار صـدّیق و هزار شـهید از کروبین می‌باشـند هزار هزار (یک میلیون) نفر آن حضـرت را بر گریستن یاری و همراهی می کنند و آن حضرت چنان فریاد می‌زنند که هیـچ فرشـته‌ای در آسـمان‌ها باقی نمی‌مانـد مگر آنکه از صدای ایشان بگریه می‌افتد، و آن حضـرت آرام نمی گیرند تا وقتی که پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به نزد ایشان آمده و می‌فرمایند:

دخترم، اهـل آسـمان‌ها را به گریه انـداختی و ایشـان را از تسبیـح و تقـدیس حق تعـالی بـازداشتی، پس خودداری کن تـا ایشـان به تقدیس حقّ بپردازند چه آنکه امر و فرمان خدا بر همه چیز نافذ و روان می‌باشد.

سپس امام علیه السّلام فرمودند:

حضـرت فاطمه علیها السّـلام به کسانی که از شـما به زیارت سـیّد الشّـهداء روند نظر فرموده و از خداوند منّان برای ایشان هر خیر و خوبی را مسألت می‌نمایند، مبادا در رفتن، به زیارت آن جناب بی‌رغبت باشید چه آنکه خیری که در زیارت آن حضرت است بیشتر از آنست که بتوان احصاء و شمارش نمود.

۱۷- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عُبَیْدَةَ الْبَزَّازُ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع

قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا أَقَلَّ بَقَاءَکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ أَقْرَبَ آجَالَکُمْ بَعْضَهَا مِنْ بَعْضٍ مَعَ حَاجَةِ هَذَا الْخَلْقِ إِلَیْکُمْ فَقَالَ إِنَّ لِکُلِّ وَاحِدٍ مِنَّا صَحِیفَةً فِیهَا مَا یَحْتَاجُ إِلَیْهِ أَنْ یَعْمَلَ بِهِ فِی مُدَّتِهِ فَإِذَا انْقَضَی مَا فِیهَا مِمَّا أُمِرَ بِهِ عَرَفَ أَنَّ أَجَلَهُ قَدْ حَضَرَ وَ أَتَاهُ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله) یَنْعَی إِلَیْهِ نَفْسَهُ وَ أَخْبَرَهُ بِمَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) قَرَأَ صَحِیفَتَهُ الَّتِی أُعْطِیَهَا وَ فُسِّرَ لَهُ مَا یَأْتِی وَ مَا یَبْقَی وَ بَقِیَ مِنْهَا أَشْیَاءُ لَمْ تَنْقَضِ فَخَرَجَ إِلَی الْقِتَالِ فَکَانَتْ تِلْکَ الْأُمُورَ الَّتِی بَقِیَتْ إِنَّ الْمَلَائِکَةَ سَأَلَتِ اللَّهَ فِی نُصْرَتِهِ- فَأَذِنَ لَهُمْ فَمَکَثَتْ تَسْتَعِدُّ لِلْقِتَالِ وَ تَأَهَّبُتْ لِذَلِکَ حَتَّی قُتِلَ فَنَزَلَتِ الْمَلَائِکَةُ وَ قَدِ انْقَطَعَتْ مُدَّتُهُ وَ قُتِلَ (علیه السلام) فَقَالَتِ الْمَلَائِکَةُ یَا رَبِّ أَذِنْتَ لَنَا بِالانْحِدَارِ فِی نُصْرَتِهِ فَانْحَدَرْنَا وَ قَدْ قَبَضْتَهُ فَأَوْحَی اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِلَیْهِمْ أَنْ الْزَمُوا قُبَّتَهُ [قَبْرَهُ]حَتَّی تَرَوْنَهُ [تَرَوْهُ وَ قَدْ خَرَجَ فَانْصُرُوهُ وَ ابْکُوا عَلَیْهِ وَ عَلَی مَا فَاتَکُمْ مِنْ نُصْرَتِهِ وَ أَنَّکُمْ خُصِّصْتُمْ بِنُصْرَتِهِ وَ الْبُکَاءِ عَلَیْهِ فَبَکَتِ الْمَلَائِکَةُ حَزَناً وَ جَزَعاً عَلَی مَا فَاتَهُمْ مِنْ نُصْرَةِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِذَا خَرَجَ (علیه السلام) یَکُونُونَ أَنْصَارَهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصـری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم نقل کرده که وی گفت:

ابو عبیده بزّاز از حریز برای ما نقل کرد که وی به حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام عرض نمود:

فـدایت شوم چقـدر مانـدن شـما اهل بیت در این دار فانی کم بوده و چقدر اجل شـما نزدیک است با اینکه تمام این خلائق به شـما

احتیاج دارند! حضرت فرمودند:

هر کدام از ما صحیفه‌ای داریم که در طول مدّت عمر به آنچه نیازمندیم عمل کنیم در آن ثبت و ضبط شده است پس هر گاه آنچه در صحیفه نوشته شده منقضی گشت معلوم می‌شود اجل صاحب صحیفه فرا رسیده و در این هنگام پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نزد وی آمده و خبر ارتحالش را اعلام نموده و از آنچه برای او نزد خداست خبر می‌دهند و حضرت امام حسین علیه السّلام نیز صحیفه‌ای را که داده شده بودند قرائت فرموده و برای آن جناب اموری که باقی مانده منقضی نمی‌گردید تفسیر گردیده بود لذا آنچه می‌بایـد واقع شود واقع گردیـد و باقی مانـدن اشیائی که بوقوع نپیوست لذا حضرتش به قتال شتافت پس آن اموری که باقی مانـده بودنـد این بود که فرشتگان از حقتعالی طلب نصرت آن حضرت را کردند و به ایشان اذن یاری داده شد پس ایشان درنگ نموده و خود را آماده برای قتال و کارزار کردند تا آن حضرت به شهادت رسیدند و پس از این واقعه فرشتگان به زمین فرود آمدند یعنی پس از انقطاع مدّت عمر آن حضرت و به شهادت رسیدن آن جناب و وقتی ملائکه این واقعه را دیدند به درگاه الهی عرض کردند:

خداوندا به ما اذن هبوط و فرود آمدن به زمین را دادی و اجازه نصرت و یاری آن حضرت را اعطاء فرمودی پس وقتی ما به زمین آمدیم که حضرتش را قبض روح کرده‌ای؟ خداوند متعال به ایشان وحی نمود که ملازم قبر آن حضرت بوده تا آن جناب را ببینید و وقتی آن حضرت از قبر خارج گشت نصرتش نمائید و نیز بر او و بر آنچه از شما نسبت به یاری آن حضرت فوت گردیده گریه کنید و تنها شما گروه فرشتگان هستید که مختص به این خصیصه گردیده‌اید که آن جناب را یاری کرده و بر مصیبتش گریه نمائید، پس فرشتگان بخاطر آنچه از دستشان رفته بود و نتوانسته بودند به آن حضرت کمک کنند محزون گشته و از روی جزع و حزن بر آن جناب به گریه در آمدند و هنگامی که حضرت سیّد الشّهداء از قبر خارج گردیدند این فرشتگان انصار و یارانش می‌باشند.

۲۸] - باب بیست و هشتم گریستن آسمان و زمین بر شهادت حضرت حسین علیه السّلام و یحیی بن زکریا علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَهُ مَشَایِخِنَا عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِیثَمِیِّ عَنْ عَلِیٍّ الْأَزْرَقِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَکَمِ النَّخَعِیِّ عَنْ رَجُلٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) فِی الرَّحَبَهِ وَ هُوَ یَتْلُو هَذِهِ الْآیَهَ- فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ وَ خَرَجَ عَلَیْهِ الْحُسَیْنُ مِنْ بَعْضِ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ أَمَا إِنَّ هَذَا سَیُقْتَلُ وَ تَبْکِی عَلَیْهِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم (علی بن الحسین و محمّد بن الحسن) از سعد بن عبد اللّه، از یعقوب بن یزید، از احمد بن الحسن المیثمی، از علی ارزق، از حسن بن حکم نخعی، از شخصی نقل کرده‌اند که وی گفت:

در سرزمین رحبه از امیر الموءمنین علیه السّلام شنیدم که این آیه شریفه را تلاوت می‌فرمودند:

فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ.

در این هنگام حضرت حسین علیه السّلام از یکی از درب‌های مسجد داخل شد، حضرت فرمودند: بدانید این (یعنی حضرت حسین علیه السّلام) عنقریب کشته خواهد شد و آسمان و زمین بر او می گریند.

۲- حَدَّثَنِی

مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ مِسْکِینٍ عَنْ دَاوُدَ [یَزْدَادَ]بْنِ عِیسَی الْأَنْصَارِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی لَیْلَی عَنْ إِبْرَاهِیمَ النَّخَعِیِّ قَالَ خَرَجَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) فَجَلَسَ فِی الْمَسْجِدِ وَ اجْتَمَعَ أَصْحَابُهُ حَوْلَهُ وَ جَاءَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) حَتَّی قَامَ بَیْنَ یَدَیْهِ فَوَضَعَ یَدَهُ عَلَی رَأْسِهِ فَقَالَ یَا بُنَیَّ إِنَّ اللَّهَ عبر [عَیَّرَ أَقْوَاماً بِالْقُرْآنِ فَقَالَ- فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ وَ ایْمُ اللَّهِ لَیَقْتُلُنَّکَ بَعْدِی ثُمَّ تَبْکِیکَ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از داود بن عیسی انصاری، از محمّد بن عبد الرّحمن بن ابی لیلی، از ابراهیم نخعی نقل کرده که وی گفت:

امیر الموءمنین علیه السّلام بیرون آمده و در مسجد نزول اجلال فرموده و اصحاب و یاران دور آن حضرت حلقه زدند در این هنگام حضرت حسین علیه السّلام تشریف آوردند تا رسیدند مقابل امیر الموءمنین علیه السّلام و آنجا ایستادند، امیر الموءمنین علیه السّلام دست مبارک بر سر ایشان نهاده و فرمودند:

پسرم، خداوند متعال اقوام و طوائفی را بوسیله قرآن تقبیح نموده و مورد سرزنش و ملامت قرار داده و حضرت فرموده است:

فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ به خدا قسم حتما پس از من تو را خواهند کشت سپس آسمان و زمین بر تو گریه خواهند نمود.:

ترجمه:

پدرم، از سعد بن عبد اللّه از محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب به اسنادش مثل و نظیر همین حدیث را نقل نموده است.

۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ وُهَیْبِ بْنِ حَفْصٍ النَّحَّاسِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) بَکَی لِقَتْلِهِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ احْمَرَّتَا وَ لَمْ تَبْکِیَا عَلَی أَحَدٍ قَطُّ إِلَّا عَلَی یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از وهیب بن حفص نحّاس، از ابو بصیر، از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت فرمودند:

همانا آسمان و زمین برای شهادت حضرت حسین علیه السّلام گریسته و سرخ شدند و بر احدی هرگز نگریسته مگر بر حضرت یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیهم السّلام.

و پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین به اسنادش نظیر همین حدیث را نقل کرده است.

۴- وَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی بْنِ بَابَوَیْهِ وَ غَیْرُهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ السَّمَاءَ بَکَتْ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَ لَمْ تَبْکِ عَلَی أَحَدٍ غَیْرِهِمَا قُلْتُ وَ مَا بُکَاؤُهَا قَالَ مَکَثَتْ أَرْبَعِینَ یَوْماً تَطْلُعُ کَشَمْسٍ بِحُمْرَةٍ وَ تَغْرُبُ بِحُمْرَةٍ قُلْتُ فَذَاکَ بُکَاؤُهَا قَالَ نَعَمْ

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه و غیر او، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عبد الجبّار، از حسن بن علی بن فضّال، از حمّاد بن عثمان، از عبد اللّه بن هلال نقل کرده که وی گفت:

شنیدم حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام می‌فرمودند:

آسمان بر حضرت حسین بن علی و یحیی بن زکریّا علیهم السّلام گریست و بر احدی غیر این دو گریه نکرد.

عرض کردم: گریه آسمان چیست و چگونه بوده؟

حضرت فرمودند:

چهل روز آسمان درنگ و توقّف نمود، خورشید با رنگی قرمز طلوع نموده و با رنگی سرخ غروب می‌کرد.

عرضه داشتیم: این گریه آسمان بود؟ حضرت فرمودند: بلی.

۵- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُسْهِرٍ الْقُرَشِیِّ قَالَ حَدَّثَتْنِی جَدَّتِی أَنَّهَا أَدْرَکَتِ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ حِینَ قُتِلَ فَمَکَثْنَا سَنَةً وَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ السَّمَاءُ مِثْلُ الْعَلَقَةِ مِثْلُ الدَّمِ مَا تَرَی الشَّمْسَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از عبد اللّه بن احمد، از عمر بن سهل، از علی بن مسهر قرشی نقل کرده که وی گفت:

جدّه من برایم نقل کرد که هنگام شهادت حسین بن علی علیهما السّلام را درک نموده وی گفت:

یک سال و نه ماه پس از این واقعه پیوسته آسمان مانند لخته خونی بود و خورشید اصلا دیده نشد.

۶- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی قَوْلِهِ تَعَالَی فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ قَالَ لَمْ تَبْکِ السَّمَاءُ عَلَی أَحَدٍ مُنْذُ قُتِلَ یَحْیَی بْنُ زَکَرِیَّا حَتَّی قُتِلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) فَبَکَتْ عَلَیْهِ

علی بن الحسین بن موسی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن فضّال، از ابی جمیله، از محمّد بن علی الحلبی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده که آن حضرت در ذیل آیه شریفه: فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ.

فرمودند:

از زمانی که حضرت یحیی بن زکریا علیهما السّلام کشته شد آسمان بر احدی نگریست تا هنگامی که حضرت حسین علیه السّلام شهید شدند که در این هنگام باز یک بار دیگر آسمان گریست.

۷- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ احْمَرَّتِ السَّمَاءُ حِینَ قُتِلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) سَنَةً وَ یَحْیَی بْنُ زَکَرِیَّا وَ حُمْرَتُهَا بُکَاؤُهَا

محمّد بن جعفر رزّاز قرشی می‌گوید:

محمّد بن الحسین بن أبی الخطّاب برایم نقل نمود از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد، از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین علیه السّلام شهید شدند و یحیی بن زکریا را کشتند آسمان تا یک سال سرخ بود و این سرخی گریستن آسمان به حساب آمده.

۸- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ عَبْدِ الْخَالِقِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ لَمْ یَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیًّا الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ لَمْ یَکُنْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیًّا وَ یَحْیَى بْنُ زَکَرِیَّا (علیهما السلام) لَمْ یَکُنْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیًّا وَ لَمْ تَبْکِ السَّمَاءُ إِلَّا عَلَیْهِمَا أَرْبَعِینَ صَبَاحاً قَالَ قُلْتُ مَا بُکَاؤُهَا قَالَ کَانَتْ تَطْلُعُ حَمْرَاءَ وَ تَغْرُبُ حَمْرَاءَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن علی بن فضّال، از ابن بکیر، از زراره، از عبد الخالق بن عبد ربّه نقل کرده که وی گفت:

شنیدم که حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام در ذیل آیه شریفه:

لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِیًّا.

می‌فرمودند:

حسین بن علی علیه السّلام پیش‌تر همنامی نداشتند و یحیی بن زکریّا علیهما السّلام نیز قبلا همنامی نداشتند.

و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو که چهل صباح گریه کرد.

راوی می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السّلام عرض کردم: گریه آسمان چه بود؟

حضرت فرمودند: هنگام طلوع و غروب آسمان سرخ بود.

۹- وَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ وَ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ جَمِیعاً عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ مَا بَکَتِ السَّمَاءُ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ یَحْیَى بْنِ زَکَرِیَّا إِلَّا عَلَى الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَإِنَّهَا بَکَتْ عَلَیْهِ أَرْبَعِینَ یَوْماً

علی بن الحسین بن موسی، از علی بن ابراهیم و سعد بن عبد اللّه، جملگی از ابراهیم بن هاشم، از علی بن فضّال، از ابی جمیله، از جابر، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

بعد از حضرت یحیی بن زکریّا علیهما السّلام آسمان بر احدی نگریست مگر بر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام چه آنکه چهل روز آسمان بر آن حضرت گریه می‌کرد.

۱۰- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْکُوفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ کُلَیْبِ بْنِ مُعَاوِیَةَ الْأَسَدِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ لَمْ تَبْکِ السَّمَاءُ إِلَّا عَلَى الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ یَحْیَى بْنِ زَکَرِیَّا ع

محمّد بن جعفر رزّاز کوفی از محمّد بن الحسین بن أبی الخطّاب، از جعفر بن بشیر، از کلیب بن معاویه اسدی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

آسمان بر احدی نگریسته است مگر بر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام و یحیی بن زکریا علیهم السّلام.

۱۱- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمَةَ [مَسْلَمَةَ]عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیه السلام) أَمْطَرَتِ السَّمَاءُ تُرَاباً أَحْمَرَ

محمّد بن جعفر رزّاز کوفی از محمّد بن الحسین بن أبی الخطّاب، از محمّد ابن الحسین، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از محمّد بن سلمه از کسی که برایش نقل نموده، وی گفت:

هنگامی که حسین بن علی علیهما السّلام کشته شدند از آسمان خاک سرخ می‌بارید.

۱۲- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عِیسَى عَنْ أَسْلَمَ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ

أَخْبَرَنَا عُمَرُ بْنُ وَهْبٍ [عَمْرُو بْنُ ثُبَيْتٍ]عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (علیهما السلام) قَالَ إِنَّ السَّمَاءَ لَمْ تَبْكِ مُنْذُ وُضِعَتْ إِلَّا عَلَى يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قُلْتُ أَيَّ شَيْءٍ كَانَ بُكَاوءُهَا قَالَ كَانَتْ إِذَا اسْتُقْبِلَتْ بِثَوْبٍ وَقَعَ عَلَى الثَّوْبِ شِبْهُ أَثَرِ الْبَرَاغِيثِ مِنَ الدَّمِ

حکیم بن داود بن حکیم از سلمهٔ بن خطّاب، از محمّد بن ابی عمیر، از حسین بن عیسی، از اسلم بن قاسم، وی می گوید:

عمر بن وهب به ما خبر داد از پدرش، از علی بن الحسین علیهما السّلام که آن جناب فرمودند:

از زمانی که آسمان تعبیه شده و وضع گردیده تا بحال بر احدی نگریسته مگر بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیهم السّلام.

عرض کردم: گریه آسمان چه بوده؟

حضرت فرمودند:

وقتی لباسی را در مقابل آن قرار می‌دادی روی آن اثری شبیه به خون پشه واقع می گشت.

۱۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُوسَی بْنِ الْفَضْلِ عَنْ حَنَانٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا تَقُولُ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّهُ بَلَغَنَا عَنْ بَعْضِهِمْ أَنَّهَا تَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً- قَالَ لَا تَعْجَبْ [مَا أَصَابَ مَا یَقُولُ]بِالْقَوْلِ هَذَا کُلِّهِ وَ لَکِنْ زُرْهُ وَ لَا تَجْفُهُ فَإِنَّهُ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ سَیِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ شَبِیهُ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَ عَلَیْهِمَا بَکَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ سَوَاءً حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن عیسی، از موسی بن فضل از حنان نقل کرد که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السّلام عرض کردم: چه می‌فرمائید راجع به زیارت قبر حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام زیرا از بعضی شما نقل شده که زیارت آن حضرت معادل یک حج و یک عمره می‌باشد؟ حضرت فرمودند:

چه قدر ضعیف است این حدیث، زیارت آن حضرت معادل کلّ این ثواب نیست ولی در عین حال شما آن حضرت را زیارت کرده و به او جفاء نکنید زیرا آن جناب سید شهداء و سید جوانان اهل بهشت و شبیه یحیی بن زکریا است و بر این دو آسمان و زمین گریسته‌اند.

ترجمه:

پدرم و محمّد بن الحسن بن ولید، از محمّد بن الحسن الصفّار، از عبد الصمد ابن محمّد، از حنان بن سدیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند:

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع از حنان بن سدیر از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام نظیر این حدیث را نقل کرده‌اند.

۱۴- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ غَیْرِ وَاحِدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ مَعْقِلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ کَانَ قَاتِلُ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَلَدَ زِنًا وَ قَاتِلُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَلَدَ زِناً وَ لَمْ تَبْکِ السَّمَاءُ عَلَی أَحَدٍ إِلَّا عَلَیْهِمَا قَالَ قُلْتُ وَ کَیْفَ تَبْکِی قَالَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ فِی حُمْرَةٍ وَ تَغِیبُ فِی حُمْرَةٍ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

و با همین اسناد مذکور از احمد بن محمّد بن عیسی، از جماعتی، از جعفر بن بشیر، از حمّاد، از عامر بن معقل، از حسن بن زیاد، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

قاتل یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیهم السّلام زنا زاده بوده و آسمان بر احدی نگریست مگر بر این دو.

راوی می گوید: عرض کردم: چگونه آسمان گریست؟

حضرت فرمودند:

طلوع خورشید و غروبش در سرخی بود.

محمّد بن جعفر قرشی، از محمّد بن الحسین، از جعفر بن بشیر به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده است.

۱۵- وَ حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ رَحِمَهُمَا اللَّهُ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ إِنَّ السَّمَاءَ بَکَتْ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَ لَمْ تَبْکِ عَلَی أَحَدٍ غَیْرِهِمَا قُلْتُ وَ مَا بُکَاؤُهَا قَالَ مَکَثُوا أَرْبَعِینَ یَوْماً تَطْلُعُ الشَّمْسُ بِحُمْرَةٍ وَ تَغْرُبُ بِحُمْرَةٍ قُلْتُ فَذَاکَ بُکَاؤُهَا قَالَ نَعَمْ

پدرم و علی بن الحسین رحمهٔ اللّه علیهما جملگی از سعد بن عبد اللّه، از احمد ابن محمّد بن عیسی، از حسن بن علی الوشّاء، از حمّاد بن عثمان، از عبد اللّه بن هلال، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب می‌فرمودند:

آسمان بر حسین بن علی و یحیی بن زکریا علیهم السّلام گریسته و بر احدی غیر این دو گریه نکرده است.

عرض کردم: چگونه آسمان گریسته است؟

حضرت فرمودند:

تا چهل روز طلوع و غروبش در سرخی بود.

عرض کردم: گریه آسمان این گونه بوده است؟

حضرت فرمودند: بلی.

۱۶- وَ عَنْهُمَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَکَمِ النَّخَعِیِّ عَنْ کَثِیرِ بْنِ شِهَابٍ الْحَارِثِیِّ قَالَ بَیْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) فِی الرَّحَبَةِ إِذْ طَلَعَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) عَلَیْهِ فَضَحِکَ عَلِیٌّ (علیه السلام) ضَحِکاً حَتَّی بَدَتْ نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ ذَکَرَ قَوْماً وَ قَالَ فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ وَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَیَقْتُلُنَّ هَذَا وَ لَتَبْکِیَنَّ عَلَیْهِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ

از پدرم و علی بن الحسین از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از برقی (محمّد بن خالد)، از عبد العظیم بن عبد اللّه الحسنی، از حسن بن الحکم النخعی، از کثیر بن شهاب حارثی، وی گفت:

هنگامی که محضر مبارک امیر الموءمنین علیه السّلام در رحبه نشسته بودیم، در این وقت حضرت حسین علیه السّلام بر آن جناب وارد گشت، امیر الموءمنین چنان خندیدند که دندان‌های عقل آن جناب ظاهر گردید سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریم قومی را یاد کرده و می‌فرماید:

فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرِینَ قسم به کسی که حبّه را شکافت و بنده را آفرید این (یعنی حضرت حسین علیه السّلام) را البته خواهند کشت و قطعا آسمان و زمین بر او می‌گریند.

۱۷- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِی سَلَمَةَ قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) مَا بَکَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا عَلَی یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَ الْحُسَیْنِ ع

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از برقی، از عبد العظیم، از حسن، از ابی سلمه نقل کرده که گفت:

حضرت جعفر بن محمّد علیهما السّلام فرمودند:

آسمان و زمین بر احدی نگریسته مگر بر یحیی بن زکریّا و حسین بن علی علیهما السّلام.

۱۸- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی رَحِمَهُمَا اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی جَمِیعاً عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا یَحْیَی وَ کَانَ فِی خِدْمَةِ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) عَنْ عَلِیٍّ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ فِی طَرِیقِ

الْمَدِينَةِ وَ نَحْنُ نُرِيدُ المكة [مَكَّةَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَئِيباً حَزِيناً مُنْكَسِراً فَقَالَ لَوْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ لَشَغَلَكَ عَنْ مَسْأَلَتِي قُلْتُ فَمَا الَّذِي تَسْمَعُ قَالَ ابْتِهَالَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى قَتَلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ نَوْحَ الْجِنِّ وَ بُكَاءَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُ وَ شِدَّةَ جَزَعِهِمْ فَمَنْ يَتَهَنَّأُ مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ بِشَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ

پدر و برادرم رحمهٔ اللّه علیهما، از احمد بن ادریس و محمّد بن یحیی، جملگی از عمرکی بن علی بوفکی نقل کرده که وی گفت: یحیی که در خدمت حضرت ابی جعفر ثانی علیه السّلام بود از علی و او از صفوان جمّال و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرد که وی گفت:

در راه مدینه بودیم ولی قصدمان مکّه بود بهر صورت در راه مدینه از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرده و محضر مبارکش عرض کردم:

ای پسر رسول خدا (ص): شما را چه می‌شود که غمگین و ناراحت و شکسته حال می‌بینم؟

حضرت فرمودند:

اگر می‌شنیدی آنچه را که من می‌شنوم دیگر از من چنین سوءالی نمی‌کردی.

عرض کردم: چه چیز می‌شنوید؟ حضرت فرمودند: تضرّع ملائکه به درگاه الهی و نفرینشان نسبت به کشندگان امیر الموءمنین و حضرت حسین بن علی علیهما السّلام و نیز نوحه و زاری جن و گریستن فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند بنا بر این کیست که با شنیدن چنین صداهائی غذا و شراب یا خواب بر او گوارا باشد؟!!

۱۹- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَكَمِ النَّخَعِيِّ عَنْ كَثِيرِ بْنِ شِهَابٍ الْحَارِثِيِّ قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بِالرَّحَبَةِ إِذْ طَلَعَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) قَالَ فَضَحِكَ عَلِيٌّ (عليه السلام) حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِذُهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ ذَكَرَ قَوْماً فَقَالَ فَما بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما كانُوا مُنْظَرِينَ وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَيَقْتُلُنَّ هَذَا وَ لَتَبْكِيَنَّ عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه و عبد اللّه بن جعفر حمیری، از احمد ابن محمّد بن عیسی، از محمّد بن خالد برقی از عبد العظیم بن عبد اللّه الحسینی العلوی، از حسن بن حکم النخعی از کثیر بن شهاب حارثی نقل کرده که وی گفت: در رحبه محضر مبارک امیر الموءمنین علیه السّلام نشسته بودیم در این هنگام حضرت حسین علیه السّلام ظاهر شدند، پس امیر الموءمنین علیه السّلام چنان خندیدند که دندان‌های عقلشان پیدا شد سپس فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریمش قومی را یاد کرده و فرموده:

فَما بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما كانُوا مُنْظَرِينَ.

قسم به کسی که حبّه را شکافته و بنده را آفریده البته این (حضرت حسین علیه السّلام) را خواهند کشت. و آسمان و زمین بر او می گریند.

۲۰- وَ عَنْهُ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مَعْشَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) أَمْطَرَتِ السَّمَاءُ دَماً وَ قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ وَ حَدَّثَنِي أَبُو مَعْشَرٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) لَمْ يَبْقَ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حَصَاةٌ إِلَّا وُجِدَ تَحْتَهَا دَمٌ عَبِيطٌ

پدرم علیه الرحمهٔ، از سعد بن عبد اللّه، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد نقل کرده که وی گفت:

ابو معشر از زهری نقل نمود که وی گفت:

هنگامی که حضرت حسین بن علی علیهما السّلام شهید شدند آسمان خون بارید.

و عمر بن سعد گفت:

ابو معشر، از زهری برایم نقل نمود که وقتی حسین بن علی علیهما السّلام شهید شد در بیت المقدس سنگریزه‌ای باقی نماند مگر وقتی آن را بر می‌داشتیم خون تازه زیرش بود.

۲۱- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ فَضَالَهَٔ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ کَانَ الَّذِی قَتَلَ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیه السلام) وَلَدَ زِناً وَ الَّذِی قَتَلَ یَحْیَی بْنَ زَکَرِیَّا وَلَدَ زِنًا وَ قَدْ قَالَ احْمَرَّتِ السَّمَاءُ حِینَ قُتِلَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ سَنَهًٔ ثُمَّ قَالَ بَکَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ عَلَی یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَ حُمْرَتُهَا بُکَاؤُهَا

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از محمّد بن الحسن بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از فضالهٔ بن ایوب، از داود بن فرقد نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که فرمود:

کشنده حضرت حسین بن علی علیهما السّلام زنازاده بود و آن کس که یحیی بن زکریّا را نیز کشت ولد زنا بود، سپس حضرت فرمودند:

هنگامی که حسین بن علی علیهما السّلام کشته شد تا یک سال آسمان سرخ بود، پس از آن فرمودند:

آسمان و زمین بر حسین بن علی علیهما السّلام و یحیی بن زکریا علیهما السّلام گریست و همین سرخی آن گریه وی می‌باشد.

*** ***

*** ***

۲۹] - باب بیست و نهم نوحه‌سرائی طائفه جنّ بر حسین بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ حَبِیبِ بْنِ أَبِی ثَابِتٍ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجَةِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) قَالَتْ مَا سَمِعْتُ نَوْحَ الْجِنِّ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ نَبِیَّهُ إِلَّا اللَّیْلَةَ- وَ لَا أَرَانِی إِلَّا وَ قَدْ أُصِبْتُ بِابْنِی الْحُسَیْنِ قَالَتْ وَ جَاءَتِ الْجِنِّیَّةُ مِنْهُمْ وَ هِیَ تَقُولُ

أَیَا عَیْنَایَ فَانْهَمِلَا بِجُهْدٍ عَلَی رَهْطٍ تَقُودُهُمُ الْمَنَایَا *** ***فَمَنْ یَبْکِی عَلَی الشُّهَدَاءِ بَعْدِی إِلَی مُتَجَبِّرٍ مِنْ نَسْلِ عَبْدٍ

محمّد بن جعفر قرشی رزّاز، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از نصر بن مزاحم، از عمر بن سعد، از عمرو بن ثابت، از حبیب بن ابی ثابت، از ام سلمه همسر نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وی گفت:

از زمانی که خداوند منّان روح نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را قبض فرمود نوحه‌سرائی طائفه جنّ را نشنیدم مگر همان شب (شب رحلت نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) و ندیدم ایشان را مگر وقتی که به مصیبت فرزندم حسین علیه السّلام مبتلا شدم.

ام سلمه می‌فرماید:

در همان زمان جنّیه از طائفه جن آمد در حالی که می گفت:

ای دو چشم من با شدّت و زاری گریه کنید، زیرا بعد از من چه کسی بر شهداء بگرید.

زاری کنید بر گروهی که مرگ آنها را به سوی ستمگری از نسل بنده و غلام می‌برد.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرِو بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الْمِیثَمِیِّ قَالَ خَمْسَةٌ مِنْ أَهْلِ الْکُوفَةِ أَرَادُوا نَصْرَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَمَرُّوا بِقَرْیَةٍ یُقَالُ لَهَا شَاهِی إِذْ أَقْبَلَ عَلَیْهِمْ رَجُلَانِ شَیْخٌ وَ شَابٌّ- فَسَلَّمَا عَلَیْهِمْ قَالَ فَقَالَ الشَّیْخُ أَنَا رَجُلٌ مِنَ الْجِنِّ وَ هَذَا ابْنُ أَخِی أَرَدْنَا نَصْرَ هَذَا الرَّجُلِ الْمَظْلُومِ- قَالَ فَقَالَ لَهُمُ الشَّیْخُ الْجِنِّیُّ قَدْ رَأَیْتُ رَأْیاً فَقَالَ الْفِتْیَةُ الْإِنْسِیُّونَ وَ مَا هَذَا الرَّأْیُ الَّذِی رَأَیْتَ قَالَ رَأَیْتُ أَنْ أَطِیرَ فَآتِیَکُمْ بِخَبَرِ الْقَوْمِ فَتَذْهَبُونَ عَلَی بَصِیرَةٍ فَقَالُوا لَهُ نِعْمَ مَا رَأَیْتَ- قَالَ فَغَابَ یَوْمَهُ وَ لَیْلَتَهُ فَلَمَّا کَانَ مِنَ الْغَدِ إِذَا هُمْ بِصَوْتٍ یَسْمَعُونَهُ وَ لَا یَرَوْنَ الشَّخْصَ وَ هُوَ یَقُولُ-

وَ اللَّهِ مَا جِئْتُکُمُ حَتَّی بَصُرْتُ وَ حَوْلَهُ فِتْیَةٌ تَدْمَی نُحُورُهُمُ وَ قَدْ حَثَّتْ قَلُوصِی کَیْ أُصَادِفَهُمْ کَانَ الْحُسَیْنُ سِرَاجاً یُسْتَضَاءُ فَأَجَابَهُ بَعْضُ الْفِتْیَةِ مِنَ الْإِنْسِیِّینَ یَقُولُ سَاکِنُهُ إِلَی الْقِیَامَةِ یُسْقَی الْغَیْثَ مَمْطُوراً أَنْفُسَهُمْ وَ فَارَقُوا الْمَالَ وَ الْأَحْبَابَ وَ الدُّورا *** ***بِهِ بِالطَّفِّ مُنْعَفِرَ الْخَدَّیْنِ مَنْحُوراً مِثْلَ الْمَصَابِیحِ یَمْلَوْنَ الدُّجَی نُوراً مِنْ قَبْلِ مَا أَنْ یُلَاقُوا الْخُرَّدَ الْحُورَا بِهِ اللَّهُ یَعْلَمُ أَنِّی لَمْ أَقُلْ زُوراً غُرَفٍ وَ لِلْبَتُولِ وَ لِلطَّیَّارِ مَسْرُورا اذْهَبْ فَلَا زَالَ قَبْرٌ أَنْتَ وَ فِتْیَةٌ فَرَغُوا لِلَّهِ سَالِکُهُ وَ قَدْ شَرِبْتَ بِکَأْسٍ کَانَ مغرورا

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از یعقوب بن یزید، از ابراهیم بن عقبه، از احمد بن عمرو بن مسلم، از میثمی نقل کرده که وی گفت:

پنج تن از اهل کوفه به قصد یاری حسین بن علی علیهما السّلام حرکت کردند و به قریه‌ای رسیدند که به آن شاهی می گفتند پس دو نفر یکی پیر و دیگری جوان جلوی آنها آمده و به ایشان سلام کردند پیرمرد گفت:

من مردی از طائفه جن هستم و این جوان برادرزاده من بوده و ما قصدمان یاری نمودن به این مظلوم (یعنی حسین بن علی علیهما السّلام) می‌باشد.

پیرمرد جنّی سپس به ایشان گفت: من پیشنهادی دارم.

جوانی از این پنج نفر در جوابش گفت: پیشنهاد چیست؟

پیرمرد جنّی گفت: پیشنهادم این است که من پرواز کرده بروم و سپس خبر این گروه را بیاورم تا شما با بصیرت به طرف مقصدتان بروید.

ایشان در جوابش گفتند: خوبپیشنهادی است.

راوی می‌گوید:

پیرمرد جنّی یک روز و یک شب از نظر ایشان غائب بود پس فردای آن روز ایشان صدائی شنیدند بدون اینکه صاحب آن را ببینند، صدا این بود:

به خدا قسم نیامدم نزد شما مگر آنکه خود دیدم، در زمین طف که سری بریده و دو گونه‌هایش به خاک آلوده بود.

و اطرافش جوانانی افتاده که از حلقومشان خون جاری بود نظیر چراغ‌هائی که تاریکی و ظلمت را بر طرف کرده‌اند.

پیوسته ناقه خود را دواندم تا قبل از آنکه ایشان با حوریه‌های باکره ملاقات کنند مصادف گردم.

حسین علیه السّلام چراغی فروزان بود و خدا می‌داند که من در این گفتار دروغ نمی‌گویم.

حسین علیه السّلام در غرفه‌های بهشت مجاور رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و بتول علیها السّلام و جعفر طیّار بوده در حالی که شادمان و مسرور می‌باشد.

بعضی از جوانان در جواب آن صدا گفتند:

برو پس پاینده و جاوید باد قبری که تو ساکن آن هستی تا قیامت باران بر آن ببارد.

پیمودم راهی را که تو نیز راهرو آن بودی و نوشیدم با کاسه‌ای که بسیار فراخ بود.

و نیز پیمودم راهی را که جوانانی در این راه جان خودشان را تسلیم خدا نموده و از مال و دوستان و خانه‌هایشان جدا گردیدند.

۳- حَدَّثَنِی حَكِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِی عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ وَ عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ عَنْ أَبِی زِیَادٍ الْقَنْدِیِّ قَالَ كَانَ الْجَصَّاصُونَ یَسْمَعُونَ نَوْحَ الْجِنِّ حِینَ قُتِلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) فِی السَّحَرِ بِالْجَبَّانَةِ وَ هُمْ یَقُولُونَ

مَسَحَ الرَّسُولُ جَبِینَهُ أَبَوَاهُ مِنْ عَلْیَا قُرَیْشٍ *** ***فَلَهُ بَرِیقٌ فِی الْخُدُودِ جَدُّهُ خَیْرُ الْجُدُودِ

حکیم بن داود بن حکیم از ام سلمهٔ بن خطّاب نقل کرده که وی گفت:

عمر بن سعد و عمرو بن ثابت از ابی زیاد قندی برایم نقل نمود، وی گفت:

زمانی که حضرت امام حسین علیه السّلام شهید شدند گچ‌کارها در وقت سحر نوحه‌سرائی‌های طائفه جنّ را در قبرستان می‌شنیدند، ایشان می‌گفتند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم پیشانی او را دست کشید پس در رخش نوری ساطع است.

پدر و مادرش از برترین افراد قریش بوده، جدّ بزرگوارش بهترین جدّها است.

۴- حَدَّثَنِی حَكِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ قَالَ حَدَّثَنِی الْوَلِیدُ بْنُ غَسَّانَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ كَانَتِ الْجِنُّ تَنُوحُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ تَقُولُ-

لِمَنِ الْأَبْیَاتُ بِالطَّفِّ عَلَی كُرْهٍ بَنَیْنَهُ تِلْكَ أَبْیَاتُ الْحُسَیْنِ یَتَجَاوَبْنَ الرَّنِینَةَ

حکیم بن داود بن حکیم از سلمهٔ بن خطّاب نقل کرده که وی گفت:

عمر بن سعد گفت: ولید بن غسّان از کسی که برایش نقل نمود برایم حدیثی چنین نقل کرد وی گفت:

طائفه جن بر حسین بن علی علیهما السّلام نوحه‌سرائی کرده و می‌گفتند:

این اشعار و ابیات که در سرزمین طفّ در ترسیم بلاهای وارده بر فرزندانش سروده شده از کیست؟

این ابیات حسین علیه السّلام را صداهای حزین و همراه با گریه پاسخ خواهند داد.

۵- حَدَّثَنِی حَكِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ قَالَ حَدَّثَنِی أَیُّوبُ بْنُ سُلَیْمَانَ بْنِ أَیُّوبَ الْفَزَارِیُّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَزَوَّرِ قَالَ سَمِعْتُ لَیْلَی وَ هِیَ تَقُولُ سَمِعْتُ نَوْحَ الْجِنِّ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ هِیَ تَقُولُ

يَا عَيْنُ جُودِي بِالدُّمُوعِ يَا عَيْنُ أَلْهَاكِ الرُّقَادُ بِطِيبِهِ بَاتَتْ ثَلَاثاً بِالصَّعِيدِ *** ***فَإِنَّمَا يَبْكِي الْحَزِينُ بِحُرْقَةٍ وَ تَفَجُّعٍ مِنْ ذِكْرِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَوَجُّعٍ جُسُومُهُمْ بَيْنَ الْوُحُوشِ وَ كُلُّهُمْ فِي مَصْرَعٍ

حکيم بن داود بن حکيم از سلمة نقل کرده که وی گفت:

ايّوب بن سليمان بن ايّوب الفزاری، از علی بن حزوّر برايم نقل کرد از ليلی شنيد که وی گفت:

نوحه‌سرائی طائفه جنّ بر حسين بن علی عليهما السّلام را شنيدم که می گفتند:

ای چشم اشک بريز، زيرا می گريد شخص حزين با سوز و دلتنگی.

ای چشم مردم به واسطه خوشی و خوش گذرانی تو را از ياد آل محمّد صلّی اللّه عليه و آله و سلّم و هم دردی با ايشان بازداشته و غافل کرده‌اند.

سه شب را آل محمّد صلّی اللّه عليه و آله و سلّم به روز آورده در حالی که ابدان طاهره آنها روی خاک بين حيوانات وحشی بوده و جملگی در قتلگاه افتاده‌اند.

۶- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ أَبِي لَيْلَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَّانَ الْكِنَانِيِّ قَالَ بَكَتِ الْجِنُّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَقَالَتْ

مَا ذَا تَقُولُونَ إِذْ قَالَ النَّبِيُّ لَكُمْ بِأَهْلِ بَيْتِي وَ إِخْوَانِي وَ مَكْرُمَتِ *** ***مَا ذَا فَعَلْتُمْ وَ أَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَمِ مِنْ بَيْنِ أَسْرَى وَ قَتْلَى ضُرِّجُوا بِدَمٍ

پدرم رحمة اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسين، از نصر بن مزاحم، از عبد الرحمن بن أبی حماد، از ابی ليلی واسطی، از عبد اللّه بن حسان کنانی نقل کرده که وی گفت:

طائفه جن بر حضرت حسين بن علی عليهما السّلام گريسته و گفتند:

چه خواهيد گفت زمانی که نبی اکرم صلّی اللّه عليه و آله و سلّم به شما بفرمايد:

شما که آخرين امّت‌ها می‌باشيد چه کرديد با اهل بيت و برادران و خويشان من، برخی را اسير و بعضی را کشته و آلوده به خون خود کرديد.

۷- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ حَدَّثَنِي سَلَمَةُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ بَيْنَمَا الْحُسَيْنُ (عليه السلام) يَسِيرُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ وَ هُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى الْعِرَاقِ وَ إِذَا بِرَجُلٍ يَرْتَجِزُ وَ يَقُولُ

حکيم بن داود بن حکيم می گويد:

سلمه برايم نقل نمود و گفت:

علی بن حسن، از معمّر بن خلّاد، از ابی الحسن الرّضا عليه السّلام نقل نمود که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت امام حسين عليه السّلام در دل شب حرکت کرده و بطرف عراق متوجّه شدند در راه به شخصی برخوردند که رجز می‌خواند و می گفت:

۸- وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنِ الرِّضَا (عليه السلام) مِثْلَ أَلْفَاظِ سَلَمَةَ قَالَ وَ هُوَ يَقُولُ

يَا نَاقَتِي لَا تَذْعَرِي مِنْ زَجْرٍ بِخَيْرِ رُكْبَانٍ وَ خَيْرِ سَفْرٍ بِمَاجِدِ الْجِدِّ رَحِيبِ الصَّدْرِ *** ***و شَمِّرِي قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ حَتَّى تَحَلَّيْ بِكَرِيمِ الْقَدْرِ أَبَانَهُ اللَّهُ لِخَيْرِ أَمْرٍ

ثَمَّةَ أَبْقَاهُ بَقَاءَ الدَّهْرِ فَقَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع

سَأَمْضِي وَ مَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَى الْفَتَى وَ وَاسَى الرِّجَالَ الصَّالِحِينَ فَإِنْ عِشْتُ لَمْ أَقْدَمْ [أَنْدَمْ وَ إِنْ *** ***إِذَا مَا نَوَى حَقّاً وَ جَاهَدَ

مُسْلِماً بِنَفْسِهِ وَ فَارَقَ مَثْبُوراً وَ خَالَفَ مُجْرِماً مِتُّ لَمْ أَلَمْ كَفَى [بِكَ ذُلًّا أَنْ تَعِيشَ وَ تُرْغَمَا

بِكَ مَوْتاً أَنْ تُذَلَّ وَ تُرْغَمَا

و پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از معمّر بن خلّاد نقل کرد که وی از حضرت رضا علیه السّلام عین الفاظ سلمه را حکایت نمود، وی گفت آن مردی که رجز می‌خواند می‌گفت:

ای شتر خوف و هراس مکن از زجر و نهی من و سرعت کن و بشتاب پیش از آنکه صبح طلوع کند.

تا برسانی من را به بهترین سوار و بهترین سفر و به کسی که اصل و نسبش کریم و جدّش بزرگ و سینه‌اش فراخ و با ظرفیّت است، خداوند بواسطه بهترین اعمال او را اجر و ثواب دهد و سپس تا مادامی که روزگار باقی است خداوند او را باقی بدارد.

سپس حضرت حسین بن علی علیهما السّلام فرمودند:

عنقریب از این روزگار و دنیا می‌گذرم و مرگ بر جوانمرد ننگ و عار نیست زمانی که عزم و نیّتش حقّ بوده و در حالی که مسلمان است جهاد کند.

مرگ بر جوانمرد عار نیست زمانی که با مردان صالح و نیکوکار به مواسات رفتار کرده و از شخص معذّب و هلاک شده فاصله گرفته و با مجرم و ستمکار به مخالفت برخیزد.

بنا بر این اگر زنده ماندم پشیمان نیستم و اگر مرگ مرا دریافت ملامت زده نخواهم بود ولی همین خواری و ذلّت برای تو کافی است که زندگانی می‌کنی و مرتکب اعمال ناپسند می‌گردی.

۹- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْمُعَاذِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ [الْحَسَنُ]ابْنُ مُوسَى الْأَصَمُّ عَنْ عَمْرٍو عَنْ جَابِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) قَالَ لَمَّا هَمَّ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) بِالشُّخُوصِ عَنِ الْمَدِينَةِ أَقْبَلَتْ نِسَاءُ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَاجْتَمَعْنَ لِلنِّيَاحَةِ حَتَّى مَشَى فِيهِنَّ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) فَقَالَ أَنْشُدُكُنَّ اللَّهَ أَنْ تُبْدِينَ هَذَا الْأَمْرَ مَعْصِيَةً لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ فَقَالَتْ لَهُ نِسَاءُ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَلِمَنْ نَسْتَبْقِي النِّيَاحَةَ وَ الْبُكَاءَ فَهُوَ عِنْدَنَا كَيَوْمِ مَاتَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ رُقَيَّةُ وَ زَيْنَبُ وَ أُمُّ كُلْثُومٍ فَنَنْشُدُكَ اللَّهَ جَعَلَنَا اللَّهُ فِدَاكَ مِنَ الْمَوْتِ يَا حَبِيبَ الْأَبْرَارِ مِنْ أَهْلِ الْقُبُورِ وَ أَقْبَلَتْ بَعْضُ عَمَّاتِهِ تَبْكِي وَ تَقُولُ أَشْهَدُ يَا حُسَيْنُ لَقَدْ سَمِعْتُ الْجِنَّ نَاحَتْ بِنَوْحِكَ وَ هُمْ يَقُولُونَ

فَإِنَّ قَتِيلَ الطَّفِّ مِنْ آلِ هَاشِمٍ حَبِيبُ رَسُولِ اللَّهِ لَمْ يَكُ وَ قُلْنَ أَيْضاً أَبْكِي حُسَيْناً وَ لِقَتْلِهِ زُلْزِلْتُمُ وَ احْمَرَّتْ آفَاقُ السَّمَاءِ وَ تَغَبَّرَتْ شَمْسُ الْبِلَادِ ذَاكَ بْنُ فَاطِمَةَ الْمُصَابُ أَوْرَثْتَنَا ذُلًّا بِهِ *** ***أَذَلَّ رِقَاباً مِنْ قُرَيْشٍ فَذَلَّتْ فَاحِشاً أَبَانَتْ مُصِيبَتُكَ الْأُنُوفَ وَ جَلَّتْ سَيِّداً وَ لِقَتْلِهِ شَابَ الشَّعَرُ وَ لِقَتْلِهِ انْكَسَفَ الْقَمَرُ مِنَ الْعَشِيَّةِ وَ السَّحَرِ بِهِمْ وَ أَظْلَمَتِ الْكُوَرُ بِهِ الْخَلَائِقُ وَ الْبَشَرُ جَدَعَ الْأُنُوفَ مَعَ الْغُرَرِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف، از محمّد بن یحیی معاذی نقل کرده‌اند که وی گفت: حسین بن موسی اصم از عمرو، از جابر، از حضرت محمّد بن علی علیهما السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت حسین علیه السّلام با افراد و نفرات از مدینه آهنگ خروج نمودند زنان بنی عبد المطّلب پیش آمده پس برای نوحه‌سرائی و گریستن اجتماع نمودند، امام حسین علیه السّلام در میان ایشان راه می‌رفتند و می‌فرمودند:

شما را به خدا سوگند می‌دهم که معصیت خدا و رسولش را نکرده و نوحه سر نداده و آشکارا نگریید.

زنان بنی عبد المطلب محضر مبارکش عرضه داشتند: پس برای چه کسی نوحه و گریه را ذخیره نمائیم امروز مانند روزی است که در آن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم

از دنیا رفتند و همانند روزی است که حضرت علی و فاطمه علیهما السّلام از دنیا رحلت نمودند و همچون روزی است که رقیه و زینب و ام کلثوم (دختران رسول خدا «ص») ارتحال نمودند؟!! فدایت شویم تو را به خدا سوگند که از مرگ کناره بگیر ای دوست خوبان از اهل قبور و سپس برخی از عمّه‌های آن حضرت جلو آمده در حالی که می‌گریست عرض کرد:

ای حسين شاهد باش شنيدم صدای جنّيان را كه برای شما نوحه‌سرائی كرده و می گويند:

همانا مقتول و كشته شده در سرزمين طف از آل هاشم است كه پست‌ترين و ذليل‌ترين مردم از قريش او را مقتول ساخته است.

حبيب رسول خدا بد نبود، مصيبت تو بينی‌ها را بريده و حقير نموده است.

و زنان بنی عبد المطلب نيز گفتند:

برای حسين كه سرور و آقای همه است گريه كنيد و بخاطر شهادتش موی‌ها سفيد شد.

بخاطر شهادتش به زلزله مبتلا شديد، بخاطر شهادتش ماه گرفته شد.

بخاطر شهادتش افق آسمان در غروب و سحر سرخ گرديد.

بخاطر شهادتش خورشيد شهرها و نور آن كدر شد و مساكن و منازل تار و ظلمانی گرديد او فرزند فاطمه‌ايست كه از خلائق و بشر به مصيبت گرفتار گرديد.

بواسطه شهادت و قتل آن جناب خواری به ما رسيده و به سبب آن بينی‌ها قطع و به هلاكت افتاده‌ايم.

۱۰- حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْمُعَاذِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عِكْرِمَةَ قَالَ أَصْبَحْنَا لَيْلَةَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) بِالْمَدِينَةِ فَإِذَا مَوْلًى لَنَا يَقُولُ سَمِعْنَا الْبَارِحَةَ مُنَادِياً يُنَادِي وَ يَقُولُ

أَيُّهَا الْقَاتِلُونَ جَهْلًا كُلُّ أَهْلِ السَّمَاءِ يَدْعُو قَدْ لُعِنْتُمْ عَلَى لِسَانِ بْنِ *** ***حُسَيْناً أَبْشِرُوا بِالْعَذَابِ وَ التَّنْكِيلِ عَلَيْكُمْ مِنْ نَبِيٍّ وَ مُرْسَلٍ وَ قَبِيلٍ دَاوُدَ وَ ذِي الرُّوحِ حَامِلِ الْإِنْجِيلِ

پدرم رحمة اللّه عليه و جماعتی از اساتيدم، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن يحيی معاذی، از عبّاد بن يعقوب، از عمرو بن ثابت، از عمرو بن عكرمه نقل كرده‌اند كه وی گفت:

بامداد روزی كه حضرت حسين بن علی عليهما السّلام شهيد شدند ما در مدينه صبح نموديم در اين هنگام غلامی كه داشتيم گفت: شب گذشته شنيديم منادی نداء می‌كرد و می گفت:

ای كسانی كه حسين را از روی ستم و جور كشتيد بشارت باد شما را به عذاب و عقوبتی سخت.

تمام اهل آسمان شما را نفرين می‌كنند، چه انبياء و چه فرشته‌گان و چه كارگذاران.

بر زبان ابن داود و عيسی بن مريم كه صاحب روح و حامل انجيل بوده لعن شده‌ايد.

۱۱- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ حَدَّثَتْنِي جَدَّتِي أَنَّ الْجِنَّ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) بَكَتْ عَلَيْهِ بِهَذِهِ الْأَبْيَاتِ

يَا عَيْنُ جُودِي بِالْعَبَرِ ابْكِي بْنَ فَاطِمَةَ الَّذِي الْجِنُّ تَبْكِي شَجْوَهَا قُتِلَ الْحُسَيْنُ وَ رَهْطُهُ فَلَأَبْكِيَنَّكَ حُرْقَةً وَ لَأَبْكِيَنَّكَ مَا جَرَى *** ***وَ ابْكِي فَقَدْحَقَّ الْخَبَرُ وَرَدَ الْفُرَاتَ فَمَا صَدَر لَمَّا أَتَى مِنْهُ الْخَبَرُ تَعْساً لِذَلِكَ مِنْ خَبَرٍ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَ بِالسَّحَرِ عِرْقٌ وَ مَا حَمَلَ الشَّجَرُ

حكيم بن داود بن حكيم از سلمة بن خطاب نقل كرده كه وی گفت:

عبد اللّه بن محمّد بن سنان، از عبد اللّه بن قاسم بن حارث، از داود رقّی برايم نقل كرد و گفت:

جدّه‌ام حكايت نمود كه وقتی حضرت حسين عليه السّلام شهيد شدند طائفه جنّ بر آن حضرت گريسته و اين ابيات را می‌خواند:

ای چشم اشك بريز و گريه كن پس محقّقا خبر شهادت حضرت حسين عليه السّلام حق و راست می‌باشد.

گريه كن برای فرزند فاطمه كه به فرات داخل شد و از آن برنگشت.

جنّ برای حزن و غم فاطمه می‌گريد زمانی كه از حسين عليه السّلام خبر شهادتش برسد.

حسين عليه السّلام و يارانش كشته شدند، افسوس از چنين خبری.

صبح و شام البتّه البتّه برايت اشك سوزان می‌ريزم.

البته البته آن قدر برایت اشک بریزم که ریشه‌ها را روان و درختان را ببرد.

۳۰] - باب سی‌ام نفرین و لعنت نمودن کبوتران در حق قاتلین حضرت امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ [عَلِیِّ بْنِ هَارُونَ]عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ یَزِیدَ النَّوْفَلِیِّ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ أَبِی زِیَادٍ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ اتَّخِذُوا الْحَمَامَ الرَّاعِبِیَّةَ فِی بُیُوتِکُمْ فَإِنَّهَا تَلْعَنُ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ ع

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از حسین بن یزید نوفلی، از اسماعیل بن ابی زیاد سکونی از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کبوتر خوانا را در خانه‌هایتان نگهداری کنید زیرا این حیوان قاتلین امام حسین علیه السّلام را لعنت می‌کند.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِیعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ صَنْدَلٍ [صَفْوَانَ]عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ کُنْتُ جَالِساً فِی بَیْتِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَنَظَرْتُ إِلَی الْحَمَامِ الرَّاعِبِیِّ یُقَرْقِرُ طَوِیلًا فَنَظَرَ إِلَیَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقَالَ یَا دَاوُدُ أَ تَدْرِی مَا یَقُولُ هَذَا الطَّیْرُ قُلْتُ لَا وَ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ تَدْعُو عَلَی قَتَلَةِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ فَاتَّخِذُوهُ فِی مَنَازِلِکُمْ وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِیِّ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن جملگی از احمد بن ادریس بن احمد، از ابی عبد اللّه جامورانی از حسن بن علیّ بن ابی حمزه از صندل (صفوان نسخه ب) از داود بن فرقد نقل کرده‌اند وی گفت:

در خانه امام صادق علیه السّلام نشسته بودم، چشمم به کبوتر خوانا افتاد که مشغول خواندن بود و زیاد می‌خواند، امام علیه السّلام به من نگاه نموده و فرمودند:

ای داود می‌دانی این حیوان چه می‌گوید؟

عرض کردم: خیر فدایت شوم.

حضرت فرمودند: قاتلین حسین بن علی علیهما السّلام را نفرین می‌کند از این حیوان تهیه کنید و در منازلتان نگهداری کنید.

و پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبد اللّه، از ابی عبد اللّه جامورانی به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

۳۱] – باب سی و یکم نوحه‌سرائی و ذکر مصیبت نمودن جغد بر حضرت امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی غُنْدَرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ فِی الْبُومَةِ قَالَ هَلْ أَحَدٌ مِنْکُمْ رَآهَا بِالنَّهَارِ قِیلَ لَهُ لَا تَکَادُ تَظْهَرُ بِالنَّهَارِ وَ لَا تَظْهَرُ إِلَّا لَیْلًا قَالَ أَمَا إِنَّهَا لَمْ تَزَلْ تَأْوِی الْعُمْرَانَ أَبَداً فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) آلَتْ عَلَی نَفْسِهَا أَنْ لَا تَأْوِیَ الْعُمْرَانَ أَبَداً وَ لَا تَأْوِیَ إِلَّا الْخَرَابَ فَلَا تَزَالُ نَهَارَهَا صَائِمَةً حَزِینَةً حَتَّی یَجُنَّهَا اللَّیْلُ فَإِذَا جَنَّهَا اللَّیْلُ فَلَا تَزَالُ تَرِنُّ [تَرِثُ]عَلَی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) حَتَّی تُصْبِحَ

محمّد بن الحسین بن احمد بن ولید و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی، از حسین بن ابی غندر، از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

شنیدم امام صادق علیه السّلام در باره جغد فرمودند:

آیا احدی از شما آن را در روز دیده است؟

محضر مبارکش عرض شد: خیر ابدا در روز ظاهر نشده و تنها در شب پیدا می‌گردد.

حضرت فرمودند:

امّا اینکه این حیوان پیوسته در خرابه‌ها مسکن گرفته و در آبادی نمی‌آید جهتش آنست که:

وقتی حضرت امام حسین علیه السّلام شهید شدند این حیوان بواسطه قسم بر خود حتم نمود که ابدا در آبادی سکنا نکرده و منزلش تنها در خرابه‌ها باشد پس پیوسته در روز صائم و حزین است تا شب فرا برسد و وقتی شب در آمد از ابتداء آن تا صبح بر مصیبت حضرت امام حسین علیه السّلام زمزمه و نوحه‌سرائی و مرثیه‌خوانی می‌کند.

۲- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ صَاعِدٍ الْبَرْبَرِیِّ قَیِّماً لِقَبْرِ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی قَالَ دَخَلْتُ عَلَی الرِّضَا (علیه السلام) فَقَالَ لِی تَرَی هَذِهِ الْبُومَ مَا یَقُولُ النَّاسُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ جِئْنَا نَسْأَلُکَ فَقَالَ هَذِهِ الْبُومَةُ کَانَتْ عَلَی عَهْدِ جَدِّی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) تَأْوِی الْمَنَازِلَ وَ الْقُصُورَ وَ الدُّورَ وَ کَانَتْ إِذَا أَکَلَ النَّاسُ الطَّعَامَ تَطِیرُ وَ تَقَعُ أَمَامَهُمْ فَیُرْمَی إِلَیْهَا بِالطَّعَامِ وَ تُسْقَی وَ تَرْجِعُ إِلَی مَکَانِهَا فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) خَرَجَتْ مِنَ الْعُمْرَانِ إِلَی الْخَرَابِ وَ الْجِبَالِ وَ الْبَرَارِی وَ قَالَتْ بِئْسَ الْأُمَّةُ أَنْتُمْ قَتَلْتُمُ ابْنَ بِنْتِ نَبِیِّکُمْ وَ لَا آمَنُکُمْ عَلَی نَفْسِی

حکیم بن داود بن حکیم از سلمهٔ بن ابی الخطّاب از حسین بن علی صاعد بربری که قیّم و متصدّی قبر حضرت امام رضا علیه السّلام بود نقل کرده که وی گفت:

پدرم برای من نقل نمود و گفت: بر حضرت رضا علیه السّلام وارد شدم، آن جناب به من فرمود:

این جغد را می‌بینی؟ مردم چه می‌گویند؟

عرض کردم: فدایت شوم آمده‌ایم که از شما بپرسیم.

حضرت فرمودند: این جغد در عصر جدّم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در منازل و قصرها و خانه‌ها سکنی داشت و هر وقت مردم مشغول خوردن طعام بودند این حیوان پر می‌زد و در مقابل ایشان خود را می‌رساند و مردم طعام و غذا جلویش می‌ریختند و این حیوان طعام خورده و از آب خود را سیراب می‌کرد و سپس به منزلش بر می‌گشت ولی هنگامی که حضرت حسین بن علی علیهما السّلام شهید شدند از شهر و آبادی خارج گشت و در خرابه‌ها و کوهها و بیابان‌ها مکان گرفت و گفت:

بد امّتی شما می‌باشید! پسر دختر پیامبر خود را کشتید و من به نسبت به نفس خود از شما در امان نیستم.

۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ

اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ الْبُومَ لَتَصُومُ النَّهَارَ فَإِذَا أَفْطَرَتْ أَنْدَبَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ حَتَّى تُصْبِحَ

محمّد بن جعفر رزّاز، از دائی خود محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از حسن بن علیّ بن فضّال از شخصی از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرد، وی گفت:

امام علیه السّلام فرمودند:

جغد در روز صائم بوده و وقتی افطار نمود قلبش در مصائب حضرت حسین بن علی علیهما السّلام محزون و افسرده شده تا صبح فرا برسد.

۴- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمِيثَمِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَا يَعْقُوبُ رَأَيْتَ بُومَةً بِالنَّهَارِ تَنَفَّسُ قَطُّ فَقَالَ لَا قَالَ وَ تَدْرِي لِمَ ذَلِكَ قَالَ لَا قَالَ لِأَنَّهَا تَظَلُّ يَوْمَهَا صَائِمَةً عَلَى مَا رَزَقَهَا اللَّهُ فَإِذَا جَنَّهَا اللَّيْلُ أَفْطَرَتْ عَلَى مَا رُزِقَتْ-

ثُمَّ لَمْ تَزَلْ تَرَنَّمُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ حَتَّى تُصْبِحَ

علی بن الحسین بن موسی، از سعد بن عبد اللّه، از موسی بن عمر، از حسن بن علی، از میثمی نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

ای یعقوب آیا تا به حال دیده‌ای که جغدی در روز آواز بخواند؟

وی گفت: خیر.

حضرت فرمودند: می‌دانی چرا؟

عرض کرد: خیر.

امام علیه السّلام فرمودند: برای اینکه طول روز را این حیوان صائم بوده و وقتی شب فرا رسید افطار کرده و از آنچه خداوند منّان روزی او کرده استفاده نموده سپس پیوسته تا صبح بدمد بر مصائب حضرت حسین بن علی علیهما السّلام زمزمه نموده و نوحه‌سرائی می‌کند.

۳۲] - باب سی و دوّم ثواب کسی که بر حضرت حسین بن علیّ علیهما السّلام گریه کند

۱- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِینٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) یَقُولُ أَیُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَیْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ دَمْعَةً حَتَّی تَسِیلَ عَلَی خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِی الْجَنَّةِ غُرَفاً یَسْکُنُهَا أَحْقَاباً وَ أَیُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَیْنَاهُ حَتَّی تَسِیلَ عَلَی خَدِّهِ فِینَا- لِأَذًی مَسَّنَا مِنْ عَدُوِّنَا فِی الدُّنْیَا بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِی الْجَنَّةِ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَ أَیُّمَا مُؤْمِنٍ مَسَّهُ أَذًی فِینَا فَدَمَعَتْ عَیْنَاهُ حَتَّی تَسِیلَ عَلَی خَدِّهِ مِنْ مَضَاضَةِ مَا أُوذِیَ فِینَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَذَی وَ آمَنَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَ النَّارِ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از محمّد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

حضرت علیّ بن ابی الحسن علیهما السّلام می‌فرمودند:

هر موءمنی که بخاطر شهادت حسن بن علیّ علیهما السّلام گریه کند تا اشکش بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند منّان غرفه‌ای در بهشت به او دهد که مدّت‌ها در آن ساکن گردد و هر موءمنی بخاطر ایذاء و آزاری که از دشمنان ما در دنیا به ما رسیده گریه کند تا اشکش بر گونه‌هایش جاری شود خداوند متعال در بهشت به او جایگاه شایسته‌ای دهد و هر موءمنی در راه ما اذیت و آزاری به او رسد پس بگریدتا اشکش بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند متعال آزار و ناراحتی را از او بگرداند و در روز قیامت از غضب و آتش دوزخ در امانش قرار دهد.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ إِنَّ الْبُکَاءَ وَ الْجَزَعَ مَکْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِی کُلِّ مَا جَزِعَ- مَا خَلَا الْبُکَاءَ وَ الْجَزَعَ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ فَإِنَّهُ فِیهِ مَأْجُورٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از ابی عبد اللّه جامورانی از حسن بن علیّ بن ابی حمزه، از پدرش از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

از حضرت امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

برای بنده جزع نمودن و گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است مگر گریستن و جزع کردن بر حسین بن علیّ علیهما السّلام زیرا شخص در این گریستن مأمور و مثاب می‌باشد.

۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الزَّیَّاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِی هَارُونَ الْمَکْفُوفِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ لَهُ وَ مَنْ ذُکِرَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَیْنِهِ [عَیْنَیْهِ]مِنَ الدُّمُوعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ ذُبَابٍ کَانَ ثَوَابُهُ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ یَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ

محمّد بن جعفر رزّاز، از دائی خود محمّد بن الحسین زیّات، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابو هارون مکفوف نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام در ضمن حدیث طولانی فرمودند:

کسی که یادی از حضرت حسین بن علی علیهما السّلام نزدش بشود و از چشمش به مقدار بال مگس اشک خارج شود اجر او بر خدا است و حقتعالی به کمتر از بهشت برای او راضی نیست.

۴- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ الْحَکِیمِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا بَکَّارُ بْنُ أَحْمَدَ الْقَسَّامُ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنْ مُخَوَّلِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنِ الرَّبِیعِ بْنِ مُنْذِرٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) یَقُولُ مَنْ قَطَرَتْ عَیْنَاهُ فِینَا قَطْرَةً وَ دَمَعَتْ عَیْنَاهُ فِینَا

دَمْعَةً بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرَفاً يَسْكُنُهَا أَحْقَاباً وَ أَحْقَاباً حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (علیهما السلام) يَقُولُ وَ ذَكَرَ مِثْلَ حَدِيثِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الرَّزَّازِ سَوَاءً

حکیم بن داود بن حکیم از سلمهٔ بن خطاب نقل کرده که وی گفت:

بکّار بن احمد قسّام و حسن بن عبد الواحد، از مخوّل بن ابراهیم، از ربیع بن منذر از پدرش نقل نموده، وی گفت:

از حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که از دو چشمش قطره‌ای اشک در راه ما بیاید خداوند متعال در بهشت غرفه‌ای به او عطاء فرماید که روزگارها در آن سکنا گزینند.

ترجمه:

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از حمزهٔ بن علی اشعری، از حسن بن معاویهٔ بن وهب از کسی که برایش حدیث نقل نموده از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام می‌فرمودند: ... و حدیثی مانند حدیث محمّد بن جعفر رزّاز را عینا فرمودند (مقصود حدیث سوم می‌باشد).

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عُمَارَةَ الْمُنْشِدِ قَالَ مَا ذُكِرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (علیه السلام) عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) فِي يَوْمٍ قَطُّ فَرُئِيَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مُتَبَسِّماً قَطُّ إِلَى اللَّيْلِ

محمّد بن جعفر قرشی از محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب، از حسن بن علی، از ابن ابی عمیر، از علی بن غیره، از ابی عماره منشد نقل کرده که وی گفت:

هرگز ذکر نشد حسین بن علی علیهما السّلام نزد ابی عبد اللّه جعفر بن محمّد علیهما السّلام در روزی که در آن روز آن جناب تا شب متبسّم و خندان دیده شوند.

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ كِرْدِينٍ الْبَصْرِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَا مِسْمَعُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ أَ مَا تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) قُلْتُ لَا أَنَا رَجُلٌ مَشْهُورٌ عِنْدَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ وَ عِنْدَنَا مَنْ يَتَّبِعُ هَوَى هَذَا الْخَلِيفَةِ وَ عَدُوُّنَا كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْقَبَائِلِ مِنَ النُّصَّابِ وَ غَيْرِهِمْ وَ لَسْتُ آمَنُهُمْ أَنْ يَرْفَعُوا حَالِي عِنْدَ وُلْدِ سُلَيْمَانَ فَيُمَثِّلُونَ بِي قَالَ لِي أَ فَمَا تَذْكُرُ مَا صُنِعَ بِهِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَتَجْزَعُ قُلْتُ إِي وَ اللَّهِ وَ أَسْتَعْبِرُ لِذَلِكَ حَتَّى يَرَى أَهْلِي أَثَرَ ذَلِكَ عَلَيَّ فَأَمْتَنِعُ مِنَ الطَّعَامِ حَتَّى يَسْتَبِينَ ذَلِكَ فِي وَجْهِي قَالَ رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ- أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعَدُّونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَخَافُونَ لِخَوْفِنَا وَ يَأْمَنُونَ إِذَا أَمِنَّا أَمَا إِنَّكَ سَتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ- وَ وَصِيَّتَهُمْ مَلَكَ الْمَوْتِ بِكَ وَ مَا يَلْقَوْنَكَ بِهِ مِنَ الْبِشَارَةِ أَفْضَلُ وَ لَمَلَكُ الْمَوْتِ أَرَقُّ عَلَيْكَ وَ أَشَدُّ رَحْمَةً لَكَ مِنَ الْأُمِّ الشَّفِيقَةِ عَلَى وَلَدِهَا قَالَ ثُمَّ اسْتَعْبَرَ وَ اسْتَعْبَرْتُ مَعَهُ- فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ خَصَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ يَا مِسْمَعُ إِنَّ الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ لَتَبْكِي مُنْذُ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) رَحْمَةً لَنَا وَ مَا بَكَى لَنَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَكْثَرُ- وَ مَا رَقَأَتْ دُمُوعُ الْمَلَائِكَةِ مُنْذُ قُتِلْنَا وَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَ لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ- قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ فَإِذَا سَالَتْ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّى لَا يُوجَدَ لَهَا حَرٌّ وَ إِنَّ الْمُوجَعَ لَنَا قَلْبُهُ لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرْحَةً لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضَ وَ إِنَّ الْكَوْثَرَ لَيَفْرَحُ بِمُحِبِّنَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ حَتَّى إِنَّهُ لَيُذِيقُهُ مِنْ ضُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا يَشْتَهِي أَنْ يَصْدُرَ عَنْهُ يَا مِسْمَعُ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَةً لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَداً وَ لَمْ يَسْتَقِ بَعْدَهَا أَبَداً وَ

هُوَ فِی بَرْدِ الْکَافُورِ وَ رِیحِ الْمِسْکِ وَ طَعْمِ الزَّنْجَبِیلِ أَحْلَی مِنَ الْعَسَلِ وَ أَلْیَنَ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَصْفَی مِنَ الدَّمْعِ وَ أَذْکَی مِنَ الْعَنْبَرِ یَخْرُجُ مِنْ تَسْنِیمٍ وَ یَمُرُّ بِأَنْهَارِ الْجِنَانِ یَجْرِی عَلَیرَضْرَاضِ الدُّرِّ وَ الْیَاقُوتِ فِیهِ مِنَ الْقِدْحَانِ أَکْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ یُوجَدُ رِیحُهُ مِنْ مَسِیرَةِ أَلْفِ عَامٍ قِدْحَانُهُ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ أَلْوَانِ الْجَوْهَرِ یَفُوحُ فِی وَجْهِ الشَّارِبِ مِنْهُ کُلُّ فَائِحَةٍ حَتَّی یَقُولَ الشَّارِبُ مِنْهُ یَا لَیْتَنِی تُرِکْتُ هَاهُنَا لَا أَبْغِی بِهَذَا بَدَلًا وَ لَا عَنْهُ تَحْوِیلًا- أَمَا إِنَّکَ یَا ابْنَ کِرْدِینٍ مِمَّنْ تَرْوَی مِنْهُ وَ مَا مِنْ عَیْنٍ بَکَتْ لَنَا إِلَّا نُعِّمَتْ بِالنَّظَرِ إِلَی الْکَوْثَرِ- وَ سُقِیَتْ مِنْهُ مَنْ أَحَبَّنَا وَ إِنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ لَیُعْطَی مِنَ اللَّذَّةِ وَ الطَّعْمِ وَ الشَّهْوَةِ لَهُ أَکْثَرَ مِمَّا یُعْطَاهُ مَنْ هُوَ دُونَهُ فِی حُبِّنَا وَ إِنَّ عَلَی الْکَوْثَرِ أَمِیرَ الْمُوءْمِنِینَ (علیه السلام) وَ فِی یَدِهِ عَصًا مِنْ عَوْسَجٍ یَحْطِمُ بِهَا أَعْدَاءَنَا فَیَقُولُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ إِنِّی أَشْهَدُ الشَّهَادَتَیْنِ فَیَقُولُ انْطَلِقْ إِلَی إِمَامِکَ فُلَانٍ- فَاسْأَلْهُ أَنْ یَشْفَعَ لَکَ فَیَقُولُ تَبَرَّأَ مِنِّی إِمَامِیَ الَّذِی تَذْکُرُهُ فَیَقُولُ ارْجِعْ إِلَی وَرَائِکَ فَقُلْ لِلَّذِی کُنْتَ تَتَوَلَّاهُ وَ تُقَدِّمُهُ عَلَی الْخَلْقِ فَاسْأَلْهُ إِذَا کَانَ خَیْرَ الْخَلْقِ عِنْدَکَ أَنْ یَشْفَعَ لَکَ- فَإِنَّ خَیْرَ الْخَلْقِ مَنْ یَشْفَعُ [حَقِیقٌ أَنْ لَا یُرَدَّ إِذَا شَفَعَ]فَیَقُولُ إِنِّی أَهْلِکُ عَطَشاً فَیَقُولُ لَهُ زَادَکَ اللَّهُ ظَمَأً وَ زَادَکَ اللَّهُ عَطَشاً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ کَیْفَ یَقْدِرُ عَلَی الدُّنُوِّ مِنَ الْحَوْضِ وَ لَمْ یَقْدِرْ عَلَیْهِ غَیْرُهُ فَقَالَ وَرِعَ عَنْ أَشْیَاءَ قَبِیحَةٍ وَ کَفَّ عَنْ شَتْمِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ إِذَا ذُکِرْنَا وَ تَرَکَ أَشْیَاءَ اجْتَرَی عَلَیْهَا غَیْرُهُ وَ لَیْسَ ذَلِکَ لِحُبِّنَا وَ لَا لِهَوًی مِنْهُ لَنَا وَ لَکِنَّ ذَلِکَ لِشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِی عِبَادَتِهِ وَ تَدَیُّنِهِ وَ لِمَا قَدْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِهِ عَنْ ذِکْرِ النَّاسِ فَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُنَافِقٌ وَ دِینُهُ النَّصْبُ وَ اتِّبَاعُهُ أَهْلَ النَّصْبِ وَ وَلَایَةُ الْمَاضِینَ وَ تَقَدُّمُهُ [تَقْدِیمُهُ لَهُمَا عَلَی کُلِّ أَحَدٍ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم، از مسمع بن عبد الملک کردین بصری نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به من فرمودند:

ای مسمع تو از اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین علیه السّلام می‌روی؟ عرض کردم: خیر، من نزد اهل بصره مردی مشهور هستم و نزد ما کسانی هستند که خواسته این خلیفه را طالب بوده و دشمنان ما از گروه ناصبی‌ها و غیر ایشان بسیار بوده و من در امان نیستم از اینکه حال من را نزد پسر سلیمان گزارش کنند.

در نتیجه او با من کاری کند که عبرت دیگران گردد لذا احتیاط کرده و به زیارت آن حضرت نمی‌روم.

حضرت به من فرمودند:

آیا یاد می‌کنی مصائبی را که برای آن جناب فراهم کرده و آزار و اذیت‌هائی که به حضرتش روا داشتند؟

عرض کردم: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا به جزع و فزع می‌آئی؟

عرض کردم: بلی به خدا قسم و بخاطر یاد کردن مصائب آن بزرگوار چنان غمگین و حزین می‌شوم که اهل و عیالم اثر آن را در من مشاهده می‌کنند و چنان حالم دگرگون می‌شود که از خوردن طعام و غذا امتناع نموده و بوضوح علائم حزن و اندوه در صورتم نمایان می‌گردد.

حضرت فرمودند:

خدا رحمت کند اشکهای تو را (یعنی خدا بواسطه این اشک‌ها تو را رحمت نماید)، بدان قطعا تو از کسانی محسوب می‌شوی که به خاطر ما جزع نموده و به واسطه سرور و فرح ما مسرور گشته و بخاطر حزن ما محزون گردیده و بجهت خوف ما خائف بوده و هنگام مأمون بودن ما در امان هستند، توجه داشته باش حتما و عنقریب هنگام مرگ اجدادم را بالای سرت خواهی دید که ملک الموت سفارش تو را خواهند نمود و بشارتی که به تو خواهند داد برتر و بالاتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت از مادر مهربان به فرزندش به تو مهربان‌تر و رحیم‌تر خواهد بود.

مسمع می گوید:

سپس حضرت گریستند و اشکهای مبارکشان جاری شد و من نیز با آن جناب اشک ریختم، پس از آن حضرت فرمودند:

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی فَضَّلَنا عَلی خلقه بالرّحمهٔ و خصّنا اهل البیت بالرّحمهٔ.

ای مسمع از هنگامی که امیر الموءمنین علیه السّلام شهید شدند زمین و آسمان بر ما ترحم نموده و می گریند و موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشکهایشان لا ینقطع جاری بوده و هرگز قطع نمی‌شود.

توجّه داشته باش احدی بخاطر ترحم بما و بجهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی کند مگر آنکه قبل از آمدن اشک از چشمش حقتعالی او را رحمت خواهد نمود و وقتی اشکها بر گونه‌هایش جاری گشت در صورتی که یک قطره از آنها در جهنّم بیفتد حرارت و آتش آن را خاموش و آرام می کند که دیگر برای آن حرارتی پیدا نمی‌شود.

دانسته باش کسی که به خاطر ما قلبش دردناک شود در روزی که موت و مرگش فرا برسد و ما را مشاهده نماید سرور و نشاطی برایش پیدا شود که پیوسته این سرور در او بوده تا در کنار حوض بر ما وارد گردد و هنگامی که محبّ و دوست‌دار ما اهل بیت بر حوض کوثر وارد شود سرور و فرح خاصّی در کوثر پیدا شود به حدّی که انواع و اقسام اطعمه‌ای را به او چشانده که وی مایل نیست طعم آن غذاها زائد گردد. ای مسمع: کسی که از آن حوض یک جرعه بیاشامد هرگز بعد از آن تشنه نشده و ابدا طلب آب نکند.

صفات آب کوثر

سپس حضرت اوصاف آب کوثر را چنین توصیف فرمودند:

الف: طبع آن در سردی و خنکی مانند کافور بوده.

ب: بوی آن همچون بوی مشک بوده.

ج: طعمش نظیر طعم زنجبیل می‌باشد.

د: شیرین‌تر از عسل.

ه: نرم‌تر و لطیف‌تر از سر شیر.

و: صاف‌تر از اشک چشم.

ز: پاک‌تر از عنبر.

ح: از تسنیم که چاهی است در بهشت خارج می گردد.

ط: در جوی‌های بهشت عبور می کند.

ی: از روی ریگهای بهشتی که درّ و یاقوت هستند جاری می‌باشد.

ل: کاسه‌هائی در آن است که عدد آنها از ستارگان آسمان بیشتر می‌باشد.

ل: بوی خوش آن از مسافتی که باید آن را ظرف هزار سال پیمود به مشام می آید.

م: کاسه‌های درون آن از زر و سیم و انواع و اقسام جواهر قیمتی است.

ن: از آن هر بوی خوش و نسیم معطّری به صورت شارب می‌وزد تا جایی که شارب می گوید: کاش من را در همین جا به حال خود بگذارند، حاضر نیستم اینجا را به جای دیگری تبدیل کرده و آن را تغییر دهم.

پس از آن حضرت به مسمع بن عبد الملک کردین بصیری فرمودند:

ای کردین توجّه داشته باش تو از کسانی هستی که از آب آن حوض می‌آشامی. و نیست چشمی که برای ما بگرید مگر آنکه از نعمت نظر نمودن به آب کوثر بهره‌مند شده و از آن سیراب می گردد.

دوستداران ما که از آب کوثر می‌آشامند پس از نوشیدن از آن لذّتی که برده و طعمی که چشیده و شهوتی که در آن‌ها پدید آمده به مراتب بیشتر از لذّت و طعم و شهوتی است که به دیگران یعنی کسانی که در مرتبه پائین‌تر از حبّ ما هستند اعطاء می گردد.

بر بالای حوض کوثر امیر المومنین علیه السّلام ایستاده و در دست مبارکشان عصائی از گیاه عوسج بوده که با آن دشمنان ما را منکوب و مضروب می‌سازند، یکی از آن دشمنان محضر مبارکش عرض می کند: من شهادتین می گویم.

حضرت می‌فرماید: نزد امام خود «فلانی» برو پس از او بخواه که تو را شفاعت کند.

آن شخص می گوید:

امام من که نامش را بردید از من تبرّی می‌جوید.

حضرت می‌فرمایند:

به پشت خود بر گردد و از کسی که دوستش می‌داشتی و بر خلائق مقدّمش می‌نمودی طلب شفاعت کن زیرا بهترین خلق نزد تو باید شفاعت را بکند چه آنکه بهترین مخلوقات کسی است که شفیع دیگران باشد.

آن شخص می گوید: از تشنگی مردم.

حضرت به او می‌فرمایند:

خداوند تو را تشنه‌تر کرده و عطشت را زیاد کند.

راوی یعنی مسمع می گوید:

به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم این شخص چگونه نزدیک حوض می‌رود در حالی که غیر از امیر المومنین علیه السّلام احدی بر آن قادر نیست؟

حضرت فرمودند:

این شخص از اعمال زشتی چند اجتناب نموده و وقتی ما را نام می‌برد از ناسزا گفتن و فحش دادن خودداری می کرد و کارهائی را که دیگران جرات نموده و انجام می‌دادند وی آنها را ترک می کرد ولی این نه بخاطر حبّ و دوستی با ما بوده بلکه منشأ آن زیاد عبادت نمودن و تدیّن و منصرف بودنش از ذکر مردم می‌باشد ولی در قلبش نفاق بوده و دین و آئینش مذهب نصب و تبعیّت از اهل آن بوده و ولایت و دوستی خلفاء ماضی را داشته و آن دو نفر را بر هر کسی مقدّم می کند.

۷- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَهْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُکَیْرٍ الْأَرَّجَانِیِّ وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَارَهَْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُکَیْرٍ قَالَ حَجَجْتُ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ فَقُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَوْ نُبِشَ قَبْرُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) هَلْ کَانَ یُصَابُ فِی قَبْرِهِ شَیْءٌ فَقَالَ یَا ابْنَ بُکَیْرٍ مَا أَعْظَمَ مَسَائِلَکَ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) مَعَ أَبِیهِ وَ أُمِّهِ وَ أَخِیهِ فِی مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ مَعَهُ یُرْزَقُونَ وَ یُحْبَرُونَ وَ إِنَّهُ لَعَنْ یَمِینِ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ بِهِ یَقُولُ- یَا رَبِّ أَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی وَ إِنَّهُ لَیَنْظُرُ إِلَی زُوَّارِهِ وَ إِنَّهُ أَعْرَفُ بِهِمْ وَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ مَا فِی رِحَالِهِمْ مِنْ أَحَدِهِمْ بِوُلْدِهِ وَ إِنَّهُ لَیَنْظُرُ إِلَی مَنْ یَبْکِیهِ فَیَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ یَسْأَلُ أَبَاهُ الِاسْتِغْفَارَ لَهُ وَ یَقُولُ أَیُّهَا الْبَاکِی لَوْ عَلِمْتَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَکَ لَفَرِحْتَ أَکْثَرَ مِمَّا حَزِنْتَ وَ إِنَّهُ لَیَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِیئَهٍْ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از عبد اللّه بن مغیره، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم، از عبد اللّه بن بکیر ارجانی.

و پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن عبد اللّه زراره، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم، از عبد اللّه بن بکیر نقل کرده که گفت: با حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حجّ به جا آوردم ... حدیث طولانی است و در یکی از

فقرات آن راوی می گوید:

محضر امام علیه السّلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم اگر قبر حضرت حسین ابن علی علیهما السّلام را نبش کنند در قبر به چیزی برخورد و اصابت می کنند یا نه؟ حضرت در جواب فرمودند:

چقدر سوءال بزرگی کردی، حضرت حسین علیه السّلام با پدر و مادر و برادر بزرگوارشان در منزل رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بوده و جملگی با آن حضرت از روزی خدا بهره‌مند می‌شوند و در خصوص آن جناب باید بگویم که حضرتش بر سمت راست عرش چنگ زده و به درگاه الهی عرض می کند:

یا ربّ أنجز لی ما وعدتنی (آنچه را به من وعده دادی روانما).

و آن حضرت به زوّار خود نگریسته و به آنها و به اسماء ایشان و اسماء پدرانشان و آنچه در خورجین و بارشان می‌باشد اعرف و آگاه‌تر از ایشان به فرزندشان می‌باشد و نیز آن جناب به گریه‌کننده‌گانش نظر فرموده و برای آنها طلب آمرزش نموده و از پدر بزرگوارش درخواست استغفار برای ایشان می‌نماید و خطاب به کسانی که برایش گریه می کنند کرده و می‌فرماید:

ای کسی که گریه می کنی اگر بدانی چه خدا برایت آماده نموده مسلّما سرور و شادی تو بیشتر از حزن و اندوهت می گردد و این حتمی است که حقتعالی تمام گناهان و لغزشهای تو را بواسطه این اشگی که ریخته‌ای می‌آمرزد.

*** ***

*** ***

۸- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ بَکْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ فُضَیْلِ بْنِ یَسَارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ ذُکِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَیْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ [الذُّبَابِ]غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَ لَوْ کَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَکْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

حکیم بن داود، از سلمه، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از بکر بن محمّد، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسی که نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشگ بیاید اگر چه به قدر بال پشه باشد گناهانش آمرزیده شود و لو به اندازه روی دریاها باشد.

ترجمه:

محمّد بن عبد اللّه از پدرش، از احمد بن ابی عبد اللّه برقی، از پدرش از بکر بن محمّد، از حضرت ابی عبد اللّه مثل همین حدیث را نقل کرده است.

۹- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِینٍ الْقَلَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ أَیُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَیْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) دَمْعَةً حَتَّی تَسِیلَ عَلَی خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا غُرَفاً فِی الْجَنَّةِ یَسْکُنُهَا أَحْقَاباً

حکیم بن داود از سلمة بن خطّاب، از حسن بن علیّ، از علاء بن رزین القلّاء، از محمّد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

هر موءمنی که بخاطر شهادت حضرت حسین علیه السّلام چشمانش اشگ ریخته بطوری که اشگها بر گونه‌هایش جاری گردد خداوند منّان در بهشت غرفه‌هائی به او عنایت فرماید که وی برای روزگارها در آن سکنا گزیند.

۱۰- وَ عَنْهُ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ سَیْفٍ عَنْ بَکْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ فُضَیْلِ بن [زائد [وَ]فَضَالَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ ذُکِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَیْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَی النَّارِ

حکیم بن داود از سلمهٔ، از علی بن سیف، از بکر بن محمّد، از فضیل بن فضّالهٔ، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرد که آن جناب فرمودند:

کسی که ما را نزد او یاد کنند پس از چشمانش اشگ بیاید خداوند متعال صورتش را بر آتش حرام می‌نماید.

۳۳] – باب سی و سوّم ثواب کسی که بواسطه گفتن شعر در مصیبت حضرت امام حسین علیه السّلام گریه کند و دیگران را بگریاند

۱- حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْقُرَشِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَا أَبَا هَارُونَ أَنْشِدْنِي فِي الْحُسَيْنِ (علیه السلام) قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ فَبَكَى فَقَالَ أَنْشِدْنِي كَمَا تُنْشِدُونَ يَعْنِي بِالرِّقَّةِ قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ

امْرُرْ عَلَى جَدَثِ *** ***الْحُسَيْنِ فَقُلْ لِأَعْظُمِهِ الزَّكِيَّةِ

قَالَ فَبَكَى ثُمَّ قَالَ زِدْنِي قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ الْقَصِيدَةَ الْأُخْرَى قَالَ فَبَكَى وَ سَمِعْتُ الْبُكَاءَ مِنْ خَلْفِ السِّتْرِ- قَالَ فَلَمَّا فَرَغْتُ قَالَ لِي يَا بَا هَارُونَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (علیه السلام) شِعْراً فَبَكَى وَ أَبْكَى عَشْراً كُتِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْراً فَبَكَى وَ أَبْكَى خَمْسَةً كُتِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْراً فَبَكَى وَ أَبْكَى وَاحِداً كُتِبَتْ لَهُمَا الْجَنَّةُ وَ مَنْ ذُكِرَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ [عَيْنَيْهِ]مِنَ الدُّمُوعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ

ابو العباس قرشی، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی هارون مکفوف نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

ای ابا هارون آیا شعری در مصیبت امام حسین علیه السّلام برایم می‌خوانی؟

ابا هارون می گوید: پس برای آن حضرت شعری خواندم و آن جناب گریست.

سپس فرمودند:

همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه می‌خوانید برایم بخوان یعنی با رقّت و لطافت، ابا هارون می گوید:

پس این بیت را برای آن جناب با رقّت و لطافت خواندم:

امرر علی جدث الحسین فقل لاعظمه الزّکیهٔ

یعنی: گذر کن بر قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام، پس به استخوانهای پاک و مطهّرش بگو.

ابا هارون می گوید: امام علیه السّلام گریست، سپس فرمود: بیشتر برایم بخوان.

پس قصیده دیگر برای حضرتش خواندم.

ابا هارون می گوید: امام علیه السّلام گریستند و صدای گریه اهل منزل را از پشت پرده شنیدم.

سپس ابا هارون می گوید: وقتی از خواندن فارغ شدم حضرت به من فرمودند:

ای ابا هارون کسی که در مرثیه حسین بن علی علیهما السّلام شعری خوانده و خود گریه کرده و ده نفر دیگر را بگریاند بهشت بر ایشان واجب می گردد.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السّلام شعری خوانده و خود گریه کرده و یک نفر دیگر را بگریاند بهشت برای هر دو واجب می‌شود.

و کسی امام حسین را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگس اشک بیاید ثواب و اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت اجر و ثواب نمی‌دهد.

۲- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ حَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عُمَارَةَ الْمُنْشِدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِي يَا بَا عُمَارَةَ أَنْشِدْنِي فِي الْحُسَيْنِ (علیه السلام) قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ فَبَكَى ثُمَّ أَنْشَدْتُهُ فَبَكَى

ثُمَّ أَنْشَدْتُهُ فَبَکَی قَالَ فَوَ اللَّهِ مَا زِلْتُ أَنْشِدُهُ وَ یَبْکِی حَتَّی سَمِعْتُ الْبُکَاءَ مِنَ الدَّارِ فَقَالَ لِی یَا أَبَا عُمَارَةَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) شِعْراً فَأَبْکَی خَمْسِینَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ شِعْراً فَأَبْکَی أَرْبَعِینَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ شِعْراً فَأَبْکَی ثَلَاثِینَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ شِعْراً فَأَبْکَی عِشْرِینَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ شِعْراً فَأَبْکَی عَشَرَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) شِعْراً فَأَبْکَی وَاحِداً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) شِعْراً فَبَکَی فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ شِعْراً فَتَبَاکَی فَلَهُ الْجَنَّةُ

ابو العبّاس از محمّد بن الحسین، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از حسن بن علی بن ابی المغیره، از ابی عماره المنشد، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام به من فرمودند:

ای ابو عماره شعری در مرثیه حسین علیه السّلام برایم بخوان.

ابو عماره می گوید:

برای آن حضرت شعر خواندم پس آن حضرت گریست سپس خواندم باز آن جناب گریه کرده و بعد از آن باز خواندم و آن حضرت گریستند.

ابو عماره می گوید: به خدا قسم پیوسته شعر می‌خواندم و آن جناب گریه می کردند تا جایی که صدای گریه از منزل و خانه بگوشم رسید، پس حضرت به من فرمودند:

ای ابو عماره کسی که در مصیبت حسین علیه السّلام شعری بخواند سپس پنجاه نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السّلام شعری خوانده و چهل نفر را بگریاند بهشت برای اوست.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السّلام شعری خوانده و سی نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السّلام شعری خوانده و بیست نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السّلام شعری خوانده و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مصیبت حسین علیه السّلام شعری خوانده و خودش بگرید بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السّلام شعری خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه حسین علیه السّلام شعری خوانده و به هیئت گریه کن در آورد بهشت برای او است.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ [ابْنِ]أَبِی شُعْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَأَنْشَدْتُهُ مَرْثِیَةَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَلَمَّا انْتَهَیْتُ إِلَی هَذَا الْمَوْضِعِ-

لَبَلِیَّةٌ تَسْقُوا حُسَیْنا *** ***بِمِسْقَاةِ الثَّرَی غَیْرُ التُّرَابِ

فَصَاحَتْ بَاکِیَةٌ مِنْ وَرَاءِ السِّتْرِ وَا أَبَتَاهْ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از ابن ابی عمیر، از عبد اللّه بن حسّان، از ابن أبی شعبهٔ، از عبد اللّه بن غالب نقل کرده که وی گفت:

بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شده پس شعری در مرثیه حضرت امام حسین علیه السّلام خواندم و وقتی به این بیت منتهی شدم:

لَبَلِیَّةٌ تَسْقُوا حُسَیْنا *** ***بِمِسْقَاةِ الثَّرَی غَیْرُ التُّرَابِ

به خدا قسم مصیبتی بود که آن مصیبت حسین علیه السّلام را در آب‌خورگاه زمینی مرطوب نه خشک سیراب نمود پس مخدّره‌ای که در پشت پرده می گریست با صدای بلند فریاد زد: وا أبتاه!!!

۴- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) بَيْتَ شِعْرٍ فَبَكَى وَ أَبْكَى عَشَرَةً فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ- وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بَيْتاً فَبَكَى وَ أَبْكَى تِسْعَةً فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ فَلَمْ يَزَلْ حَتَّى قَالَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بَيْتاً فَبَكَى وَ أَظُنُّهُ قَالَ أَوْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسين، از محمّد بن اسماعيل، از صالح بن عقبه، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرد كه آن جناب فرمودند:

كسى كه در مرثيه حضرت امام حسين عليه السّلام يك بيت شعر خوانده پس گريه كند و ده نفر را بگرياند بهشت براى او و آن ده نفر مى‌باشد.

و كسى كه يك بيت شعر در مصيبت حضرت امام حسين عليه السّلام خوانده پس گريه كند و نه نفر را بگرياند بهشت براى او و آن نه نفر مى‌باشد.

و پيوسته امام عليه السّلام اين فقره را با كاهش دادن نفرات تكرار نموده تا بالأخره فرمودند:

و كسى كه يك بيت شعر در مصيبت حضرت امام حسين عليه السّلام خوانده و خود بگريد (راوى مى‌گويد گمان مى‌كنم امام عليه السّلام فرمودند: يا تباكى كرده و خود را به صورت گريه كن درآورد).

بهشت براى او مى‌باشد.

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ لِي أَنْشِدْنِي فَأَنْشَدْتُهُ فَقَالَ لَا كَمَا تُنْشِدُونَ وَ كَمَا تَرْثِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ

امْرُرْ عَلَى جَدَثِ الْحُسَيْنِ *** ***فَقُلْ لِأَعْظُمِهِ الزَّكِيَّةِ

قَالَ فَلَمَّا بَكَى أَمْسَكْتُ أَنَا فَقَالَ مُرَّ فَمَرَرْتُ قَالَ ثُمَّ قَالَ زِدْنِي زِدْنِي قَالَ فَأَنْشَدْتُهُ-

يَا مَرْيَمُ قُومِي فَانْدُبِي مَوْلَاكِـــــــ وَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَأَسْعِدِي بِبُكَاكِ

- قَالَ فَبَكَى وَ تَهَايَجَ النِّسَاءُ قَالَ فَلَمَّا أَنْ سَكَتْنَ قَالَ لِي يَا بَا هَارُونَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَأَبْكَى عَشَرَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ جَعَلَ يَنْقُصُ وَاحِداً وَاحِداً حَتَّى بَلَغَ الْوَاحِدَ- فَقَالَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبْكَى وَاحِداً فَلَهُ الْجَنَّةُ ثُمَّ قَالَ مَنْ ذَكَرَهُ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصفّار، از محمّد بن الحسن، از محمّد ابن اسماعيل، از صالح بن عقبه، از ابى هارون مكفوف، وى مى‌گويد:

بر حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام وارد شدم، حضرت به من فرمودند:

برايم شعر بخوان، پس براى آن حضرت شعر خواندم.

حضرت فرمودند: نه، آن طور كه در جمع خودتان مى‌خوانى و به همان نحو كه در كنار قبر آن حضرت (حضرت امام حسين عليه السّلام) مرثيه مى‌خوانى، بخوان:

ابو هارون مى‌گويد: پس شعر ذيل را براى آن حضرت خواندم:

امرر على جدث الحسين فقل لاعظمه الزّكيّة يعنى: گذر كن بر قبر حسين بن على عليهما السّلام، پس به استخوان‌هاى پاك و مطهّرش بگو.

ابو هارون مى‌گويد: وقتى حضرت گريستند، من خود دارى كرده و خواندن را متوقف نمودم، پس حضرت فرمودند:

بگذر، پس من گذشتم، سپس فرمودند:

بيشتر برايم بخوان، بيشتر برايم بخوان.

ابو هارون می‌گوید: پس این بیت را خواندم:

یا مریم قومی فاندبی مولاک *** ***و علی الحسین فاسعدی ببکاک

ای مریم (مادر حضرت عیسی علیه السّلام) بایست و بر سرور خود ندبه و زاری نما، زاری کن بر حضرت حسین علیه السّلام و با این زاری و گریه خود او را نصرت و یاری نما.

ابو هارون می‌گوید: پس از خواندن این بیت، حضرت گریست و مخدّرات شیون و زاری کردند.

وی می‌گوید: وقتی بانوان آرام گرفتند حضرت به من فرمودند:

ای ابا هارون: کسی که در مرثیه حضرت امام حسین علیه السّلام شعر بخواند و ده نفر را بگریاند بهشت برای او است سپس حضرت نفرات گریه‌کننده‌گان را یکی یکی کاهش داده تا به «واحد» رسیده و فرمودند:

کسی که در رثاء حضرت حسین علیه السّلام شعر خوانده و یک نفر را بگریاند بهشت برای او است.

سپس فرمودند:

کسی که یاد امام حسین علیه السّلام نموده و برای آن حضرت بگرید بهشت برای او است.

۶- وَ رُوِیَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ لِکُلِّ شَیْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِینَا

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مروی است که آن جناب فرمودند:

هر چیزی ثواب و اجری معیّن دارد مگر ریختن اشک برای ما که ثوابش را احدی نمی‌داند.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَسْکَرِیُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ بَیْتَ شِعْرٍ فَبَکَی وَ أَبْکَی عَشَرَةً فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ بَیْتاً فَبَکَی وَ أَبْکَی تِسْعَةً فَلَهُ وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ فَلَمْ یَزَلْ حَتَّی قَالَ مَنْ أَنْشَدَ فِی الْحُسَیْنِ بَیْتاً فَبَکَی وَ أَظُنُّهُ قَالَ أَوْ تَبَاکَی فَلَهُ الْجَنَّةُ

محمّد بن احمد بن حسین العسکری، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمّد بن سنان، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السّلام یک بیت شعر بخواند پس خود گریسته و ده نفر را بگریاند بهشت برای او و آن ده نفر می‌باشد.

و کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السّلام یک بیت شعر بخواند پس خود گریسته و نه نفر را بگریاند بهشت برای او و آن نه نفر می‌باشد.

پس پیوسته حضرت نفرات را یکی یکی کاهش داده تا فرمودند:

کسی که در مصیبت حضرت امام حسین علیه السّلام یک بیت شعر خوانده پس خود بگرید (راوی می‌گوید: گمان می‌کنم امام علیه السّلام فرمودند: یا تباکی کرده و خود را به صورت گریه کن درآورد) بهشت برای او می‌باشد.

۳۴] - باب سی و چهارم ثواب کسی که آب نوشیده و یاد امام حسین علیه السّلام نموده و کشنده آن حضرت را لعنت کند

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْکُوفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ قَالَ کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِذَا اسْتَسْقَی الْمَاءَ فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَیْتُهُ قَدِ اسْتَعْبَرَ وَ اغْرَوْرَقَتْ عَیْنَاهُ بِدُمُوعِهِ ثُمَّ قَالَ لِی یَا دَاوُدُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَمَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَکَرَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا کَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ حَطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَیِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ کَأَنَّمَا أَعْتَقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَ حَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَی یَوْمَ الْقِیَامَةِ ثَلِجَ الْفُؤَادِ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز از کوفی از محمّد بن الحسین، از خشاب، از علی بن حسّان، از عبد الرحمن بن کثیر، از داود رقّی، وی می گوید:

در محضر مبارک امام صادق علیه السّلام بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد سپس به من فرمودند:

ای داود خدا قاتل حسین علیه السّلام را لعنت کند، بنده‌ای نیست که آب نوشیده و حسین علیه السّلام را یاد نموده و کشنده‌اش را لعنت کند مگر آنکه خداوند منّان صد هزار حسنه برای او منظور می‌کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می‌کند.

محمّد بن یعقوب، از علیّ بن محمّد، از سهل بن زیاد، از جعفر بن ابراهیم حضرمی، از سعد بن سعد مثل همین حدیث را نقل کرده است.

۳۵] – باب سی و پنجم گریستن حضرت علی بن حسین بر حسین بن علی سلام اللّه علیهم

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ جَمَاعَةِ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ بَکَی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَلَی أَبِیهِ حُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (صلی الله علیه و آله) عِشْرِینَ سَنَةً أَوْ أَرْبَعِینَ سَنَةً وَ مَا وُضِعَ بَیْنَ یَدَیْهِ طعاما [طَعَامٌ إِلَّا بَکَی عَلَی الْحُسَیْنِ حَتَّی قَالَ لَهُ مَوْلًی لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکَ أَنْ تَکُونَ مِنَ الْهَالِکِینَ قَالَ‌إِنَّما أَشْکُوا بَثِّی وَ حُزْنِی إِلَی اللّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ إِنِّی لَمْ أَذْکُرْ مَصْرَعَ بَنِی فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقَتْنِی الْعَبْرَةُ لِذَلِکَ

پدرم رحمة اللّه علیه از جماعتی اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از أبی داود مسترق، از برخی اصحاب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

حضرت علی بن الحسین صلوات اللّه علیهما مدت بیست یا چهل سال بر پدرشان گریستند و طعام و غذائی نبود که در مقابل حضرت بگذارند مگر آنکه حضرتش بیاد امام حسین علیه السّلام گریه می‌کردند تا جایی که غلام حضرت محضر مبارکش عرض نمود:

فدایت شوم ای پسر رسول خدا می‌ترسم که شما هلاک شوید.

حضرت فرمودند:

إِنَّما أَشْکُوا بَثِّی وَ حُزْنِی إِلَی اللّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ .

تنها درد دل و غم خود را با خدا گویم و از لطف و کرم بی‌اندازه او چیزی دانم که شما نمی‌دانید. سپس فرمودند:

هیچ گاه محل کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السّلام را بیاد نمی‌آورم مگر آنکه حزن و غصه حلقوم من را می‌فشارد.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ الزَّیَّاتِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ أَشْرَفَ مَوْلًی لِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) وَ هُوَ فِی سَقِیفَةٍ لَهُ سَاجِدٌ یَبْکِی فَقَالَ لَهُ یَا مَوْلَایَ یَا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ أَ مَا آنَ لِحُزْنِکَ أَنْ یَنْقَضِیَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَیْهِ وَ قَالَ وَیْلَکَ أَوْ ثَکِلَتْکَ أُمُّکَ وَ اللَّهِ لَقَدْ شَکَا یَعْقُوبُ إِلَی رَبِّهِ فِی أَقَلَّ مِمَّا رَأَیْتَ حَتَّی قَالَ یا أَسَفی عَلی یُوسُفَ أَنَّهُ فَقَدَ ابْناً وَاحِداً وَ أَنَا رَأَیْتُ أَبِی وَ جَمَاعَةَ أَهْلِ بَیْتِی یُذْبَحُونَ حَوْلِی قَالَ وَ کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) یَمِیلُ إِلَی وُلْدِ عَقِیلٍ فَقِیلَ لَهُ مَا بَالُکَ تَمِیلُ إِلَی بَنِی عَمِّکَ هَؤُلَاءِ دُونَ آلِ جَعْفَرٍ فَقَالَ إِنِّی أَذْکُرُ یَوْمَهُمْ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَأَرِقُّ لَهُمْ

محمّد بن جعفر رزّاز، از دائی خود محمّد بن الحسین بن أبی الخطّاب زیّات، از علی بن اسباط، از اسماعیل بن منصور، از برخی اصحاب نقل کرده که او گفت:

غلام علی بن الحسین علیهما السّلام به صفّه سر پوشیده‌ای که تعلّق به امام سجّاد علیه السّلام داشت و آن جناب در آنجا پیوسته در حال سجود و گریه بودند نزدیک شد و به حضرت عرض نمود:

ای آقای من، ای علی بن الحسین آیا وقت تمام شدن حزن و غصّه شما هنوز نرسیده؟

حضرت سر مبارک از زمین برداشته و متوجّه او شده و فرمودند:

وای بر تو یا فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند به خدا قسم حضرت یعقوب در حادثه‌ای بس کمتر و واقعه‌ای ناچیزتر از آنچه من دیدم شکایت به پروردگار نمود و اظهار کرد: یا أَسَفی عَلی یُوسُفَ (وا اسفا بر فراق یوسفم).

با اینکه ایشان تنها یک فرزندش را از دست داده بود ولی من دیدم که پدرم و جماعتی از اهل بیت من را در دور من سر بریدند.

راوی گفت:

حضـرت علی بن الحسـین علیهما السّـلام به فرزنـدان عقیل میل و توجّه خاصّـی داشـتند. به حضـرت عرض شـد: چه طور به این بنی اعمامتان (اولاد عقیل) توجّه و تمایل دارید نه به آل و فرزندان جعفر؟

حضرت فرمودند:

یـادم می‌آیـد از روزی کـه ایشـان همراه ابی عبـد اللّه الحسـین علیه السّـلام به چه مصـیبت‌هائی گرفتـار شدنـد پس به حالشـان رقّت می‌کنم.

۳۶] - باب سی و ششم حضرت امام حسین علیه السّلام کشته اشک بوده و هیچ موءمنی او را یاد نمی‌کند مگر آنکه برایش می‌گرید

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ سَعِیدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ أَبِی یَحْیَی الْحَذَّاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ نَظَرَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) إِلَی الْحُسَیْنِ فَقَالَ یَا عَبْرَةَ کُلِّ مُؤْمِنٍ فَقَالَ أَنَا یَا أَبَتَاهْ قَالَ نَعَمْ یَا بُنَیَّ

پدرم و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن رحمهٔ اللّه علیهم جملگی از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی از سعید بن جناح از ابی یحیی حذّاء، از برخی اصحاب از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

امیر الموءمنین علیه السّلام به حضرت حسین علیه السّلام نظر نموده پس فرمودند:

ای اشک هر موءمنی.

حضرت حسین علیه السّلام عرض نمود:

ای پدر من اشک هر موءمنی هستم؟

امیر الموءمنین علیه السّلام فرمود:

بلی پسرم.

۲- حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَنْ أَبِی عُمَارَةَ الْمُنْشِدِ قَالَ مَا ذُکِرَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی یَوْمٍ قَطُّ فَرُئِیَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مُتَبَسِّماً فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ إِلَی اللَّیْلِ وَ کَانَ (علیه السلام) یَقُولُ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) عَبْرَةُ کُلِّ مُؤْمِنٍ

جماعتی از اساتیدم از محمّد بن یحیی عطّار، از حسین بن عبد اللّه، از حسن این علی بن ابی عثمان، از حسن بن علی بن عبد اللّه بن مغیره، از أبی عماره منشد نقل کرده‌اند که وی گفت:

نام حضرت امام حسین علیه السّلام هرگز در روزی نزد امام صادق علیه السّلام برده نشد که در آن روز ایشان متبسّم و خندان باشند و می‌فرمودند:

حسین علیه السّلام اشک هر موءمنی می‌باشد.

یعنی یاد امام حسین علیه السّلام سبب اشک هر موءمنی می‌باشد.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی الْخَشَّابِ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیه السلام) أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ لَا یَذْکُرُنِی مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن موسی خشاب، از اسماعیل بن مهران، از علی بن ابی حمزه، از أبی بصیر نقل کرده که وی گفت:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

حضرت حسین بن علی فرمودند: من کشته اشک هستم، هیچ موءمنی من را یاد نمی‌کند مگر آنکه با یاد من طلب اشک می‌کند.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن موسی، از محمّد بن سنان، از اسماعیل بن جابر، از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السّلام فرمودند: من کشته اشک هستم.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ مِسْکِینٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از أبی بصیر، از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیه السّلام فرمودند: من کشته اشک هستم.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْخَزَّازِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ کُنَّا عِنْدَهُ فَذَکَرْنَا الْحُسَیْنَ (علیه السلام) وَ عَلَی قَاتِلِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ فَبَکَی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ بَکَیْنَا قَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ قَالَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ لَا یَذْکُرُنِی مُؤْمِنٌ إِلَّا بَکَی وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصّفار، از احمد بن محمّد بن عیسی از محمّد بن خالد برقی، از ابان احمر، از محمّد بن الحسین الخزّاز، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السّلام بودیم، پس نام امام حسین علیه السّلام و علی قاتله لعنة اللّه را بردیم، حضرت گریستند و ما نیز گریستیم.

راوی می‌گوید: امام علیه السّلام سر مبارکشان را بلند کرده و فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السّلام فرمودند:

من کشته اشک هستم، یاد نمی‌کند من را هیچ موءمنی مگر آنکه می‌گرید ...

۷- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ السَّعْدَآبَادِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بْنُ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ قُتِلْتُ مَکْرُوباً وَ حَقِیقٌ عَلَیَّ أَنْ لَا یَأْتِیَنِی مَکْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ وَ أَقْلَبَهُ إِلَی أَهْلِهِ مَسْرُوراً حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

علی بن الحسین سعدآبادی می‌گوید:

احمد بن ابی عبد اللّه برقی از پدرش، از ابن مسکان، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که حضرت فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السّلام فرمودند:

من کشته اشک هستم، من در حالی که غمگین و اندوهگین بودم کشته شدم و سزاوار است بر خدا که هر مکروب و اندوهگینی که به زیارت من می‌آید را با قلبی مسرور و شاد به اهلش برگرداند.

حکیم بن داود، از سلمة بن الخطّاب، از محمّد بن عمرو، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

۳۷] - باب سی و هفتم در بیان روایاتی که دلالت دارند بر اینکه حضرت امام حسین علیه السّلام سیّد الشّهداء می‌باشند

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ حَنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) زُورُوا الْحُسَیْنَ (علیه السلام) وَ لَا تَجْفُوهُ فَإِنَّهُ سَیِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ وَ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از حنان نقل کرده که وی گفت: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده و به آن جناب جفاء نکنید زیرا آن وجود مبارک سرور جوانان بهشت و آقا و سیّد الشّهداء می‌باشند.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ رِبْعِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بِالْمَدِینَةِ أَیْنَ قُبُورُ الشُّهَدَاءِ فَقَالَ أَ لَیْسَ أَفْضَلُ الشُّهَدَاءِ عِنْدَکُمْ وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ إِنَّ حَوْلَهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَکٍ شُعْثاً غُبْراً یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از عبّاس بن معروف، از حمّاد بن عیسی از ربعی بن عبد اللّه نقل کرده که وی گفت:

محضر ابو عبد اللّه علیه السّلام در مدینه عرض کردم: قبور شهداء کجاست؟

حضرت فرمودند:

آیا افضل و برترین شهداء نزد شما نیست؟ قسم به کسی که جانم در دست او است اطراف آن حضرت چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و اندوهگین و گرفته می‌باشند حضور داشته و پیوسته تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می‌کنند.

۳- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ أُمِّ سَعِیدٍ الْأَحْمَسِیَّةِ قَالَتْ کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ قَدْ بَعَثْتُ مَنْ یَکْتَرِی لِی حِمَاراً إِلَی قُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقَالَ مَا یَمْنَعُکِ مِنْ زِیَارَةِ سَیِّدِ الشُّهَدَاءِ قَالَتْ قُلْتُ وَ مَنْ هُوَ قَالَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) قَالَتْ قُلْتُ وَ مَا لِمَنْ زَارَهُ قَالَ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ وَ مِنَ الْخَیْرِ کَذَا وَ کَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِیَدِهِ

ابو العباس رزّاز، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از ابی داود المسترق، از امّ سعید احمسیّه وی می‌گوید:

محضر مبارک حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام بودم و کسی را فرستاده بودم که دراز گوشی را کرایه کند و من را به قبور شهداء ببرد.

امام علیه السّلام فرمودند:

چه چیز تو را باز داشت از زیارت حضرت سیّد الشهداء.

ام سعید می‌گوید: عرض کردم: سیّد الشهداء کیست؟

حضرت فرمودند:

سیّد الشهداء امام حسین علیه السّلام می‌باشد.

ام سعید عرض کرد: ثواب کسی که آن حضرت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

حجّ و عمره قبول شده و از اعمال خیر فلان و فلان و فلان (حضرت با دست مبارک سه مرتبه این عبارت را تفهیم فرمودند).

۴- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ مِسْکِینٍ عَنْ أُمِّ سَعِیدٍ الْأَحْمَسِیَّةِ قَالَتْ جِئْتُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَدَخَلْتُ عَلَیْهِ فَجَاءَتِ الْجَارِیَةُ فَقَالَتْ قَدْ جِئْتُ بِالدَّابَّةِ فَقَالَ لِی یَا أُمَّ سَعِیدٍ أَیُّ شَیْءٍ هَذِهِ الدَّابَّةُ أَیْنَ تَبْغِینَ تَذْهَبِینَ قَالَتْ قُلْتُ أَزُورُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَالَ

أُخْرَى ذَلِکَ الْیَوْمَ مَا أَعْجَبَکُمْ یَا أَهْلَ الْعِرَاقِ تَأْتُونَ الشُّهَدَاءَ مِنْ سَفَرٍ بَعِیدٍ وَ تَتْرُکُونَ سَیِّدَ الشُّهَدَاءِ لَا تَأْتُونَهُ قَالَتْ قُلْتُ لَهُ مَنْ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ فَقَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیه السلام) قَالَتْ قُلْتُ إِنِّی امْرَأَةٌ- فَقَالَ لَا بَأْسَ لِمَنْ کَانَ مِثْلَکِ أَنْ یَذْهَبَ إِلَیْهِ وَ یَزُورَهُ قَالَتْ أَیُّ شَیْءٍ لَنَا فِی زِیَارَتِهِ- قَالَ تَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اعْتِکَافَ شَهْرَیْنِ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِیَامَهَا وَ خَیْرُهَا کَذَا وَ کَذَا قَالَتْ وَ بَسَطَ یَدَهُ وَ ضَمَّهَا ضَمّاً ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

ابو العباس رزّاز، از محمّد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از امّ سعید احمسیّه، وی می گوید:

رفتم محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام و بر آن جناب داخل شدم پس کنیزم آمد و اظهار کرد که اسب را برایت آورده و آماده کرده‌ام.

امام علیه السّلام به من فرمودند:

این اسب چیست کجا را اختیار کرده‌ای که بروی؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهداء می‌روم.

حضرت فرمودند: امروز را به تأخیر بیانداز، از شما اهل عراق متعجّبم که راه دوری را طی کرده و به زیارت قبور شهداء می‌روید ولی سیّد الشّهداء می‌روید ولی سیّد الشّهداء را ترک کرده و به زیارتش نمی‌روید؟! عرض کردم: سیّد الشّهداء کیست؟

حضرت فرمودند: سیّد الشّهداء حضرت حسین بن علیّ علیهما السّلام می‌باشد.

عرض کردم: من زن هستم.

امام علیه السّلام فرمودند: کسی که مثل شما باشد اشکالی ندارد به آنجا رفته و آن حضرت را زیارت کند.

عرض کردم: در زیارت ما چه ثواب و اجری هست؟

حضرت فرمودند: زیارت شما معادل با یک حجّ و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام و روزه آن بوده و بهتر از آن کذا و کذا.

ام سعید می گوید: حضرت سه مرتبه دست‌های مبارک را باز کرده و بستند.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ الْغُمْشَانِیِّ عَنْ أُمِّ سَعِیدٍ الْأَحْمَسِیَّةِ قَالَتْ دَخَلْتُ الْمَدِینَةَ فَاکْتَرَیْتُ حِمَاراً عَلَی أَنْ أَطُوفَ عَلَی قُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقُلْتُ لَا بُدَّ أَبْدَأُ بِابْنِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَأَدْخُلُ عَلَیْهِ فَأَبْطَأْتُ عَلَی الْمُکَارِی قَلِیلًا فَهَتَفَ بِی- فَقَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا هَذَا یَا أُمَّ سَعِیدٍ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ تَکَارَیْتُ حِمَاراً لِأَدُورَ عَلَی قُبُورِ الشُّهَدَاءِ قَالَ أَ فَلَا أُخْبِرُکِ بِسَیِّدِ الشُّهَدَاءِ قُلْتُ بَلَی قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ (علیه السلام) قُلْتُ وَ إِنَّهُ لَسَیِّدُ الشُّهَدَاءِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ زَارَهُ قَالَ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ وَ مِنَ الْخَیْرِ هَکَذَا وَ هَکَذَا

پدرم و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن رحمهٔ اللّه علیهم، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن علیّ بن عبد اللّه بن مغیره از عبّاس بن عامر، از احمد بن رزق الغمشانی از امّ سعید احمسیّه نقل کرده‌اند که وی گفت:

داخل مدینه شدم و درازگوشی را کرایه کرده تا قبور شهداء را زیارت کنم، با خود گفتم:

چاره‌ای نیست از اینکه ابتداء پسر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را زیارت کرده بعدا به زیارت اهل قبور بروم پس بر آن جناب داخل شدم و چون توقف و ماندنم نزد آن جناب اندکی طول کشید کمی مکاری معطّل شد لذا فریاد زد و من را صدا نمود.

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به من فرمودند:

ای ام سعید این شخص کیست؟

عرض کردم: فدایت شوم درازگوشی را کرایه کرده‌ام تا به زیارت قبور شهداء بروم.

حضرت فرمودند: آیا به تو از سیّد الشّهداء خبر ندهیم؟! عرض کردم: چرا.

فرمودند: سیّد الشّهداء حضرت حسین بن علیّ علیهما السّلام است.

عرض کردم: آن حضرت سیّد الشّهداء می‌باشند؟! حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که حضرت را زیارت کند چیست؟

فرمود:

یک حج و یک عمره و از اعمال خیر هکذا و هکذا (فلان مقدار و فلان مقدار).

۶- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ جَمِیعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَارِثِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أُمِّ سَعِیدٍ الْأَحْمَسِیَّةِ قَالَتْ دَخَلْتُ الْمَدِینَةَ فَاکْتَرَیْتُ الْبَغْلَ أَوِ الْبَغْلَةَ لِأَزُورَ عَلَیْهِ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَالَتْ قُلْتُ مَا أَحَدٌ أَحَقَّ أَنْ أَبْدَأَ بِهِ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) قَالَتْ فَدَخَلْتُ عَلَیْهِ فَأَبْطَأْتُ فَصَاحَ بِیَ الْمُکَارِی حَبَسْتِینَا عَافَاکِ اللَّهُ فَقَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ کَأَنَّ إِنْسَاناً یَسْتَعْجِلُکِ یَا أُمَّ سَعِیدٍ قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی اکْتَرَیْتُ بَغْلًا لِأَزُورَ عَلَیْهِ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فَقُلْتُ مَا آتِی أَحَداً أَحَقَّ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) قَالَتْ فَقَالَ یَا أُمَّ سَعِیدٍ فَمَا یَمْنَعُکِ مِنْ أَنْ تَأْتِی قَبْرَ سَیِّدِ الشُّهَدَاءِ قَالَتْ فَطَمِعْتُ أَنْ یَدُلَّنِی عَلَی قَبْرِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ (علیهما السلام) فَقُلْتُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی وَ مَنْ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ- قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ فَاطِمَةَ (علیها السلام) یَا أُمَّ سَعِیدٍ مَنْ أَتَاهُ بِبَصِیرَةٍ وَ رَغْبَةٍ فِیهِ کَانَ لَهُ حِجَّةٌ [حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ وَ عُمْرَةٌ مُتَقَبَّلَةٌ_ [وَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ وَ کَانَ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ هَکَذَا وَ هَکَذَا

پدرم و محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری جملگی از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از احمد بن ابی عبد اللّه برقی، از پدرش، از عبد اللّه بن قاسم حارثی، از عبد اللّه بن سنان از امّ سعید احمسیّه نقل کرده‌اند که وی گفت:

داخل مدینه شده پس قاطری کرایه کردم تا بر آن سوار شده و به زیارت قبور شهداء روم.

وی می‌گوید: پیش خود گفتم: احدی شایسته‌تر از جعفر بن محمّد علیهما السّلام به این نیست که ابتداء زیارتش کرده و سپس به زیارت اهل قبور بروم لذا بر آن جناب داخل شدم پس چون توقّف و ماندنم نزد آن حضرت طول کشید مکاری فریاد زد و گفت: خدا سلامتت بدارد، ما را اینجا حبس کردی و نگاه داشتی! حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به من فرمودند:

گویا ای امّ سعید کسی انتظار تو را می‌کشد؟

عرض کردم: بلی فدایت شوم، من قاطری را کرایه کرده تا بر آن سوار شده و به زیارت قبور شهداء روم منتهی به خودم گفتم: ابتداء نزد کسی شایسته‌تر از جعفر محمّد علیهما السّلام نمی‌رویم.

امّ سعید می‌گوید: امام علیه السّلام فرمودند:

ای امّ سعید: چه چیز تو را بازداشت از زیارت قبر حضرت سیّد الشّهداء؟! ام سعید می‌گوید: انتظار داشتم آن حضرت من را بر قبر علی بن ابی طالب علیه السّلام راهنمائی کنند، پس محضرشان عرض کردم: پدر و مادرم فدایت باد سیّد الشّهداء کیست؟

حضرت فرمودند:

حسین بن فاطمه علیهما السّلام، ای ام سعید کسی که با بصیرت و رغبت و میل به زیارتش رود برای او یک حج و یک عمره قبول شده منظور می‌کنند و فلان و فلان فضیلت برایش می‌باشد.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ وَ أَبِی الْمَغْرَاءِ وَ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ الْحَنَّاطِ جَمَاعَتِهِمْ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَا مِنْ شَهِیدٍ إِلَّا [إِلَّا وَ هُوَ یُحِبُّ لَوْ أَنَّ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ حَیٌّ]وَ یُحِبُّ أَنْ یَکُونَ مَعَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) حَتَّی یَدْخُلُونَ [یَدْخُلُو الْجَنَّةَ مَعَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز از دائی خود محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از محمّد بن اسماعیل، از کسی که برای او حدیث نقل کرده، از علی بن ابی حمزه، از حسین بن ابی العلاء و ابی المغرا و عاصم بن حمید حناط جملگی از ابی بصیر و او از حضرت ابی عبد اللّه

علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

نیست شهیدی مگر آنکه دوست دارد که با حضرت امام حسین علیه السّلام بوده تا در معیّت آن جناب داخل بهشت شوند.

*** ***

*** ***

۳۸] - باب سی و هشتم زیارت انبیاء علیه السّلام حضرت حسین بن علی علیهما السّلام را

۱- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ لَیْسَ نَبِیٌّ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا یَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَی أَنْ یَأْذَنَ لَهُمْ فِی زِیَارَةِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَفَوْجٌ یَنْزِلُ وَ فَوْجٌ یَصْعَدُ [یَعْرُجُ]

حسن بن عبد اللّه، از پدرش، از حسن بن محبوب از اسحق بن عمّار وی می گوید:

از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

نیست پیغمبری در آسمان‌ها و زمین مگر آنکه از خداوند متعال درخواست دارند که به ایشان اذن داده شود تا حضرت حسین بن علی علیهما السّلام را زیارت کنند پس فوجی از آسمان نازل شده و به زیارت آن جناب رفته و فوجی پس از زیارت به آسمان می‌روند.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ بِنْتِ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ خَرَجْتُ فِی آخِرِ زَمَانِ بَنِی مَرْوَانَ إِلَی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مُسْتَخْفِیاً مِنْ أَهْلِ الشَّامِ حَتَّی انْتَهَیْتُ إِلَی کَرْبَلَاءَ فَاخْتَفَیْتُ فِی نَاحِیَةِ الْقَرْیَةِ حَتَّی إِذَا ذَهَبَ مِنَ اللَّیْلِ نِصْفُهُ أَقْبَلْتُ نَحْوَ الْقَبْرِ فَلَمَّا دَنَوْتُ مِنْهُ أَقْبَلَ نَحْوِی رَجُلٌ فَقَالَ لِی انْصَرِفْ مَأْجُوراً فَإِنَّکَ لَا تَصِلُ إِلَیْهِ فَرَجَعْتُ فَزِعاً حَتَّی إِذَا کَادَ یَطْلُعُ الْفَجْرُ أَقْبَلْتُ نَحْوَهُ حَتَّی إِذَا دَنَوْتُ مِنْهُ خَرَجَ إِلَیَّ الرَّجُلُ فَقَالَ لِی یَا هَذَا إِنَّکَ لَا تَصِلُ إِلَیْهِ فَقُلْتُ لَهُ عَافَاکَ اللَّهُ وَ لِمَ لَا أَصِلُ إِلَیْهِ وَ قَدْ أَقْبَلْتُ مِنَ الْکُوفَةِ أُرِیدُ زِیَارَتَهُ فَلَا تَحُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ عَافَاکَ اللَّهُ وَ أَنَا أَخَافُ إِنْ أَصْبَحَ فَیَقْتُلُونِّی أَهْلُ الشَّامِ إِن أَدْرَکُونِی هَاهُنَا قَالَ فَقَالَ لِیَ اصْبِرْ قَلِیلًا فَإِنَّ مُوسَی بْنَ عِمْرَانَ (علیهما السلام) سَأَلَ اللَّهَ أَنْ یَأْذَنَ لَهُ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ فَأَذِنَ لَهُ فَهَبَطَ مِنَ السَّمَاءِ فِی سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ فَهُمْ بِحَضْرَتِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّیْلِ یَنْتَظِرُونَ طُلُوعَ الْفَجْرِ ثُمَّ یَعْرُجُونَ إِلَی السَّمَاءِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ فَمَنْ أَنْتَ عَافَاکَ اللَّهُ قَالَ أَنَا مِنَ الْمَلَائِکَةِ الَّذِینَ أُمِرُوا بِحَرَسِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ الِاسْتِغْفَارِ لِزُوَّارِهِ فَانْصَرَفْتُ وَ قَدْ کَادَ أَنْ یَطِیرَ عَقْلِی لِمَا سَمِعْتُ مِنْهُ قَالَ فَأَقْبَلْتُ لَمَّا طَلَعَ الْفَجْرُ نَحْوَهُ فَلَمْ یَحُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ أَحَدٌ فَدَنَوْتُ مِنَ الْقَبْرِ وَ سَلَّمْتُ عَلَیْهِ وَ دَعَوْتُ اللَّهَ عَلَی قَتَلَتِهِ وَ صَلَّیْتُ الصُّبْحَ وَ أَقْبَلْتُ مُسْرِعاً مَخَافَةَ أَهْلِ الشَّامِ

حسن بن عبد اللّه، از پدرش، از حسن بن محبوب، از حسین بن بنت ابی حمزه الثّمالی، وی می گوید:

اواخر حکومت بنی مردان بود که من برای زیارت قبر حضرت حسین بن علیّ علیهما السّلام در حالی که از اهل شام پنهان می‌داشتم از شهر کوفه خارج شده تا به کربلاء رسیدم.

پس در جایی مخفی شدم تا نیمی از شب گذشت سپس از مکان خود بیرون آمده و به طرف قبر رفتم و وقتی نزدیک شدم مردی بطرف من آمد و گفت:

برگرد که مأجور و مثاب می‌باشی و تو به قبر دسترسی نداری.

پس نالان و با فزع و جزع برگشته تا نزدیک طلوع صبح شد سپس به طرف قبر بازگشته تا نزدیک آن شدم باز همان شخص به طرف من آمد و گفت:

ای شخص تو دسترسی به قبر نداری.

به او گفتم: خدا سلامتت بدارد چرا من به قبر دست‌رسی ندارم؟ در حالی که من از کوفه به نیّت زیارت آن حضرت آمده‌ام بنا بر این تقاضا دارم بین من و بین قبر حائل نشوی تا زیارت کرده و سریع برگردم زیرا هراس دارم صبح شود و اهل شام من را در اینجا دیده و اقدام به کشتنم کنند.

راوی می گوید:

آن شخص به من گفت: کمی صبر کن زیرا حضرت موسی بن عمران علیه السّلام از خداوند متعال درخواست نموده که به او اذن

زیارت قبر حسین بن علی علیهما السّلام را بدهد و حقتعالی به وی اذن داده لذا وی با هفتاد هزار فرشته از آسمان به زیر آمده و هم اکنون در محضر امام علیه السّلام بوده و آن جناب را زیارت کرده و انتظار می‌کشند صبح طلوع کرده تا به آسمان بروند.

راوی می‌گوید: به آن شخص گفتم:

خدا سلامتت بدارد کیستی؟

گفت: من از فرشتگانی هستم که مأمور حفاظت و حراست قبر حسین بن علیّ علیهما السّلام و طلب آمرزش برای زوّار آن جناب می‌باشند.

پس برگشتم و نزدیک بود بخاطر آنچه از او شنیده بودم عقلم بپرد.

وی می‌گوید:

هنگامی که صبح طلوع کرد جلو رفته کسی حائل و مانع نشد پس نزدیک به قبر شده و سلام نمودم و کشنده‌گان آن حضرت را نفرین کرده و در همان جا نماز صبح را بجا آورده و بجهت خوف و هراسی که از اهل شام داشتم سریع برگشتم.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِیِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ قَبْرُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (صلی الله علیه و آله) عِشْرُونَ ذِرَاعاً فِی عِشْرِینَ ذِرَاعاً مُکَسَّراً رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ فِیهِ [وَ مِنْهُ]مِعْرَاجُ الْمَلَائِکَةِ إِلَی السَّمَاءِ وَ لَیْسَ مِنْ مَلَکٍ مُقَرَّبٍ وَ لَا نَبِیٍّ مُرْسَلٍ إِلَّا وَ هُوَ یَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ یَزُورَهُ فَفَوْجٌ یَهْبِطُ وَ فَوْجٌ یَصْعَدُ

محمّد بن عبد اللّه حمیری از پدرش، از هارون بن مسلم، از عبد الرحمن بن عمرو اشعث، از عبد اللّه بن حماد الانصاری، از ابن سنان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی می‌گوید:

از آن حضرت شنیدم که می‌فرمودند:

مساحت قبر حسین بن علی صلوات اللّه علیهما بیست ذراع در بیت ذراع بوده و آن باغی است از باغ‌های بهشت و از آنجا فرشتگان به آسمان عروج می‌کنند و هیچ فرشته مقرّبی و نبیّ مرسلی نیست مگر آنکه از خدا طلب زیارت آن را می‌کند لذا فوجی از آسمان به زمین آمده تا آن زیارت کرده و فوجی پس از زیارت از زمین به آسمان می‌روند.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَیْمَانَ النَّیْسَابُورِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْیَمَانِیِّ عَنْ مَنِیعِ بْنِ حَجَّاجٍ عَنْ یُونُسَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لَمَّا أَتَی الْحِیرَةَ هَلْ لَکَ فِی قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قُلْتُ وَ تَزُورُهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ وَ کَیْفَ لَا أَزُورُهُ وَ اللَّهُ یَزُورُهُ فِی کُلِّ لَیْلَةِ جُمُعَةٍ یَهْبِطُ مَعَ الْمَلَائِکَةِ إِلَیْهِ وَ الْأَنْبِیَاءُ وَ الْأَوْصِیَاءُ وَ مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِیَاءِ وَ نَحْنُ أَفْضَلُ الْأَوْصِیَاءِ- فَقَالَ صَفْوَانُ جُعِلْتُ فِدَاکَ فَتَزُورُهُ فِی کُلِّ جُمُعَةٍ حَتَّی تُدْرِکَ زِیَارَةَ الرَّبِّ قَالَ نَعَمْ یَا صَفْوَانُ الْزَمْ ذَلِکَ یُکْتَبْ لَکَ زِیَارَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ ذَلِکَ تَفْضِیلٌ وَ ذَلِکَ تَفْضِیلٌ وَ حَدَّثَنِی الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْهَمَدَانِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ قَالَ خَرَجْتُ فِی آخِرِ زَمَانِ بَنِی أُمَیَّةَ وَ ذَکَرَ مِثْلَ الْحَدِیثِ الْمُتَقَدِّمِ فِی الْبَابِ وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ ابْنَةِ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ خَرَجْتُ فِی آخِرِ زَمَانِ بَنِی مَرْوَانَ وَ ذَکَرَ مِثْلَ حَدِیثِهِ الَّذِی مَرَّ فِی أَوَّلِ الْبَابِ سَوَاءً

پدر و برادر و جماعتی از اساتیدم، از محمّد بن یحیی و احمد بن ادریس، از حمدان بن سلیمان نیشابوری از عبد اللّه بن محمّد الیمانی، از منیع بن حجّاج، از یونس، از صفوان جمّال نقل کرده‌اند که وی گفت:

وقتی حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به حیره تشریف آوردند به من فرمودند:

آیا مایل به زیارت قبر حسین علیه السّلام هستی؟

عرض کردم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می کنی؟

حضرت فرمودند:

چگونه آن را زیـارت نکنم و حـال آنکه خداونـد متعال در هر شب جمعه با فرشـتگان و انبیاء و اوصـیاء به زمین هبوط کرده و او را زیارت می کنند.

البتّه حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم افضل انبیاء و ما افضل اوصیاء هستیم.

(طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود از زیارت حق تعالی، انزال رحمت‌های خاصه‌اش بر آن حضرت و زوّار آن جناب می‌باشد).

سپس صـفوان عرض کرد: فـدایت شوم پس، هر شب جمعه قبر آن حضـرت را زیارت کرده تا بـدین وسـیله زیارت پروردگار را نیز کرده باشیم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای صـفوان ملازم این باش برایت زیارت قبر حسـین علیه السّـلام را می‌نویسـند و این تفضـیلی است و این تفضـیلی است (یعنی زیارت قبر حسین علیه السّلام این فضیلت را دارد که در آن زیارت پروردگار نیز می‌باشد).

قاسم بن محمّـد بن علی بن ابراهیم همـدانی از پـدرش، از جدّش از عبد اللّه بن حمّاد انصاری از حسـین بن ابی حمزه نقل کرده که وی گفت:

در اواخر حکومت بنی امیّه من از شـهر خود خارج شدم و سپس مثل حدیثی را که قبلا نقل کردیم (حدیث دوّم از همین باب) نقل نموده:

و پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از احمد بن ادریس از عمرکی بن علیّ بوفکی، از عدّه‌ای اصحاب از حسن بن محبوب، از حسین بن ابنهٔ ابی حمزهٔ الثمالی نقل کرده‌اند که وی گفت:

در اواخر حکومت بنی مروان از شـهر خود خارج شـدم و سـپس نظیر حدیثی را که قبلا نقل نمودیم (حدیث دوّم از همین باب) نقل کرده است.

۳۹] – باب سی و نهم زیارت فرشتگان حسین بن علی علیهما السّلام را

۱- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ لَیْسَ مِنْ مَلَکٍ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِلَّا وَ هُمْ یَسْأَلُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ یَأْذَنَ لَهُمْ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَفَوْجٌ یَنْزِلُ وَ فَوْجٌ یَعْرُجُ

حسین بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از اسحاق بن عمّار، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام وی می گوید:

از آن حضرت شنیدم که می‌فرمودند:

هیچ فرشته‌ای در آسمان‌ها نیست مگر آنکه از خداوند عزّ و جلّ در خواست دارد که حق تعالی به او اذن دهد که قبر حضرت حسین علیه السّلام را زیارت کند لذا فوجی از آسمان به زیر آمده و به زیارت حضرتش رفته و فوجی از زیارت بر گشته و به آسمان عروج می کنند.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقاً أَکْثَرَ مِنَ الْمَلَائِکَةِ وَ إِنَّهُ یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ کُلَّ مَسَاءٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ یَطُوفُونَ بِالْبَیْتِ الْحَرَامِ لَیْلَتَهُمْ حَتَّی إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ انْصَرَفُوا إِلَی قَبْرِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) فَیُسَلِّمُونَ عَلَیْهِ ثُمَّ یَأْتُونَ قَبْرَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) فَیُسَلِّمُونَ عَلَیْهِ ثُمَّ یَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَیُسَلِّمُونَ عَلَیْهِ ثُمَّ یَعْرُجُونَ إِلَی السَّمَاءِ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ تَنْزِلُ مَلَائِکَةُ النَّهَارِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ فَیَطُوفُونَ بِالْبَیْتِ الْحَرَامِ نَهَارَهُمْ حَتَّی إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ انْصَرَفُوا إِلَی قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَیُسَلِّمُونَ عَلَیْهِ ثُمَّ یَأْتُونَ قَبْرَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) فَیُسَلِّمُونَ عَلَیْهِ ثُمَّ یَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَیُسَلِّمُونَ عَلَیْهِ ثُمَّ یَعْرُجُونَ إِلَی السَّمَاءِ قَبْلَ أَنْ تَغِیبَ الشَّمْسُ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از داود رقّی نقل کرده، وی گفت:

از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

خداوند متعال مخلوقی زیادتر از فرشتگان نیافریده، در هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان نازل شده و از اوّل شب تا طلوع صبح بیت اللّه الحرام را طواف می کنند و پس از طلوع صبح به طرف قبر نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بر گشته و به آنجا که رسیدند به حضرتش سلام نموده و بعدا به نزد قبر امیر الموءمنین علیه السّلام رفته و به آن جناب سلام کرده و پس از آن به نزد قبر حسین علیه السّلام آمده و بر آن وجود مبارک سلام داده و قبل از طلوع آفتاب به آسمان عروج می کنند و پس از ایشان فرشتگان روز که آنها نیز هفتاد هزار نفر هستند به زمین آمده ابتداء بیت اللّه الحرام را طواف کرده و طول روز به آن اشتغال دارند و پس از غروب آفتاب به طرف قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رفته و بر آن جناب سلام داده و پس از آن نزد قبر امیر الموءمنین علیه السّلام می‌آیند و بر آن حضرت سلام کرده و بعد به نزد قبر حسین علیه السّلام حاضر شده و بر آن جناب سلام داده و سپس پیش از غروب آفتاب به آسمان می‌روند.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَا بَیْنَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) إِلَی السَّمَاءِ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِکَةِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبد اللّه، از حسین بن عبد اللّه، از حسن بن علیّ بن ابی عثمان از محمّد بن فضیل، از اسحاق بن عمار نقل کرده‌اند که وی گفت:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

بین قبر امام حسین علیه السّلام تا آسمان ملائکه و فرشتگان در آمد و شد و نزول و صعود می‌باشند.

۴- حَدَّثَنِی الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ قَبْرُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عِشْرُونَ ذِرَاعاً فِی عِشْرِینَ ذِرَاعاً مُکَسَّراً رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ مِنْهُ مِعْرَاجٌ إِلَی السَّمَاءِ فَلَیْسَ مِنْ مَلَکٍ مُقَرَّبٍ وَ لَا نَبِیٍّ مُرْسَلٍ إِلَّا وَ هُوَ یَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَی أَنْ یَزُورَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) فَفَوْجٌ یَهْبِطُ وَ فَوْجٌ یَصْعَدُ

قاسم بن محمّد بن علی بن ابراهیم از پدرش، از جدّش، از عبد اللّه بن حمّاد انصاری، از عبد اللّه بن سنان وی می گوید:

از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

مساحت قبر حسین بن علیّ علیهما السّلام بیست ذراع در بیست ذراع می‌باشد، این محل باغی است از باغ‌های بهشت، از آنجا عروج به آسمان صورت می گیرد، و هیچ فرشته مقرّب و نبیّ مرسلی نیست مگر آنکه از حق تعالی درخواست می کند که به زیارت حسین علیه السّلام برود پس فوجی از آسمان به زمین فرود آمده و به زیارت آن حضرت رفته و فوجی پس از زیارت به آسمان می‌روند.

۵- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) جُعِلْتُ فِدَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ کُنْتُ فِی الْحِیرَةِ لَیْلَةَ عَرَفَةَ فَرَأَیْتُ نَحْواً مِنْ ثَلَاثَةِ أَلْفٍ أَوْ أَرْبَعَةِ أَلْفِ رَجُلٍ جَمِیلَةٍ وُجُوهُهُمْ طَیِّبَةٍ رِیحُهُمْ شَدِیدَةٍ بَیَاضُ ثِیَابِهِمْ یُصَلُّونَ اللَّیْلَ أَجْمَعَ فَلَقَدْ کُنْتُ أُرِیدُ أَنْ آتِیَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ أُقَبِّلَهُ وَ أَدْعُوَ بِدَعَوَاتِی فَمَا کُنْتُ أَصِلُ إِلَیْهِ مِنْ کَثْرَةِ الْخَلْقِ فَلَمَّا طَلَعَ الْفَجْرُ سَجَدْتُ سَجْدَةً فَرَفَعْتُ رَأْسِی فَلَمْ أَرَ مِنْهُمْ أَحَداً فَقَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَ تَدْرِی مَنْ هَؤُلَاءِ قُلْتُ لَا جُعِلْتُ فِدَاکَ فَقَالَ أَخْبَرَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ قَالَ مَرَّ بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَکٍ وَ هُوَ یُقْتَلُ فَعَرَجُوا إِلَی السَّمَاءِ فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهِمْ یَا مَعْشَرَ الْمَلَائِکَةِ مَرَرْتُمْ بِابْنِ حَبِیبِی وَ صَفِیِّی مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) وَ هُوَ یُقْتَلُ وَ یُضْطَهَدُ مَظْلُوماً فَلَمْ تَنْصُرُوهُ- فَانْزِلُوا إِلَی الْأَرْضِ إِلَی قَبْرِهِ فَابْکُوهُ شُعْثاً غُبْراً إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ فَهُمْ عِنْدَهُ إِلَی أَنْ تَقُومَ الْقِیَامَةُ [السَّاعَةُ]

و از قاسم بن محمّد بن علی بن ابراهیم، از پدرش، از جدّش، از عبد اللّه بن حمّاد، از اسحاق بن عمّار نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا فدایت شوم شب عرفه در حیره بودم، قریب سه، چهار هزار مردانی دیدم که صورت‌هایشان زیبا و بویشان خوش و لباس‌های بسیار سفید به تن داشتند و طول شب در آنجا به نماز خواندن مشغول بودند، اراده کردم به نزدیک قبر شریف رفته و آن را بوسیده و دعاهائی نزدیک قبر بخوانم ولی از کثرت خلق و ازدحام جمعیّت نتوانستم خود را به قبر برسانم و وقتی صبح طلوع نمود به سجده رفته و وقتی سر از سجده برداشتم احدی از آن مردان را ندیدم.

امام علیه السّلام به من فرمودند:

آیا دانستی آنها چه کسانی بودند؟

عرضه داشتم: فدایت شوم، خیر.

امام علیه السّلام فرمودند: پدرم از پدرشان به من خبر دادند که چهار هزار فرشته به حضرت امام حسین علیه السّلام مرور کردند در حالی که آن حضرت شهید شده بودند پس آن فرشتگان به آسمان عروج کردند و حقتعالی به ایشان وحی فرمود:

ای گروه فرشتگان به پسر حبیب و برگزیده‌ام حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مرور نمودید در حالی که او کشته و مقهور و مظلوم بود پس چرا او را کمک نکردید؟

پس به زمین فرود آئید و ملازم قبرش بوده و با حالی ژولیده و گرفته تا روز قیامت بر او بگریید، پس این فرشتگان نزد قبر بوده تا قیامت به پا شود.

۶- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ قُتَیْبَةَ الْهَمْدَانِیِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنِّی کُنْتُ بِالْحَائِرِ لَیْلَةَ عَرَفَةَ وَ کُنْتُ أُصَلِّی وَ ثَمَّ نَحْوٌ مِنْ خَمْسِینَ أَلْفاً مِنَ النَّاسِ جَمِیلَةٍ وُجُوهُهُمْ طَیِّبَةٍ

رَوَائِحُهُمْ- وَ أَقْبَلُوا يُصَلُّونَ اللَّيْلَةَ [اللَّيْلَ]أَجْمَعَ فَلَمَّا طَلَعَ الْفَجْرُ سَجَدْتُ ثُمَّ رَفَعْتُ رَأْسِي فَلَمْ أَرَ مِنْهُمْ أَحَداً- فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّهُ مَرَّ بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام) خَمْسُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ هُوَ يُقْتَلُ فَعَرَجُوا إِلَى السَّمَاءِ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمْ مَرَرْتُمْ بِابْنِ حَبِيبِي وَ هُوَ يُقْتَلُ فَلَمْ تَنْصُرُوهُ فَاهْبِطُوا إِلَى الْأَرْضِ فَاسْكُنُوا عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثاً غُبْراً إِلَى يَوْمِ تَقُومُ السَّاعَةُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از برخی اصحابش، از احمد بن قتیبه همدانی، از اسحاق بن عمّار نقل کرده که وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم شب عرفه در حائر بوده و نماز می‌خواندم و در آنجا قریب پنجاه هزار نفر از مردمی دیدم زیبا روی و خوش‌بو که طول مدّت شب را در آنجا نماز می‌خواندند و هنگامی که صبح طلوع نمود به سجده رفتم و پس از برداشتن سر احدی از ایشان را ندیدم.

امام علیه السّلام به من فرمودند:

پنجاه هزار فرشته به حسین علیه السّلام عبور کرده و در حالی که آن حضرت کشته شده بودند پس به آسمان بالا رفتند و خداوند متعال به ایشان وحی فرستاد:

به پسر حبیبم مرور کردید در حالی که او کشته شده بود، پس چرا کمک و یاری او نکردید؟ حال به زمین فرو روید و نزد قبرش ساکن شوید و با هیئتی ژولیده و حالی غمگین باقی بمانید تا قیامت بپا شود.

۴۰] – باب چهلم دعاء نمودن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و امیر الموءمنین و فاطمه و ائمه علیهم السّلام در حق زائرین امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ حَسَّانَ الْبَصْرِیِّ عَنْ مُعَاوِیَهَٔ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِی یَا مُعَاوِیَهُٔ لَا تَدَعْ زِیَارَهَٔ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) لِخَوْفٍ فَإِنَّ مَنْ تَرَکَ زِیَارَتَهُ رَأَی مِنَ الْحَسْرَهِٔ مَا یَتَمَنَّی أَنَّ قَبْرَهُ کَانَ عِنْدَهُ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ یَرَی اللَّهُ شَخْصَکَ وَ سَوَادَکَ فِیمَنْ یَدْعُو لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُٔ وَ الْأَئِمَّهُٔ ع

پدرم و محمّد بن عبد اللّه و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن رحمهٔ اللّه علیهم جملگی از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از موسی بن عمر، از حسّان بصری، از معاویهٔ بن وهب، از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

امام صادق علیه السّلام به من فرمودند:

ای معاویه به جهت ترس و وحشت زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را ترک مکن زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو نماید قبر آن حضرت نزد او باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود، آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حضرات علی و فاطمه و ائمه علیهم السّلام در حقشان دعاء فرموده‌اند.

۲- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ حَسَّانَ الْبَصْرِیِّ عَنْ مُعَاوِیَهَٔ بْنِ وَهْبٍ قَالَ اسْتَأْذَنْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقِیلَ لِی ادْخُلْ فَدَخَلْتُ فَوَجَدْتُهُ فِی مُصَلَّاهُ فِی بَیْتِهِ فَجَلَسْتُ حَتَّی قَضَی صَلَاتَهُ فَسَمِعْتُهُ یُنَاجِی رَبَّهُ وَ هُوَ یَقُولُ اللَّهُمَّ یَا مَنْ خَصَّنَا بِالْکَرَامَهِٔ وَ وَعَدَنَا بِالشَّفَاعَهِٔ وَ خَصَّنَا بِالْوَصِیَّهِٔ وَ أَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَی وَ عِلْمَ مَا بَقِیَ- وَ جَعَلَ أَفْئِدَهًٔ مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْنَا اغْفِرْ لِی وَ لِإِخْوَانِی وَ زُوَّارِ قَبْرِ أَبِیَ الْحُسَیْنِ الَّذِینَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَ أَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَهًٔ فِی بِرِّنَا وَ رَجَاءً لِمَا عِنْدَکَ فِی صِلَتِنَا وَ سُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَی نَبِیِّکَ وَ إِجَابَهًٔ مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَ غَیْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَی عَدُوِّنَا- أَرَادُوا بِذَلِکَ رِضَاکَ فَکَافِهِمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ وَ اکْلَأْهُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ اخْلُفْ عَلَی أَهَالِیهِمْ وَ أَوْلَادِهِمُ الَّذِینَ خُلِّفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلَفِ وَ اصْحَبْهُمْ وَ اکْفِهِمْ شَرَّ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ کُلِّ ضَعِیفٍ مِنْ خَلْقِکَ وَ شَدِیدٍ وَ شَرَّ شَیَاطِینِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ أَعْطِهِمْ أَفْضَلَ مَا أَمَّلُوا مِنْکَ فِی غُرْبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ وَ مَا آثَرُونَا بِهِ عَلَی أَبْنَائِهِمْ وَ أَهَالِیهِمْ وَ قَرَابَاتِهِمْ اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَیْهِمْ بِخُرُوجِهِمْ فَلَمْ یَنْهَهُمْ ذَلِکَ عَنِ الشُّخُوصِ إِلَیْنَا- خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَی مَنْ خَالَفَنَا فَارْحَمْ تِلْکَ الْوُجُوهَ الَّتِی غَیَّرَتْهَا الشَّمْسُ وَ ارْحَمْ تِلْکَ الْخُدُودَ الَّتِی تَتَقَلَّبُ عَلَی حَضْرَهِٔ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ ارْحَمْ تِلْکَ الْأَعْیُنَ الَّتِی جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَهًٔ لَنَا وَ ارْحَمْ تِلْکَ الْقُلُوبَ الَّتِی جَزِعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا وَ ارْحَمْ تِلْکَ الصَّرْخَهَٔ الَّتِی کَانَتْ لَنَا اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ تِلْکَ الْأَبْدَانَ وَ تِلْکَ الْأَنْفُسَ حَتَّی تُوَفِّیَهُمْ عَلَی الْحَوْضِ یَوْمَ الْعَطَشِ الْأَکْبَرِ فَمَا زَالَ یَدْعُو وَ هُوَ سَاجِدٌ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ لَوْ أَنَّ هَذَا الَّذِی سَمِعْتُ مِنْکَ کَانَ لِمَنْ لَا یَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَظَنَنْتُ أَنَّ النَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَیْئاً أَبَداً وَ اللَّهِ لَقَدْ تَمَنَّیْتُ أَنِّی کُنْتُ زُرْتُهُ وَ لَمْ أَحُجَّ فَقَالَ لِی مَا أَقْرَبَکَ مِنْهُ فَمَا الَّذِی یَمْنَعُکَ مِنْ زِیَارَتِهِ ثُمَّ قَالَ یَا مُعَاوِیَهُٔ لِمَ تَدَعُ ذَلِکَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ لَمْ أَرَ أَنَّ الْأَمْرَ یَبْلُغُ هَذَا کُلَّهُ فَقَالَ یَا مُعَاوِیَهُٔ مَنْ یَدْعُو لِزُوَّارِهِ فِی السَّمَاءِ أَکْثَرُ مِمَّنْ یَدْعُو لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مُعَاوِیَهَٔ بْنِ وَهْبٍ قَالَ اسْتَأْذَنْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ

و پدرم و محمّد بن عبد اللّه و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن رحمهٔ اللّه علیهم جملگی از عبد اللّه بن جعفر حمیری از موسی بن عمر، از حسّان بصری، از معاویهٔ بن وهب نقل کرده‌اند که وی گفت:

اذن خواستم که بر امام صادق علیه السّلام داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در نمازخانه

منزلشان یافتم پس نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می‌گفتند:
بار خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده شفاعت دادی و مختص به وصیّت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطاء فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین علیه السّلام را بیامرز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنشان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما.
اینان اراده و نیّتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و بواسطه رضوان احسانشان را جواب گو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده‌اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنّی محفوظ فرما و اعطاء کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده‌اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که بواسطه‌اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا دشمنان ما بواسطه خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت‌هائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبّت ما تغییر داده مورد ترحّم خودت قرار بده و نیز صورت‌هائی را که روی قبر ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام می‌گذارند و بر می‌دارند مشمول لطف و رحمتت قرار بده و همچنین به چشم‌هائی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته‌اند نظر عنایت فرما و دل‌هائی که برای ما به جزع آمده و بخاطر ما سوخته‌اند را ترحم فرما ، بار خدایا به فریادهائی که بخاطر ما بلند شده برس، خداوندا من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می‌شوند آنها را سیراب نمائی.
و پیوسته امام علیه السّلام در سجده این دعاء را می‌خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:
فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه‌ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزّ و جلّ را نمی‌شناسد گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید!!! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین علیه السّلام) را زیارت کرده ولی به حج نروم.
امام علیه السّلام به من فرمودند:
چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارتش باز می‌دارد؟
سپس فرمودند:
ای معاویه زیارت آن حضرت را ترک مکن.
عرض کردم: فدایت شوم نمی‌دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.
حضرت فرمودند:
ای معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین علیه السّلام در آسمان دعاء می‌کنند به مراتب بیشتر هستند از آنان که در زمین برای ایشان دعاء و ثناء می‌نمایند.
محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از عبد اللّه بن حمّاد بصریّ از عبد اللّه بن عبد الرّحمن اصم از معاویهٔ بن وهب نقل کرده که وی گفت:
اذن گرفتم که بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شوم.
سپس مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ حَسَّانَ [غَسَّانَ]الْبَصْرِیِّ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِی یَا مُعَاوِیَةُ لَا تَدَعْ زِیَارَةَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) لِخَوْفٍ- فَإِنَّ مَنْ تَرَکَهُ رَأَی مِنَ الْحَسْرَةِ مَا یَتَمَنَّی أَنَّ قَبْرَهُ کَانَ عِنْدَهُ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ یَرَی اللَّهُ شَخْصَکَ

وَ سَوَادَکَ فِیمَنْ یَدْعُو لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْأَئِمَّةُ ع- أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَکُونَ مِمَّنْ یَنْقَلِبُ بِالْمَغْفِرَةِ لِمَا مَضَی وَ یُغْفَرَ لَکَ ذُنُوبُ سَبْعِینَ سَنَةً أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَکُونَ مِمَّنْ یَخْرُجُ مِنَ الدُّنْیَا وَ لَیسَ عَلَیْهِ ذَنْبٌ تتبع [یُتْبَعُ بِهِ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَکُونَ غَداً مِمَّنْ یُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصَمِّ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ اسْتَأْذَنْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ وَ الدُّعَاءَ لِزُوَّارِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ عسان [غَسَّانَ]الْبَصْرِیِّ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ وَهْبٍ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ اسْتَأْذَنْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ مِثْلَ حَدِیثِ الدُّعَاءِ الَّذِی فِی زُوَّارِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی جَمِیعاً عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ عَنْ یَحْیَی خَادِمِ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ اسْتَأْذَنْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه از موسی بن عمر، از حسّان بصری، از معاویهٔ بن وهب از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی گفت:

امام علیه السّلام به من فرمودند:

ای معاویهٔ به خاطر ترس و خوف زیارت امام حسین علیه السّلام را ترک مکن زیرا کسی که آن را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود آیا دوست داری که خدا تو را در زمره کسانی ببیند که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حضرات علی و فاطمه و ائمّه علیهم السّلام در حقشان دعاء فرموده‌اند؟!

آیا دوست داری از کسانی باشی که به واسطه آمرزش لغزشهای گذشته طومار اعمالت تغییر یابد و گناهان هفتاد سال از تو آمرزیده شود؟! آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا رفته بدون اینکه گناه قابل موءاخذه داشته باشی؟! آیا دوست داری از کسانی باشی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم با آنها مصافحه می‌فرمایند؟!

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از احمد بن محمّد بن عیسی، از عبد اللّه بن حمّاد از عبد اللّه اصمّ، از معاویهٔ بن وهب نقل کرده که وی گفت:

اذن خواستم که بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شوم ... و حدیث مذکور و دعاء برای زائرین قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام را طبق آنچه قبلا ذکر گردید نقل نمود.

محمّد بن الحسین بن متّ الجوهری، از محمّد بن احمد بن یحیی، از موسی بن عمر، از غسّان البصری، از معاویهٔ بن وهب.

محمّد بن یعقوب و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از بعض اصحاب، از ابراهیم بن عقبه از معاویهٔ بن وهب نقل کرده که وی گفت:

اذن خواستم که بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شوم ... و نظیر حدیثی که مشتمل بود بر دعاء در حق زائرین امام حسین علیه السّلام را نقل نموده.

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتید ما، از احمد بن ادریس و محمّد بن یحیی جملگی از عمرکی ابن علی بوفکی، از یحیی خادم حضرت ابی جعفر ثانی علیه السّلام، از ابن ابی عمیر، از معاویهٔ بن وهب نقل کرده که وی گفت:

اذن خواستم که بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شوم ... و حدیث سابق را نقل نمود. صلوات الله و سلامه علیهم

۴- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَهَ بْنِالْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ دَاوُدَ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ فَاطِمَهَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) تَحْضُرُ لِزُوَّارِ قَبْرِ ابْنِهَا الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَتَسْتَغْفِرُ لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ

حکیم بن داود، از سلمهٔ بن الخطّاب، از حسن بن علی الوشاء از کسی که ذکرش نموده، از داود بن کثیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت فاطمه علیها السّلام دخت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم برای زوّار قبر فرزندش حضرت حسین بن علی علیهما السّلام حاضر شده پس طلب آمرزش برای گناهان ایشان می‌نماید.

۴۱] - باب چهل و یکم دعاء فرشتگان در حقّ زائرین قبر امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْکُوفِیُّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ الْکَلْبِیِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَکٍ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) شُعْثٌ غُبْرٌ یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ رَئِیسُهُمْ مَلَکٌ یُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ وَ لَا یَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَا یُوَدِّعُهُ مُوَدِّعٌ إِلَّا شَیَّعُوهُ وَ لَا یَمْرَضُ إِلَّا عَادُوهُ- وَ لَا یَمُوتُ إِلَّا صَلَّوْا عَلَیْهِ [وَ عَلَی جِنَازَتِهِ]وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ

محمّد بن جعفر رزّاز کوفی از دائی خود محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از موسی بن سعدون، از عبد اللّه بن قاسم از عمر بن ابان الکلبی، از ابان بن تغلب نقل کرده که وی گفت:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

چهار هزار فرشته در اطراف قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام بوده که جملگی ژولیده و گرفته و حزین می‌باشند و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او منصور گفته می‌شود، هیچ زائری به زیارت آن حضرت نمی‌رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش می‌روند و هیچ وداع‌کننده‌ای با قبر آن حضرت وداع نکرده مگر آنکه این فرشتگان مشایعتش می کنند و مریض نمی‌شود مگر آنکه عیادتش کرده و نمی‌میرد مگر آنکه ایشان بر جنازه‌اش نماز خوانده و از خدا طلب آمرزش برایش می کنند.

۲- وَ حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ وَکَّلَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ یُصَلُّونَ عَلَیْهِ کُلَّ یَوْمٍ شُعْثاً غُبْراً وَ یَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ وَ یَقُولُونَ یَا رَبِّ هَؤُلَاءِ زُوَّارُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) افْعَلْ بِهِمْ وَ افْعَلْ بِهِمْ [کَذَا کَذَا]

پدرم و محمّد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از علی بن الحکم، از علی بن ابی حمزه، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت امام حسین علیه السّلام موکّل ساخته که همگی ژولیده و غمگین بوده و هر روز بر آن حضرت صلوات فرستاده و زائرینش را دعاء کرده و می گویند:

پروردگارا، این جماعت زائرین حسین علیه السّلام هستند با ایشان چنین و چنان نما.

۳- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ حَسَّانَ [غَسَّانَ]الْبَصْرِیِّ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ لَا تَدَعْ زِیَارَةَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَکُونَ فِیمَنْ تَدْعُو لَهُ الْمَلَائِکَةُ

حکیم بن داود از سلمه، از موسی بن عمر، از حسّان بصری، از معاویة بن وهب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام را ترک مکن، آیا دوست نداری در زمره کسانی باشی که فرشتگان برای آنها دعاء می کنند.

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ وَکَّلَ اللَّهُ تَعَالَی بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ یُصَلُّونَ عَلَیْهِ کُلَّ یَوْمٍ شُعْثاً غُبْراً مِنْ یَوْمَ قُتِلَ إِلَی مَا شَاءَ اللَّهُ یَعْنِی بِذَلِکَ قِیَامَ الْقَائِمِ (علیه السلام) وَ یَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ وَ یَقُولُونَ یَا رَبِّ هَؤُلَاءِ زُوَّارُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) افْعَلْ بِهِمْ وَ افْعَلْ بِهِمْ

محمّد بن حسن بن احمد بن ولید، از محمّد بن حسن صفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی از علی بن حکم، از علی بن ابی حمزه، از

ابی بصیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیه السّلام موکّل ساخته که هر روز بر او صلوات فرستاده و از روزی که آن حضرت شهید شدند تا زمانی که خدا می‌خواهد یعنی زمان قیام قائم علیه السّلام ایشان ژولیده و غمگین می‌باشند، برای زائرین حضرت دعاء کرده و می گویند:

پروردگارا، ایشان زائرین حسین علیه السّلام بوده با ایشان چنین و چنان نما.

۵- حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَى نَجَفِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ لَبِسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَيَنْتَفِضُ هُوَ بِهَا فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ فَيُغَشِّيهَا بِخِدَاجَةٍ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ يَرْكَبُ فَرَساً أَدْهَمَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخٌ- فَيَنْتَفِضُ بِهِ انْتِفَاضَةً لَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدٍ إِلَّا وَ هُمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ فَيَنْتَشِرُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) عَمُودُهَا مِنْ عَمُودِ الْعَرْشِ وَ سَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ- لَا يَهْوَى بِهَا إِلَى شَيْءٍ أَبَداً إِلَّا هَتَكَهُ اللَّهُ فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزُبَرِ الْحَدِيدِ وَ يُعْطَى الْمُؤْمِنُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَبْرِهِ وَ ذَلِكَ حِينَ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ فَيَنْحَطُّ عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ عَشَرَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ مَلَكاً قُلْتُ كُلُّ هَؤُلَاءِ الْمَلَائِكَةُ قَالَ نَعَمْ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ مُوسَى حِينَ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ عِيسَى حِينَ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ مَعَ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) مُسَوِّمِينَ- وَ أَلْفٌ مُرْدِفِينَ وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَ عَشَرَةَ مَلَائِكَةً بَدْرِيِّينَ وَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ هَبَطُوا- يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثٌ غُبْرٌ- يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ رَئِيسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ- وَ لَا يُوَدِّعُهُ مُوَدِّعٌ إِلَّا شَيَّعُوهُ وَ لَا يَمْرَضُ مَرِيضٌ إِلَّا عَادُوهُ وَ لَا يَمُوتُ مَيِّتٌ إِلَّا صَلَّوْا عَلَى جِنَازَتِهِ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ كُلُّ هَؤُلَاءِ فِي الْأَرْضِ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ (علیه السلام) إِلَى وَقْتِ خُرُوجِهِ عَلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ السَّلَامُ

حسین بن محمّد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، از سعدان بن مسلم، از عمر بن ابان، از ابان بن تغلب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

گویا می‌بینم حضرت قائم علیه السّلام را که بر بلندی شهر کوفه بوده و زره رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را به تن نموده، پس زرع را به تن خود حرکت داده ت (علیه السلام) ا بر بدن احاطه کرده و آن را بپوشاند، آن حضرت در زیر هودجی از استبرق قرار داشته و بر اسبی خاکستری که بین دو چشمانش سفیدی می‌باشد سوار می‌باشند، پس اسب حرکتی به خود داده و اهل هر شهری می‌بینند که راکب و مرکب با ایشان در شهرشان می‌باشد و بدین ترتیب پرچم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را در تمام بلاد منتشر می‌فرماید، عمود این پرچم از عمود عرش بوده و بر بقیه آن نقش نَصْرٌ مِنَ اللّهِ می‌باشد، آن پرچم بر چیزی فرود نمی‌آید مگر آنکه حق تعالی آن چیز را نابود می‌فرماید هنگامی که پرچم به اهتزاز و حرکت در می‌آید هیچ موءمنی باقی نمی‌ماند مگر آنکه قلبش همچون آهنی سخت می‌باشد، به هر موءمنی نیروی چهل مرد داده می‌شود و نیز هیچ موءمن مرده‌ای باقی نمی‌ماند مگر آنکه این فرح و سرور در قبرش داخل می‌شود و این در وقتی است که اهل قبور یک دیگر را در قبرها زیارت می کنند و به آنها بشارت به قیام قائم داده می‌شود، سیزده میلیون و سیصد و سیزده فرشته بدنبال آن حضرت بانگ برآورند.

راوی عرض می کند: تمام این جمعیت فرشتگانند؟

حضرت می‌فرمایند:

بلی، آنها عبارتند از:

الف: فرشتگانی که با حضرت نوح علیه السّلام در سفینه بودند.

ب: فرشتگانی که با حضرت إبراهیم علیه السّلام بودند وقتی آن حضرت را در آتش انداختند.

ج: فرشتگانی که با حضرت موسی علیه السّلام بودند زمانی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت.
د: فرشتگانی که با حضرت عیسی علیه السّلام بودند وقتی که حقتعالی او را از زمین به آسمان برد.
ه: چهار هزار فرشته مسوّمین (نشانه گذارنده) و هزار فرشته مردفین (بعضی تابع برخی دیگر می‌باشند).
و: سیصد و سیزده فرشته که در جنگ بدر حاضر گشتند.
ز: چهار هزار فرشته که از آسمان به قصد قتال در رکاب همایون حضرت امام حسین علیه السّلام از آسمان نازل شده پس به آنها اذن قتال داده نشد پس کنار قبر آن حضرت با هیئتی ژولیده و حالی حزین و غمگین باقی مانده و از آن روز تا قیامت برای حضرت گریان می‌باشند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به آن منصور گفته می‌شود، زائری نیست که به زیارت آن حضرت رود مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش رفته و آن جناب را وداع نمی‌کند مگر آنکه آنها به مشایعتش رفته و بیمار نشده مگر آنکه ایشان عیادتش می‌نمایند و میّتی از دنیا نرفته مگر آنکه بر جنازه‌اش نماز خوانده و پس از مرگش برای او طلب آمرزش می‌کنند و تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم علیه السّلام بوده که در وقتش خروج فرماید صلوات اللّه علیه.

۴۲] – باب چهل و دوّم فضیلت و اجر نماز فرشتگان برای زائرین قبر حضرت امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِی الْمَغْرَاءِ عَنْ عَنْبَسَهَٔ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ وَکَّلَ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ یَعْبُدُونَ اللَّهَ عِنْدَهُ الصَّلَاهُٔ الْوَاحِدَهُٔ مِنْ صَلَاهِٔ أَحَدِهِمْ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاهٍٔ مِنْ صَلَاهِٔ الْآدَمِیِّینَ یَکُونُ ثَوَابُ صَلَاتِهِمْ لِزُوَّارِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیه السلام) وَ عَلَی قَاتِلِهِ لَعْنَهُٔ اللَّهِ وَ الْمَلَائِکَهِٔ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ أَبَدَ الْآبِدِینَ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابی المغرا، از عنبسه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده وی گفت:

شنیدم از امام صادق علیه السّلام که می‌فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام موکّل ساخته که او را نزد قبر عبادت کنند، یک نماز از یک نفر آنها معادل با هزار نماز آدمیان می‌باشد و ثواب نمازشان برای زوار قبر حضرت امام حسین علیه السّلام و وزر و وبال برای قاتل آن حضرت که لعنت خدا و ملائکه و مردم اجمعین بر او باد محسوب می گردد.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَهَٔ عَنْ بَکْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ وَکَّلَ اللَّهُ تَعَالَی بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ- شُعْثاً غُبْراً یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِٔ یُصَلُّونَ عِنْدَهُ الصَّلَاهُٔ الْوَاحِدَهُٔ مِنْ صَلَاهِٔ أَحَدِهِمْ- تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاهٍٔ مِنْ صَلَاهِٔ الْآدَمِیِّینَ یَکُونُ ثَوَابُ صَلَاتِهِمْ وَ أَجْرُ ذَلِکَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَهُ ع

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از بکر بن محمّد ازدی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام موکل ساخته که جملگی ژولیده و غمگین بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، نزد قبر نماز می‌خوانند و یک نماز از یک نفر آنها معادل هزار نماز آدمیان بوده، ثواب نماز ایشان و اجر آن برای زوّار قبر آن حضرت علیه السّلام محسوب می گردد.

*** ***

*** ***

۴۳] - باب چهل و سوّم وجوب زیارت حضـرت امام حسین علیه السّلام بر هر مرد و زن مسلمان و عهد و فرض بودنش برای آن جناب و جمیع ائمه صلوات اللّه و سلامه علیهم

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّیلٍ وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ جَمِیعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو أَیُّوبَ إِبْرَاهِیمُ بْنُ عُثْمَانَ الْخَزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ مُرُوا شِیعَتَنَا بِزِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّ إِتْیَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى کُلِّ مُؤْمِنٍ- یُقِرُّ لِلْحُسَیْنِ (علیه السلام) بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن، از حسن بن متّیل.

و محمّد بن الحسن می گوید:

محمّد بن الحسن الصفّار برایم نقل کرد که جملگی از احمد بن ابی عبد اللّه برقی این طور حکایت کرده‌اند که حسن بن علی بن فضّال گفت:

ابو ایّوب ابراهیم بن عثمان خزّاز، از محمّد بن مسلم از حضرت ابو جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام بروند زیرا زیارت آن حضرت بر هر موءمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عزّ و جلّ دارد فرض و واجب می‌باشد.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ لِکُلِّ إِمَامٍ عَهْداً فِی عُنُقِ أَوْلِیَائِهِ وَ شِیعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِیَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِی زِیَارَتِهِمْ وَ تَصْدِیقاً لِمَا رَغِبُوا فِیهِ کَانَ أَئِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ الْکُلَیْنِیُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ سَوَاءً

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن رحمهٔ اللّه علیهم جملگی از احمد بن ادریس، از عبید اللّه بن موسی، از وشّاء نقل کرده‌اند که وی گفت: شنیدم از امام رضا علیه السّلام که می‌فرمودند:

هر امامی در گردن دوستان و شیعیانش عهدی دارد و زیارت قبورشان از مصادیق وفاء به عهد و حسن اداء وظیفه محسوب می‌شود، لذا کسی که از روی رغبت و میل به زیارتشان رود ایشان در روز قیامت شفیع او خواهند بود.

محمّد بن یعقوب کلینی از احمد بن ادریس باسنادش مثل همین حدیث را عینا نقل نموده است.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ أُمِّ سَعِیدٍ الْأَحْمَسِیَّةِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَتْ قَالَ لِی یَا أُمَّ سَعِیدٍ تَزُورِینَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ قَالَتْ قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ لِی زُورِیهِ فَإِنَّ زِیَارَةَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ وَاجِبَةٌ عَلَى الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ

محمّد بن جعفر رزّاز می گوید: محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب از داود مسترق از امّ سعید احمسیّه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی می گوید:

امام علیه السّلام به من فرمودند:

ای امّ سعید آیا قبر حسین علیه السّلام را زیارت می کنی؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند: به زیارت آن قبر مطهّر برو زیرا زیارت قبر حسین علیه السّلام بر مردان و زنان واجب است.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّیلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ الْهَاشِمِیِّ

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزُرِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (علیه السلام) لَكَانَ تَارِكاً حَقّاً مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ وَ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

پدرم و محمّد بن الحسن رحمهٔ اللّه علیهم جملگی از حسن بن متّیل از حسن بن علی کوفی، از علیّ بن حسّان الهاشمی از عبد الرحمن بن کثیر غلام ابی جعفر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

اگر یکی از شما طول دهر و عمرش را به حجّ رفته ولی به زیارت حسین بن علی علیهما السّلام نرود حتما و محقّقا حقّی از حقوق خدا و حقوق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را ترک کرده زیرا حق حسین علیه السّلام فرضیه و تکلیفی است از جانب خداوند که بر هر مسلمانی واجب می‌باشد.

۴۴] – باب چهل و چهارم ثواب کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام رفته یا دیگری را به زیارت آن حضرت بفرستد

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُ أَبِی یَقُولُ لِرَجُلٍ مِنْ مَوَالِیهِ وَ سَأَلَهُ عَنِ الزِّیَارَةِ فَقَالَ لَهُ مَنْ تَزُورُ وَ مَنْ تُرِیدُ بِهِ قَالَ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَقَالَ مَنْ صَلَّی خَلْفَهُ صَلَاةً وَاجِبَةً [وَاحِدَةً]یُرِیدُ بِهَا اللَّهَ لَقِیَ اللَّهَ یَوْمَ یَلْقَاهُ وَ عَلَیْهِ مِنَ النُّورِ مَا یُغْشَی لَهُ کُلُّ شَیْءٍ یَرَاهُ وَ اللَّهُ یُکْرِمُ زُوَّارَهُ وَ یَمْنَعُ النَّارَ أَنْ تَنَالَ مِنْهُمْ شَیْئاً وَ إِنَّ الزَّائِرَ لَهُ لَا یُتَنَاهَی [لَا یُتَنَاسَی]لَهُ دُونَ الْحَوْضِ وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) قَائِمٌ عَلَی الْحَوْضِ یُصَافِحُهُ وَ یُرَوِّیهِ مِنَ الْمَاءِ- وَ مَا یَسْبِقُهُ أَحَدٌ إِلَی وُرُودِهِ الْحَوْضَ حَتَّی یَرْوَی ثُمَّ یَنْصَرِفُ إِلَی مَنْزِلِهِ مِنَ الْجَنَّةِ- وَ مَعَهُ مَلَکٌ مِنْ قِبَلِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ یَأْمُرُ الصِّرَاطَ أَنْ یَذِلَّ لَهُ وَ یَأْمُرُ النَّارَ أَنْ لَا یُصِیبَهُ مِنْ لَفْحِهَا شَیْءٌ حَتَّی یَجُوزَهَا وَ مَعَهُ رَسُولُهُ الَّذِی بَعَثَهُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ ع

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حماد بصری از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصمّ از محمّد بصریّ، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده وی می گوید:

امام صادق علیه السّلام فرمودند: از پدرم شنیدم به یکی از دوستانشان که از زیارت (مقصود زیارت قبر امام حسین علیه السّلام است) سوءال کرده بود می‌فرمودند:

چه کسی را زیارت می کنی و چه کسی را با این زیارت اراده می‌نمائی؟ یعنی با این زیارت قصد تقرّب به چه کسی را داری؟ عرض کرد:

مراد و مقصودم خداوند تبارک و تعالی است، یعنی قصدم تقرّب به خدا می‌باشد.

حضرت فرمودند:

کسی که بدنبال زیارت یک نماز خوانده و با این نماز قصد تقرّب به خدا را داشته باشد در روزی که خدا را ملاقات می کند بر او نوری احاطه کرده باشد که تمام اشیائی که او را می‌بینند صرفا نور مشاهده نمایند و خداوند متعال زوّار قبر مطهّر امام حسین علیه السّلام را مورد اکرام قرار داده و آتش جهنّم را از رسیدن به آنها باز می‌دارد، و زائر در نزد حوض کوثر مقامی بسیار مرتفع و مرتبه‌ای لا- یتناهی دارد و امیر الموءمنین علیه السّلام که در کنار حوض ایستاده‌اند با او مصافحه کرده و وی را از آب سیراب می‌فرماید و احدی در وارد شدن بر حوض بر وی سبقت نمی گیرد مگر پس از او و سیراب شدن او و پس از سیراب گشتن به جایگاهش در بهشت برگشته در حالی که فرشته‌ای از جانب امیر الموءمنین علیه السّلام با او بوده که به صراط امر می کند برای وی پائین بیاید و با او مدارا کرده تا از روی آن بگذرد و به آتش جهنّم فرمان می‌دهد که حرارت و سوزشش را به او نرساند تا وی از آن گذر کند و نیز با او فرستاده‌ای است که امیر الموءمنین علیه السّلام آن را فرستاده‌اند.

۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ قَالَ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ یُزَارُ وَالِدُکَ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ وَ یُصَلَّی عِنْدَهُ وَ قَالَ یُصَلَّی خَلْفَهُ وَ لَا یُتَقَدَّمُ عَلَیْهِ قَالَ فَمَا لِمَنْ أَتَاهُ قَالَ الْجَنَّةُ إِنْ کَانَ یَأْتَمُّ بِهِ قَالَ فَمَا لِمَنْ تَرَکَهُ رَغْبَةً عَنْهُ قَالَ الْحَسْرَةُ یَوْمَ الْحَسْرَةِ قَالَ فَمَا لِمَنْ أَقَامَ عِنْدَهُ قَالَ کُلُّ یَوْمٍ بِأَلْفِ شَهْرٍ قَالَ فَمَا لِلْمُنْفِقِ فِی خُرُوجِهِ إِلَیْهِ وَ الْمُنْفِقِ عِنْدَهُ قَالَ دِرْهَمٌ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ قَالَ فَمَا لِمَنْ مَاتَ فِی سَفَرِهِ إِلَیْهِ قَالَ تُشَیِّعُهُ الْمَلَائِکَةُ وَ تَأْتِیهِ بِالْحَنُوطِ وَ الْکِسْوَةِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّی عَلَیْهِ إِذْ کُفِّنَ وَ تُکَفِّنُهُ فَوْقَ أَکْفَانِهِ وَ تَفْرُشُ لَهُ الرَّیْحَانَ تَحْتَهُ- وَ تَدْفَعُ الْأَرْضَ حَتَّی تَصَوَّرَ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ مَسِیرَةَ ثَلَاثَةِ أَمْیَالٍ وَ مِنْ خَلْفِهِ مِثْلَ ذَلِکَ- وَ عِنْدَ رَأْسِهِ مِثْلَ ذَلِکَ وَ عِنْدَ رِجْلَیْهِ مِثْلَ ذَلِکَ وَ یُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَی قَبْرِهِ- وَ یَدْخُلُ عَلَیْهِ رُوحُهَا وَ رَیْحَانُهَا حَتَّی تَقُومَ السَّاعَةُ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ صَلَّی عِنْدَهُ قَالَ مَنْ صَلَّی عِنْدَهُ رَکْعَتَیْنِ- لَمْ یَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَی شَیْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ إِیَّاهُ قُلْتُ فَمَا لِمَنِ اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ ثُمَّ أَتَاهُ- قَالَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ وَ هُوَ یُرِیدُهُ تَسَاقَطَتْ عَنْهُ خَطَایَاهُ کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ- قَالَ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ یُجَهِّزَ إِلَیْهِ وَ لَمْ یَخْرُجْ لِعَلَّةٍ

تُصِيبُهُ [لِقِلَّةِ نَصِيبِهِ]قَالَ يُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ- مِثْلَ أُحُدٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ يُخْلِفُ عَلَيْهِ أَضْعَافَ مَا أَنْفَقَهُ وَ يُصْرَفُ عَنْهُ مِنَ الْبَلَاءِ مِمَّا قَدْ نَزَلَ لِيُصِيبَهُ وَ يُدْفَعُ عَنْهُ وَ يُحْفَظُ فِي مَالِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ قُتِلَ عِنْدَهُ جَارَ عَلَيْهِ سُلْطَانٌ فَقَتَلَهُ قَالَ أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ يُغْفَرُ لَهُ بِهَا كُلُّ خَطِيئَةٍ وَ تُغْسَلُ طِينَتُهُ الَّتِي خُلِقَ مِنْهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تَخْلُصَ كَمَا خَلَصَتِ الْأَنْبِيَاءُ المخلصين [الْمُخْلَصُونَ وَ يَذْهَبُ عَنْهَا مَا كَانَ خَالَطَهَا- مِنْ أَجْنَاسِ طِينِ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ يُغْسَلُ قَلْبُهُ وَ يُشْرَحُ صَدْرُهُ وَ يُمْلَأُ إِيمَاناً فَيَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ مُخْلَصٌ مِنْ كُلِّ مَا تُخَالِطُهُ الْأَبْدَانُ وَ الْقُلُوبُ وَ يُكْتَبُ لَهُ شَفَاعَةٌ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَلْفٍ مِنْ إِخْوَانِهِ- وَ تَوَلَّى الصَّلَاةَ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَعَ جَبْرَئِيلَ وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ يُؤْتَى بِكَفَنِهِ وَ حَنُوطِهِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُوَسَّعُ قَبْرُهُ عَلَيْهِ وَ يُوضَعُ لَهُ مَصَابِيحُ فِي قَبْرِهِ وَ يُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ- وَ تَأْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ بِالطُّرَفِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُرْفَعُ بَعْدَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْماً إِلَى حَظِيرَةِ الْقُدْسِ- فَلَا يَزَالُ فِيهَا مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ حَتَّى تُصِيبَهُ النَّفْخَةُ الَّتِي لَا تُبْقِي شَيْئاً فَإِذَا كَانَتِ النَّفْخَةُ الثَّانِيَةُ وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ كَانَ أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُهُ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ الْأَوْصِيَاءَ وَ يُبَشِّرُونَهُ وَ يَقُولُونَ لَهُ الْزَمْنَا وَ يُقِيمُونَهُ عَلَى الْحَوْضِ فَيَشْرَبُ مِنْهُ وَ يَسْقِي مَنْ أَحَبَّ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ حُبِسَ فِي إِتْيَانِهِ قَالَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ يُحْبَسُ وَ يَغْتَمُّ فَرْحَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِنْ ضُرِبَ بَعْدَ الْحَبْسِ فِي إِتْيَانِهِ كَانَ لَهُ بِكُلِّ ضَرْبَةٍ حَوْرَاءُ وَ بِكُلِّ وَجَعٍ يَدْخُلُ عَلَى بَدَنِهِ أَلْفُ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ يُمْحَى بِهَا عَنْهُ أَلْفُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ بِهَا أَلْفُ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ يَكُونُ مِنْ مُحَدِّثِي رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الْحِسَابِ فَيُصَافِحُهُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ يُقَالُ لَهُ سَلْ مَا أَحْبَبْتَ وَ يُؤْتَى ضَارِبُهُ لِلْحِسَابِ فَلَا يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ وَ لَا يُحْتَسَبُ بِشَيْءٍ وَ يُؤْخَذُ بِضَبُعَيْهِ حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى مَلَكٍ يَحْبُوهُ وَ يُتْحِفُهُ بِشَرْبَةٍ مِنَ الْحَمِيمِ وَ شَرْبَةٍ مِنَ الْغِسْلِينِ- وَ يُوضَعُ عَلَى مِثَالٍ [مَقَالٍ]فِي النَّارِ فَيُقَالُ لَهُ ذُقْ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ فِيمَا آتَيْتَ إِلَى هَذَا الَّذِي ضَرَبْتَهُ سَبَباً إِلَى وَفْدِ اللَّهِ وَ وَفْدِ رَسُولِهِ وَ يَأْتِي بِالْمَضْرُوبِ إِلَى بَابِ جَهَنَّمَ وَ يُقَالُ لَهُ انْظُرْ إِلَى ضَارِبِكَ وَ إِلَى مَا قَدْ لَقِيَ فَهَلْ شَفَيْتُ صَدْرَكَ وَ قَدِ اقْتُصَّ لَكَ مِنْهُ فَيَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي انْتَصَرَ لِي وَ لِوُلْدِ رَسُولِهِ مِنْهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری به استادش از اصم نقل نموده که وی گفت:

هشام بن سالم از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در حدیثی طولانی نقل کرده که شخصی نزد امام صادق علیه السّلام مشرّف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پسر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم: آیا پدر شما را می‌توان زیارت کرد؟

حضرت فرمودند:

بلی، علاوه بر زیارت نماز هم نزد قبر می‌توان خواند منتهی نماز را باید پشت قبر بجا آورد نه مقدّم و جلو آن.

آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند چه ثواب و اجری دارد؟

حضرت فرمودند:

اجر او بهشت است مشروط به اینکه به آن حضرت اقتداء کرده و از او تبعیّت کند.

عرض کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی‌رغبتی و بی‌میلی ترک کند

چه خواهد دید؟ حضرت فرمودند:

روز حسرت (روز قیامت) حسرت خواهد خورد.

عرض کرد: کسی نزد قبر آن جناب اقامت کند اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند: هر یک روز آن معادل یک ماه می‌باشد.

عرض کرد: کسی که برای رفتن و زیارت نمودن آن حضرت متحمل هزینه و خرج شده و نیز نزد قبر مطهّر پول خرج کند چه اجری دارد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده هزار درهم دریافت خواهد نمود.

عرض کرد: اجر کسی که در سفر به طرف آن حضرت فوت کرده چیست؟

حضرت فرمودند:

فرشتگان مشایعتش کرده و برای او حنوط و لباس از بهشت آورده و وقتی کفن شد بر او نماز خوانده و روی کفنی که بر او پوشانده‌اند فرشتگان نیز کفن دیگری قرار می‌دهند و زیر او را از ریحان فرش می‌نمایند و زمین را چنان رانده و جلو برده که از جلو فاصله سه میل طی شده و از پشت و جانب سر و طرف پا نیز مانند آن این مقدار مسافت و فاصله منهدم و ساقط می‌گردد و برای آن دربی از بهشت به طرف قبرش گشوده شده و نسیم و بوی خوش بهشتی به قبر او داخل گشته و تا قیام قیامت بدین منوال خواهد بود.

آن شخص می‌گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم:

کسی که نزد قبر نماز بگذارد اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

کسی که نزد قبر مطهّرش دو رکعت نماز بخواند از خداوند چیزی را درخواست نمی‌کند مگر آنکه حقّ جلّ و علی آن را به او اعطاء می‌فرماید.

عرض کردم: اجر کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن جناب رود چیست؟ حضرت فرمودند:

زمانی که شخص از فرات غسل کرده در حالی که اراده زیارت آن حضرت را داشته باشد تمام لغزش‌ها و گناهانش ساقط و محو شده و وی نظیر آن روزی می‌باشد که از مادر متولّد شده است.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم:

اجر کسی که دیگری را مجهّز کرده و به زیارت قبر آن حضرت بفرستد ولی خودش بواسطه عارضه و علّتی که پیش آمده به زیارت نرود چیست؟

حضرت فرمودند:

به هر یک درهمی که خرج کرده و انفاق نموده همانند کوه احد حسنات حقتعالی برای او منظور می‌فرماید و باقی می‌گذارد و بر او چند برابر آنچه متحمّل شده و بلاـ و گرفتاری‌هائی که بطور قطع نازل شده تا به وی اصابت کرده را از او دفع می‌نماید و مال و دارائی او را حفظ و نگهداری می‌کند.

آن شخص می‌گوید: عرض کردم:

اجر و ثواب کسی که نزد آن حضرت کشته شود چیست، مثلا سلطان ظالمی بر وی ستم کرده و او را آنجا بکشد؟

حضرت فرمودند:

اولین قطره خونش که ریخته شود خداوند متعال تمام گناهانش را می‌آمرزد و طینتی را که از آن آفریده شده فرشتگان غسل داده تا از تمام آلودگی‌ها و تیرگی‌ها پاک و خالص شده همان طوری که انبیاء مخلص خالص و پاک می‌باشند و بدین ترتیب آنچه از اجناس طین اهل کفر با طینت وی آمیخته شده زدوده می‌گردد و نیز قلبش را شستشو داده و سینه‌اش را فراخ نموده و آن را مملو از ایمان کرده و بدین ترتیب خدا را ملاقات کرده در حالی که از هر چه ابدان و قلوب با آن مخلوط هستند پاک و منزه می‌باشد و برایش مقرّر می‌شود که اهل بیت و هزار تن از برادران ایمانی خود را بتواند شفاعت کند و فرشتگان با همراهی جبرئیل و ملک الموت متولی خواندن نماز بر او می‌گردند و کفن و حنوطش را از بهشت آورده و در قبرش توسعه داده و چراغ‌هائی در آن می‌افروزند و دربی از آن بهشت باز می‌کنند و فرشتگان برایش اشیاء تازه و تحفه‌هائی بدیع از بهشت می‌آورند و پس از هیجده روز او را به خطیره القدس (بهشت) برده پس پیوسته در آنجا با اولیاء خدا خواهد بود تا نفخه‌ای که با دمیده‌شدنش هیچ چیز باقی

نمی‌ماند دمیده شود و وقتی نفخه دوّمی دمیده شد و وی از قبر بیرون آمد اوّلین کسی که با او مصافحه می‌کند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و امیر الموءمنین علیه السّلام و اوصیاء سلام اللّه علیهم بوده که به وی بشارت داده و می گویند:

با ما باش و سپس او را کنار حوض کوثر آورده و از آن به او می‌نوشانند و سپس به هر کسی که او بخواهد و دوست داشته باشد نیز می آشامانند.

آن شخص می گوید: عرض کردم:

اجر و ثواب کسی که به خاطر زیارت آن حضرت حبس شده چیست؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر روزی که حبس شده و غمگین می گردد سرور و شادی منظور شده که تا قیامت ادامه دارد و اگر پس از حبس او را زدند در قبال هر یک ضربه‌ای که به وی اصابت می‌کند یک حوریّه‌ای به او داده شده و به ازاء هر دردی که بر پیکرش وارد می‌شود هزار هزار حسنه ملاحظه گردیده و هزار هزار لغزش و گناه از او محو و زائل گشته و هزار هزار درجه ارتقاء داده می‌شود و از ندیمان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم محسوب شده تا از حساب فارغ گردد و پس از آن فرشتگانی که حمله عرش هستند با او مصافحه کرده و به او می گویند: آنچه دوست داری بخواه.

و زننده وی را برای حساب حاضر می کنند پس هیچ سوءالی از او نکرده و با هیچ چیز اعمالش را نسنجیده و محاسبه نکرده بلکه دو بازویش را گرفته و او را برده و به فرشته‌ای تحویل داده و آن فرشته به او جرعه‌ای از حمیم (آب داغ جهنم)

و جرعه‌ای از غسلین (آب چرک که از پوست و گوشت دوزخیان جاری می‌باشد) می‌چشاند و سپس او را روی تکه‌ای سرخ از آتش قرار داده و به وی می گویند:

بچش چیزی را که دست‌هایت پیش پیش بواسطه زدن شخصی که او را زدی برای تو فرستاده‌اند، کسی را که زدی پیک و پیام آور خدا و رسول خدا بود و در این هنگام مضروب را آورده و نزدیک درب جهنّم نگاه داشته و به او می گویند:

به زننده خود بنگر و به آنچه به سرش آمده نظر نما آیا سینه‌ات شفاء می‌یابد؟ این عذابی که به او وارد شده بخاطر قصاص برای تو می‌باشد، پس می گوید:

حمد خدا را که من و فرزند رسول خود را یاری فرمود.

۳- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنْ بِقَاعِ الْأَرْضِ سِتَّةً الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَ الْحَرَمَ وَ مَقَابِرَ الْأَنْبِيَاءِ وَ مَقَابِرَ الْأَوْصِيَاءِ وَ مَقَاتِلَ [مَقَابِرَ]الشُّهَدَاءِ وَ الْمَسَاجِدَ الَّتِي يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ يَا ابْنَ بُكَيْرٍ هَلْ تَدْرِي مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِذْ جَهِلَهُ الْجَاهِلُ [الْجَاهِلُونَ]مَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَ عَلَى قَبْرِهِ هَاتِفٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُنَادِي يَا طَالِبَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ إِلَى خَالِصَةِ اللَّهِ تَرْحَلْ بِالْكَرَامَةِ وَ تَأْمَنِ النَّدَامَةَ يَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ- وَ لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَلَكٌ مِنَ الْحَفَظَةِ إِلَّا عَطَفَ عَلَيْهِ عِنْدَ رُقَادِ الْعَبْدِ حَتَّى يُسَبِّحَ اللَّهَ عِنْدَهُ وَ يَسْأَلَ اللَّهُ الرِّضَا عَنْهُ وَ لَا يَبْقَى مَلَكٌ فِي الْهَوَاءِ يَسْمَعُ الصَّوْتَ إِلَّا أَجَابَ بِالتَّقْدِيسِ لِلَّهِ تَعَالَى فَتَشْتَدُّ أَصْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ فَيُجِيبُهُمْ أَهْلُ السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَتَشْتَدُّ أَصْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ وَ أَهْلِ السَّمَاءِ الدُّنْيَا حَتَّى تَبْلُغَ أَهْلَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَيَسْمَعُ اللَّهُ أَصْوَاتَهُمْ النَّبِيِّينَ [فَيَسْمَعُ أَصْوَاتَهُمُ النَّبِيُّونَ]فَيَتَرَحَّمُونَ وَ يُصَلُّونَ عَلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ يَدْعُونَ لِمَنْ زَارَهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری با همین اسناد از اصم، از عبد اللّه بن بکیر در ضمن حدیثی طولانی می گوید: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

ای ابن بکیر خداوند متعال از بقاع و اماکن روی زمین شش بقعه را اختیار فرموده:

بیت الحرام، حرم، مقابر انبیاء، مقابر اوصیاء، مقابر شهداء، و مساجدی که نام خدا در آنها برده می‌شود.

ای ابن بکیر، آیا می‌دانی اجر کسی که قبر حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام را زیارت کند چیست؟
و بزرگی و بدین ترتیب از ندامت و حسرت در امان باشید.
اهل مشرق و مغرب نداء این هاتف را می‌شنوند مگر جنّ و انس و در زمین هیچ فرشته‌ای از فرشتگان حافظ و نگهبان در وقتی که بندگان خواب هستند باقی نمی‌ماند مگر آنکه به قبر مطهّر روی آورده و هجوم می‌کنند تا در آن مکان مقدّس حقتعالی را تسبیح نموده و از درگاه جلالش بخواهند تا از آنها راضی گردد و هیچ فرشته‌ای در هوا باقی نمی‌ماند که نداء هاتف را شنیده مگر آنکه در جواب آن حق تعالی را تقدیس می‌کند و بدین ترتیب اصوات و صداهای فرشتگان بلند و قوی شده پس اهل و سکنه آسمان دنیا به آنها جواب داده و در نتیجه اصوات و صدای فرشتگان و سکنه آسمان دنیا تشدید یافته به حدّی که طنین آن به اهل و سکنه آسمان هفتم رسیده و بدین ترتیب انبیاء عظام صداهای ایشان را استماع کرده پس رحمت و صلوات بر حضرت امام حسین علیه السّلام فرستاده و زائرین آن حضرت را دعاء می‌کنند.

۴۵] – باب چهل و پنجم ثواب کسی که با ترس و هراس به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام برود

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ حَمَّادٍ ذِی النَّابِ عَنْ رُومِیٍّ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) مَا تَقُولُ فِیمَنْ زَارَ أَبَاکَ عَلَى خَوْفٍ قَالَ یُؤْمِنُهُ اللَّهُ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ وَ تَلَقَّاهُ الْمَلَائِکَةُ بِالْبِشَارَةِ وَ یُقَالُ لَهُ لَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ هَذَا یَوْمُکَ الَّذِی فِیهِ فَوْزُکَ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر، از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصمّ، از حمّاد ذی النّاب، از رومیّ، از زراره نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السّلام عرضه داشتم: چه می‌فرمائید در باره کسی که با خوف و هراس پدر شما را زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

در روزی که فزع اکبر است حقتعالی او را أمان دهد و فرشتگان به وی بشارت داده و به او می گویند: مترس و محزون مباش امروز روزی است که تو در آن رستگار می‌شوی.

۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَصَمِّ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنِّی أَنْزِلُ الْأَرَّجَانَ وَ قَلْبِی یُنَازِعُنِی إِلَى قَبْرِ أَبِیکَ فَإِذَا خَرَجْتُ فَقَلْبِی وَجِلٌ مُشْفِقٌ حَتَّى أَرْجِعَ خَوْفاً مِنَ السُّلْطَانِ وَ السُّعَاةِ وَ أَصْحَابِ الْمَسَالِحِ فَقَالَ یَا ابْنَ بُکَیْرٍ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ یَرَاکَ اللَّهُ فِینَا خَائِفاً أَ مَا تَعْلَمُ أَنَّهُ مَنْ خَافَ لِخَوْفِنَا أَظَلَّهُ اللَّهُ فِی ظِلِّ عَرْشِهِ وَ کَانَ مُحَدِّثُهُ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) تَحْتَ الْعَرْشِ وَ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ أَفْزَاعِ یَوْمِ الْقِیَامَةِ یَفْزَعُ النَّاسُ وَ لَا یَفْزَعُ فَإِنْ فَزِعَ وَقَّرَتْهُ [قَوَّتْهُ]الْمَلَائِکَةُ وَ سَکَّنَتْ قَلْبَهُ بِالْبِشَارَةِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر به اسنادش از اصم، از ابن بکیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک امام علیه السّلام عرضه داشتم: من به شهر ارجان وارد شده و در آنجا نازل شدم ولی قلب و دلم آرزوی زیارت قبر مطهّر پدر بزرگوارتان را داشت لذا از شهر به قصد زیارت آن جناب خارج شدم امّا دلم ترسان و لرزان بود و از خوف و ترس سلطان و ساعیان و عمّال وی و مرزبانان تا زمان مراجعت در وحشت و دهشت بودم.

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر آیا دوست نداری که خداوند تو را از کسانی که در راه ما ترسان و خائف می‌باشند محسوب فرماید؟

آیا می‌دانی کسی که به خاطر خوف ما خائف باشد حقتعالی او را در سایه عرشمکان دهد و هم صحبتش حضرت امام حسین علیه السّلام در زیر عرش می‌باشد و حق تعالی او را از فزع‌های روز قیامت در امان می‌دارد، مردم به فزع و جزع آمده ولی او فزع نمی‌کند، پس اگر فزع کند فرشتگان آرامش کرده و بواسطه بشارت دادن قلبش را ساکت و ساکن می‌نمایند.

۳- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ السَّرَّاجُ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ حَسَّانَ الْبَصْرِیِّ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ یَا مُعَاوِیَةُ لَا تَدَعْ زِیَارَةَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) لِخَوْفٍ فَإِنَّ مَنْ تَرَکَهُ رَأَى مِنَ الْحَسْرَةِ مَا یَتَمَنَّى أَنَّ قَبْرَهُ کَانَ عِنْدَهُ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ یَرَى اللَّهُ شَخْصَکَ وَ سَوَادَکَ فِیمَنْ یَدْعُو لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله علیه و آله) وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْأَئِمَّةُ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَکُونَ مِمَّنْ یَنْقَلِبُ بِالْمَغْفِرَةِ لِمَا مَضَى وَ یُغْفَرُ لَهُ ذُنُوبُ سَبْعِینَ سَنَةً أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَکُونَ مِمَّنْ یَخْرُجُ مِنَ الدُّنْیَا وَ لَیْسَ عَلَیْهِ ذَنْبٌ یُتْبَعُ بِهِ أَ مَا تُحِبُّ أَنْ تَکُونَ غَداً مِمَّنْ یُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ص

حکیم بن داود بن حکیم سرّاج از سلمة بن الخطّاب، از موسی بن عمر، از حسّان البصری از معاویة بن وهب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی گفت:

حضرت امام صادق علیه السّلام فرمودند:

اى معاويه، بخاطر خوف و هراس زيارت قبر امام حسين عليه السّلام را ترك مكن زيرا كسى كه زيارت آن حضرت را ترك كند چنان حسرتى ببيند كه تمنّا و آرزو كند قبر آن جناب نزدش باشد، آيا دوست ندارى كه خداوند متعال تو را در زمره كسانى محسوب كند كه رسولش صلّياللّه عليه و آله و سلّم و حضرات على و فاطمه و ائمه عليهم السّلام برايش دعا مى‌كنند؟

آيا دوست ندارى از كسانى باشى كه گناهان گذشته‌ات آمرزيده شده و براى گناهان هفتاد سال بعد طلب غفران برايت كنند؟

آيا دوست دارى از كسانى باشى كه از دنيا خارج مى‌شوند در حالى كه در گناهى قابل مواخذه ندارند؟

آيا دوست دارى فرداى قيامت از كسانى باشى كه رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم با آنها مصافحه مى‌كند؟

۴- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنِ الْخَيْبَرِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي حَالِ التَّقِيَّةِ قَالَ إِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ ثُمَّ الْبَسْ أَثْوَابَكَ الطَّاهِرَةَ [ثَوْبَيْكَ الطَّاهِرَيْنِ]ثُمَّ تَمُرُّ بِإِزَاءِ الْقَبْرِ وَ قُلْ- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ تَمَّتْ زِيَارَتُكَ

على بن الحسين رحمة اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسين بن ابى الخطّاب، از محمّد بن اسماعيل بن بزيع، از خيبرى، از يونس بن ظبيان، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده وى گفت: محضر مباركش عرض كردم: فدايت شوم: زيارت قبر امام حسين عليه السّلام در حال تقيه به چه گونه است؟

حضرت فرمودند:

وقتى به فرات رسيدى غسل كن و لباسهاى پاك و طاهر خود را بپوش سپسعبور كن تا به ازاء و مقابل قبر برسى و بگو:

صلّى اللّه عليك يا ابا عبد اللّه: صلوات و رحمت خدا بر شما اى ابا عبد اللّه صلّى اللّه عليك يا ابا عبد اللّه: صلوات و رحمت خدا بر شما اى ابا عبد اللّه صلّى اللّه عليك يا ابا عبد اللّه: صلوات و رحمت خدا بر شما اى ابا عبد اللّه پس زيارتت صحيح و تمام مى‌باشد.

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُدْلِجٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) هَلْ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قُلْتُ نَعَمْ عَلَى خَوْفٍ وَ وَجَلٍ فَقَالَ مَا كَانَ مِنْ هَذَا أَشَدَّ فَالثَّوَابُ فِيهِ عَلَى قَدْرِ الْخَوْفِ وَ مَنْ خَافَ فِي إِتْيَانِهِ آمَنَ اللَّهُ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَ انْصَرَفَ بِالْمَغْفِرَةِ وَ سَلَّمَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ زَارَهُ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و آله) وَ دَعَا لَهُ- وَ انْقَلَبَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُ سُوءٌ وَ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ ثُمَّ ذَكَرَ الْحَدِيثَ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حميرى، از پدرش، از على بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد البصرى، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم نقل كرده، وى گفت:

حديث گفت براى ما مدلج، از محمّد بن مسلم در ضمن حديث طولانى، وى گفت:

حضرت ابو جعفر محمّد بن على عليهما السّلام به من فرمودند:

آيا به زيارت قبر حسين عليه السّلام مى‌روى؟

عرض كردم: بلى ولى با خوف و هراس.

فرمودند: هر قدر در زيارتت خوف بيشتر باشد ثواب در آن به مقدار خوف و هراس تو مى‌باشد و كسى كه در زيارتش خائف و بيمناك باشد در روزى كه مردم براى حساب پروردگار عالميان به پا مى‌خيزند حقتعالى او را در امان قرار داده و خوف و وحشت او را برطرف مى‌كند و با آمرزش گناهان برگشته و فرشتگان بر او سلام نموده و نبى اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم به زيارتش آمده و براى او دعاء مى‌فرمايند و بواسطه نعمت الهى حالش دگرگون شده و فضلى كه هيچ مكروه و بدى با آن همراه نيست شاملش شده و بدنبال آن رضوان خدا نصيبش مى‌گردد.

۴۶] - باب چهل و ششم اجر و ثواب آنچه شخص در زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام انفاق می‌کند

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُعَاذٌ عَنْ أَبَانٍ قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ أَتَی قَبْرَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ وَصَلَنَا- وَ حَرُمَتْ غِیبَتُهُ وَ حَرُمَ لَحْمُهُ عَلَی النَّارِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِکُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشَرَةَ أَلْفِ مَدِینَةٍ لَهُ فِی کِتَابٍ مَحْفُوظٍ وَ کَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ وَ حُفِظَ فِی کُلِّ مَا خَلَّفَ وَ لَمْ یَسْأَلِ اللَّهَ شَیْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ وَ أَجَابَهُ فِیهِ إِمَّا أَنْ یُعَجِّلَهُ وَ إِمَّا أَنْ یُؤَخِّرَهُ لَهُ وَ حَدَّثَنِی بِذَلِکَ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ بْنِ سُهَیْلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مُعَاذٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد البصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم نقل کرده که وی گفت:

حدیث گفت برای ما معاذ، از ابان، وی گفت:

از او شنیدم که می گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام رود محققا به رسول خدا و به ما اهل بیت احسان نموده و غیبتش جایز نبوده و گوشتش بر آتش حرام است و در مقابل هر یک درهمی که انفاق کرده خداوند متعال انفاق اهالی و سکنه ده هزار شهرهائی که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطاء می‌فرماید و بدنبال آن حوائج و نیازمندی‌هایش را روا می‌فرماید و آنچه را که از خود باقی گذارد حقتعالی حافظ آنها است و در خواست و سوءال چیزی از خدا نمی کند مگر آنکه باری تعالی اجابتش می‌فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تأخیر و مهلت آن را برآورده نماید.

و محمّد بن همام بن سهیل رحمة اللّه علیه، از جعفر بن محمّد بن مالک، از محمّد ابن إسماعیل، از عبد اللّه بن حمّاد، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصمّ، از معاذ، از ابان برایم مثل همین حدیث را از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل نموده است.

۲- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا تَقُولُ فِیمَنْ تَرَکَ زِیَارَتَهُ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَی ذَلِکَ قَالَ أَقُولُ إِنَّهُ قَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ عَقَّنَا وَ اسْتَخَفَّ بِأَمْرٍ هُوَ لَهُ وَ مَنْ زَارَهُ کَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ- وَ کُفِیَ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْیَاهُ وَ إِنَّهُ لَیَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَی الْعَبْدِ وَ یُخْلِفُ عَلَیْهِ مَا أَنْفَقَ- وَ یَغْفِرُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِینَ سَنَةً وَ یَرْجِعُ إِلَی أَهْلِهِ وَ مَا عَلَیْهِ وِزْرٌ وَ لَا خَطِیئَةٌ إِلَّا وَ قَدْ مُحِیَتْ مِنْ صَحِیفَتِهِ فَإِنْ هَلَکَ فِی سَفَرِهِ نَزَلَتِ الْمَلَائِکَةُ فَغَسَّلَتْهُ وَ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَ یَدْخُلُ [وَ فُتِحَ لَهُ بَابٌ إِلَی الْجَنَّةِ یَدْخُلُ]عَلَیْهِ رَوْحُهَا حَتَّی یُنْشَرَ وَ إِنْ سَلِمَ فُتِحَ لَهُ الْبَابُ الَّذِی یَنْزِلُ مِنْهُ الرِّزْقُ وَ یُجْعَلُ لَهُ بِکُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشَرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ ذُخِرَ ذَلِکَ لَهُ فَإِذَا حُشِرَ قِیلَ لَهُ لَکَ بِکُلِّ دِرْهَمٍ عَشَرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَکَ وَ ذَخَرَهَا لَکَ عِنْدَهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد البصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن الاصم، از حسین، از حلبی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در ضمن حدیث طویلی نقل کرده، وی گفت:

محضر مبارک امام علیه السّلام عرضه داشتم: فدایت شوم چه می‌فرمائید در باره کسی که با داشتن قدرت زیارت آن حضرت را ترک می کند؟

حضرت می‌فرمایند: می گویم:

این شخص عاق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و عاق ما اهل بیت می‌باشد و امری که به نفع او است را سبک شمرده است.

و کسی که آن حضرت را زیارت کند:

خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید.

و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می‌باشد.

و آنچه در این راه انفاق کرده بر او باقی مانده و جانشین و یادگارش خواهد بود و همچنین زیارت آن حضرت موجب می‌شود:

گناهان پنجاه ساله او آمرزیده شده و وی به اهلش بازگردد در حالی که بر عهده‌اش نه وزر و وبالی بوده و نه لغزشی و آنچه از گناه در صحیفه اعمالش ثبت شده جملگی محو و پاک می گردد.

اگر زائر در سفر زیارت فوت شود فرشتگان نازل گشته و او را غسل می‌دهند و نیز درب‌هائی از بهشت به روی او گشوده می‌شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در قبر پراکنده و منتشر می گردد.

و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند دربی به روی او گشوده می‌شود که رزق و روزی وی از آن نازل می گردد و در مقابل هر درهمی که انفاق کرده ده هزار درهم قرار داده می‌شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می‌شود:

در مقابل هر درهمی که در سفر زیارتت خرج کردی ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای او ذخیره کرد.

۳- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنَّ رَجُلًا أَتَاهُ فَقَالَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ یُزَارُ وَالِدُکَ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ وَ یُصَلَّی عِنْدَهُ وَ یُصَلَّی خَلْفَهُ وَ لَا یُتَقَدَّمُ عَلَیْهِ قَالَ فَمَا لِمَنْ أَتَاهُ قَالَ الْجَنَّةُ إِنْ کَانَ یَأْتَمُّ بِهِ قَالَ فَمَا لِمَنْ تَرَکَهُ رَغْبَةً عَنْهُ قَالَ الْحَسْرَةُ یَوْمَ الْحَسْرَةِ قَالَ فَمَا لِمَنْ أَقَامَ عِنْدَهُ قَالَ کُلُّ یَوْمٍ بِأَلْفِ شَهْرٍ قَالَ فَمَا لِلْمُنْفِقِ فِی خُرُوجِهِ إِلَیْهِ وَ الْمُنْفِقِ عِنْدَهُ قَالَ الدِّرْهَمُ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ بِطُولِهِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری باسنادش از اصم، از هشام بن سالم از حضرت ابی عبد اللّه نقل کرده است، وی می گوید:

مردی محضر مبارک امام علیه السّلام مشرف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پسر رسول خدا! آیا پدر بزرگوار شما زیارت بشود؟

حضرت فرمودند:

بلی و علاوه بر آن نزد آن جناب نماز نیز خوانده شود ولی باید توجه داشت که نماز را پشت قبر بخوانند و بر آن مقدّم نشوند.

راوی می گوید:

چه اجری است برای کسی که آن حضرت را زیارت کند.

حضرت فرمودند:

بهشت، مشروط به اینکه از آن جناب پیروی کرده و به حضرتش اقتداء نماید.

راوی می گوید:

کسی که از روی بی‌میلی و عدم رغبت زیارت آن حضرت را ترک کند چه برای او می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

در روز حسرت، حسرت خواهد خورد.

عرض کرد: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر آن جناب اقامه کند؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر روز هزار ماه منظور مى گردد.

عرض كرد:

كسى كه در راه سفر متحمّل هزينه شده و در نزد قبر مطهّر انفاقاتى نمايد چه اجر و ثوابى دارد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر درهمى كه انفاق و خرج كرده هزار درهم برايش منظور مى‌شود.

۴- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَصَمِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ أَبَاكَ كَانَ يَقُولُ فِي الْحَجِّ يُحْسَبُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ أَلْفُ دِرْهَمٍ فَمَا لِمَنْ يُنْفِقُ فِي الْمَسِيرِ إِلَى أَبِيكَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقَالَ يَا ابْنَ سِنَانٍ يُحْسَبُ لَهُ بِالدِّرْهَمِ أَلْفٌ وَ أَلْفٌ حَتَّى عَدَّ عَشَرَةً وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُهَا وَ رِضَا اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ وَ دُعَاءُ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه و آله) وَ دُعَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ خَيْرٌ لَهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حميرى باسنادش از اصم، از ابن سنان نقل كرده كه وى گفت:

محضر مبارك حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام عرض كردم: فدايت شوم پدر بزرگوارتان راجع به حجّ مى‌فرمودند:

در مقابل هر درهمى كه شخص انفاق مى كند هزار درهم منظور مى‌شود.

اكنون بفرمائيد: چه اجر و ثوابى است براى كسى كه در سفر زيارت پدرتان حضرت امام حسين عليه السّلام انفاق نمايد؟

حضرت فرمودند:

اى ابن سنان در مقابل هر درهمى كه شخص انفاق كند هزار و هزار ... و همين طور شمردند تا به ده هزار رسيد، منظور مى گردد و به همين مقدار درجه‌اش را بالا مى‌برند و رضايت و خشنودى حق تعالى از وى و دعاء حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و امير المؤمنين و حضرات ائمه عليهم السّلام براى او بهتر از آن مى‌باشد.

۵- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (عليه السلام) عَنْ عَلِيٍّ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ لَهُ طَوِيلٍ قَالَ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ صَلَّى عِنْدَهُ يَعْنِي الْحُسَيْنَ (عليه السلام) قَالَ مَنْ صَلَّى عِنْدَهُ رَكْعَتَيْنِ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ فَقُلْتُ فَمَا لِمَنِ اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ ثُمَّ أَتَاهُ قَالَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ وَ هُوَ يُرِيدُهُ تَسَاقَطَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ جَهَّزَ إِلَيْهِ وَ لَمْ يَخْرُجْ لِعِلَّةٍ قَالَ يُعْطِيهِ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ مِثْلَ جَبَلِ أُحُدٍ وَ يُخْلِفُ عَلَيْهِ أَضْعَافَ مَا أَنْفَقَ وَ يَصْرِفُ عَنْهُ مِنَ الْبَلَاءِ مِمَّا قَدْ نَزَلَ فَيُدْفَعُ وَ يُحْفَظُ فِي مَالِهِ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطُولِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه عليه از محمّد بن إدريس و محمّد بن يحيى عطّار از عمركى بن علىّ نقل كرده كه وى گفت: حديث كرد براى ما يحيى كه در خدمت حضرت ابى جعفر ثانى عليه السّلام بود از على و او از صفوان جمّال و او از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام حديثى طولانى را نقل كرده و در ضمن آن مى گويد:

محضر مبارك امام عليه السّلام عرضه داشتم: چه اجر و ثوابى است براى كسى كه نزد قبر مطهّر آن حضرت (حضرت امام حسين عليه السّلام) نماز بخواند؟

حضرت فرمودند:

كسى كه نزد قبر آن جناب دو ركعت نماز بخواند چيزى را از خدا نخواسته مگر

آنكه حق تعالى آن را به وى اعطاء مى‌فرمايد.

عرض كردم: چه اجر و ثوابى است براى كسى كه از آب فرات غسل كرده و سپس به زيارت آن حضرت رود؟

امام علیه السّلام فرمودند:

هنگامی که با اراده زیارت آن حضرت از فرات غسل می‌کند تمام گناهانش ریخته شده و پاک می‌گردد مثل اینکه تازه از مادر متولد گردیده.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که خودش بخاطر جهتی نمی‌تواند به زیارت رود ولی دیگری را مجهّز ساخته و به زیارت فرستاده چه می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده خداوند متعال به قدر کوه احد از حسنات به وی داده و چند برابر هزینه‌ای را که متحمل شده برایش باقی می‌گذارد و نیز بلاهائی که نازل شده را از وی دور می‌گرداند و همچنین مال و دارائی وی را حفظ و نگهداری می‌فرماید.

۴۷] – باب چهل و هفتم در بيان آنچه مكروه است اتخاذ و همراه بردنش براى زيارت حضرت حسين بن على عليهما السّلام

۱- حَدَّثَنِى أَبِى رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِى رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِى خَلَفٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) بَلَغَنِى أَنَّ قَوْماً أَرَادُوا الْحُسَيْنَ (عليه السلام) حَمَلُوا مَعَهُمُ السُّفَرَ فِيهَا الْحَلَاوَةُ وَ الْأَخْبِصَةُ وَ أَشْبَاهُهَا لَوْ زَارُوا قُبُورَ أَحِبَّائِهِمْ مَا حَمَلُوا مَعَهُمْ هَذَا

پدرم رحمة اللّه عليه و على بن الحسين و جماعتى از مشايخ و اساتيدم رحمة اللّه عليهم، از سعد بن عبد اللّه بن ابى خلف، از احمد بن محمّد بن عيسى، از على بن الحكم، از برخى اصحاب ما نقل كرد كه وى گفت:

حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

به من گزارش شده گروهى به قصد زيارت قبر حضرت حسين بن على عليهما السّلام حركت كرده و با خود سفره‌هائى را برداشته‌اند كه در آنها شيرينى‌جات و حلواها و امثال اينها را گذاشته‌اند، ايشان اگر به زيارت قبور محبوب‌هايشان روند امثال اين گونه از اشياء را با خود حمل نمى‌كنند.

۲- وَ حَدَّثَنِى مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ وَ غَيْرُهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ الْجَمَّالِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الرَّقَّةِ يُقَالُ لَهُ أَبُو الْمَضَاءِ قَالَ قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) تَأْتُونَ قَبْرَ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَ فَتَتَّخِذُونَ لِذَلِكَ سُفَراً قُلْتُ نَعَمْ- فَقَالَ أَمَا لَوْ أَتَيْتُمْ قُبُورَ آبَائِكُمْ وَ أُمَّهَاتِكُمْ لَمْ تَفْعَلُوا ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ أَيَّ شَيْءٍ نَأْكُلُ قَالَ الْخُبْزَ وَ اللَّبَنَ قَالَ وَ قَالَ كَرَّامٌ لِأَبِى عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ قَوْماً يَزُورُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَيُطَيِّبُونَ السُّفَرَ قَالَ فَقَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَمَا إِنَّهُمْ لَوْ زَارُوا قُبُورَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ آبَائِهِمْ مَا فَعَلُوا ذَلِكَ

و محمّد بن الحسن بن احمد و غيرش از سعد بن عبد اللّه، از موسى بن عمر، از صالح بن سندى جمّال، از مردى كه اهل رقّه بود و به وى ابو المضا مى‌گفتند نقل كرده كه وى گفت:

حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام به من فرمودند:

آيا به زيارت قبر حضرت ابا عبد اللّه الحسين عليه السّلام مى‌رويد؟

عرض كردم: بلى.

فرمودند:

آيا با خود سفره‌ها را برداشته و مى‌بريد؟

عرض كردم: بلى.

فرمودند:

قطعى است كه اگر به زيارت قبور پدران و مادران خود برويد چنين كارى نمى‌كنيد.

وى مى‌گويد: عرض كردم:

پس چه چيز بخوريم؟

حضرت فرمودند:

نان و شير.

وى مى‌گويد: كرام (يعنى: عبد الكريم بن عمرو الخثعمى) به حضرت عرض كرد:

فدايت شوم گروهى به زيارت قبر حضرت حسين بن على عليهما السّلام مى‌روند و سفره‌هايشان را به انواع اطعمه مطبوع خوش‌بو و معطّر مى‌نمايند؟

حضرت فرمودند:

قطعی و حتمی است که ایشان اگر به زیارت قبور پدرانشان روند چنین نمی‌کنند.

۳- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بَلَغَنِی أَنَّ قَوْماً إِذَا زَارُوا الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ حَمَلُوا مَعَهُمُ السُّفَرَ فِیهَا الْحَلَاوَةُ وَ الْأَخْبِصَةُ وَ أَشْبَاهُهَا لَوْ زَارُوا قُبُورَ أَحِبَّائِهِمْ مَا حَمَلُوا ذَلِکَ

حکیم بن داود از سلمهٔ بن الخطّاب، از احمد بن محمّد، از علی بن الحکم، از برخی اصحاب ما نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

به من گزارش شده گروهی هر گاه به زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام می‌روند با خود سفره‌هائی که در آن شیرینی‌جات و حلواها و امثال اینها را گذاشته برمی‌دارند، ایشان اگر به زیارت قبور دوستان و محبوب‌هایشان روند این گونه از اشیاء را با خود حمل نمی‌کنند.

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ قَالَ حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِیِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) تَزُورُونَ خَیْرٌ مِنْ أَنْ لَا تزورون [تَزُورُوا وَ لَا تَزُورُونَ خَیْرٌ مِنْ أَنْ تزورون [تَزُورُوا قَالَ قُلْتُ قَطَعْتَ ظَهْرِی قَالَ تَاللَّهِ إِنَّ أَحَدَکُمْ لَیَذْهَبُ إِلَی قَبْرِ أَبِیهِ کَئِیباً حَزِیناً وَ تَأْتُونَهُ أَنْتُمْ بِالسُّفَرِ کَلَّا حَتَّی تأتونه [تَأْتُوهُ شُعْثاً غُبْراً

محمّد بن احمد بن الحسین می‌گوید:

حسن بن علی بن مهزیار از پدرش، از حسین بن سعید، از زرعهٔ بن محمّد حضرمی، از مفضّل بن عمر نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

زیارت بروید بهتر است از اینکه به زیارت نروید و زیارت نروید بهتر است از اینکه به زیارت بروید.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

کمر من را شکستید با این کلام.

حضرت فرمودند:

به خدا قسم یکی از شما وقتی به زیارت قبر پدرش می‌رود غمگین و اندوهناک می‌رود ولی به زیارت قبر مطهّر آن حضرت می‌روید در حالی که با خود سفره‌ها می‌برید، نه، این طور نباید به زیارت آن جناب بروید بلکه زیارتش کنید با حالی افسرده و حزین و گرفته.

*** ***

*** ***

۴۸] – باب چهل و هشتم در بیان اینکه واجب است زائر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام چه گونه باشد

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُدْلِجٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ إِذَا خَرَجْنَا إِلَی أَبِیکَ أَ فَکُنَّا [أَ فَلَسْنَا]فِی حَجٍّ قَالَ بَلَی قُلْتُ فَیَلْزَمُنَا مَا یَلْزَمُ الْحَاجَّ قَالَ مِنْ مَا ذَا قُلْتُ مِنَ الْأَشْیَاءِ الَّتِی یَلْزَمُ الْحَاجَّ قَالَ یَلْزَمُکَ حُسْنُ الصَّحَابَةِ لِمَنْ یَصْحَبُکَ وَ یَلْزَمُکَ قِلَّةُ الْکَلَامِ إِلَّا بِخَیْرٍ وَ یَلْزَمُکَ کَثْرَةُ ذِکْرِ اللَّهِ وَ یَلْزَمُکَ نَظَافَةُ الثِّیَابِ وَ یَلْزَمُکَ الْغُسْلُ قَبْلَ أَنْ تَأْتِیَ الْحَائِرَ وَ یَلْزَمُکَ الْخُشُوعُ وَ کَثْرَةُ الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ یَلْزَمُکَ التَّوْقِیرُ لِأَخْذِ مَا لَیْسَ لَکَ وَ یَلْزَمُکَ أَنْ تَغُضَّ بَصَرَکَ وَ یَلْزَمُکَ أَنْ تَعُودَ إِلَی أَهْلِ الْحَاجَةِ مِنْ إِخْوَانِکَ إِذَا رَأَیْتَ مُنْقَطِعاً وَ الْمُوَاسَاةُ وَ یَلْزَمُکَ التَّقِیَّةُ الَّتِی قِوَامُ دِینِکَ بِهَا وَ الْوَرَعُ عَمَّا نُهِیتَ عَنْهُ وَ الْخُصُومَةِ وَ کَثْرَةِ الْأَیْمَانِ وَ الْجِدَالِ الَّذِی فِیهِ الْأَیْمَانُ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِکَ تَمَّ حَجُّکَ وَ عُمْرَتُکَ وَ اسْتَوْجَبْتَ مِنَ الَّذِی طَلَبْتَ مَا عِنْدَهُ بِنَفَقَتِکَ وَ اغْتِرَابِکَ عَنْ أَهْلِکَ وَ رَغْبَتِکَ فِیمَا رَغِبْتَ أَنْ تَنْصَرِفَ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصری از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم، وی می گوید:

مدلج از محمّد بن مسلم برای ما نقل کرد که وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: هر گاه به زیارت پدر بزرگوارتان (حضرت امام حسین علیه السّلام) می‌رویم آیا بهمان هیئت و کیفیّتی که به حج می‌رویم باشیم؟

حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: پس آنچه بر حاجی لازم است بر ما نیز است؟

حضرت فرمودند: چه چیزهائی را گفتی؟

عرض کردم: اشیائی را که بر حاجی لازم می‌باشد.

حضرت فرمودند:

بر تو لازم است که با همراهانت خوش رفتار باشی، سخن اندک بگوئی و حتی الامکان تکلّم نکنی مگر به خیر.

بر تو لازم است زیاد بیاد خدا باشی.

و بر و لازم است جامه و لباس‌هایت را نظیف و پاکیزه نگاه داری.

و بر تو لازم است پیش از اینکه به حائر برسی غسل نمائی.

لازم است بر تو که خاشع بوده و زیاد نماز خوانده و بسیار بر محمّد و آل محمّد صلوات بفرستی و به آنچه از تو نیست و مال دیگری است احترام گذارده و بر نداری.

لازم است به آنچه حلال نیست نگاه نکرده و چشم خود را از آن فروبندی.

لازم است وقتی برادر ایمانی خود را نیازمند دیده و ملاحظه کردی که بواسطه نداشتن نفقه از ادامه عمل عاجز است به دیدنش رفته او را کمک کرده و به مواسات با او رفتار نمائی.

بر تو لازم است تقیه که دین تو به آن قائم است را رعایت کنی.

واجب است از آنچه منهی هستی و از خصومت و دشمنی و زیاد قسم خوردن و از جدال کردنی که در اثناء آن به خوردن قسم مبادرت می‌ورزی اجتناب و دوری کنی.

و وقتی به این دستورها عمل کردی البتّه حجّ و عمره تو تمام و کامل بوده و به واسطه صرف نفقه و دور شدن از اهل و عیالت و

روی تـافتن از آنچه به آن مایـل هسـتی از کسـی که آنچه نزدش بوده و تو آن را طلب کردی اسـتحقاق پیـدا می‌کنی که از سـفرت مراجعه کرده در حالی که مغفرت و رحمت و رضوانش شامل تو شده باشد.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ زُرْعَهًْ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِیِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) تَزُورُونَ خَیْرٌ مِنْ أَنْ لَا تزورون [تَزُورُوا- وَ لَا تَزُورُونَ خَیْرٌ مِنْ أَنْ تزورون [تَزُورُوا قَالَ قُلْتُ قَطَعْتَ ظَهْرِی قَالَ تَاللَّهِ إِنَّ أَحَدَکُمْ لَیَذْهَبُ إِلَی قَبْرِ أَبِیهِ کَئِیباً حَزِیناً وَ تَأْتُونَهُ أَنْتُمْ بِالسُّفَرِ کَلَّا حَتَّی تأتونه [تَأْتُوهُ شُعْثاً غُبْراً

مترجم گوید:

این حدیث عینا با ترجمه‌اش در باب چهل و هفتم «حدیث چهارم» قبلا گذشت.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ غَیْرُهُمْ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی الْأَشْعَرِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَرَدْتَ زِیَارَهًَْ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَزُرْهُ وَ أَنْتَ کَئِیبٌ حَزِینٌ مَکْرُوبٌ شَعِثاً مُغْبَرّاً جَائِعاً عَطْشَاناً فَإِنَّ الْحُسَیْنَ قُتِلَ حَزِیناً مَکْرُوباً شَعِثاً مُغْبَرّاً جَائِعاً عَطْشَاناً- وَ سَلْهُ الْحَوَائِجَ وَ انْصَرِفْ عَنْهُ وَ لَا تَتَّخِذْهُ وَطَنا

پدر و برادرم و علی بن الحسین و دیگران رحمهٔ اللّه علیهم از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف، از احمد بن محمّد بن عیسی الاشعری، از علی بن الحکم، از بعض اصحاب ما، از ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده وی گفت: حضرت امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هنگامی که اراده زیارت حضرت حسین علیه السّلام را نمودی پس آن حضرت را با حالی غمگین و اندوه‌ناك و ناراحت و ژولیده و گرفته و گرسنه و تشنه زیارت نما زیرا حضرتش کشته شدند در حالی که غمگین و ناراحت و ژولیده و گرفته و گرسنه و تشنه بودند و از آن جناب حوائج و خواسته‌های خود را بخواه و سپس از آنجا برگرد و آن مکان شریف را وطن برای خود قرار مده.

۴- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِیِّ الْجَمَّالِ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ کَرَّامِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لِکَرَّامٍ إِذَا أَرَدْتَ أَنْتَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَزُرْهُ وَ أَنْتَ کَئِیبٌ حَزِینٌ شَعِثٌ مُغْبَرٌّ فَإِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) قُتِلَ وَ هُوَ کَئِیبٌ حَزِینٌ شَعِثٌ مُغْبَرٌّ جَائِعٌ عَطْشَانُ

و با اسـناد حدیث قبل از سـعد بن عبد اللّه، از موسی بن عمر، از صالح بن سندی جمّال از کسی که ذکرش نموده از کرام بن عمرو، وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

ای کرام! هر گاه اراده نمودی قبر حضـرت حسـین بن علی علیهما السّلام را زیارت کنی پس آن حضرت را با حالی غمگین و حزین و هیئتی ژولیـده و گرفته زیـارت نمـا، زیرا حضـرتش کشـته شـد در حالی که محزون و غمگین و ژولیـده و گرفته و گرسـنه و تشـنه بودند.

۴۹] – باب چهل و نهم ثواب کسی که سواره یا پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام برود و خواندن و مناجات حق تعالی زائر قبر مطهّر را

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ جَمِیعاً عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ النَّهَاوَنْدِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ ثُوَیْرِ بْنِ أَبِی فَاخِتَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَا حُسَیْنُ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ یُرِیدُ زِیَارَةَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (صلی الله علیه و آله) إِنْ کَانَ مَاشِیاً کَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَی عَنْهُ سَیِّئَةً حَتَّی إِذَا صَارَ فِی الْحَائِرِ کَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُصْلِحِینَ الْمُنْتَجَبِینَ [الْمُفْلِحِینَ الْمُنْجِحِینَ حَتَّی إِذَا قَضَی مَنَاسِکَهُ کَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِینَ حَتَّی إِذَا أَرَادَ الِانْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَکٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یُقْرِءُکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ لَکَ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَکَ مَا مَضَی

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه و محمّد ابن یحیی و عبد اللّه بن جعفر حمیری و احمد بن ادریس جملگی از حسین بن عبید اللّه، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از عبد الجبّار نهاوندی از ابو سعید، از حسین بن ثویر بن أبی فاخته، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

ای حسین! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین ابن علی علیهما السّلام باشد اگر پیاده رود خداوند منّان به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید تا زمانی که به حائر برسد و پس از رسیدن به آن مکان شریف حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می‌دهد تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان برساند که در این هنگام او را از فائزین محسوب می‌فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید در این وقت فرشته‌ای نزد او آمده و می گوید:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سلام رسانده و به تو می‌فرماید:

از ابتداء عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَیَخْرُجُ إِلَی قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِأَوَّلِ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةُ ذُنُوبِهِ- ثُمَّ لَمْ یَزَلْ یُقَدَّسُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّی یَأْتِیَهُ فَإِذَا أَتَاهُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَعَالَی فَقَالَ عَبْدِی سَلْنِی أُعْطِکَ ادْعُنِی أُجِبْکَ اطْلُبْ مِنِّی أُعْطِکَ سَلْنِی حَاجَةً أقضیها [أَقْضِهَا لَکَ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ حَقٌّ عَلَی اللَّهِ أَنْ یُعْطِیَ مَا بَذَلَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه و محمّد بن یحیی، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهّان، وی می گوید:

حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

شخصی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام می‌رود، زمانی که از اهلش جدا شد با اولین گامی که برمی‌دارد تمام گناهانش آمرزیده می‌شود سپس با هر قدمی که برمی‌دارد پیوسته تقدیس و تنزیه شده تا به قبر برسد و هنگامی که به آنجا رسید حق تعالی او را خوانده و با وی مناجات نموده و می‌فرماید:

بنده من! از من بخواه تا به تو اعطاء نمایم، من را بخوان اجابتت نمایم، از من طلب کن به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برایت روا سازم.

راوی می گوید، امام علیه السّلام فرمودند:

و بر خداوند متعال حق و ثابت است آنچه را که بذل نموده اعطاء فرماید.

۳- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَالِحٍ عَنِ الْحَرْثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَإِذَا هَمَّ بِزِيَارَتِهِ الرَّجُلُ أَعْطَاهُمُ اللَّهُ ذُنُوبَهُ فَإِذَا خَطَا مَحَوْهَا ثُمَّ إِذَا خَطَا ضَاعَفُوا لَهُ حَسَنَاتِهِ فَمَا تَزَالُ حَسَنَاتُهُ تَضَاعَفُ حَتَّى تُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ اكْتَنَفُوهُ وَ قَدَّسُوهُ وَ يُنَادُونَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ أَنْ قَدِّسُوا زُوَّارَ حَبِيبِ اللَّهِ فَإِذَا اغْتَسَلُوا نَادَاهُمْ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) يَا وَفْدَ اللَّهِ أَبْشِرُوا بِمُرَافَقَتِي فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ نَادَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَا ضَامِنٌ لِقَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ وَ دَفْعِ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ الْتَقَاهُمْ [اكْتَنَفَهُمُ]النَّبِيُّ (صلى الله عليه و آله) عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ حَتَّى يَنْصَرِفُوا إِلَى أَهَالِيهِمْ

و با اسناد حديث قبلى از صالح، از حارث بن مغيره، وى مى گويد:

حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

خداوند متعال فرشتگانى دارد كه موكّل قبر حضرت امام حسين عليه السّلام مى‌باشند هنگامى كه شخص قصد زيارت آن حضرت را مى‌نمايد حق تعالى گناهان او را در اختيار اين فرشتگان قرار مى‌دهد و زمانى كه وى قدم برداشت فرشتگان تمام گناهانش را محو مى كنند و سپس قدم دوّم را كه برداشت حسناتش مضاعف و دو چندان مى كنند و پيوسته با قدمهائى كه برمى‌دارد حسناتش مضاعف مى گردد تا به حدّى مى‌رسد كه بهشت برايش واجب و ثابت مى گردد، سپس اطرافش را گرفته و تقديسش مى كنند و فرشتگان آسمان نداء داده و مى گويند:

زوّار دوست دوست خدا را تقديس نمائيد.

و وقتى زوّار غسل كردند حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم ايشان را مورد نداء قرار داده و مى‌فرمايد:

اى مسافران خدا! بشارت باد بر شما كه در بهشت با من هستيد.

سپس امير المؤمنين عليه السّلام به ايشان نداء نموده و مى‌فرمايد: من ضامنم كه حوائج شما را بر آورده نموده و بلاء را در دنيا و آخرت از شما دفع كنم، سپس پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم با ايشان از طرف راست و چپ ملاقات فرموده تا بالأخره به اهل خود بازگردند.

۴- وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ وَ جَمَاعَةٌ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ جَابِرٍ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَ عَلِّقْ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِياً وَ امْشِ مَشْيَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ فَإِذَا أَتَيْتَ بَابَ الْحَائِرِ فَكَبِّرْ أَرْبَعاً ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا ثُمَّ كَبِّرْ أَرْبَعاً ثُمَّ ائْتِ رَأْسَهُ فَقِفْ عَلَيْهِ فَكَبِّرْ أَرْبَعاً [فَكَبِّرْ وَ صَلِّ عِنْدَهُ وَ اسْأَلْ]وَ صَلِّ أَرْبَعاً وَ اسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ

على بن الحسين بن موسى بن بابويه و جماعتى رحمة اللّه عليهم، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن علىّ بن عبد اللّه بن مغيره، از عبّاس بن عامر، از جابر مكفوف، از أبى الصّامت، وى مى گويد:

از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

كسى كه پياده به زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السّلام برود خداوند متعال به هر قدمى كه بر مى‌دارد هزار حسنه برايش ثبت و هزار گناه از وى محو مى‌فرمايد و هزار درجه مرتبه‌اش را بالا مى‌برد سپس فرمودند:

وقتى به فرات وارد شدى ابتداء غسل كن و كفش‌هايت را آويزان نما و پاى برهنه راه برو و مانند بنده ذليل راه برو و وقتى به درب حائر رسيدى چهار مرتبه تكبير بگو سپس اندكى حركت كن باز چهار بار تكبير گفته بعد به طرف بالاى سر حضرت برو و در آنجا بايست و سپس چهار مرتبه تكبير بگو و نزد قبر نماز بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه.

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَدْنَى مَا لِزَائِرِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقَالَ لِي يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ

لَهُ أَنَّ اللَّهَ يَحْفَظُهُ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أَهْلِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كَانَ اللَّهُ الْحَافِظَ لَهُ

محمّـد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسـين، از محمّد بن اسـماعيل بن بزيع، از صالح بن عقبه، از عبد اللّه بن هلال، از حضـرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده، وى گفت:

محضـر امام عليه السّـلام عرض كردم: فدايت شوم كمترين ثواب و اجرى كه براى زائر قبر حضـرت امام حسـين عليه السّلام مى‌باشد چيست؟

حضرت فرمودند:

اى عبـد اللّه! كمترين پاداشـى كه براى او است اينكه: خداونـد متعـال خود و اهلش را حفـظ كرده تا به خويشانش باز گردد و وقتى روز قيامت شد خداوند متعال حافظ او خواهد بود.

۶- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونٍ الصَّائِغِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ يَا عَلِيُّ زُرِ الْحُسَيْنَ وَ لَا تَدَعْهُ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ مَنْ أَتَاهُ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً وَ رَفَعَ لَهُ دَرَجَةً فَإِذَا أَتَاهُ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكَيْنِ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَ لَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ فَإِذَا انْصَرَفَ وَدَّعُوهُ وَ قَالُوا يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُوراً لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ وَ حِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ وَ اللَّهِ لَا تَرَى النَّارَ بِعَيْنِكَ أَبَداً وَ لَا تَرَاكَ وَ لَا تَطْعَمُكَ أَبَداً

پـدرم رحمـهٔ اللّه عليه از حسـين بن حسن بن ابان، از محمّـد بن اورمه از كسـى كه برايش حـديث گفته، از على بن ميمون صائغ، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده كه آن حضرت فرمودند:

اى على! قبر حسين عليه السّلام را زيارت كن و ترک مكن.

عرض كردم: ثواب كسى كه آن حضرت را زيارت كند چيست؟

حضرت فرمودند:

كسـى كه پياده زيارت كند خداوند بهر قدمى كه برمى‌دارد يک حسـنه برايش نوشـته و يک گناه از او محو مى‌فرمايد و يک درجه مرتبه‌اش را بالا مى‌برد و وقتى به زيارت رفت حق تعالى دو فرشـته را موكّل او مى‌فرمايـد كه آنچه خير از دهان او خارج مى‌شود را نوشته و آنچه شر و بد مى‌باشد را ننويسند و وقتى برگشت با او وداع كرده و به وى مى‌گويند:

اى ولىّ خـدا گناهانت آمرزيـده شـد و تو از افراد حزب خدا و حزب رسول او و حزب اهل بيت رسولش مى‌باشـى و خداوند هرگز چشمانت را به آتش جهنم بينا نمى‌كند و آتش نيز تو را ابدا نخواهد ديد و تو را طعمه خود نخواهد نمود.

۷- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَكَمِ النَّخَعِيِّ عَنْ أَبِي حَمَّادٍ الْأَعْرَابِيِّ عَنْ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَذَكَرَ فَتًى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مَا أَتَاهُ عَبْدٌ فَخَطَا خُطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ حَطَّ عَنْهُ سَيِّئَةً

پـدرم رحمهٔ اللّه عليه، از سـعد بن عبد اللّه و عبد اللّه بن جعفر حميرى، از احمد بن محمّد بن خالد برقى، از پدرش از عبد العظيم بن عبد اللّه بن الحسن، از حسن بن حكيم النخعى، از ابى حمّاد اعرابى، از سدير صيرفى، وى مى‌گويد:

محضر ابى جعفر عليه السّلام بوديم پس جوانى قبر حضرت امام حسين عليه السّلام را متذكر شد.

حضرت ابو جعفر عليه السّلام بوى فرمود:

بنده‌اى به زيارت حضرت نرفته و قدمى برنداشته مگر آنكه حقتعالى براى او يک حسنه نوشته و يک گناه از او پاک مى‌كند.

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ

الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) مِنْ شِيعَتِنَا لَمْ يَرْجِعْ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ كُلُّ ذَنْبٍ- وَ يُكْتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا وَ كُلِّ يَدٍ رَفَعَتْهَا دَابَّتُهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ وَ مُحِيَ عَنْهُ أَلْفُ سَيِّئَةٍ- وَ تُرْفَعُ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد الرحمن بن حماد بصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم از عبد اللّه بن مسکان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که از شیعیان ما بوده و حسین علیه السّلام را زیارت کند از زیارت برنگشته مگر آنکه تمام گناهانش آمرزیده می‌شود و برای هر قدمی که برمی‌دارد و هر دستی که بالا می‌رود و اسبش را حرکت داده و می‌راند هزار حسنه ثبت شده و هزار گناه محو گشته و هزار درجه مرتبه‌اش بالا می‌رود.

۹- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ بَشِيرٍ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَاضِي قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي غُرَيْفَةٍ لَهُ وَ عِنْدَهُ مُرَازِمٌ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ وَ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَ يَضَعُهَا عِتْقَ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ وَ مَنْ أَتَاهُ بِسَفِينَةٍ فَكَفَتْ بِهِمْ سَفِينَتُهُمْ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَتْ لَكُمُ الْجَنَّةُ

محمّد بن جعفر قرشی رزّاز از دائی خود محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از احمد بن بشیر سرّاج، از ابو سعید قاضی، وی گفت: حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در غرفه کوچکی که داشتند نزول اجلال داشتند و مرازم نیز در خدمت آن جناب بود من بر ایشان داخل شدم، شنیدم حضرت می‌فرمودند:

کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برود خداوند متعال به هر گامی که برداشته و به هر قدمی که از زمین بلند نموده و بر آن نهاده ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد حضرت اسماعیل را می‌دهد.

و کسی که با کشتی به زیارت آن حضرت رود و در اثناء کشتی چپ شده و سرنشینانش را در آب بریزد منادی از آسمان نداء می‌کند:

خوشا به حال شما و گوارا باد بر شما بهشت.

۱۰- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مِيثَمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ النَّجَّارِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) تَزُورُونَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) وَ تَرْكَبُونَ السُّفُنَ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّهَا إِذَا انْكَفَتْ بِكُمْ نُودِيتُمْ أَلَا طِبْتُمْ وَ طَابَتْ لَكُمُ الْجَنَّةُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن احمد بن حمدان قلانسی، از محمّد بن الحسین المحاربی، از احمد بن میثم، از محمّد بن عاصم، از عبد اللّه بن نجّار نقل کرده، وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به من فرمودند:

آیا به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام می‌روید؟ و آیا بر کشتی سوار می‌شوید و به زیارت آن حضرت می‌روید؟

عرض کردم: بلی.

حضرت فرمودند:

آیا می‌دانی هر گاه کشتی شما را در دریا واژگون کند منادی ندا می‌کند:

آگاه باشید! خوشا بحال شما، بهشت بر شما گوارا باد.

۵۰] – باب پنجاهم کرامت خداوند تبارک و تعالی در حق زوّار حضرت حسین بن علی صلوات اللّه علیهما

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ زَیْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الطَّحَّانِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ وَ هُوَ یَقُولُ مَا مِنْ أَحَدٍ یَوْمَ الْقِیَامَةِ إِلَّا وَ هُوَ یَتَمَنَّی أَنَّهُ مِنْ زُوَّارِ الْحُسَیْنِ لِمَا یَرَی مِمَّا یُصْنَعُ بِزُوَّارِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مِنْ کَرَامَتِهِمْ عَلَی اللَّهِ تَعَالَی

محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمّد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از اسماعیل بن زید، از عبد اللّه طحّان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام وی گفت:

شنیدم از امام علیه السّلام که می‌فرمودند:

احدی نیست در روز قیامت مگر آنکه آرزو می‌کند از زوّار امام حسین علیه السّلام باشد زیرا مشاهده می‌کند با ایشان چه معامله‌ای شده و چه کرامتی حق تبارک و تعالی در باره آنها منظور می‌فرماید.

۲- وَ رَوَی صَالِحٌ الصَّیْرَفِیُّ عَنْ عِمْرَانَ الْمِیثَمِیِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ مِیثَمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَکُونَ عَلَی مَوَائِدِ النُّورِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ- فَلْیَکُنْ مِنْ زُوَّارِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ع

صالح صیرفی از عمران میثمی و او از صالح بن میثم و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: کسی که دوست دارد بر سفره‌های نور بنشیند در روز قیامت، پس باید از زوّار حضرت حسین بن علی علیهما السّلام باشد.

۳- حَدَّثَنِی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِیِّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو الْفَضْلِ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) کَأَنِّی بِالْمَلَائِکَةِ وَ اللَّهِ قَدْ ازْدَحَمُوا الْمُؤْمِنِینَ عَلَی قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ فَیَتَرَاءَوْنَ لَهُ قَالَ هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ قَدْ لَزِمُوا وَ اللَّهِ الْمُؤْمِنِینَ حَتَّی إِنَّهُمْ لَیَمْسَحُونَ وُجُوهَهُمْ بِأَیْدِیهِمْ قَالَ وَ یُنْزِلُ اللَّهُ عَلَی زُوَّارِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) غُدْوَةً وَ عَشِیَّةً مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ وَ خُدَّامُهُمُ الْمَلَائِکَةُ لَا یَسْأَلُ اللَّهَ عَبْدٌ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهَا إِیَّاهُ قَالَ قُلْتُ هَذِهِ وَ اللَّهِ الْکَرَامَةُ قَالَ لِی یَا مُفَضَّلُ أَزِیدُکَ قُلْتُ نَعَمْ سَیِّدِی قَالَ کَأَنِّی بِسَرِیرٍ مِنْ نُورٍ قَدْ وُضِعَ وَ قَدْ ضُرِبَتْ عَلَیْهِ قُبَّةٌ مِنْ یَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ مُکَلَّلَةٍ بِالْجَوَاهِرِ وَ کَأَنِّی بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) جَالِسٌ عَلَی ذَلِکَ السَّرِیرِ وَ حَوْلَهُ تِسْعُونَ أَلْفَ قُبَّةٍ خَضْرَاءَ وَ کَأَنِّی بِالْمُؤْمِنِینَ یَزُورُونَهُ وَ یُسَلِّمُونَ عَلَیْهِ فَیَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ أَوْلِیَائِی سَلُونِی- فَطَالَ مَا أُوذِیتُمْ وَ ذُلِّلْتُمْ وَ اضْطُهِدْتُمْ فَهَذَا یَوْمٌ لَا تَسْأَلُونِّی حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا قَضَیْتُهَا لَکُمْ فَیَکُونُ أَکْلُهُمْ وَ شُرْبُهُمْ فِی الْجَنَّةِ فَهَذِهِ وَ اللَّهِ الْکَرَامَةُ الَّتِی لَا انْقِضَاءَ لَهَا وَ لَا یُدْرَکُ مُنْتَهَاهَا

حسین بن محمّد بن عامر، از معلّی بن محمّد بصری، وی می‌گوید:

ابو الفضل، از ابن صدقه، از مفضّل بن عمر نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

گویا می‌بینم که فرشتگان با موءمنین بر سر قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام ازدحام کرده‌اند.

راوی می‌گوید: عرضه داشتم:

آیا موءمنین فرشته را می‌بینند؟

حضرت فرمودند:

هرگز، هرگز، آنها به خدا قسم ملازم و همراه موءمنین بودند حتّی با دست‌هایشان به صورت‌های آنها مسح می‌کشند.

سپس امام علیه السّلام فرمودند:

خداوند منّان هر صبح و شام از طعام بهشت بر زوّار امام حسین علیه السّلام نازل می‌فرماید و خدمتکاران ایشان فرشتگانند.

هیچ بنده‌ای از بندگان خداوند حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند متعال در خواست نمی‌کنند مگر آنکه خدا به او عطاء

می‌فرماید.

راوی می‌گوید: عرض کردم: به خدا قسم این کرامت می‌باشد.

امام علیه السّلام به من فرمودند:

ای مفضّل: برایت بیشتر بگویم؟

عرضه کردم: بلی سرور من.

حضرت فرمودند:

گویـا می‌بینم تختی از نور را که گذارده‌انـد و بر روی آن قبّه‌ای از یـاقوت سـرخ زده شـده که بـا جواهرات آن را زینت نموده‌انـد و حضـرت امام حسـین علیه السّلام بر روی آن تخت نشسته‌اند و اطراف آن حضرت نود هزار قبه سبز زده‌اند و موءمنین آن حضرت را زیارت کرده و بر آن جناب سلام می‌دهند، پس خداوند متعال به ایشان می‌فرماید:

ای دوسـتانم از من سـوءال کنیـد و بخواهیـد، پس زیـاد اذیّت شدیـد و خـوار و مقهـور گردیدیـد امروز، روزی است که حـاجتی از حاجات دنیا و آخرتتان را از من در خواست نکرده مگر آن را روا می‌نمایم، پس خوردن و آشامیـدنشان در بهشت می‌باشد، پس به خدا قسم کرامت و احسانی که زوال نداشته و انتهاء آن را نمی‌توان درک کرد همین است.

۵۱] - باب پنجاه و یکم ایّام زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام جزء عمر زائر شمرده نمی‌شود

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو سَعِیدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ زَکَرِیَّا الْعَدَوِیُّ الْبَصْرِیُّ عَنْ هَیْثَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرُّمَّانِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) عَنْ أَبِیهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ (علیهما السلام) إِنَّ أَیَّامَ زَائِرِی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) لَا تُحْسَبُ مِنْ أَعْمَارِهِمْ وَ لَا تُعَدُّ مِنْ آجَالِهِمْ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری می گوید:

ابو سعید حسن بن علی بن زکریّا عدوی بصری، از هیثم بن عبد اللّه رمّانی از حضرت ابی الحسن الرضا علیه السّلام نقل نموده و آن جناب از پدر بزرگوارشان حکایت کرده‌اند که ابو عبد اللّه جعفر بن محمّد الصادق علیهما السّلام فرمودند:

ایّام زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی گردد.

۵۲] – باب پنجاه و دوّم زائرين امام حسين عليه السّلام همسايه رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و حضرت على و فاطمه عليهما السّلام مى‌باشند

۱- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَیْهِ ره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ وَ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدِ بْنِ یَقْطِینٍ الْیَقْطِینِیِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِی خَالِدٍ ذِی الشَّامَةِ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ مَنْ أَرَادَ أَنْ یَکُونَ فِی جِوَارِ نَبِیِّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ جِوَارِ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ فَلَا یَدَعْ زِیَارَةَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ ع

على بن الحسين و على بن محمّد بن قولويه، از محمّد بن يحيى عطّار و على بن ابراهيم بن هاشم، از محمّد بن عيسى بن عبيد بن يقطين يقطينى، از كسى كه برايش نقل نموده از ابو خالد ذى الشامّة، وى مى گويد:

ابو اسامه برايم حديث گفت، وى اظهار داشت:

از امام صادق عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمود:

كسى كه مى‌خواهد در همسايگى رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و حضرت على و فاطمه عليهما السّلام باشد زيارت حسين بن على عليهما السّلام را ترك نكند.

۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ [أَوْ]أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) یَقُولُ مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَکُونَ مَسْکَنُهُ الْجَنَّةَ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةَ فَلَا یَدَعْ زِیَارَةَ الْمَظْلُومِ قُلْتُ مَنْ هُوَ قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ صَاحِبُ کَرْبَلَاءَ مَنْ أَتَاهُ شَوْقاً إِلَیْهِ وَ حُبّاً لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبّاً لِفَاطِمَةَ وَ حُبّاً لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (صلی الله علیه و آله) أَقْعَدَهُ اللَّهُ عَلَی مَوَائِدِ الْجَنَّةِ یَأْکُلُ مَعَهُمْ وَ النَّاسُ فِی الْحِسَابِ

على بن الحسين باسنادش، از ابى بصير، وى مى گويد:

از حضرت ابا عبد اللّه عليه السّلام يا ابا جعفر عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

كسى كه دوست دارد محل سكنا و منزلش بهشت باشد پس زيارت مظلوم (مظلوم كربلاء) را ترك نكند.

عرض كردم: مظلوم كيست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حسين بن على عليهما السّلام كه صاحب كربلاء است مى‌باشد، كسى كه بخاطر شوق به آن حضرت و محبّت به رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و فاطمه سلام اللّه عليها و حبّ به امير المؤمنين صلوات اللّه و سلامه عليهم اجمعين حضرتش را زيارت كند خداوند او را بر سر سفره‌هاى بهشتى نشانده كه با آن سروران هم غذا باشد در حالى كه مردم در حساب مى‌باشند.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ بْنِ سُهَیْلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَیْنِ اللُّؤْلُؤِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَیُّوبَ عَنِ الْحَرْثِ بْنِ الْمُغِیرَةِ النَّصْرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی جَعَلَ مَلَائِکَةً مُوَکَّلِینَ بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِذَا هَمَّ الرَّجُلُ بِزِیَارَتِهِ وَ اغْتَسَلَ نَادَی مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) یَا وَفْدَ اللَّهِ أَبْشِرُوا بِمُرَافَقَتِی فِی الْجَنَّةِ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

محمّد بن همام بن سهيل، از جعفر بن محمّد بن مالک نقل كرده كه وى گفت:

محمّد بن عمران گفت: حسن بن حسين لؤلؤى از محمّد بن اسماعيل، از محمّد ابن ايّوب، از حارث بن مغيره نصيرى برايم نقل كرد كه حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

خداوند تبارك و تعالى فرشتگانى را موكّل قبر مطهّر حضرت امام حسين عليه السّلام قرار داده، هر گاه شخصى قصد زيارت آن جناب را نموده و غسل مى‌نمايد حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم وى را نداء كرده و مى‌فرمايد:

اى مسافرين خدا بشارت باد شما را به اينكه در بهشت همراه من هستيد ...

و حديث سابق الذكر را نقل كرده.

۵۳] - باب پنجاه و سوّم زائرين امام حسين عليه السّلام قبل از همه مردم وارد بهشت مى‌شوند

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ره جَمِیعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُکَیْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَارَهَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ لِزُوَّارِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَضْلًا عَلَی النَّاسِ قُلْتُ وَ مَا فَضْلُهُمْ قَالَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ قَبْلَ النَّاسِ بِأَرْبَعِینَ عَاماً- وَ سَائِرُ النَّاسِ فِی الْحِسَابِ وَ الْمَوْقِفِ

پدر و برادر و على بن الحسين و محمّد بن الحسن رحمة اللّه عليهم جملگى از محمّد بن يحيى عطّار، از عمركى بن على بوفكى، از صندل، از عبد اللّه بن بكير، از عبد اللّه بن زراره، وى مى گويد:

از حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

در روز قيامت براى زوّار حسين بن على عليهما السّلام بر ساير مردم فضيلت و برترى مى‌باشد.

عرض كردم: فضيلتشان چيست؟

حضرت فرمودند:

پيش از ديگران و چهل سال قبل از آنها به بهشت داخل مى‌شوند در حالى كه مردم در حساب و موقف مى‌باشند.

۵۴] – باب پنجاه و چهارم ثواب کسی که زیارت امام حسین علیه السّلام را نموده در حالی که عارف به حق آن بزرگوار باشد

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْقُمِّیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الزَّیَّاتِ عَنْ قائد [فَائِدٍ الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْمَاضِی (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از عبد اللّه بن جعفر حمیری و محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش عبد اللّه، از علی بن اسماعیل قمی از محمّد بن عمرو زیّات، از فائد حناط از حضرت ابی الحسن ماضی (امام کاظم) علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسی که امام حسین علیه السّلام را زیارت نموده و به حقّش عارف و آگاه باشد خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

۲- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ الْکُوفِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنَّهُمْ یَرْوُنَ- أَنَّهُ مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) کَانَتْ لَهُ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ قَالَ لِی مَنْ زَارَهُ وَ اللَّهِ عَارِفاً بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

ابو العبّاس کوفی می‌گوید:

محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از حسن بن علی بن فضّال، از محمّد بن الحسن بن کثیر، از هارون بن ابی خارجه، وی می‌گوید: محضر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: مردم روایت نقل می‌کنند که اگر کسی حسین علیه السّلام را زیارت کند ثواب یک حج و یک عمره برای او منظور می‌شود، شما در این باره چه می‌فرمائید؟

حضرت فرمودند:

به خدا قسم کسی که آن حضرت را زیارت کند و عارف به حقّش باشد تمام گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده می‌شود.

ترجمه:

درم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتید، از سعد بن اللّه، از محمّد ابن الحسین باسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده است.

۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنِ الْخَیْبَرِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ (علیهما السلام) أَدْنَی مَا یُثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) بِشَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ بِحَقِّهِ وَ حُرْمَتِهِ وَ وَلَایَتِهِ أَنْ یُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از خیبری، از حسین بن محمّد قمّی، وی گفت:

حضرت ابو الحسین موسی بن جعفر علیهما السّلام فرمودند:

کمترین ثوابی که به زائر امام حسین علیه السّلام در شطّ فرات می‌دهند بشرطی که عارف به حقّ و حرمت و ولایت آن جناب باشد این است که گناهان گذشته و آینده‌اش را حقتعالی می‌آمرزد.

۴- وَ حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ [اللَّهُ]لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

ابو العبّاس، از محمّد بن الحسن، از صفوان بن یحیی، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی می‌گوید: حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام رود در حالی که به حقّ آن جناب عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته

و آینده او را می‌آمرزد.

۵- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ سُلَيْمَانَ بْنِ سُفْيَانَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (علیهما السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ [اللَّهُ]لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

از ابو العباس، از محمّد بن الحسین، از ابی داود سلیمان بن سفیان مسترق، از برخی اصحاب ما، از مثنی حنّاط، از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السّلام، وی گفت:

از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السّلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

۶- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنْ هِنْدٍ الْحَنَّاطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ يَأْتَمُّ بِهِ غَفَرَ [اللَّهُ]لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از فائد حنّاط نقل کرده که گفت: محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از حکم بن مسکین، از هند حنّاط (در بعضی نسخ فائد حنّاط ضبط شده)، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که حسین علیه السّلام را زیارت کند در حالی که عارف بحقّش بوده و به آن حضرت اقتداء کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌بخشد.

۷- حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

قاسم بن محمّد بن علی از پدرش، از جدّش، از عبد اللّه بن حماد انصاری، از عبد اللّه بن سنان از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی می گوید:

امام علیه السّلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السّلام برود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌بخشد.

۸- وَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ أَخْبَرَنِي يُوسُفُ الْأَنْبَارِيُّ عَنْ قائد [فَائِدٍ الْحَنَّاطِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) إِنَّهُمْ يَأْتُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) بِالنَّوَائِحِ وَ الطَّعَامِ قَالَ قَدْ سَمِعْتُ قَالَ فَقَالَ يَا قائد [فَائِدُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیهما السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

پدرم، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن علی بن عبد اللّه بن المغیره، از عباس بن عامر، وی می گوید: یوسف انباری از فائد حنّاط به من خبر داد که وی گفت:

محضر حضرت ابی الحسن علیه السّلام عرض کردم: مردم با توجّه و گریه به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام رفته و طعام و غذای خود را نیز می‌آورند شما در باره زیارت آن حضرت چه می‌فرمائید؟

راوی می گوید: شنیدم که حضرت فرمودند:

ای فائد: کسی که به زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام برود در حالی که به حقّ آن جناب عارف باشد گناهان گذشته و آینده‌اش را خداوند می‌بخشد.

۹- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ قائد [فَائِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه

السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ [اللَّهُ]لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از فائد، از حضرت ابی الحسن الاوّل علیه السّلام، آن حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام رود و به حق آن جناب عارف باشد حقتعالی گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌بخشد.

۱۰- وَ حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ جَمَاعَةٌ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ یَحْیَی بْنِ عَلِیٍّ التَّمِیمِیِّ قَالَ أَخْبَرَنِی رَجُلٌ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) قَالَ سَمِعْتُ أَبِی یَقُولُ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

پدرم و محمّد بن الحسن و علی بن الحسین و جماعتی از سعد بن عبد اللّه و محمّد بن یحیی از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یحیی بن علی القمّی، وی می گوید:

مردی از عبید اللّه بن عبد اللّه و علی بن الحسین بن علی سلام اللّه علیهم به من خبر داد که آن جناب فرمودند: شنیدم از پدرم که می‌فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السّلام رود و به حق آن جناب عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می آمرزد.

۱۱- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ یَحْیَی بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بِهَذَیْنِ الْحَدِیثَیْنِ سَوَاءً

محمّد بن یحیی به اسنادش از صالح بن عقبه، از یحیی بن علی از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السّلام رود و به حقّ آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می آمرزد.

محمّد بن جعفر قرشی، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه وی نظیر و مانند دو حدیث گذشته را عینا از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است.

۱۲- حَدَّثَنِی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُثَنَّی الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

حسین بن محمّد بن عامر، از معلّی بن محمّد بصری، از ابی داود مسترق از برخی اصحاب ما، از مثنّی حنّاط از حضرت ابی الحسن الاول علیه السّلام، وی گفت:

شنیدم که امام علیه السّلام می‌فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السّلام رود و به حقّ آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می آمرزد.

*** ***

*** ***

۱۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

محمّد بن یعقوب، از احمد بن ادریس، از محمّد بن عبد الجبّار، از صفوان، از ابن مسکان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت امام حسین علیه السّلام برود و به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

۱۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِی یَعْقُوبَ الْأَبْزَارِیِّ عَنْ قائد [فَائِدٍ عَنْ عَبْدٍ صَالِحٍ (علیه السلام) قَالَ دَخَلْتُ عَلَیْهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) قَدْ زَارَهُ النَّاسُ مَنْ یَعْرِفُ هَذَا الْأَمْرَ وَ مَنْ یُنْکِرُهُ وَ رَکِبَتْ إِلَیْهِ النِّسَاءُ وَ وَقَعَ حَالُ الشُّهْرَةِ- وَ قَدِ انْقَبَضْتُ مِنْهُ لِمَا رَأَیْتُ مِنَ الشُّهْرَةِ قَالَ فَمَکَثَ مَلِیّاً لَا یُجِیبُنِی ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَیَّ فَقَالَ یَا عِرَاقِیُّ إِنْ شَهَرُوا أَنْفُسَهُمْ فَلَا تَشْهَرْ أَنْتَ نَفْسَکَ فَوَ اللَّهِ مَا أَتَی الْحُسَیْنَ (علیه السلام) آتٍ عَارِفاً بِحَقِّهِ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از هارون بن مسلم، از حسن بن علی، از احمد بن عائذ، از ابی یعقوب ابزاری، از فائد، از حضرت عبد صالح علیه السّلام، وی می گوید:

بر آن حضرت داخل شده و سلام کرده و محضرش عرض کردم:

فدایت شوم: همه گروه از مردم حضرت حسین علیه السّلام را زیارت می کنند، چه کسانی که به این امر عرفان و شناخت دارند (امر ولایت) و چه آنان که منکر آن می‌باشند و نیز زنان سوار مراکب شده و به زیارت آن حضرت می‌روند و این زیارت‌ها در حالی واقع می‌شود که زیارت‌کنندگان مشهور و مشخص شده‌اند که از دوستان این خاندان هستند و من چون این شهرت را در خارج حسّ کرده و لمس نمودم از رفتن به زیارت خودداری نمودم، وظیفه در اینجا چیست؟

راوی می گوید:

امام علیه السّلام مکث طولانی نموده و جواب من را ندادند سپس روی مبارک به من نموده و فرمودند: ای عراقی اگر آنها خود را آشکار و مشهور نمودند تو خود را مشهور نساز به خدا قسم هیچ کسی به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام نمی‌آید در حالی که عارف به حق آن جناب باشد مگر آنکه حق تعالی گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

۱۵- حَدَّثَنِی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُثَنًّی الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَنْ أَتَی الْحُسَیْنَ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ غُفِرَ لَهُ مِنْ ذَنْبِهِ مَا تَقَدَّمَ وَ مَا تَأَخَّرَ

حسین بن محمّد بن عامر، از معلّی بن محمّد، از ابی داود و مسترق، از برخی اصحاب، از مثنی حنّاط، از ابی الحسن اول (حضرت موسی بن جعفر) علیهما السّلام، وی می گوید:

از آن حضرت شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام رود و به حق آن جناب عارف باشد حق تعالی گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

۱۶- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی بْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ صَالِحٍ النِّیلِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ کَانَ کَمَنْ حَجَّ ثَلَاثَ حِجَجٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن سنان، از محمّد بن صدقه، از صالح النّیلی، وی می گوید:

حضرت أبو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برود و به حق آن حضرت عرفان و آگاهی داشته باشد مانند کسی است که سه حج با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم انجام داده باشد.

۱۷- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ عُبَیْدٍ الْجُعْفِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَبِی جَرِیرٍ الْقُمِّیُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) یَقُولُ لِأَبِی مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ کَانَ مِنْ مُحَدِّثِی اللَّهِ فَوْقَ عَرْشِهِ ثُمَّ قَرَأَ إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنّاتٍ وَ نَهَرٍ. فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیکٍ مُقْتَدِرٍ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبد اللّه نقل کرده‌اند که وی گفت: احمد بن علی بن عبید جعفی گفت:

محمّد بن ابی جریر قمّی گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السّلام شنیدم که به پدرم می‌فرمودند:

کسی که حضرت حسین بن علی علیهما السّلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد از هم صحبت‌های حق تعالی بالای عرش می‌باشد، سپس این آیه را قرائت فرمودند: إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنّاتٍ وَ نَهَرٍ، فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیکٍ مُقْتَدِرٍ.

(همانا اهل تقوی در باغها و کنار نهرها منزل گزینند، در منزل‌گاه صدق و حقیقت نزد خداوند عزّت و سلطنت جاودانی متنعّم می‌باشند).

۵۵] - باب پنجاه و پنجم در بیان اجر کسی که بخاطر حبّ به رسول خدا و أمیر الموءمنین و فاطمه سلام اللّه علیهم أجمعین به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام برود

۱- حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ جُوَیْرِیَةَ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ أَیْنَ زُوَّارُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ فَیَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النَّاسِ لَا یُحْصِیهِمْ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَی فَیَقُولُ لَهُمْ مَا أَرَدْتُمْ بِزِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَیَقُولُونَ یَا رَبِّ أَتَیْنَاهُ حُبّاً لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبّاً لِعَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ رَحْمَةً لَهُ مِمَّا ارْتُکِبَ مِنْهُ فَیُقَالُ لَهُمْ هَذَا مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ فَالْحَقُوا بِهِمْ فَأَنْتُمْ مَعَهُمْ فِی دَرَجَتِهِمْ الْحَقُوا بِلِوَاءِ رَسُولِ اللَّهِ فَیَنْطَلِقُونَ إِلَی لِوَاءِ رَسُولِ اللَّهِ فَیَکُونُونَ فِی ظِلِّهِ- وَ اللِّوَاءُ فِی یَدِ عَلِیٍّ (علیه السلام) حَتَّی یدخلون [یَدْخُلُوا الْجَنَّةَ جَمِیعاً فَیَکُونُونَ أَمَامَ اللِّوَاءِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ یَسَارِهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، و محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از برخی اصحاب، از جویریهٔ بن العلاء، از بعضی اصحابش، از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که روز قیامت شود منادی نداء می‌کند:

کجا هستند زوّار حسین بن علی علیهما السّلام؟

گردن‌های تعدادی از مردم کشیده می‌شود که عدد آنها را غیر از خداوند متعال کس دیگری نمی‌داند پس به ایشان گفته می‌شود قصد شما از زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام چه بود؟

می‌گویند: پروردگارا آن حضرت را زیارت کردیم بجهت محبّتی که به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حضرت علی و فاطمه علیهما السّلام داشته و به منظور طلب رحمت برای صاحب قبر به ازاء آنچه از آن حضرت صادر گردید.

پس به آنها گفته می‌شود:

ایشان محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین سلام اللّه علیهم بوده، ملحق به آنها شوید شما با ایشان و در درجه و مرتبه آنها هستید، به لواء و پرچم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ملحق گردید پس بطرف لواء آن حضرت رهسپار شده و در سایه آن قرار می‌گیرند در حالی که لواء به دست امیر الموءمنین علی علیه السّلام می‌باشد و بدین ترتیب به بهشت وارد می‌شوند ایشان جلو پرچم و سمت راست و جانب چپ و پشت آن بوده و چهار طرف لواء را گرفته‌اند.

۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْ [وَ]أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) یَقُولُ مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَکُونَ مَسْکَنُهُ الْجَنَّةَ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةَ فَلَا یَدَعْ زِیَارَةَ الْمَظْلُوم قُلْتُ وَ مَنْ هُوَ قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ صَاحِبُ کَرْبَلَاءَ مَنْ أَتَاهُ شَوْقاً إِلَیْهِ وَ حُبّاً لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبّاً لِأَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ وَ حُبّاً لِفَاطِمَةَ أَقْعَدَهُ اللَّهُ عَلَی مَوَائِدِ الْجَنَّةِ- یَأْکُلُ مَعَهُمْ وَ النَّاسُ فِی الْحِسَابِ

پدرم به اسنادش از ابی بصیر، وی می‌گوید:

از امام صادق علیه السّلام یا امام باقر علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

کسی که دوست دارد مسکن و جایگاهش در بهشت باشد نباید زیارت مظلوم را ترک کند.

عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حضرت حسین بن علی علیهما السّلام بوده که صاحب کربلاء می‌باشد، کسی که از روی شوق به آن حضرت و بجهت محبّت به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و به امیر الموءمنین علیه السّلام و به فاطمه زهراء علیها السّلام به زیارت آن حضرت برود خداوند متعال او را بر سر سفره‌های بهشتی می‌نشاند که با رسول خدا و امیر الموءمنین و فاطمه زهرا علیهم السّلام هم غذا بوده

در حالی که مردم در حال حساب می‌باشند.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ الْقُمِّیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی الْیَقْطِینِیِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ فُضَیْلِ بْنِ عُثْمَانَ الصَّیْرَفِیِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَیْرَ قَذَفَ فِی قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ حُبَّ زِیَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ السُّوءَ قَذَفَ فِی قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَیْنِ وَ بُغْضَ زِیَارَتِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف قمی، از محمّد بن عیسی یقطینی، از شخصی، از فضیل بن عثمان صیرفی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که خداوند خیر را برای او اراده کرده باشد در قلبش محبّت امام حسین علیه السّلام را قرار داده و در دلش محبت زیارت آن جناب را می‌اندازد و کسی که خداوند سوء و بدی را برایش بخواهد در قلبش بغض امام حسین علیه السّلام قرار داده و در دلش بغض زیارت آن حضرت را می‌اندازد.

۵۶] – باب پنجاه و ششم ثواب كسى كه از روى شوق به زيارت حضرت امام حسين عليه السّلام برود

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّام قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) تَشَوُّقاً إِلَيْهِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْآمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ كَانَ تَحْتَ لِوَاءِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ فَيُسْكِنَهُ فِي دَرَجَتِهِ- إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

محمّد بن جعفر قرشى رزّاز، از محمّد بن الحسين بن ابى الخطّاب، از صفوان بن يحيى، از ابى اسامه، زيد شحّام، وى مى گويد:

از امام صادق عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

كسى كه از روى شوق و ذوق به زيارت قبر حضرت حسين بن على سلام اللّه عليهما برود روز قيامت خداوند متعال او را از جمله آمنين مى‌نويسد و محسوب مى‌فرمايد و كتابش (نامه اعمال او) را به دست راستش دهد و در زير پرچم حسين عليه السّلام بوده تا داخل بهشت شود پس حق تعالى او را در درجه و مرتبه خودش مكان داده بدرستى كه خداوند متعال عزيز و حكيم مى‌باشد.

۲- وَ رُوِيَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَنَّ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ مَسْكَنُهُ الْجَنَّةَ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةَ فَلَا يَدَعْ زِيَارَةَ الْمَظْلُومِ قُلْتُ مَنْ هُوَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَاحِبُ كَرْبَلَاءَ مَنْ أَتَاهُ شَوْقاً إِلَيْهِ وَ حُبّاً لِرَسُولِ اللَّهِ وَ حُبّاً لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُبّاً لِفَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَقْعَدَهُ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُ مَعَهُمْ وَ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ

از ابى بصير روايت شده كه وى از حضرت ابى جعفر عليه السّلام نقل نمود كه آن جناب فرمودند: كسى كه دوست دارد مسكن و مأوايش بهشت باشد نبايد زيارت مظلوم را ترك كند.

ابو بصير مى گويد: محضر مباركش عرض كردم: مظلوم كيست؟

حضرت فرمودند:

مظلوم حسين بن على سلام اللّه عليهما يعنى صاحب كربلاء مى‌باشد، كسى كه از روى شوق و محبّت به رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و به امير الموءمنين عليه السّلام و به فاطمه عليها السّلام به زيارتش رود خداوند متعال او را بر سر سفره‌هاى بهشتى مى‌نشاند و وى را با ذوات مقدّسه معصومين عليهم السّلام هم غذا فرموده در حالى كه مردم در حساب مى‌باشند.

۳- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقاً وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسَرَاتٍ- قُلْتُ وَ مَا فِيهِ قَالَ مَنْ أَتَاهُ تَشَوُّقاً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ- وَ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَجْرَ أَلْفِ صَائِمٍ وَ ثَوَابَ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ- وَ ثَوَابَ أَلْفِ نَسَمَةٍ أُرِيدَ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ وَ لَمْ يَزَلْ مَحْفُوظاً سَنَتَهُ مِنْ كُلِّ آفَةٍ أَهْوَنُهَا الشَّيْطَانُ وَ وُكِّلَ بِهِ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَحْفَظُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمِهِ فَإِنْ مَاتَ سَنَتَهُ حَضَرَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ- يَحْضُرُونَ غُسْلَهُ وَ أَكْفَانَهُ وَ الِاسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يُشَيِّعُونَهُ إِلَى قَبْرِهِ بِالاسْتِغْفَارِ لَهُ- وَ يُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ وَ يُؤْمِنُهُ اللَّهُ مِنْ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ أَنْ يروعانه [يُرَوِّعَاهُ- وَ يُفْتَحُ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ يُعْطَى لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نورا [نُورٌ يُضِي‏ءُ لِنُورِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ يُنَادِي مُنَادٍ هَذَا مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ شَوْقاً إِلَيْهِ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا تَمَنَّى يَوْمَئِذٍ أَنَّهُ كَانَ مِنْ زُوَّارِ الْحُسَيْنِ ع

حسن بن عبد اللّه، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزين، از محمّد بن مسلم، از حضرت ابى جعفر عليه السّلام، آن حضرت فرمودند:

اگر مردم مى‌دانستند كه در زيارت قبر حضرت حسين بن على عليهما السّلام چه فضل و ثوابى است حتما از شوق و ذوق قالب تهى مى كردند و بخاطر حسرت‌ها نفس‌هايشان به شماره افتاده و قطع خواهد شد.

راوى مى گويد: عرض كردم: در زيارت آن حضرت چه اجر و ثوابى مى‌باشد.

حضرت فرمودند:

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود خداوند متعال هزار حجّ و هزار عمره قبول شده برایش می‌نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقه قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند برایش منظور می‌شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته کریمی را بر او موکّل کرده که وی را از جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و زیر قدم نگهدارش باشد و اگر در اثناء سال فوت کرد فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را غسل داده و کفن نموده و برایش استغفار و طلب آمرزش کرده و تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته منکر و نکیر بر حذرش می‌دارند و برایش دربی به بهشت می‌گشایند و کتابش را به دست راستش می‌دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطاء می‌شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می‌گردد و منادی نداء می‌کند:

این کسی است که از روی شوق و ذوق حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده و پس از این نداء احدی در قیامت باقی نمی‌ماند مگر آنکه تمنّا و آرزو می‌کند که کاش از زوّار حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام می‌بود.

۴- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَاهُ شَوْقاً إِلَيْهِ كَانَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الْمُكْرَمِينَ وَ كَانَ تَحْتَ لِوَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ حَتَّى يُدْخِلَهُمَا اللَّهُ الْجَنَّةَ

از حسن بن عبد اللّه، از پدرش، از حسن بن محبوب، از ابی ایّوب ابراهیم بن عثمان خزّاز، از محمّد بن مسلم، وی می گوید:

محضر مبارک ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: چه اجر و ثوابی هست برای کسی که حسین علیه السّلام را زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام رود از بندگان مکرّم خداوند منّان محسوب می‌شود و در روز قیامت زیر لواء و پرچم حضرت حسین بن علی علیهما السّلام بوده تا وقتی که این دو بزرگوار داخل بهشت شوند.

۵- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْمِعْزَى عَنْ ذَرِيحٍ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا أَلْقَى مِنْ قَوْمِي وَ مِنْ بَنِيَّ إِذَا أَنَا أَخْبَرْتُهُمْ بِمَا فِي إِتْيَانِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) مِنَ الْخَيْرِ إِنَّهُمْ يُكَذِّبُونِّي وَ يَقُولُونَ إِنَّكَ تَكْذِبُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ يَا ذَرِيحُ دَعِ النَّاسَ يَذْهَبُونَ حَيْثُ شَاءُوا وَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَيُبَاهِي بِزَائِرِ الْحُسَيْنِ وَ الْوَافِدُ يَفِدُهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ حَمَلَةُ عَرْشِهِ حَتَّى إِنَّهُ لَيَقُولُ لَهُمْ- أَ مَا تَرَوْنَ زُوَّارَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ أَتَوْهُ شَوْقاً إِلَيْهِ وَ إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ أَمَا وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي لَأُوجِبَنَّ لَهُمْ كَرَامَتِي وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّتِيَ الَّتِي أَعْدَدْتُهَا لِأَوْلِيَائِي وَ لِأَنْبِيَائِي وَ رُسُلِي يَا مَلَائِكَتِي هَؤُلَاءِ زُوَّارُ الْحُسَيْنِ حَبِيبِ مُحَمَّدٍ رَسُولِي وَ مُحَمَّدٌ حَبِيبِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي أَحَبَّ حَبِيبِي وَ مَنْ أَحَبَّ حَبِيبِي أَحَبَّ مَنْ يُحِبُّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَ حَبِيبِي أَبْغَضَنِي وَ مَنْ أَبْغَضَنِي كَانَ حَقّاً عَلَيَّ أَنْ أُعَذِّبَهُ بِأَشَدِّ عَذَابِي وَ أُحْرِقَهُ بِحَرِّ نَارِي وَ أَجْعَلَ جَهَنَّمَ مَسْكَنَهُ وَ مَأْوَاهُ وَ أُعَذِّبُهُ عَذاباً لا أُعَذِّبُهُ أَحَداً مِنَ الْعالَمِينَ

از حسن بن عبد اللّه، از پدرش از حسن بن محبوب، از ابی المغرا، از ذریح محاربی، وی می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: از خویشاوندان و فرزندانم کسی را ملاقات نکردم مگر وقتی به آنها خبر دادم به اجر و ثوابی که در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام هست من را تکذیب نموده و گفتند: تو بر حضرت جعفر بن محمّد علیهما السّلام دروغ بسته و این خبر را از پیش خودت می گوئی! حضرت فرمودند:

ای ذریح مردم را رها کن هر کجا که می‌خواهند بروند، بخدا قسم حق تعالی به زائرین امام حسین علیه السّلام مباهات کرده و افتخار می‌نماید و مسافر و زائر را فرشتگان مقرّب خدا و حاملین عرش رهبری می کنند حتی حق تعالی به فرشتگان می‌فرماید:

آیا زوّار حسین بن علی علیهما السّلام را می‌بینید که از روی شوق و محبّت به آن حضرت و علاقه به حضرت فاطمه علیها السّلام

دخت رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به زیارت آمده‌اند؟ به عزّت و جلال و عظمت خود قسم کرامت خویش را بر ایشان واجب کرده‌ام و ایشان را حتما به بهشتی که برای دوستانم و برای انبیاء و رسل و فرستادگانم آماده کرده‌ام داخل می‌کنم.

ای فرشتگان من! ایشان زوّار قبر حسین حبیب محمّد رسول من بوده و محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حبیب من است و کسی که من را دوست داشته باشد حبیب من را نیز دوست می‌دارد و کسی که حبیب من را دوست داشته باشد دوست‌دار حبیبم را نیز دوست دارد و کسی که نسبت به حبیب من بغض دارد به من نیز بغض می‌ورزد و کسی که به من بغض می‌ورزد بر من واجب است که به اشد عذاب، عذابش نموده و به آتش دوزخ او را بسوزانم و جهنم را مسکن و مکانش قرار داده و وی را چنان عذابی کنم که احدی از اهل عالم را آن طور عذاب نکرده باشم.

۶- وَ حَدَّثَنِی مَنْ رَفَعَهُ إِلَی أَبِی بَصِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) یَقُولَانِ مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَکُونَ مَسْکَنُهُ وَ مَأْوَاهُ الْجَنَّةَ إِلَی آخِرِهِ کَمَا فِی صَدْرِ الْبَابِ

کسی که حدیث را مرفوعا تا ابی بصیر نقل کرده برایم بیان نمود که بصیر گفت: از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام و حضرت ابا جعفر علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که دوست دارد مسکن و منزلش بهشت باشد ... تا آخر حدیث بهمان بیانی که در صدر باب گذشت.

مترجم گوید:

منظور حدیث دوم از ابواب پنجاه و دوم و پنجاه و پنجم، و پنجاه و ششم می‌باشد.

۵۷] – باب پنجاه هفتم ثواب كسى كه به اميد اجر از خدا به زيارت حضرت امام حسين عليه السّلام برود

۱- حَدَّثَنِي أَبِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيُّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ [عَبْدِ الرَّحْمَنِ]عَنْ قُدَامَةَ بْنِ ملك [مَالِكٍ]عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِباً لَا أَشِراً وَ لَا بَطِراً وَ لَا رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً مُحِّصَتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يُمَحَّصُ الثَّوْبُ بِالْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَنَسٌ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةٌ وَ كُلِّ مَا رَفَعَ قَدَماً عُمْرَةٌ

پدرم رحمة اللّه عليه و علىّ بن الحسين و محمّد بن الحسن جملگى از محمّد بن يحيى عطّار از حمدان بن سليمان نيشابورى وى مى گويد:

عبد اللّه بن محمّد يمانى از منيع بن حجّاج، از يونس بن عبد الرّحمن، از قدّامه بن مالک براى ما از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام حديث نقل نمود، وى گفت:

حضرت امام صادق عليه السّلام فرمودند: كسى كه به اميد ثواب و اجر بهزيارت حضرت امام حسين عليه السّلام برود نه از روى تكبر و نخوت و نه رياء و سمعه گناهانش پاک شده همان طور كه جامه با آب پاک و طاهر مى گردد، بنا بر اين هيچ آلودگى و لغزش بر او باقى نمى‌ماند و بهر قدمى كه برداشته ثواب يک حج به او داده و هر گاه گام و قدمش را از روى زمين بلند مى كند ثواب يک عمره دارد.

۲- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْخَزَّازِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ زَائِراً لَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَقَالَ لَهُ يَا هَارُونُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) زَائِراً لَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ غَفَرَ اللَّهُ [وَ اللَّهِ]لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ ثُمَّ قَالَ لِي ثَلَاثاً أَ لَمْ أَحْلِفْ لَكَ أَ لَمْ أَحْلِفْ لَكَ أَ لَمْ أَحْلِفْ لَكَ

پدرم رحمة اللّه عليه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از محمّد بن خالد، از ابان احمرى، از محمّد بن الحسين خزاز از هارون بن خارجه، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده، وى گفت:

محضر مباركش عرضه داشتم: فدايت شوم ثواب كسى كه قبر حضرت امام حسين عليه السّلام را زيارت كند در حالى كه عارف به حق آن حضرت بوده و زيارتش براى خدا و سراى آخرت باشد چيست؟ حضرت به او فرمودند:

اى هارون كسى كه به زيارت آن حضرت رفته در حالى كه به حق حضرتش عارف بوده و زيارتش براى خدا و سراى آخرت باشد به خدا سوگند حق تعالى گناهان گذشته و آينده‌اش را مى‌آمرزد. راوى مى گويد:

سپس حضرت سه مرتبه به من فرمودند:

آيا براى تو قسم نخوردم، آيا براى تو قسم نخوردم، آيا براى تو قسم نخوردم؟!

۳- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّهِ غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ قَالَ يُكْتَبُ لَهُ أَلْفُ حِجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ أَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ إِنْ كَانَ شَقِيّاً كُتِبَ سَعِيداً وَ لَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عيسى، از پدرش عبد اللّه بن محمّد بن عيسى، از پدرش محمّد بن عيسى بن عبد اللّه، از عبد اللّه بن مغيره، از عبد اللّه بن ميمون قداح، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام وى مى گويد:

محضر مبارک امام عليه السّلام عرض كردم: كسى كه به زيارت قبر حضرت حسين بن على عليهما السّلام برود در حالى كه عارف

به حق آن جناب بوده و زیارتش بدون تکبر و نخوت باشد ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند:

هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته شده برایش می‌نویسند و اگر شخص شقی باشد او را سعید قلمداد می‌نمایند و پیوسته در رحمت خداوند عزّ و جلّ غوطه می‌خورد.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَیْمَانَ النَّیْسَابُورِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْیَمَانِیِّ عَنْ مَنِیعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ هُوَ یُرِیدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ شَیَّعَهُ جَبْرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ إِسْرَافِیلُ حَتَّی یُرَدَّ إِلَی مَنْزِلِهِ

پدرم از محمّد بن یحیی عطّار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبد اللّه بن محمّد یمانی، از منیع بن حجّاج، از صفوان بن یحیی، از صفوان بن مهران جمّال، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت: حضرت امام صادق علیه السّلام فرمودند:

کسی که امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده و قصدش خداوند عزّ و جلّ باشد جبرئیل و میکائیل و اسرافیل او را مشایعت نموده تا به منزلش وارد گردد.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ قَالَ شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ قَدْ أَتَاهُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ فَسَأَلُوهُ عَنْ إِتْیَانِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ مَا فِیهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی أَنَّهُ کَانَ یَقُولُ- مَنْ زَارَهُ یُرِیدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ کَمَوْلُودٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ شَیَّعَتْهُ الْمَلَائِکَةُ فِی مَسِیرِهِ فَرَفْرَفَتْ عَلَی رَأْسِهِ قَدْ صَفُّوا بِأَجْنِحَتِهِمْ عَلَیْهِ حَتَّی یَرْجِعَ إِلَی أَهْلِهِ وَ سَأَلَتِ الْمَلَائِکَةُ الْمَغْفِرَةَ لَهُ مِنْ رَبِّهِ وَ غَشِیَتْهُ الرَّحْمَةُ مِنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ وَ نَادَتْهُ الْمَلَائِکَةُ طِبْتَ وَ طَابَ مَنْ زُرْتَ وَ حُفِظَ فِی أَهْلِهِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از علیّ بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم، از عبد اللّه بن مسکان، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام بودم در حالی که گروهی از اهل خراسان محضرش مشرف بودند، آنان راجع به زیارت قبر حسین بن علیّ علیهما السّلام و فضل و ثواب آن از حضرت سوءال کردند؟

حضرت فرمودند:

پدرم از جدّم نقل فرمود که آن بزرگوار می‌فرمودند:

کسی که امام حسین علیه السّلام را زیارت کند و نیّتش فقط خدا باشد حق تعالی گناهانش را محو نموده و او را از ذنوب بیرون آورده همانند مولودی که مادرش او را زائیده باشد و فرشتگان او را در سیر و سفرش مشایعت می کنند یعنی بالای سرش بال زده و گاهی بالهایشان را بر سرش پهن نموده بدون اینکه حرکت دهند و بهمین کیفیّت او را مشایعت نموده تا وی به منزل و اهلش برسد. فرشتگان از پروردگار متعال برای او طلب آمرزش نموده و از اطراف و اکناف آسمان رحمت او را احاطه کرده و فرشتگان او را نداء داده و می گویند:

پاکی و پاک است آن کسی که تو زیارتش نمودی (یا: خوشا بر تو و خوشا بر کسی که زیارتش نموده‌ای) و او را در میان اهل و عیالش حفظ و نگهداری می کنند.

۶- وَ حَدَّثَنِی عُبَیْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِیدُ بْنُ خَیْثَمٍ عَنْ أَخِیهِ مَعْمَرٍ قَالَ سَمِعْتُ زَیْدَ بْنَ عَلِیٍّ یَقُولُ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) لَا یُرِیدُ بِهِ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَی غُفِرَ لَهُ جَمِیعُ ذُنُوبِهِ وَ لَوْ کَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ فَاسْتَکْثِرُوا مِنْ زِیَارَتِهِ یَغْفِرِ اللَّهُ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ

عبید اللّه بن فضل بن محمّد بن هلال می گوید:

عبد الرحمن برای ما حدیث گفت، وی نقل نمود:

سعید بن خیثم از برادرش معمّر برای ما نقل کرد که وی گفت: از زید بن علی علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که قبر حسین بن علی علیهما السّلام را زیارت کرده و نیّتش تنها خداوند باشد حق تعالی تمام گناهانش را می‌آمرزد اگر چه به قدر روی دریاها باشد، پس زیاد به زیارت آن حضرت بروید تا خداوند گناهانتان را ببخشد.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَیْفَهَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) لِلَّهِ وَ فِی اللَّهِ أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ وَ آمَنَهُ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ- وَ لَمْ یَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَی حَاجَهً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ إِلَّا أَعْطَاهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر، از پدرش، از احمد بن ابی عبد اللّه برقی از پدرش، از محمّد بن سنان، از حذیفهٔ بن منصور، وی گفت: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را قربهٔ الی اللّه و برای خدا زیارت کند حقتعالی او را از آتش جهنم آزاد نموده و روز فزع اکبر او را در امان قرار می‌دهد و حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند نخواسته مگر آنکه باری تعالی به وی اعطاء می‌فرماید.

۵۸] - باب پنجاه و هشتم زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام افضل اعمال می‌باشد

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ أَصْحَابِنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِی خَدِیجَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّهُ أَفْضَلُ مَا یَکُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اصحاب، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسن بن علیّ الوشاء، از احمد بن عائذ، از ابی خدیجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب افضل اعمال می‌باشد.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِی خَدِیجَةَ [سَلَمَةَ]عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّهُ أَفْضَلُ مَا یَکُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ

و از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از وشّاء، از احمد بن عائذ، از ابی خدیجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

زیارت حضرت افضل اعمال می‌باشد.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِی خَدِیجَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّهُ أَفْضَلُ مَا یَکُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد، از وشاء، از احمد بن عائذ از ابی خدیجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب افضل اعمال است.

۴- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ الْکُوفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبَانٍ الْأَزْرَقِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی زِیَارَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ إِدْخَالُ السُّرُورِ عَلَی الْمُؤْمِنِ وَ أَقْرَبُ مَا یَکُونُ الْعَبْدُ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی وَ هُوَ سَاجِدٌ بَاکٍ

ابو العبّاس کوفی، از محمّد بن الحسین، از حسن بن محبوب، از مردی، از ابان ارزق، از مردی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

محبوب‌ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین علیه السّلام بوده و برترین اعمال نزد او جلّ و علی ادخال سرور و شادی بر موءمن است و نزدیک‌ترین بنده به خدا، بنده‌ای است که در حال سجود بدرگاه الهی گریان باشد.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی جَهْمٍ عَنْ أَبِی خَدِیجَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا یُبْلَغُ مِنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ أَفْضَلَ مَا یَکُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از احمد بن ابی عبد اللّه، از ابی جهم، از ابی خدیجه، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام چه چیز به ما می‌رسد و عائدمان می گردد؟

حضرت فرمودند:

افضل و برترین اعمال.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی هَاشِمٍ الرَّزَّازِ [الْبَزَّازِ]قَالَ حَدَّثَنَا سَالِمٌ أَبُو سَلَمَهَٔ وَ هُوَ أَبُو خَدِیجَهَٔ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ زِیَارَهَٔ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَفْضَلُ مَا یَکُونُ مِنَ الْأَعْمَالِ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین، از عبد الرحمن بن ابی هاشم رزّاز، وی گفت:

سالم بن سلمه یعنی ابو خدیجه برای از امام صادق علیه السّلام حدیثی به این شرح نقل نمود:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السّلام افضل و برترین اعمال می‌باشد.

۵۹] - باب پنجاه و نهم كسى كه حضرت امام حسين عليه السّلام را زيارت كند مثل كسى است كه در عرش خدا را زيارت كرده و او را در اعلى علّيّين قرار مى‌دهند

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ جَمَاعَهُ مَشَایِخِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَهَ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ کَانَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ زَارَ أَحَداً مِنْکُمْ [أَحَدَکُمْ]قَالَ کَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ص

پدرم و على بن الحسين و جماعتى از مشايخ و اساتيدم رحمهٔ اللّه عليهم، از سعد ابن عبد اللّه، از احمد بن محمّد و محمّد بن الحسين از محمّد بن اسماعيل بن بزيع، از صالح بن عقبه، از زيد بن شحام، وى گفت:

محضر ابى عبد اللّه عليه السّلام عرض كردم: كسى كه قبر حضرت امام حسين عليه السّلام را زيارت كند ثوابش چيست؟

حضرت فرمودند:

مثل كسى است كه خدا را در عرش زيارت نموده.

راوى گفت: عرضه داشتم:

چه اجر و ثوابى است براى كسى كه يكى از شما اهل بيت را زيارت كند؟

حضرت فرمودند:

مثل كسى است كه رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم را زيارت نموده است.

۲- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنِ الْخَیْبَرِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بِشَطِّ الْفُرَاتِ کَانَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ [فِی]عَرْشِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از محمّد بن اسماعيل، از خيبرى، از حسين بن محمّد قمى، از حضرت ابى الحسن الرضا عليه السّلام، آن حضرت فرمودند:

كسى كه قبر حضرت ابى عبد اللّه الحسين عليه السّلام را در كنار فرات زيارت كند مثل كسى است كه خدا را بالاى عرش زيارت نموده است.

۳- وَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ جَمَاعَهُ مَشَایِخِی ره عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ عُیَیْنَهَ بَیَّاعِ الْقَصَبِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ کَتَبَهُ اللَّهُ فِی أَعْلَی عِلِّیِّینَ

على بن الحسين و جماعتى از مشايخ و اساتيدم رحمهٔ اللّه عليهم، از علىّ بن ابراهيم بن هاشم، از محمّد بن عمر، از عيينه بياع القصب (نى‌فروش) از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، آن حضرت فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر حسين بن على عليهما السّلام رود در حالى كه به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال او را در أعلى علّيين قرار دهد.

۴- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ الْکُوفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ کَتَبَهُ اللَّهُ [کُتِبَ]فِی أَعْلَی عِلِّیِّینَ

ابو العبّاس كوفى، از محمّد بن الحسين، از ابى داود مسترق، از عبد اللّه بن مسكان، از برخى اصحاب ما از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، وى گفت: حضرت فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السّلام برود. در حالى كه به حق آن جناب عارف و آگاه باشد خداوند متعال او را

در اعلى علّيين قرار مى‌دهد.

۵- وَ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ فِي عِلِّيِّينَ [مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عِلِّيِّينَ]

پدرم رحمة اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از على بن الحكم، از عبد اللّه بن مسكان، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، آن حضرت فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السّلام برود در حالى كه به حق آن حضرت عارف باشد حقتعالى او را در اعلى علّيين قرار مى‌دهد.

۶- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ وَ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الزَّيَّاتِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن حسن صفّار؛ و سعد بن عبد اللّه جملگى از علىّ بن اسماعيل از محمّد بن عمرو زيّات از هارون بن خارجه، وى گفت:

از حضرت ابا عبد اللّه عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر امام حسين عليه السّلام برود در حالى كه به حقّ آن جناب عارف و آگاه باشد حق تعالى او را در اعلى علّيين قرار مى‌دهد.

۷- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنِ الْخَيْبَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيِّ قَالَ قَالَ لِيَ الرِّضَا (عليه السلام) مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِبَغْدَادَ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا أَنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (صلى الله عليه و آله) فَضْلَهُمَا قَالَ ثُمَّ قَالَ لِي مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ كُرْسِيِّهِ [فِي عَرْشِهِ]

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسين، از محمّد بن اسماعيل بن بزيع، از خيبرى، از حسين بن محمّد قمى، وى مى گويد:

حضرت رضا عليه السّلام به من فرمودند:

كسى كه قبر پدرم را در بغداد زيارت كند، مانند كسى است كه رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و امير المؤمنين عليه السّلام را زيارت نموده منتهى زيارت رسول خدا و امير المؤمنين صلوات اللّه و سلامه عليهما فضيلت و برترى دارد سپس فرمودند:

كسى كه قبر حضرت ابى عبد اللّه الحسين عليه السّلام را در كنار فرات زيارت كند مانند كسى است كه خدا را بالاى كرسى‌اش زيارت نموده.

۸- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عِلِّيِّينَ

پدرم رحمة اللّه عليه از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن على بن عبد اللّه بن مغيره، از عبّاس بن عامر، از ابان، از ابن مسكان، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، حضرت فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السّلام رود خداوند متعال او را در أعلى علّيين قرار مى‌دهد.

۹- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) كَتَبَهُ اللَّهُ فِي عِلِّيِّينَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از ابن فضّال، از عبد اللّه بن مسکان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام برود خداوند او را در علّیین قرار می‌دهد.

۱۰- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَبِیعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) کَتَبَهُ اللَّهُ فِی عِلِّیِّینَ

و پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن علیّ الکوفی، از عبّاس بن عامر، از ربیع بن محمّد المسلّی، از عبد اللّه بن مسکان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برود خداوند متعال او را در اعلی علّیین قرار می‌دهد.

۱۱- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ الْبَصْرِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ قَالَ کُنْتُ أَحُجُّ فِی کُلِّ سَنَةٍ فَأَبْطَأْتُ سَنَةً عَنِ الْحَجِّ فَلَمَّا کَانَ مِنْ قَابِلٍ حَجَجْتُ وَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقَالَ لِی یَا بَشِیرُ مَا أَبْطَأَکَ عَنِ الْحَجِّ فِی عَامِنَا الْمَاضِی قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ- مَا کَانَ لِی عَلَی النَّاسِ خِفْتُ ذَهَابَهُ غَیْرَ أَنِّی عَرَّفْتُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ فَقَالَ لِی مَا فَاتَکَ شَیْءٌ مِمَّا کَانَ فِیهِ أَهْلُ الْمَوْقِفِ یَا بَشِیرُ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ کَانَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ وَ عَنْهُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ قَالَ حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخُزَاعِیُّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ عَمِّهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَابِرٍ نَحْوَهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش نقل کرده که وی گفت:

محمّد بن الحسن بن شمون بصری گفت: محمّد بن سنان از بشیر دهّان برایم نقل کرد و گفت:

در هر سال به حج مشرّف می‌شدم، یک سال تنبلی کرده و آن را ترک کردم و سال بعد که به حج رفته و محضر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مشرّف شدم به من فرمودند:

ای بشیر چه چیز تو را در سال گذشته از حج سست و تنبل نمود؟

می گوید: عرض کردم: فدایت شوم مالی داشتم که از مردم می‌خواستم و خوف داشتم تلف شود لذا به حج نیامده ولی در عوض روز عرفه به زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام رفتم.

می گوید، حضرت به من فرمودند:

آنچه نصیب اهل موقف (حاجی‌ها) شد از تو فوت نگردید، ای بشیر کسی که قبر حسین علیه السّلام را زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده.

و از محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از محمّد بن الحسن بن شمّون نقل شده که گفت: جعفر بن محمّد خزاعی، از بعض اصحابش، از جابر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل حدیث مذکور را نقل کرده.

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از عمویش، از مردی، از جابر نظیر این حدیث را نقل کرده است.

۱۲- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الطَّیَالِسِیُّ عَنْ رَبِیعِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) کَتَبَهُ اللَّهُ فِی عِلِّیِّینَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن عبد اللّه علیه الرحمهٔ، از عبد اللّه بن جعفر حمیری، وی گفت:

عبـد اللّه بن محمّـد بن خالـد طیالسـی، از ربیع بن محمّـد، از عبـد اللّه بن مسـکان، از حضـرت ابی عبد اللّه علیه السّـلام آن حضـرت فرمودند:

کسی که قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کند خداوند متعال او را در علّیّین قرار می‌دهد.

*** ***

*** ***

۶۰] – باب شصتم زیارت حضرت امام حسین و أئمه هدی سلام اللّه علیهم اجمعین معادل با زیارت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشد

۱- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جُوَیْرِیَةَ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی اللَّهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ تَهُونَ عَلَیْهِ سَکْرَةُ الْمَوْتِ وَ هَوْلُ الْمُطَّلَعِ فَلْیُکْثِرْ زِیَارَةَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّ زِیَارَةَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) زِیَارَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جویریة ابن العلاء، از بعضی اصحاب ما وی گفت: آن حضرت فرمودند:

کسی که دوست دارد در روز قیامت به حق تعالی نظر کند و سختی جان دادن (که همان هول مطّلع باشد) بر او آسان شود زیاد به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام برود زیرا زیارت حسین علیه السّلام همان زیارت رسول خدا می‌باشد.

۲- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْکُوفِیُّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ الزَّیَّاتِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ فَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِکِ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ زَائِرَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) زَائِرُ رَسُولِ اللَّهِ ص

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ الْکُلَیْنِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ أَحَداً مِنْکُمْ [أَحَدَکُمْ_ [قَالَ کَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ص

محمّد بن یعقوب کلینی از محمّد بن یحیی، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب و پدرم علیه الرحمه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبة، از زید شحّام، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: ثواب کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

مثل این است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را زیارت کرده است.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّیلٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ الْآدَمِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) [رَسُولَ اللَّهِ وَ عَلِیّاً]قَالَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ زَارَ أَحَداً مِنْکُمْ قَالَ کَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

پدرم رحمة اللّه علیه از حسن بن متّیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحّام، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: ثواب کسی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حضرت علی علیه السّلام را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

وی مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده.

راوی گفت: محضرش عرضه داشتم: ثواب کسی که یکی از شما اهل بیت را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

وی مثل کسی است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را زیارت کرده.

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از زید شحّام، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل این حدیث را نقل نموده است.

۶۱] - باب شـصت و یکم زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام عمر را طولانی و روزی را فراخ نموده و ترک آن عمر را کوتاه و روزی را تنگ می‌کند

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى الْعَطَّارِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ جَمِیعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ مُرُوا شِیعَتَنَا بِزِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّ إِتْیَانَهُ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ یَمُدُّ فِی الْعُمُرِ وَ یَدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوْءِ وَ إِتْیَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ یُقِرُّ لِلْحُسَیْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتید من از سعد بن عبد اللّه و محمّد ابن یحیی عطّار و عبد اللّه بن جعفر حمیری جملگی، از احمد بن محمّد بن عیسی از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از ابی ایّوب، از محمّد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام حضرت فرمودند:

امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حضرت حسن بن علی علیهما السّلام چه آنکه زیارت آن حضرت رزق و روزی را زیاد و عمر را طولانی کرده و اموری که بدی و شر را جلب می‌کنند دفع می‌نماید.

و زیارت آن حضرت بر هر موءمنی که اقرار به امامت حضرتش از طرف حق تعالی دارد واجب و لازم است.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ سَمِعْنَاهُ یَقُولُ مَنْ أَتَى عَلَیْهِ حَوْلٌ لَمْ یَأْتِ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَنْقَصَ [نَقَصَ اللَّهُ مِنْ عُمُرِهِ حَوْلًا وَ لَوْ قُلْتُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَیَمُوتُ قَبْلَ أَجَلِهِ بِثَلَاثِینَ سَنَةً لَكُنْتُ صَادِقاً وَ ذَلِكَ لِأَنَّكُمْ تَتْرُكُونَ زِیَارَةَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَلَا تَدَعُوا زِیَارَتَهُ- یَمُدُّ اللَّهُ فِی أَعْمَارِكُمْ وَ یَزِیدُ فِی أَرْزَاقِكُمْ وَ إِذَا تَرَكْتُمْ زِیَارَتَهُ نَقَصَ اللَّهُ مِنْ أَعْمَارِكُمْ وَ أَرْزَاقِكُمْ فَتَنَافَسُوا فِی زِیَارَتِهِ وَ لَا تَدَعُوا ذَلِكَ فَإِنَّ الْحُسَیْنَ شَاهِدٌ لَكُمْ فِی ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ وَ عِنْدَ فَاطِمَةَ وَ عِنْدَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ

محمّد بن عبد اللّه حمیری، از پدرش، از محمّد بن عبد الحمید، از سیف بن عمیره، از منصور بن حازم، وی می‌گوید: از آن حضرت شنیدم که می‌فرمود:

کسی که سال بر او بگذارد و به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام نرود خداوند تبارک و تعالی یک سال از عمرش کسر می‌کند و اگر بگویم پاره‌ای از شماها سی سال قبل از اجل و عمر طبیعی از دنیا می‌روند هر آینه صادق می‌باشم زیرا زیارت حسین علیه السّلام را ترک می‌کنید، بنا بر این زیارت آن حضرت را رها نکنید تا حق تعالی عمر شما را زیاد نموده و روزی‌تان را فراخ فرماید و بدانید هر گاه زیارت آن جناب را ترک کنید زیرا حضرت ابا عبد اللّه الحسین شاهد شما است در نزد خدا و رسولش و نزد حضرت فاطمه و امیر الموءمنین علیهم السّلام.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَضَّاحٍ عَنْ دَاوُدَ الْحَمَّارِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ لَمْ یَزُرْ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَدْ حُرِمَ خَیْراً كَثِیراً وَ نُقِصَ مِنْ عُمُرِهِ سَنَةٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از محمّد بن اسماعیل، از کسی که برایش حدیث گفته، از عبد اللّه بن وضّاح، از داود حمّار، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حسین علیه السّلام، را زیارت نکند پس از خیر کثیر محروم مانده و از عمرش یک سال کسر می‌شود.

۴- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَبَّاحٍ الْحَذَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ زُورُوا الْحُسَیْنَ (علیه السلام) وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ غَیْرَ جَاحِدٍ لَمْ یَكُنْ لَهُ عِوَضٌ غَیْرُ الْجَنَّةِ وَ رُزِقَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ آتَاهُ اللَّهُ مِنْ قِبَلِهِ بِفَرَحٍ [بِفَرَجٍ]عَاجِلٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِیثَ وَ حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ أَصْحَابِنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ

بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ سَوَاءً

حسن بن عبد اللّه بن محمّد، از پدرش، از حسن بن محبوب، از صبّاح حذّاء، از محمّد بن مروان، از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام، وی می گوید:

از حضرت شنیدم که می‌فرمود:

حسین علیه السّلام را زیارت کنید اگر چه در هر سال باشد، زیرا هر کس به زیارتش رود در حالی که به حق آن حضرت عارف بوده و منکر آن نباشد غیر از بهشت هیچ عوض دیگری ندارد و روزی و رزقش وسعت پیدا می کند و در همین عالم خداوند متعال در ازای زیارتی که کرده به او در دنیا فرح و سرور قابل ملاحظه‌ای می‌دهند ... الخ.

ترجمه:

جماعتی از اصحاب از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از حسن بن محبوب به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

۵- حَدَّثَنِي أَبِي ره وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِي يَا عَبْدَ الْمَلِكِ لَا تَدَعْ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیهما السلام) وَ مُرْ أَصْحَابَكَ بِذَلِكَ يَمُدُّ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ وَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي رِزْقِكَ وَ يُحْيِيكَ اللَّهُ سَعِيداً وَ لَا تَمُوتُ إِلَّا سَعِيداً [شَهِيداً]وَ يَكْتُبُكَ سَعِيداً

پدرم علیه الرحمه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمهٔ اللّه علیهم، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از احمد بن محمّد بن ابی نصر، از برخی أصحاب ما از ابان، از عبد الملک خثعمی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

حضرت به من فرمودند:

ای عبد الملک زیارت حسین بن علی علیهما السّلام را ترک مکن و یاران و اصحاب را به آن امر فرما زیرا حق تعالی بواسطه آن عمر تو را طولانی کرده و روزی و رزقت را واسع می‌فرماید در حال حیات سعید و سعادتمندت نموده و نخواهی مرد مگر سعید و تو را در زمره سعداء می‌نویسد.

۶۲] - باب شصت و دوّم زيارت امام حسين عليه السّلام گناهان را محو مى‌كند

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ زَائِرَ الْحُسَيْنِ جَعَلَ ذُنُوبَهُ جِسْراً بَابَ دَارِهِ ثُمَّ عَبَرَهَا كَمَا يُخَلِّفُ أَحَدُكُمُ الْجِسْرَ وَرَاءَهُ إِذَا عَبَرَ

محمّد بن الحسن بن الوليد، از محمّد بن الحسن الصفار، از حسن بن موسى الخشّاب، از برخى رجالش، از حضرت أبى عبد اللّه عليه السّلام، حضرت فرمودند:

زائر حسين عليه السّلام گناهانش را پلى بر درب خانه‌اش قرار داده كه از آن عبور مى‌كند همان طورى كه يكى از شما وقتى از پل عبور نموديد آن را عقب سر مى‌گذاريد.

يعنى زيارت سيّد الشهداء سلام اللّه عليه سبب مى‌شود كه گناهان محو و زائل گردند.

۲- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَخْرُجُ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَلَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَهْلِهِ بِكُلِّ خُطْوَةٍ مَغْفِرَةٌ مِنْ ذُنُوبِهِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يُقَدَّسُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَإِذَا أَتَاهُ نَاجَاهُ اللَّهُ فَقَالَ عَبْدِي سَلْنِي أُعْطِكَ ادْعُنِي أُجِبْكَ اطْلُبْ مِنِّي أُعْطِكَ سَلْنِي حَاجَتَكَ أقضيها [أَقْضِهَا لَكَ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَ مَا بَذَلَ

محمّد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسين بن الخطّاب، از محمّد بن اسماعيل، از صالح بن عقبة، از بشير دهّان، از ابى عبد اللّه عليه السّلام، حضرت در باره كسى كه به زيارت قبر امام حسين عليه السّلام مى‌رود فرمودند:

وى هنگامى كه از اهلش جدا مى‌شود به هر قدمى كه برمى‌دارد گناهانش آمرزيده مى‌شود و سپس پيوسته به هر قدمى تقديس و تنزيه شده تا به قبر مطهر مى‌رسد وقتى به آنجا رسيد خداوند متعال او را خوانده و مى‌فرمايد:

بنده من از من سوءال كن تا به تو اعطاء كنم، من را بخوان تا اجابتت نمايم، از من طلب نما تا به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برآورده نمايم.

راوى گفت:

امام عليه السّلام فرمودند:

و حق است بر خدا كه آنچه بذل نموده را اعطاء فرمايد.

۳- وَ عَنْهُ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَرْثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَإِذَا هَمَّ الرَّجُلُ بِزِيَارَتِهِ أَعْطَاهُمْ ذُنُوبَهُ فَإِذَا خَطَا مَحَوْهَا ثُمَّ إِذَا خَطَا ضَاعَفُوا حَسَنَاتِهِ فَمَا تَزَالُ حَسَنَاتُهُ تَضَاعَفُ حَتَّى تُوجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ اكْتَنَفُوهُ وَ قَدَّسُوهُ وَ يُنَادُونَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ أَنْ قَدِّسُوا زُوَّارَ حَبِيبِ حَبِيبِ اللَّهِ فَإِذَا اغْتَسَلُوا نَادَاهُمْ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله) يَا وَفْدَ اللَّهِ أَبْشِرُوا بِمُرَافَقَتِي فِي الْجَنَّةِ ثُمَّ نَادَاهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) أَنَا ضَامِنٌ لِقَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ وَ دَفْعِ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ اكْتَنَفُوهُمْ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ حَتَّى يَنْصَرِفُوا إِلَى أَهَالِيهِمْ

و از محمّد بن الحسين بن ابى الخطّاب، از صالح بن عقبه، از حارث بن مغيره، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام حضرت فرمودند:

خداوند متعال فرشتگانى دارد كه موكّل قبر مطهّر حضرت حسين بن على عليهما السّلام مى‌باشند، هنگامى كه شخص قصد زيارت آن حضرت را مى‌نمايد خداوند گناهان او را به اين فرشتگان اعطاء نموده و در اختيار آنها مى‌گذارد وقتى وى قدم گذارد فرشتگان گناهان را محو مى‌كنند سپس وقتى قدم بعدى را برداشت حسنات او را مضاعف مى‌نمايند و پيوسته حسنات او را مضاعف كرده تا جايى كه بهشت را براى وى واجب مى‌گردانند سپس اطرافش را گرفته و تقديس و تنزيهش مى‌نمايند و سپس فرشتگان آسمان را نداء مى‌دهند كه زوّار حبيب حبيب خدا را تقديس و تنزيه نمائيد و وقتى زوّار غسل زيارت نمودند حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و

آله وسلّم ایشان را نداء داده و می‌فرماید:

ای مسافرین خدا بشارت باد شما را که با من در بهشت همراه خواهید بود.

سپس امیر الموءمنین علیه السّلام ایشان را نداء داده و می‌فرماید:

من ضامنم که حوائج شما را برآورده و در دنیا و آخرت بلاء و محنت را از شما دور نمایم.

پس از آن فرشتگان دور ایشان حلقه زده و از راست و چپ آنان را در بر گرفته تا به اهل و خویشاوندان خود بازگردند.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِیِّ الرَّازِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْکَرِیمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ فَإِذَا انْقَلَبْتَ مِنْ عِنْدِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) نَادَاکَ مُنَادٍ لَوْ سَمِعْتَ مَقَالَتَهُ لَأَقَمْتَ عُمُرَکَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ هُوَ یَقُولُ طُوبَی لَکَ أَیُّهَا الْعَبْدُ قَدْ غَنِمْتَ وَ سَلِمْتَ قَدْ غُفِرَ لَکَ مَا سَلَفَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ بِطُولِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از ابی عبد اللّه الجامورانی رازی، از حسن بن علیّ بن ابی حمزه، از حسن بن محمّد بن عبد الکریم، از مفضّل بن عمر، از جابر جعفی، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام در ضمن حدیث طولانی فرمود:

هنگامی که از نزد قبر مطهّر حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام برگشتی منادی تو را می‌خواهند که اگر صدا و گفتارش را می‌شنیدی تمام عمر خود را حاضر بودی نزد قبر مطهّر صرف و طی نمائی.

منادی می گوید: ای بنده خوشا به حال تو، همانا غنیمت بردی و سالم برگشتی، تمام گناهان گذشته‌ات پاک گردید پس از ابتدا عمل نما ....

۵- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنِ الْخَیْبَرِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی (علیه السلام) أَدْنَی مَا یُثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلَایَتَهُ أَنْ یُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

ابو العبّاس رزّاز می گوید:

محمّد بن الحسین بن أبی الخطاب، از محمّد بن اسماعیل، از خیبری، از حسین ابن محمّد القمی، وی می گوید: حضرت ابو الحسن موسی علیه السّلام فرمودند:

کمترین ثواب و اجر به کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را در کنار فرات زیارت می کند مشروط به اینکه حق و حرمت و ولایت آن جناب را بشناسد می‌دهند این است که گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزند.

۶- حَدَّثَنِی أَبِی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنْ زَکَرِیَّا الْمُؤْمِنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَی الْکَاهِلِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ یَکُونَ فِی کَرَامَةِ اللَّهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ فِی شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) فَلْیَکُنْ لِلْحُسَیْنِ زَائِراً یَنَالُ مِنَ اللَّهِ الْفَضْلَ وَ الْکَرَامَةَ [أَفْضَلَ الْکَرَامَةِ]وَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَ لَا یَسْأَلُهُ عَنْ ذَنْبٍ عَمِلَهُ فِی حَیَاةِ الدُّنْیَا وَ لَوْ کَانَتْ ذُنُوبُهُ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَ جِبَالِ تِهَامَةَ وَ زَبَدِ الْبَحْرِ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) قُتِلَ مَظْلُوماً مُضْطَهَداً نَفْسُهُ عَطْشَاناً هُوَ وَ أَهْلُ بَیْتِهِ وَ أَصْحَابُهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از حسین بن الحسن بن ابان، از محمّد بن اورمه، از زکریّا الموءمن ابی عبد اللّه، از عبد اللّه بن یحیی الکاهلی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که می‌خواهد روز قیامت در کرامت خداوند متعال باشد و شفاعت حضرت محمّد صلوات اللّه علیه و آله شاملش گردد پس باید حسین علیه السّلام را زیارت کند چه آنکه بالاترین کرامت حقتعالی به وی رسیده و ثواب و اجر نیک به او داده می‌شود و از گناهانی که در زندگانی دنیا مرتکب شده وی را مورد سوءال و بازخواست قرار نمی‌دهند اگر چه گناهانش به تعداد ریگ‌های

بيابان و به بزرگى كوه‌هاى تهامه و به مقدار روى درياها باشد، حسين بن على سلام اللّه عليهما در حالى كشته شد كه:

اوّلا: مظلوم بود.

ثانيا: نفس و جسمش مقهور و مورد ستم قرار گرفته بود.

ثالثا: خود و اهل بيت و اصحابش تشنه بودند.

۷- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِی إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) قَالَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكاً فَوَضَعَ إِصْبَعَهُ فِی قَفَاهُ فَلَمْ يَزَلْ يَكْتُبُ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ حَتَّى يَرِدَ الْحَائِرَ [الْحَيْرَ]فَإِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ الْحَائِرِ [الْحَيْرِ]وَضَعَ كَفَّهُ وَسَطَ ظَهْرِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَمَّا مَا مَضَى فَقَدْ غُفِرَ لَكَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِی الْبِلَادِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

پدرم رحمة اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از محمّد ابن خالد برقى، از قاسم بن يحيى بن الحسن بن راشد، از جدّش حسن بن راشد، از حضرت ابى ابراهيم عليه السّلام، آن حضرت فرمودند:

كسى كه از خانه‌اش خارج شده و قصدش زيارت قبر مطهّر حضرت ابا عبد اللّه الحسين بن علىّ سلام الله عليهما باشد خداوند متعال فرشته‌اى را بر او مى‌گمارد پس آن فرشته انگشتش را در پشت او قرار داده و پيوسته آنكه از دهان اين شخص خارج شود مى‌نويسد تا به حائر وارد گردد و وقتى از درب حائر خارج شد كف دستش را وسط پشتش نهاده سپس به او مى‌گويد:

آنچه گذشت تمام مورد غفران و آمرزش واقع شد اينك از ابتداء به عمل بپرداز و با همين اسناد، از حسن بن راشد، از ابراهيم بن ابى البلاد به اسنادش حديثى مثل همين حديث را نقل نموده.

۸- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ قَدْ أَتَاهُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ فَسَأَلُوهُ عَنْ إِتْيَانِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ مَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ مَنْ زَارَهُ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَوْلُودٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ شَيَّعَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فِی مَسِيرِهِ فَرَفْرَفَتْ عَلَى رَأْسِهِ قَدْ صَفُّوا بِأَجْنِحَتِهِمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ وَ سَأَلَتِ الْمَلَائِكَةُ الْمَغْفِرَةَ لَهُ مِنْ رَبِّهِ وَ غَشِيَتْهُ الرَّحْمَةُ مِنْ أَعْنَانِ السَّمَاءِ وَ نَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ طِبْتَ وَ طَابَ مَنْ زُرْتَ- وَ حُفِظَ فِی أَهْلِهِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حميرى، از پدرش، از على بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حماد انصارى، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم، از عبد اللّه بن مسكان، وى مى‌گويد:

حضور مبارك حضرت ابا عبد اللّه عليه السّلام رسيدم در حالى كه گروهى از اهل خراسان خدمت آن جناب مشرّف شده بودند، ايشان از آن جناب راجع به زيارت قبر حضرت حسين بن على عليهما السّلام و ثوابى كه در آن است سوءال نمودند؟

حضرت فرمودند:

پدرم از جدّم نقل كردند كه مى‌فرمودند:

كسى كه آن حضرت را صرفا براى خدا و به قصد قربت زيارت كند خداوند متعال از گناهان رهايش نموده و او را همچون نوزادى كه مادر زائيده قرار مى‌دهد و در طول سفرش فرشتگان مشايعتش كرده و بالاى سرش بال‌هاى خود را گشوده و با اين حال او را همراهى كرده تا به اهلش باز گردد و نيز فرشتگان از خداوند مى‌خواهند كه او را بيامرزد و از اطراف و اكناف آسمان رحمت واسعه الهى او را فرا گرفته و فرشتگان نداء كرده و به وى مى‌گويند:

پاك هستى و آن كس كه زيارتش نمودى نيز پاك و مطهّر است و پيوسته وى را بين اهل و خويشانش حفظش مى‌نمايند.

۶۳] – باب شصت و سوّم زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام معادل یک عمره می‌باشد

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ ره جَمِیعاً عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ قَالَ سَأَلَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) عَمَّنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ تَعْدِلُ عُمْرَةً

پدرم و علی بن الحسین و محمّد بن یعقوب رحمهٔ اللّه علیهم جملگی، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از احمد بن محمّد بن ابی نصر نقل کرده‌اند که وی گفت:

برخی از اصحاب ما، از حضرت ابا الحسن الرّضا علیه السّلام سوءال کرد و پرسید:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برود ثوابش چه مقدار است؟ حضرت فرمودند:

ثوابش معادل ثواب یک عمره می‌باشد.

۲- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عَبَّادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْمَدَائِنِیِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ آتِی قَبْرَ الْحُسَیْنِ قَالَ نَعَمْ یَا أَبَا سَعِیدٍ ائْتِ قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله علیه و آله) أَطْیَبِ الطَّیِّبِینَ- وَ أَطْهَرِ الطَّاهِرِینَ وَ أَبَرِّ الْأَبْرَارِ فَإِذَا زُرْتَهُ کُتِبَ لَکَ اثْنَتَانِ وَ عِشْرُونَ عُمْرَةً

محمّد بن جعفر، از محمّد الحسین، از حسن بن علی بن ابی عثمان، از اسماعیل ابن عبّاد، از حسن بن علی، از ابی سعید مدائنی وی گفت:

بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شدم و عرض کردم: فدایت شوم: آیا به زیارت قبر حضرت حسین علیه السّلامبروم؟ حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعد به زیارت قبر پسر رسول خدا که پاکیزه‌ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو و بدان هر گاه او را زیارت کردی ثواب بیست و دو عمره برایت نوشته می‌شود.

۳- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا (علیه السلام) یَقُولُ زِیَارَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) تَعْدِلُ عُمْرَةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً

و از محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن سنان، وی گفت:

از حضرت امام رضا علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام معادل یک عمره مقبول می‌باشد.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَیْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) مَا تَقُولُ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ لِی مَا تَقُولُ أَنْتَ فِیهِ فَقُلْتُ بَعْضُنَا یَقُولُ حِجَّةٌ وَ بَعْضُنَا یَقُولُ عُمْرَةٌ فَقَالَ هُوَ عُمْرَةٌ مَقْبُولَةٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن، از سعد بن عبد اللّه، از احمد و عبد اللّه پسران محمّد بن عیسی، از موسی بن قاسم، از حسن بن الجهم، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السّلام عرض کردم: چه می‌فرمائید در باره زیارت قبر امام حسین علیه السّلام؟

حضرت فرمودند:

تو در باره آن چه می گوئی؟

عرض کردم: بعضی از ما معتقدند که ثواب آن به مقدار ثواب یک حج بوده و برخی دیگر می گویند ثوابش به اندازه ثواب یک عمره می‌باشد.

حضرت فرمودند:

ثوابش به مقدار عمره مقبول می‌باشد.

۵- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِیمُ بْنُ یَحْیَی الْقَطَّانُ عَنْ أَبِیهِ أَبِی الْبِلَادِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ مَا تَقُولُونَ أَنْتُمْ قُلْتُ نَقُولُ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ قَالَ تَعْدِلُ عُمْرَةً مَبْرُورَةً

محمّد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن علی، وی می گوید:

ابراهیم بن یحیی قطان از پدرش ابی البلاد برای ما حدیث گفت و اظهار نمود:

از حضرت ابا الحسن الرضا علیه السّلام راجع به زیارت قبر مطهّر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

شما در باره آن چه می گوئید؟

عرض کردم: ما می گوئیم: ثواب آن معادل ثواب حج و عمره است.

حضرت فرمودند:

ثواب آن معادل عمره مقبول می‌باشد.

۶- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْیَمَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی قَالَ سَأَلْتُ الرِّضَا (علیه السلام) عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَیُّ شَیْءٍ فِیهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ تَعْدِلُ عُمْرَةً

علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از علی بن احمد بن أشیم، از صفوان بن یحیی، وی می گوید:

از حضرت رضا علیه السّلام راجع به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام پرسیده و عرضه داشتم:

چه ثوابی در آن می‌باشد.

حضرت فرمودند:

ثواب آن معادل با یک عمره می‌باشد.

۷- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِیعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ زِیَارَةَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) تَعْدِلُ عُمْرَةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن عبد اللّه جمیعا، بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از محمّد بن سنان وی گفت:

از حضرت ابا الحسن علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

زیارت قبر امام حسین علیه السّلام معادل عمره قبول شده می‌باشد.

۸- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَیُّ شَیْءٍ فِیهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ تَعْدِلُ عُمْرَةً

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از حضرت ابی الحسن علیه السّلام، وی گفت:

راجع به زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام از آن جناب سوءال کرده و پرسیدم:

ثواب آن چه مقدار می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

ثواب آن معادل یک عمره می‌باشد.

۹- حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنِ الْعَمْرَكِیِّ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ بَعْضِهِمْ (علیهم السلام) قَالَ أَرْبَعُ عُمَرٍ تَعْدِلُ حِجَّةً وَ زِیَارَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ ع
تَعْدِلُ عُمْرَةً

جماعتی از اصحاب ما، از احمد بن ادریس و محمّد بن یحیی عطّار، از عمرکی ابن علی، از برخی اصحابش، از بعضی از ائمه علیهم السّلام که فرمودند:

چهار تا عمره معادل یک حج است و زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین معادل یک عمره می‌باشد.

۱۰- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْعَمْرَكِیِّ بْنِ الْبُوفَكِیِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِی رَبَابٍ [رِئَابٍ]قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ نَعَمْ تَعْدِلُ عُمْرَةً وَ لَا یَنْبَغِی أَنْ یَتَخَلَّفَ عَنْهُ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِ سِنِینَ

و با همین اسناد، از عمرکی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمّد بن فیض، از ابن رئاب، وی گفت از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام راجع به زیارت قبر مطهّر امام حسین علیه السّلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل یک عمره است و شایسته و سزاوار نیست که بیشتر از چهار سال از آن تخلّف شود.

۶۴] – باب شصت و چهارم زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام معادل یک حج می‌باشد

۱- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ فُضَیْلِ بْنِ یَسَارٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ زِیَارَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ زِیَارَةُ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ زِیَارَةُ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ تَعْدِلُ حِجَّةً مَبْرُورَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن درّاج، از فضیل بن یسار، از حضرت أبی جعفر علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام و قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و قبور شهداء معادل یک حج قبول شده است که با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بجا آورده شده باشد.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) یَقُولُ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) کَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً مَبْرُورَةً

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن سنان، وی می‌گوید:

از حضرت ابو الحسن الرضا علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام رود خداوند یک حجّ قبول شده برایش می‌نویسد.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ أَخْبَرَنِی عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُبَیْدٍ الْأَنْبَارِیُّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّهُ لَیْسَ کُلَّ سَنَةٍ یَتَهَیَّأُ لِی مَا أَخْرُجُ بِهِ إِلَی الْحَجِّ فَقَالَ إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ وَ لَمْ یَتَهَیَّأْ لَکَ فَائْتِ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّهَا تُکْتَبُ لَکَ حِجَّةٌ وَ إِذَا أَرَدْتَ الْعُمْرَةَ وَ لَمْ یَتَهَیَّأْ لَکَ فَأْتِ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّهَا تُکْتَبُ لَکَ عُمْرَةٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن علی بن عبد اللّه بن مغیرهٔ، از عبّاس بن عامر، وی می‌گوید:

عبد اللّه بن عبید انباری به من خبر داد و گفت:

محضر مبارک حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام عرضه داشتم: فدایت شوم هر سال آمادگی ندارم برای رفتن به حجّ چه باید کرد؟

حضرت فرمودند:

هر گاه اراده حج نموده ولی آمادگی برای آن را نداشتی به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام برو زیرا برای تو یک حجّ منظور می‌شود و هر وقت اراده عمره نمودی و برای انجام آن مهیّا نبودی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برو زیرا ثواب یک عمره برایت می‌نویسند.

۴- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ بْنِ حَسَّانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا یُقَالُ إِنَّ زِیَارَةَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) تَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً قَالَ فَقَالَ إِنَّمَا الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ هَاهُنَا وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْحَجَّ وَ لَمْ یَتَهَیَّأْ لَهُ فَأَتَاهُ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَ لَمْ یَتَهَیَّأْ لَهُ کُتِبَتْ لَهُ عُمْرَةٌ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از ابن ابی عمیر، از هشام بن الحکم، از عبد الکریم بن حسان، وی می‌گوید:

محضر امام علیه السّلام عرض کردم:

این گفتار چیست که می‌گویند: زیارت قبر امام حسین علیه السّلام معادل یک حجّ و عمره است؟ حضرت فرمودند:

معادل بودن زیارت آن حضرت با حجّ و عمره تنها در وقتی است که شخص اراده حجّ کند ولی آمادگی برای آن را نداشته ولی به زیارت آن جناب بشتابد در اینجا حق تعالی ثواب یک حجّ برای او می‌نویسد چنانچه اگر اراده عمره نمود ولی برایش میسور نبود ولی به زیارت امام علیه السّلام رفت در اینجا نیز ثواب یک عمره برایش منظور می گردد.

۵- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ (عليه السلام) إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ زِيَارَةَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ- وَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) تَعْدِلُ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مِثْلَهُ

و از محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن صفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسن بن علیّ بن فضّال، از حریز، از فضیل بن یسار، وی گفت:

امام علیه السّلام فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و قبور شهداء و قبر حضرتامام حسین علیه السّلام معادل حجّی است که با پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بجا آورده شود.

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از صفوان بن یحیی، از حریز، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حدیثی مثل حدیث مذکور را نقل کرده است.

۶- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) تَعْدِلُ حِجَّةً مَبْرُورَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از جمیل ابن صالح، از فضیل بن یسار، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام، حضرت فرمودند:

زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام معادل حجّ مقبولی است که با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بجا آورده شود.

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْهُمَا قَالا زِيَارَةُ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ زِيَارَةُ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) تَعْدِلُ حِجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص

محمّد بن الحسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از علی بن مهزیار، از حسن بن سعید، از صفوان بن یحیی، از حریز و حسن بن محبوب، از جمیل بن صالح، از فضیل بن یسار، از امام باقر و امام صادق علیهما السّلام این دو امام بزرگوار فرمودند:

زیارت قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و قبور شهداء و قبر حسین بن علی علیهما السّلام معادل حجّی است که با پیغمبر خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بجا آورده شود.

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْحَجَّ وَ لَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ ذَلِكَ فَأَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَعَرَّفَ عِنْدَهُ يُجْزِيهِ ذَلِكَ عَنِ الْحَجِّ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصفّار، از محمّد بن عیسی بن عبید، از ابی سعید قمّاط، از ابن ابی یعفور، وی گفت:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

اگر شخصی اراده حجّ کند ولی آماده نباشد و در این حال به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برود پس در روز عرفه نزد حضرت بوده و آن جناب را زیارت کند این عمل مجزی از حجّ می‌باشد یعنی ثواب حجّ را دریافت نموده بدون اینکه عمل حجّ

انجام داده باشد.

۹- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ کَتَبْتُ إِلَی الْعَبْدِ الصَّالِحِ (علیه السلام) إِنْ رَأَی سَیِّدُنَا أَنْ یُخْبِرَنِی بِأَفْضَلِ مَا جَاءَ بِهِ فِی زِیَارَةِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ هَلْ تَعْدِلُ ثَوَابَ الْحَجِّ لِمَنْ فَاتَهُ فَکَتَبَ (علیه السلام) تَعْدِلُ الْحَجَّ لِمَنْ فَاتَهُ الْحَجُّ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن سنان، از ابراهیم بن عقبهٔ، وی گفت:

نامه‌ای محضر مبارک عبد صالح علیه السّلام نوشته و در آن عرض کردم: اگر آقا و سرور ما مصلحت دیدند به ما خبر دهند از افضل و برترین ثوابی که در زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام وارد شده است و آیا ثواب آن معادل ثواب حجّ هست از کسی که نتوانسته عمل حجّ را بجا آورد؟

امام علیه السّلام در جوابش مرقوم فرمودند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السّلام معادل ثواب حجّ است برای کسی که حجّ از دستش رفته است.

۶۵] - باب شصت و پنجم در بیان اینکه زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام معادل یک حجّ و یک عمره می‌باشند

۱- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ نَهِیکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ الْحُسَیْنِ الْأَحْمَسِیِّ عَنْ أُمِّ سَعِیدٍ الْأَحْمَسِیَّةِ قَالَتْ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ تَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ مِنَ الْخَیْرِ هَکَذَا وَ هَکَذَا وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ

جعفر بن محمّد ابراهیم بن عبید اللّه بن موسی بن جعفر، از عبد اللّه بن احمد بن نهیک، از محمّد بن ابی عمیر، از حسن احمسی، از امّ سعید احمسیّه، وی گفت:

از حضرت أبا عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرده و از زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت معادل با یک حجّ و یک عمره می‌باشد و از اعمال خیر و پسندیده معادل و مساوی با چنان و چنان است. سپس با دست اشاره به عدد آن اعمال خیر فرمودند.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ بْنِ حَسَّانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا یُقَالُ إِنَّ زِیَارَةَ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) تَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً فَقَالَ إِنَّمَا الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ هَاهُنَا وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْحَجَّ وَ لَمْ یَتَهَیَّأْ لَهُ فَأَتَاهُ- کَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَ لَمْ یَتَهَیَّأْ لَهُ فَأَتَاهُ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ عُمْرَةً

و از جعفر بن محمّد بن ابراهیم بن عبید اللّه بن موسی بن جعفر، از عبد اللّه بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از هشام بن حکم، از عبد الکریم بن حسان، وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السّلام عرض کردم: این کلام چیست که می‌گویند: زیارت قبر حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام معادل یک حج و عمره می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

معادل بودن با حجّ و عمره تنها در اینجا اینست که شخص اراده حجّ نموده و برایش میسور نباشد پس بجای آن به زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام برود که در این فرض خداوند متعال ثواب یک حجّ برایش می‌نویسد و نیز اگر شخص بخواهد عمره رود ولی برایش میسور نباشد پس بجای آن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برود حق تعالی ثواب یک عمره برایش ضبط می‌کند.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقَالَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ إِنَّ الْحُسَیْنَ وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَکٍ شُعْثاً غُبْراً یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ فَقُلْتُ لَهُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی رُوِیَ عَنْ أَبِیکَ الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ قَالَ نَعَمْ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ حَتَّی عَدَّ عَشَرَةً

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین ابن سعید، از قاسم بن محمّد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت:

مردی از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرد و من نیز آنجا حاضر بودم، سائل پرسید:

چه اجر و ثوابی است برای کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را به آن حضرت موکّل کرده که جملگی ژولیده و غبار آلود بوده و تا روز قیامت برای آن حضرت

گریه می‌کنند.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت شوند، از پدر بزرگوارتان نقل شده که فرموده‌اند:

ثواب زیارت امام حسین علیه السّلام معادل حج و عمره است؟

حضرت فرمودند:

بلی، حجّ و عمره بعد تعداد حجّ و عمره را شمرده تا به ده حجّ و عمره رسید.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِی خَدِیجَةَ عَنْ رَجُلٍ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ إِنَّهُ تَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ قَالَ بِیَدِهِ هَکَذَا مِنَ الْخَیْرِ یَقُولُ بِجَمِیعِ یَدَیْهِ هَکَذَا

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از حسن بن علیّ و شاء، از احمد بن عائذ، از أبی خدیجه، از شخصی که از حضرت ابا جعفر علیه السّلام راجع بن زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام سوءال کرده بود:

امام علیه السّلام فرمودند:

زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام معادل یک حجّ و عمره است و با دست اشاره کردند که معادل این مقدار از اعمال خیر است (تمام انگشتان دو دست را نشان دادند).

۵- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَیْمَانَ النَّیْسَابُورِیِّ أَبِی سَعِیدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْیَمَانِیُّ عَنْ مَنِیعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ یُونُسَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ زِیَارَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) حِجَّةٌ وَ مِنْ بَعْدِ الْحِجَّةِ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ مِنْ بَعْدِ حِجَّةِ الْإِسْلَامِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از محمّد بن یحیی، از حمدان بن سلیمان نیشابوری (ابو سعید) وی گفت:

عبد اللّه بن محمّد یمانی، از منیع بن حجّاج، از یونس، از هشام بن سالم، از حضرت ابی عبد اللّه نقل کرد: حضرت فرمودند:

زیارت قبر امام حسین علیه السّلام یک حجّ بوده و بعد از یک حجّ یعنی بعد از حجهٔ الاسلام) یک حجّ و یک عمره می‌باشد.

۶- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ یُونُسَ عَنِ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَدْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ قَالَ قُلْتُ یَطْرَحُ عَنْهُ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ قَالَ لَا هِیَ حِجَّةُ الضَّعِیفِ حَتَّی یَقْوَی- وَ یَحُجَّ إِلَی بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ أ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْبَیْتَ یَطُوفُ بِهِ کُلَّ یَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ- حَتَّی إِذَا أَدْرَکَهُمُ اللَّیْلُ صَعِدُوا وَ نَزَلُوا غَیْرُهُمْ فَطَافُوا بِالْبَیْتِ حَتَّی الصَّبَاحِ وَ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) لَأَکْرَمُ عَلَی اللَّهِ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِنَّهُ فِی وَقْتِ کُلِّ صَلَاةٍ لَیَنْزِلُ عَلَیْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ شُعْثٌ غُبْرٌ لَا تَقَعُ عَلَیْهِمُ النَّوْبَةُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ

و باسناد ابو سعید، از یونس، از حضرت رضا علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت بکند پس یک حجّ و یک عمره به جا آورده.

راوی می‌گوید: عرض کردم یعنی حجهٔ الإسلام از او دیگر ساقط است؟

حضرت فرمودند: خیر مقصود این است که این زیارت حجّ افراد ضعیف محسوب شده تا قوی گردند و به بیت اللّه الحرام بروند، آیا نمی‌دانی که هر روز هفتاد هزار فرشته بیت اللّه را طواف کرده تا شب فرا برسد و پس از آمدن شب به آسمان رفته و فرشتگان دیگر نازل شده و تا صباح بیت را طواف می‌کنند و اما حضرت امام حسین علیه السّلام نزد خدا عزیزتر از بیت بوده و در هر وقت نماز هفتاد هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلوده و گرفته هستند نازل شده و قبر مطهّر را طواف می‌کنند و تا روز قیامت به ایشان دیگر نوبت نمی‌رسد.

*** ***

*** ***

۷- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ عَنْ أُمِّ سَعِیدٍ الْأَحْمَسِیَّةِ قَالَتْ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَیَّ شَیْءٍ تَذْکُرُ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مِنَ الْفَضْلِ قَالَ یُذْکَرُ فِیهِ یَا أُمَّ سَعِیدٍ فَضْلُ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ خَیْرُهَا کَذَا وَ بَسَطَ یَدَیْهِ [یَدَهُ]وَ نَکَسَ أَصَابِعَهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد و محمّد بن عبد الحمید، از یونس بن یعقوب، از امّ سعید احمسیّه وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السّلام عرض کردم:

چه فضیلتی را در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام ذکر می‌فرمایید؟

حضرت فرمود:

ای امّ سعید فضیلت یک حجّ و عمره را در آن ذکر می‌کنیم و بهتر از آن چنین است و همزمان با گفتن این عبارت اخیر دو دستشان را باز کرده و انگشتانشان را برگرداندند به طوری که کف دست به طرف روی مبارک و روی دست به طرف مخاطب واقع شد.

۸- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَبِیبٍ عَنْ فُضَیْلِ بْنِ یَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ وَکَّلَ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَکٍ شُعْثاً غُبْراً یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ وَ إِتْیَانُهُ یَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ

محمّد بن احمد بن ولید، از محمّد بن الحسین صفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمّد از حبیب، از فضیل بن یسار، وی می‌گوید:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام، شنیدم که می‌فرمود:

خداوند متعال چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند را بر قبر حضرت امام حسین علیه السّلام، موکّل قرار داد و ایشان تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می‌کنند و زیارت آن حضرت معادل یک حجّ و یک عمره بوده و زیارت قبور شهداء (مقصود شهداء احد می‌باشد) نیز همین فضیلت را دارد.

۹- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَطِیَّةَ أَبِی النَّابِ بَیَّاعِ السَّابِرِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ هُوَ یَقُولُ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) کَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً أَوْ عُمْرَةً وَ حِجَّةً وَ ذَکَرَالْحَدِیثَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از حسن ابن علی کوفی، از عبّاس بن عامر، از ابان، از حسین بن عطیّهٔ «ابی الناب» بیّاع السابری، وی گفت:

از حضرت أبا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام رود خداوند یک حجّ و عمره یا عمره و یک حجّ برایش می‌نویسد.

۱۰- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو خَلَّانَ [أَبُو فُلَانٍ]الْکِنْدِیُّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) کَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً

و سعد بن عبد اللّه به اسنادش، از عباس بن عامر، از أبان بن عثمان وی می‌گوید:

ابو خلّان کندی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت حسین علیه السّلام رود خداوند یک حجّ و عمره برایش می‌نویسد.

۱۱- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ لَهُ طَوِیلٍ یَقُولُ فِی آخِرِهِ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی رَوَوْا عَنْ أَبِیکَ فِی الْحَجِّ قَالَ نَعَمْ حِجَّةً وَ عُمْرَةً حَتَّی عَدَّ عَشَرَةً

محمّد بن الحسن بن علی، از پدرش، از جدّش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمّد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی گفت:

مردی در ضمن حدیث طولانی از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرد و در آخر آن محضر مبارک آن جناب عرضه داشت: پدر و مادرم فدایت شوند راویان از پدر بزرگوارتان روایت کرده‌اند که ثواب زیارت حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام معادل یک حجّ است آیا این مضمون صحیح می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

بلی، بلکه یک حجّ و عمره و دو حجّ و دو عمره ... و همین طور بالا رفتند تا ده حجّ را ذکر نمودند.

۱۲- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی ره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنِ الْعَمْرَکِیِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فُضَیْلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُصَادِفٍ قَالَ حَدَّثَنِی مَالِکٌ الْجُهَنِیُّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَاهُ زَائِراً لَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ لَمْ یَزَلْ مَحْفُوظاً حَتَّی یَرْجِعَ قَالَ فَمَاتَ مَالِکٌ فِی تِلْکَ السَّنَةِ وَ حَجَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقُلْتُ إِنَّ مالک [مَالِکاً حَدَّثَنِی بِحَدِیثٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ هَاتِهِ- فَحَدَّثْتُهُ فَلَمَّا فَرَغْتُ قَالَ نَعَمْ یَا مُحَمَّدُ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ

پدرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمهٔ اللّه علیهم، از محمّد بن یحیی عطّار، از عمرکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از محمّد بن الحسن، از محمّد بن فضیل، از محمّد بن مصادف، وی می گوید:

مالک جهنی از حضرت أبی جعفر برایم نقل کرد که آن حضرت راجع به زیارت حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام فرمودند: کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام رود در حالی که عارف و آگاه به حق آن جناب باشد خداوند یک حجّ برای او می‌نویسد و پیوسته محفوظ و برقرار هست تا به اهلش مراجعت کند.

راوی می گوید: مالک در همان سال فوت کرد و من به حجّ رفته و بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام وارد شدم و محضر مبارکش عرض کردم:

مالک حدیثی را از حضرت ابی جعفر علیه السّلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برایم نقل نمود.

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

حدیث را بیان کن.

پس حدیث را نقل کرده و هنگامی که فارغ شدم، حضرت فرمودند:

بلی ثواب زیارت آن حضرت معادل یک حجّ و عمره می‌باشد.

۱۳- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ جَمِیعاً عَنِ الْعَمْرَکِیِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) [سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ]عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ فِیهَا حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی، از مشایخ و اساتیدم، از محمّد بن یحیی العطّار، و احمد بن ادریس، از عمرکی، از کسی که برای او حدیث گفته، از حماد بن عیسی، از حسین بن مختار، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام سوءال کردم؟ حضرت فرمودند:

اجر این زیارت به مقدار ثواب یک حجّ و عمره می‌باشد.

۱۴- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّیْتُونِیِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عِیسَی بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ صَلَّی عِنْدَهُ رَکْعَتَیْنِ قَالَ کُتِبَتْ لَهُ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ قَالَ

قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ- وَ كَذَلِكَ كُلُّ مَنْ أَتَى قَبْرَ إِمَامٍ مُفْتَرَضٍ طَاعَتُهُ قَالَ وَ كَذَلِكَ كُلُّ مَنْ أَتَى قَبْرَ إِمَامٍ مُفْتَرَضٍ طَاعَتُهُ

و پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن علی زیتونی، از هارون بن مسلم، از عیسی بن راشد وی می گوید:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرده و محضر مبارکش عرضه داشتم:

فدایت شوم: کسی که قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده و دو رکعت نماز آنجا بخواند ثواب آن چیست؟

حضرت در جواب فرمودند:

برای او یک حج و عمره نوشته می‌شود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم و همچنین است ثواب هر کسی که به زیارت قبر امام مفترض الطّاعهٔ برود؟

حضرت فرمودند:

و همین طور است هر کسی که به زیارت قبر امامی که طاعتش فرض و واجب است رود.

۱۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الْكُوفِیُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ یَزِیدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَمَرَّ قَوْمٌ عَلَى حَمِیرٍ فَقَالَ أَیْنَ یُرِیدُونَ هَؤُلَاءِ قُلْتُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَالَ فَمَا یَمْنَعُهُمْ مِنْ زِیَارَةِ الشَّهِیدِ الْغَرِیبِ قَالَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ زِیَارَتُهُ وَاجِبَةٌ قَالَ زِیَارَتُهُ خَیْرٌ مِنْ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ حَتَّى عَدَّ عِشْرِینَ حَجَّةً وَ عُمْرَةً ثُمَّ قَالَ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ- قَالَ فَوَ اللَّهِ مَا قُمْتُ مِنْ عِنْدِهِ حَتَّى أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ إِنِّی قَدْ حَجَجْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حِجَّةً- فَادْعُ اللَّهَ لِی أَنْ یَرْزُقَنِی تَمَامَ الْعِشْرِینَ قَالَ فَهَلْ زُرْتَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ لَا قَالَ إِنَّ زِیَارَتَهُ خَیْرٌ مِنْ عِشْرِینَ حَجَّةً

محمّد بن جعفر قرشی کوفی رزّاز، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبد الملک وی می گوید:

در محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام بودم در این هنگام گروهی که بر دراز گوش‌ها سوار بودند عبور کردند، حضرت فرمودند:

ایشان اراده کجا دارند؟

عرض کردم: زیارت قبور شهداء.

فرمودند:

چه چیز ایشان را باز داشت از زیارت شهید غریب؟!! راوی می گوید: شخصی از اهل عراق به آن حضرت عرض کرد:

آیا زیارت او واجب است؟

حضرت فرمودند:

زیارت آن جناب بهتر از یک حجّ و یک عمره، از دو حج و دو عمره ... و پیوسته بر آن می‌افزودند تا فرمودند: بهتر از بیست حج و بیست عمره می‌باشد و سپس افزودند:

از بیست حجّ و عمره مقبول و پذیرفته شده بهتر است.

راوی می‌گوید: به خدا سوگند از محضر مبارکش برنخاستم تا اینکه شخصی خدمتش مشرّف شد و به آن حضرت عرض کرد: من نوزده حجّ به جا آورده‌ام تقاضا دارم از خدا بخواهید که یک حجّ دیگر روزی من کرده تا بیست حجّ برایم کامل باشد.

حضرت به وی فرمودند:

آیا قبر حضرت حسین علیه السّلام را زیارت کرده‌ای؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت از بیست حجّ بهتر است.

۶۶] - باب شصت و ششم زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام معادل چند حجّ می‌باشد

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُخْتَارٍ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ زِیَارَةُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) تَعْدِلُ عِشْرِینَ حِجَّةً وَ أَفْضَلُ مِنْ عِشْرِینَ حِجَّةً وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد ابن سنان، از حسین بن مختار، از زید شحّام، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السّلام:

معادل بیست حجّ بلکه برتر از بیست حجّ می‌باشد.

و محمّد بن یعقوب، از عدّه‌ای اصحاب، از احمد بن محمّد به اسنادش مثل همین حدیث را نقل نموده.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْمَدَائِنِیِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ آتِی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ نَعَمْ یَا أَبَا سَعِیدٍ ائْتِ قَبْرَ الْحُسَیْنِ بْنِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَطْیَبِ الْأَطْیَبِینَ وَ أَطْهَرِ الطَّاهِرِینَ وَ أَبَرِّ الْأَبْرَارِ فَإِنَّکَ إِذَا زُرْتَهُ کَتَبَ اللَّهُ لَکَ بِهِ خَمْساً وَ عِشْرِینَ حِجَّةً حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از سعید مدائنی، وی گفت:

بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حسین علیه السّلام بروم؟

حضرت فرمودند:

بلی، ای ابا سعید به زیارت قبر حضرت حسین بن علیّ علیهما السّلام که فرزند رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و پاکیزه‌ترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران است برو زیرا وقتی آن حضرت را زیارت کردی خداوند متعال ثواب بیست و پنج حجّ برایت می‌نویسد.

محمّد بن یعقوب، از محمّد بن یحیی، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از محمّد بن اسماعیل باسنادش مثل همین خبر را نقل نموده.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلَنِی فَقَالَ یَا شِهَابُ کَمْ حَجَجْتَ مِنْ حِجَّةٍ- فَقُلْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حِجَّةً فَقَالَ لِی تَمِّمْهَا عِشْرِینَ حِجَّةً تُحْسَبْ لَکَ بِزِیَارَةِ الْحُسَیْنِ ع

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از احمد بن نضر، از شهاب بن عبد ربّه یا از مردی، از شهاب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، شهاب می‌گوید: امام علیه السّلام از من سوءال نموده و فرمودند:

ای شهاب چند بار به حجّ رفته‌ای؟

عرض کردم: نوزده مرتبه.

فرمودند:

آن را به بیست مرتبه تتمیم و تکمیل نما تا برایت آن‌ها را معادل یک زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام حساب کنند.

۴- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَیْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) کَمْ حَجَجْتَ قُلْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ- قَالَ فَقَالَ أَمَا إِنَّکَ لَوْ أَتْمَمْتَ إِحْدَی وَ عِشْرِینَ حِجَّةً لَکُنْتَ کَمَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ ع

ابو العبّاس مى گويد:

محمّد بن الحسين، از ابن سنان، از حذيفة بن منصور نقل كرده، وى گفت:

حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

چند مرتبه به حجّ رفته‌اى؟

عرض كردم: نوزده بار.

فرمودند:

بدان اگر آن را به بيست و يك بار برسانى مانند كسى هستى كه زيارت حضرت امام حسين عليه السّلام را نموده است.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ صَالِحٍ النِّیلِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ کَانَ کَمَنْ حَجَّ مِائَةَ حِجَّةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص

پدرم رحمة اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسين بن أبى الخطّاب، از محمّد بن سنان، از محمّد بن صدقه، از صالح نيلى، وى گفت: حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر امام حسين عليه السّلام برود در حالى كه به حقّ آن حضرت آگاه و مطّلع باشد مثل كسى است كه صد مرتبه با رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم حجّ بجا آورده باشد.

۶- وَ عَنْهُ عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ مَالِکِ بْنِ عَطِیَّةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) کَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَمَانِینَ حِجَّةً مَبْرُورَةً

از پدرم، از سعد، از محمّد بن الحسين، از محمّد بن صدقه، از مالك بن عطيّه، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام حضرت فرمودند:

كسى كه حضرت امام حسين عليه السّلام را زيارت كند خداوند متعال برايش هشتاد حجّ مقبول منظور مى‌دارد.

۷- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ الْکُوفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنِ الْخَیْبَرِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِیِّ قَالَ قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی أَوَّلِ وَلَایَةِ أَبِی جَعْفَرٍ فَنَزَلَ النَّجَفَ فَقَالَ یَا مُوسَی اذْهَبْ إِلَی الطَّرِیقِ الْأَعْظَمِ فَقِفْ عَلَی الطَّرِیقِ فَانْظُرْ فَإِنَّهُ سَیَأْتِیکَ رَجُلٌ مِنْ نَاحِیَةِ الْقَادِسِیَّةِ فَإِذَا دَنَا مِنْکَ فَقُلْ لَهُ هَاهُنَا رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یَدْعُوکَ فَسَیَجِیءُ مَعَکَ- قَالَ فَذَهَبْتُ حَتَّی قُمْتُ عَلَی الطَّرِیقِ وَ الْحَرُّ شَدِیدٌ فَلَمْ أَزَلْ قَائِماً حَتَّی کِدْتُ أَعْصِی وَ أَنْصَرِفُ وَ أَدَعُهُ إِذْ نَظَرْتُ إِلَی شَیْءٍ یُقْبِلُ شِبْهَ رَجُلٍ عَلَی بَعِیرٍ فَلَمْ أَزَلْ أَنْظُرُ إِلَیْهِ حَتَّی دَنَا مِنِّی فَقُلْتُ یَا هَذَا هَاهُنَا رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یَدْعُوکَ وَ قَدْ وَصَفَکَ لِی قَالَ اذْهَبْ بِنَا إِلَیْهِ قَالَ فَجِئْتُ بِهِ حَتَّی أَنَاخَ بَعِیرَهُ نَاحِیَةً قَرِیباً مِنَ الْخَیْمَةِ فَدَعَا بِهِ فَدَخَلَ الْأَعْرَابِیُّ إِلَیْهِ وَ دَنَوْتُ أَنَا فَصِرْتُ إِلَی بَابِ الْخَیْمَةِ أَسْمَعُ الْکَلَامَ وَ لَا أَرَاهُمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِنْ أَیْنَ قَدِمْتَ قَالَ مِنْ أَقْصَی الْیَمَنِ قَالَ أَنْتَ مِنْ مَوْضِعِ کَذَا وَ کَذَا قَالَ نَعَمْ أَنَا مِنْ مَوْضِعِ کَذَا وَ کَذَا قَالَ فَبِمَا جِئْتَ هَاهُنَا قَالَ جِئْتُ زَائِراً لِلْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَجِئْتَ مِنْ غَیْرِ حَاجَةٍ لَیْسَ إِلَّا لِلزِّیَارَةِ- قَالَ جِئْتُ مِنْ غَیْرِ حَاجَةٍ إِلَّا أَنْ أُصَلِّیَ عِنْدَهُ وَ أَزُورَهُ فَأُسَلِّمَ عَلَیْهِ وَ أَرْجِعَ إِلَی أَهْلِی فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ مَا تَرَوْنَ فِی زِیَارَتِهِ قَالَ نَرَی فِی زِیَارَتِهِ الْبَرَکَةَ فِی أَنْفُسِنَا وَ أَهَالِینَا وَ أَوْلَادِنَا وَ أَمْوَالِنَا وَ مَعَایِشِنَا وَ قَضَاءَ حَوَائِجِنَا- قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَ فَلَا أَزِیدُکَ مِنْ فَضْلِهِ فَضْلًا یَا أَخَا الْیَمَنِ قَالَ زِدْنِی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ زِیَارَةَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) تَعْدِلُ حِجَّةً مَقْبُولَةً زَاکِیَةً- مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِکَ قَالَ إِی وَ اللَّهِ وَ حِجَّتَیْنِ مَبْرُورَتَیْنِ مُتَقَبَّلَتَیْنِ زَاکِیَتَیْنِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَتَعَجَّبَ فَلَمْ یَزَلْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَزِیدُ حَتَّی قَالَ ثَلَاثِینَ حِجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاکِیَةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص

ابو العبّاس کوفی، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از خیبری، از موسی بن قاسم حضرمی وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام در ابتداء حکومت ابو جعفر عباسی (منصور دوانیقی) وارد عراق شده و در نجف نزول اجلال فرمودند، به من فرمودند:

ای موسی، برو کنار جاده بزرگ بایست و منتظر باش که عنقریب مردی از طرف قادسیّه خواهد آمد، هر گاه نزدیک تو شد به وی بگو: یکی از فرزندان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم تو را می‌خواند، او بزودی با تو خواهد آمد.

موسی می گوید: پس من به طرف جاده مزبور رفته و به آنجا رسیدم و کنار آن ایستاده و هوا بسیار گرم بود، پیوسته در آنجا ایستاده بودم بحدّی که نزدیک بود مخالفت کرده و برگشته و ملاقات با او را ترک کنم، در این هنگام چشمم به چیزی خورد که به جلو می‌آید و شبیه مردی است که روی شتری نشسته، پس چشم به آن دوخته تا نزدیک به من شد به او گفتم: ای مرد در اینجا یکی از فرزندان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بود، و شما را می‌خواند ایشان شما را به من معرفی کرده و پیام برایت فرستاده‌اند.

مرد گفت: با هم به خدمتش برویم.

موسی می گوید: او را بردم تا به نزدیک خیمه رسیدیم، وی شترش را خواباند و درب خیمه ایستاد منتظر اذن دخول بود، پس حضرت از درون خیمه او را خواندند، اعرابی داخل خیمه شد و من نیز نزدیک شده تا درب خیمه رسیده و سخن ایشان را می‌شنیدم ولی آنها را نمی‌دیدم.

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به وی فرمودند: از کجا آمدی؟

او گفت: از دورترین نواحی یمن.

حضرت فرمودند: تو از فلان و فلان مکان هستی؟

او عرض کرد: بلی من از فلان موضع می‌باشم.

حضرت فرمودند: برای چه به این صوب آمدی؟

عرض کرد: به قصد زیارت حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام آمدم.

حضرت فرمودند:

تنها برای زیارت آمده و هیچ حاجت دیگری نداشتی؟

عرض کرد: هیچ حاجتی نداشتم مگر آنکه به سر قبر مطهّر آن حضرت رفته و نماز آنجا خوانده و جنابش را زیارت کرده و سپس از حضرتش خداحافظی کرده و به اهل و خویشانم برگردم.

حضرت فرمودند: در زیارت آن حضرت چه می‌بینید؟

عرض کرد: در زیارتش برکت در عمر خود و اهل و اولاد و اموال و معایشمان بوده و حوائج و خواسته‌هایمان بر آورده شده و برطرف می گردد.

موسی می گوید: امام علیه السّلام به وی فرمودند:

ای برادر یمنی آیا از فضیلت زیارت آن حضرت بیشتر از این برایت نگویم؟

آن مرد عرض کرد: ای پسر رسول خدا زیادتر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

زیارت امام حسین علیه السّلام معادل یک حجّ مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم انجام شود.

آن مرد از این گفتار تعجب کرد.

حضرت فرمودند: آری، به خدا سوگند معادل دو حجّ مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم انجام

شود.

آن مرد بر تعجبش افزوده شد پس بدین ترتیب امام علیه السّلام بر تعداد حج‌های مقبول می‌افزودند تا اینکه در آخر فرمودند: زیارت آن حضرت معادل با سی حجّ مقبول و پاکیزه‌ای است که با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم انجام گیرد.

۸- وَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ یَزِیدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِکِ قَالَ کُنْتُ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَمَرَّ قَوْمٌ عَلَی حَمِیرٍ فَقَالَ لِی أَیْنَ یُرِیدُونَ هَؤُلَاءِ قُلْتُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَالَ فَمَا یَمْنَعُهُمْ مِنْ زِیَارَةِ الْغَرِیبِ الشَّهِیدِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ زِیَارَتُهُ وَاجِبَةٌ فَقَالَ زِیَارَتُهُ خَیْرٌ مِنْ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ حَجَّةٍ حَتَّی عَدَّ عِشْرِینَ حَجَّةً وَ عِشْرِینَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ قَالَ فَوَ اللَّهِ مَا قُمْتُ حَتَّی أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ إِنِّی قَدْ حَجَجْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حَجَّةً فَادْعُ اللَّهَ أَنْ یَرْزُقَنِی تَمَامَ الْعِشْرِینَ قَالَ فَهَلْ زُرْتَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) قَالَ لَا قَالَ لَزِیَارَتُهُ خَیْرٌ مِنْ عِشْرِینَ حَجَّةً

علیّ بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از یزید بن عبد الملک وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام بودم پس گروهی که بر درازگوش‌ها سوار بودند بر ما گذشتند.

حضرت به من فرمودند: اینها قصد کجا را دارند؟

عرض کردم: به زیارت قبور شهداء می‌روند.

فرمودند: چه چیز ایشان را از زیارت غریب شهید باز داشت؟!! مردی از اهل عراق محضر مبارکش عرض کرد: آیا زیارت آن حضرت (امام حسین علیه السّلام) واجب است؟

حضرت فرمودند: زیارت آن جناب از یک حجّ و عمره و یک عمره و یک حجّ بهتر است سپس حضرت تعداد حجّ و عمره‌ها را زیاد کرده تا بیست حجّ و بیست عمره شمردند و بعد فرمودند:

البتّه تمام آنها مقبول و مبرور باشند.

راوی می گوید:

به خدا سوگند از محضرش مرخّص نشده بودم که مردی آمد و حضورش رسید و عرض کرد:

من نوزده حجّ انجام داده‌ام، از خداوند بخواهید که یک حجّ دیگر نصیبم شده و بدین ترتیب تا عدد بیست کامل گردد.

حضرت فرمودند: آیا قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت کرده‌ای؟

آن مرد عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

زیارت آن حضرت از بیست حجّ بهتر می‌باشد.

۹- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ سَعْدَانَ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ تُکْتَبُ لَهُ حَجَّةٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ حَجَّةٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ نَعَمْ وَ حَجَّتَانِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ حَجَّتَانِ قَالَ نَعَمْ وَ ثَلَاثٌ فَمَا زَالَ یَعُدُّ حَتَّی بَلَغَ عَشْراً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ عَشْرُ حِجَجٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ نَعَمْ وَ عِشْرُونَ حَجَّةً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ عِشْرُونَ- فَمَا زَالَ یَعُدُّ حَتَّی بَلَغَ خَمْسِینَ فَسَکَتُّ

پدرم و علیّ بن الحسین رحمة اللّه علیهما، از سعد بن عبد اللّه، از ابی القاسم هارون بن مسلم بن سعدان، از مسعدة بن صدقه، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: برای کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کند چه

اجر و ثوابی است؟

حضرت فرمودند:

ثواب یک حجّی که با رسول خدا بجا آورند می‌باشد.

راوی می گوید: محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم، ثواب یک حجّ با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم؟!! حضرت فرمودند: بلی بلکه ثواب دو حجّ.

راوی می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ثواب دو حجّ؟

امام علیه السّلام فرمودند: بلی بلکه ثواب سه حجّ و پیوسته تعداد حجّ‌ها را حضرت اضافه می کردند تا به ده حجّ رسیدند.

عرض کردم: فدایت شوم، ثواب ده حجّ با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم!! امام علیه السّلام فرمودند: بلی بلکه ثواب بیست حجّ.

عرض کردم: فدایت شوم، ثواب بیست حجّ؟! پس پیوسته عدد حجّ‌ها را بالا می‌بردند تا به پنجاه تا رسید و دیگر سکوت اختیار فرمودند.

۱۰- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَیْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا لِمَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّهِ غَیْرَ مُسْتَکْبِرٍ وَ لَا مُسْتَنْکِفٍ قَالَ یُکْتَبُ لَهُ أَلْفُ حِجَّةٍ وَ أَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ إِنْ کَانَ شَقِیّاً کُتِبَ سَعِیداً وَ لَمْ یَزَلْ یَخُوضُ فِی رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

و محمّد بن الحسن بن الولید، از محمّد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از عبد اللّه بن مغیره، از عبد اللّه بن میمون قدّاح، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی می گوید: محضرش عرض کردم:

برای کسی که به زیارت امام حسین علیه السّلام رود در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه بوده و هیچ استکبار و استنکافی از زیارتش نداشته باشد چه اجر و ثوابی می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

برای او ثواب هزار حجّ و هزار عمره مقبول می‌نویسند و اگر شقی بوده سعید محسوبش می کنند و پیوسته در رحمت خدا غوطه‌ور است.

۶۷] – باب شصت و هفتم زيارت حضرت امام حسين معادل با آزاد كردن بندگان مى‌باشد

۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الزَّيَّاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ صَالِحٍ النِّيلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مَنْ أَعْتَقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ- وَ كَمَنْ حَمَلَ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُسْرَجَةً مُلْجَمَةً حَدَّثَنِي أَبِي ره وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر رزّاز كوفى، از محمّد بن الحسين زيّات، از محمّد بن سنان، از محمّد بن صدقه، از صالح نيلى، وى مى گويد:

حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر حضرت حسين عليه السّلام رفته در حالى كه به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد حق تعالى اجر و ثواب كسى كه هزار بنده آزاد كرده است را به او داده و وى مانند كسى است كه هزار اسب را زين نموده و لجام زده و در راه خدا با آنها جهاد كرده باشد.

پدرم رحمة اللّه عليه و محمّد بن يعقوب، از محمّد بن يحيى عطّار، از محمّد بن الحسين بن ابى الخطّاب به اسنادش حديثى نظير حديث گذشته را نقل نموده است.

۲- وَ حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْقُرَشِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ آتِي قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ ائْتِ قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ أَطْيَبِ الطَّيِّبِينَ [الْأَطْيَبِيْنِ]وَ أَطْهَرَ الْأَطْهَرِينَ وَ أَبَرِّ الْأَبْرَارِ فَإِذَا زُرْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ عِتْقَ خَمْسٍ وَ عِشْرِينَ رَقَبَةً حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ

ابو العباس قرشى، از محمّد بن الحسين، از محمّد بن اسماعيل، از صالح بن عقبه، از ابو سعيد مدائنى، وى مى گويد:

محضر حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام عرض كردم: فدايت شوم، آيا به زيارت قبر فرزند رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم بروم؟

حضرت فرمودند:

بلى، اى ابا سعيد به زيارت قبر فرزند رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم كه پاكيزه‌ترين پاكيزه گان و نيكوكارترين نيكوكاران هست برو و وقتى آن حضرت را زيارت كردى خداوند متعال براى تو ثواب آزاد كردن بيست و پنج بنده را مى‌نويسد.

پدرم رحمة اللّه عليه از عدّه‌اى اصحاب، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمد بن عيسى، از محمد بن اسماعيل، از صالح بن عقبه، از ابو سعيد مدائنى نقل كرده كه وى گفت:

محضر مبارك امام صادق عليه السّلام عرض كردم ... و نظير همين حديث را نقل كرده.

۶۸] - باب شصت و هشتم زوّار حضرت امام حسین علیه السّلام شفاعت دیگران را می‌کنند

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی یَتَجَلَّی لِزُوَّارِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ وَ یَقْضِی حَوَائِجَهُمْ وَ یَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَ یُشَفِّعُهُمْ فِی مَسَائِلِهِمْ ثُمَّ یَثْنِی بِأَهْلِ عَرَفَاتٍ فَیَفْعَلُ بِهِمْ ذَلِکَ

محمّد بن الحسین بن متّ جوهری، از محمّد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، از موسی بن عمر، از علیّ بن نعمان، از عبد اللّه بن مسکان وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی برای زوّار قبر حضرت امام حسین علیه السّلام قبل از اهل عرفات تجلّی کرده و حوائج آنها را برآورده و گناهانشان را آمرزیده و در مسائل و خواسته‌هایشان شفاعتشان را کرده و سپس توجّه به اهل عرفات نموده و آنچه در حق زوّار امام حسین علیه السّلام منظور نمود برای ایشان نیز ملحوظ می‌دارد.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَیْفٍ التَّمَّارِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ زَائِرُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مُشَفَّعٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ لِمِائَةِ رَجُلٍ کُلُّهُمْ قَدْ وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ مِمَّنْ کَانَ فِی الدُّنْیَا مِنَ الْمُسْرِفِینَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن و علیّ بن الحسین جملگی، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی بن عبید، از صفوان بن یحیی، از مردی از سیف تمّار، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

شنیدم حضرت امام صادق علیه السّلام می‌فرمودند:

زائر امام حسین علیه السّلام در روز قیامت صد نفر که همگی اهل دوزخ بوده و در دنیا از مسرفین بودند را شفاعت می کند.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَیْهِ جَمِیعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا یَحْیَی وَ کَانَ فِی خِدْمَةِ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) عَنْ عَلِیٍّ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ لَهُ طَوِیلٍ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ قُتِلَ عِنْدَهُ یَعْنِی عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ جَارَ عَلَیْهِ السُّلْطَانُ فَقَتَلَهُ قَالَ أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ یُغْفَرُ لَهُ بِهَا کُلُّ خَطِیئَةٍ وَ تُغْسَلُ طِینَتُهُ الَّتِی خُلِقَ مِنْهَا الْمَلَائِکَةُ حَتَّی یَخْلُصَ کَمَا خَلَصَتِ الْأَنْبِیَاءُ المخلصین [الْمُخْلَصُونَ وَ یَذْهَبُ عَنْهَا مَا کَانَ خَالَطَهَا مِنْ أَدْنَاسِ طِینِ أَهْلِ الْکُفْرِ وَ الْفَسَادِ- وَ یُغْسَلُ قَلْبُهُ وَ یُشْرَحُ وَ یُمْلَأُ إِیمَاناً فَیَلْقَی اللَّهَ وَ هُوَ مُخْلَصٌ مِنْ کُلِّ مَا یُخَالِطُهُ الْأَبْدَانُ وَ الْقُلُوبُ وَ یُکْتَبُ لَهُ شَفَاعَةٌ فِی أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَلْفٍ مِنْ إِخْوَانِهِ وَ تَتَوَلَّی الصَّلَاةَ عَلَیْهِ الْمَلَائِکَةُ مَعَ جَبْرَئِیلَ وَ مَلَکِ الْمَوْتِ وَ یُؤْتَی بِکَفَنِهِ وَ حَنُوطِهِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ یُوَسَّعُ قَبْرُهُ وَ یُوضَعُ لَهُ مَصَابِیحُ فِی قَبْرِهِ وَ یُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ تَأْتِیهِ الْمَلَائِکَةُ بِطُرَفٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ یُرْفَعُ بَعْدَ ثَمَانِیَةَ عَشَرَ یَوْماً إِلَی حَظِیرَةِ الْقُدْسِ فَلَا یَزَالُ فِیهَا مَعَ أَوْلِیَاءِ اللَّهِ حَتَّی تُصِیبَهُ النَّفْخَةُ الَّتِی لَا تَبْقَی شَیْئاً فَإِذَا کَانَتِ النَّفْخَةُ الثَّانِیَةُ وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ کَانَ أَوَّلُ مَنْ یُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَوْصِیَاءُ وَ یُبَشِّرُونَهُ وَ یَقُولُونَ لَهُ الْزَمْنَا وَ یُقِیمُونَهُ عَلَی الْحَوْضِ فَیَشْرَبُ مِنْهُ وَ یَسْقِی مَنْ أَحَبَّ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن و علیّ بن الحسین و علیّ بن محمّد بن قولویه جملگی، از احمد بن ادریس و محمّد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، وی می گوید:

یحیی که در خدمت ابو جعفر ثانی (از خلفاء عبّاسی) بود، از علی، از صفوان جمال، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در ضمن حدیث طولانی نقل کرده ....

مترجم گوید:

اين حديث بطور تمام و مشروح در باب چهل و چهارم ذيل حديث شماره نقل و ترجمه شده لذا از ترجمه مكرّر خوددارى مى‌نمائيم.

۴- حَدَّثَنِي أَبِي ره عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِائَةَ أَلْفِ لَحْظَةٍ إِلَى الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْهُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ مِنْهُ وَ يَغْفِرُ لِزَائِرِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) خَاصَّةً وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِمْ وَ لِمَنْ يَشْفَعُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَائِناً مَنْ كَانَ وَ إِنْ كَانَ رَجُلًا قَدِ اسْتَوْجَبَهُ النَّارُ قَالَ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ رَجُلًا قَدِ اسْتَوْجَبَهُ النَّارُ قَالَ وَ إِنْ كَانَ مَا لَمْ يَكُنْ نَاصِبِيّاً

پدرم رحمة اللّه عليه از حسين بن حسن بن ابان، از محمّد بن اورمه، از ابى عبد اللّه موءمن از ابن مسكان، از سليمان بن خالد، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، وى مى گويد:

از حضرت امام صادق عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

خداوند عزّ و جلّ در هر روز و هر شب صد هزار بار نظر به سكنه زمين مى‌فرمايد و در هر نظر هر كس را كه بخواهد آمرزيده و هر كس را كه بخواهد عذاب نموده و زائرين قبر حضرت امام حسين عليه السّلام را بالخصوص و نيز اهل بيت ايشان و كسانى را كه زائرين در روز قيامت شفاعت آنها را مى كنند خواهد آمرزيد. ناگفته نماند اشخاص شفاعت شده هر كس و هر شخصى كه باشد مشمول آمرزش حق تعالى قرار خواهد گرفت اگر چه كسى بوده كه مستوجب آتش دوزخ باشد.

راوى مى گويد: عرض كردم: اگر چه كسى بوده كه مستحق آتش دوزخ باشد؟

حضرت فرمودند:

اگر چه اين طور باشد مشروط به اينكه ناصبى محسوب نگردد.

۵- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَضَّاحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شُعَيْبٍ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ شِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ فَيَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النَّاسِ لَا يُحْصِيهِمْ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى- فَيَقُومُونَ نَاحِيَةً مِنَ النَّاسِ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ أَيْنَ زُوَّارُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَيَقُومُ أُنَاسٌ كَثِيرٌ فَيُقَالُ لَهُمْ خُذُوا بِيَدِ مَنْ أَحْبَبْتُمْ انْطَلِقُوا بِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ فَيَأْخُذُ الرَّجُلُ مَنْ أَحَبَّ حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ مِنَ النَّاسِ يَقُولُ لِرَجُلٍ يَا فُلَانُ أَ مَا تَعْرِفُنِي أَنَا الَّذِي قُمْتُ لَكَ يَوْمَ كَذَا وَ كَذَا فَيُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ لَا يُدْفَعُ وَ لَا يُمْنَعُ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عيسى، از پدرش از عبد اللّه بن محمّد بن عيسى، از حسن بن محبوب، از عبد اللّه بن وضّاح، از عبد اللّه بن شعيب تيعى، از حضرت ابا عبد اللّه عليه السّلام، حضرت فرمودند:

روز قيامت منادى ندا مى كند: شيعيان آل محمّد در كجا هستند؟! پس از ميان مردم گردنهائى كشيده شده و افرادى بپا مى‌خيزند كه عدد آنها را غير از حقتعالى كس ديگر نمى‌داند. ايشان در قسمتى از مردم بپا خاسته‌اند، سپس منادى ندا مى كند: زوّار قبر حضرت امام حسين عليه السّلام در كجا هستند؟! خلق بسيارى به پا مى‌خيزند.

پس به ايشان گفته مى‌شود: دست هر كسى را كه دوست داريد بگيريد و آنها را به بهشت ببريد، پس شخصى كه جزء زائرين است هر كسى را كه بخواهد گرفته و به بهشت مى‌برد حتى بعضى از مردم به برخى ديگر مى گويند: اى فلانى من را مى‌شناسى؟ من كسى هستم كه در فلان روز در فلان مجلس براى تو ايستاده و احترام از تو نمودم پس من را نيز درياب، زائر او را نيز گرفته و به بهشت داخل نموده بدون اينكه دافع و مانعى در بين باشد.

۶۹] - باب شصت و نهم زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام غم و اندوه را بر طرف کرده و به واسطه‌اش حوائج بر آورده می‌شود

۱- حَدَّثَنِی أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوسَوِیُّ الْعَلَوِیُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ [عُبَیْدِ اللَّهِ]بْنِ نَهِیکٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ فُضَیْلِ بْنِ یَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنَّ إِلَی جَانِبِکُمْ لَقَبْراً مَا أَتَاهُ مَکْرُوبٌ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ کُرْبَتَهُ وَ قَضَی حَاجَتَهُ

ابو القاسم جعفر بن محمّد بن ابراهیم بن عبد اللّه موسوی علوی از عبید اللّه بن نهیک، از ابن ابی عمیر از هشام بن حکم، از فضیل بن یسار، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

در طرف شما قبری است که هیچ حزین و اندوهگینی آن را زیارت نمی‌کند مگر آنکه حق تعالی حزن و اندوهش را برطرف کرده و حاجتش را روا می‌سازد.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ سَلَمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِیِّ عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ الْکِنَانِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ إِلَی جَانِبِکُمْ قَبْراً مَا أَتَاهُ مَکْرُوبٌ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ کُرْبَتَهُ وَ قَضَی حَاجَتَهُ وَ إِنَّ عِنْدَهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَکٍ مُنْذُ یَوْمَ قُبِضَ شُعْثاً غُبْراً یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ فَمَنْ زَارَهُ شَیَّعُوهُ إِلَی مَأْمَنِهِ وَ مَنْ مَرِضَ عَادُوهُ وَ مَنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جَنَازَتَهُ

و از ابو القاسم، جعفر بن محمّد بن ابراهیم بن عبد اللّه موسوی علوی از عبد اللّه بن نهیک، از محمّد بن ابی عمیر، از سلمهٔ صاحب سابری، از ابی الصباح کنانی، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

در طرف شما قبری است که هیچ مکروب و اندوهگینی به زیارت آن نمی‌رود مگر آنکه خداوند متعال اندوهش را بر طرف کرده و حاجتش را روا می‌سازد و از روزی که آن حضرت شهید شدند چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته هستند اطراف قبر مطهّرش بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند و کسی که او را زیارت کند فرشتگان تا وطن و مأوایش مشایعتش کرده و اگر مریض و بیمار شود عیادتش کنند و اگر بمیرد جنازه‌اش را تشییع نمایند.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الزَّیَّاتِ عَنْ کَرَّامٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) قُتِلَ مَکْرُوباً وَ حَقِیقٌ عَلَی اللَّهِ أَنْ لَا یَأْتِیَهُ مَکْرُوبٌ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ مَسْرُوراً

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از علی بن اسماعیل بن عیسی، از محمّد ابن عمرو زیّات، از کرام، از اسماعیل بن جابر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی می گوید:

از حضرت امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

حضرت امام حسین علیه السّلام با حالی حزین و اندوه کشته شدند و سزاوار است بر خدا که هیچ حزین و اندوهگینی به زیارت آن جناب نرود مگر آنکه حق تعالی وی را مسرور و شادمان به اهلش برگرداند.

۴- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ وَلَایَتَنَا عَلَی أَهْلِ الْأَمْصَارِ فَلَمْ یَقْبَلْهَا إِلَّا أَهْلُ الْکُوفَةِ وَ إِنَّ إِلَی جَانِبِهَا قَبْراً لَا یَأْتِیهِ مَکْرُوبٌ فَیُصَلِّی عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَکَعَاتٍ إِلَّا رَجَّعَهُ اللَّهُ مَسْرُوراً بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ

محمّد بن حسن، از محمّد بن حسن صفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضّال، از مفضل بن صالح، از محمّد

بن على حلبى، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، حضرت فرمودند:

خداوند متعال ولايت ما اهل بيت را بر شهرها عرضه كرد پس تنها اهل كوفه آن را پذيرفتند و بر جانب اين شهر قبرى است كه هيچ اندوهگينى به زيارت آن نرود

و چهار ركعت نماز نزد آن نخواند مگر آنكه حق تعالى وى را مسرور و با حاجت روا به اهلش برگرداند.

۵- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ قُتِلَ مَظْلُوماً مَكْرُوباً عَطْشَاناً لَهْفَاناً [فَآلَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ]وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ وَ لَا مَكْرُوبٌ وَ لَا مُذْنِبٌ وَ لَا مَغْمُومٌ وَ لَا عَطْشَانٌ وَ لَا ذُو عَاهَةٍ ثُمَّ دَعَا عِنْدَهُ وَ تَقَرَّبَ بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَ أَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَ غَفَرَ ذُنُوبَهُ [ذَنْبَهُ]وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ وَ بَسَطَ فِي رِزْقِهِ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عيسى، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزين، از محمّد بن مسلم، از حضرت ابى جعفر عليه السّلام، آن حضرت فرمودند:

حضرت حسين عليه السّلام كه صاحبكربلاء است در حالى كه مظلوم و اندوهگين و تشنه و غصه‌دار بود شهيد شد و غصّه‌دار و اندوهگين و گناه‌كار و غمگين و تشنه و صاحب عيب و آفتى به زيارت آن حضرت نيايد و سپس نزد آن حضرت دعا كند و بواسطه آن جناب به خداوند تقرّب جويد مگر آنكه بر خداست كه حزن و اندوهش را بر طرف كرده و خواسته‌اش را اعطاء نموده و گناهانش را آمرزيده و عمرش را طولانى نموده و روزى و رزقش را فراخ نمايد پس اى صاحبان بصيرت عبرت بگيريد.

۶- حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنْ يَحْيَى وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ لَقَبْراً مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ يَعْنِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ ع

پدرم و جماعتى از مشايخ و اساتيدم و محمّد بن الحسن، از محمد بن يحيى و احمد بن ادريس، از عمركى، از يحيى (وى در خدمت ابى جعفر عباسى بود) از برخى اصحاب، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، حضرت فرمودند:

در پشت كوفه قبرى است كه هيچ حزين و غمگينى به زيارت آن نمى‌رود مگر آنكه حق تعالى حزنش را برطرف مى‌فرمايد، مقصود از آن قبر، قبر حضرت حسين بن على عليهما السّلام مى‌باشد.

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ عَنْ عَامِرِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي النُّمَيْرِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِنَّ وَلَايَتَنَا عُرِضَتْ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ فَلَمْ يَقْبَلْهَا قَبُولَ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ قَبْرَ عَلِيٍّ (عليه السلام) فِيهَا وَ أَنَّ إِلَى لِزْقِهِ لَقَبْراً آخَرَ يَعْنِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَمَا مِنْ آتٍ يَأْتِيهِ فَيُصَلِّي عِنْدَهُ رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَةً ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَتَهُ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ وَ إِنَّهُ لَيَحِفُّ بِهِ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفُ مَلَكٍ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسين بن ابى الخطاب، از محمّد بن ناحيه، از عامر بن كثير، از ابى النّمير، وى گفت:

حضرت ابو جعفر عليه السّلام فرمودند:

ولايت ما اهل بيت بر اهل شهرها عرضه شد هيچ كس آن را مانند اهل كوفه نپذيرفت زيرا در آن قبر على بن ابى طالب عليه السّلام مى‌باشد و معلوم باشد كه در جانب آن، قبر ديگرى است (مقصود قبر حضرت امام حسين عليه السّلام مى‌باشد) و هيچ زائرى آن را زيارت نكرده و دو يا چهار ركعت نزد آن نماز نخوانده و سپس حاجتش را از خداوند بخواهد مگر آنكه حق تعالى حاجت او را برآورده نموده و بايد توجّه داشت كه در هر روز هزار فرشته بر آن قبر مطهّر احاطه داشته و طوافش مى‌كنند.

۸- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ حَسَّانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) دَعَانِي الشَّوْقُ إِلَيْكَ- أَنْ تَجَشَّمْتُ إِلَيْكَ عَلَى مَشَقَّةٍ فَقَالَ لِي لَا تَشْكُ رَبَّكَ فَهَلَّا أَتَيْتَ مَنْ كَانَ أَعْظَمَ حَقّاً عَلَيْكَ مِنِّي فَكَانَ مِنْ قَوْلِهِ فَهَلَّا أَتَيْتَ مَنْ كَانَ أَعْظَمَ حَقّاً عَلَيْكَ مِنِّي أَشَدَّ عَلَيَّ مِنْ قَوْلِهِ لَا تَشْكُ رَبَّكَ قُلْتُ وَ مَنْ أَعْظَمُ عَلَيَّ حَقّاً مِنْكَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (علیه السلام) أَ لَا [أَلَّا أَتَيْتَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) فَدَعَوْتَ اللَّهَ عِنْدَهُ وَ شَكَوْتَ إِلَيْهِ حَوَائِجَكَ

ابو العبّاس کوفی، از محمّد بن الحسین، از صفوان، از ولید بن حسّان، از ابن ابی یعفور، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: شوق ملاقات شما من را بر آن داشت که مشقّت‌ها و مشکلات را تحمّل کرده تا محضر شما برسم.

حضرت به من فرمودند:

به پروردگارت شک مکن، آیا به زیارت کسی که حقّش بر تو از من بر تو بیشتر است رفته‌ای؟! ابن ابی یعفور می‌گوید:

عبارت (آیا به زیارت کسی که حقّش بر تو از من ....) بر من گران‌تر آمد از فرموده دیگر امام علیه السّلام که فرمودند (به پروردگارت شک مکن)، لذا محضرش عرضه داشتم:

چه کسی حقّش بر من از شما بیشتر است؟

حضرت فرمودند:

حضرت حسین بن علی علیهما السّلام، آیا به زیارت آن حضرت رفته‌ای؟ و خدا را در آنجا خوانده‌ای؟

و حوائج و نیازمندی‌های خود را در آنجا بر خدای متعال عرضه کرده‌ای یا نه؟

۹- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُعَلَّى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ زِيَادٍ [يَزْدَادَ]قَالَ أَتَى رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَقَالَ إِنِّي قَدْ ضَرَبْتُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ لِي ذَهَباً وَ فِضَّةً وَ بِعْتُ ضِيَاعِي فَقُلْتُ أَنْزِلُ مَكَّةَ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ جَهْرَةً قَالَ فَفِي حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ هُمْ شَرٌّ مِنْهُمْ قَالَ فَأَيْنَ أَنْزِلُ قَالَ عَلَيْكَ بِالْعِرَاقِ الْكُوفَةِ فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مِنْهَا عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا هَكَذَا وَ هَكَذَا- وَ إِلَى جَانِبِهَا قَبْرٌ مَا أَتَاهُ مَكْرُوبٌ قَطُّ وَ لَا مَلْهُوفٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمهٔ بن الخطاب، از ابراهیم بن محمّد، از علی ابن معلّی، از اسحاق بن زیاد (اسحاق بن یزداد بدل) وی می‌گوید:

شخصی نزد حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام مشرف شد عرض کرد: آنچه طلاـ و نقره داشتم معامله کرده و املاک خود را نیز فروخته‌ام و همه را به صورت پول نقد درآورده‌ام که از شهر خود به جای دیگر بروم آیا کجا ساکن گردم؟

اسحاق می‌گوید من به وی گفتم: به مکه وارد شو و در آنجا منزل کن.

حضرت به آن مرد فرمودند:

این کار را مکن زیرا اهل مکّه کافر به خدا بوده و علنا به وی کفر می‌ورزند.

آن مرد عرضه داشت: پس به حرم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم (یعنی مدینه) بروم؟

حضرت فرمودند:

اهل این شهر از اهل مکّه شرّتر و بدتر می‌باشند.

آن مرد عرض کرد: پس کجا منزل کنم؟

حضرت فرمودند:

بر تو باد به عراق و شهر کوفه زیرا برکت از آن شهر ناشی شده و تا شعاع دوازده میلی آن شهر پرتو افکنده و در یک جانب آن شهر قبری است (قبر مطهّر حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام) که هیچ اندوهگین و محزونی هرگز به زیارتش نمی‌رود مگر

آنکه حق تعالی حزن و غم او را برطرف می‌فرماید.

*** ***

*** ***

۷۰] – باب هفتادم ثواب زيارت امام حسين عليه السّلام در روز عرفه

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنِ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ الْكُوفِیُّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رُبَّمَا فَاتَنِی الْحَجُّ فَأُعَرِّفُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقَالَ أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ أَيُّمَا مُوءْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ فِی غَيْرِ يَوْمِ عِيدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِينَ حِجَّةً- وَ عِشْرِينَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ عِشْرِينَ غَزْوَةً مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامِ عَدْلٍ- وَ مَنْ أَتَاهُ فِی يَوْمِ عِيدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حِجَّةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ وَ مِائَةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامِ عَدْلٍ- وَ مَنْ أَتَاهُ يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَاتٍ- وَ أَلْفَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ لِی بِمِثْلِ الْمَوْقِفِ قَالَ فَنَظَرَ إِلَیَّ شِبْهَ الْمُغْضَبِ ثُمَّ قَالَ يَا بَشِيرُ إِنَّ الْمُوءْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَوْمَ عَرَفَةَ وَ اغْتَسَلَ فِی الْفُرَاتِ ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةً بِمَنَاسِكِهَا وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ وَ غَزْوَةً

محمّد بن جعفر قرشی رزّاز كوفی، از دائی خود محمّد بن الحسين بن ابی الخطّاب، از محمّد بن اسماعيل، از صالح بن عقبه، از بشير دهّان، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه عليه السّلام عرض كردم: بسا زيارت حجّ از من فوت شده پس در روز عرفه به زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السّلام می‌روم از نظر شما چه طور است؟

حضرت فرمودند:

ای بشير عمل نيک و پسنديده‌ای انجام داده‌ای، هر موءمن كه در غير روز عيد به زيارت قبر حسين بن علی عليهما السّلام برود در حالی كه به حقّ آن حضرت عارف و آگاه باشد خداوند متعال ثواب بيست حجّ و بيست عمره قبول شده و اجر بيست بار جنگ با دشمنان خدا در معيّت نبی مرسل يا امام عادل برايش می‌نويسد.

و كسی كه در روز عيد به زيارت قبر مطهّرش برود حق تعالی ثواب صد حج و صد عمره و صد بار جنگ با دشمنان خدا در ركاب نبی مرسل يا امام عادل برای او منظور می‌فرمايد.

و كسی كه در روز عرفه با عرفان به حق آن حضرت به زيارت قبر مطهّرش برود خداوند منّان ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول و هزار بار جنگ نمودن با دشمنان خدا در ركاب نبی مرسل يا امام عادل به او می‌دهد.

بشير می‌گويد: محضرش عرض كردم: چگونه اين اجر و ثواب‌ها برای من باشد در حالی كه موقف را ترک كرده‌ام؟

بشير می‌گويد: پس از ايراد اين كلام حضرت نگاهی شبيه شخص غضبناک به من نموده سپس فرمودند:

ای بشير، هنگامی كه موءمن به زيارت قبر حسين بن علی عليهما السّلام در روز عرفه می‌رود و در فرات غسل كرده و سپس به طرف آن حضرت متوجّه می‌شود خداوند متعال به هر قدمی كه وی برمی‌دارد ثواب يک حج با تمام مناسک و اعمال آن را برايش منظور می‌كند.

بشير می‌گويد: بعد از اين كلام، سخن ديگری نمی‌دانم امام عليه السّلام فرمودند مگر كلمه «و ثواب غزوة» را.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ره جَمِيعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ الزَّيَّاتِ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ أَبَاالْحَسَنِ الرِّضَا (عليهما السلام) وَ هُمَا يَقُولَانِ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) بِعَرَفَةَ أَقْلَبَهُ اللَّهُ ثَلِجَ الْفُوءَادِ

پدرم و علی بن الحسين و محمّد بن الحسن رحمهٔ اللّه عليهم جملگی از سعد ابن عبد اللّه، از علیّ بن اسماعيل بن عيسی، از محمّد بن عمرو بن سعيد زيّات، از داود رقّی، وی گفت:

از حضرت ابو عبد اللّه و ابو الحسن موسی بن جعفر و ابو الحسن علیّ بن موسی عليهم السّلام شنيدم كه می‌فرمودند:

کسی که در روز عرفه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برود خداوند متعال او را مطمئن القلب می گرداند.

۳- وَ عَنْهُمْ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَبْدَأُ بِالنَّظَرِ إِلَى زُوَّارِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) عَشِيَّةَ عَرَفَةَ قَالَ قُلْتُ قَبْلَ نَظَرِهِ لِأَهْلِ الْمَوْقِفِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّ فِي أُولَئِكَ أَوْلَادَ زِنًا- وَ لَيْسَ فِي هَؤُلَاءِ أَوْلَادُ زِنًا

و از پدرم و علی بن الحسین و محمّد بن الحسن رحمة اللّه علیهم جملگی از سعد، از هیثم بن ابی مسروق نهدی، از علی بن اسباط، از برخی اصحاب ما از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفه ابتداء به زوار قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام نظر می کند.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: قبل از نظر نمودن به اهل موقف(حاجی ها)؟ حضرت فرمودند: بلی.

عرض کردم: چرا این طور است؟

حضرت فرمودند: زیرا در بین حاجی‌ها زنازاده وجود داشته ولی در میان زائرین قبر مطهّر آن حضرت ابدا زنازاده نمی‌باشد.

۴- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَتَجَلَّى لِزُوَّارِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ وَ يَقْضِي حَوَائِجَهُمْ وَ يَغْفِرُ ذُنُوبَهُمْ وَ يُشَفِّعُهُمْ فِي مَسَائِلِهِمْ ثُمَّ يَأْتِي أَهْلَ عَرَفَةَ فَيَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ

مترجم می گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش قبلا در باب شصت و هشت ذیل رقم با سند دیگر نقل شد.

۵- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيُّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ فَاتَتْهُ عَرَفَةُ بِعَرَفَاتٍ فَأَدْرَكَهَا بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) لَمْ يَفُتْهُ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيَبْدَأُ بِأَهْلِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَبْلَ أَهْلِ عَرَفَاتٍ ثُمَّ قَالَ يُخَالِطُهُمْ بِنَفْسِهِ [فِي نَفْسِهِ]

پدرم رحمة اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمّد بن یحیی عطّار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری ابی سعید، وی گفت:

عبد اللّه بن محمّد یمانی، از منیع بن حجّاج، از یونس بن یعقوب بن عمّار، از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که در عرفات روز عرفه را درک نکرد ولی آن را کنار قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام درک نماید، عرفه از او فوت نشده است و خداوند متعال ابتداء کسانی را که در کنار قبر آن جناب هستند مورد نظر و التفات قرار داده بعد به اهل عرفات نظر نموده و با ایشان انس می گیرد.

۶- حَدَّثَنِي أَبِي ره وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الرَّاشِدِ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ- وَ قُضِيَتْ لَهُ أَلْفُ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

پدرم رحمة اللّه علیه و علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن خالد برقی، از قاسم بن یحیی بن الحسن بن راشد، از جدّش حسن، از یونس بن ظبیان، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را در نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یک سال زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حجّ و هزار عمره مقبول به وی داده و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرتش را روا می‌سازد.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا کَانَ یَوْمُ عَرَفَهَْ اطَّلَعَ اللَّهُ تَعَالَی عَلَی زُوَّارِ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ لَهُمُ اسْتَأْنِفُوا فَقَدْ غَفَرْتُ لَکُمْ ثُمَّ یَجْعَلُ إِقَامَتَهُ عَلَی أَهْلِ عَرَفَاتٍ

محمّد بن الحسن بن الولید، از محمّد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد ابن عیسی، از محمّد بن خالد برقی، از حنان بن سدیر، از پدرش، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

زمانی که روز عرفه فرا برسد خداوند متعال به زوّار قبر حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام توجّه نموده پس به ایشان می‌فرماید:

از ابتداء شروع به عمل نمائید زیرا شما را آمرزیدم سپس با اهل عرفات انس می گیرد.

۸- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْحَسَنِ الْعَرْزَمِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ إِذَا کَانَ یَوْمُ عَرَفَهَْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَی زُوَّارِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَیَقُولُ ارْجِعُوا مَغْفُوراً لَکُمْ مَا مَضَی وَ لَا یُکْتَبُ عَلَی أَحَدٍ مِنْهُمْ ذَنْبٌ سَبْعِینَ یَوْماً مِنْ یَوْمِ یَنْصَرِفُ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از کسی که نامش را برده، از عمر بن الحسن العزرمی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام وی می گوید: از آن حضرت شنیدم که می‌فرمودند:

هنگامی که روز عرفه می‌رسد خداوند متعال به زوّار قبر حضرت امام حسین علیه السّلام نظر نموده و می‌فرماید: برگردید آنچه از افعال و گناهان گذشته شما است آمرزیدم و از روزی که مراجعت می کنند تا هفتاد روز هیچ گناهی از ایشان ثبت و ضبط نمی‌شود.

۹- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ جَمَاعَهٌْ أَصْحَابِی ره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ جَمِیعاً عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ یَحْیَی الْخَادِمِ لِأَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ وَ هُوَ نَازِلٌ بِالْحِیرَهِْ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَهٌْ مِنَ الشِّیعَهِْ فَأَقْبَلَ إِلَیَّ بِوَجْهِهِ فَقَالَ یَا بَشِیرُ أَ حَجَجْتَ الْعَامَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ لَا- وَ لَکِنْ عَرَّفْتُ بِالْقَبْرِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ یَا بَشِیرُ وَ اللَّهِ مَا فَاتَکَ شَیْءٌ مِمَّا کَانَ لِأَصْحَابِ مَکَّهَْ بِمَکَّهَْ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ فِیهِ عَرَفَاتٌ فَسِّرْهُ لِی فَقَالَ یَا بَشِیرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْکُمْ لَیَغْتَسِلُ عَلَی شَاطِئِ الْفُرَاتِ ثُمَّ یَأْتِی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ فَیُعْطِیهِ اللَّهُ بِکُلِّ قَدَمٍ یَرْفَعُهَا وَ [أَوْ]یَضَعُهَا مِائَهَْ حِجَّهٍْ مَقْبُولَهٍْ وَ مِائَهَْ عُمْرَهٍْ مَبْرُورَهٍْ وَ مِائَهَْ غَزْوَهٍْ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ إِلَی أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِهِ [إِلَی أَعْدَی عَدُوٍّ لَهُ یَا بَشِیرُ]یَا بَشِیرُ اسْمَعْ وَ أَبْلِغْ مَنِ احْتَمَلَ قَلْبُهُ مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) یَوْمَ عَرَفَهَْ کَانَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ

پدرم و جماعتی، از اصحاب و یارانم رحمهٔ اللّه علیهم، از محمّد بن یحیی و احمد بن ادریس جملگی از عمرکی بن علی، از یحیی (یعنی خادم حضرت ابو جعفر ثانی علیه السّلام) از محمّد بن سنان، از بشیر دهان، وی می گوید:

از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام (هنگامی که در حیره نزول اجلال فرموده و جماعتی از شیعه محضر مبارکش بودند) گفتاری شنیدم که شرحش چنین است:

حضرت روی مبارکشان را به من نموده و فرمودند:

ای بشیر امسال به حجّ رفتی؟

عرض کردم: فدایت شوم، خیر، ولی در روز عرفه به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السّلام رفتم.

حضرت فرمودند:

ای بشیر به خدا قسم آنچه از اجر و ثواب برای اصحاب مکّه (حاجی‌ها) در مکّه می‌باشد از تو فوت نشده.

عرض کردم: یعنی در این زیارت من اجر و ثواب وقوف به عرفات بوده؟

برایم فرموده خود را تفسیر بفرمائید:

حضرت فرمودند:

ای بشير وقتی يک نفر از شما کنار فرات غسل نمود و سپس به زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السّلام رفت در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطّلع باشد البتّه خداوند متعال به هر قدمی که وی از زمين بلند می‌کند و سپس آن را بر زمين می‌نهد اجر صد حج و صد عمره قبول شده می‌دهد و اجر صد جنگ که وی در معيّت نبیّ مرسل با دشمنان خدا و رسول او نموده را برايش منظور می‌فرمايد.

ای بشير: بشنو و به کسانی که قلبشان ظرفيّت پذيريش آن را دارد برسان و بگو:

کسی که امام حسين عليه السّلام را در روز عرفه زيارت کند مانند کسی است که خدا را در عرش زيارت نموده.

۱۰- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْمُوءْمِنِ ره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَبْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حِجَّةٍ مَعَ الْقَائِمِ وَ أَلْفَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله عليه و آله) وَ عِتْقَ أَلْفِ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَ حُمْلَانَ أَلْفِ أَلْفِ فَرَسٍ فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَ سَمَّاهُ اللَّهُ عَبْدِیَ الصِّدِّيقَ آمَنَ بِوَعْدِی وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ فُلَانٌ صِدِّيقٌ زَكَّاهُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ وَ سُمِّیَ فِی الْأَرْضِ كَرُوباً

محمّد بن عبد الموءمن رحمة اللّه عليه، از محمّد بن يحيی، از محمّد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد الكوفی، از محمّد بن جعفر بن اسماعيل العبدی، از محمّد بن عبد اللّه بن مهران، از محمّد بن سنان، از يونس بن ظبيان، از حضرت ابی عبد اللّه عليه السّلام حضرت فرمودند:

کسی که در روز عرفه قبر حضرت حسين بن علی عليهما السّلام را زيارت کند خداوند متعال ثواب هزار هزار (يک ميليون) حج که با حضرت قائم عليه السّلام بجای آورند را برای وی منظور می‌فرمايد و اجر هزار هزار عمره که با حضرت رسول خدا صلّی اللّه عليه و آله و سلّم انجام گيرد را به وی داده و همچنين ثواب آزاد نمودن هزار هزار عبد را به او اعطاء کرده و اجر کسی که هزار هزار دو بار اسب را در راه خدا انفاق کرده است را به وی عنايت می‌فرمايد و حق تعالی از وی به اين عبارت نام می‌برد: عبدی الصّديق آمن بوعدی و فرشتگان در باره‌اش چنين تعبير می‌کنند: فلان صدّيق، زكّاه اللّه من فوق عرشه.

و در زمين کروب ناميده می‌شود.

۱۱- حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ- وَ أَلْفِ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ وَ مَنْ زَارَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتَّةَ

پدرم رحمة اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسی، از محمّد بن اسماعيل بن بزيع، از صالح بن عقبه، از بشير دهّان، وی می‌گويد:

حضرت جعفر بن محمّد عليهما السّلام فرمودند:

کسی که در روز عرفه قبر مطهّر حضرت حسين بن علی عليهما السّلام را زيارت کند در حالی که به حق آن حضرت عارف و مطّلع باشد خداوند ثواب هزار حجّ و هزار عمره و هزار جنگی که در معيّت نبیّ مرسلی انجام داده را برايش می‌نويسد.

و کسی که روز اوّل ماه رجب آن جناب را زيارت کند خداوند منّان البته او را می‌آمرزد.

۱۲- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَی بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ يَسَارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ كَانَ مُعْسِراً فَلَمْ يَتَهَيَّأْ لَهُ حِجَّةُ الْإِسْلَامِ فَلْيَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَ لْيُعَرِّفْ عِنْدَهُ- فَذَلِكَ يُجْزِيهِ عَنْ حِجَّةِ الْإِسْلَامِ أَمَا إِنِّی لَا أَقُولُ يُجْزِی ذَلِكَ عَنْ حِجَّةِ الْإِسْلَامِ إِلَّا لِلْمُعْسِرِ فَأَمَّا الْمُوسِرُ إِذَا كَانَ قَدْ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ فَأَرَادَ أَنْ يَتَنَفَّلَ بِالْحَجِّ

أو الْعُمْرَةِ- وَ مَنَعَهُ مِنْ ذَلِکَ شُغُلُ دُنْیا أَوْ عَائِقٌ فَأَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی یَوْمِ عَرَفَةَ أَجْزَأَهُ ذَلِکَ عَنْ أَدَاءِ الْحَجِّ أَوِ الْعُمْرَةِ وَ ضَاعَفَ اللَّهُ لَهُ ذَلِکَ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً- قَالَ قُلْتُ کَمْ تَعْدِلُ حِجَّةً وَ کَمْ تَعْدِلُ عُمْرَةً قَالَ لَا یُحْصَی ذَلِکَ قَالَ قُلْتُ مِائَةً قَالَ وَ مَنْ یُحْصِی ذَلِکَ قُلْتُ ألف [أَلْفاً قَالَ وَ أَکْثَرَ ثُمَّ قَالَ وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّهِ لا تُحْصُوها- إِنَّ اللّهَ واسِعٌ عَلِیمٌ [کَرِیمٌ]

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی بن عبید، از محمّد بن سنان، از ابی سعید قمّاط، از بشّار، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که متمکن و توانا نبوده لذا برای رفتن به حج و انجام حجّهٔ الاسلام مهیّا نباشد باید به زیارت قبر مطهّر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام برود و روز عرفه را در آنجا باشد، چنین زیارتی از حجهٔ الاسلامش مجزی است.

ناگفته نماند و باید توجّه داشت من نمی‌گویم این زیارت مطلقا از حجّهٔ الاسلام مجزی است بلکه تنها برای شخص غیر متمکن و معسر اجزاء می‌باشد امّا کسی که موسر و متمکن می‌باشد:

وی وقتی حجهٔ الاسلام را بجا آورد اگر اراده نمود که حج یا عمره مستحبی انجام دهد و شغل دنیائی یا مانعی دیگر او را از آن باز داشت در صورتی که به زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام در روز عرفه برود البته خداوند با این زیارت جزاء وی را از اداء حج یا عمره داده بلکه ثواب آن را چندین برابر می‌نماید.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم:

ثواب آن معادل چند حج و چند عمره می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

قابل شمارش و احصاء نیست.

راوی عرض کرد: آیا ثواب صد حج و صد عمره را به او می‌دهند؟

حضرت فرمودند: کیست بتواند ثوابش را احصاء نموده باشد.

راوی می‌گوید: عرضه داشتم: آیا ثواب هزار حج و هزار عمره را دارد؟

حضرت فرمودند: بیش از این است، سپس فرمودند:

اگر نعمتهای باری تعالی را بشمارید نمی‌توانید از عهده احصاء آنها برآئید خداوند متعال واسع بوده و بدون عوض می‌بخشاید.

۷۱] - باب هفتاد و یکم ثواب کسی که در روز عاشورا امام حسین علیه السّلام را زیارت کند

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْمَدَائِنِیِّ قَالَ أَخْبَرَنِی مُحَمَّدُ بْنُ سَعِیدٍ الْبَجَلِیُّ عَنْ قَبِیصَةَ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) فِی یَوْمِ عَاشُورَاءَ فَقَالَ لِی هَؤُلَاءِ زُوَّارُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَی الْمَزُورِ أَنْ یُکْرِمَ الزَّائِرَ مَنْ بَاتَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) لَیْلَةَ عَاشُورَاءَ لَقِیَ اللَّهَ مُلَطَّخاً بِدَمِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ کَأَنَّمَا قُتِلَ مَعَهُ فِی عَرْصَتِهِ [عَصْرِهِ]وَ قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَیْ یَوْمَ عَاشُورَاءَ وَ [أَوْ]بَاتَ عِنْدَهُ کَانَ کَمَنِ اسْتُشْهِدَ بَیْنَ یَدَیْهِ

پدرم و برادرم و جماعتی از مشایخ و اساتیدم رحمهٔ اللّه علیهم، از محمّد بن یحیی، از محمّد بن علی مدائنی نقل کرده‌اند که وی گفت:

محمّد بن سعید بجلی، از قبیصه از جابر جعفی برایم نقل کرد که جابر گفت:

در روز عاشوراء محضر مبارک حضرت جعفر بن محمّد علیهما السّلام رسیدم، حضرت به من فرمودند:

این گروه (زائرین ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام) زوّار خدا بوده و بر مزور واجب است که زائر را اکرام نماید، کسی که نزد قبر مطهر حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام در شب عاشوراء بیتوته کند روز قیامت خدا را ملاقات می‌کند در حالی که به خون خودش آلوده بوده گویا در رکاب حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام در عرصه کربلا شهید گشته است.

و نیز فرمودند:

و کسی که قبر امام حسین علیه السّلام را روز عاشوراء زیارت کرده و بالای قبر بیتوته نماید مثل کسی است که در مقابل آن حضرت شهید شده باشد.

۲- حَدَّثَنِی أَبُو عَلِیٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ الْفَزَارِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ عُبَیْدٍ الْجُعْفِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی حُسَیْنُ بْنُ سُلَیْمَانَ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ حَرِیزٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ یَوْمَ عَاشُورَاءَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

ابو علی محمّد بن همام می‌گوید:

جعفر بن محمّد بن مالک فزاری می‌گوید: احمد بن علی بن عبید جعفی گفت:

حسین بن سلیمان، از حسین بن راشد، از حماد بن عیسی، از حریز، از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را روز عاشوراء زیارت کند بهشت بر او واجب می‌گردد.

۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ الْأَنْبَارِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ یَوْمَ عَاشُورَاءَ عَارِفاً بِحَقِّهِ کَانَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از یعقوب بن یزید انباری، از محمّد بن ابی عمیر، از زید شحّام، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام آن حضرت فرمودند:

کسی که قبر مطهّر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام را در روز عاشوراء زیارت کند در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده است.

۴- حَدَّثَنِی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ الْعَمِّیِّ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْهُمْ (علیهم السلام) قَالَ مَنْ زَارَ [قَبْرَ]الْحُسَیْنِ (علیه السلام) یَوْمَ عَاشُورَاءَ کَانَ کَمَنْ تَشَحَّطَ بِدَمِهِ بَیْنَ یَدَیْهِ

حسین بن محمّد بن عامر، از معلّی بن محمّد، از محمّد بن جمهور عمّی، از کسی که ذکرش نموده، از ائمه معصومین علیهم السّلام

فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را در روز عاشوراء زیارت کند، مانند کسی است که در مقابل آن حضرت به خون خودش آلوده شده باشد.

۵- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي يَسَارٍ [سَيَّارٍ]الْمَدَائِنِيُّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ مَنْ سَقَى يَوْمَ عَاشُورَاءَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) كَانَ كَمَنْ سَقَى عَسْكَرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ شَهِدَ مَعَهُ

و محمّد بن ابی سیّار مدائنی به اسنادش روایت کرده که گوینده فرمود:

کسی که روز عاشوراء نزد قبر مطهّر امام حسین علیه السّلام کسی را آب دهد مانند کسی است که لشکریان امام حسین علیه السّلام را آب داده و در رکاب حضرت شهید شده باشد.

۶- حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمُوسَوِيُّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِيكٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ (علیهما السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ- وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ مَنْ زَارَهُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَكَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ فَوْقَ [فِي]عَرْشِهِ

جعفر بن محمّد بن ابراهیم موسوی، از عبید اللّه بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحّام، از جعفر بن محمّد الصّادق علیهما السّلام حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را شب نیمه شعبان زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد، و کسی که آن حضرت را روز عرفه زیارت نماید خداوند منّان ثواب هزار حجّ و هزار عمره قبول شده را برایش می‌نویسد، و کسی که آن حضرت را روز عاشوراء زیارت نماید مانند کسی است که حق تعالی را بالای عرشش زیارت کرده باشد.

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ الْمُعَافَا عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر، از پدرش، از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از محمّد ابن الحسین، از حمدان بن معافا، از ابن ابی عمیر، از زید شحّام، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نموده است.

۸- حَدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَكِيمٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ وَ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ جَمِيعاً عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مَالِكٍ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) يَوْمَ عَاشُورَاءَ مِنَ الْمُحَرَّمِ- حَتَّى يَظَلَّ عِنْدَهُ بَاكِياً لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ أَلْفَيْ [أَلْفِ]أَلْفِ حِجَّةٍ وَ أَلْفَيْ [أَلْفِ]أَلْفِ عُمْرَةٍ- وَ أَلْفَيْ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ ثَوَابُ كُلِّ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ غَزْوَةٍ كَثَوَابِ مَنْ حَجَّ وَ اعْتَمَرَ وَ غَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ مَعَ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ- فَمَا لِمَنْ كَانَ فِي بُعْدِ الْبِلَادِ وَ أَقَاصِيهَا وَ لَمْ يُمْكِنْهُ الْمَصِيرُ [الْمَسِيرُ]إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ بَرَزَ إِلَى الصَّحْرَاءِ أَوْ صَعِدَ سَطْحاً مُرْتَفِعاً فِي دَارِهِ وَ أَوْمَأَ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَ اجْتَهَدَ عَلَى قَاتِلِهِ بِالدُّعَاءِ وَ صَلَّى بَعْدَهُ رَكْعَتَيْنِ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي صَدْرِ النَّهَارِ قَبْلَ الزَّوَالِ ثُمَّ لْيَنْدُبِ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) وَ يَبْكِيهِ وَ يَأْمُرُ مَنْ فِي دَارِهِ بِالْبُكَاءِ عَلَيْهِ وَ يُقِيمُ فِي دَارِهِ مُصِيبَتَهُ بِإِظْهَارِ الْجَزَعِ عَلَيْهِ وَ يَتَلَاقَوْنَ بِالْبُكَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فِي الْبُيُوتِ وَ لْيُعَزِّ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِمُصَابِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَأَنَا ضَامِنٌ لَهُمْ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جَمِيعَ هَذَا الثَّوَابِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ أَنْتَ الضَّامِنُ لَهُمْ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ وَ الزَّعِيمُ بِهِ قَالَ أَنَا الضَّامِنُ لَهُمْ ذَلِكَ وَ الزَّعِيمُ لِمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ فَكَيْفَ يُعَزِّي بَعْضُهُمْ بَعْضاً قَالَ يَقُولُونَ عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَنْتَشِرَ يَوْمَكَ فِي حَاجَةٍ فَافْعَلْ- فَإِنَّهُ يَوْمٌ نَحِسٌ لَا تُقْضَى فِيهِ حَاجَةٌ وَ إِنْ قُضِيَتْ لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيهَا وَ لَمْ يَرَ رُشْداً وَ لَا تَدَّخِرَنَّ لِمَنْزِلِكَ شَيْئاً فَإِنَّهُ مَنِ ادَّخَرَ لِمَنْزِلِهِ شَيْئاً فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيمَا يَدَّخِرُهُ وَ لَا يُبَارَكُ

لَهُ فِي أَهْلِهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كُتِبَ لَهُ ثَوَابُ أَلْفِ أَلْفِ حِجَّةٍ وَ أَلْفِ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ أَلْفِ أَلْفِ غَزْوَةٍ كُلُّهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ كَانَ لَهُ ثَوَابُ مُصِيبَةِ كُلِّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ وَ صِدِّيقٍ وَ شَهِيدٍ مَاتَ أَوْ قُتِلَ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ قَالَ صَالِحُ بْنُ عُقْبَةَ الْجُهَنِيُّ وَ سَيْفُ بْنُ عَمِيرَةَ قَالَ عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيُّ فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَلِّمْنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا أَنَا زُرْتُهُ مِنْ قَرِيبٍ وَ دُعَاءً أَدْعُو بِهِ إِذَا لَمْ أَزُرْهُ مِنْ قَرِيبٍ وَ أَوْمَأْتُ إِلَيْهِ مِنْ بُعْدِ الْبِلَادِ وَ مِنْ سَطْحِ دَارِي بِالسَّلَامِ قَالَ فَقَالَ يَا عَلْقَمَةُ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ أَنْ تُومِئَ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَ قُلْتَ عِنْدَ الْإِيمَاءِ إِلَيْهِ وَ مِنْ بَعْدِ الرَّكْعَتَيْنِ هَذَا الْقَوْلَ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ مَنْ زَارَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهَا أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْكَ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَكَ مِائَةَ أَلْفِ [أَلْفِ]دَرَجَةٍ وَ كُنْتَ مِمَّنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ حَتَّى تُشَارِكَهُمْ فِي دَرَجَاتِهِمْ وَ لَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ اسْتُشْهِدُوا مَعَهُ وَ كَتَبَ لَكَ ثَوَابَ كُلِّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ وَ زِيَارَةِ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (علیه السلام) مُنْذُ يَوْمَ قُتِلَ- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللَّهِ وَ ابْنَ خِيَرَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ وَ الْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ وَ أَنَاخَتْ بِرَحْلِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ- وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ [قِتَالِكَ]قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَ لَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعَنَ اللَّهُ شِمْراً وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ أَنْ يُكْرِمَنِي بِكَ وَ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي وَجِيهاً عِنْدَكَ بِالْحُسَيْنِ [بِالْحُسَيْنِ عِنْدَكَ_ [فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا سَيِّدِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ وَ عَلَيْهِمْ بِمُوَالاتِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَ مِنْ جَمِيعِ أَعْدَائِكُمْ وَ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ الْجَوْرَ وَ بَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَ أَجْرَى ظُلْمَهُ وَ جَوْرَهُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوَالاتِكُمْ وَ مُوَالاةِ وَلِيِّكُمْ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ النَّاصِبِينَ لَكُمُ الْحَرْبَ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ- وَ وَلِيٌّ [مُوَالٍ]لِمَنْ وَالاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ- وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ- وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ- مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ نَاطِقٍ لَكُمْ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ- أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا أَعْطَى مُصَاباً بِمُصِيبَةٍ [بِمُصِيبَتِهِ]أَقُولُ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ- وَ فِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ [الْأَرَضِينَ]اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَنَزَّلَتْ [تَنْزِلُ]فِيهِ اللَّعْنَةُ عَلَى آلِ زِيَادٍ وَ آلِ أُمَيَّةَ وَ ابْنِ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينِ بْنِ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ (صلی الله علیه و آله) اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ عَلَى يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ اللَّعْنَةَ أَبَدَ الْآبِدِينَ اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةَ أَبَداً لِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ فِي مَوْقِفِي هَذَا وَ أَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ [بِاللَّعْنِ]عَلَيْهِمْ وَ بِالْمُوَالاةِ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ- ثُمَّ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ- اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [آلِ مُحَمَّدٍ حُقُوقَهُمْ]وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي حَارَبَتِ [جَاهَدَتِ]الْحُسَيْنَ وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ [تَابَعَتْ]أَعْدَاءَهُ عَلَى قَتْلِهِ وَ قَتْلِ أَنْصَارِهِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً- ثُمَّ قُلْ مِائَةَ مَرَّةٍ- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى

الْأَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِکَ وَ أَنَاخَتْ بِرَحْلِکَ عَلَیْکُمْ مِنِّی سَلَامُ اللَّهِ أَبَداً مَا بَقِیتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِکُمْ السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ وَ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی أَصْحَابِ الْحُسَیْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ - ثُمَّ تَقُولُ مَرَّةً وَاحِدَةً- اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ نَبِیِّکَ بِاللَّعْنِ ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ اللَّهُمَّ الْعَنْ یَزِیدَ وَ أَبَاهُ وَ الْعَنْ عُبَیْدَ اللَّهِ بْنَ زِیَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ وَ بَنِی أُمَیَّةَ قَاطِبَةً إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ- ثُمَّ تَسْجُدُ سَجْدَةً تَقُولُ فِیهَا- اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاکِرِینَ عَلَی مُصَابِهِمْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی عَظِیمِ مُصَابِی وَ رَزِیَّتِی فِیهِمْ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی شَفَاعَةَ الْحُسَیْنِ یَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ الْحُسَیْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَیْنِ الَّذِینَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ- دُونَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ- قَالَ عَلْقَمَةُ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ (علیه السلام) یَا عَلْقَمَةُ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَزُورَهُ فِی کُلِّ یَوْمٍ بِهَذِهِ الزِّیَارَةِ مِنْ دَهْرِکَ فَافْعَلْ فَلَکَ ثَوَابُ جَمِیعِ ذَلِکَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی

حکیم بن داود بن حکیم و غیرش، از محمّد بن موسی همدانی، از محمّد بن خالد طیالسی، از یوسف بن عمیره و صالح بن عقبه جملگی، از علقمهٔ بن محمّد حضرمی و محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر الباقر علیه السّلام، حضرت فرمودند: کسی در روز عاشوراء یعنی روز دهم محرّم الحرام حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب دو میلیون حج و دو میلیون عمره و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد.

شایان توجّه است که ثواب هر حج و عمره و جهادی همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیّت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و ائمه راشدین صلوات اللّه علیهم اجمعین بجا آورده باشد.

علقمه می‌گوید: محضر مبارک امام پنجم علیه السّلام عرضه داشتم:

فدایت شوم، اجر و ثواب کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعید بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشوراء) به زیارت حضرت بشتابد؟

امام علیه السّلام فرمودند:

وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه‌اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البتّه توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس برای امام حسین علیه السّلام ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می‌باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب در خانه‌اش اقامه مصیبت نماید و مواظب باشند هر گاه اهل خانه یک دیگر را ملاقات کردند با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهائی که داده شد عمل کنند من ضامن می‌شوم که حقتعالی تمام ثواب‌هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها می‌شوید؟

حضرت فرمودند:

در صورتی که به دستورهای داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می‌باشم.

علقمه می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السّلام عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند:

حضرت فرمودند:

بگویند:

عظّم اللّه اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السّلام، و جعلنا و إیّاکم من الطالبین بثاره مع ولیّه الإمام المهدی من آل محمّد صلوات اللّه علیهم (خداوند متعال اجرها و ثواب‌های عزادار بودن ما را برای امام حسین علیه السّلام زیاد گرداند و ما و شما را در رکاب ظفر

قرین ولیّ آن حضرت، حضرت امام مهدی قائم آل محمّد صلوات اللّه علیهم اجمعین از طلب‌کنندگان خون آن جناب قرار دهد).
و اگر قدرت و توانائی این را داشتی که آن روز (روز عاشوراء) را بدنبال نیازمندی‌هایت نروی البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی‌گردد و اگر هم حاجت برآورده شود برای شخص حاجت‌مند مبارک نبوده و وی خیر نخواهد دید.
توجّه داشته باشد در آن روز در منزلت آذوقه‌ای را ذخیره نکنی چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.
بنا بر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم انجام داده باشد برایش نوشته می‌شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء و رسل و صدّیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده‌اند رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطاء می‌فرماید.
صالح بن عقبه جهنی و سیف بن عمیره می گویند:
علقمهٔ بن محمّد حضرمی می گوید:
محضر مبارک ابی جعفر علیه السّلام عرض کردم:
دعائی به من تعلیم فرمائید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را خوانده و دعائی یادم دهید که هر گاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت اشارهٔ سلام دادم آن را بخوانم.
حضرت فرمودند:
ای علقمه: بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی و هنگام اشاره و پس از خواندن دو رکعت اگر این دعاء و زیارت را که شرحش را برایت می گویم خواندی پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعاء کرده‌اند تو نیز دعاء نموده‌ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار حسنه نوشته و هزار هزار گناه محو می‌فرماید و صد هزار هزار درجه مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی قرار می‌دهد که با حضرت حسین بن علی علیهما السّلام شهید شده‌اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرارت می‌دهد و شناخته نمی‌شوی مگر در زمره شهدائی که با آن حضرت شهید شده‌اند و ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که زیارت امام حسین علیه السّلام را از زمان شهادتش تا به الآن نموده‌اند را برایت می‌نویسد.
حضرت سلام اللّه علیه به علقمه فرمودند:
در زیارت ابا عبد اللّه الحسین روز عاشوراء بگو:
سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش، سلام بر تو ای فرزند امیر موءمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه که سرور بانوان عالم می‌باشد، سلام بر تو ای خون خدا (یعنی خدا صاحب خون تو و طلب‌کننده آن است) و فرزند خون خدا و تنها مانده‌ای که خونخواهی نشده است، سلام بر تو و بر روح‌های مطهّری که در اطراف تو بوده و در مأوی و مکان تو فرود آمده و اقامت نموده‌اند، بر شما باد جملگی از طرف من سلام و رحمت خدا برای همیشه و تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز باقی هستند، ای ابا عبد اللّه محقّقا عزای شما بزرگ بوده و مصیبت وارده بر شما بر ما و تمام اهل آسمانها و زمین گران می‌باشد، پس خداوند متعال گروهی را که اساس و پایه‌های ظلم و ستم بر شما اهل بیت پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را بنا نهاده لعنت کند و از رحمتش به دورشان دارد، و گروهی را که شما را از مقام و منزلتتان بازداشتند لعنت فرماید، و همچنین خدا لعنت کند کسانی را که شما را از مرتبه‌ای که حقّ شما است و خداوند متعال برای شما ترتیب داده بر کنار نمودند، و لعنت نماید جماعتی را که شما را کشتند و لعنت نماید آنان را که برای قاتلین شما تمهید اسباب

كرده و بدين وسيله ايشان را بر كشتن شما متمكّن ساختند، بسوى خدا و شما از اين گروه و از پيروان و تابعين ايشان بى‌زارى مى‌جويم، اى ابا عبد اللّه من با كسى كه با شما در صلح بوده در صلح هستم و با آن كس كه با شما در جنگ مى‌باشد تا روز قيامت در جنگ و حرب خواهم بود، پس خدا لعنت كند دودمان زياد و دودمان مروان را و لعنت كند تمام بنى اميّه را و لعنت نمايد فرزند مرجانه را و لعنت كند عمر بن سعد را و لعنت نمايد شمر را و لعنت كند جماعتى را كه اسبها را زين كرده و لجام زده و خود را آماده براى كشتند نمودند.

اى ابا عبد اللّه پدر و مادرم فدايت شوند به خدا قسم مصيبت شما بر من گران و بزرگ است، پس از خدائى كه مقام كرامت به تو داده درخواست مى‌كنم به واسطه شما من را نيز مورد كرامتش قرار دهد و روزى من نمايد كه همراه امام كمك شده از آل محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم خون تو را طلب نمايم، بار خدايا به واسطه حسين عليه السّلام در دنيا و آخرت من را نزد خودت آبرومند قرار بده، اى آقاى من، اى ابا عبد اللّه من به خداى تعالى و به رسولش صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و به امير الموءمنين عليه السّلام و به فاطمه سلام اللّه عليها و به حسن عليه السّلام به سوى تو بواسطه دوست داشتن و محبّتم به شما و بى‌زارى جستن از دشمنانت و از كسانى كه تو را كشتند و جنگ با تو را به پا كردند و به واسطه تبرّى و بى‌زارى از كسانى كه جور و ستم را پايه نهاده و ساختمان ظلم را بر آن بنا نهادند و بدنبالش بر شما و شيعيان شما ظلم و جور نمودند تقرّب مى‌جويم، از ايشان بسوى خدا و تو تبرى مى‌جويم و بواسطه دوست داشتنم شما و دوستان شما را به سوى خدا و سپس به سوى شما تقرّب مى‌جويم و به واسطه بى‌زارى از دشمنان شما و كسانى كه جنگ با شما را به پا نمودند و نيز به واسطه بى‌زارى از شيعيان و تابعين اعداء به خدا تقرّب مى‌جويم، من با كسانى كه با شما در صلح هستند در صلح بوده و با آنان كه با شما حرب و جنگ مى‌كنند حرب مى‌نمايم، كسى كه شما را دوست دارد دوستش دارم، و با آنان كه با شما دشمنى دارند دشمن مى‌باشم، پس از خدائى كه بواسطه معرفت به شما و معرفت به دوست شما من را مورد كرامت قرار داد و بى‌زارى از دشمنانتان را روزى من قرار داد درخواست مى‌كنم كه در دنيا و آخرت من را همراه شما قرار داده و در هر دو نشئه براى من قدم و گامى صدق نزد شما ثابت نمايد، و از او مى‌خواهم كه من را به مقام محمود و پسنديده‌اى كه شما نزد حضرتش داريد برساند و نيز روزى من كند كه در ركاب ظفر قرين حضرت امام مهدى (عليه السلام) كه ناطق شما است خون شما را مطالبه كنم، و از ذات اقدسش مى‌خواهم كه به حقّانيّت شما و به شأن و مرتبه‌اى كه نزد او داريد به واسطه عزادارى من براى شما برترين اجرى را كه به مصيبت ديدگان مى‌دهد به من اعطاء بفرمايد.

در مقام اظهار مصيبت مى‌گويم: إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ، واى از اين مصيبت، چقدر بزرگ است و چه قدر عزاى آن در اسلام و بين جميع اهل آسمانها و زمين گران و سنگين مى‌باشد.

بار خدايا قرار بده من را در اين مقام و مرتبه‌اى كه دارم از كسانى كه مى‌رسد به آنان درودها و رحمت و آمرزشى از توبه ايشان، خداوندا زيستن من را همچون زيستن محمّد و آل محمّد و مردنم را مانند مردن محمّد و آل محمّد صلّى اللّه عليه و آله و سلّم قرار بده، بار خدايا بدرستى كه امروز، روزى است كه لعنت بر دودمان زياد و اميّه و پسر خورنده جگرها يعنى ملعون بن ملعون بوسيله زبان پيامبرت فرود آمده در هر سرزمين و مكانى كه پيامبرت صلّى اللّه عليه و آله و سلّم در آن وقوف و درنگ داشته باشد، خداوندا لعنت خود را بر ايشان براى ابد چند برابر نما زيرا ايشان حسين عليه السّلام را كشتند، بار خدايا بدرستى كه من در اين روز و در اين مكان و در طول مدّت زندگانيم بواسطه بى‌زارى از ايشان و درخواست لعنت بر ايشان و به واسطه دوست داشتن پيامبرت يعنى حضرت محمّد و دوست داشتن اهل بيت پيامبرت صلى اللّه عليه و عليهم اجمعين به تو تقرب مى‌جويم.

سپس صد مرتبه بگو:

بار خدايا لعنت نما اوّلين ستمگرى را كه با گرفتن حقّ محمّد و آل محمّد به ايشان ستم و ظلم نمود و آخرين كسى كه از اين ستمگران در گرفتن حق ايشان تبعيّت كرد، خداوندا لعنت نما گروهى را كه حسين عليه السّلام را انكار كرده و آن جناب را

نپـذیرفته و دشـمنان حضـرت را تبعیّت کرده و بـا آنـان بیعت نموده و بر قتل آن حضـرت و کشـتن یارانش با ایشان هم قسم شدنـد، خداوندا همگی آنان را لعنت نما و از رحمتت دورشان بگردان.

پس از آن صد مرتبه بگو:

سلام بر تو ای ابا عبـد اللّه و بر ارواح طیّبه‌ای که اطراف را گرفته و در مأوای و مکان تو فرود آمـده و اقامت نموده‌اند، از جانب من سلام و تحیّت و رحمت خـدا همیشه بر شـما باد تا مادامی که من باقی بوده و شب و روز مسـتمر می‌باشـند، و این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده، سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و بر یاران حسین صلوات و رحمت خدا بر ایشان همگی باد.

سپس یک مرتبه بگو:

بار خدایا تو اختصاص بده به لعن نمودن اوّلین کسـی را که به اهل بیت پیغمبرت سـتم کرده سـپس لعن نما دشـمنان آل محمّد را از اوّلین و آخرین، خدایا یزید و پدرش را لعن فرما و عبید اللّه بن زیاد و دودمان مروان و همه بنی امیّه را تا روز قیامت لعن بکن.

سپس به سجده برو و در آن بگو:

بار خدایا تو را سـتایش می‌کنیم سـتایش سـپاس‌گزاران بر مصیبتی که بر آنان وارد می‌شود، حمد و ستایش خدا بر گرانی مصیبت و عزاداری من، خدایا شفاعت امام حسین علیه السّلام را در روز ورود به جهان آخرت نصیبم نما و قدم راستی را در نزد خودت همراه امام حسـین علیه السّـلام و اصحاب حضرتش برای من ثابت بگردان، آن اصحابی که جانشان را در برابر امام حسین علیه السّلام ایثار نمودند، صلوات و رحمت خدا بر همه آنها باد.

علقمه می‌گوید: حضرت ابو جعفر امام باقر علیه السّلام فرمودند:

ای علقمه اگر بتوانی هر روز بـا این زیـارت امـام حسـین علیه السّـلام را زیـارت کنی البتّه این کـار را انجام بـده که ان شاء اللّه تمام ثواب‌هائی که ذکر شده برایت منظور گردد.

*** ***

*** ***

۷۲] – باب هفتاد و دوّم ثواب زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام در نیمه شعبان

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ ره جَمِیعاً عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا کَانَ النِّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ نَادَی مُنَادٍ مِنَ الْأُفُقِ الْأَعْلَی زَائِرِی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) ارْجِعُوا مَغْفُوراً لَکُمْ ثَوَابُکُمْ عَلَی اللَّهِ رَبِّکُمْ وَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکُمْ

پدرم و علی بن الحسین و محمّد بن یعقوب رحمهٔ اللّه علیهم جملگی از علی ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از برخی اصحابش، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان می‌شود از افق اعلی منادی نـداء می‌کنـد: ای زائرین حسین علیه السّلام به اهل خود برگردیـد در حالی که آمرزیده شده‌اید، ثواب و اجر شما بر خدا است که پروردگار شما بوده و بر محمّد است که پیغمبر شما می‌باشد.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَهُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّیْتُونِیِّ وَ غَیْرِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ ره عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) قَالا قَالا مَنْ أَحَبَّ أَنْ یُصَافِحَهُ مِائَهُ أَلْفِ نَبِیٍّ وَ أَرْبَعَهٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفَ نَبِیٍّ فَلْیَزُرْ قَبْرَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فِی النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنَّ أَرْوَاحَ النَّبِیِّینَ (علیهم السلام) یَسْتَأْذِنُونَ اللَّهَ فِی زِیَارَتِهِ فَیُؤْذَنُ لَهُمْ مِنْهُمْ خَمْسَهٌ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ قُلْنَا مَنْ هُمْ قَالَ نُوحٌ وَ إِبْرَاهِیمُ وَ مُوسَی وَ عِیسَی وَ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ قُلْنَا لَهُ مَا مَعْنَی أُولِی الْعَزْمِ قَالَ بُعِثُوا إِلَی شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا جِنِّهَا وَ إِنْسِهَا

پـدرم رحمـهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایـخ و اساتیـدم، از سـعد بن عبد اللّه، از حسن بن علی زیتونی و غیرش، از احمد بن هلال، از محمّد بن ابی عمیر رحمهٔ اللّه علیه، از حمّاد بن عثمان، از ابی بصیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام.

و حسن بن محبوب، از ابی حمزهٔ، از حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام.

این دو امام بزرگوار فرمودند:

کسـی که دوست دارد صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند باید قبر حضـرت حسـین بن علی علیهما السّلام را در نیمه مـاه شـعبان زیـارت کنـد چه آنکه ارواح انبیـاء علیهم السّـلام از خـدا اذن گرفته تا آن جناب را زیارت کننـد پس به ایشان اذن داده می‌شود، پنج تن از ایشان اولو العزم هستند.

عرض کردیم: ایشان چه کسانی هستند؟

امام علیه السّلام فرمودند: حضرات نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمّد صلی اللّه علیهم اجمعین.

محضر مبارکش عرضه داشتیم: معنای اولو العزم چیست؟

حضرت فرمودند:

یعنی مبعوث شده‌اند به شرق و غرب زمین، به جنّ و انس.

مترجم گوید:

از ذیل این حدیث این طور استفاده می‌شود که پیامبر اولو العزم یعنی پیامبری که رسالتش محدود و منحصر به گروهی دون گروهی دیگر و سرزمینی دون سرزمین دیگر نبوده بلکه عمومی و گسترده می‌باشد.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَهُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا کَانَ النِّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ نَادَی مُنَادٍ مِنَ الْأُفُقِ الْأَعْلَی زَائِرِی الْحُسَیْنِ (علیه السلام) ارْجِعُوا مَغْفُوراً لَکُمْ ثَوَابُکُمْ عَلَی رَبِّکُمْ وَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکُمْ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتید من، از محمّد بن یحیی عطّار، از محمّد بن الحسن، از ابراهیم بن هاشم، از صندل، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که نیمه شعبان شود از افق اعلی منادی نداء می‌کند ... تا آخر حدیث بشرحی که در حدیث اول گذشت.

۴- وَ رَوَاهُ صَافِي الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) ثَلَاثَ سِنِينَ مُتَوَالِيَاتٍ لَا فَصْلَ فِيهَا فِي النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ

صافی برقی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حضرت فرمودند: کسی که حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام را سه سال پشت سر هم که بینشان فاصله نباشد در نیمه شعبان زیارت کند گناهانش آمرزیده می‌شود.

۵- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ قَالَ قَالَ الْبَاقِرُ (علیه السلام) زَائِرُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فِي النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ يُغْفَرُ لَهُ ذُنُوبُهُ وَ لَنْ يُكْتَبَ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ فِي سَنَةٍ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَإِنْ زَارَ فِي السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ

و پدرم به اسنادش، از داود بن کثیر رقی، وی گفت: حضرت امام باقر علیه السّلام فرمودند:

گناهان کسی که در نیمه شعبان امام حسین علیه السّلام را زیارت کند آمرزیده می‌شود و در آن سال گناه و لغزشی برایش نوشته نمی‌شود تا سال تمام گردد و اگر در سال آینده حضرت را زیارت کرد گناهانش آمرزیده می گردد.

۶- حَدَّثَنِي جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي سَارَةَ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ أَوْ غَيْرِهِ اسْمُهُ الْحُسَيْنُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) لَيْلَةً مِنْ ثَلَاثِ لَيَالٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ قَالَ قُلْتُ أَيَّ اللَّيَالِي جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَ لَيْلَةَ الْأَضْحَى وَ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمّد بن یحیی عطّار، از حسین بن ابی سارهٔ المدائنی، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از عبد الرحمن بن حجّاج یا غیر او که اسمش حسین می‌باشد، وی گفت حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را در یکی از سه شب زیارت کند

خداوند منّان گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

راوی گفت: عرض کردم: فدایت شوم آن سه شب کدام می‌باشد:

حضرت فرمود: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه ماه شعبان.

۷- وَ حَدَّثَنِي أَبِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ قُضِيَتْ لَهُ أَلْفُ حَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

پدرم و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن خالد، از قاسم بن یحیی، از جدّش حسن بن راشد، از یونس بن ظبیان، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه در یک سال زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار حج و هزار عمره قبول شده برایش می‌نویسد، و هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرش روا می گردد.

۸- سَالِمُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ بَاتَ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ فَقَرَأَ أَلْفَ مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ يَحْمَدُ اللَّهَ أَلْفَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَكَّلَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مَلَكَيْنِ يَحْفَظَانِهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ وَ سُلْطَانٍ وَ يَكْتُبَانِ لَهُ حَسَنَاتِهِ وَ لَا تُكْتَبُ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَ يَسْتَغْفِرَانِ لَهُ مَا دَامَا

مَعَهُ [مَا شَاءَ اللَّهُ]

سالم بن عبد الرحمن، از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

کسی که شب نیمه شعبان به زمین کربلاء رفته و در آنجا هزار مرتبه قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ خوانده و هزار مرتبه استغفار نموده و هزار مرتبه الحمد للّه بگوید سپس ایستاده و چهار رکعت نماز خوانده و در هر رکعت هزار مرتبه آیهٔ الکرسی قرائت نماید خداوند متعال دو فرشته را بر او موکّل کند که وی را از هر سوء و بدی و از شرّ هر شیطان و سلطانی حفظ کنند و حسنات او را نوشته ولی گناهانش را نمی‌نویسند و تا زمانی که با وی می‌باشند برای او طلب آموزش می‌نمایند.

۹- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از یعقوب بن زید از محمّد بن ابا عمیر، از زید شحّام، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام را در نیمه شعبان زیارت کند حقتعالی گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

فصل در بیان اعمال نیمه ماه شعبان

۱۰- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَا یُونُسُ لَیْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ یَغْفِرُ اللَّهُ لِکُلِّ مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) مِنَ الْمُؤْمِنِینَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ قِیلَ لَهُمُ اسْتَقْبِلُوا الْعَمَلَ قَالَ قُلْتُ هَذَا کُلُّهُ لِمَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) فِی النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَقَالَ یَا یُونُسُ لَوْ أَخْبَرْتُ النَّاسَ بِمَا فِیهَا لِمَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) لَقَامَتْ ذُکُورُ الرِّجَالِ عَلَى الْخُشُبِ

ابو عبد اللّه محمّد بن احمد بن یعقوب بن اسحاق بن عمّار، از علی بن الحسن ابن علی بن فضّال، از محمّد بن ولید، از یونس بن یعقوب، وی گفت: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

ای یونس، در شب نیمه شعبان خداوند متعال گناهان گذشته و آینده هر موءمنی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را در آن شب زیارت کند می‌آمرزد و به ایشان گفته می‌شود:

شروع به انجام عمل کنید.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرض کردم: این همه عنایت و لطف برای کسی است که امام حسین علیه السّلام را در نیمه شعبان زیارت کند؟

حضرت فرمودند:

ای یونس اگر مردم را خبر دهم به فضیلتی که در زیارت این شب است قطعا مردان بر چوب سوار شده و خود را به سر قبر مطهّرش می‌رسانند.

۱۱- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) قَالَ مَنْ زَارَ [قَبْرَ]الْحُسَیْنِ (علیه السلام) لَیْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ- غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ مَنْ زَارَهُ یَوْمَ عَرَفَةَ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ مَنْ زَارَهُ یَوْمَ عَاشُورَاءَ فَکَأَنَّمَا زَارَ اللَّهَ [فِی]فَوْقَ عَرْشِهِ

جعفر بن محمّد بن عبد اللّه بن موسی، از عبد اللّه بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از زید شحّام، از حضرت جعفر بن محمّد علیهما السّلام آن حضرت فرمودند:

کسی که در شب نیمه شعبان قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کند خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد و کسی که قبر مطهّرش را روز عرفه زیارت کند خداوند منّان ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را برایش می‌نویسد و

كسى كه در روز عاشوراء آن حضرت را زيارت كند مانند كسى است كه حق تعالى را بالاى عرشش زيارت كرده است.

۷۳] – باب هفتاد و سوّم ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را در رجب زیارت کند

۱- حَدَّثَنِی أَبُو عَلِیٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّام بْنِ سُهَیْلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَبْزَارِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ الْبَزَنْطِیِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) فِی أَیِّ شَهْرٍ نَزُورُ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) قَالَ فِی النِّصْفِ مِنْ رَجَبٍ وَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ رَوَاهُ أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) مِثْلَهُ غَیْرَ أَنَّهُ قَالَ أَیُّ الْأَوْقَاتِ أَفْضَلُ أَنْ تَزُورَ [نَزُورَ فِیهِ الْحُسَیْنَ

ابو علی محمّد بن همام بن سهیل، از ابی عبد اللّه جعفر بن محمّد بن مالک، از حسن بن محمّد ابزاری، از حسن بن محبوب، از احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، وی می گوید: از حضرت ابا الحسن الرّضا علیه السّلام پرسیدم:

در چه ماهی حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کنیم؟

حضرت فرمودند:

در نیمه ماه رجب و نیمه ماه شعبان.

و احمد بن هلال، از احمد بن ابی نصر، از ابی الحسن الرّضا علیه السّلام مثل همین روایت را نقل کرده است با این تفاوت که سائل در سوءال پرسیده است:

کدام یک از اوقات افضل است به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام برویم؟

۲- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) یَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفاً بِحَقِّهِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حِجَّةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ أَلْفِ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ مَنْ زَارَهُ أَوَّلَ یَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتَّةَ

پدرم از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن اسماعیل ابن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهّان از حضرت جعفر بن محمّد علیهما السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را روز عرفه زیارت کرده در حالی که به حقّش عارف باشد خداوند منّان ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهادی که در رکاب نبیّ مرسل نموده را برایش می‌نویسد و کسی که آن حضرت را روز اوّل رجب زیارت کند البتّه حق تعالی او را می‌آمرزد.

۷۴] - باب هفتاد و چهارم ثواب کسی که حضرت امام حسین علیه السّلام را در غیر روز عید و عرفه زیارت کند

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَیُّمَا مُؤْمِنٍ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ فِی غَیْرِ عِیدٍ وَ لَا عَرَفَةَ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِینَ حِجَّةً وَ عِشْرِینَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ عِشْرِینَ غَزْوَةً مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از بشیر دهّان، وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

هر موءمنی که امام حسین علیه السّلام را در غیر روز عید و عرفه زیارت کند در حالی که به حق آن حضرت آگاه و مطّلع باشد خداوند متعال ثواب بیست حج و بیست عمره مقبول و بیست جهاد در رکاب نبی مرسل یا امام عادل برایش می‌نویسد.

۲- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا أَدْنَی مَا لِزَائِرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ لِی یَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ أَدْنَی مَا یَکُونُ لَهُ أَنَّ اللَّهَ یَحْفَظُهُ فِی نَفْسِهِ وَ مَالِهِ حَتَّی یَرُدَّهُ إِلَی أَهْلِهِ فَإِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ کَانَ اللَّهُ الْحَافِظَ لَهُ حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحٍ مِثْلَ حَدِیثِهِ الْأَوَّلِ فِی الْبَابِ

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش با سند دیگر در باب چهل و نهم ذیل حدیث شماره پنجم قبلا ذکر شد.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی کُلِّ جُمُعَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتَّةَ وَ لَمْ یَخْرُجْ مِنَ الدُّنْیَا وَ فِی نَفْسِهِ حَسْرَةٌ مِنْهَا وَ کَانَ مَسْکَنُهُ فِی الْجَنَّةِ مَعَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) ثُمَّ قَالَ یَا دَاوُدُ مَنْ لَا یَسُرُّهُ أَنْ یَکُونَ فِی الْجَنَّةِ جَارَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قُلْتُ مَنْ لَا أَفْلَحَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی و از احمد بن ادریس، از عمرکی بن علی البوفکی، از صندل، از داود بن یزید، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را در هر جمعه زیارت کند البتّه حقتعالی او را می‌آمرزد و از دنیا خارج نمی‌شود در حالی که از دنیا حسرتی در خاطر داشته باشد و مکانش در بهشت با حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام می‌باشد، سپس فرمودند:

ای داود چه کسی است که دوست نداشته باشد در بهشت همسایه حسین علیه السّلام باشد؟

داود می‌گوید: عرض کردم: کسی که رستگار نباشد.

۴- وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْعَمْرَکِیِّ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) فِی کُلِّ شَهْرٍ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ لَهُ [مِنَ الثَّوَابِ]ثَوَابُ مِائَةِ أَلْفِ شَهِیدٍ مِثْلَ شُهَدَاءِ بَدْرٍ

و از پدرم، از احمد بن ادریس، از عمرکی، از صندل، از داود بن فرقد، وی می‌گوید:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: ثواب کسی که در هر ماه حسین علیه السّلام را زیارت کند چیست؟ حضرت فرمودند:

برای او ثواب صد هزار شهید مانند شهداء بدر می‌باشد.

۵- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ الْکِنَانِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا کَانَ لَیْلَةُ الْقَدْرِ فِیهَا یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ نَادَی

مُنَادٍ تِلْكَ اللَّيْلَةَ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

پدرم به اسنادش از صندل، از ابی الصباح کنانی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حضرت فرمودند:

هنگامی که شب قدر فرا برسد یعنی شبی که در آن کارهای مصلحت‌آمیز عباد توزیع و تفریق می‌گردد از طرف عرش منادی نداء می‌کند:

خداوند متعال در این شب گناهان کسی را که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام رفته می‌آمرزد.

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) رُبَّمَا فَاتَنِي الْحَجُّ فَأُعَرِّفُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) قَالَ أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمِ عِيدٍ وَ لَا عَرَفَةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِينَ حِجَّةً وَ عِشْرِينَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ عِشْرِينَ غَزْوَةً مَعَ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ وَ مَنْ أَتَاهُ فِي يَوْمِ عِيدٍ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطُولِهِ

مترجم گوید: این حدیث با ترجمه‌اش با سند دیگر در باب هفتادم ذیل حدیث شماره یک قبلا ذکر شد.

۷۵] - باب هفتاد و پنجم ثواب کسی که در فرات غسل کرده و به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام برود

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَیْمَانَ النَّیْسَابُورِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْیَمَانِیِّ عَنْ مَنِیعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ یُونُسَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنِ اغْتَسَلَ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) كَانَ كَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ صِفْراً مِنَ الذُّنُوبِ وَ لَوِ اقْتَرَفَهَا كَبَائِرَ وَ كَانُوا یُحِبُّونَ الرَّجُلَ إِذَا زَارَ [یُحِبُّونَ إِذَا زَارَ الرَّجُلُ]قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) اغْتَسَلَ وَ إِذَا وَدَّعَ لَمْ یَغْتَسِلْ وَ مَسَحَ یَدَهُ عَلَی وَجْهِهِ إِذَا وَدَّعَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمّد بن یحیی عطّار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبد اللّه بن محمّد یمانی، از منیع بن حجّاج، از یونس، از صفوان جمّال، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که در آب فرات غسل کند و قبر حسین علیه السّلام را زیارت نماید مانند روزی است که مادر او را خالی از گناهان زائیده اگر چه مرتکب گناهان کبیره هم شده باشد و ما دوست داریم که شخص وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام می‌رود غسل کرده و هنگام وداع غسل نکند بلکه دستش را بر صورتش بکشد.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ قَالَ وَیْحَكَ یَا بَشِیرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ فَاغْتَسَلَ فِی الْفُرَاتِ ثُمَّ خَرَجَ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ غَزْوَةٌ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ

محمّد بن جعفر قرشی رزّاز، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از صالح بن عقبه، از بشیر دهّان، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم (در ضمن حدیث طولانی) ....

حضرت فرمودند:

وای بر تو، ای بشیر هر گاه موءمن به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برود و به حق آن جناب آگاه باشد پس در فرات غسل کند و از آن خارج گردد حق تعالی در مقابل هر قدمی که بر می‌دارد یک حج و یک عمره مقبول برایش می‌نویسد و نیز ثواب یک جهاد در رکاب نبی مرسل، یا امام عادل برای او منظور می‌فرماید.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْعَمْرَكِیِّ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ یَحْیَی وَ كَانَ فِی خِدْمَةِ الْإِمَامِ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ هُوَ نَازِلٌ بِالْحِیرَةِ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الشِّیعَةِ فَأَقْبَلَ إِلَیَّ بِوَجْهِهِ فَقَالَ یَا بَشِیرُ حَجَجْتَ الْعَامَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا وَ لَكِنْ عَرَّفْتُ بِالْقَبْرِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ یَا بَشِیرُ وَ اللَّهِ مَا فَاتَكَ شَیْءٌ مِمَّا كَانَ لِأَصْحَابِ مَكَّةَ بِمَكَّةَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِیهِ عَرَفَاتٌ فَسِّرْ لِی فَقَالَ یَا بَشِیرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ لَیَغْتَسِلُ عَلَی شَاطِئِ الْفُرَاتِ ثُمَّ یَأْتِی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ فَیُعْطِیهِ اللَّهُ بِكُلِّ قَدَمٍ یَرْفَعُهَا أَوْ یَضَعُهَا مِائَةَ حِجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ مَعَهَا مِائَةُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ مِائَةُ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ [إِلَی أعد [أَعْدَی عَدُوٍّ لَهُ]إِلَی أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَعْدَاءِ الرَّسُولِ وَ ذَكَرَ الْحَدِیثَ

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش در باب هفتادم ذیل حدیث شماره نه قبلا ذکر شد.

۴- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ لَهُ طَوِیلٍ قَالَ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ هَلْ یُزَارُ وَالِدُكَ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ مَا لِمَنِ اغْتَسَلَ بِالْفُرَاتِ ثُمَّ أَتَاهُ قَالَ إِذَا اغْتَسَلَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ وَ هُوَ یُرِیدُهُ تَسَاقَطَتْ عَنْهُ خَطَایَاهُ كَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ ذَكَرَ الْحَدِیثَ بِطُولِهِ

مترجم گوید:

اين حديث با ترجمه‌اش در باب چهل و چهارم ذيل حديث شماره دو قبلا ذكر شد.

۵- حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى التَّلَّعُكْبَرِيُّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامِ بْنِ سُهَيْلٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هابندار [مَابُنْدَادَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُعَافَا الثَّعْلَبِيِّ عَنْ أَهْلِ رَأْسِ الْعَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيَّ (عليهما السلام) يَقُولُ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَصَارَ إِلَى الْفُرَاتِ فَاغْتَسَلَ مِنْهُ كَتَبَ [اللَّهُ]مِنَ الْمُفْلِحِينَ فَإِذَا سَلَّمَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ فَإِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ أَمَّا ذُنُوبُكَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ

ابو محمّد هارون بن موسى تلعكبرى، از ابى على محمّد بن همّام بن سهيل، از احمد بن مابنداد، از احمد بن معافا تغلبى كه از اهل شهر رأس العين بود، از على بن جعفر همّانى، وى مى گويد:

از حضرت على بن محمّد العسكرى عليهما السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

كسى كه از خانه‌اش بيرون بيايد و قصدش زيارت حضرت امام حسين عليه السّلام باشد پس به فرات برسد و از آن غسل كند خداوند متعال او را از رستگاران مى‌نويسد و وقتى بر ابى عبد اللّه الحسين عليه السّلام سلام دهد او را از فائزين قلمداد مى كند و وقتى از نمازش فارغ شود فرشته‌اى نزد او آمده و به او مى گويد:

رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم به تو سلام مى‌رساند و مى‌فرمايد:

امّا گناهانت تمام آمرزيده شد پس عمل را از ابتداء شروع كن.

۶- حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلَوِيَّةَ الْأَصْفَهَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ [بَعْدَ]غُسْلِ الزِّيَارَةِ إِذَا فَرَغَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُوراً وَ طَهُوراً- وَ حِرْزاً وَ كَافِياً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ مُخِّي وَ عِظَامِي وَ عَصَبِي وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي- فَاجْعَلْهُ لِي شَاهِداً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي

حسين بن محمّد بن عامر، از احمد بن علوية الاصفهانى، از ابراهيم بن محمّد ثقفى بطور مرفوعه از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده، وى گفت:

حضرت امام صادق عليه السّلام هنگام فراغت از غسل زيارت مى‌فرمودند:

بار خدايا اين آب را برايم نور و طهور و حرز و تعويذ و پناهگاهم قرار بده، و آن را كفايت‌كننده از هر دردى و عيبى گردان، و آن را شفا دهنده از هر آفت و آسيبى تقدير نما، و به واسطه آن قلب و اعضاء و گوشت و خون و موى و پوست و مغز و استخوان و رگ من را پاكيزه گردان و آنچه را كه زمين از من مى كاهد و در خود پنهان مى‌نمايد را در روز قيامت يعنى روز حاجت و نياز و تهى دستى من شاهدم قرار بده.

۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ بْنِ سُهَيْلٍ الْإِسْكَافِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ الْفَزَارِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الرَّوَّاسِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) فَتَوَضَّأَ وَ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ لَمْ يَرْفَعْ قَدَماً وَ لَمْ يَضَعْ قَدَماً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً

محمّد بن همام بن سهيل اسكافى، از جعفر بن محمّد بن مالك فزارى، از حسن بن عبد الرحمن رواسى، از كسى كه برايش حديث گفته، از بشير دهّان، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام حضرت فرمودند:

كسى كه به زيارت حسين بن على عليهما السّلام برود و وضوء گرفته و در فرات غسل نمايد قدمى از زمين برنداشته و روى آن قدمى نمى گذارد مگر آنكه حق تعالى ثواب يك حج و يك عمره برايش منظور مى‌فرمايد.

۸- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ

یُوسُفَ الْکُنَاسِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَتَیْتَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَائْتِ الْفُرَاتَ وَ اغْتَسِلْ بِحِیَالِ قَبْرِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن جمیعا، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از فضّالهٔ بن ایّوب، از یوسف کناسی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هنگامی که به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السّلام رفتی پس ابتداء به فرات برو در مقابل قبر آن حضرت غسل نما.

۹- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ الْمُوسَوِیُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنْ مُحَمَّدٍ الْفِرَاشِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الطَّحَّانِ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَی النَّخَّاسِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ مَنْ خَرَجَ إِلَی قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عَارِفاً بِحَقِّهِ وَ بَلَغَ الْفُرَاتَ وَ اغْتَسَلَ فِیهِ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَاءِ [فَاغْتَسَلَ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَ خَرَجَ]کَانَ کَمِثْلِ الَّذِی خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ فَإِذَا مَشَی إِلَی الْحَائِرِ [الْحَیْرِ]لَمْ یَرْفَعْ قَدَماً وَ لَمْ یَضَعْ أُخْرَی إِلَّا کَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَیِّئَاتٍ

جعفر بن محمّد بن ابراهیم بن عبد اللّه موسوی، از عبد اللّه بن نهیک، از محمّد بن الفراش، از ابراهیم بن محمّد طحّان، از بشیر دهّان، از رفاعهٔ بن موسی نخّاس، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام رفته و به حقّ آن حضرت عارف و آگاه باشد در صورتی که به فرات رسید و در آن غسل کرد و از آب خارج شد مثل کسی است که از گناهان خارج و پاک شود، و وقتی به طرف حائر قدم بردارد قدمی از زمین بر نداشته و قدمی بر روی زمین نمی‌گذارد مگر آنکه حق تعالی ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از او محو می‌فرماید.

۷۶] – باب هفتاد و ششم جواز ترک غسل برای زیارت امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّوَیْهِ بْنِ السِّنْدِیِّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ بِالْکُوفَهِٔ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْعِیصِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیه السلام) عَلَیْهِ غُسْلٌ قَالَ فَقَالَ لَا وَ حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِیصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِیصِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

پدر و برادرم، از حسن بن متویه بن السّندی، از پدرش، وی گفت:

محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب در کوفه برایم حدیث گفت، از صفوان بن یحیی، از عیص بن القاسم البجلیّ، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: بر کسی که زیارت حسین بن علی علیهما السّلام می‌رود غسل واجب است؟

راوی گفت: حضرت فرمودند: خیر.

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف، از محمّد بن الحسین ابن ابی الخطاب، از صفوان، از عیص بن القاسم، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصفّار، از محمّد بن عبد الجبار، از صفوان، از عیص، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل همین حدیث را نقل کرده است.

۲- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَهِٔ عَنْ أَبِی الْیَسَعِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ أَنَا أَسْمَعُ عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ لَا حَدَّثَنِی جَمَاعَهُٔ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ غَیْرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَهِٔ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْیَسَعِ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ بِنَفْسِهِ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَلِیٍّ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ غَیْرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَهِٔ عَنْ أَبِی الْیَسَعِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ

علی بن الحسین بن موسی از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از عبّاس بن معروف، از عبد اللّه بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت: شخصی از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرد و من نیز می‌شنیدم، وی پرسید: زائر وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام می‌رود باید غسل کند؟

حضرت فرمودند: خیر.

جماعتی از مشایخ و اساتیدم از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن الحسین، از ایّوب بن نوح و غیرش از عبد اللّه بن مغیره نقل کرده، وی گفت:

ابو الیسع برای ما حدیثی گفت و همین حدیث را عینا برای ما نقل کرد.

محمّد بن احمد بن الحسین، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی، از ایّوب بن نوح و غیرش، از عبد اللّه بن مغیره، از ابی الیسع، وی گفت:

شخصی از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرد ... و مثل همان سوءال و جواب در حدیث قبل را ذکر نمود.

۳- حَدَّثَنِی جَمَاعَهُٔ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی زَاهِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَهَٔ عَنِ الْعِیصِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) عَلَیْهِ غُسْلٌ

قَالَ لَا

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از محمّد بن یحیی عطّار، از احمد بن ابی زاهر، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از صفوان بن یحیی، از سیف بن عمیره، از عیص بن قاسم البجلیّ، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: آیا بر کسی که به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام می‌رود غسل واجب است؟

حضرت فرمودند: خیر.

۴- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَی الْکَاظِمِ بْنِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ (علیهم السلام) عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ أَبِی حَنِیفَةَ السَّابِقِ [السَّائِقِ عَنْ یُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا کُنْتَ مِنْهُ قَرِیباً یَعْنِی الْحُسَیْنَ (علیه السلام) فَإِنْ أَصَبْتَ غُسْلًا فَاغْتَسِلْ وَ إِلَّا فَتَوَضَّأْ ثُمَّ ائْتِهِ

جعفر بن محمّد بن ابراهیم بن عبید اللّه بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق علیهما السّلام، از عبید اللّه بن نهیک، از محمّد بن زیاد، از ابو حنیفهٔ سابق (یعنی سعید بن بیان)، از یونس بن عمّار، از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

وقتی نزدیک آن حضرت (یعنی حضرت امام حسین علیه السّلام) شدی اگر به آب دست یافتی و خواستی غسل کن و الا وضوء بگیر و سپس به زیارت حضرتش برو.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِیَّةَ أَبِی نَابٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أَتَیْتُ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ لَیْسَ عَلَیْکَ غُسْلٌ

محمّد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن فضّال، از عبّاس بن عامر، از حسن بن عطیّهٔ ابی ناب، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام پرسیدم:

هنگامی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام می‌روم آیا بر من غسل لازم است؟

حضرت فرمودند: بر تو غسل نمی‌باشد.

۶- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ الزِّبْرِقَانِ الطَّبَرِیُّ بِإِسْنَادٍ لَهُ یَرْفَعُهُ إِلَی الصَّادِقِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ رُبَّمَا أَتَیْنَا قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَیَصْعُبُ عَلَیْنَا الْغُسْلُ لِلزِّیَارَةِ مِنَ الْبَرْدِ أَوْ غَیْرِهِ فَقَالَ (علیه السلام) مَنِ اغْتَسَلَ فِی الْفُرَاتِ وَ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) کُتِبَ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ مَا لَا یُحْصَی فَمَتَی مَا

رَجَعَ إِلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی اغْتَسَلَ فِیهِ وَ تَوَضَّأَ وَ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) کُتِبَ لَهُ ذَلِکَ الثَّوَابُ

حسن بن زبرقان الطّبری باسنادش به طور مرفوعهٔ امام صادق علیه السّلام، وی می گوید:

محضر مبارک امام صادق علیه السّلام عرض کردم: بسا به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام می‌رویم و به جهت سرما یا غیر آن غسل زیارت بر ما مشکل می‌باشد چه کنیم؟

حضرت فرمودند:

کسی که در فرات غسل کرده و حسین علیه السّلام را زیارت نماید برایش به اندازه‌ای فضیلت منظور می‌شود که قابل احصاء و شمارش نیست و زمانی که برگردد به آنجائی که غسل کرده و این بار وضوء گرفته و حضرت را زیارت کند همان ثواب و فضیلت برای او نوشته می‌شود.

۷۷] – باب هفتاد و هفتم در بیان اینکه زائرین حضـرت امام حسین علیه السّلام که به حق آن حضرت عارف هستند فرشتگان به مشایعت و اسـتقبالشان رفته و هنگام مرض عیادتشان نموده و در هنگام مرگ‌بر بالین آنها حاضر شده و برای ایشان تا روز قیامت طلب مغفرت می‌کنند

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ حَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِیِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ وَکَّلَ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَکٍ شُعْثاً غُبْراً یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ فَمَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ شَیَّعُوهُ حَتَّی یُبْلِغُوهُ مَأْمَنَهُ وَ إِنْ مَرِضَ عَادُوهُ غُدْوَةً وَ عَشِیَّةً وَ إِنْ مَاتَ شَهِدُوا جِنَازَتَهُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ

پدرم و محمّد بن الحسن از حسـین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمّد جوهری، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

شنیدم که حضرت می‌فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشـته را موکّل قبر حضـرت امام حسین علیه السّلام فرموده که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می‌کنند، پس کسی که حضرت را زیارت کند و به حق آن حضرت عارف باشد این فرشتگان او را مشایعت کرده تا وی را به منزلش برسانند و اگر بیمار شود صبح و شام عیادتش کرده و اگر فوت کند بر جنازه‌اش حاضـر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می‌کنند.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ أَبِی إِسْمَاعِیلَ السَّرَّاجِ عَنْ یَحْیَی بْنِ مَعْمَرٍ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَکٍ شُعْثٌ غُبْرٌ یَبْکُونَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ فَلَا یَأْتِیهِ أَحَدٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَا یَرْجِعُ أَحَدٌ مِنْ عِنْدِهِ إِلَّا شَیَّعُوهُ وَ لَا یَمْرَضُ أَحَدٌ إِلَّا عَادُوهُ وَ لَا یَمُوتُ أَحَدٌ إِلَّا شَهِدُوهُ وَ حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسـین، از محمّد بن اسـماعیل بن بزیع، از ابی اسماعیل السّرّاج، از یحیی بن معمّر عطّار، از ابی بصیر، از مولانا ابی جعفر علیه السّلام، حضرت فرمودند:

چهـار هزار فرشـته ژولیـده و غبـار آلود و گرفته بر حضـرت امـام حسـین علیه السّلام تا روز قیامت می‌گرینـد پس احـدی به زیارت حضـرت نمی‌آیـد مگر آنکه ایشـان اسـتقبالش می‌کننـد و احـدی از نزد آن جنـاب بر نمی‌گردد مگر آنکه این فرشـتگان مشـایعتش می‌نمایند، و احدی از زوّار آن حضـرت بیمار نمی‌شود مگر آنکه این فرشـتگان عیادتش می‌کنند و احدی از زائرین آن مظلوم فوت نمی‌کند مگر آنکه این فرشته‌ها بر جنازه‌اش حاضر می‌گردند.

پـدرم رحمـهٔ اللّه علیه، از سـعد بن عبـد اللّه، از احمـد بن محمّـد بن عیسـی، از محمّد بن اسـماعیل بن بزیع مثل همین حدیث را نقل کرده است.

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سـعد، از محمّد بن الحسـین، از موسـی بن سعدان، از عبد اللّه بن القاسم، از عمر بن ابان از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل همین حدیث را نقل

کرده است.

۳- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ سَلَمَةَ صَاحِبِ السَّابِرِیِّ عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ الْکِنَانِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ إِلَی جَانِبِکُمْ قَبْراً مَا أَتَاهُ مَکْرُوبٌ إِلَّا نَفَّسَ اللَّهُ کُرْبَتَهُ وَ قَضَی حَاجَتَهُ وَ إِنَّ عِنْدَهُ أَرْبَعَةَ

أَلْفِ مَلَكٍ مُنْذُ يَوْمَ قُبِضَ شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زَارَهُ شَيَّعُوهُ وَ مَنْ مَرِضَ عَادُوهُ وَ مَنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جِنَازَتَه

جعفر بن محمّد بن ابراهيم از عبد اللّه بن نهيک، از ابن ابى عمير، از سلمهٔ صاحب سابرى، از ابى الصباح الكنانى وى مى گويد: شنيدم امام صادق عليه السّلام مى‌فرمودند:

در طرف و حوالى شما قبرى است كه هيچ غمگينى به زيارتش نرفته مگر خداوند متعال غم او را برطرف كرده و حاجتش را بر آورده مى‌كند و در نزد آن قبر چهار هزار فرشته بوده كه از زمان شهادت صاحب قبر اين فرشتگان به هيئتى ژوليده و حالى گرفته و غبار آلود تا روز قيامت بر او مى گريند، پس هر كس او را زيارت كند فرشتگان او را مشايعت كرده و اگر مريض شود عيادتش نموده و اگر از دنيا برود جنازه‌اش را تشييع مى كنند.

۴- حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) شَيَّعَتْهُ سَبْعُمِائَةِ مَلَكٍ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ حَتَّى يُبْلِغُوهُ مَأْمَنَهُ فَإِذَا زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) نَادَاهُ مُنَادٍ قَدْ غُفِرَ لَکَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ ثُمَّ يَرْجِعُونَ مَعَهُ مُشَيِّعِينَ لَهُ إِلَى مَنْزِلِهِ فَإِذَا صَارُوا إِلَى مَنْزِلِهِ قَالُوا نَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ- فَلَا يَزَالُونَ يَزُورُونَهُ إِلَى يَوْمِ مَمَاتِهِ ثُمَّ يَزُورُونَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ ثَوَابُ ذَلِکَ لِلرَّجُلِ

پدرم رحمهٔ اللّه عليه و جماعتى از مشايخ و اساتيدم، از محمّد بن يحيى العطّار، از حمدان بن سليمان نيشابورى، از عبد اللّه بن محمّد يمانى، از منيع بن حجاج، از يونس عبد الرحمن، از صفوان جمّال، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام حضرت فرمودند:

هنگامى كه شخص به قصد زيارت حضرت امام حسين عليه السّلام از منزلش بيرون مى‌رود هفتصد فرشته از بالاى سر و زير پا و دست راست و طرف چپ و از مقابل و از پشت سر او را مشايعت كرده تا وى را به قصدش برسانند و وقتى وى آن حضرت را زيارت كرد منادى نداء مى‌دهد: گناهانت آمرزيده شد اعمال را از ابتدا شروع كن، سپس فرشتگان با او مراجعت كرده و وى را همچنان مشايعت نموده تا او را به منزلش برسانند و وقتى به منزلش رسيدند مى گويند:

ما تو را به خدا مى‌سپاريم.

پس پيوسته او را زيارت كرده تا روز فوتش فرا برسد، و پس از فوت در هر روز قبر حضرت امام حسين عليه السّلام را زيارت كرده و ثواب آن براى آن شخص منظور مى گردد.

۵- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بِإِسْنَادِهِ إِلَى مَنِيعٍ عَنْ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ وَكَّلَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثاً غُبْراً إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ يُشَيِّعُونَ مَنْ زَارَهُ يَعُودُونَهُ إِذَا مَرِضَ وَ يَشْهَدُونَ جِنَازَتَهُ إِذَا مَاتَ

از پدرم، از محمّد بن يحيى باسنادش تا منيع، از زياد، از عبد اللّه بن مسكان، از محمّد حلبى، وى گفت: شنيدم حضرت ابا عبد اللّه عليه السّلام مى‌فرمودند:

خداوند متعال چهار هزار فرشته را موكّل قبر مطهّر حضرت سيّد الشهداء قرار داده كه همگى ژوليده و غبارآلود و گرفته هستند و تا قيامت اطراف آن قبر مى‌باشند، وقتى كسى حضرت را زيارت كند اين فرشتگان مشايعتش كرده و هنگامى كه زائر بيمار شود او را عيادت نموده و زمانى كه از دنيا برود بر سر جنازه‌اش حاضر مى گردند.

۶- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ وَكَّلَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثاً غُبْراً فَلَمْ يَزَلْ يَبْكُونَهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَطَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ وَ صَعِدَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكٍ فَلَمْ يَزَلْ يَبْكُونَهُ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ وَ يَشْهَدُونَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يُشَيِّعُونَهُ بِالْوَفَاءِ إِلَى أَهْلِهِ وَ يَعُودُونَهُ إِذَا مَرِضَ وَ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ إِذَا مَاتَ

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش در باب بیست و هفتم ذیل شماره یازده قبلا نقل گردید.

۷- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِیِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ یَحْیَی عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِی إِبْرَاهِیمَ (علیه السلام) قَالَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ یُرِیدُ زِیَارَةَ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَکاً یَضَعُ [فَوَضَعَ]إِصْبَعَهُ فِی قَفَاهُ فَلَمْ یَزَلْ یَکْتُبُ مَا یَخْرُجُ مِنْ فِیهِ حَتَّی یَرِدَ الْحَائِرَ [الْحَیْرَ]فَإِذَا دَخَلَ مِنْ بَابِ الْحَائِرِ [الْحَیْرِ]وَضَعَ کَفَّهُ وَسَطَ ظَهْرِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَمَّا مَا مَضَی فَقَدْ غُفِرَ لَکَ فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ یَحْیَی عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِی إِبْرَاهِیمَ (علیه السلام) قَالَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ یُرِیدُ زِیَارَةَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش در باب شصت و دوّم ذیل شماره هفتم قبلا نقل گردید.

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از قاسم بن یحیی، از جدّش حسن بن راشد، از حضرت ابی ابراهیم علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که از خانه‌اش بیرون بیاید و قصدش زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام باشد ... سپس بقیه حدیث را مثل حدیث گذشته ذکر فرموده.

۸- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ره جَمِیعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ أَنَا عِنْدَهُ فَقَالَ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) لَمَّا أُصِیبَ بَکَتْهُ حَتَّی الْبِلَادُ فَوَکَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَکٍ شُعْثاً غُبْراً یَبْکُونَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ فَمَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ شَیَّعُوهُ حَتَّی یُبْلِغُوهُ مَأْمَنَهُ وَ إِنْ مَرِضَ عَادُوهُ غُدْوَةً وَ عَشِیَّةً وَ إِنْ مَاتَ شَهِدُوا جِنَازَتَهُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ

پدرم و محمّد بن عبد اللّه رحمة اللّه علیهما جملگی از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابراهیم بن مهزیار، از برادرش علی بن مهزیار، از ابی القاسم، از قاسم بن محمّد، از اسحاق بن ابراهیم، از هارون بن خارجه، وی می گوید:

شخصی از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرد و من نیز در آنجا حاضر بودم، سائل پرسید؟ ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت امام حسین علیه السّلام به مصیبت گرفتار شدند موجودات جملگی بر او گریستند حتی شهرها پس حق تعالی چهار هزار فرشته را بر قبر مطهّرش موکّل ساخت که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر آن جناب می گریند، پس کسی که آن حضرت را زیارت کند و به حقّش آگاه و عارف باشد این فرشتگان مشایعتش کرده تا وی را به مقصدش برسانند و اگر بیمار گردد صبح و شام عیادتش کنند و اگر از دنیا رفت بر جنازه‌اش حاضر شده و تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می کنند.

*** ***

*** ***

۹- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ الْکَلْبِیِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) هَبَطَ أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَکٍ یُرِیدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَلَمْ

يُوءْذَنْ لَهُمْ فِى الْقِتَالِ فَرَجَعُوا فِى الِاسْتِئْذَانِ فَهَبَطُوا وَ قَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَئِيسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَا يُوَدِّعُهُ مُوَدِّعٌ إِلَّا شَيَّعُوهُ وَ لَا يَمْرَضُ مَرِيضٌ إِلَّا عَادُوهُ وَ لَا يَمُوتُ إِلَّا صَلَّوْا عَلَى جِنَازَتِهِ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ كُلُّ هوءُلَاءِ فِى الْأَرْضِ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ ع

مترجم گوید:

این حدیث در ضمن حدیث طولانی با ترجمه‌اش قبلا در باب چهل و یکم ذیل شماره پنجم نقل شد.

۱۰- حَدَّثَنِى أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنِ ابْنِ أَبِى الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنِى مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَيْلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُضَارِبٍ عَنْ مَالِكٍ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ يَا مَالِكُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا قُبِضَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) بَعَثَ إِلَيْهِ أَرْبَعَةَ أَلْفِ مَلَكٍ شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ- فَمَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ كَتَبَ لَهُ حِجَّةً وَ لَمْ يَزَلْ مَحْفُوظاً حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ قَالَ فَلَمَّا مَاتَ مَالِكٌ وَ قُبِضَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) دَخَلْتُ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَأَخْبَرْتُهُ بِالْحَدِيثِ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى حِجَّةٍ قَالَ وَ عُمْرَةً يَا مُحَمَّدُ

ابو العباس رزّاز، از ابن ابی الخطاب، وی می‌گوید: محمّد بن فضیل، از محمّد ابن مضارب، از مالک جهنی، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای مالک هنگامی که حق تعالی حضرت امام حسین علیه السّلام را قبض روح کرد چهار هزار فرشته بر سر قبرش گسیل داشت که جملگی ژولیده و غبار آلود و گرفته بوده و تا روز قیامت بر او می‌گریند، پس کسی که او را زیارت کند و به حقّش معرفت داشته باشد خداوند منّان گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد و برای او یک حج می‌نویسد و پیوسته محفوظش داشته تا به اهلش مراجعت کند.

محمّد بن مضارب می‌گوید:

وقتی مالک از دنیا رفت و حضرت ابو جعفر علیه السّلام نیز قبض روح شدند بر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شده و حدیث مذکور را محضر مبارکش بازگو کردم و وقتی به کلمه «کتب له حجّة» منتهی شدم، حضرت فرمودند: ای محمّد حجّة و عمرة.

۷۸] – باب هفتاد و هشتم در باره کسانی که زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام را ترک می‌کنند

۱- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ الْحَنَّاطِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ مَنْ لَمْ یَأْتِ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مِنْ شِیعَتِنَا کَانَ مُنْتَقَصَ الْإِیمَانِ مُنْتَقَصَ الدِّینِ وَ إِنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ کَانَ دُونَ الْمُؤْمِنِینَ فِی الْجَنَّةِ

حسن بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عاصم بن حمید حنّاط، از محمّد بن مسلم، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام، محمّد بن مسلم می گوید:

حضرت ابو جعفر علیه السّلام فرمودند:

هر کس از شیعیان ما که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام نرود ایمان و دینش ناقص بوده و اگر داخل بهشت شود در مقامی پائین‌تر از موءمنین باشد.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبِی الْمِغْرَی عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ لَمْ یَأْتِ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) حَتَّی یَمُوتَ کَانَ مُنْتَقَصَ الدِّینِ مُنْتَقَصَ الْإِیمَانِ وَ إِنْ دَخَلَ الْجَنَّةَ کَانَ دُونَ الْمُؤْمِنِینَ فِی الْجَنَّةِ

محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمّد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از علی بن الحکم، از ابی المغرا، از عنبسة بن مصعب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام نرود تا از دنیا برود دین و ایمانش ناقص بوده و اگر به بهشت داخل شود در مرتبه پائین‌تر از موءمنین می‌باشد.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ لَمْ یَأْتِ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ هُوَ یَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِیعَةٌ حَتَّی یَمُوتَ فَلَیْسَ هُوَ لَنَا بِشِیعَةٍ وَ إِنْ کَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنْ ضِیفَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد ابن عیسی، از پدرش، از سیف بن عمیره، از شخصی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام نرود و گمانش این باشد که از شیعیان ما است و با این حال فوت کند او شیعه ما نیست و اگر از اهل بهشت هم باشد میهمان بهشتیان محسوب می‌شود.

۴- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَةَ عَنْ أَبِی بَکْرٍ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَنْ أَرَادَ أَنْ یَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَیَعْرِضْ حُبَّنَا عَلَی قَلْبِهِ فَإِنْ قَبِلَهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَ مَنْ کَانَ لَنَا مُحِبّاً فَلْیَرْغَبْ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَمَنْ کَانَ لِلْحُسَیْنِ (علیه السلام) زَوَّاراً عَرَفْنَاهُ بِالْحُبِّ لَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ وَ کَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ لَمْ یَکُنْ لِلْحُسَیْنِ زَوَّاراً کَانَ نَاقِصَ الْإِیمَانِ

پدرم به اسنادش از سیف بن عمیره، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام، ابی بکر حضرمی گوید:

شنیدم که حضرت ابو جعفر علیه السّلام می‌فرمودند:

کسی که می‌خواهد بداند آیا اهل بهشت هست یا نه، پس حبّ و دوستی ما را بر دلش عرضه کند اگر دلش آن را پذیرفت پس او موءمن است و کسی که محبّ و دوست‌دار ما است باید در زیارت امام حسین علیه السّلام راغب باشد، بنا بر این شخصی که زائر امام حسین علیه السّلام باشد ما او را محبّ خود می‌دانیم و از اهل بهشت خواهد بود و کسی که زوار حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام نباشد ناقص الایمان است.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَمَّنْ تَرَکَ الزِّیَارَةَ زِیَارَةَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ مِنْ غَیْرِ عِلَّةٍ قَالَ هَذَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ النَّارِ

از پـدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از احمد بن ادریس، از عمرکی بن علی بوفکی، از کسی که برایش حدیث گفته، از صندل، از هارون ابن خارجه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، هارون گوید:

از امام علیه السّلام راجع به کسی که بـدون علّت زیارت حضرت ابا عبـد اللّه علیه السّلام را ترک می کند سوءال کردم؟ حضرت فرمودند:

چنین کسی از اهل جهنّم می‌باشد.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْکُوفِیُّ الْقُرَشِیُّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَیْمُونٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ لَوْ أَنَّ أَحَدَکُمْ حَجَّ أَلْفَ حِجَّةٍ ثُمَّ لَمْ یَأْتِ قَبْرَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) لَکَانَ قَدْ تَرَکَ حَقّاً مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ تَعَالَی وَ سُئِلَ عَنْ ذَلِکَ فَقَالَ حَقُّ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مَفْرُوضٌ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ

محمّـد بن جعفر رزّاز کوفی قرشـی، از دائی خود محمّـد بن الحسین بن ابی الخطاب، از کسـی که برایش حـدیث گفته، از علی بن میمون وی گفت: از حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

اگر یکی از شـما هزار مرتبه به حج رود ولی به زیارت قبر حضـرت حسین بن علی علیهما السّلام نرود مسلّما حقّی از حقوق خداوند تعالی را ترک کرده و قیامت از آن مورد سوءال و باز خواست واقع می‌شود، سپس حضرت فرمودند: حق امام حسین علیه السّلام بر هر مسلمانی واجب و لازم است.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ فِی حَدِیثٍ لَهُ طَوِیلٍ أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ هَلْ یُزَارُ وَالِدُکَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَمَا لِمَنْ زَارَهُ قَالَ الْجَنَّةُ إِنْ کَانَ یَأْتَمُّ بِهِ قَالَ فَمَا لِمَنْ تَرَکَهُ رَغْبَةً عَنْهُ قَالَ الْحَسْرَةُ یَوْمَ الْحَسْرَةِ- وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ بِطُولِهِ

مترجم گوید:

این حدیث با ترجمه‌اش در باب چهل و چهارم ذیل شماره دوّم نقل شد.

۷۹] – باب هفتاد و نهم در نقل زیارات وارده برای حضرت حسین بن علیّ علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْکُوفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ یَزِیدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِیَّةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا دَخَلْتَ الْحَائِرَ [الْحَیْرَ]فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامٌ أَکْرَمْتَنِی [کَرَّمْتَنِی]بِهِ وَ شَرَّفْتَنِی بِهِ اللَّهُمَّ فَأَعْطِنِی فِیهِ رَغْبَتِی عَلَی حَقِیقَةِ إِیمَانِی بِکَ وَ بِرُسُلِکَ سَلَامُ اللَّهِ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِکَتِهِ فِیمَا تَرُوحُ وَ تَغْتَدِی بِهِ الرَّائِحَاتُ الطَّاهِرَاتُ الطَّیِّبَاتُ لَکَ وَ عَلَیْکَ وَ سَلَامٌ عَلَی مَلَائِکَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِینَ- وَ سَلَامٌ عَلَی الْمُسَلِّمِینَ لَکَ بِقُلُوبِهِمُ النَّاطِقِینَ لَکَ بِفَضْلِکَ بِأَلْسِنَتِهِمْ- أَشْهَدُ أَنَّکَ صَادِقٌ صِدِّیقٌ صَدَقْتَ فِیمَا دَعَوْتَ إِلَیْهِ وَ صَدَقْتَ فِیمَا أَتَیْتَ بِهِ وَ أَنَّکَ ثَارُ اللَّهِ فِی الْأَرْضِ مِنَ الدَّمِ الَّذِی لَا یُدْرَکُ ثَارُهُ [تِرَتُهُ]مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا بِأَوْلِیَائِکَ اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ مَشَاهِدَهُمْ وَ شَهَادَتَهُمْ حَتَّی تُلْحِقَنِی بِهِمْ وَ تَجْعَلَنِی لَهُمْ فَرَطاً وَ تَابِعاً فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ تَمْشِی قَلِیلًا وَ تُکَبِّرُ بِسَبْعِ تَکْبِیرَاتٍ ثُمَّ تَقُومُ بِحِیَالِ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ سُبْحَانَ الَّذِی سَبَّحَ لَهُ الْمُلْکُ وَ الْمَلَکُوتُ وَ قُدِّسَتْ بِأَسْمَائِهِ جَمِیعُ خَلْقِهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِکَةِ وَ الرُّوحِ اللَّهُمَّ اکْتُبْنِی فِی وَفْدِکَ- إِلَی خَیْرِ بِقَاعِکَ وَ خَیْرِ خَلْقِکَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ وَ الْعَنْ أَشْیَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ اللَّهُمَّ أَشْهِدْنِی مَشَاهِدَ الْخَیْرِ کُلَّهَا- مَعَ أَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ اللَّهُمَّ تَوَفَّنِی مُسْلِماً وَ اجْعَلْ لِی قَدَماً [قَدَمَ صِدْقٍ]مَعَ الْبَاقِینَ- الْوَارِثِینَ الَّذِینَ یَرِثُونَ [یَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ عِبَادِکَ]الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِیهَا خالِدُونَ مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ ثُمَّ کَبِّرْ خَمْسَ تَکْبِیرَاتٍ ثُمَّ تَمْشِی قَلِیلًا وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی بِکَ مُؤْمِنٌ وَ بِوَعْدِکَ مُوقِنٌ اللَّهُمَّ اکْتُبْ لِی إِیمَاناً وَ ثَبِّتْهُ فِی قَلْبِی- اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَقُولُ بِلِسَانِی حَقِیقَتَهُ فِی قَلْبِی وَ شَرِیعَتَهُ فِی عَمَلِی- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَدَمُ ثَبَاتٍ وَ أَثْبِتْنِی فِیمَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَهُ ثُمَّ کَبِّرْ ثَلَاثَ تَکْبِیرَاتٍ وَ تَرْفَعُ یَدَیْکَ حَتَّی تَضَعَهُمَا عَلَی الْقَبْرِ جَمِیعاً ثُمَّ تَقُولُ أَشْهَدُ أَنَّکَ طُهْرٌ طَاهِرٌ مِنْ طُهْرٍ طَاهِرٍ طَهُرْتَ وَ طَهُرَتْ بِکَ الْبِلَادُ وَ طَهُرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ بِهَا وَ طَهُرَ حَرَمُکَ أَشْهَدُ أَنَّکَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَ الْعَدْلِ وَ دَعَوْتَ إِلَیْهِمَا وَ أَنَّکَ ثَارُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ حَتَّی یَسْتَثِیرَ لَکَ مِنْ جَمِیعِ خَلْقِهِ ثُمَّ ضَعْ خَدَّیْکَ جَمِیعاً عَلَی الْقَبْرِ ثُمَّ تَجْلِسُ وَ تَذْکُرُ اللَّهَ بِمَا شِئْتَ وَ تَوَجَّهْ إِلَی اللَّهِ فِیمَا شِئْتَ أَنْ تَتَوَجَّهَ ثُمَّ تَعُودُ وَ تَضَعُ یَدَیْکَ عِنْدَ رِجْلَیْهِ ثُمَّ تَقُولُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَی رُوحِکَ وَ عَلَی بَدَنِکَ صَدَقْتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ وَ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ بِالْأَیْدِی وَ الْأَلْسُنِ- ثُمَّ تُقْبِلُ إِلَی عَلِیٍّ ابْنِهِ فَتَقُولُ مَا أَحْبَبْتَ ثُمَّ تَقُومُ قَائِماً فَتَسْتَقْبِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فَتَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الشُّهَدَاءُ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَکُمْ تَبَعٌ أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِی لَا خُلْفَ لَهُ اللَّهُ مُدْرِکٌ لَکُمْ وِتْرَکُمْ- وَ مُدْرِکٌ بِکُمْ فِی الْأَرْضِ عَدُوَّهُ أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ- ثُمَّ تَجْعَلُ الْقَبْرَ بَیْنَ یَدَیْکَ ثُمَّ تُصَلِّی مَا بَدَا لَکَ ثُمَّ تَقُولُ جِئْتُ وَافِداً إِلَیْکَ- وَ أَتَوَسَّلُ إِلَی اللَّهِ بِکَ فِی جَمِیعِ حَوَائِجِی مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی بِکَ یَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَی اللَّهِ فِی حَوَائِجِهِمْ وَ بِکَ یُدْرِکُ عِنْدَ اللَّهِ أَهْلُ التِّرَاتِ طَلِبَتَهُمْ ثُمَّ تُکَبِّرُ إِحْدَی عَشْرَةَ تَکْبِیرَةً مُتَتَابِعَةً وَ لَا تُعَجِّلْ فِیهَا ثُمَّ تَمْشِی قَلِیلًا- فَتَقُومُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فَتَقُولُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمُتَوَحِّدِ فِی الْأُمُورِ کُلِّهَا خَلَقَ الْخَلْقَ فَلَمْ یَغِبْ شَیْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ عَنْ عِلْمِهِ فَعَلَّمَهُ بِقُدْرَتِهِ- ضَمِنَتِ الْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَیْهَا دَمَکَ وَ ثَارَکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ- أَشْهَدُ أَنَّ لَکَ مِنَ اللَّهِ مَا وَعَدَکَ مِنَ النَّصْرِ وَ الْفَتْحِ وَ أَنَّ لَکَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدَ الصَّادِقَ فِی هَلَاکِ أَعْدَائِکَ وَ تَمَامَ مَوْعِدِ اللَّهِ إِیَّاکَ أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ تَبِعَکَ الصَّادِقُونَ الَّذِینَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فِیهِمْ- أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ ثُمَّ کَبِّرْ سَبْعَ تَکْبِیرَاتٍ ثُمَّ تَمْشِی قَلِیلًا ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقَبْرَ وَ تَقُولُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ- وَ خَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِیراً أَشْهَدُ أَنَّکَ دَعَوْتَ إِلَی اللَّهِ وَ إِلَی رَسُولِهِ وَ وَفَیْتَ لِلَّهِ بِعَهْدِهِ وَ قُمْتَ لِلَّهِ بِکَلِمَاتِهِ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَدَعَتْکَ [خَذَّلَتْ عَنْکَ]اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ بِالْوَلَایَةِ لِمَنْ وَالَیْتَ وَ وَالَتْهُ رُسُلُکَ وَ أَشْهَدُ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ بَرِئْتَ مِنْهُ وَ بَرِئَتْ مِنْهُ رُسُلُکَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِینَ کَذَّبُوا رُسُلَکَ وَ هَدَمُوا کَعْبَتَکَ وَ حَرَّفُوا کِتَابَکَ وَ سَفَکُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ- وَ أَفْسَدُوا فِی بِلَادِکَ وَ اسْتَذَلُّوا عِبَادَکَ اللَّهُمَّ ضَاعِفْ عَلَیْهِمُ [لَهُمُ]الْعَذَابَ فِیمَا جَرَی مِنْ سُبُلِکَ وَ بَرِّکَ وَ بَحْرِکَ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِی مُسْتَسِرِّ السَّرَائِرِ وَ ظَاهِرِ الْعَلَانِیَةِ فِی أَرْضِکَ وَ سَمَائِکَ وَ کُلَّمَا دَخَلْتَ الْحَائِرَ فَسَلِّمْ- وَ ضَعْ یَدَکَ [خَدَّکَ]عَلَی الْقَبْرِ

محمّد بن جعفر رزّاز کوفی، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از یزید بن إسحاق شعر، از حسن بن عطیّه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حضرت فرمودند:

وقتی داخل حائر شدی، بگو:

بار خدایا این مقام و موقعیتی است که به واسطه‌اش من را مورد کرامت و شرافت قرار دادی، خداوندا ببخشای به من و ایجاد کن در من رغبت و میل به این مقام را در حالی که بر حقیقت ایمان به تو و به فرستادگانت ثابت می‌باشم، سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، و سلام و درود فرشتگان خوشبو و پاکیزه‌اش در شامگاه و بامداد برای تو و بر تو باد، و سلام و درود بر فرشتگان مقرّب خدا، و درود بر کسانی که با دل تو را پذیرفته و تسلیمت شدند، کسانی که با زبانشان فضل تو را بیان کردند، شهادت می‌دهم که تو راستگو و درست می‌باشی، در آنچه به آن دعوت نمودی راست گفتی، و در آنچه انجام دادی و عمل کردی راست می گفتی، تو خون خدا در زمین هستی (یعنی طالب خون تو خدا می‌باشد) خونی که خون خواهی و طلب نمی‌شود مگر بوسیله اولیاء و دوستانت، خدایا مشاهد و شهادت ایشان را محبوب من نما (یعنی من را نیز شهید گردان همان طوری که ایشان را شهید قرار دادی) تا من را به آنها ملحق کرده و در دنیا و آخرت تابعشان قرار دهی.

سپس اندکی راه برو و هفت تکبیر گفته پس از آن در مقابل قبر مطهّر بایست و بگو:

منزّه است آن کسی که عالم مادّه و عقل او را تسبیح می گویند، و پاکیزه‌اند تمام آفریده‌ها بواسطه اسمائش (مقصود از اسماء عالم خلق و ایجاد است)، منزّه است خداوندی که فرمان روای عالم هستی است و از کلّ نقائص و شئون ماده مبرّا بوده و پروردگار فرشتگان و روح می‌باشد، بار خدایا نام من را در زمره کسانی بنویس که به سوی بهترین اماکن زمین و والاترین مخلوقات سفر می کنند، خداوندا هر جبت (کسی که خیری در او نیست) و طاغوتی (هر معبودی که غیر خدا است) را از رحمتت به دور دار، و نیز دنباله رو و تابعین آنها را مورد لعن خود قرار بده، خداوندا من را در تمام مشاهد خیر با اهل بیت پیغمبرت حاضر و شاهد بگردان، بار خدایا من را مسلمان از این دنیا ببر، و قدم راست (شاید مراد اعمال خیر باشد.) برایم با آنان که زنده‌اند قرار بده، زنده‌هائی که بنده‌گان صالح تو بوده و وارث بهشت بوده و در آن جاودانه خواهند ماند.

سپس پنج تکبیر گفته و پس از آن اندکی راه برو و بگو:

بار خدایا من به تو ایمان داشته و به آنچه وعده داده‌ای یقین دارم، خدایا برای من ایمان را بنویس و نصیبم گردان و در قلبم ثابتش نما، بار خدایا آنچه را که با زبانم می گویم حقیقتش را در قلبم قرار بده و ظاهرش را در عملم جلوه گر نما، خداوندا من را از کسانی قرار بده که با حضرت امام حسین علیه السّلام ثابت قدم بودند، و من را در عداد آنان که با آن حضرت شهید شدند ثبت و ضبط بفرما.

سپس سه مرتبه تکبیر بگو و دو دستت را بلند کن به طوری که تمام دو دست را روی قبر بگذاری، پس از آن بگو:

شهادت می‌دهم که تو نفس پاکیزگی پاک بوده و از نفس پاکیزگی پاک ناشی‌شده‌ای، پاک هستی و بواسطه تو بلاد و شهرها پاک گشته‌اند، و پاک است سرزمینی که تو در آن می‌باشی، و پاک است حرم تو، شهادت می‌دهم که به میانه روی و عدالت امر فرمودی، و به سوی این دو دیگران را خواندی، و شهادت می‌دهم که تو خون خدا در روی زمین می‌باشی حتّی حضرت باری تعالی از جمیع خلقش (یعنی کسانی که در خون تو دست داشته و یا به آن راضی بوده‌اند) خون خواهی می کند.

سپس دو طرف صورت را بر قبر بگذار و پس از آن بنشین و هر ذکری که خواستی بگو و متوجّه به خدا بشو پس از آن بگرد و دو دست را پائین پا بگذار و بگو:

صلوات و رحمت خدا بر جان و جسمت باد، راست گفتی و تو راست گو و مورد تصدیق می‌باشی، و خدا بکشد آنان را که با دست و زبان تو را کشتند.

سپس رو به علی اکبر فرزند آن حضرت کن و آنچه خواستی بگو:

(یعنی طالب خون تو خدا می‌باشد) خونی که خونخواهی و طلب نمی‌شود مگر به وسیله اولیاء و دوستانت، خدایا محبوب من گردان مشاهد و شهادت ایشان را (یعنی شهادت را محبوب من گردان) تا من را به ایشان ملحق گردانی و نیز من را در دنیا و آخرت تابع ایشان نمائی.

سپس راست بایست و قبور شهداء را قبله خود قرار بده و بگو:

سلام بر شما ای شهداء، شما جلو و ما به دنبال شما می‌باشیم، بشارت باد بر شما به وعده خدا که در آن تخلف نیست، خدا خون خواه شما خواهد بود، و بواسطه شما از دشمنانش انتقام خواهد گرفت، شما در دنیا و آخرت سروران شهداء می‌باشید.

سپس قبر را جلو خود قرار بده سپس هر نمازی که خواستی بخوان پس از آن بگو:

آمدم در حالی که به سوی تو کوچ کردم، در تمام حوائج و خواسته‌هایم از امور دنیائی و اخروی به واسطه تو به خدا متوسل می‌شوم، بواسطه تو تمام متوسلین به خدا در حوائج و نیازمندی‌هایشان توسّل می‌جویند، و اهل میراث بواسطه تو نزد خدا حقشان را مطالبه می‌کنند.

سپس یازده تکبیر پشت سر هم بگو بدون اینکه در گفتن آنها عجله و شتاب کنی و پس از آن اندکی راه برو پس رو به قبله بایست و بگو:

سپاس مختص ذات واحدی است که در تمام امور متفرّد و یکتا است، مخلوقات را آفرید پس هیچ امری از امور آنها مخفی از علم او نیست، پس با قدرت کامله‌اش آن را می‌داند، زمین و کسانی که بر روی آن هستند خون تو را به عهده گرفته‌اند، ای فرزند رسول خدا صلوات و رحمت خدا بر تو باد، شهادت می‌دهم نصرت و فیروزی را که حقتعالی به تو وعده داده بود برایت منجّز و ثابت است، و برای تو است وعده راستی را که خداوند متعال به تو داده و ملتزم شده و دشمنانت را هلاک بکند، شهادت می‌دهم که تابعین تو صادقان و راستگویان هستند، آنان که حق تبارک و تعالی در باره ایشان فرموده:

أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ.

سپس هفت تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و بعد رو به قبر کن و بگو:

سپاس مختص ذاتی است که فرزند نگرفت و برایش شریکی در سلطنت نمی‌باشد، و آفرید هر چیزی را پس مقدّر و معیّن نمود آن را، شهادت می‌دهم که تو مردم را به سوی خدا و رسولش دعوت نمودی و به عهدی که با خدا نموده بودی وفاء کردی، و همراه با کلمات و مخلوقاتش برای خدا قیام نمودی، و در راه او جهاد کرده تا مرگ تو را دریافت، خدا لعنت کند گروهی که تو را کشتند و لعنت کند جماعتی را که به تو ستم نمودند، و خدا لعنت کند آنان که تو را خوار کردند، و خدا لعنت کند امّتی را که با تو حیله نمودند، خدایا تو را شاهد قرار می‌دهم که ولیّ کسی است که تو او را ولیّ قرار دادی، و رسولانت او را ولی دانسته‌اند، و شهادت می‌دهم که از هر کس که تو و رسولانت بی‌زار هستید من نیز بی‌زارم، بار خدایا کسانی که رسولانت را تکذیب کردند لعن نما، و لعنت کن آنان که کعبه تو را منهدم و خراب کردند، و کتابت را سوزاندند، و خونهای اهل پیغمبرت را ریختند، و در شهرهای تو فساد کرده و بندگانت را ذلیل نمودند، خداوندا عذابت را بر ایشان در خشکی و دریا چند برابر نما، بار خدایا ایشان را در خفایا و علن و در زمین و آسمانت مورد لعن قرار بده.

و هر گاه در حائر داخل شدی سلام کن و دست را روی قبر قرار بده.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ

۲- حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ ثُوَیْرِ بْنِ أَبِی فَاخِتَةَ قَالَ کُنْتُ أَنَا وَ یُونُسُ بْنُ ظَبْیَانَ وَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَ أَبُو سَلَمَةَ

السَّرَّاجُ جُلُوساً عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ کَانَ الْمُتَکَلِّمُ یُونُسَ وَ کَانَ أَکْبَرَ مِنَّا سِنّاً- فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی أَحْضُرُ مَجَالِسَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ یَعْنِی وُلْدَ س ا ب ع- فَمَا أَقُولُ قَالَ إِذَا حَضَرْتَهُمْ وَ ذَکَرْتَنَا فَقُلِ اللَّهُمَّ أَرِنَا الرَّخَاءَ وَ السُّرُورَ- فَإِنَّکَ تَأْتِی عَلَی کُلِّ مَا تُرِیدُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی کَثِیراً مَا أَذْکُرُ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) فَأَیَّ شَیْءٍ أَقُولُ قَالَ قُلْ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تُعِیدُ ذَلِکَ ثَلَاثاً فَإِنَّ السَّلَامَ یَصِلُ إِلَیْهِ مِنْ قَرِیبٍ وَ مِنْ بَعِیدٍ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لَمَّا مَضَی بَکَتْ عَلَیْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِیهِنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ وَ مَنْ یَتَقَلَّبُ فِی الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا وَ مَا یُرَی وَ مَا لَا یُرَی- بَکَی عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْیَاءَ لَمْ تَبْکِ عَلَیْهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ أَشْیَاءَ قَالَ لَمْ تَبْکِ عَلَیْهِ الْبَصْرَةُ وَ لَا دِمَشْقُ وَ لَا آلُ عُثْمَانَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أَزُورَهُ فَکَیْفَ أَقُولُ وَ کَیْفَ أَصْنَعُ قَالَ إِذَا أَتَیْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فَاغْتَسِلْ عَلَی شَاطِئِ الْفُرَاتِ ثُمَّ الْبَسْ ثِیَابَکَ الطَّاهِرَةَ ثُمَّ امْشِ حَافِیاً فَإِنَّکَ فِی حَرَمٍ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ وَ عَلَیْکَ بِالتَّکْبِیرِ وَ التَّهْلِیلِ وَ التَّمْجِیدِ وَ التَّعْظِیمِ لِلَّهِ کَثِیراً وَ الصَّلَاةِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ حَتَّی تَصِیرَ إِلَی بَابِ الْحَائِرِ [الْحُسَیْنِ (علیه السلام)]ثُمَّ قُلِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا مَلَائِکَةَ اللَّهِ وَ زُوَّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِیِّ اللَّهِ ثُمَّ اخْطُ عَشْرَ خُطًا فَکَبِّرْ ثُمَّ قِفْ فَکَبِّرْ ثَلَاثِینَ تَکْبِیرَةً ثُمَّ امْشِ حَتَّی تَأْتِیَهُ مِنْ قِبَلِ وَجْهِهِ- وَ اسْتَقْبِلْ بِوَجْهِکَ وَجْهَهُ وَ اجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَیْنَ کَتِفَیْکَ ثُمَّ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا قَتِیلَ اللَّهِ وَ ابْنَ قَتِیلِهِ- السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وِتْرَ اللَّهِ الْمَوْتُورَ- فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَشْهَدُ أَنَّ دَمَکَ سَکَنَ فِی الْخُلْدِ وَ اقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظِلَّةُ الْعَرْشِ وَ بَکَی لَهُ جَمِیعُ الْخَلَائِقِ وَ بَکَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِیهِنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ وَ مَنْ یَتَقَلَّبُ فِی الْجَنَّةِ وَ النَّارِ- مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا وَ مَا یُرَی وَ مَا لَا یُرَی أَشْهَدُ أَنَّکَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ ابْنُ حُجَّتِهِ- وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَتِیلُ اللَّهِ وَ ابْنُ قَتِیلِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ ثَارُ اللَّهِ فِی الْأَرْضِ وَ ابْنُ ثَارِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ وِتْرُ اللَّهِ الْمَوْتُورُ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَیْتَ وَ وَافَیْتَ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ رَبِّکَ وَ مَضَیْتَ عَلَی بَصِیرَةٍ لِلَّذِی کُنْتَ عَلَیْهِ شَهِیداً- وَ مُسْتَشْهَداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاکَ وَ فِی طَاعَتِکَ- وَ الْوَافِدُ إِلَیْکَ أَلْتَمِسُ کَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَ ثَبَاتَ الْقَدَمِ فِی الْهِجْرَةِ إِلَیْکَ وَ السَّبِیلِ الَّذِی لَا یُخْتَلَجُ دُونَکَ مِنَ الدُّخُولِ فِی کَفَالَتِکَ الَّتِی أُمِرْتَ بِهَا مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِکُمْ [مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِکُمْ مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِکُمْ_ [بِکُمْ یُبَیِّنُ اللَّهُ الْکَذِبَ وَ بِکُمْ یُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْکَلِبَ وَ بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِکُمْ یَخْتِمُ اللَّهُ وَ بِکُمْ یَمْحُوا اللَّهُ مَا یَشَاءُ وَ بِکُمْ یُثْبِتُ وَ بِکُمْ یَفُکُّ الذُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا وَ بِکُمْ یُدْرِکُ اللَّهُ تِرَةَ کُلِّ مُؤْمِنٍ یَطْلُبُ- [تُطْلَبُ وَ بِکُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَ بِکُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ [الْأَشْجَارُ]أَثْمَارَهَا وَ بِکُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا- وَ بِکُمْ یَکْشِفُ اللَّهُ الْکَرْبَ وَ بِکُمْ یُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَیْثَ وَ بِکُمْ تُسَبِّحُ اللَّهَ الْأَرْضُ الَّتِی تَحْمِلُ أَبْدَانَکُمْ وَ تَسْتَقِلُّ جِبَالُهَا عَلَی مَرَاسِیهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِی مَقَادِیرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَیْکُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُیُوتِکُمْ وَ الصَّادِقُ عَمَّا فُصِّلَ مِنْ أَحْکَامِ الْعِبَادِ لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْکُمْ وَ أُمَّةٌ خَالَفَتْکُمْ وَ أُمَّةٌ جَحَدَتْ وَلَایَتَکُمْ وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَیْکُمْ وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ النَّارَ مَأْوَاهُمْ وَ بِئْسَ وِرْدُ الْوَارِدِینَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ تَقُولَ ثَلَاثاً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَیْضاً ثَلَاثاً إِنَّا إِلَی اللَّهِ مِمَّنْ خَالَفَکَ بَرِیءٌ ثُمَّ تَقُومُ فَتَأْتِی ابْنَهُ عَلِیّاً وَ هُوَ عِنْدَ رِجْلَیْهِ فَتَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ- السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ خَدِیجَةَ الْکُبْرَی وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ ثَلَاثاً لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ ثَلَاثاً إِنَّا إِلَی اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِیءٌ- ثَلَاثاً ثُمَّ تَقُومُ فَتُومِی بِیَدِکَ إِلَی الشُّهَدَاءِ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ- ثَلَاثاً فُزْتُمْ وَ اللَّهِ ثَلَاثاً فَلَیْتَ أَنِّی مَعَکُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً ثُمَّ تَدُورُ فَتَجْعَلُ قَبْرَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) بَیْنَ یَدَیْکَ وَ أَمَامَکَ فَتُصَلِّی سِتَّ رَکَعَاتٍ وَ قَدْ تَمَّتْ زِیَارَتُکَ فَإِنْ شِئْتَ أَقِمْ وَ إِنْ شِئْتَ فَانْصَرِفْ

بنام خداوند بخشنده مهربان

پدرم و علی بن الحسین رحمهٔ اللّه علیهم جملگی از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از قاسم بن یحیی، از حسن بن راشد، از حسین بن ثویر بن ابی فاخته، وی گفت:

من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمهٔ سرّاج محضر حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام نشسته بودیم و متکلم و سخنگو یونس که از همه ما عمر بیشتری داشت بود، یونس محضر مبارک امام علیه السّلام عرض کرد: فدایت شوم من در مجلس این

جماعت یعنی بنی عبّاس حاضر می‌شوم چه بگویم؟

حضرت فرمودند:

وقتی در مجلس ایشان حاضر شدی و آنها ما را یاد کردند تو بگو:

بار خدایا فراخی و سرور و شادی را به ما بنمایان، چه آنکه تو آنچه اراده بکنی را می‌دهی.۷ عرض کردم: فدایت شوم: بسیار می‌شود که من نام حضرت امام حسین علیه السّلام را می‌برم، در ارتباط به آن حضرت چه بگویم؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبد اللّه (این درود را سه بار بگو) چه آنکه درود به آن حضرت خواهد رسید چه از نزدیک بوده و چه از راه دور باشد.

سپس حضرت فرمودند:

هنگامی که حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام از این عالم ارتحال نمودند آسمانهای هفت‌گانه و هفت طبقه زمین و آنچه در آنها و بینشان بود بر آن حضرت گریستند چنان که کلّ موجودات در بهشت و جهنّم مرئی‌ها و نامرئی‌ها بر آن جناب گریه کردند مگر سه چیز که گریه نکردند.

عرض کردم: فدایت شوم آن سه چیز کدامند؟

حضرت فرمودند:

بصره و دمشق و آل عثمان بر آن حضرت گریه نکردند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم: قصد دارم آن حضرت را زیارت کنم، در زیارتش چه بگویم و چه کار بکنم؟

حضرت فرمودند: وقتی به زیارت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام رفتی، اوّل کنار فرات غسل کن، سپس لباسهای پاک خود را بپوش بعد پای برهنه بطرف قبر مطهّرش حرکت کن زیرا در آن مسافت داخل در حرمی از حرم‌های خدا و حرم رسولش می‌باشی و بر تو است که تکبیر (اللّه اکبر) و تهلیل (لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ) و تمجید و تعظیم خدا را زیاد بنمائی و نیز صلوات بر محمّد و اهل بیتش بفرستی تا به درب حائر برسی.

سپس بگو:

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان خدا و زائرین قبر فرزند پیغمبر خدا، سپس ده قدم بردار و پس از آن بایست و سی تکبیر بگو و بعد از آن بطرف قبر حرکت کن تا به آن برسی و آنگاه رو به قبر بایست و قبله را بین دو کتف خود قرار بده و بگو:

سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجت خدا، سلام و درود بر تو ای کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا، سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون خدا، سلام بر تو ای کسی که در آسمانها و زمین خدا طلب می‌کند، شهادت می‌دهم که خون تو در بهشت ساکن و آرام گشت و موجودات فوق عرش را لرزاند و تمام خلائق بر آن گریستند، و آسمانهای هفت‌گانه و طبقات هفت‌گانه زمین و آنچه از موجودات در آنها و بین آنها هستند بر آن گریستند، و تمام مخلوقات پروردگار که در بهشت و جهنّم قرار دارند بر آن گریه کردند، آنچه از موجودات دیده شده و آنچه دیده نمی‌شود بر آن اشک ریختند، شهادت می‌دهم که تو حجّت خدا و فرزند حجّتش می‌باشی، شهادت می‌دهم که تو کشته شده در راه خدا و فرزند کشته شده در راه خدا می‌باشی، و شهادت می‌دهم که تو خون خدا و فرزند خون خدا هستی، و شهادت می‌دهم که تو در آسمانها و زمین کسی هستی که خدا طلب خون تو را می‌کند و شهادت می‌دهم که رسالت خود را ابلاغ کرده و مصلحت بندگان را بیان نموده و به عهد خود وفاء کرده و برای اعلاء کلمه حق در مقابل گروه مخالف و منکر از خود ایستادگی نشان دادی و در راه پروردگارت جهاد نمودی، و شهادت

می‌دهم که تو گذشتی و عبور نمودی در طریق حق در حالی که عاقبت امر تو به شـهادت منجر شد و خود به آن آگاه و عالم بودی و نیز شاهد آنچه از این امت صادر شد بوده و خدا و رسولش و فرشتگان و اهل ایمان شهادت می‌دهند که تو بر حق و طریق مستقیم بودی، و من بنده خدا و عبد تو و در اطاعتت بوده و به سوی تو کوچ و سفر نموده‌ام، و بواسطه این هجرت بسوی تو از خدا التماس دارم که نزد خودش به من کمال منزلت و ثبات قدم را عنایت فرماید و نیز بواسطه هجرت مزبور از خدا در خواست دارم که طریقی را که نزد تو اضطراب و لغزش نداشته باشد را به من عنایت کند زیرا من در کفالت تو داخل شده‌ام آن کفالتی که به آن امرشده‌ای قبولش نمائی.

کسی که اراده کنـد خدا را، به شـما آغاز می‌کند، کسـی که اراده کند خدا را به شـما آغاز می‌کند، کسـی که اراده کند خدا را به شما آغاز می‌کنـد، بواسـطه شـما خداونـد غیر واقع‌ها را بر طرف می‌کنـد، و به توسط شـما شدائـد و سـختی‌ها را خدا دور می‌نماید، بواسطه شـما خداونـد می‌گشایـد و افتتـاح می‌کنـد، و ختم و تمام می‌نمایـد، و بواسطه شـما آنچه را که بخواهـد محو کرده و ثابت می‌نمایـد، بواسطه شـما ذلّت و خواری را از ما برمی‌دارد، بواسطه شـما خداونـد متعال خون خواهی هر خون موءمنی را می‌کند که استحقاق خون خواهی را داشته باشد، بواسطه شـما زمین درختانش را می‌رویاند، بواسطه شـما درختان میوه می‌دهند، بواسطه شما آسـمان باران می‌بارد، بواسطه شـما غم و اندوه را خداوند بر طرف می‌کند، بواسطه شما خداوند باران رحمتش را می‌بارد، بواسطه شما زمینی که ابدان شـما را در خود دارد مستقر می‌باشد، و بواسطه شما کوهها بر پایه‌های خود مستقر و مستحکم هستند، اراده حق تعالی در تقدیر امور بر شـما فرود می‌آید، و از بیوت شـما صادر می‌گردد، تفاصیل احکام عباد از بیوت شما صادر می‌گردد، امّت و گروهی که شـما را کشـتند ملعون هسـتند، و امّتی که با شما مخالفت نمودند از رحمت واسعه الهی به دور هستند، و امّتی که ولایت شما را انکار کردنـد مورد لعن قرار گرفتنـد، و امتی که علیه شـما تظاهر نمودنـد به لعن الهی گرفتار شدند و امّتی که در معرکه قتال شما حاضـر شـده ولی شـما را کمک نکرده و حاضـر به شـهادت در راه شـما نشدند ملعون شدند، حمد سـزاوار خداوندی است که آتش را (دوزخ) مـأوی و مسـکن این امّتها قرار داد، و آن بـد جایگاهی است برای ایشان، حمـد و سپاس مر خداونـدی را است که پروردگار عالمیان می‌باشد.

و سه مرتبه بگو: صلّی اللّه علیك یا أبا عبد اللّه و أنا إلی اللّه ممّن خالفك بریء.

یعنی درود و رحمت خدا بر تو ای ابا عبد اللّه و من به سوی خدا بیزاری می‌جویم از کسانی که با تو مخالفت کردند. سـپس بایسـت و نزد فرزند حضرت یعنی علی بن الحسین علیهما السّلام که پائین پای حضرت دفن است برو و بگو:

سلام و درود خدا بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر موءمنان، سلام بر تو ای فرزند امام حسن و امام حسین، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری و فاطمه زهراء، رحمت خدا بر تو باد (سه مرتبه).

خدا لعنت کند کسی را که تو را کشت (سه مرتبه) من بسوی خداوند از ایشان بی‌زاری می‌جویم (سه مرتبه).

سپس بایست پس با دستت به شهداء اشاره کن و بگو:

سلام علیکم (سه مرتبه) رسـتگار شدید بخدا سوگند (سه مرتبه) کاش من نیز با شـما می‌بودم پس می‌رسـیدم به این رستگاری عظیم سپس دور بزن و قبر حضـرت ابی عبد اللّه الحسـین علیه السّلام را مقابل و جلو خود قرار بده و شش رکعت نماز بخوان و زیارت در اینجا به اتمام می‌رسد حال اگر خواستی بایست و اگر خواستی برگرد.

*** ***

*** ***

۳- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ نُعَیْمِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ یُوسُفَ الْکُنَاسِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَتَیْتَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَائْتِ الْفُرَاتَ وَ اغْتَسِلْ بِحِیَالِ قَبْرِهِ وَ تَوَجَّهْ إِلَیْهِ

وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ حَتَّى تَدْخُلَ الْحَائِرَ [الْحَيْرَ]مِنْ جَانِبِهِ الشَّرْقِيِّ وَ قُلْ حِينَ تَدْخُلُهُ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُنْزَلِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُرْدِفِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُسَوِّمِينَ- السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَائِرِ بِإِذْنِ اللَّهِ مُقِيمُونَ فَإِذَا اسْتَقْبَلْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقُلِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ- وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ- ثُمَّ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالاتِكَ وَ دَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ-

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ ابْنِ رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ- إِلَى آخِرِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ تُسَلِّمُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ سَائِرِ الْأَئِمَّةِ كَمَا صَلَّيْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَتَقُولُ- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكَ بِهِ وَ لَمْ تَخْشَ أَحَداً غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبَدْتَهُ صَادِقاً مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى- وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ يَبْقَى وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى- أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ لَكُمْ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى وَ ذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ طِينَةٌ طَيِّبَةٌ طَابَتْ وَ طَهُرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ- مَنّاً مِنَ اللَّهِ وَ [مِنْ]رَحِمَتِهِ فَأُشْهِدُ اللَّهَ وَ أُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَاتِمَةِ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُتَمِّمَ لِي ذَلِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ حَتَّى لَمْ تَخْشَوْا أَحَداً غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبَدْتُمُوهُ حَتَّى أَتَاكُمُ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ- وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ وَ سَفَكُوا دَمَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ثُمَّ تَقُولُ- اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَ خَالَفُوا مِلَّتَكَ وَ رَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ- وَ اتَّهَمُوا رَسُولَكَ وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ اللَّهُمَّ احْشُ قُبُورَهُمْ نَاراً وَ أَجْوَافَهُمْ نَاراً وَ احْشُرْهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقاً اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ

لَعْناً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ كُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السِّرِّ وَ ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ- اللَّهُمَّ الْعَنْ جَوَابِيتَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ طَوَاغِيتَهَا وَ الْعَنْ فَرَاعِنَتَهَا وَ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَذِّبْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً- لَا تُعَذِّبُ بِهِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَ تَنْتَصِرُ بِهِ- وَ تَمُنُّ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ (صلى الله عليه و آله) فَقُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَمِينُهُ بَلَّغْتَ نَاصِحاً وَ أَدَّيْتَ أَمِيناً وَ قُتِلْتَ صِدِّيقاً وَ مَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ- لَمْ تُؤْثِرْ عَمًى عَلَى هُدًى وَ لَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ قَدْ بَلَّغْتَ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ قُمْتَ بِحَقِّهِ وَ صَدَّقْتَ مَنْ قَبْلَكَ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُوهِنٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً فَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً عَنْ رَعِيَّتِكَ أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَ أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ- وَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ (عليهم السلام) أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَ كُلَّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ غَيْرِكَ فَهُوَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ثُمَّ تَحَوَّلُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ- وَ تَخَيَّرْ مِنَ الدُّعَاءِ وَ تَدْعُو لِنَفْسِكَ ثُمَّ تَحَوَّلُ عِنْدَ رَأْسِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) وَ تَقُولُ- سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَ عِتْرَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً ثُمَّ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَ تُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُّونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ سَلَفٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ أَتْبَاعٌ وَ أَنْصَارٌ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ- وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا فَمَا وَهَنْتُمْ وَ مَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَنْتُمْ- حَتَّى لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَ نُصْرَةِ كَلِمَةِ اللَّهِ التَّامَّةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ- إِنَّهُ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ اللَّهُ مُدْرِكٌ لَكُمْ ثَارَ

مَا وَعَدَكُمْ أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْتُمُ السَّابِقُونَ وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ وَ أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ- ثُمَّ تَقُولُ أَتَيْتُكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَ رَسُولِهِ وَ إِنِّي لَكَ عَارِفٌ وَ بِحَقِّكَ مُقِرٌّ وَ بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرٌ وَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ مُوقِنٌ عَارِفٌ بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي اللَّهُمَّ إِنِّي أُصَلِّي عَلَيْهِ كَمَا صَلَّيْتَ أَنْتَ عَلَيْهِ وَ رُسُلُكَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَاةً مُتَتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً لَا انْقِطَاعَ لَهَا- وَ لَا أَمَدَ وَ لَا أَبَدَ وَ لَا أَجَلَ فِي مَحْضَرِنَا هَذَا وَ إِذَا غِبْنَا وَ شَهِدْنَا وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

بنام خداوند بخشنده مهربان پدرم و محمّد بن حسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از فضّالهٔ بن ایّوب، از نعیم بن الولید از یوسف بن کناسی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر مطهّر امام حسین علیه السّلام می‌روی، ابتداء به فرات برو و در مقابل قبر آن حضرت غسل کن و سپس متوجّه قبر بشو و بر تو لازم است که آرام و با وقار حرکت کنی تا از جانب شرقی داخل حائر گردی و وقت داخل شدن بگو:

درود بر فرشتگان مقرّب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین نازل می گردند، درود بر فرشتگان خدا که در ردیف هم به زمین نزول می کنند، درود بر فرشتگان زیبا منظر خدا، درود بر فرشتگان خدا که به اذن حق تعالی در این حائر اقامه کرده‌اند.

و هنگامی که مقابل قبر حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام قرار گرفتی بگو:

درود بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، رحمت خدا بر محمّد که امین خدای رسولان و امور لازمه او از قبیل احکام واجبه و محرّمه می‌باشد خاتمه دهنده انبیاء گذشته و بازکننده و گشاینده اوصیاء بعد از خود می‌باشند و شاهد و گواه است بر تمام اینها و درود بر او و رحمت و برکات خدا بر آن جناب باد.

سپس بگو:

درود بر امیر موءمنان بنده تو و برادر رسولت، کسی که تو به علم خودت او را برگزیدی و برای هر کس از مخلوقاتت که خواستی هادی و راهنما قرار دادی، و نیز او را دلیل بر کسی که تو او را به رسالات خودت برانگیختی قرارش داده‌ای، سلام بر کسی که در دین با عدالت تو حکم می کند، و سلام بر کسی که از حکم تو بین خلائق به عنوان فیصله دهنده منازعات و جدا کردن حق از باطل استفاده می کند، و سلام بر کسی که گواه و شاهد بر تمام اینها است، سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد، بار خدایا رحمتت را بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند رسول تو بوده و کسی است که تو با علم خودت او را برگزیدی ... تا آخر مضامینی که در سلام و تحیّت بر امیر الموءمنین علیه السّلام عنقریب گذشت.

سپس بر حضرت امام حسین و سائر ائمه علیهم السّلام سلام داده و درود بفرست همان طوری که بر حسن بن علی علیهما السّلام سلام داده و درود فرستادی سپس به نزد قبر مطهّر امام حسین علیه السّلام برو و بگو:

سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، ای ابا عبد اللّه خدا

رحمتش را بر تو بفرستد، ای ابا عبد اللّه خدا تو را رحمت کند، شهادت می‌دهم که تو آنچه را که از جانب حق تعالی مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی، و از احدی غیر خود وحشت و ترس نداشتی و در راهش مجاهدت نمودی، و او را صادقانه و مخلصانه عبادت کردی تا هنگامی که اجل تو را دریافت، شهادت می‌دهم که کلمه تقوی تو هستی، و باب هدایت مردم تو می‌باشی و دستگیره محکم توئی، و حجت بر تمام موجودات هستی و حجت بر تمام موجودات تحت زمین می‌باشی، شهادت می‌دهم که این صفات و خصوصیات و فضائل برای ائمه قبل نیز حاصل و ثابت بوده، و آن سبب است برای گشودن ابواب در ما بین ائمه باقی، شهادت می‌دهم که ارواح و حقیقت شما حقیقی پاک می‌باشد، حقیقت و خمیره شما پاک و پاکیزه بوده بعضی از برخی ایجاد شده و این منّتی است از جانب حق تعالی و ناشی از رحمت واسعه‌اش می‌باشد، خدا و شما را شاهد می گیرم که به شما ایمان داشته و به رجعت شما یقین دارم و پیرو شما می‌باشم در اموری که متعلق به نفسم و شرایع دینم و پایان کارم و بازگشتم به خدا و اقامتم در قبر

می‌باشد، پس از خدای نیك رفتار و مهربان می‌خواهم كه این امور را برایم حاصل كند، و شهادت می‌دهم كه شما آنچه را خدا امرتان نمود به دیگران رساندید و از احدی غیر او خوف و هراس نداشتید، و در راهش مجاهدت كرده و او را پرستیدید تا هنگامی كه اجل شما را دریافت، پس خدا لعنت كند كسانی را كه شما را كشتند و لعنت كند كسانی را كه فرمان به قتل شما را دادند، و خدا لعنت كند كسانی را كه وقتی خبر كشتن شما را شنیدند راضی به آن شدند، شهادت می‌دهم آنهائی كه هتك حرمت شما نموده و خون شما را ریختند در زبان پیامبر امّی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مورد لعن قرار گرفته‌اند.

سپس بگو:

خدایا لعنت كن كسانی را كه نعمت تو را تبدیل نمودند، و با ملّت و گروه طرف‌دار تو مخالفت كردند، و از امر و دستور تو روی بتافتند، و رسول تو را مورد اتّهام

قرار دادند و راه به سوی تو را بستند، خدایا قبور ایشان را پر از آتش كن، و در بطون و دل‌هایشان آتش بریز، و ایشان و تابعین آنها را محشور كن و به جهنّم ببر در حالی كه كور و نابینا هستند، خدایا ایشان را لعنت كن آنچنان لعنتی كه هر فرشته مقرّب تو آنان را لعنت می‌كند، و هر نبیّ فرستاده شده زبان به لعنشان می‌گشاید و هر بنده با ایمانی كه تو دلش را برای قبول ایمان آزموده‌ای، خداوندا ایشان را در پنهان‌ترین پنهانها و ظاهرترین ظاهرها لعنت نما، خداوندا ستمگران این امت و باطلهای آن را لعنت كن و فرعونها را از رحمتت به دور دار، خدایا كشندگان امیر المؤمنین و كشندگان حسن و حسین را لعنت نما و آنها را به عذاب دردناكی كه احدی از عالمیان را تا به حال به آن عذاب نكردی معذّب گردان، خدایا ما را از كسانی قرار بده كه تو ایشان را یاری كرده و از آنها طلب یاری كرده‌ای و بر آنها منّت گذارده و برای دینت در دنیا و آخرت آنان را كمك كرده‌ای.

سپس نزد سر مبارك آن حضرت صلوات اللّه علیه بنشین و بگو:

درود و رحمت خدا بر تو، شهادت می‌دهم كه تو بنده خدا و امین او هستی، مأموریت خود را ابلاغ كرده در حالی كه ناصح و مصلحت اندیش بودی، و امانتی را كه نزد تو بود اداء نمودی، كشته شدی در حالی كه بسیار بسیار راستگو بودی و از این دنیا گذشتی در حالی كه بر یقین بودی، انتخاب نكردی كوری را بر هدایت، از حق به باطل میل ننمودی، شهادت می‌دهم كه تو نماز را به پا داشتی و زكات را اداء نمودی، و به معروف امر كرده و از منكر زشتی نهی كردی، و از رسول پیروی نمودی، و آن طور كه باید و شاید قرآن را تلاوت كردی، و به راه پروردگارت دیگران را از طریق مصلحت و موعظه حسنه دعوت نمودی، درود خدا بر تو و تحیت او و بسیار بر تو باد، شهادت می‌دهم كه تو حجّت آشكار پروردگارت هستی، آنچه را مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی، و به حق پروردگارت قیام نمودی، و تمام حجّ و بیّنات پیش از خود را تصدیق كردی، در این مضمار نه سستی از خود نشان داده و نه ایجاد سستی كردی، درود خدا بر تو و تحیّت او و بسیار بر تو باد، پس خداوند پاداش نیك از طرف رعیتش به تو عطاء فرماید، و شهادت می‌دهم كه جهاد در همراه و در ركاب تو جهادی است عظیم و حق با تو و به سوی تو می‌باشد، و تو اهل حق و مركز آن هستی، میراث نبوّت نزد تو و اهل بیت تو علیهم السّلام می‌باشد، شهادت می‌دهم كه تو نزد خدا بسیار بسیار راستگو بوده، و حجّتش بر مخلوقات می‌باشی، شهادت می‌دهم كه دعوتت مردم را حق و صواب بوده، و هر دعوت‌كننده نصب‌شده‌ای كه غیر از تو باشد باطل و فاسد می‌باشد، و شهادت می‌دهم كه خدا حق و آشكار می‌باشد.

سپس به پائین پا برو و هر دعائی را كه خواستی بخوان و برای خود نیز دعاء كن، سپس به بالا سر حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام برو و بگو:

درود خدا و درود فرشتگان مقربین خدا و درود انبیاء فرستاده شده خدا بر تو ای سرور من و فرزند سرور من و رحمت خدا و بركاتش بر تو باد، تحیّت خدا بر تو و بر اهل بیت تو و بر دودمان نیك و خوب پدرت آن كسانی كه خداوند متعال پلیدی را از آنها به دور داشت و پاك و منزّه داشت ایشان را.

سپس به نزد قبور شهداء برو و سلام بر ایشان بده و بگو:

درود بر شما ای راسخین در علم و دین، شما مقدم و سابق بر ما هستید و ما پیرو و یاور شما می‌باشیم، شهادت می‌دهم که شما یاوران خدا هستید همان طوری که حق تبارک و تعالی در کتابش فرموده:

وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ ...»

یعنی بسا اتّفاق افتاده که گروهی از پیروان و یاران پیامبری که از راسخین در علم و دین هستند در جنگ کشته شده و با این حال اهل ایمان سستی از خود نشان نداده و با سختی‌هائی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کرده و هرگز ضعفی در آنها دیده نشده و در مقابل دشمن سر عجز فرود نیاورده‌اند.

پس شما نیز سست نشده و ضعف و ناتوانی در شما راه نیافت و هرگز در مقابل دشمن زبون و خوار سر تسلیم فرود نیاوردید تا خدا را در راه و هدف حقّی که داشتید ملاقات کردید و در طریق نصرت کلمه تامّه خدا یعنی حجّت کامله باری تعالی (وجود مقدّس حضرت سیّد الشهداء سلام اللّه تعالی علیه) جان سپردید، درود خدا بر ارواح طاهره و اجسام مطهّر شما و تحیّت خدا بر شما باد، بشارت باد شما را به وعده‌های پسندیده حق تعالی که خلافی در آنها نیست چه آنکه خدا وعده‌هائی که داده مخالفت نخواهد نمود، خداوند متعال طلب می‌کند برای شما خونی را که وعده‌اش را داده است، شما سرور شهداء هستید در دنیا و آخرت، شما سابقون و مهاجرون و انصار می‌باشید، شهادت می‌دهم که شما در راه خدا مجاهدت نمودید، و بر طریق رسول خدا و فرزندان آن حضرت مقاتله و منازعه نمودید، حمد و سپاس برای خدائی است که وعده‌اش را در حق شما صادق قرار داد و آنچه شما دوست دارید را به شما نشان داد.

سپس بگو:

به زیارتت آمدم ای دوست و محبوب رسول خدا و ای فرزند رسول خدا، من عارف هستم به شما، و به حق شما مقرّ می‌باشم، و به فضل شما بینا و مستبصر هستم، و به گمراهی کسی که با شما مخالفت نموده یقین دارم، به هدایت کسی که بر طریق شما است آگاهم، پدر و مادر و خودم فدای تو شویم، بار خدایا من بر او درود می‌فرستم همان طوری که تو و رسولانت و امیر المومنین علیه السّلام بر او درود می‌فرستید، درودهائی پشت سر هم و متّصل و ردیف هم، برخی تابع و به دنبال بعضی دیگر می‌باشند، این درودها انقطاع و ابتداء و انتها و زمان نداشته، در مجلس و محضر ما بوده و زمانی که غائب شویم نیز بوده چنانچه بعد از غیبت ما و حاضرشدنمان هم می‌باشند، سلام و درود بر او و رحمت و برکات حق تعالی بر او باد.

۴- حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضْلِ بْنِ عُثْمَانَ الصَّائِغِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَا أَقُولُ إِذَا أَتَيْتُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ قُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِي دَمِكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ بَرِيءٌ

پدرم و محمّد بن عبد اللّه، از عبد اللّه بن جعفر حمیری، از عبد اللّه بن محمّد ابن خالد طیالسی، از حسن بن علی، از پدرش، از فضل بن عثمان صائغ، از معاویة بن عمّار، وی گفت:

محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کرد: هر گاه به زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام رفتم در زیارت آن حضرت چه بگویم؟

امام صادق علیه السّلام فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبد اللّه، خدا درود بر تو فرستد ای ابا عبد اللّه، خدا رحمت فرستد بر تو ای ابا عبد اللّه، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و لعنت کند آنان را که در خون تو شریک شدند و لعنت کند آنهائی را که خبر قتل تو را شنیدند و به

آن راضی شدند، من به سوی خدا از این امر بیزاری می‌جویم.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْکَرِیمِ أَبِی عَلِیٍّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لِلْمُفَضَّلِ کَمْ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قُلْتُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَوْمٌ وَ بَعْضُ یَوْمٍ آخَرَ قَالَ فَتَزُورُهُ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَالَ أَ لَا أُبَشِّرُکَ أَ لَا أُفَرِّحُکَ بِبَعْضِ ثَوَابِهِ قُلْتُ بَلَی جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْکُمْ لَیَأْخُذُ فِی جِهَازِهِ- وَ یَتَهَیَّأُ لِزِیَارَتِهِ فَیَتَبَاشَرُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا خَرَجَ مِنْ بَابِ مَنْزِلِهِ رَاکِباً أَوْ مَاشِیاً- وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَکٍ مِنَ الْمَلَائِکَةِ یُصَلُّونَ عَلَیْهِ حَتَّی یُوَافِیَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) یَا مُفَضَّلُ إِذَا أَتَیْتَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَقِفْ بِالْبَابِ وَ قُلْ هَذِهِ الْکَلِمَاتِ فَإِنَّ لَکَ بِکُلِّ کَلِمَةٍ کِفْلًا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ فَقُلْتُ مَا هِیَ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسَی کَلِیمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِیسَی رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ [نَبِیِّ]اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عَلِیٍّ وَصِیِّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرَّضِیِّ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الصِّدِّیقُ الشَّهِیدُ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْوَصِیُّ الْبَارُّ التَّقِیُّ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَی الْأَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِکَ- وَ أَنَاخَتْ بِرَحْلِکَ السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَةِ اللَّهِ الْمُحْدِقِینَ بِکَ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ- وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ ثُمَّ تَسْعَی فَلَکَ بِکُلِّ قَدَمٍ رَفَعْتَهَا وَ وَضَعْتَهَا کَثَوَابِ الْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَإِذَا سَلَّمْتَ عَلَی الْقَبْرِ فَالْتَمِسْهُ بِیَدِکَ وَ قُلِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ فِی سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ ثُمَّ تَمْضِی إِلَی صَلَاتِکَ وَ لَکَ بِکُلِّ رَکْعَةٍ رَکَعْتَهَا عِنْدَهُ کَثَوَابِ مَنْ [حَجَّ أَلْفَ حِجَّةٍ وَ اعْتَمَرَ أَلْفَ عُمْرَةٍ]حَجَّ وَ اعْتَمَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ أَعْتَقَ أَلْفَ رَقَبَةٍ وَ کَأَنَّمَا وَقَفَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَلْفَ مَرَّةٍ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ فَإِذَا انْقَلَبْتَ مِنْ عِنْدِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ نَادَاکَ مُنَادٍ لَوْ سَمِعْتَ مَقَالَتَهُ لَأَقَمْتَ عُمُرَکَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ هُوَ یَقُولُ طُوبَی لَکَ أَیُّهَا الْعَبْدُ قَدْ غَنِمْتَ وَ سَلِمْتَ قَدْ غُفِرَ لَکَ مَا سَلَفَ- فَاسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَإِنْ هُوَ مَاتَ مِنْ عَامِهِ أَوْ فِی لَیْلَتِهِ أَوْ یَوْمِهِ لَمْ یَلِ قَبْضَ رُوحِهِ إِلَّا اللَّهُ وَ تُقْبِلُ الْمَلَائِکَةُ مَعَهُ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ یُصَلُّونَ عَلَیْهِ حَتَّی یُوَافِیَ مَنْزِلَهُ- وَ تَقُولُ الْمَلَائِکَةُ یَا رَبِّ هَذَا عَبْدُکَ قَدْ وَافَی قَبْرَ ابْنِ نَبِیِّکَ ص- وَ قَدْ وَافَی مَنْزِلَهُ فَأَیْنَ نَذْهَبُ فَیُنَادِیهِمُ النِّدَاءُ مِنَ السَّمَاءِ یَا مَلَائِکَتِی قِفُوا بِبَابِ عَبْدِی فَسَبِّحُوا وَ قَدِّسُوا وَ اکْتُبُوا ذَلِکَ فِی حَسَنَاتِهِ إِلَی یَوْمِ یُتَوَفَّی قَالَ فَلَا یَزَالُونَ بِبَابِهِ إِلَی یَوْمِ یُتَوَفَّی یُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ یُقَدِّسُونَهُ وَ یَکْتُبُونَ ذَلِکَ فِی حَسَنَاتِهِ- فَإِذَا تُوُفِّیَ شَهِدُوا جِنَازَتَهُ وَ کَفْنَهُ وَ غُسْلَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَیْهِ وَ یَقُولُونَ رَبَّنَا وَکَّلْتَنَا بِبَابِ عَبْدِکَ وَ قَدْ تُوُفِّیَ فَأَیْنَ نَذْهَبُ فَیُنَادِیهِمْ یَا مَلَائِکَتِی قِفُوا بِقَبْرِ عَبْدِی فَسَبِّحُوا وَ قَدِّسُوا وَ اکْتُبُوا ذَلِکَ فِی حَسَنَاتِهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِیِّ الْجَامُورَانِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

بنام خداوند بخشنده مهربان

پدرم از سعد بن عبد الله، از ابی عبد اللّه رازی، از حسن بن علیّ بن ابی حمزه از حسن بن محمّد بن عبد الکریم ابی علی از مفضّل بن عمر، از جابر جعفی، وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام، به مفضّل فرمودند:

فاصله بین شما تا قبر مطهّر امام حسین علیه السّلام چه مقدار است؟

وی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت شوند یک روز و مقداری از یک روز.

حضرت فرمودند:

آیا قبر آن حضرت را زیارت می‌کنی؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

آیا بشارت بدهم تو را؟ آیا شاد و مسرور بنمایم تو را به واسطه پاره‌ای از ثواب‌های آن؟

عرض کردم: بلی فدایت شوم.

مفضّل گفت: حضرت به من فرمودند:

هر گاه یک نفر از شما اثاثیه سفرش را بر می‌داد و آماده می‌شود برای زیارت قبر امام حسین علیه السّلام اهل آسمان به او بشارت می‌دهند و وقتی از درب خانه‌اش بیرون رفت چه سواره و چه پیاده خداوند منّان چهار هزار فرشته را بر او موکّل می‌فرماید که بر وی تحیّت و درود فرستند تا به قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام برسد.

ای مفضّل: هنگامی که به قبر امام حسین علیه السّلام رسیدی، درب حرمش بایست و این کلمات را بگو، زیرا در مقابل هر یک کلمه‌ای که می گوئی نصیب و بهره‌ای از رحمت عائدت می‌شود.

عرض کردم: آن کلمات چیست؟

حضرت فرمودند: بگو:

سلام و درود بر تو ای وارث آدم که برگزیده خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث نوح که پیامبر خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث ابراهیم که خلیل خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث موسی که کلیم خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث عیسی که روح خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که حبیب خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث علی علیه السّلام که جانشین رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای وارث حسن علیه السّلام که رضی و پسندیده است، سلام و درود بر تو ای وارث فاطمه علیها السّلام که دختر رسول خدا است، سلام و درود بر تو ای شهیدی که بسیار بسیار راستگو بودی، سلام بر تو ای وصیّ و جانشین پیغمبر که نیکوکار و پرهیزکار می‌باشی، سلام بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر ارواحی که گرداگرد تو فرود آمده و در مسکن و مکان تو قرار و آرام گرفته‌اند، سلام بر فرشتگان خدا که اطراف تو را گرفته‌اند، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء کردی و به معروف و اعمال پسندیده امر کردی و از افعال زشت و ناپسند نهی نمودی، و خدا را مخلصا پرستیدی تا اجل تو را دریافت، سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سپس از درب حرم حرکت کن و به طرف قبر برو که برای هر قدمی که از زمین برداشته و بر روی آن می گذاری ثوابی همچون ثواب کسی که در راه خدا به خون خود آغشته شده می‌باشد و وقتی بر قبر سلام دادی دست خود را به آن بکش و بگو:

سلام بر تو ای حجّت خدا در آسمان و زمین.

سپس به نماز بایست چه آنکه هر رکعتی از نماز نزد قبر آن حضرت ثواب هزار حجّ و عمره و هزار بنده‌ای که آزاد نموده باشند را داشته و گویا نمازگزار هزار مرتبه با پیغمبر فرستاده شده در راه خدا جهاد کرده است، به هر صورت وقتی از زیارت قبر برگشتی منادی تو را نداء می کند به طوری که اگر مقاله و سخن او را می‌شنیدی تمام عمرت را نزد قبر آن حضرت می‌ماندی، منادی می گوید:

ای بنده خوشا به حال تو! غنیمت بردی و سلام دادی، تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد، پس عمل را از ابتداء شروع کن، پس اگر وی در همان سال یا همان

شب یا همان روز زیارت فوت کند احدی قبض روحش را به عهده نگرفته مگر خداوند متعال، و فرشتگان با او پیش آمده و طلب آمرزش برایش می کنند و رحمت بر او می کنند تا وی به منزلش برسد، و فرشتگان می گویند:

ای پروردگار این بنده تو است و به زیارت فرزند پیغمبرت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمده و اکنون برگشته و به منزلش رسیده حال ما به کجا برویم؟

پس از آسمان نداء آید:

ای فرشتگان من درب منزل بنده من بایستید و تسبیح و تقدیس نموده و آن را در نامه حسنات وی بنویسید تا زمانی که فوت کند.

امام علیه السّلام فرمودند:

پیوسته فرشتگان درب منزل او بوده تا روزی که وی فوت کند، طول این مدّت ایشان به تسبیح خداوند و تقدیسش مشغول بوده و تمام این تسبیحات و تقدیسات را در زمره حسنات وی قرار می‌دهند و وقتی وی فوت کند بر جنازه و مراسم تکفین و تغسیل و خواندن نماز بر او حاضر شده و می گویند:

پروردگارا ما را موکل نمودی که بر درب منزل بنده‌ات بایستیم، اکنون او فوت کرده حال کجا برویم؟

حق تعالی نداء داده و می‌فرماید:

ای فرشتگان من بایستید بر سر قبر بنده‌ام، پس تسبیح و تقدیس نمائید من را و آن را در زمره حسنات او تا روز قیامت ثبت و ضبط کنید.

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمهٔ بن الخطاب، از ابی عبد اللّه رازی جامورانی از حسن بن علی بن ابی حمزه به اسنادش مثل حدیث مزبور را نقل کرده‌اند.

۶- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی الْبِلَادِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) مَا تَقُولُ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ لِی مَا تَقُولُونَ أَنْتُمْ فِیهِ فَقُلْتُ بَعْضُنَا یَقُولُ حِجَّةٌ وَ بَعْضُنَا یَقُولُ عُمْرَةٌ قَالَ فَأَیَّ شَیْءٍ تَقُولُ إِذَا أَتَیْتَ فَقُلْتُ أَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ دَعَوْتَ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِینَ سَفَکُوا دَمَکَ وَ اسْتَحَلُّوا حُرْمَتَکَ مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلی لِسانِ داوُدَ وَ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از جدّش محمّد بن عیسی ابن عبد اللّه، از ابراهیم بن ابی البلاد، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السّلام (امام هفتم علیه السّلام) عرض کردم: در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام چه می‌فرمائید؟

حضرت به من فرمودند:

شما در باره زیارت آن حضرت چه می گوئید؟

عرضه داشتم: برخی از ما معتقدیم که زیارت آن جناب به منزله حج بوده و بعضی دیگر می گوئیم ثواب عمره را دارد.

حضرت فرمودند:

در وقت زیارت آن حضرت چه می گوئید؟

عرض کردم: می گوئیم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام و درود بر تو ای پسر رسول خدا، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را اداء نمودی، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرمودی، و با بیانی مشتمل بر حکمت و با موعظه‌ای پسندیده مردم را به راه پروردگارت دعوت نمودی، و شهادت می‌دهم کسانی که خون تو را ریختند و هتک حرمت تو را حلال دانستند با زبان حضرت داود و عیسی بن مریم علیهما السّلام مورد لعن و عذاب الهی واقع شده‌اند، و این به خاطر عصیان و تجاوز آن‌ها می‌باشد.

۷- حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْبَغْدَادِیِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی الْبِلَادِ قَالَ قَالَ لِی أَبُو الْحَسَنِ (علیه السلام) کَیْفَ السَّلَامُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ أَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ دَعَوْتَ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِینَ سَفَکُوا دَمَکَ وَ اسْتَحَلُّوا حُرْمَتَکَ- مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلی لِسانِ داوُدَ وَ عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ قَالَ نَعَمْ هُوَ هَکَذَا

پدرم از موسی بن جعفر بغدادی از کسی که برایش حدیث گفته، از ابراهیم ابن ابی البلاد، وی گفت:

حضرت ابو الحسن علیه السّلام (امام هفتم علیه السّلام) به من فرمودند:

چگونه بر حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام سلام می‌دهی؟

وی می گوید: عرضه داشتم: می گویم:

سلام و درود بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا ...

مترجم گوید:

فقرات این زیارت عینا همان زیارت ششم است با این فرق که پس از عرضه داشتن راوی امام علیه السّلام در این زیارت‌نامه فرموده‌اند:

بلی سلام بر آن حضرت چنین می‌باشد.

۸- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِیِّ عَنِ الرَّجُلِ قَالَ تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَی خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضَی السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ حَیّاً وَ مَیِّتاً ثُمَّ ضَعْ خَدَّکَ الْأَیْمَنَ عَلَی الْقَبْرِ وَ قُلْ أَشْهَدُ أَنَّکَ عَلَی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّکَ جِئْتُکَ مُقِرّاً بِالذُّنُوبِ اشْفَعْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ اذْکُرِ الْأَئِمَّةَ وَاحِداً وَاحِداً وَ قُلْ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ حُجَجُ اللَّهِ ثُمَّ قُلِ اکْتُبْ لِی عِنْدَکَ عَهْداً وَ مِیثَاقاً بِأَنِّی أَتَیْتُکَ مُجَدِّداً الْمِیثَاقَ فَاشْهَدْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ أَنَّکَ أَنْتَ الشَّاهِدُ

حکیم بن داود، از سلمة بن الخطاب، از علی بن محمّد، از برخی اصحابش، از سلیمان بن حفص مروزی، از آن مرد بزرگ، آن جناب فرمودند:

در نزد قبر حضرت امام حسین علیه السّلام بگو:

سلام و درود بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام و درود بر تو ای حجّت خدا در زمین، و سلام بر تو ای شاهد خدا بر خلق او، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام و درود بر تو ای فرزند فاطمه زهراء، شهادت می‌دهم که نماز را بپاداشته و زکات را اداء کرده‌ای، و به کار خیر امر و از عمل زشت نهی فرموده‌ای، و در راه خدا جهاد کردی تا مرگ تو را دریافت، و درود و رحمت خدا بر تو باد چه در حال حیات و چه در حال ممات.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و بگو:

شهادت می‌دهم که تو حجت آشکار پروردگارت می‌باشی، به نزد تو آمده‌ام در حالی که به گناهانم اقرار دارم، نزد پروردگارت شفاعت من را بنما ای فرزند رسول خدا.

سپس ائمه علیهم السّلام را یکی یکی یاد کن و بگو:

شهادت می‌دهم که شما حجّت‌های خدا هستید.

سپس بگو:

بنویس برای من که نزد شما میثاق و عهدی داشته و آمدم به محضرت در حالی که آن میثاق را تجدید می کنم پس شاهد من باش نزد پروردگارت که تو شاهد می‌باشی.

۹- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْمَرْوَزِیِّ عَنِ الْمُبَارَکِ قَالَ تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَی خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضَی السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاةَ- وَ

أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَ مَيِّتاً ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ جِئْتُكَ مُقِرّاً بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ اذْكُرِ الْأَئِمَّةَ بِأَسْمَائِهِمْ وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ وَ قُلْ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ حُجَجُ اللَّهِ ثُمَّ قُلِ اكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقاً وَ عَهْداً إِنِّي أَتَيْتُكَ مُجَدِّداً الْمِيثَاقَ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمهٔ بن الخطاب، از حسین بن زکریا، از سلیمان ابن حفص مروزی، از مبارک، وی گفت:

در زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام می گوئی:

سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای حجّت خدا در زمینش، و شاهد او بر خلقش، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهراء، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی، و زکات را اداء نمودی، و به کارهای نیک امر و از اعمال و افعال زشت نهی نمودی، و در راه خدا سخت کوشیدی تا اجل تو را دریافت، پس رحمت خدا بر تو باد در زنده و مرده بودن.

سپس طرف راست صورت را بر قبر بگذار و مضامین در زیارت قبل (زیارت هشتم) را که با ترجمه‌اش گذشت بگو.

۱۰- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَتَيْتَ الْحُسَيْنَ (علیه السلام) فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ- وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ مَنْ شَارَكَ فِي دَمِكَ وَ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ ثَلَاثاً

محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمّد بن الحسن بن الصّفّار، از محمّد ابن عبد الجبّار، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از عامر بن جذاعه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هر گاه به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام رفتی بگو:

سپاس و حمد برای خدا است و درود و تحیّت خدا بر محمّد که نبی او است و بر آل و دودمانش، و سلام بر او و بر آلش و رحمت و برکات الهی بر این ذوات باد، درود خدا بر تو ای ابا عبد اللّه، خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و کسانی را که در خون تو شرکت نمودند، و کسانی را که وقتی خبر کشته شدن تو به ایشان رسید راضی به آن شدند، من از ایشان به سوی خدا بیزاری می‌جویم، این عبارت را سه بار بگوید:

۱۱- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَتَيْتَ الْحَائِرَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ مَنْ شَارَكَ فِي دَمِكَ وَ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّهاز احمد بن محمّد، از عبد الرحمن ابن ابی نجران، از محمّد بن ابی عمیر، از عامر بن جذاعه از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هر گاه به حائر رفتی پس بگو:

حمد و سپاس برای خداست و درود و تحیّت خدا بر محمّد و اهل بیت او ...

تا آخر مضامین زیارت قبل که با ترجمه ذکر شد.

۱۲- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ تَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ [انْتَهَيْتَ]إِلَى قَبْرِهِ

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا سَیِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَنْ رِضَاهُ مِنْ رِضَی الرَّحْمَنِ وَ سَخَطُهُ مِنْ سَخَطِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَمِینَ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ وَ بَابَ اللَّهِ وَ الدَّلِیلَ عَلَی اللَّهِ وَ الدَّاعِیَ إِلَی اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ حَلَّلْتَ حَلَالَ اللَّهِ وَ حَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَیْتَ الزَّکَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ دَعَوْتَ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ- بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ وَ مَنْ قُتِلَ مَعَکَ شُهَدَاءُ- أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّکُمْ تُرْزَقُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ قَاتِلِیکَ فِی النَّارِ أَدِینُ اللَّهَ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَکَ وَ مِمَّنْ قَتَلَکَ وَ شَایَعَ عَلَیْکَ وَ مِمَّنْ جَمَعَ عَلَیْکَ- وَ مِمَّنْ سَمِعَ صَوْتَکَ وَ لَمْ یُجِبْکَ [وَ لَمْ یُعِنْکَ]یَا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَکُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً

پدرم رحمة اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه و عبد اللّه بن جعفر حمیری، از احمد ابن‌الحسن بن علی بن فضّال، از عمرو بن سعید مدائنی، از مصدّق بن صدقه، از عمار بن موسی ساباطی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هر گاه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام رفتی بگو:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر الموءمنین، سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای سرور جوانان اهل بهشت و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو ای کسی که رضایتت رضایت خدا است، و غضب و نارضایتیت غضب و نارضایتی خدا می‌باشد، سلام بر تو ای امین و حجّت و باب خدا و راهنما و نشان دهنده خدا و دعوت‌کننده بسوی خدا، شهادت می‌دهم که تو حلال خدا را بیان کرده و حرامش را روشن نموده و نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی و به کارهای نیک امر و از اعمال زشت و قبیح نهی فرمودی، و با بیان مصلحت و پند و اندرز نیک دیگران را به راه خدا دعوت نمودی، و شهادت می‌دهم که تو و آنان که در رکاب ظفر قرینت شهید شده‌اید شهیدانی بوده که نزد خدا زنده بوده و روزی می‌خورید، و شهادت می‌دهم که کشنده تو در آتش جهنّم است، به واسطه بیزاری از کسانی که با تو محاربه نموده و آنان که تو را کشته و علیه تو با یک دیگر هم داستان شدند، و بیزاری می‌جویم از کسانی که

قصد سوء علیه تو نمودند و برائت و بیزاری می‌جویم از آنان که صدای تو را شنیده ولی اجابتت نکردند، کاش با تو بودم پس به رستگاری عظیمی نائل می‌شدم.

۱۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ یَزِیدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِیَّةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مَا أَحْبَبْتَ

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیّه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

نزد قبر امام حسین علیه السّلام هر چه را که دوست داشتی می‌توانی به عنوان زیارت بخوانی.

۱۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ زُرْتَهُ یَا بَا سَعِیدٍ فَسَبِّحْ عِنْدَ رَأْسِهِ تَسْبِیحَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) أَلْفَ مَرَّةٍ وَ سَبِّحْ عِنْدَ رِجْلَیْهِ تَسْبِیحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ علیها السلام أَلْفَ مَرَّةٍ ثُمَّ صَلِّ عِنْدَهُ رَکْعَتَیْنِ تَقْرَأُ فِیهِمَا یس وَ الرَّحْمَنَ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِکَ کَتَبَ اللَّهُ لَکَ ثَوَابَ ذَلِکَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ عَلِّمْنِی تَسْبِیحَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ (علیها السلام) قَالَ نَعَمْ یَا بَا سَعِیدٍ تَسْبِیحُ عَلِیٍّ (علیه السلام) سُبْحَانَ الَّذِی لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ الَّذِی لَا تَبِیدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ الَّذِی لَا یَفْنَی مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ الَّذِی لَا یُشْرِکُ أَحَداً فِی حُکْمِهِ سُبْحَانَ الَّذِی لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ الَّذِی لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ الَّذِی لَا إِلَهَ غَیْرُهُ- وَ تَسْبِیحُ فَاطِمَةَ (علیها السلام) سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ- سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ- سُبْحَانَ ذِی الْبَهْجَةِ وَ الْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّی بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَی أَثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفَا وَ وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از ابی سعید مدائنی، وی می گوید محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مشرّف شده عرض کردم: فدایت شوم به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام بروم؟

حضرت فرمودند:

بلى، اى ابا سعيد به زيارت قبر حسين عليه السّلام برو و به زيارت پاكيزه‌ترين پاكيزه‌ها و پاك‌ترين پاكان و نيك‌ترين نيكان.

اى ابا سعيد هنگامى كه آن حضرت را زيارت كردى بالاى سر آن جناب تسبيح امير الموء‌منين عليه السّلام را هزار مرتبه بگو و پائين پاى آن حضرت تسبيح حضرت زهراء عليها السّلام را هزار مرتبه بگو، سپس نزد قبر مطهّرش دو ركعت نماز بخوان و در آن دو ركعت سوره يس و الرّحمن را قرائت كن.

و وقتى چنين نمودى خداوند متعال ثواب زيارت حضرت را براى تو خواهد نوشت.

راوى مى‌گويد: محضر مباركش عرض كردم: فدايت شوم تسبيح امير الموء‌منين على عليه السّلام و تسبيح حضرت فاطمه سلام اللّه عليها را آيا به من تعليم مى‌فرمائيد؟

حضرت فرمودند:

بلى يا ابا سعيد، تسبيح امير الموء‌منين عليه السّلام عبارت است از ذكر اين اذكار:

منزّه است كسى كه خزائنش تمام‌شدنى نيست، منزّه است كسى كه نشانه‌هايش كهنه و فرسوده نمى‌شوند، منزّه است كسى كه آنچه نزد او است فانى نمى‌گردد، منزّه است كسى كه احدى در حكم با او شريك نيست، منزّه است كسى كه آنچه زوالى براى فخر و بزرگى او نمى‌باشد، منزّه است كسى كه بر انقطاع و فنائى براى زمان سلطنتش نمى‌باشد، منزّه است كسى كه معبودى غير از او وجود ندارد.

و تسبيح حضرت فاطمه سلام اللّه عليها عبارتست از:

منزّه است صاحب جلالى كه متكبر و بزرگ مى‌باشد، منزّه است صاحب عزّتى كه بلند مرتبه و مرتفع الشأن مى‌باشد، منزّه است صاحب سلطنتى كه داراى

فخر و قدمت مى‌باشد، منزّه است صاحب حسن و جمال، منزّه است كسى كه به نور و سنگينى و وقار آراسته است، منزّه است كسى كه اثر و نشانه‌هاى پاى مورچه را روى سنگ صاف و شفّاف ديده و افتادن طيور و پرندگان را روى درختان و لانه‌ها مى‌نگرد.

۱۵- حَدَّثَنِي أَبِي وَ غَيْرُ وَاحِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى الْوَرَّاقِ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِي‌ءٌ

پدرم و گروهى ديگر، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از عبّاس بن موسى ورّاق، از يونس، از عامر بن جذاعة، وى مى‌گويد: شنيدم حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام مى‌فرمودند:

وقتى به زيارت قبر امام حسين عليه السّلام رفتى بگو:

سلام و درود بر تو اى فرزند رسول خدا، سلام و درود بر تو اى ابا عبد اللّه، خدا لعنت كند كسانى كه تو را كشتند و خدا لعنت كند كسانى را كه وقتى خبر

شهادت تو را شنيدند خشنود و راضى شدند، من به سوى خدا از ايشان بيزارى مى‌جويم.

*** ***

*** ***

۱۶- حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدَانُ بْنُ مُسْلِمٍ قَائِدُ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ إِذَا أَتَيْتَ الْقَبْرَ بَدَأْتَ فَأَثْنَيْتَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّيْتَ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) وَ اجْتَهَدْتَ فِي ذَلِكَ ثُمَّ تَقُولُ:

سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ فِيمَا تَرُوحُ وَ تَغْدُو الزَّاكِيَاتُ الطَّاهِرَاتُ لَكَ وَ عَلَيْكَ وَ سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْمُسَلِّمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ وَ النَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَ الشُّهَدَاءِ عَلَى أَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ صَدَقْتَ وَ نَصَحْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ وَ أَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ الدَّمُ الَّذِي لَا يُدْرِكُ ثَارَهُ [تِرَتَهُ]أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَا يُدْرِكُهُ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ جِئْتُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَافِداً إِلَيْكَ وَ أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ بِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِهِمْ وَ بِكَ يُدْرِكُ أَهْلُ التِّرَاتِ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ

حسین بن محمّد بن عامر، از احمد بن اسحاق بن سعد، وی می گوید:

سعدان بن مسلم، از قائد ابی بصیر نقل نموده که وی گفت:

برخی از اصحاب ما از حضرت أبی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

وقتی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام رفتی ابتداء بر خداوند عزّ و جلّ ثناء بگو و سپس بر پیامبر اکرم صلّی‌اللّه علیه و آله و سلّم صلوات و درود بفرست و در فرستادن صلوات بر آن حضرت کوشش و مبالغه نما و پس از آن بگو:

درود خدا و درود فرشتگان در هر شام و بامداد برای تو و بر تو باد آن درودهائی که پاك و پاکیزه می‌باشند، و درود خدا و درود فرشتگان مقرّب و ملائکه‌ای که قلبا تسلیم تو هستند بر تو باد، درود فرشتگانی که فضل تو را بازگو می کنند بر تو باد، درود آنان که شهادت می‌دهند بر اینکه تو راستگو و راست هستی بر تو باد، در آنچه خبر دادی و بازگو نمودی راست گفتی و مردم را نصیحت کردی، تو خون خدا در زمین هستی، تو خونی هستی که احدی از اهل زمین نمی‌تواند آن را تقاص کند و کسی غیر از خداوند متعال قادر بر خونخواهی آن نیست، ای پسر رسول خدا به نزد تو آمده‌ام در حالی که از سرزمین خود به سوی تو کوچ کرده‌ام، و به واسطه تو در تمام نیازمندی‌هایم چه امور دنیائی و چه امور اخروی به خدا متوسل می‌شوم، و به واسطه تو تمام نیازمندان در نیازهایشان به خداوند منّان متوسّل می‌شوند، و به توسّط تو اولیاء دماء از بندگان خدا طلب خود را می گیرند.

دنباله زیارت نامه حضرت

ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقَبْرَ- وَ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتِفَيْكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْمُتَوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا خَالِقِ الْخَلْقِ فَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ عَالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِلَا [بِغَيْرِ]تَعْلِيمٍ- ضَمَّنَ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ وَ ثَارَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ الْفَتْحِ وَ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدَ الْحَقَّ- فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَ تَمَامِ مَوْعِدِهِ إِيَّاكَ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَاتَلَ مَعَكَ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى- وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ

سپس اندکی قدم بردار و پس از آن قبر را مقابل خود و قبله را بین دو کتف قرار داده و بگو:

حمد و سپاس برای خداوند واحدی است که در تمام امور مستقل می‌باشد، آفریننده مخلوقات بوده پس هیچ امری از امور خلائق از او مخفی و پنهان نمی‌باشد، بدون اینکه تعلیم گرفته باشد به تمام اشیاء عالم و دانا است، ای فرزند رسول اللّه خداوند منّان زمین و تمام موجودات روی آن را تاوان خون تو قرار داده است، شهادت می‌دهم نصرت و فتحی را که خدا به تو وعده داده برایت منجّز و فراهم فرموده، و نیز شهادت می‌دهم وعده راست و حقّی را که خدا در ارتباط با هلاك نمودن دشمن تو داده و نیز تمام وعده‌هایش به تو به وقوع پیوسته است، شهادت می‌دهم که همراه تو جماعت بسیاری مقاتله و کارزار کردند چنانچه حق تعالی در قرآن فرموده:

و چه بسا پیامبر که گروه زیادی از پیروانش همراه او کارزار کرده و کشته شدند ولی هیچ سستی و رخنه‌ای از این رهگذر در آنها پیدا نشد.

دنباله زیارت‌نامه حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام

ثُمَّ كَبِّرْ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا وَ اسْتَقْبِلِ الْقَبْرَ ثُمَّ قُلِ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ-

خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيراً أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ تَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ أُمَّةً خَذَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْ عَنْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ بِالْوَلَايَةِ لِمَنْ وَالَيْتَ وَ وَالَتْ رُسُلُكَ وَ أَشْهَدُ بِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ بَرِئْتَ مِنْهُ وَ بَرِئَتْ مِنْهُ رُسُلُكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رَسُولَكَ وَ هَدَمُوا كَعْبَتَكَ وَ حَرَّفُوا كِتَابَكَ وَ سَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ أَفْسَدُوا عِبَادَكَ وَ اسْتَذَلُّوهُمْ اللَّهُمَّ ضَاعِفْ لَهُمُ اللَّعْنَةَ فِيمَا جَرَتْ بِهِ سُنَّتُكَ فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ- اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ- حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَ تَجْعَلَهُمْ لِي فَرَطاً وَ تَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعاً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

سپس هفت تا تکبیر بگو و پس از آن اندکی جلو برو و قبر را روبروی خود قرار داده و بگو:

حمد و سپاس مر خدائی را سزد که همراه و فرزند برای خود نگرفت و در سلطنت و پادشاهی برایش شریکی نمی‌باشد، تمام اشیاء را آفرید پس آنها را متناسب و معیّن نمود، شهادت می‌دهم که تو آنچه را مأمور به ابلاغش بودی ابلاغ نمودی و بعهدی که با خدا نموده بودی وفاء کردی، و به واسطه تو کلمات خدا و نعمت‌هایش تمامیّت و کمال پیدا می‌کنند، و شهادت می‌دهم که در راه او مجاهدت و کوشش نموده تا اجل تو را دریافت، خدا لعنت کند جماعتی را که تو را کشتند و گروهی را که یاری تو را ننمودند، و خدا لعنت کند آن دسته از مردمی را که دیگران را به ترک یاری تو واداشتند، خدایا من شهادت می‌دهم آنان را که تو و رسولانت را دوست دارند من دوست دارم، و شهادت می‌دهم که بی‌زارم از کسانی را که تو و رسولانت از آنها بیزار می‌باشید، بار خدایا لعنت کن کسانی را که پیغمبرت را تکذیب کرده، و کعبه تو را منهدم و خراب نموده، و کتابت را سوزانده، و خونهای اهل بیت پیغمبرت را ریخته، و بنده‌گانت را فساد کرده و خوار نمودند، خداوند لعنت ایشان را مضاعف و دو چندان نما در آنچه سنّت تو بر آن جاری شده در خشکی و دریا، خداوندا ایشان را در آسمان و زمینت لعنت نما، بار خدایا قرار بده برای من زبانی راست در دوستانت و محبوب من نما مشاهد ایشان را، تا به آنها ملحقم نمائی، و قرار بده ایشان را رهبران من و من را در دنیا و آخرت تابع ایشان.

دنباله زیارت نامه حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام

ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا فَكَبِّرْ سَبْعاً وَ هَلِّلْ سَبْعاً وَ احْمَدِ اللَّهَ سَبْعاً وَ سَبِّحِ اللَّهَ تَعَالَى سَبْعاً وَ أَجِبْهُ سَبْعاً وَ تَقُولُ لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ لَبَّيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ رَأْيِي وَ هَوَايَ- عَلَى التَّسْلِيمِ لِخَلَفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ وَ السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَ الدَّلِيلِ الْعَالِمِ وَ الْأَمِينِ الْمُسْتَخْزَنِ وَ الْمَرْضِيِّ الْبَلِيغِ [الْوَصِيِّ الْمُبَلِّغِ]وَ الْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ جِئْتُ انْقِطَاعاً إِلَيْكَ وَ إِلَى وَلَدِكَ وَ وَلَدِ وَلَدِكَ الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى بَرَكَةِ الْحَقِّ- فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَ أَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ- حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ لِدِينِي وَ يَبْعَثُكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَ لَا أُكَذِّبُ لَهُ مَشِيَّةً وَ لَا أَزْعُمُ أَنَّ مَا شَاءَ لَا يَكُونُ

سپس اندکی جلو برو و هفت مرتبه تکبیر و هفت مرتبه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفته و هفت بار حمد خدا را نموده و هفت مرتبه حق تعالی را تسبیح کرده و هفت مرتبه حق تعالی را اجابت نموده (یعنی بگو: لبیک) و بعدا بگو: اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا، اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا، اگر بدنم تو را اجابت نکند پس قطعا قلب و موی و پوست و فکر و خواست نفسم بر تسلیم شدن و اطاعت نمودن از فرزند نبیّ مرسل اجابت می‌کنند، و نیز اجابت دختر زاده پیامبر که برگزیده و راهنما و آگاه می‌باشد را می‌نمایند، و همچنین اجابت می‌کنند امین و خزینه‌دار و پسندیده و بلیغ و مظلوم و ستم کشیده را، آمدم به سوی تو و فرزند تو و فرزند فرزندت که بعد از تو جانشین تو می‌باشد، پس دلم تسلیم شما است و امر و کارم تابع شما بوده، و نصرت و یاری من آماده برای شما است، یا خدا حکم کند در حالی که او بهترین حکم‌کنندگان برای دین من بوده و شما را برمی‌انگیزد، پس کسی که با شما باشد با شما است نه با دشمن شما، من از کسانی هستم که به رجعت شما ایمان و اعتقاد دارم، نه قدرت خدا و نه مشیت او را انکار

می کنم، و گمان ندارم که آنچه را خدا بخواهد وجود پیدا نکند.

دنباله زیارت‌نامه حضرت ابا عبد اللّه حسین علیه السّلام

ثُمَّ امْشِ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ وَ أَنْتَ قَائِمٌ- سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي يُسَبِّحُ لَهُ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ وَ يُقَدِّسُ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ رَبِّنَا وَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي وَفْدِكَ إِلَى خَيْرِ بِقَاعِكَ وَ خَيْرِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ ثُمَّ ارْفَعْ يَدَيْكَ حَتَّى تَضَعَهُمَا مَمْدُودَتَيْنِ عَلَى الْقَبْرِ ثُمَّ تَقُولُ أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طَاهِرٌ مِنْ طُهْرٍ طَاهِرٍ قَدْ طَهُرَتْ بِكَ الْبِلَادُ وَ طَهُرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ فِيهَا وَ أَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ حَتَّى يَسْتَثِيرَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ ثُمَّ ضَعْ خَدَّيْكَ وَ يَدَيْكَ جَمِيعاً عَلَى الْقَبْرِ ثُمَّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ اذْكُرِ اللَّهَ بِمَا أَحْبَبْتَ وَ تَوَجَّهْ إِلَيْهِ وَ اسْأَلْ حَوَائِجَكَ ثُمَّ ضَعْ يَدَيْكَ وَ خَدَّيْكَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ- فَلَقَدْ صَدَقْتَ وَ صَبَرْتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ ثُمَّ تَقُومُ إِلَى قَبْرِ وَلَدِهِ وَ تُثْنِي عَلَيْهِمْ بِمَا أَحْبَبْتَ وَ تَسْأَلُ رَبَّكَ حَوَائِجَكَ وَ مَا بَدَا لَكَ ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَائِماً فَتَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُّونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَ أَنْصَارٌ أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ- وَ أَنَّ اللَّهَ مُدْرِكٌ بِكُمْ ثَارَكُمْ وَ أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ- ثُمَّ اجْعَلِ الْقَبْرَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ صَلِّ مَا بَدَا لَكَ وَ كُلَّمَا دَخَلْتَ الْحَائِرَ [الْحَيْرَ]فَسَلِّمْ ثُمَّ امْشِ حَتَّى تَضَعَ يَدَيْكَ وَ خَدَّيْكَ جَمِيعاً عَلَى الْقَبْرِ فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ فَاصْنَعْ مِثْلَ ذَلِكَ وَ لَا تُقَصِّرْ عِنْدَهُ مِنَ الصَّلَاةِ مَا أَقَمْتَ وَ إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ عِنْدِهِ فَوَدِّعْهُ وَ قُلْ سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ وَ مَنْ حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

سپس به جلو برو تا به قبر منتهی شوی و پس از آن در حالی که ایستاده‌ای بگو:

منزّه است خدا، تمام مخلوقات و آفریده‌گان تسبیح خدا را می‌گویند آن خدائی که دارای ملک (عالم ماده) ملکوت (عالم معنا) می‌باشد و نیز تمام مخلوقات او را با اسمائش تقدیس می‌نمایند، منزه است خدائی که فرمان فرما و بسیار منزّه است، او پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و روح الامین می‌باشد، خداوندا من را در میان مسافرانت قرار بده بطرف بهترین سرزمینهایت و به سوی بهترین مخلوقاتت، خداوندا جبت (باطل) و طاغوت (ستمکار) را لعنت نما.

سپس دو دستت را بلند کن تا به حالت کشیده آنها را روی قبر بگذاری و سپس بگو:

شهادت می‌دهم که تو عین پاکی و پاک بوده و از عین پاکی و پاک متولّدشده‌ای، شهرها و سرزمینها بواسطه تو پاکیزه شده‌اند و شهادت می‌دهم زمینی که تو در آن هستی پاکیزه می‌باشد، شهادت می‌دهم که تو خون خدا در زمین می‌باشی تا حق تعالی برای تو از تمام مخلوقاتش خونخواهی نماید، سپس صورت و دست‌هایت را روی قبر بگذار و پس از آن بالای سر نشسته و هر ذکری که خواستی بگو و به آن حضرت توجّه نما و حوائج خود را سوءال نما.

سپس دو دست و صورت را پائین پای قبر بگذار و بگو:

خدا بر تو بر جان و بدنت درود بفرستد، پس همانا راست گفته و صبر نمودی، و تو راست‌گو و تصدیق شده می‌باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دستها و زبانهایشان کشتند. سپس بالای قبر فرزندان آن حضرت بایست و بر ایشان ثناء گفته و هر چه خواستی بگو و بعدا از خداوند حوائج خود و آنچه می‌خواهی را طلب نما سپس در حالی که ایستاده‌ای رو به قبور شهدا کن و بگو:

سلام بر شما ای اهل اللّه، شما رهبران ما و ما تابعین و یاران شما هستیم، بشارت باد شما را به وعده‌هائی که حق تعالی راجع به شما داده و تخلّفی در آنها نمی‌باشد، و خداوند متعال خون خواهی شما را خواهد نمود، شما سروران شهداء هستید در دنیا و آخرت.

سپس قبر آن حضرت را در مقابل قرار داده و هر دعائی که خواستی بخوان.

و هر گاه داخل حائر شدی ابتداء سلام کن و سپس بطرف قبر به قدری حرکت کن که دو دست و دو گونه‌های خود را جمیعا بر روی قبر بتوانی گذارد و وقتی خواستی خارج شوی باز همین عمل را انجام بده (یعنی دو دست و دو طرف صورت خود را روی قبر

بگذار) و از خواندن نماز نزد قبر تا زمانى كه آنجا هستى كوتاهى مكن، و وقتى از محضر امام عليه السّلام مرخّص شدى پس آن جناب را وداع كرده و بگو:

درود خدا و درود فرشتگان مقرّبش و درود انبياء مرسلش و درود بندگان صالحش بر تو اى فرزند رسول خدا و بر جان و جسمت و بر اولاد تو و بر تو و دوستدارانت كه با تو حاضر گرديدند.

۱۷- حَدَّثَنِی بِهَذِهِ الزِّيَارَةِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنَا أُمَيَّةُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَيْسِيُّ الشَّامِيُّ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مِثْلَهُ وَ زَادَ فِی آخِرِهِ مِنْ عِنْدِ مَنْ حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِذَا بَلَغْتَ الرَّوَاحَ فَقُلْ هَذَا الْكَلَامَ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ كَمَا قُلْتَ حِينَ دَخَلْتَ الْحَائِرَ [الْحَيْرَ]فَإِذَا دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی سَلَّمَنِی وَ سَلَّمَ مِنِّی الْحَمْدُ لِلَّهِ فِی الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثُمَّ كَبِّرْ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ تَكْبِيرَةً مُتَتَابِعَةً وَ سَهِّلْ وَ لَا تُعَجِّلْ فِيهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى وَ الْبَاقِی مِثْلُهُ

احمد بن محمّد بن الحسن بن سهل همين زيارت را براى من از پدرش و او از جدّ وى و او از موسى بن الحسن بن عامر و او از احمد بن هلال نقل نمود، وى گفت:

اميّة بن على قيسى شامى، از سعدان بن مسلم و او از شخصى و او از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام مثل همين زيارت‌نامه را نقل نمود منتهى در آخر آن بعد از «من حضرك من اولائك» اين عبارت را اضافه كرده:

پس هنگامى كه شب فرارسيد اين كلام را از ابتداء تا آخر همان طورى كه در وقت دخول حائر خواندى بخوان و وقتى به منزلت رسيده و وارد آن شدى بگو:

حمد و سپاس خدائى را كه من را از آزار ديگران بر حذر داشت و ديگران را نيز از شرّ من محفوظ نمود، حمد در تمام امور و در هر حالى براى خدا است، حمد براى پروردگار عالميان است، سپس بيست و يك بار پشت سر هم تكبير بگو و با تأنّى و آهسته آنها را گفته و ان شاء اللّه در آن عجله نمى‌كنى، و باقى الفاظ اين زيارت مثل همان زيارت مذكور مى‌باشد.

۱۸- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ بن عبد الله بن المغيره عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ أَبِی ناب عن بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً أَوْ عُمْرَةً وَ حِجَّةً

قال قلت جعلت فداك فما اقول اذا اتيته ؟

قال: تقول :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَوْمَ وُلِدْتَ وَ يَوْمَ تَمُوتُ وَ يَوْمَ تُبْعَثُ حَيّاً أَشْهَدُ أَنَّكَ حَيٌّ شَهِيدٌ تُرْزَقُ عِنْدَ رَبِّكَ وَ أَتَوَالَى وَلِيَّكَ وَ أَبْرَأُ مِنْ عَدُوِّكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوكَ وَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ أَسْأَلُ اللَّهَ وَلِيَّكَ وَ وَلِيَّنَا أَنْ يَجْعَلَ تُحْفَتَنَا مِنْ زِيَارَتِكَ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّنَا وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِنَا اشْفَعْ لِی يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عِنْدَ رَبِّكَ

پدرم رحمة اللّه عليه از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن على بن عبد اللّه بن مغيرة، از عبّاس بن عامر، از ابان، از حسن بن عطيّه ابى ناب، از بيّاع سابرى (عمر ابن يزيد)، وى گفت:

از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

كسى كه به زيارت قبر مطهّر حضرت امام حسين عليه السّلام برود خداوند برايش ثواب يك حج و يك عمره (يا ثواب يك عمره و يك حج) منظور مى‌كند.

راوی می‌گوید: محضر مبارکش عرضه داشتم: فدایت شوم وقتی به زیارتش رفتم در زیارت آن حضرت چه بگویم؟

حضرت فرمودند: بگو:

درود بر تو ای ابـا عبـد اللّه، درود بر تو ای فرزنـد رسول خـدا، درود بر تو در روزی که متولّـد شـدی و روزی که از این دنیا رحلت نمودی و روزی که زنـده برانگیخته می‌شوی شـهادت می‌دهم که تو زنده و شـهید می‌باشـی، نزد پروردگارت روزی می‌خوری، من دوسـتدار شـما را دوست دارم، و از دشـمنت بی‌زاری می‌جویم، و شـهادت می‌دهم آنان که با تو کارزار کرده و حرمت تو را هتک نمودنـد به زبـان پیـامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ملعون می‌باشـند، و شـهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی، و بـه کـار خیر امر و از عمـل زشت و قبیـح نهی فرمـودی، و در راه خـدا بـا بیـان حکمت و دادن پنـد و مـوعظه پسـندیده مجاهـدت نمودی، از خـدا که ولیّ تو و ولیّ مـا است می‌خواهم که حظّ ما را از زیارت تو درود بر پیامبر و آمرزش گناهان ما قرار دهد، ای پسر رسول خدا شفاعت من را نزد پروردگارت بنما.

زیارت‌نامه حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام

۱۹- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَـیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ جَابِرٍ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِی الصَّامِتِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السـلام) قَالَ سَـمِعْتُهُ یَقُولُ مَنْ أَتَی الْحُسَـیْنَ (علیه السـلام) مَاشِیاً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَـنَةٍ وَ مَحَـا عَنْهُ أَلْفَ سَـیِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَـةٍ فَـإِذَا أَتَیْتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَ عَلِّقْ نَعْلَیْكَ وَ امْشِ حَافِیاً وَ امْشِ بِمَشْـیِ [مَشْـیَ]الْعَبْدِ الذَّلِیلِ فَإِذَا أَتَیْتَ بَابَ الْحَائِرِ [الْحَیْرِ]فَكَبِّرِ اللَّهَ أَرْبَعاً وَ صَلِّ عِنْدَهُ وَ اسْأَلْ [سَلِ اللَّهَ]حَاجَتَكَ

علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن علی بن عبد اللّه بن مغیره، از عبّاس بن عامر، از جابر مکفوف، از ابی الصّامت، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، راوی گفت: شنیدم امام علیه السّلام می‌فرمودند:

کسـی که پیاده به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام برود در مقابل هر قدمی که بر می‌دارد خدا اجر هزار حسنه برایش نوشته و هزار گناه از نامه عملش محو کرده و هزار درجه مقامش را بالا می‌برد.

و هر گـاه به فرات رسـیدی، غسـل کن و کفش‌هـایت را بـدست گیر و پـای برهنه همچون بنـده ذلیل و خوار حرکت کن و وقتی به درب حائر رسیدی چهار مرتبه تکبیر بگو و صلوات بفرست و سپس حاجتت را از خدا بخواه.

زیارت مختصر دیگر زیارت نامه نوزدهم حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام الحسین علیه السّلام

زیارهٔ خفیفهٔ

حَـدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَـی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ صَـفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السـلام) أَوْ عَنْ أَبِی بَصِـیرٍ عَنْهُ (علیه السـلام) قَالَ قُلْتُ كَیْفَ السَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهمـا السـلام) قَالَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا أَبَا عَبْـدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ عَلَیْكَ وَ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِیَ بِهِ إِنَّا إِلَی اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِیءٌ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصـفّار، از احمد بن محمّد بن عیسـی، از حسن بن علی بن فضّال، از صفوان بن یحیی، از ابی الصّـباح، از حضـرت ابی عبد اللّه علیه السّـلام، از ابو بصـیر از حضـرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، راوی گفت: محضر امام علیه السّلام عرض کردم: سلام بر حسین بن علی علیه السّلام چگونه است؟

حضرت فرمودند:

بگو:

درود بر تو ای ابا عبد اللّه، درود بر تو ای پسـر رسول خدا، خدا لعنت کند کسی که تو را کشت، و لعنت کند کسی را که دشمنانت را بر علیه تو کمک کرد، و کسی را که وقتی خبر قتل تو به او رسید راضی گشت، من به سوی خدا از ایشان بی‌زاری می‌جویم.

۲۰- زیارة خفیفة

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی هَمَّام عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَرِكَ فِی دَمِكَ وَ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِیَ بِهِ وَ إِنَّا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِیءٌ

محمّد بن الحسن به اسنادش، از احمد بن محمّد، از محمّد بن اسماعیل، از ابان بن عثمان و از ابی همّام، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حضرت فرمودند:

هر گاه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام رفتی بگو:

درود بر تو ای ابا عبد اللّه، خدا کسی را که تو را کشت لعنت کند، و کسی که در خون تو شریک گردید را لعنت نماید، و کسی که خبر قتل تو به او رسید و راضی گشت را لعنت کند و من بسوی خدا از ایشان بیزاری می‌جویم.

۲۱- زیارة أخری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحْمَنِ

حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَسْكَرِیُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَبِيهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) إِذَا أَرَدْتَ الْمَسِيرَ إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَصُمْ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ الْخَمِيسِ وَ الْجُمُعَةِ فَإِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ فَاجْمَعْ أَهْلَكَ وَ وُلْدَكَ- وَ ادْعُ بِدُعَاءِ السَّفَرِ وَ اغْتَسِلْ قَبْلَ خُرُوجِكَ وَ قُلْ حِينَ تَغْتَسِلُ اللَّهُمَّ طَهِّرْنِی وَ طَهِّرْ قَلْبِی وَ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَ أَجْرِ عَلَى لِسَانِی ذِكْرَكَ وَ مِدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِی التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَ الِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ الشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ فَإِذَا خَرَجْتَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّی إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِی و إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِی وَ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِی وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَى إِلَّا إِلَيْكَ- تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ

ابو عبد الرّحمن محمّد بن احمد بن الحسین العسکری، و محمّد بن الحسن جمیعا، از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از محمّد بن ابی عمیر، از محمّد بن مروان، از ابی حمزهٔ ثمالی، وی گفت:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هنگامی که خواستی به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام بروی روز چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر سپس هنگام خروج همسر و فرزندانت را جمع کن و دعاء سفر را بخوان و پیش از خارج‌شدنت غسل کن و در وقت غسل بگو:

خدا یا من را پاکیزه گردان، قلب و دلم را طاهر نما، سینه‌ام را بگشا، ذکر خود و ثنائت را بر زبانم جاری کن، ثناء و دعاء بر تو باد، زیرا هیچ قوه و نیروئی وجود ندارد مگر بواسطه تو است، همانا دانستم که استحکام دینم به این است که تسلیم امر تو بوده، و از سنّت پیامبرت پیروی نموده، و شهادت دهم بر پیامبران و رسولانت بسوی تمام خلائق خداوندا قرار بده آن را (غسل را) نور و طهور (پاک و پاک‌کننده) و شفاء دهنده هر درد و مرض و بلا و عیبی و نگهدارنده از شرّ آنچه از آن خوف داشته و بر حذر می‌باشم.

و هر گاه از منزلت خارج شدی بگو:

بار خدایا من روی خود را به طرف تو متوجّه ساخته‌ام، و کارهایم را به تو واگذار نموده‌ام، و خود را به تو تسلیم کرده‌ام، و پشت و پناهم را تو قرار داده‌ام، و بر تو توکل کرده‌ام، هیچ پناهگاه و امید نجاتی نیست مگر توجه به تو، منزّه و بلند مرتبه‌ای، تضرّع و زاری برای تو کم و ثناء و ستودنت بسیار می‌باشد.

ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أَنَبْتُ

فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنِي فِي سَفَرِي وَ اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِأَحْسَنِ الْخَلَفِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ إِلَيْكَ خَرَجْتُ وَ إِلَيْكَ وَفَدْتُ وَ لِخَيْرِكَ تَعَرَّضْتُ وَ بِزِيَارَةِ حَبِيبِ حَبِيبِكَ تَقَرَّبْتُ اللَّهُمَّ لَا تَمْنَعْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَكَ بِشَرِّ مَا عِنْدِي - اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ كَفِّرْ عَنِّي سَيِّئَاتِي وَ حُطَّ عَنِّي خَطَايَايَ وَ اقْبَلْ مِنِّي حَسَنَاتِي - وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ اقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ يس وَ آخِرَ سُورَةِ الْحَشْرِ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ وَ لَا تَدَّهِنْ وَ لَا تَكْتَحِلْ حَتَّى تَأْتِيَ الْفُرَاتَ وَ أَقِلَّ مِنَ الْكَلَامِ وَ الْمِزَاحِ وَ أَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ إِيَّاكَ وَ الْمِزَاحَ وَ الْخُصُومَةَ - فَإِذَا كُنْتَ رَاكِباً أَوْ مَاشِياً فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ النَّكَالِ وَ عَوَاقِبِ الْوَبَالِ وَ فِتْنَةِ الضَّلَالِ وَ مِنْ أَنْ تَلْقَانِي بِمَكْرُوهٍ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَبْسِ وَ اللَّبْسِ وَ مِنْ وَسْوَسَةِ الشَّيْطَانِ وَ طَوَارِقِ السَّوْءِ - وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْعَدَاوَةَ وَ مِنْ أَنْ يُفْرِطُوا عَلَيَّ وَ أَنْ يَطْغَوْا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عُيُونِ الظَّلَمَةِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شِرْكٍ إِبْلِيسَ وَ مَنْ يَرُدُّ عَنِ الْخَيْرِ بِاللِّسَانِ وَ الْيَدِ

سپس بگو:

ابتداء می‌کنم به اسم خدا و ذات او، و از او کمک خواسته و به سوی او توجّه نموده و در راه او گام برمی‌دارم، و بر شریعت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشم، بر خدا توکّل داشته و بسویش بازمی‌گردم، خدائی که آفریننده آسمانهای هفت‌گانه و طبقات هفت‌گانه زمین و پروردگار عرش عظیم می‌باشد، خداوندا درود بر محمّد و آل محمّد بفرست، و من را در این سفر حفظ نما، و در بین اهل و فرزندانم بهترین جانشین من باش، خداوندا به سوی تو توجّه داشته، و بسوی تو از خانه‌ام خارج گشته، و به سوی تو کوچ کرده‌ام و معترض خیر تو شده‌ام، و به واسطه زیارت حبیب حبیبت به تو تقرّب می‌جویم، بار خدایا خیری که نزد تو هست را به واسطه بدی آنچه نزد من است از من منع مکن، خداوندا گناهانم را بیامرز و لغزش‌ها و بدی‌هایم را ببخش و جبران نما، و خطاهایم را محو بفرما، و خوبی‌ها و نیکی‌هایم را از من قبول نما.

و بگو:

خداوندا من را در آن پوششی که از هر بلا و آفتی حفظ می‌کند و هر کسی را که بخواهی در آن قرار می‌دهی قرار بده، خداوندا بسوی تو بی‌زاری می‌جویم از هر حول و قوه‌ای مگر حول و قوّه تو (این فقره را سه مرتبه بخوان)، بعد سوره فاتحهٔ الکتاب و معوّذتین (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و سوره قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ و سوره إِنّا أَنْزَلْناهُ و آیهٔ الکرسی و سوره یس و این چند آیه آخر سوره حشر یعنی:

قرائت کن و روغن به خود نمال و سرمه مکش تا به فرات وارد شوی و سخن اندک بگو و مزاح و شوخی کمتر کن و ذکر خدای تعالی زیاد بگو و الحذر از جدال و خصومت.

و هنگامی که سواره یا پیاده بودی بگو:

خدایا به تو پناه می‌برم از قهر و صولت عقوبت‌هایت، و از عواقب اعمالی که منتهی به وبال و عذاب می‌شوند، و از فتنه گمراهی، و از اینکه من را ملاقات کنی در حالی ناپسند و زشت، و به تو پناه می‌برم از حبس و اشتباه، و از وسوسه شیطان، و از اتّفاقات سوء و بد، و از شرّ هر صاحب شرّی، و از شرّ شیاطین جنّی و انسی و از شرّ کسی که عداوت و دشمنی با دوستانت می‌ورزند و از شرّ آنان که در بدی و بر من اسراف کرده و طغیان و تجاوز می‌نمایند، و به تو پناه می‌برم از شرّ ستمکاران و از شرّ هر صاحب شرّی و از وسوسه ابلیس و شرّ کسی که با زبان و دست دیگران را از کار خیر باز می‌دارد.

فَإِذَا خِفْتَ شَيْئاً فَقُلْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بِهِ احْتَجَبْتُ وَ بِهِ اعْتَصَمْتُ اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ فَإِنَّمَا أَنَا بِكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَقُلْ قَبْلَ أَنْ تَعْبُرَهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ الرِّجَالُ وَ أَنْتَ يَا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَأْتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ وَ قَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ

كَرَامَةً وَ لِكُلِّ وَافِدٍ تُحْفَةً وَ قَدْ أَتَيْتُكَ زَائِراً قَبْرَ ابْنِ نَبِيِّكَ- صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ فَاجْعَلْ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي وَ اشْكُرْ سَعْيِي وَ ارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ بِغَيْرِ مَنٍّ مِنِّي بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ- إِذْ جَعَلْتَ لِيَ السَّبِيلَ إِلَى زِيَارَتِهِ وَ عَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ وَ حَفِظْتَنِي حَتَّى بَلَّغْتَنِي قَبْرَ ابْنِ وَلِيِّكَ وَ قَدْ رَجَوْتُكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَ قَدْ أَتَيْتُكَ فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَ اجْعَلْ هَذَا كَفَّارَةً لِمَا كَانَ قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ اعْبُرِ الْفُرَاتَ وَ قُلِ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُوراً وَ ذَنْبِي مَغْفُوراً وَ عَمَلِي مَقْبُولًا وَ اغْسِلْنِي مِنَ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمْحَقُ دِينِي- أَوْ تُبْطِلُ عَمَلِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ تَأْتِي النَّيْنَوَى فَتَضَعُ رَحْلَكَ بِهَا وَ لَا تَدَّهِنْ وَ لَا تَكْتَحِلْ وَ لَا تَأْكُلِ اللَّحْمَ مَا دُمْتَ مُقِيماً بِهَا ثُمَّ تَأْتِي الشَّطَّ بِحِذَاءِ نَخْلِ الْقَبْرِ وَ اغْتَسِلْ وَ عَلَيْكَ الْوَقَارُ وَ قُلْ وَ أَنْتَ تَغْتَسِلُ اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ أَجْرِ عَلَى لِسَانِي مَحَبَّتَكَ وَ مِدْحَتَكَ- وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَ الشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ بِالْأُلْفَةِ بَيْنَهُمْ- أَشْهَدُ أَنَّهُمْ أَنْبِيَاؤُكَ وَ رُسُلُكَ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَ دَاءٍ وَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي- وَ عِظَامِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَ اجْعَلْهُ لِي شَاهِداً يَوْمَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي ثُمَّ الْبَسْ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ فَإِذَا لَبِسْتَهَا فَقُلِ- اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ تَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ قَصَدْتُ فَبَلَّغَنِي وَ إِيَّاهُ أَرَدْتُ فَقَبِلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ رَحْمَتَهُ ابْتَغَيْتُ فَسَلَّمَنِي اللَّهُمَّ أَنْتَ حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ رَجَائِي وَ أَمَلِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس هر گاه از چيزى خوف و هراس داشتى بگو: لا حول و لا قوّة الّا باللّه، به واسطه اين ذكر خود را مستور و پوشيده نموده و به توسّط آن از گناه خود را كناره مى‌گيرم، خداوندا من را از شرّ مخلوقاتت حفظ نما، من به تو متوسل شده و بنده تو مى‌باشم.

و وقتى به فرات وارد شدى پيش از آنكه از آن عبور كنى بگو:

خدايا تو بهترين كسى هستى كه مردان بسويش كوچ مى‌كنند، و اى سرور من تو كريم‌ترين افرادى هستى كه ديگران بر او وارد شده و زيارتش مى‌نمايند، تو خود را براى هر زيارت‌كننده‌اى كرامتى و براى هر كوچ‌كننده‌اى تحفه‌اى قرار داده‌اى، من به نزد تو آمده‌ام در حالى كه قبر مطهّر فرزند پيغمبرت كه رحمت تو بر او باد را زيارت مى‌كنم، خدايا تحفه‌اى كه به من مى‌دهى اين را قرار بده كه من را از آتش دوزخ برهان، و عمل من را از من قبول فرما، و سعى و كوشش من را قبول كن و بپذير، و اين سير و سفرم به سوى خودت را مورد ترحّم و تلطّف قرار بده بدون اينكه از ناحيه من منّتى باشد، بلكه تو بر من منّت‌دارى زيرا اين راه را طريق براى زيارت آن حضرت قرار دادى، و فضيلت آن را به من شناساندى، و من را محفوظ نگاه داشتى تا به قبر فرزند ولىّ خودت رساندى من را، و من اميدوار به تو هستم پس درود بفرست بر محمّد و آل محمّد، و اميد من را قطع مكن، همانا نزد تو آمده‌ام پس آرزوى من را به نااميدى مبدّل مكن، و اين زيارت را كفّاره و جبران گناهانى كه قبلا مرتكب شده‌ام قرار بده، و من را از ياران آن حضرت قرار بده اى ارحم الرّاحمين.

سپس از فرات عبور كن و بگو:

خدايا بر محمّد و آل محمّد درود بفرست، و سعى و كوششم را مقبول و گناهم را آمرزيده و عملم را پذيرفته قرار بده، و پاك كن من را از لغزشها و گناهان، و دل من را از هر آفت و بلائى كه دينم را زائل كرده يا عملم را باطل نموده پاك گردان اى ارحم الرّاحمين.

سپس به نينوى برو و اثاثيه و اسباب را در آنجا بگذار، روغن به خود نمال و سرمه نكش و تا زمانى كه در آنجا مقيم هستى گوشت نخور، سپس به شط كه در مقابل محلّ قبر است برو در حالى كه لنگى به كمر بسته‌اى در آن غسل كن و در حال غسل بگو:

خداوندا من را پاك گردان و دل و قلبم را پاكيزه نما و سينه‌ام را بگشا، و بر زبانم محبّت و مدح و ثناء خود را جارى گردان، هيچ جنبش و نيروئى نمى‌باشد مگر بواسطه تو، همانا مى‌دانم كه قوام و پابرجائى دينم در سايه تسليم امر تو و شهادت دادن بر جميع انبياء

و فرستادگانت به وجود الفت بینشان می‌باشد، شهادت می‌دهم که ایشان انبیاء و فرستادگان تو به سوی تمام مخلوقاتت می‌باشند. خدایا این غسل را نور و مطهّر و حفظکننده و شفاء از هر مرض و درد و آفت و بلا قرار بده، و نیز آن را حافظ از هر بدی که نسبت به آن خوف داشته و در حذر می‌باشم قرار بده، بار خدایا به واسطه آن قلب و اعضاء و استخوان و گوشت و خون و موی و پوست و مغز و رگ و آنچه که زمین از من حمل می‌کند را پاک و طاهر قرار بده و آن را شاهد برای من در روز فقر و تهی‌دستیم قرار بده، سپس پاکیزه‌ترین لباسهایت را بپوش و وقتی آن را پوشیدی بگو:

اللّه اکبر (سی مرتبه) و بعد بگو:

حمد سزاوار خداوندی است که بسویش قصد نمودم، پس من را رساند، و او را اراده کردم پس من را پذیرفت و درمانده‌ام نگذاشت، در رحمتش را طلب کردم پس به من تسلیم نمود، خداوندا تو قلعه و پناهگاه و حافظ و امید و آرزوی من هستی، نیست معبودی غیر از تو ای پروردگار عالمیان.

فَإِذَا أَرَدْتَ الْمَشْىَ فَقُلْ اللَّهُمَّ إِنِّى أَرَدْتُكَ فَأَرِدْنِى وَ إِنِّى أَقْبَلْتُ بِوَجْهِى إِلَيْكَ فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ عَنِّى فَإِنْ كُنْتَ عَلَىَّ سَاخِطاً فَتُبْ عَلَىَّ وَ ارْحَمْ مَسِيرِى إِلَى ابْنِ حَبِيبِكَ أَبْتَغِى بِذَلِكَ رِضَاكَ عَنِّى فَارْضَ عَنِّى وَ لَا تُخَيِّبْنِى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ امْشِ حَافِياً وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّمْجِيدِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ (صلى الله عليه و آله) وَ قُلْ أَيْضاً الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمُتَوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا خَالِقِ الْخَلْقِ لَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ شَىْءٌ مِنْ أُمُورِهِمْ وَ عَالِمِ كُلِّ شَىْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ- عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَوْصِيَاءِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَنْعَمَ عَلَىَّ وَ عَرَّفَنِى فَضْلَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ (صلى الله عليه و آله) ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا وَ قَصِّرْ خُطَاكَ فَإِذَا وَقَفْتَ عَلَى التَّلِّ فَاسْتَقْبِلِ الْقَبْرَ فَقِفْ وَ قُلِ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ تَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِى عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فِى عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ فِى عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى عِلْمِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ حَقٌّ لَهُ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ- وَ نُورُ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ نُورُ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَ زُوَّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ

و وقتی خواستی حرکت کنی بگو:

خدایا من تو را اراده کرده‌ام پس تو نیز من را اراده نما، و من به تو روی آورده‌ام پس رو از من مگردان، پس اگر بر من غضبناکی توبه‌ام را بپذیر، و این سیر و سفرم به سوی فرزند حبیبت را مورد ترحّم و تلطّف قرار بده، با این زیارت می‌خواهم که از من خشنود شوی پس راضی شو از من و ناامیدم مکن ای کسی که ارحم الراحمین هستی.

سپس پای برهنه حرکت کن در حالی که با وقار و آرامش می‌باشی و در این حال تکبیر (اللّه اکبر) و تهلیل (لا إلهَ إلَّا اللّهُ) و تمجید (خدا را با مجد و بزرگی یاد کردن نظیر گفتن لا حول و لا قوّة الّا باللّه گفتن) و تحمید (الحمد للّه) گفته و نیز عباراتی که بر تعظیم حق تعالی و رسول گرامیش صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دلالت دارند را بکار ببر و نیز بگو:

حمد سزاوار خداوند واحدی است که تمام امور مختص به او بوده و او در جمیع آنها مستقلّ است، آفریننده مخلوقات بوده و هیچ چیزی از او پنهان نیست، به تمام اشیاء آگاه و عالم بوده بدون اینکه تعلیم گرفته باشد، درود و رحمت خدا و درود فرشتگان مقرّب و انبیاء مرسلش و تحیّت تمام فرستادگانش بر محمّد و اهل بیت آن حضرت که جانشینانش می‌باشند، حمد و سپاس خدائی را که بر من نعمت داد و برتری و فضیلت محمّد و اهل بیتش صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را به من شناساند.

سپس اندکی حرکت کن و قدم‌هایت را کوتاه بردار و وقتی به تل و تپه رسیدی و قبر در مقابلت قرار گرفت بایست و بگو:

اللّه اکبر (سی مرتبه) و سپس بگو:

نیست معبودی مگر خداونـد متعال آن طوری که خودش می‌دانـد، و نیست معبودی مگر خداونـد متعال و این تهلیل در حالی است که حق تعالی می‌داند از من صادر شده و نهایت و انتهائی ندارد، و نیست معبودی مگر حق تعالی و این تهلیل مقرون با علم او است ازلا و ابدا و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است آن طوری که خودش می‌داند و نهایت و انتهائی ندارد، و حمـد و سپاس مختص به خداونـد است و این تحمیـد در حـالی است که حق تعالی می‌دانـد از من صادر شـده و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به خداوند است و این تحمید مقرون با علم او است ازلا و ابدا و نهایت و انتهائی ندارد.

و منزّه است خداونـد متعال آن طوری که خودش می‌دانـد و نهایت و انتهائی نـدارد، و منزّه است خداوند متعال و این تنزیه در حالی است که حق تعـالی می‌دانـد از من صادر شـده و انتهائی نـدارد، و منزّه است خداونـد متعال و این تنزیه مقرون با علم او است ازلا و ابدا و نهایت و انتهائی ندارد، و حمد و سپاس مختص به حقتعالی است با تمام ستایشـها در مقابل جمیع نعمتهایش، و نیست معبودی غیر از حـق تعـالی و او بزرگـتر از هر چیزی است، و این مقـام حق او است، نیست معبودی غیر از حق تعـالی که صـاحب حلم و کرم می‌باشـد، نیست معبـودی غیر از حـق تعـالی که بلنـد مرتبه و بزرگ می‌باشـد، نیست معبـودی غیر از حـق تعـالی که نـور آسـمانهای هفت‌گانه و نور طبقات هفتگانه زمین و نور عرش بزرگ می‌باشـد، و حمـد و سپاس مختص به پروردگار عالمیان است، درود بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، درود بر شما ای فرشتگان خدا و زائران قبر مطهّر فرزند نبیّ و پیغمبر خدا.

ثُمَّ امْشِ عَشْرَ خُطُوَاتٍ وَ كَبِّرْ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَ قُلْ وَ أَنْتَ تَمْشِى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَهْلِيلًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ [أَحَدٍ]وَ بَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ عَدَدَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ تَسْبِيحاً لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ بَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ عَدَدَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ قَبْلَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ بَعْدَ كُلِّ وَاحِدٍ- وَ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ وَ عَدَدَ كُلِّ وَاحِدٍ أَبَداً أَبَداً أَبَداً اللَّهُمَّ إِنِّى أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً فَاشْهَدْ لِى أَنِّى أَشْهَدُ أَنَّكَ حَقٌّ وَ أَنَّ رَسُولَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ حَبِيبَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ قَوْلَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ قَضَاءَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ قَدَرَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ فِعْلَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ حَشْرَكَ حَقٌّ- وَ أَنَّ نَارَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ جَنَّتَكَ حَقٌّ وَ أَنَّكَ مُمِيتُ الْأَحْيَاءِ وَ مُحْيِى الْمَوْتَى- وَ أَنَّكَ بَاعِثُ مَنْ فِى الْقُبُورِ وَ أَنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لاـ رَيْبَ فِيهِ وَ أَنَّكَ لاـ تُخْلِفُ الْمِيعادَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَ يَا زُوَّارَ قَبْرِ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّمْجِيدِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّعْظِيمِ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ (صلى الله عليه و آله) وَ قَصِّرْ خُطَاكَ فَإِذَا أَتَيْتَ الْبَابَ الَّذِى يَلِى الْمَشْرِقَ فَقِفْ عَلَى الْبَابِ وَ قُلْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً (صلى الله عليه و آله) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَمِينُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ- سَلَامٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ اللَّهُمَّ إِنِّى أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا قَبْرُ ابْنِ حَبِيبِكَ وَ صِفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَنَّهُ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِكِتَابِكَ وَ خَصَصْتَهُ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَى وَحْيِكَ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ فَأَعْذَرَ فِى الدُّعَاءِ وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ وَ الْعَمَى وَ الشَّكِّ وَ الِارْتِيَابِ إِلَى بَابِ الْهُدَى مِنَ الرَّدَى وَ أَنْتَ تَرَى وَ لَا تُرَى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى حَتَّى ثَارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ الْآخِرَةَ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ الْأَدْنَى وَ أَسْخَطَكَ وَ أَسْخَطَ رَسُولَكَ وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ مِنْ أَهْلِ الشِّقَاقِ وَ النِّفَاقِ وَ حَمَلَةِ الْأَوْزَارِ مَنِ اسْتَوْجَبَ النَّارَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِى وُلْدِ رَسُولِكَ وَ ضَاعَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

سپس ده قدم بردار و سی مرتبه تکبیر گفته و در حالی که راه می‌روی بگو:

نیست معبودی مگر حق تعالی تهلیل می‌گویم تهلیلی که غیر از او احـدی نمی‌تواند آن را بشـمارد، او پیش از هر کسـی و بعد از هر کسـی و با هر کسی و عدد تمام کسان می‌باشد، و منزّه است خدا و حمد برای خدا است و نیست معبودی مگر خدا و خدا بزرگتر از هر چیز بوده، پیش از هر کسـی و بعـد از هر کسـی و بـا هر کسـی و عـدد تمـام کسان است برای همیشه، برای همیشه، برای همیشه، خداونـدا من تو را شاهـد می‌گیرم و تو برای شاهد بودن کافی هستی پس شـهادت بده برای من که شـهادت می‌دهم تو حق بودی و رسـولت حـق بـوده و گفتـارت حق، و حکمی که می‌کنی حق بوده و تقـدیرت حق و فعلت حقّ و بهشـتت حق می‌باشـد، و شـهادت

می‌دهم که تو زنـده‌ها را می‌میرانی و مردگـان را زنـده می‌کنی و مرده‌هـای در قبور را مبعوث می‌فرمـائی، و شـهادت می‌دهم که تو مردم را در روزی که شکی در آن نیست جمع می‌نمائی، و شهادت می‌دهم که وعده‌ای را که داده‌ای مخالفت نمی‌کنی، درود بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر ابی عبد اللّه علیه السّلام.

سپس اندکی حرکت کن، در حالی که با آرامش و سنگینی راه می‌روی تکبیر و تهلیل گفته و حق تعالی را به مجد و بزرگی یاد نما و به تحمید و تعظیم حق تعالی و رسول اکرم صـلّی اللّه علیه و آله و سـلّم پرداز و قدم‌هایت را کوچک بردار و وقتی به درب شـرقی حرم رسیدی بایست و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خداونـد متعال نبوده در حالی که تنها است و شـریکی برای او نمی‌باشـد، و شـهادت می‌دهم که محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده او و این خدا بر مخلوقاتش می‌باشد، و شهادت می‌دهم که او سرور اوّلین و آخرین (گذشـتگان و آینـدگان) است، و شـهادت می‌دهم که آن حضـرت آقای انبیاء و فرسـتادگان حق تعالی است، درود بر رسول خـدا، حمد و سپاس خدائی را که ما را به این امر هدایت نمود و اگر او ما را هدایت نمی‌کرد هرگز به آن راه نمی‌یافتیم، همانا فرستادگان پروردگار ما حق را آورده‌انـد، خداوندا من شـهادت می‌دهم که این قبر فرزند حبیب و فرزند اختیار شده از مخلوقاتت می‌باشد، و او است که به کرامت تـو رسیده، تـو او را بواسـطه کتـابت (قرآن) مـورد اکرام خـود قرار داده‌ای، و اختصاصـش داده و بر وحی خـود امینش نمـوده‌ای، و مـواریث انبیـاء را به او اعطـاء فرمـوده‌ای و بر خلاـئق حجّت کرده‌ای، پس در دعوت خلاـئق به تو مبـالغه نمود و جانش را در راه تو بـذل و ایثار کرد تا بنـدگانت را از گمراهی و نادانی و تاریکی و شک و شـبهه نجات داده و به طرف هـدایت و رهائی از هلاکت بکشانـد در حالی که تو می‌بینی در عین اینکه دیـده نمی‌شوی و در حالی که در دیدگاهی بلند و مرتفع بوده و بر تمام اعمال و حرکات خلائق مشـرف هستی بهر صورت آن حضـرت برای نجات بشر قیام نمود ولی کسانی که مغرور دنیا واقع شده و آخرت را به بهاء انـدکی فروختنـد بر آن جناب هجوم آورده و بدین ترتیب تو و رسولت را به غضب آورده و بندگانی را که اهل شقـاق و نفـاق و حـاملین و زر و وبـال و مسـتوجب و مسـتحق دوزخ هسـتند را اطاعت و پیروی کردنـد، خـدا لعنت کنـد کشـندگان فرزندان رسولت را و عذاب دردناک را بر ایشان مضاعف و دو چندان کند.

*** ***

*** ***

ثُمَّ تَـدْنُو قَلِیلًا وَ قُلِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ صَـفْوَهِٔ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسَی کَلِیمِ اللَّهِ- السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِیسَی رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) السَّلَامُ عَلَیْـکَ یَـا وَارِثَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَـالِبٍ وَصِـیِّ رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّکِیِّ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ فَاطِمَـهَٔ الزَّهْرَاءِ سَیِّدَهِٔ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الصِّدِّیقُ الشَّهِیدُ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْوَصِـیُّ الرَّضِـیُّ الْبَارُّ التَّقِیُّ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْوَفِیُّ النَّقِیُّ أَشْـهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاهَٔ وَ آتَیْتَ الزَّکَاهَٔ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصـاً حَتَّی أَتَـاکَ الْیَقِینُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْـدِ اللَّهِ وَ رَحْمَـهُٔ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ- السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ عَلَی الْأَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَائِکَ وَ أَنَاخَتْ بِرَحْلِـکَ- السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَـهِٔ اللَّهِ الْمُحْـدِقِینَ بِکَ السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَـهِٔ اللَّهِ وَ زُوَّارِ قَبْرِ ابْنِ نَبِیِّ اللَّهِ ثُمَّ ادْخُلِ الْحَائِرَ [الْحَیْرَ]وَ قُلْ حِینَ تَـدْخُلُ السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَـهِٔ اللَّهِ الْمُقَرَّبِینَ السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَـهِٔ اللَّهِ الْمُنْزَلِینَ السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَـهِٔ اللَّهِ الْمُسَوِّمِینَ السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَـهِٔ اللَّهِ الَّذِینَ هُمْ مُقِیمُونَ فِی هَذَا الْحَائِرِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَهِٔ اللَّهِ الَّذِینَ هُمْ فِی هَذَا الْحَائِرِ یَعْمَلُونَ- وَ لِأَمْرِ اللَّهِ مُسَلِّمُونَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَ أَمِینِ اللَّهِ وَ ابْنَ خَالِصَـهِٔ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ مَا أَعْظَمَ مُصِـیبَتَکَ عِنْدَ جَدِّکَ [أَبِیکَ]رَسُولِ اللَّهِ (صـلی الله علیه و آله) وَ مَا أَعْظَمَ مُصِـیبَتَکَ عِنْدَ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ أَجَلَّ مُصِـیبَتَکَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلَی وَ عِنْدَ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُـلِهِ [عِنْدَ رُسُلِ اللَّهِ]السَّلَامُ مِنِّی إِلَیْکَ وَ التَّحِیَّهُٔ مَعَ عَظِیمِ الرَّزِیَّهِٔ عَلَیْکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْـلَابِ الشَّامِخَهِٔ وَ نُوراً فِی ظُلُمَاتِ

الْأَرْضِ وَ نُوراً فِی الْهَوَاءِ وَ نُوراً فِی السَّمَاوَاتِ الْعُلَی کُنْتَ فِیهَا نُوراً سَاطِعاً لَا یُطْفَأُ وَ أَنْتَ النَّاطِقُ بِالْهُدَی

سپس اندکی نزدیک شو و بگو:

درود بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت نوح پیغمبر خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت موسی، کلیم خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت امیر الموءمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام وصی و جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای وارث حضرت حسن بن علی پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای وارث حضرت فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان و صدیقه طاهره، سلام بر تو ای راستگو و ای شهید، سلام بر تو ای جانشین پیامبر که پسندیده و نیکوکار و پرهیزکار می‌باشی، درود بر تو ای وفاءکننده به عهد و پاکیزه، شهادت می‌دهم که تو نماز را به پا داشته و زکات را پرداخته و به کار نیک امر، از عمل زشت نهی فرمودی و عبادت خدا را مخلصا انجام داده تا وقتی که مرگ تو را دریافت، سلام بر تو ای ابا عبد اللّه و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، سلام بر تو و ارواحی که در اطراف فرود آمده، و رحل اقامت افکنده‌اند، درود بر فرشتگان خدا که اطراف تو را گرفته‌اند، درود بر فرشتگان خدا و زائرین قبر مطهّر فرزند پیغمبر خدا.

سپس داخل حائر بشو و در وقت داخل شدن بگو:

درود بر فرشتگان مقرّب خدا، درود بر فرشتگان خدا که از آسمان به زمین نازل می‌شوند، درود بر فرشتگان معلوم و معیّن خدا، درود بر فرشتگان خدا، آنان که به إذن پروردگارشان در این حائر مقیم شده‌اند، درود بر فرشتگان خدا آنان که در این حائر به عمل مشغول بوده و تسلیم امر خدا می‌باشند، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و ای فرزند امین خدا و فرزند اختیار و برگزیده خدا، درود بر تو ای ابا عبد اللّه ما از آن خدا بوده و به سویش بر می‌گردیم، چه قدر مصیبت شما نزد جدّتان رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بزرگ است، و چه قدر مصیبت شما نزد کسی که خدا را می‌شناسند عظیم می‌باشد، و چه قدر مصیبت شما در ملاء اعلی با عظمت است، و چه قدر مصیبت شما نزد انبیاء خدا و فرستادگان او بزرگ می‌باشد، درود من به تو و تحیّت و تهنیت من در حالی که مصیبت شما عظیم است بر شما، شما نوری بودی در صلب‌های عالی مقام، و نور بودی در تاریکی‌های زمین و هواء، و نور بودی در آسمانهای مرتفع، شما در آسمانها نور درخشانی بودی که خاموش‌شدنی نبود و شما به هدایت و رشد مردم سخن می گوئید.

ثُمَّ امْشِ قَلِیلًا وَ قُلِ اللَّهُ أَکْبَرُ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ هَلِّلْهُ سَبْعاً وَ احْمَدْهُ سَبْعاً وَ سَبِّحْهُ سَبْعاً وَ قُلْ لَبَّیْکَ دَاعِیَ اللَّهِ لَبَّیْکَ سَبْعاً وَ قُلْ- إِنْ کَانَ لَمْ یُجِبْکَ بَدَنِی عِنْدَ اسْتِغَاثَتِکَ وَ لِسَانِی عِنْدَ اسْتِنْصَارِکَ- فَقَدْ أَجَابَکَ قَلْبِی وَ سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ رَأْیِی وَ هَوَایَ عَلَی التَّسْلِیمِ لِخَلَفِ النَّبِیِّ الْمُرْسَلِ وَ السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَ الدَّلِیلِ الْعَالِمِ وَ الْأَمِینِ الْمُسْتَخْزَنِ وَ الْمُوءَدِّی الْمُبَلِّغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُضْطَهَدِ جِئْتُکَ یَا مَوْلَایَ انْقِطَاعاً إِلَیْکَ- وَ إِلَی جَدِّکَ وَ أَبِیکَ وَ وُلْدِکَ الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِکَ فَقَلْبِی لَکُمْ مُسَلِّمٌ وَ رَأْیِی لَکُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّی یَحْکُمَ اللَّهُ بِدِینِهِ وَ یَبْعَثَکُمْ- وَ أُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّکُمُ الْحُجَّةُ وَ بِکُمْ تُرْجَی الرَّحْمَةُ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لَا مَعَ عَدُوِّکُمْ- إِنِّی بِکُمْ مِنَ الْمُوءْمِنِینَ لَا أُنْکِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَ لَا أُکَذِّبُ مِنْهُ بِمَشِیَّةٍ. ثُمَّ امْشِ وَ قَصِّرْ خُطَاکَ حَتَّی تَسْتَقْبِلَ الْقَبْرَ وَ اجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَیْنَ کَتِفَیْکَ وَ اسْتَقْبِلْ بِوَجْهِکَ وَجْهَهُ وَ قُلِ السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنَ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ أَمِینِ اللَّهِ عَلَی رُسُلِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَ الْمُهَیْمِنِ عَلَی ذَلِکَ کُلِّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

سپس اندکی حرکت کن و بعد هر کدام از:

تکبیر و تهلیل و تسبیح و ذکر «لبّیک داعی اللّه»، را هفت مرتبه گفته و بعد بگو:

اگر در هنگام استغاثه و طلب پناه، بدن و جسمم تو را اجابت و زبانم هنگام طلب نصرت تو را یاری نکرده است پس همانا قلب و گوش و چشمم تو را اجابت می‌نمایند، و فکر و هوای من فرمان بردار و تسلیم فرزند نبیّ مرسل و سبط پیامبر برگزیده و مطیع راهنمای آگاه و امین نگاهدار و اداکننده رساننده و مظلوم مقهور می‌باشد، ای آقای من به نزد تو آمدم در حالی که از همه قطع و

به تو و جدّ و پدر و فرزندانت که جانشینان بعد از تو هستند خود را وصل نموده‌ام، پس قلبم تسلیم تو و رأی و فکرم تابع تو، و کمکم برای تو آماده بوده تا زمانی که خدا حکم برای دینش نموده و شما را برانگیزد، و خدا را شاهد می‌گیرم که شما حجّت او هستید، و به سبب شما امید رحمت می‌باشد، پس کسی که با شما است با شما بوده نه با دشمنانتان، همانا من از کسانی هستم که به شما ایمان دارم، قدرت خدا را انکار نداشته و مشیّتش را تکذیب نمی‌کنم، سپس حرکت کن و قدمهایت را کوچک بردار، مقابل قبر برسی و قبله را بین دو شانه‌ات قرار بده و صورتت را مقابل و روبروی قبر نما و بگو:

درود از طرف خدا بر تو، درود خدا بر حضرت محمّد که امین او بر فرستادگان و بر احکام شریعتش بوده و پایان بخش انبیاء و گشاینده آیندگان (اوصیاء) می‌باشد، فرمان روا است بر تمام، و درود و رحمت خدا و برکاتش بر تو، خدایا درود فرست بر محمّد که صاحب پیمان تو بوده و خاتمه بخش فرستادگان و سرور بندگانت می‌باشد، امین تو است در شهرها، و بهترین مردمان بوده زیرا از کتاب تو پیروی نمود، و با دشمنانت مبارزه نمود تا هنگامی که مرگ او را دریافت، بار خدایا درود بفرست بر امیر موءمنان که بنده تو و برادر رسولت بوده و تو او را به علم خودت برگزیدی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرارش دادی وی را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می‌نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می‌داد، سیاستمدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوندا وعده‌هائی را که در یاری نمودن دینت داده‌ای بواسطؤ آن حضرت عملی نما و به دست پرتوانش آنها را منجّز فرما، و دشمنانت را به وسیله آن حضرت هلاک نما و ما را در زمره دوست داران او محسوب نما، خدایا ما را شیعه و ناصر و مددکارش قرار بده تا در راه طاعت تو و رسولت و آنچه به او واگذارده‌ای و کسانی را که جانشینانش نموده‌ای گام برداریم ای پروردگار عالمیان، خدایا درود فرست بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولیّت، و مادر دو سبط رسول گرامی حضرت امام حسن و امام حسین، او که پاک و پاکیزه، بسیار راستگو و لایق و شایسته، سرور تمام زنان اهل بهشت است، درودی که غیر از تو کسی قادر بر احصاء و شمارش آن نباشد، خدایا درود فرست بر حسن بن علی بنده‌ات و فرزند برادر رسولت، که به علم خویش انتخابش نمودی، و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که به رسالت خود او را برانگیختی قرار دادی، و او را حاکمی قرار دادی که به عدالت حکم می‌نمود، و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می‌داد، سیاست‌مدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد، خداوندا درود بر حسین بن علی که بنده تو و فرزند برادر رسولت که با علم خودت او را انتخاب نموده بوده و وی را راهنمای مخلوقات و دلیل و برهان بر کسی که برسالت خود او را برانگیختی قرار دادی و او را حاکمی نصب کردی که به عدالت حکم می‌نمود و بین خلق تو با حکم تو اختلافات و منازعات را فیصله می‌داد، و سیاست‌مدار و حکم فرما بود بر تمام این امور، درود و رحمت و برکات تو بر او باد.

وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ تَحِيَّاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَاحِبِ مِيثَاقِكَ وَ خَاتِمِ رُسُلِكَ وَ سَيِّدِ عِبَادِكَ وَ أَمِينِكَ فِي بِلَادِكَ [عِبَادِكَ]وَ خَيْرِ بَرِيَّتِكَ كَمَا تَلَا كِتَابَكَ وَ جَاهَدَ عَدُوَّكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالاتِكَ- وَ دَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ أَتْمِمْ بِهِ كَلِمَاتِكَ وَ أَنْجِزْ بِهِ وَعْدَكَ وَ أَهْلِكْ بِهِ عَدُوَّكَ وَ اكْتُبْنَا فِي أَوْلِيَائِهِ وَ أَحِبَّائِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُ شِيعَةً وَ أَنْصَاراً وَ أَعْوَاناً عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ وَ مَا وَكَّلْتَهُ بِهِ وَ اسْتَخْلَفْتَهُ عَلَيْهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَ أُمِّ السِّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ الصِّدِّيقَةِ الزَّكِيَّةِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ [أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ_ [صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ- وَ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالاتِكَ وَ دَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ- وَ فَصْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ ابْنِ أَخِي

رَسُولِكَ الَّذِى انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالاتِكَ وَ دَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تُصَلِّى عَلَى الْأَئِمَّةِ كُلِّهِمْ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ أَتْمِمْ بِهِمْ كَلِمَاتِكَ وَ أَنْجِزْ بِهِمْ وَعْدَكَ وَ أَهْلِكْ بِهِمْ عَدُوَّكَ وَ عَدُوَّهُمْ- مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ عَنَّا خَيْرَ مَا جَازَيْتَ نَذِيراً عَنْ قَوْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُمْ شِيعَةً وَ أَنْصَاراً وَ أَعْوَاناً عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا لَهُمْ مِمَّنْ يَتَّبِعُ النُّورَ الَّذِى أُنْزِلَ مَعَهُمْ- وَ أَحْيِنَا مَحْيَاهُمْ وَ أَمِتْنَا مَمَاتَهُمْ وَ أَشْهِدْنَا مَشَاهِدَهُمْ فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَقَامٌ أَكْرَمْتَنِى بِهِ وَ شَرَّفْتَنِى بِهِ وَ أَعْطَيْتَنِى فِيهِ رَغْبَتِى عَلَى حَقِيقَةِ إِيمَانِى بِكَ وَ بِرَسُولِكَ ثُمَّ تَدْنُو قَلِيلًا مِنَ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ كُلَّمَا تَرُوحُ الرَّائِحَاتُ الطَّاهِرَاتُ لَكَ وَ عَلَيْكَ سَلَامُ الْمُؤْمِنِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمُ النَّاطِقِينَ لَكَ بِفَضْلِكَ بِأَلْسِنَتِهِمْ أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ صِدِّيقٌ صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ وَ صَدَقْتَ فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ وَ أَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِى الْأَرْضِ- اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِى فِى أَوْلِيَائِكَ وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَ شَهَادَتَهُمْ- فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ- إِنَّكَ على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ التُّقَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وِتْرَ اللَّهِ وَ ابْنَ وِتْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَ أَنَّ قَاتِلَكَ فِى النَّارِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِى اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ لَمْ تَأْخُذْكَ [لَمْ تُوءَخِّرْكَ]فِى اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ وَ أَنَّكَ عَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى خَلْقِهِ أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ لَكُمْ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى وَ فَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ طِينَةٌ طَيِّبَةٌ طَابَتْ وَ طَهُرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَحْمَتِهِ- وَ أُشْهِدُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ كَفَى بِهِ شَهِيداً وَ أُشْهِدُكُمْ أَنِّى بِكُمْ مُوءْمِنٌ- وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِى ذَاتِ نَفْسِى وَ شَرَائِعِ دِينِى وَ خَوَاتِيمِ [خَاتِمَةِ]عَمَلِى وَ مُنْقَلَبِى وَ مَثْوَايَ- فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُتَمِّمَ ذَلِكَ لِى أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ وَ قُتِلْتُمْ وَ غُصِبْتُمْ وَ أُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَصَبَرْتُمْ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَتْكُمْ وَ أُمَّةً جَحَدَتْ وَلَايَتَكُمْ وَ أُمَّةً تَظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ وَ أُمَّةً شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ- وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ وَ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ

و سپس بر تمام أئمه عليهم السّلام درود بفرست به همان طورى كه بر حضرت امام حسن و امام حسين عليهما السّلام درود فرستادى و بعد از آن بگو:

بار خدايا وعده‌هائى را كه در يارى نمودن دينت داده‌اى به واسطه اين حضرات عليهم السّلام عملى نما و به دست پرتوانشان آنها را منجّز فرما، و دشمنان جنّى و انسى خود و ايشان را جملگى به واسطه اين حضرات هلاک فرما، بار خدايا ايشان را از طرف ما جزاء بده، جزاء و پاداش نيكوئى كه به ترساننده از طرف قومش مى‌دهى، خدايا ما را شيعه و ناصر و مددكار ايشان قرار بده تا در راه طاعت تو و رسولت گام برداريم، خدايا ما را از كسانى قرار بده كه از نورى كه با ايشان قرار داده‌اى تبعيّت كنيم، و حياتى به ما ببخش همچون حيات ايشان، و مماتى نصيبمان گردان مانند ممات ايشان و در دنيا و آخرت ما را در مشاهد ايشان حاضر گردان، خدايا اين مقام و مرتبه‌اى است كه من را با آن مورد كرامت قرار داده، و شرافتم به آن داده‌اى و بواسطه‌اش در من به حقيقت ايمان به تو و به رسولت ميل و رغبت ايجاد نموده‌اى.

سپس اندكى نزديک به قبر شو و بگو:

سلام و درود بر تو اى فرزند رسول خدا، و درود خدا و درود فرشتگان مقرّب و انبياء مرسلش بر تو باد هر زمانى كه نسيم‌هاى پاک و خوش مى‌وزند، و درود قلبى موءمنان بر تو، آنان كه زبانشان به فضل تو گويا است، شهادت مى‌دهم كه تو راستگو و بسيار درستكار بوده و در آنچه مردم را به آن دعوت نمودى راست مى‌گفتى، و در آنچه انجام داده‌اى درستكار بوده‌اى، و شهادت مى‌دهم كه تو خون خدا در زمين هستى، بار خدايا من را در زمره دوستانت قرار بده، و در دنيا و آخرت شهادت و مشاهدشان را محبوب من گردان، همانا تو بر هر چيز قادر هستى. و بگو:

درود بر تو ای ابا عبد اللّه، خدا رحمت کند تو را ای ابا عبد اللّه، درود خدا بر تو ای ابا عبد اللّه، درود بر تو ای پیشوای هدایت، درود بر تو ای نشانه تقوی و پرهیزکاری، درود بر تو ای حجت خدا بر اهل دنیا، درود بر تو ای حجّت خدا و فرزند حجّت خدا، درود بر تو ای پیغمبر خدا، درود بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا، درود بر تو ای خون تنها مانده خدا و پسر خون تنها مانده خدا، شهادت می‌دهم که تو مظلوم کشته شدی، و قاتل تو در دوزخ خواهد بود، و شهادت می‌دهم که تو در راه خدا آن طوری که شایسته است جهاد نمودی، و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای متوجّه تو نگردیده، و محقّقا خدا را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت، شهادت می‌دهم که شما اهل بیت مظهر پرهیزکاری و باب هدایت مردم، و حجّت بر مخلوقات می‌باشید، شهادت می‌دهم که این مقام برای شما در گذشته سابقه داشته است، و در آینده گشاینده خواهد بود، و شهادت می‌دهم که ارواح و حقیقت شما پاک می‌باشد، پاک بوده و پاک می‌باشد در حالی که بعضی از برخی دیگر بوده ناشی از ذات اقدس الهی و از رحمت واسعه‌اش می‌باشد، شاهد می‌گیرم حق تبارک و تعالی را بر این گفتارم و او برای شاهد بودن کافی است، و شما را شاهد می‌گیرم که ایمان به شما داشته و در حقیقت نفسم و احکام دینم و پایان کارها و حرکات و منزل آخرم تابع و پیرو شما می‌باشم، پس از خداوند نیک رفتار و مهربان درخواست می‌کنم که این معنا را برایم فراهم و میسور فرماید، شهادت می‌دهم که شما تبلیغ رسالتهای خود را نموده و زبان به خیر خواهی مردم گشوده و در مشکلات صبر نموده و در پایان امر در راه خدا کشته شده‌اید، حقوق شما غصب شد، اذیّت‌ها و بدی‌ها متوجّه شما گردید ولی تحمل نمودید، خدا لعنت کند گروهی را که با شما مخالفت نمودند و جمعی را که ولایت شما را انکار کردند، و دسته‌ای را که بر علیه شما تظاهر نمودند، و قومی را که در جنگ با شما حاضر شده و نخواستند که در راه شما شهید شوند، حمد و ستایش خدائی را که جهنّم را جایگاهایشان قرار داد و آن بد جایگاه و بد عطائی است که به ایشان اعطاء می‌گردد.

وَ تَقُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ثَلَاثاً وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ سَالِبِيكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ خَاذِلِيكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَايَعَ عَلَى قَتْلِكَ وَ مَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ وَ شَارَكَ فِي دَمِكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ أَوْ سَلَّمَ إِلَيْهِ أَنَا أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ وَلَايَتِهِمْ وَ أَتَوَلَّى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ آلَ رَسُولِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكَ وَ سَفَكُوا دَمَكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ وَ سَفَكُوا دِمَاءَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ قَتَلَةَ أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ وَ ذقهم [أَذِقْهُمْ بَأْسَكَ وَ ضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ وَ الْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلًا اللَّهُمَّ أَحْلُلْ بِهِمْ نَقِمَتَكَ وَ ائْتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ وَ خُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُونَ وَ عَذِّبْهُمْ عَذاباً نُكْراً وَ الْعَنْ أَعْدَاءَ نَبِيِّكَ وَ آل نَبِيِّكَ لَعْناً وَبِيلًا اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجِبْتَ وَ الطَّاغُوتَ وَ الْفَرَاعِنَةَ- إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ تَقُولُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِلَيْكَ كَانَتْ رِحْلَتِي مَعَ بُعْدِ شُقَّتِي وَ لَكَ فَاضَتْ عَبْرَتِي- وَ عَلَيْكَ كَانَ أَسَفِي وَ نَحِيبِي وَ صُرَاخِي وَ زَفْرَتِي وَ شَهِيقِي وَ إِلَيْكَ كَانَ مَجِيئِي وَ بِكَ أَسْتَتِرُ مِنْ عَظِيمِ جُرْمِي أَتَيْتُكَ وَافِداً قَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا سَيِّدِي بَكَيْتُكَ يَا خِيَرَةَ اللَّهِ وَ ابْنَ خِيَرَتِهِ وَ حَقٌّ لِي أَنْ أَبْكِيَكَ وَ قَدْ بَكَتْكَ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ وَ الْجِبَالُ وَ الْبِحَارُ فَمَا عُذْرِي إِنْ لَمْ أَبْكِكَ وَ قَدْ بَكَاكَ حَبِيبُ رَبِّي وَ بَكَتْكَ الْأَئِمَّةُ ع- وَ بَكَاكَ مَنْ دُونَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى إِلَى الثَّرَى جَزَعاً عَلَيْكَ

و سه مرتبه بگو:

درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای ابا عبد اللّه.

بعد بگو:

و بر جان و بدنت، خدا کشندگان تو را لعنت کند، خدا لعنت کند آنان که جامه از بدنت بیرون آوردند، خدا لعنت کند کوبندگان تو را، خدا لعنت کند کسانی را که پی‌گیر کشتن تو بودند، و کسی که فرمان به کشتن تو داد، و در خونت شرکت کرد، و خدا لعنت کند کسی را که وقتی خبر کشتن تو را شنید راضی به آن شد یا در مقابلش تسلیم گشت و گردن نهاد، ما به سوی خدا پناه

می‌بریم از دوست داشتن این جماعات و دوست داریم خدا و رسول و آل رسولش را، و شهادت می‌دهم آنان که حرمت تو را هتک کرده و خونت را ریختند ملعون و از رحمت واسعه حق به دور می‌باشند، و این لعنت بر زبان پیامبر امیّ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در حق ایشان جاری شده است، خدایا کشندگان امیر المؤمنین علیه السّلام را لعنت کن، و عذاب دردناک را بر ایشان چندان نما، خدایا کشندگان حسین بن علی علیهما السّلام را لعنت کن، و نیز کشندگان یاران حسین بن علی علیهما السّلام را مورد لعن خود قرار بده، و حرارت آتش جهنّم خود را به ایشان برسان، و عذابت را به آنها بچشان، و عذاب دردناک را بر آنها چندان نما، و لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و شدید، خدایا نقمت و عقوبتت را بر ایشان فرود آور، و از جایی که گمان ندارند عقابت را نصیبشان گردان، و از جایی که شعور و درک آن را نمی‌کنند مورد مآخذه قرارشان بده، و ایشان را عذابی سخت بنما، و لعنت کن دشمنان پیغمبرت را، و دشمنان آل پیغمبرت را لعنتی سخت و شدید، خدایا جبت (باطل) و طاغوت (یاغی و سرکش) و متکبران را لعنت نما، تو بر هر چیزی قدرت داری.

و بگو:

ای ابا عبد اللّه پدر و مادرم فدایت شوند، با اینکه طی طریق بطرف شما بسیار دور است مع ذلک مرکب من به سوی تو در حرکت است، و اشکهایم برای تو ریزان می‌باشند، و تأسّف و گریه شدید من بر تو است، فریاد و جیق و بغض نمودنم بخاطر تو می‌باشد، آمدنم به سوی تو است، به واسطه تو خواهان پوشیده شدن گناهان بزرگم می‌باشم، آمدم نزد تو در حالی که زیارت‌کننده تو بوده و مسافری هستم که از بار گران سفر پشتم خمیده گشته، پدر و مادرم فدای تو، ای آقای من گریستم بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده حق، و بر من است که بر تو بگریم، همانا آسمانها و زمینها و کوه‌ها و دریاها بر تو گریسته‌اند، پس اگر بر تو گریه نکنم هیچ عذری ندارم، و حبیب پروردگارم بر تو گریه کرده و ائمه هدی که درود خداوند بر ایشان باد نیز بر تو گریسته‌اند، و تمام موجوداتی که در طبقه بین سدرة المنتهی و کره خاک می‌باشند بر تو گریسته و جزع و ناله نموده‌اند.

ثُمَّ اسْتَلِمِ الْقَبْرَ وَ قُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَمِينُهُ بَلَّغْتَ نَاصِحاً وَ أَدَّيْتَ أَمِيناً وَ قُلْتَ صَادِقاً وَ قُتِلْتَ صِدِّيقاً فَمَضَيْتَ شَهِيداً وَ مَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمًى عَلَى هُدًى وَ لَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ وَ لَمْ تُجِبْ إِلَّا اللَّهَ وَحْدَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ بَلَّغْتَ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ قُمْتَ بِحَقِّهِ- وَ صَدَّقْتَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُوهِنٍ فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ- وَ أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ- بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً [شَاهِداً]وَ مُسْتَشْهَداً وَ مَشْهُوداً فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً أَشْهَدُ أَنَّكَ طُهْرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طُهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ طَهُرْتَ- وَ طَهُرَتْ أَرْضٌ أَنْتَ بِهَا وَ طَهُرَ حَرَمُكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ [أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَ دَعَوْتَ إِلَيْهِ_ [وَ الْعَدْلِ وَ دَعَوْتَ إِلَيْهِمَا وَ أَشْهَدُ أَنَّ أُمَّةً قَتَلَتْكَ أَشْرَارُ خَلْقِ اللَّهِ وَ كَفَرَتُهُ وَ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي- وَ أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي وَ رَغْبَتِي فِي أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ

سپس دست به قبر بکش و بگو:

درود بر تو ای ابا عبد اللّه، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا، درود بر تو ای حجّت خدا و پسر حجّت خدا، شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی، تبلیغ کردی در حالی که به دیگران اندرز دادی و اداء کردی در حالی که امین بودی، مطالب را گفتی در حالی که راست‌گو بودی، و کشته شدی در حالی که بسیار راست‌گو بودی، پس از این جهان عبور کردی و شهید گشتی، در حالی که صاحب یقین بودی، نابینائی را بر هدایت اختیار نکردی، از حقّ به باطل میل نکردی، اجابت نکردی مگر خداوند را به تنهائی، و شهادت می‌دهم که تو بر حجّیت از پروردگارت بودی، آنچه که مأمور به رساندنش شدی را تبلیغ فرمودی، و به حق آن قیام نمودی، و حجّت‌های پیش از خود را تصدیق نمودی در حالی که هیچ سستی از خود نشان نداده و ابدا آنها را توهین ننمودی،

پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنى، پاداش خير دهد خدا به تو، شهادت مى‌دهم كه جهاد همراه تو جهاد مى‌باشد، و حق با تو و به سوى تو مى‌باشد، و تو اهل و مركز آن مى‌باشى، و ميراث نبوّت نزد تو و اهل بيت تو مى‌باشد، و شهادت مى‌دهم كه تو تبليغ نموده و نصيحت كردى، و به عهدت وفاء نمودى و در راه خدا با بيان حكمت و موعظه حسنه‌اى كه نمودى جهاد كردى، و شهادت مى‌دهم كه تو گذشتى و عبور نمودى بر آن طريق حقّى كه داشتى در حالى كه شاهد آنچه از اين امت صادر شده بوده و خدا و رسول و فرشتگان شهادت مى‌دهند كه تو بر حق و طريق مستقيم بودى.

پس رحمت فرستاد خدا بر تو و سلام داد سلام دادنى، شهادت مى‌دهم كه تو نفس پاكى و پاك و پاكيزه‌شده‌اى، از نفس پاكى و پاك و پاكيزه شده مى‌باشى، پاك مى‌باشى و زمينى كه تو در آن هستى نيز پاك مى‌باشد، و حرم تو نيز پاك است، شهادت مى‌دهم كه تو به عدل و ميانه‌روى امر نموده و مردم را به اين دو دعوت كردى، و شهادت مى‌دهم گروهى كه تو را كشتند بدترين مخلوقات خدا و از كافرين مى‌باشد، و من جهت آمرزش تمام گناهانم تو را نزد خدايت و خداى خودم شفيع قرار مى‌دهم، و به واسطؤ تو در تمام نيازمندى‌ها و خواستهايم در ارتباط به امر دنيا و آخرت به طرف خدا روى مى‌نمايم.

ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْقَبْرِ وَ مَنْ فِيهِ وَ بِحَقِّ هَذِهِ الْقُبُورِ وَ مَنْ أَسْكَنْتَهَا أَنْ تَكْتُبَ اسْمِى عِنْدَكَ فِى أَسْمَائِهِمْ حَتَّى تُورِدَنِى مَوَارِدَهُمْ وَ تُصْدِرَنِى مَصَادِرَهُمْ- إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ تَقُولُ رَبِّ أَفْحَمَتْنِى ذُنُوبِى وَ قَطَعَتْ مَقَالَتِى- فَلَا حُجَّةَ لِى وَ لَا عُذْرَ لِى فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِى الْأَسِيرُ بِبَلِيَّتِى الْمُرْتَهِنُ بِعَمَلِى الْمُتَجَلِّدُ فِى خَطِيئَتِى الْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِى الْمُنْقَطَعُ بِى قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِى يَا رَبِّ مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْأَذِلَّاءِ الْمُذْنِبِينَ الْمُجْتَرِءِينَ عَلَيْكَ الْمُسْتَخِفِّينَ بِوَعِيدِكَ يَا سُبْحَانَكَ أَيَّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ وَ أَيَّ تَغْرِيرٍ غَرَرْتُ بِنَفْسِى وَ أَيُّ سَكْرَةٍ أَوْبَقَتْنِى وَ أَيُّ غَفْلَةٍ أَعْطَبَتْنِى مَا كَانَ أَقْبَحَ سُوءَ نَظَرِى وَ أَوْحَشَ فِعْلِى يَا سَيِّدِى فَارْحَمْ كَبْوَتِى لِحُرِّ وَجْهِى وَ زَلَّةَ قَدَمِى وَ تَعْفِيرِى فِى التُّرَابِ خَدِّى وَ نَدَامَتِى عَلَى مَا فَرَطَ مِنِّى وَ أَقِلْنِى عَثْرَتِى وَ ارْحَمْ صُرَاخِى وَ عَبْرَتِى وَ اقْبَلْ مَعْذِرَتِى وَ عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِى- وَ بِإِحْسَانِكَ عَلَى خَطِيئَاتِى وَ بِعَفْوِكَ عَلَيَّ رَبِّ أَشْكُو إِلَيْكَ قَسَاوَةَ قَلْبِى وَ ضَعْفَ عَمَلِى فَامْنَحْ بِمَسْأَلَتِى فَأَنَا الْمُقِرُّ بِذَنْبِى الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِى وَ هَذِهِ يَدِى وَ نَاصِيَتِى أَسْتَكِينُ لَكَ بِالْقَوَدِ مِنْ نَفْسِى فَاقْبَلْ تَوْبَتِى وَ نَفِّسْ كُرْبَتِى وَ ارْحَمْ خُشُوعِى وَ خُضُوعِى وَ انْقِطَاعِى إِلَيْكَ سَيِّدِى وَا أَسَفَا عَلَى مَا كَانَ مِنِّى وَ تَضَرُّعِى وَ تَعْفِيرِى فِى تُرَابِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ بَيْنَ يَدَيْكَ فَأَنْتَ رَجَائِى وَ ظَهْرِى وَ عُدَّتِى وَ مُعْتَمَدِى لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سپس گونه راست خود را روى قبر گذار و بگو:

خدايا از تو درخواست مى‌كنم به حق اين قبر و كسى كه در آن است و به حق اين قبور و كسانى كه در آنها ساكنشان كردى، اينكه نام من را نزد خودت در اسماء ايشان ثبت و ضبط كرده تا واردم كنى به محل ورودشان و خارجم نمائى از محلّ خروجشان، همانا تو بر هر چيز قادر و توانائى.

و بگو:

بار خدايا من را در مقابل گناهانم مفحم و بلا جواب قرار داده و گفتارم را قطع كرده در نتيجه هيچ حجّتى و عذرى براى من نبوده و به گناهانم اقرار دارم، به واسطه بليّه‌اى كه خود فراهم كرده‌ام اسير بوده و در گرو عمل و كردار خويش مى‌باشم، نهايت سعى و كوشش خود را گناهان و لغزش‌هاى خود نموده‌ام، از مقصود و طريق مستقيم وامانده و متحيّر مى‌باشم، درمانده و راه به رويم بسته شده، پروردگارا خود را در جاى اشقياء گمراه و خطاكار قرار داده‌ام، آنان كه بر تو جرات كرده و عصيانت را كرده، و به وعيدهاى تو اعتناء نكرده و آنها را سبك تلقّى كرده‌اند، سبحان اللّه! چه جراتى بر تو از خود نشان داده، و چه ضررى به نفس خويش وارد كرده، و چه مستى من را هلاك نمود و چه غفلت و بى‌خبرى من را نابود نمود، چقدر كريه و زشت است بد نظرى من و چقدر وحشت‌ناك است كردار من، اى آقاى من به خاطر رخسارم بر به روى افتادنم، و بر لغزش قدمم، و بر ماليدن صورتم را بر خاك و بر پيشانيم بر آنچه از من صادر شده، رحم فرما، و از گناهم درگذر، و بر فرياد و اشكهاى گردان در چشمم ترحم نما، و عذر من را

بپـذیر، و در مقابـل جهـل و نـادانی من به حلم و بردبـاری خود بر گرد، و در قبال خطاء و اشـتباهاتم به احسانت عمل نما، و به عفو و بخشـشت با من رفتار کن، پروردگارا از سـنگ دلی و ضـعف کردارم به تو شکایت می‌کنم پس در مقابل سوءال و درخواستم عطاء نمـا، من به گنـاهم اقرار دارم، به خطـاء خویش معترفم، این دست من و پیشـانی من است که در اختیـار تو گـذارده تا از من قصاص نمائی، پس توبه من را بپـذیر و حزن و انـدوهم را بر طرف کن، ای آقای من به خشوع و خضوع و جداشدنم از غیر و وصل‌شدنم به تو ترحّم نمـا، ای اسف و افسوس بر آنچه از من صـادر شـده و در تربت قبر پسـر پیغمبرت در مقابـل تو خود را غلطانـده و به خـاک آلوده نموده‌ام، تو امید و پشت و پناه و تکیه‌گاه من می‌باشی، نیست خدائی غیر از تو.

ثُمَّ کَبِّرْ خَمْساً وَ ثَلَاثِینَ تَکْبِیرَةً ثُمَّ تَرْفَعُ یَدَیْکَ وَ تَقُولُ- إِلَیْکَ یَا رَبِّ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِی وَ إِلَی ابْنِ نَبِیِّکَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ- رَجَاءً لِلْمَغْفِرَةِ فَکُنْ لِی یَا وَلِیَّ اللَّهِ سَکَناً وَ شَفِیعاً وَ کُنْ بِی رَحِیماً وَ کُنْ لِی مَنْجاً [مُمْنِجاً یَوْمَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضی یَوْمَ لَا تَنْفَعُ شَفاعَةُ الشّافِعِینَ وَ یَوْمَ یَقُولُ أَهْلُ الضَّلَالَةِ- فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ وَ لا صَدِیقٍ حَمِیمٍ فَکُنْ یَوْمَئِذٍ فِی مَقَامِی بَیْنَ یَدَیْ رَبِّی لِی مُنْقِذاً فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِی إِذَا ارْتَعَدَتْ فَرَائِصِی وَ أُخِذَ بِسَمْعِی وَ أَنَا مُنَکِّسٌ رَأْسِی بِمَا قَدَّمْتُ مِنْ سُوءِ عَمَلِی وَ أَنَا عَادٍ کَمَا وَلَدَتْنِی أُمِّی وَ رَبِّی یَسْأَلُنِی فَکُنْ لِی شَفِیعاً وَ مُنْقِذاً فَقَدْ أَعْدَدْتُکَ لِیَوْمِ حَاجَتِی وَ یَوْمِ فَقْرِی وَ فَاقَتِی

سپس سی و پنج مرتبه تکبیر گفته و پس از آن دو دستت را بلند کرده و بگو:

ای پروردگارم، از سـرزمین خود بسوی تو قصد نمودم، و به سوی پسـر پیغمبرت شـهرها را پیمودم به امید اینکه گناهانم را بیامرزی، پس ای ولیّ خدا تکیه‌گاه و شـفیع من بوده، و نسبت به من مهربان و در روزی که نزد حق تعالی شـفاعت کسـی غیر از پسندیدگان در دربارش پذیرفته نمی‌شود همان روزی که خود در قرآن به آن اشاره کرده و فرمود: یوم لا تنفع شـفاعة الشّافعین، و همان روز که اهل ضلال و گمراهی می‌گویند: فَما لَنا مِنْ شافِعِینَ وَ لا صَدِیقٍ حَمِیمٍ، نجات‌گاه و شفاعت‌کننده من باش، پس در این روز در مقابل پروردگارم برای من نجات دهنده باش چه آنکه وقتی گوشت‌های بدنم بلرزند و گوشم گرفته شود و بواسطه اعمال زشت که از من صادر شـده سـرافکنده باشم و جرم و گناه خود را بسیار بزرگ ببینم و در آن حال همچون روزی که مادر مرا زائیـده لخت و برهنه باشم و پروردگارم من را طرف سوءال و عتاب قرار دهـد تو در آن وقت شافع و نجات دهنـده من باش، من تو را برای روز احتیاج و هنگام تهی دستی و نیازم برای خود ذخیره کرده‌ام.

ثُمَّ ضَعْ خَدَّکَ الْأَیْسَرَ عَلَی الْقَبْرِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَضَرُّعِی فِی تُرَابِ قَبْرِ ابْنِ نَبِیِّکَ فَإِنِّی فِی مَوْضِعِ رَحْمَةٍ یَا رَبِّ وَ تَقُولُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ إِنِّی أَبْرَأُ إِلَی اللَّهِ مِنْ قَاتِلِکَ وَ مِنْ سَالِبِکَ یَا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَکَ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیماً وَ أَبْذُلُ مُهْجَتِی فِیکَ وَ أَقِیکَ بِنَفْسِی وَ کُنْتُ فِیمَنْ أَقَامَ بَیْنَ یَدَیْکَ حَتَّی یُسْفَکَ دَمِی مَعَکَ- فَأَظْفَرُ مَعَکَ بِالسَّعَادَةِ وَ الْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَ تَقُولُ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ رَمَاکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ طَعَنَکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنِ اجْتَزَّ رَأْسَکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَمَلَ رَأْسَکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ نَکَتَ بِقَضِیبِهِ بَیْنَ ثَنَایَاکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَبْکَی نِسَاءَکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَیْتَمَ أَوْلَادَکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ عَلَیْکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَارَ إِلَیْکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَکَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَشَّکَ وَ خَلَّاکَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ صَوْتَکَ فَلَمْ یُجِبْکَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ آکِلَةِ الْأَکْبَادِ وَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَهُ وَ أَعْوَانَهُ وَ أَتْبَاعَهُ وَ أَنْصَارَهُ وَ ابْنَ سُمَیَّةَ وَ لَعَنَ اللَّهُ جَمِیعَ قَاتِلِیکَ وَ قَاتِلِی أَبِیکَ وَ مَنْ أَعَانَ عَلَی قَتْلِکُمْ وَ حَشَا اللَّهُ أَجْوَافَهُمْ وَ بُطُونَهُمْ وَ قُبُورَهُمْ نَاراً وَ عَذَّبَهُمْ عَذَاباً أَلِیماً

سپس گونه چپ را روی قبر گزارده و بگو:

خدایا به تضرّع من در خاک قبر پسر پیغمبرت رحم فرما چه آنکه من در جای رحمت تو قرار گرفته‌ام ای پروردگار من.

و بعد بگو:

پـدر و مادرم فـدای تو ای پسـر رسول خدا، من از کشـنده تو و کسـی که جامه از بدنت بدر آورده به سوی خدا بی‌زاری می‌جویم، کاش با تو می‌بودم پس به رسـتگاری عظیمی نائل می‌شدم و خون قلبم را در راه تو ایثار می‌کردم و با بذل نفس تو را نگه می‌داشتم و کـاش در میـان کسـانی بودم که در مقابـل تو به جهـاد برخاسـته و از تو حمـایت نمودنـد تا خونم با تو به زمین می‌ریخت و بـدین

ترتیب با تو به سعادت و رسیدن به بهشت دست می‌یافتم.

و بگو:

خدا لعنت کند کسی که به تو تیر انداخت، خدا لعنت کند کسی را که به تو نیزه زده، خدا لعنت کند کسی را که سر تو را برید، خدا لعنت کند کسی که سر تو را با خود حمل نمود، خدا لعنت کند کسی را که با چوب به وسط دندان‌های ثنایای تو زد، خدا لعنت کند کسی را که زنان تو را گریاند، خدا لعنت کند کسی را که فرزندانت را یتیم نمود، خدا لعنت کند کسی را که دشمنان تو را کمک کرد، خدا لعنت کند کسی را که به منظور جنگ با تو سیر و سفر نمود، خدا لعنت کند کسی را که تو را از آب فرات منع کرد، خدا لعنت کند کسی را که به تو خیانت نمود و تنهایت گذارد، خدا لعنت کند کسی را که صدای تو را شنید و جوابت را نداد، خدا لعنت کند پسر خورنده جگرها را، و خدا لعنت کند فرزند و یاران و تابعین و مددکارانش و فرزند سمیّه را، و خدا لعنت کند تمام کشندگان تو و آنان را که بر کشتنت کمک کردند، و خدا درون و دلها و قبرهای ایشان را پر از آتش کند، و ایشان را عذابی دردناک نماید.

ثُمَّ تُسَبِّحُ عِنْدَ رَأْسِهِ أَلْفَ تَسْبِيحَةٍ مِنْ تَسْبِيحِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ إِنْ أَحْبَبْتَ تَحَوَّلْتَ إِلَى عِنْدِ رِجْلَيْهِ وَ تَدْعُو بِمَا قَدْ فَسَّرْتُ لَكَ ثُمَّ تَدُورُ مِنْ عِنْدِ رِجْلَيْهِ إِلَى عِنْدِ رَأْسِهِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ سَبَّحْتَ وَ التَّسْبِيحُ تَقُولُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ- سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَاوِرُ أَحَداً فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ ثُمَّ تَحَوَّلُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَ ضَعْ يَدَكَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ثَلَاثاً صَبَرْتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ بِالْأَيْدِي وَ الْأَلْسُنِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْبَابِ- صَرِيخَ الْأَخْيَارِ إِنِّي عُذْتُ مَعَاذاً فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ جِئْتُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَافِداً إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ وَ بِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ وَ بِكَ يُدْرِكُ أَهْلُ الثَّوَابِ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ- أَسْأَلُ وَلِيَّكَ وَ وَلِيَّنَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكَ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ تَضَعُ خَدَّيْكَ عَلَيْهِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ انْتَقِمْ مِمَّنْ رَضِيَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ انْتَقِمْ مِمَّنْ خَالَفَ الْحُسَيْنَ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ انْتَقِمْ مِمَّنْ فَرِحَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ وَ تَبْتَهِلُ إِلَى اللَّهِ فِي اللَّعْنَةِ عَلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ تُسَبِّحُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ أَلْفَ تَسْبِيحَةٍ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (صلى الله عليه و آله) فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ فَمِائَةَ تَسْبِيحَةٍ وَ تَقُولُ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ الْفَاخِرِ الْعَظِيمِ [الْعَمِيمِ_ [سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْعَظِيمِ.

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَ الْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَ الْوَقَارِ- سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا وَ خَفَقَانَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَ لَا هَكَذَا غَيْرُهُ

سپس نزدیک سر مبارک آن جناب هزار مرتبه تسبیح حضرت امیر المومنین علیه السّلام را بگو، و اگر خواستی تسبیح حضرت را نگو تا پائین پاهای مبارک برسی و دعاء کن به آنچه بعدا برایت شرح خواهم داد (و محتمل است مراد دعاهائی باشد که قبلا حضرت برای ابو حمزه ثمالی بیان فرمودند) بهر صورت پس از رسیدن به پائین پا و خواندن دعا دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک برسان و پس از فراغت از نماز تسبیح بگو و مراد از تسبیح، تسبیح امیر المومنین علیه السّلام است که به آن اشاره شد و آن اینست که بگوئی: منزّه است کسی که معالم و نشانه‌های دالّه بر او کهنه‌شدنی نیست، منزّه است کسی که خزائنش کم‌شدنی نیست، منزّه است کسی که دوران سلطنتش منقرض شدنی نیست، منزّه است کسی که آنچه نزدش هست تمام‌شدنی نیست، منزّه است کسی که فخر و بزرگی او زایل‌شدنی نیست، منزّه است کسی که در کارهایش با کسی مشورت نمی‌کند، منزّه است کسی که معبودی غیر از او نمی‌باشد.

سپس به پائین پاهای مبارک منتقل شو و دست بر قبر بگذار و بگو:
درود و رحمت فرستد خدا بر تو ای ابا عبد اللّه (سه مرتبه) صبر کردی و تو راستگو و تصدیق‌شده‌ای، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبانهایشان کشتند.
و بعد بگو:
خداوندا ای صاحب صاحب‌ها، و ای پناه دهنده خوب‌ها، من پناه می‌آورم پناه آوردنی، پس من را از آتش دوزخ برهان، آمدم نزد تو ای فرزند رسول خدا در حالی که به سویت سفر نمودم، در تمام نیازمندی‌هایم چه امور اخروی بوده و چه دنیوی به خدا متوسّل می‌شوم، و تمام متوسّلین به خدا در جمیع نیازمندی‌هایشان تو را واسطه و وسیله قرار می‌دهند، و به واسطه تو بندگانی که اهل پاداش و اجر هستند مطلوب خود را درک می‌کنند، از ولیّ تو و ولیّ خود درخواست می‌کنم که بهره من از زیارت تو را صلوات بر محمّد و آل محمّد و آمرزش گناهان من قرار دهد، خداوندا، ما را از کسانی قرار بده که تو آنها را یاری می‌کنی و بواسطه ایشان دینت را در دنیا و آخرت مدد می‌نمائی.
سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:
خداوندا، ای پروردگار حسین، شفا بده سینه حسین را، خدایا، ای پروردگار حسین! خون خواهی خون حسین نما، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که به قتل حسین راضی شد انتقام بکش، خداوندا ای پروردگار حسین! از کسی که مخالفت حسین را نمود انتقام بگیر، خداوندا، ای پروردگار حسین از کسی که کشته شدن حسین او را شاد و مسرور نمود انتقام بگیر، و در لعن نمودن بر قاتلین امام حسین و امیر الموءمنین علیهما السّلام به خدا التماس و تضرّع نما و در پائین پا هزار مرتبه تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلّی اللّه علیها را بگو اگر نتوانستی آن را صد مرتبه بگو و آن تسبیح عبارتست از اینکه بگوئی:
منزّه است خدائی که صاحب عزّت بوده و مقامش رفیع و عالی است، و منزّه است خداوندی که صاحب جلال و بزرگی عظیم می‌باشد، منزّه است خداوندی که صاحب سلطنت عظیم و قدیم می‌باشد، منزّه است خداوندی که صاحب پادشاهی و بزرگ می‌باشد، منزّه است کسی که لباس عزّت و زیبائی پوشیده، منزّه است کسی که با نور و وقار و بردباری آراسته و مزیّن گردیده، منزّه است کسی که اثر پای مور روی سنگ صاف را می‌بیند، منزّه است کسی که بال زدن پرندگان را در هوا می‌بیند، منزّه است کسی که او این چنین بوده ولی غیرش چنین نمی‌باشد.
ثُمَّ صِرْ إِلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَهُوَ عِنْدَ رِجْلِ الْحُسَيْنِ فَإِذَا وَقَفْتَ عَلَيْهِ فَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ- وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ ابْنَ خَلِيفَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ مُضَاعَفَةً كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي مِنْ مَذْبُوحٍ وَ مَقْتُولٍ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي دَمُكَ الْمُرْتَقَى بِهِ إِلَى حَبِيبِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي مِنْ مُقَدَّمٍ بَيْنَ يَدِي أَبِيكَ يَحْتَسِبُكَ وَ يَبْكِي عَلَيْكَ مُحْتَرِقاً عَلَيْكَ قَلْبُهُ يَرْفَعُ دَمَكَ بِكَفِّهِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ- لَا يَرْجِعُ مِنْهُ قَطْرَةٌ وَ لَا تَسْكُنُ عَلَيْكَ مِنْ أَبِيكَ زَفْرَةٌ وَدَّعَكَ لِلْفِرَاقِ- فَمَكَانُكُمَا عِنْدَ اللَّهِ مَعَ آبَائِكَ الْمَاضِينَ وَ مَعَ أُمَّهَاتِكَ فِي الْجِنَانِ مُنَعَّمِينَ- أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ قَتَلَكَ وَ ذَبَحَكَ ثُمَّ انْكَبَّ عَلَى الْقَبْرِ وَ ضَعْ يَدَيْكَ [يَدَكَ]عَلَيْهِ وَ قُلْ سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى عِتْرَتِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ آبَائِكَ وَ أَبْنَائِكَ وَ أُمَّهَاتِكَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنِ اسْتَخَفَّ بِحَقِّكُمْ وَ قَتَلَكُمْ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ وَ مَنْ مَضَى نَفْسِي فِدَاؤُكُمْ وَ لِمَضْجَعِكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً
سپس به طرف قبر علی بن الحسین بگرد، آن جناب پائین امام حسین علیه السّلام می‌باشد پس وقتی مقابل قبرش ایستادی بگو:
درود بر تو ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا بر تو باد، درود بر تو ای جانشین رسول خدا و پسر دختر رسول خدا، و

رحمت و بركـات خـدا چنـد برابر بر تو باد، مادامى كه خورشـيد طلوع كرده يا غروب مى‌نمايـد درود بر تو و بر روان و بـدن تو باد، پدر و مادرم فداى سر بريده و كشته‌اى باد كه بدون گناهى او را كشتند، پدر و مادرم فدايت، خون تو بالا رفت و به نظر حبيب خدا رسيد، پدر و مادرم فداى تو كه در مقابل پدر شهيد شده و پدرت تسليم رضاى خدا گشت و بر تو گريست، در حالى كه قلب او بر تـو آتش گرفت، خونت را به كـف گرفت و به آسـمان پاشـيد و قطره‌اى از آن به زمين بر نگشت، و نـاله و افغـان در سـوك تـو از پـدرت قطع نشـد و آن حضـرت آنى آرام نگشت، به منظور جـدائى بـا تو وداع نمود، پس جايگاه شـما دو نفر نزد خـدا با پـدران و گذشـتگانتان مى‌باشد، و نيز همراه مادرانتان در بهشت به خوشـگذرانى مشـغوليد، به سوى خدا بى‌زارى مى‌جويم از كسـى كه تو را كشت و سر بريد.

سپس تكيه بر قبر داده و دو دست را بر آن بگذار و بگو:

درود خـدا و فرشـتگان مقرّب و انبياء فرسـتاده و بندگان صالح بر تو اى سـرور من و فرزند سـرور من، و رحمت و بركات خدا بر تو بـاد، رحمت فرسـتد خـدا بر تو و بر دودمـان و خانـدان و پـدران و فرزنـدان و مـادران نيـك و خوب تو، آنـان كه خداونـد رجس و آلودگى را از ايشـان بركنـار داشت و پاكشان نمود پاك نمودنى، درود بر تو اى فرزنـد رسول خـدا و فرزنـد امير الموءمنين و فرزند حسين بن على، و رحمت خدا و بركاتش بر تو باد، خدا لعنت كند كشنده تو را، و خدا لعنت كند كسى كه حق شما و كشتن شما را سبك شـمرد، خدا لعنت كند باقى مانده و گذشتگان ايشان را، جانم فداى شما و فداى قبر شما باد، رحمت خدا و درود فراوانش بر شما باد.

*** ***

*** ***

ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ ثَلَاثاً بِأَبِى أَنْتَ وَ أُمِّى أَتَيْتُكَ زَائِراً وَافِداً عَائِذاً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِى وَ احْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِى- أَسْأَلُ اللَّهَ وَلِيَّكَ وَ وَلِيِّى أَنْ يَجْعَلَ حَظِّى مِنْ زِيَارَتِكَ عِتْقَ رَقَبَتِى مِنَ النَّارِ وَ تَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ ثُمَّ تَدُورُ مِنْ خَلْفِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) إِلَى عِنْدِ رَأْسِهِ وَ صَلِّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِى الْأُولَى الْحَمْدَ وَ يس وَ فِى الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ الرَّحْمَنَ وَ إِنْ شِئْتَ صَلَّيْتَ خَلْفَ الْقَبْرِ وَ عِنْدَ رَأْسِهِ أَفْضَلُ فَإِذَا فَرَغْتَ فَصَلِّ مَا أَحْبَبْتَ إِلَّا أَنَّ رَكْعَتَيِ الزِّيَارَةِ لَا بُدَّ مِنْهُمَا عِنْدَ كُلِّ قَبْرٍ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنَّا أَتَيْنَاهُ مُوءْمِنِينَ بِهِ مُسَلِّمِينَ لَهُ مُعْتَصِمِينَ بِحَبْلِهِ عَارِفِينَ بِحَقِّهِ مُقِرِّينَ بِفَضْلِهِ مُسْتَبْصِرِينَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَهُ عَارِفِينَ بِالْهُدَى الَّذِى هُوَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ إِنِّى أُشْهِدُكَ وَ أُشْهِدُ مَنْ حَضَرَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ إِنِّى بِهِمْ مُوءْمِنٌ وَ إِنِّى بِمَنْ قَتَلَهُمْ كَافِرٌ- اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِمَا أَقُولُ بِلِسَانِى حَقِيقَةً فِى قَلْبِى وَ شَرِيعَةً فِى عَمَلِى- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِى مِمَّنْ لَهُ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَدَمٌ ثَابِتٌ وَ أَثْبِتْنِى فِيمَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَهُ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ كُفْراً سُبْحَانَكَ يَا حَلِيمُ- عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِى الْأَرْضِ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ يَا عَظِيمُ- تَرَى عَظِيمَ الْجُرْمِ مِنْ عِبَادِكَ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمُ أَنْتَ شَاهِدٌ غَيْرُ غَائِبٍ وَ عَالِمٌ بِمَا أُوتِيَ إِلَى أَهْلِ صِفْوَتِكَ وَ أَحِبَّائِكَ مِنَ الْأَمْرِ الَّذِى لَا تَحْمِلُهُ سَمَاءٌ وَ لَا أَرْضٌ وَ لَوْ شِئْتَ لَانْتَقَمْتَ مِنْهُمْ وَ لَكِنَّكَ ذُو أَنَاةٍ وَ قَدْ أَمْهَلْتَ الَّذِينَ اجْتَرَءُوا عَلَيْكَ وَ عَلَى رَسُولِكَ وَ حَبِيبِكَ فَأَسْكَنْتَهُمْ أَرْضَكَ وَ غَذَوْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بَالِغُوهُ وَ وَقْتٍ هُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ لِيَسْتَكْمِلُوا الْعَمَلَ الَّذِى قَدَّرْتَ وَ الْأَجَلَ الَّذِى أَجَّلْتَ لِتُخَلِّدَهُمْ فِى مَحَطٍّ وَ وَثَاقٍ وَ نَارِ جَهَنَّمَ وَ حَمِيمٍ وَ غَسَّاقٍ وَ الضَّرِيعِ وَ الْإِحْرَاقِ وَ الْأَغْلَالِ وَ الْأَوْثَاقِ وَ غِسْلِينٍ وَ زَقُّومٍ وَ صَدِيدٍ مَعَ طُولِ الْمُقَامِ فِى أَيَّامِ لَظًى وَ فِى سَقَرَ الَّتِى لا تُبْقِى وَ لا تَذَرُ وَ فِى الْحَمِيمِ وَ الْجَحِيمِ

سپس صورت بر قبر بگذار و بگو:

خـدا تو را رحمت كنـد اى ابا الحسن (سه مرتبه) پـدر و مادرم فدايت، نزد تو آمدم در حالى كه زائر و مسافر تو بوده و از جنايات و ستم‌هائى كه بر خود كرده‌ام و پشـتم را سـنگين نموده‌ام به تو پناهنده شده‌ام، از خدا كه ولىّ تو و ولىّ من است درخواست دارم كه بهره من از زيارتت را آزادى من از آتش دوزخ قرار دهد.

بعد هر دعائی که خواستی بکن و سپس از پشت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام دور بزن و خود را به نزدیک سر مبارک آن حضرت برسان و دو رکعت نماز بالای سر خوانده، در رکعت اوّل حمد و یس و در رکعت دوّم حمد و الرّحمن قرائت کن و اگر خواستی نماز را پشت قبر بجا بیاور منتهی بالای سر افضل و بهتر است و پس از تمام شدن نماز هر نماز دیگری خواستی بخوان منتهی دو رکعت نماز زیارت را باید نزد هر قبری بخوانی و وقتی از خواندن نماز فارغ شدی دو دست را بلند کن و بگو:

خداوندا ما به نزد آن حضرت رسیدیم در حالی که به آن جناب ایمان داشته و تسلیمش هستیم، به ریسمان او چنگ زده‌ایم، و به حقّش آگاهیم، به فضلش اقرار داریم، به گمراه بودن آنان که مخالفتش را کردند اطّلاع داریم، به طریق هدایتی که او بر آن است علم داریم، خداوندا تو و فرشتگان حاضرت را شاهد می‌گیرم که من به ایشان ایمان دارم، و به قاتلین ایشان کفر ورزیده و انکارشان می‌کنم، خداوندا برای آنچه به زبان می‌رانم در دلم حقیقت و واقعیتی، و در عملم شریعتی قرار بده و ضبط کن من را در زمره آنان که با آن حضرت شهید شدند، خداوندا کسانی را که نعمت ایمان را به کفر تبدیل کردند لعنت کن، منزهی تو ای حلیم و بردبار از آنچه ستمکاران در زمین مرتکب می‌شوند، با برکت و بلند مرتبه‌ای ای بزرگ، بزرگ گناه را از بندگانت می‌بینی ولی در تأدیبشان شتاب نمی‌کنی، بلند مرتبه‌ای ای با کرامت، تو شاهدی غیر غائب، و آگاهی به آنچه نسبت به برگزیدگان و دوستانت انجام شده اعمال و افعالی که لطمات و صدمات ناشی از آنها را نه آسمان و نه زمین نمی‌توانند تحمّل کنند، و اگر بخواهی از ایشان (فاعلین و عاملین ظلم) انتقام خواهی گرفت، ولی تو مهلت دهنده‌ای، به کسانی که بر تو و بر رسول و حبیبت جرات نموده و ستم کرده‌اند مهلت داده‌ای، ایشان را در زمین خود ساکن گردانیده‌ای و بواسطه نعمت‌هایت پرورششان داده‌ای، و این مهلت هست تا زمانی که ایشان به آن رسیده، و تا هنگامی که به آن منتقل شده، تا بدین وسیله عملی را که تقدیر نموده‌ای کاملا انجام داده و زمانی را که معین کرده‌ای فرا برسد، آن گاه ایشان را در طبقات پائین و در زیر زنجیرهای آتشی در آتش دوزخ مخلّد نمائی، و نیز آنها را در آب داغ و مایعی متعفّن که از چرک و عرق اهل دوزخ جاری است غرقشان کنی، و نیز آنها در مکانی که ضریع (گیاهی است که دارای تیغ‌های بسیار بلند است) در آن روئیده و همراه آن دائم زبانه آتش شعله‌ور است گرفتار نمائی، و در زیر زنجیرها و ریسمانهای آتش محبوس کرده، و از عرق و زرد آبی که از گوشت بدن اهل دوزخ جریان دارد و نیز از زقّوم جهنّم به آنها بخورانی، در حالی که اقامتشان در دوزخ طولانی و همراه با شعله‌ور بودن آتش سخت جهنّم می‌باشد، در جهنّمی که شراره‌های آن از دوزخیان هیچ باقی نگذارده و تمام را سوزانده و محو نماید، و در آبی داغ و جهنّمی سوزان جایشان دهی.

ثُمَّ تَنْکَبُّ عَلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولُ یَا سَیِّدِی أَتَیْتُکَ زَائِراً مُوقَراً بِالذُّنُوبِ أَتَقَرَّبُ إِلَى رَبِّی بِوُفُودِی إِلَیْکَ وَ بُکَائِی عَلَیْکَ وَ عَوِیلِی وَ حَسْرَتِی وَ أَسَفِی وَ بُکَائِی وَ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِی رَجَاءَ أَنْ تَکُونَ لِی حِجَاباً وَ سَنَداً وَ کَهْفاً وَ حِرْزاً وَ شَافِعاً وَ وِقَایَةً مِنَ النَّارِ غَداً وَ أَنَا مِنْ مَوَالِیکُمُ الَّذِینَ أُعَادِی عَدُوَّکُمْ وَ أُوَالِی وَلِیَّکُمْ عَلَى ذَلِکَ أَحْیَى وَ عَلَى ذَلِکَ أَمُوتُ وَ عَلَیْهِ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى وَ قَدْ أَشْخَصْتُ بَدَنِی وَ وَدَّعْتُ أَهْلِی وَ بَعُدَتْ شُقَّتِی وَ أُؤَمِّلُ فِی قُرْبِکُمُ النَّجَاةَ وَ أَرْجُو فِی أَیَّامِکُمُ الْکَرَّةَ وَ أَطْمَعُ فِی النَّظَرِ إِلَیْکُمْ وَ إِلَى مَکَانِکُمْ غَداً فِی جَنَّاتِ رَبِّی مَعَ آبَائِکُمُ الْمَاضِینَ- وَ تَقُولُ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ یَا حُسَیْنَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ جِئْتُکَ مُسْتَشْفِعاً بِکَ إِلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَشْفِعُ إِلَیْکَ بِوَلَدِ حَبِیبِکَ وَ بِالْمَلَائِکَةِ الَّذِینَ یَضِجُّونَ عَلَیْهِ وَ یَبْکُونَ وَ یَصْرُخُونَ لَا یَفْتُرُونَ وَ لَا یَسْأَمُونَ وَ هُمْ مِنْ خَشْیَتِکَ مُشْفِقُونَ وَ مِنْ عَذَابِکَ حَذِرُونَ لَا تُغَیِّرُهُمُ الْأَیَّامُ وَ لَا یَنْهَزِمُونَ مِنْ نَوَاحِی الْحَیْرِ یَشْهَقُونَ وَ سَیِّدُهُمْ یَرَى مَا یَصْنَعُونَ وَ مَا فِیهِ یَتَقَلَّبُونَ قَدِ انْهَمَلَتْ مِنْهُمُ الْعُیُونُ فَلَا تَرْقَأُ وَ اشْتَدَّ مِنْهُمُ الْحَزَنُ بِحُرْقَةٍ لَا تُطْفَى ثُمَّ تَرْفَعُ یَدَیْکَ وَ تَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مَسْأَلَةَ الْمِسْکِینِ الْمُسْتَکِینِ الْعَلِیلِ الذَّلِیلِ الَّذِی لَمْ یُرِدْ بِمَسْأَلَتِهِ غَیْرَکَ فَإِنْ لَمْ تُدْرِکْهُ رَحْمَتُکَ عَطِبَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُدَارِکَنِی بِلُطْفٍ مِنْکَ وَ أَنْتَ الَّذِی لَا یَخِیبُ سَائِلُکَ وَ تُعْطِی الْمَغْفِرَةَ وَ تَغْفِرُ الذُّنُوبَ فَلَا أَکُونَنَّ یَا سَیِّدِی أَنَا أَهْوَنَ خَلْقِکَ عَلَیْکَ وَ لَا أَکُونُ أَهْوَنَ مَنْ وَفَدَ إِلَیْکَ بِابْنِ حَبِیبِکَ فَإِنِّی أَمَّلْتُ وَ رَجَوْتُ وَ طَمِعْتُ وَ زُرْتُ وَ اغْتَرَبْتُ رَجَاءَ لَکَ أَنْ تُکَافِئَنِی إِذْ أَخْرَجْتَنِی مِنْ رَحْلِی فَأَذِنْتَ لِی بِالْمَسِیرِ إِلَى هَذَا الْمَکَانِ رَحْمَةً مِنْکَ وَ تَفَضُّلًا مِنْکَ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ

سپس تکیه بر قبر داده و بگو:

ای سرور من به نزد تو آمدم در حالی که زائر تو هستم و پشته باری از گناه را می‌کشم، سفر خود به سوی تو را وسیله قرار دادم که به پروردگارم نزدیک شوم، و نیز به واسطه گریستن بر تو و با صدای بلند زاری نمودن و حسرت و تأسف خوردن و گریه کردن بر حال خویش به خدا تقرّب می‌جویم، بر خود خوف و هراسی نداشته زیرا امیدوارم که تو برای من حجاب و تکیه‌گاه و پناهگاه، و جایگاه امن و نگاه دارنده از آتش دوزخ بوده و در فردای قیامت حافظ من از جهنّم باشی، و من از دوستان شما هستم آنان که با دشمنانتان دشمن و با دوستانتان دوست هستند، بر این طریق زنده بوده و بر آن خواهم مرد، و ان شاء اللّه بر آن مبعوث شده و پس از مردن زنده خواهم شد، همانا بدن و جسم خویش را به تعب انداخته و با اهل خود وداع نموده و سفرم به درازا کشیده، و در قرب و جوار شما آرزوی نجات دارم، و در آمدن به محضر شما امیدوارم که در زمان رجعت باز گردم و در نظر کردن بر شما و به مکانتان طمع دارم که در فردای قیامت با پدران و سلف گذشته شما در بهشت باشم.

و سپس بگو:

ای ابا عبد اللّه، ای حسین فرزند رسول خدا، نزد تو آمدم در حالی که شما را شفیع بین خود و خدا قرار دادم، بار خدایا من فرزند حبیبت را شفیع خود بسوی تو قرار دادم، و فرشتگان را نیز شفیع خویش نمودم، فرشتگانی که بر آن حضرت ضجّه زده و ناله نموده و گریسته و فریاد می‌کنند، و از زاری و گریستن سستی به آنها راه نیافته و از آن بدحال نشده و از ترس تو بیمناک و هراسان هستند، و از عذاب تو بر حذر می‌باشند، گذشت ایّام آنها را تغییر نداده، و در حالی که پیوسته جیق می‌زنند از اطراف حیر (حرم سیّد الشهداء علیه السّلام) دور نمی‌شوند، و سرور و آقای ایشان عمل و حرکت آنها را می‌بیند، لا ینقطع چشمهایشان اشک ریخته و خشک نمی‌گردد حزن ایشان شدّت پیدا کرده و سوزش و گرمی آن افزون شده و هرگز آرام و خاموش نمی‌شود.

سپس دو دست خود را بلند کن و بگو:

خدایا از تو درخواست می‌کنم درخواست شخص بی‌چیز و ذلیل را، درخواست شخص علیل و خواری را که با درخواستش غیر تو را قصد نمی‌کند، پس اگر رحمت تو شامل حالش نشود هلاک می‌گردد، از تو درخواست می‌کنم که لطف خود را شامل حالم بنمائی، تو کسی هستی که سائل را ناامید نمی‌کنی، مغفرت را شامل بندگان کرده و از گناهان می‌گذری، ای سرور من نیستم صبورترین و نرم‌ترین خلق تو بر تو، و نیستم نرم‌ترین کسی که پسر حبیبت را به درگاهت واسطه آورده باشم، من آرزو و امید دارم، طمع داشته و به زیارت آمده و وطن را ترک کرده‌ام، امید به تو دارم که در مقابل جبران می‌کنی زیرا من را از منزلم بیرون آورده، پس اذن دادی که به این مکان بیایم و این رحمتی است از تو، و تفضّلی است از جانب تو به من ای بخشنده مهربان.

وَ اجْتَهِدْ فِی الدُّعَاءِ مَا قَدَرْتَ عَلَیْهِ وَ أَکْثِرْ مِنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی ثُمَّ تَخْرُجُ مِنَ السَّقِیفَةِ وَ تَقِفُ بِحِذَاءِ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَ تُومِئُ إِلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنْ أَهْلِ دِیَارٍ مِنَ الْمُوءْمِنِینَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا أَوْلِیَاءَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ وَ أَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ دِینِهِ أَشْهَدُ أَنَّکُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ کَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ- وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَکانُوا فَمَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَکَنْتُمْ حَتَّی لَقِیتُمُ اللَّهَ عَلَی سَبِیلِ الْحَقِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکُمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِکُمْ وَ أَبْدَانِکُمْ وَ أَجْسَادِکُمْ- أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِی لَا خُلْفَ لَهُ وَ لَا تَبْدِیلَ إِنَّ اللَّهَ لَا یُخْلِفُ وَعْدَهُ وَ اللَّهُ مُدْرِکٌ بِکُمْ ثَارَ مَا وَعَدَکُمْ أَنْتُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ اخْتَصَّکُمُ اللَّهُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ أَنْتُمُ الشُّهَدَاءُ وَ أَنْتُمُ السُّعَدَاءُ سَعِدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ فُزْتُمْ بِالدَّرَجَاتِ مِنْ جَنَّاتٍ لَا یَظْعَنُ أَهْلُهَا وَ لَا یَهْرَمُونَ- وَ رَضُوا بِالْمُقَامِ فِی دَارِ السَّلَامِ مَعَ مَنْ نَصَرْتُمْ جَزَاکُمُ اللَّهُ خَیْراً مِنْ أَعْوَانٍ جَزَاءَ مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَنْجَزَ اللَّهُ مَا وَعَدَکُمْ مِنَ الْکَرَامَةِ فِی جِوَارِهِ وَ دَارِهِ مَعَ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ أَمِیرِ الْمُوءْمِنِینَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی حَمَلَنِی إِلَیْکُمْ حَتَّی أَرَانِی مَصَارِعَکُمْ أَنْ یُرِیَنِیکُمْ عَلَی الْحَوْضِ رِوَاءً مَرْوِیِّینَ وَ یُرِیَنِی أَعْدَاءَکُمْ فِی أَسْفَلِ دَرْکٍ مِنَ الْجَحِیمِ فَإِنَّهُمْ قَتَلُوکُمْ ظُلْماً وَ أَرَادُوا

إِمَاتَةَ الْحَقِّ وَ سَلَبُوكُمْ لِابْنِ سُمَيَّةَ وَ ابْنِ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ فَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَنِيهِمْ ظِمَاءً مُظْمَئِينَ مُسَلْسَلِينَ مُغَلْغَلِينَ يُسَاقُونَ إِلَى الْجَحِيمِ- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِهِ مِنِّي مَا بَقِيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَائِماً إِذَا فَنِيتُ وَ بُلِيتُ لَهْفِي عَلَيْكُمْ أَيُّ مُصِيبَةٍ أَصَابَتْ كُلَّ مَوْلًى لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَقَدْ عَظُمَتْ وَ خُصَّتْ وَ جَلَّتْ وَ عَمَّتْ مُصِيبَتُكُمْ أَنَا بِكُمْ لَجَزِعٌ وَ أَنَا بِكُمْ لَمُوجَعٌ مَحْزُونٌ- وَ أَنَا بِكُمْ لَمُصَابٌ مَلْهُوفٌ هَنِيئاً لَكُمْ مَا أُعْطِيتُمْ وَ هَنِيئاً لَكُمْ مَا بِهِ حُيِّيتُمْ- فَلَقَدْ بَكَتْكُمُ الْمَلَائِكَةُ وَ حَفَّتْكُمْ وَ سَكَنَتْ مُعَسْكَرَكُمْ وَ حَلَّتْ مَصَارِعَكُمْ- وَ قَدَّسَتْ وَ صَفَّتْ بِأَجْنِحَتِهَا عَلَيْكُمْ لَيْسَ لَهَا عَنْكُمْ فِرَاقٌ إِلَى يَوْمِ التَّلَاقِ- وَ يَوْمِ الْمَحْشَرِ وَ يَوْمِ الْمَنْشَرِ طَافَتْ عَلَيْكُمْ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ بَلَغْتُمْ بِهَا شَرَفَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَتَيْتُكُمْ شَوْقاً وَ زُرْتُكُمْ خَوْفاً أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَنِيكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَ فِي الْجِنَانِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً

و در خواندن دعاء بقدری که قدرت داری سعی کن و زیاد بخوان سپس از آن محوطه سر پوشیده بیرون بیا و در مقابل قبور شهداء بایست و در حالی که به تمامشان اشاره می‌کنی بگو:

درود بر شما و رحمت خدا و برکاتش بر شما، درود بر شما ای اهل گورها که از دیار اهل ایمان می‌باشید، درود بر شما بواسطه صبر و بردباری که نمودید پس خوشا به پایان زندگی دنیای شما، درود بر شما ای دوستان خدا، درود بر شما ای یاران خدا و یاران رسول خدا و یاران امیر الموءمنین، و یاران فرزند رسول خدا و یاران دین خدا، شهادت می‌دهم که شما یاران خدا هستید همان طوری که خداوند عزّ و جلّ فرمود:

وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا، پس شما ضعیف و ناتوان نشدید، تا خدا را بطریق حق که داشتید ملاقات نمودید، رحمت فرستد خدا بر شما و بر روان و بر بدن و جسدهای شما، بشارت باد شما را به وعده‌ای که خدا داده و تخلف و تبدیل در آن نمی‌باشد، چه آنکه حقتعالی خلف وعده نخواهد نمود، و خدا به سبب شما تقاص خونی را که وعده داده خواهد نمود، شما برگزیده‌های خدا هستید، که اختصاصتان داد به حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، شما شهیدان و سعادتمندانی هستید که نزد خدا به سعادت نائل شدید و رسیدید به درجات عالی بهشت «که اهل آن هرگز از آن کوچ نکرده و پیر و فرسوده نمی‌شوند، و خشنودند به اقامه نمودن در دار السّلام» در حالی که با کسی هستید که نصرتش نمودید، خدا به شما یاران و اعوان پاداش خیر دهد پاداش کسانی را که با رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم صبر نمودند، خداوند وفا کرد به آنچه وعده به شما نمود و کرامت در جوارش و سکونت در خانه‌اش با انبیاء و مرسلین و امیر الموءمنین علیه السّلام را که رهبر گروه و امتی است که دست و پا و رویشان سفید و درخشان می‌باشد نصیب نمود، درخواست می‌کنم از خدائی که من را بسوی شما واداشت و رهسپار نمود و مصارع و مقتل شما را به من نشان داد اینکه نشان دهد به من شما را بر حوض کوثر در حالی که سیراب می‌باشید، و نشان دهد دشمنان شما را در پائین‌ترین درکات جهنّم، زیرا ایشان شما را ظالمانه کشتند و قصدشان از این فعل شنیع از بین بردن حق بود، و جامه‌های شما را از تن درآورده و برای فرزند سمیه و پسر خورنده جگرها بردند، پس از خدا درخواست می‌کنم اینکه ایشان را بمن نشان بدهد در حالی که سخت تشنه بوده و به زنجیر و غل کشیده شده باشند، و بطرف جهنّم آنها را بکشانند، درود بر شما دائما هنگامی که فانی و پوسیده شده باشم، حسرت و افسوس می‌خورم بر شما، چه مصیبتی بر هر یک از نزدیکان و خویشان محمّد و آل محمّد وارد شد! هر آینه بزرگ و اختصاص و گسترده می‌باشد مصیبت شما، من برای شما جزع و ناله می‌کنم، و بخاطر شما دردمند و محزونم، و بواسطه مصیبت‌های وارده بر شما مصیبت زده و در حیرتم، گوارا باد شما را آنچه داده شده‌اید، و گوارا باد بر شما آنچه به آن تحیّت گفته شده‌اید، همانا فرشتگان بر شما گریسته و اطراف شما را گرفته و در لشکرگاه شما سکونت اختیار کرده، و در قتلگاه شما فرود آمده، و تقدیستان نموده و بالهایشان را بر شما گسترده‌اند، ایشان تا روز قیامت از شما جدا نخواهند شد، و در روز حشر و نشر بر گرد شما طواف کرده و دور می‌زنند و این رحمتی است از جانب حق تعالی، و شما به واسطه این رحمت به شرف دنیا و آخرت رسیده‌اید، نزد شما آمدم با شوق و زیارت‌تان کردم با خوف و هراس، از

خـدا می‌خواهم كه شـما را در حوض كوثر به من نشـان دهـد و در بهشت بـا انبيـاء و مرسـلين و شـهداء، و صـالحين باشـيد، و نيك رفيقانی هستند ايشان.

ثُمَّ دُرْ فِی الْحَـائِرِ وَ أَنْتَ تَقُولُ يَا مَنْ إِلَيْهِ وَفَـدْتُ وَ إِلَيْهِ خَرَجْتُ وَ بِهِ اسْتَجَرْتُ وَ إِلَيْهِ قَصَـدْتُ وَ إِلَيْهِ بِابْنِ نَبِيِّهِ تَقَرَّبْتُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مُنَّ عَلَیَّ بِـالْجَنَّةِ وَ فُـكَّ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتِی وَ بُعْـدَ دَارِی وَ ارْحَمْ مَسِـيرِی إِلَيْـكَ وَ إِلَى ابْنِ حَبِيبِكَ وَ اقْلِبْنِی مُفْلِحاً مُنْجِحاً قَدْ قَبِلْتَ مَعْـذِرَتِی وَ خُضُوعِی وَ خُشُوعِی عِنْـدَ إِمَـامِی وَ سَـيِّدِی وَ مَوْلَایَ وَ ارْحَمْ صَـرْخَتِی وَ بُكَائِی وَ هَمِّی وَ جَزَعِی وَ خُشُوعِی وَ حُزْنِی وَ مَـا قَـدْ بَاشَـرَ قَلْبِی مِنَ الْجَزَعِ عَلَيْهِ فَبِنِعْمَتِـكَ عَلَیَّ وَ بِلُطْفِكَ لِی خَرَجْتُ إِلَيْهِ وَ بِتَقْوِيَتِكَ إِيَّایَ وَ صَـرْفِكَ الْمَحْـذُورَ عَنِّی وَ كَلَائَتِـكَ بِاللَّيْـلِ وَ النَّهَـارِ لِی وَ بِحِفْظِـكَ وَ كَرَامَتِـكَ إِيَّایَ وَ كُـلَّ بَحْرٍ قَطَعْتُهُ وَ كُـلَّ وَادٍ وَ فَلَاةٍ سَـلَكْتُهَا- وَ كُلَّ مَنْزِلٍ نَزَلْتُهُ فَأَنْتَ حَمَلْتَنِی فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ أَنْتَ الَّذِی بَلَّغْتَنِی وَ وَفَّقْتَنِی وَ كَفَيْتَنِی وَ بِفَضْـلٍ مِنْـكَ وَ وِقَايَـةٍ بَلَغْتُ وَ كَانَتِ الْمِنَّةُ لَكَ عَلَیَّ فِی ذَلِكَ كُلِّهِ وَ أَثَرِی مَكْتُوبٌ عِنْدَكَ وَ اسْمِی وَ شَخْصِی- فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَبْلَيْتَنِی وَ اصْطَنَعْتَ عِنْدِی اللَّهُمَّ فَارْحَمْ قُرْبِی مِنْكَ وَ مَقَامِی بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَمَلُّقِی وَ اقْبَـلْ مِنِّی تَوَسُّلِی إِلَيْـكَ بِـابْنِ حَبِيبِـكَ وَ صِـفْوَتِكَ وَ خِيَرَتِـكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ تَوَجُّهِی إِلَيْكَ وَ أَقِلْنِی عَثْرَتِی وَ اقْبَلْ عَظِيمَ مَا سَلَفَ مِنِّی وَ لَـا يَمْنَعْـكَ مَـا تَعْلَمُ مِنِّی مِنَ الْعُيُوبِ وَ الـذُّنُوبِ وَ الْإِسْـرَافِ عَلَى نَفْسِـی وَ إِنْ كُنْتَ لِی مَاقِتاً فَـارْضَ عَنِّی وَ إِنْ كُنْتَ عَلَیَّ سَاخِطاً فَتُبْ عَلَیَّ- إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَیْ‌ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی وَ لِوالِدَیَّ وَ ارْحَمْهُما كَما رَبَّيانِی صَـغِيراً وَ اجْزِهِمَا عَنِّی خَيْراً اللَّهُمَّ اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَاناً وَ بِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَاناً اللَّهُمَّ أَدْخِلْهُمَا الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ حَرِّمْ وُجُوهَهُمَا عَنْ عَـذَابِكَ وَ بَرِّدْ عَلَيْهِمَا مَضَاجِعَهُمَا وَ افْسَحْ لَهُمَا فِی قَبْرَيْهِمَا- وَ عَرِّفْنِيهِمَا فِی مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ جِوَارِ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ ص

سپس به دور حائر بگرد در حالی كه می گوئی:

ای كسـی كه به سـويش سـفر كرده‌ام و به جـانبش از شـهر خود خـارج گشـته‌ام و به او پنـاه آورده‌ام و به طرفش عزم نموده‌ام، و به سويش به واسـطه پسـر پيامبرش تقرّب جسته‌ام، درود بفرست بر محمّد و آل محمّد با داخل نمودن من به بهشت منّت بر من بگذار و از آتش جهنّم رهايم نما، بار خدايا به غربت و دور بودن منزلم ترحّم فرما، و به واسـطه سـير و سـفر كردنم به سوی تو و پسر حبيبت من را مورد مهربانی و ترحّم خويش قرار بـده، من را رسـتگار و سـعادتمند بگردان، عـذر من را پـذيرفتی و تواضع و فروتنی من نزد امام و سـرور و آقايم را مورد قبول قرار بده، به فرياد و گريه و حزن و افغان و تضرّع و اندوهم رحم كن، و نيز به جزع و بی‌تابی قلبم ترحّم فرمـا، من به واسـطه نعمتی كه نصـيبم نموده و لطفی كه در حقّم روا داشتی به سوی تو از منزلم خـارج شـده‌ام، و نيز سـفرم به سوی تو مرهون تقويتی است كه تو من را نموده و به من قدرت داده‌ای، و موانع و مشـكلات را از من دور كرده‌ای و در شب و روز حفظـم كرده‌ای و مـورد كرامتت قرارم داده‌ای، و هر ديـاری را كه طی كرده و هر بيابـان و خشـكی را كه پيمـودم و هر منزلی را كه فرود آمده‌ام به واسطه عنايت و لطف تو بوده، تو من را در خشكی و بيابان و آب و دريا رهبری كردی، و تو من را به مقصد رسانده و توفيق داده و اسـباب را در اختيـارم نهادی و كفايتم كردی و به واسـطه فضل تو و حفاظت از من به مقصـد خود رسيـدم و در تمام اين عنايات و الطاف منّت تو بر من ثابت است و فعل و اسم و شـخص من نزد تو مكتوب و مضـبوط می‌باشد، پس حمد و سـپاس تو را است بر نعمتهائی كه به من داده و بدين ترتيب من را آزمودی و مورد احسان و كرامت قرار دادی، بار خدايا به دوری من از تو و مرتبه‌ام نزدت و چرب زبانيم رحم فرما، متوسّل‌شـدنم را به خود به واسـطه فرزنـد حبيب و اختيار شـده و برگزيـده‌ات از خلق بپـذير، خداونـدا روی نمودن و توجّهم به خودت را قبول نمـا، خـدايا لغزش‌هايم را عفو نما، گناهان بزرگ را كه در گذشـته از من سـرزده ببخش، و عيوب و گناهان و سـتم‌هائی كه به خود كرده‌ام و تو از آنها آگاهی مانع آمرزش تو نشونـد، و اگر از قبايح من در غضـب هستی از من راضـی شو، و اگر بر من خشـمگين هستی توبه‌ام را قبول كن و از من درگـذر، همانا تو بر هر چيز قادر هستی، خداوندا من و پـدر و مـادرم را بيامرز، و به ايشان ترحّم فرما همان طوری كه ايشان در طفوليت و كودكی به من ترحم كرده و تربيتم نمودند و از طرف من به ايشان پاداش نيك عطاء فرما، خداوندا بواسـطه احسانشان به من، تو نيز به ايشان پاداش بده و به آنها احسان نما در

مقابل بدی‌هایشان آنها را بیامرز، خداوندا به واسطه رحمت واسعه‌ات ایشان را به بهشت داخل کن و صورتشان را از مقابل شدن با عـذابت بر حذر دار و خنک و خوش نما خوابگاهشان را و در قبرشان وسعت بده و به من نشان بده که ایشان را در رحمتت مستقر فرموده‌ای و در جوار حبیبت حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم قرار داده‌ای.

۸۰] – باب هشتادم کیفیّت خواندن نماز نزدیک قبر حضرت امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِیِّ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ نَاجِیَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ صَلِّ عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ ع

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن خالد برقی و محمّد بن عبد اللّه، از پدرش عبد اللّه بن جعفر حمیری، از ابی عبد اللّه برقی، از جعفر بن ناجیه، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

نزد سر قبر حضرت امام حسین علیه السّلام نماز بگذار.

۲- وَ حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ وَ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَنْ أَبِی الْیَسَعِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ أَنَا أَسْمَعُ قَالَ إِذَا أَتَیْتُ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَجْعَلُهُ قِبْلَةً إِذَا صَلَّیْتُ- قَالَ تَنَحَّ هَکَذَا نَاحِیَةً

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسن، و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از موسی بن عمر و ایّوب بن نوح از عبد اللّه بن مغیره، از ابی الیسع وی می گوید:

شخصی از حضرت أبا عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرد و من می‌شنیدم، وی عرض کرد:

هر گاه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام رفتم هنگام نماز آیا قبر را قبله و مقابل خود قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

از قبر فاصله بگیر و دور شو.

۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ ره عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ یَزِیدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِیَّةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّسْلِیمِ عَلَی الشُّهَدَاءِ أَتَیْتَ [فَأْتِ]قَبْرَ الْحُسَیْنِ ثُمَّ تَجْعَلُهُ بَیْنَ یَدَیْکَ ثُمَّ تُصَلِّی مَا بَدَا لَکَ

علی بن الحسین رحمهٔ اللّه علیه، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن ابی نجران، از یزید بن اسحاق، از حسن بن عطیّهٔ، از ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هر گاه از سلام دادن به شهداء فارغ شدی به نزد قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برو و آن را در مقابل خود قرار بده سپس هر چه خواستی نماز بخوان.

۴- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیٍّ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ إِنَّا نَزُورُ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَکَیْفَ نُصَلِّی عِنْدَهُ قَالَ تَقُومُ خَلْفَهُ عِنْدَ کَتِفَیْهِ ثُمَّ تُصَلِّی عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ تُصَلِّی عَلَی الْحُسَیْنِ ع

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از پدرش، از ابن فضّال، از علی بن عقبه، از عبید اللّه بن علی حلبی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، و می گوید: محضر امام علیه السّلام عرض کردم:

ما به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام می‌رویم چگونه در آنجا نماز بخوانیم؟

حضرت فرمودند:

پشت قبر نزد دو کتف و شانه‌های آن حضرت بایست سپس بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و امام حسین علیه السّلام نماز بگذار.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ غَیْرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو الْیَسَعِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ أَنَا أَسْمَعُ عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ أَجْعَلُهُ قِبْلَةً إِذَا صَلَّیْتُ قَالَ تَنَحَّ هَکَذَا نَاحِیَةً قَالَ آخُذُ مِنْ طِینِ قَبْرِهِ وَ یَکُونُ عِنْدِی أَطْلُبُ بَرَکَتَهُ قَالَ نَعَمْ أَوْ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِکَ

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از ایّوب بن نوح، و غیرش از عبد اللّه بن مغیره، وی گفت:

ابو الیسع برای ما نقل نمود و گفت:

من می‌شنیدم که شخصی از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام راجع به غسل زیارت حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام پرسید و بعد عرضه داشت:

وقتی نماز می‌گذارم آیا قبر آن حضرت را قبله قرار بدهم؟

حضرت فرمودند:

از قبر دور شو و در ناحیه دیگر نماز بخوان.

عرض کرد: از گل قبر بردارم و به عنوان برکت نگه دارم؟

حضرت فرمودند:

بلی یا فرمودند: اشکالی ندارد.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّهُ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ یُزَارُ وَالِدُکَ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ وَ یُصَلَّی عِنْدَهُ وَ قَالَ وَ یُصَلَّی خَلْفَهُ وَ لَا یُتَقَدَّمُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر از پدرش، از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حماد بصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم وی گفت:

هشام بن سالم برایم نقل کرد که شخصی محضر مبارك امام صادق علیه السّلام مشرّف شد و به آن جناب عرض کرد:

ای پسر رسول خدا آیا پدر شما زیارت شود؟

حضرت فرمودند:

بلی و نزد قبرش نماز نیز خوانده شود.

و حضرت افزودند:

نماز پشت قبر خوانده شود و نباید بر آن تقدم جویند.

مترجم گوید:

مقصود اینست که جلو قبر و مقدم بر امام علیه السّلام نباید نماز خواند.

۸۱] – باب هشتاد و یکم قصر شدن نماز واجب و رخصت در خواندن نماز مستحبی در حائر و تمام مشاهد مشرّفه

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ره عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ قَالَ سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَقَالَ مَا أُحِبُّ لَکَ تَرْکَهُ قُلْتُ مَا تَرَی فِی الصَّلَاةِ عِنْدَهُ وَ أَنَا مُقَصِّرٌ قَالَ صَلِّ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَا شِئْتَ تَطَوُّعاً- وَ فِی مَسْجِدِ الرَّسُولِ مَا شِئْتَ تَطَوُّعاً وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنِّی أُحِبُّ ذَلِکَ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ بِالنَّهَارِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) تَطَوُّعاً فَقَالَ نَعَمْ

پدرم و محمّد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمّد جوهری، از علی بن ابی حمزة نقل کرده که وی گفت: راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام از عبد صالح علیه السّلام پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

دوست ندارم آن را ترک کنی.

عرض کردم: چه می‌فرمائید راجع به نماز خواندنم در آنجا و حال آنکه نمازم شکسته و قصر می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

در مسجد الحرام و در مسجد الرّسول و نزد قبر حضرت امام حسین علیه السّلام آنچه نماز مستحبی خواستی بخوان و من آن را دوست می‌دارم.

وی می گوید: از آن حضرت پرسیدم: آیا نزد قبر حضرت امام حسین علیه السّلام در روز نماز مستحبی بخوانم؟

حضرت فرمودند: بلی.

۲- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْمُوسَوِیُّ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ بِمَکَّةَ وَ الْمَدِینَةِ وَ أَنَا مُقَصِّرٌ قَالَ تَطَوَّعْ عِنْدَهُ وَ أَنْتَ مُقَصِّرٌ مَا شِئْتَ وَ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ فِی مَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ فِی مَشَاهِدِ النَّبِیِّص فَإِنَّهُ خَیْرٌ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ وَ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ جَمِیعاً عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) مِثْلَهُ حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی الْخَشَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَکِیمٍ الْخَثْعَمِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

جعفر بن محمّد بن ابراهیم موسوی، از عبید اللّه بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از حضرت ابی الحسن علیه السّلام، وی می گوید: از آن جناب پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایم را شکسته می‌خوانم آیا در جوار قبر امام حسین علیه السّلام و مکّه و مدینه می‌توانم نماز مستحبی بخوانم؟

حضرت فرمودند:

در جوار قبر امام حسین علیه السّلام و در مسجد الحرام و مسجد الرّسول و در مشاهد النبی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آنچه نماز مستحبی خواستی بخوان زیرا آن عمل خیر و پسندیده‌ای می‌باشد.

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از ابن ابی عمیر و ابراهیم بن عبد الحمید جملگی از حضرت ابی الحسن علیه السّلام مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

پدرم رحمة اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن موسی الخشّاب، از جعفر بن محمّد بن حکیم خثعمی، از ابراهیم بن عبد الحمید، از حضرت ابی الحسن علیه السّلام مثل همین حدیث را روایت کرده‌اند.

۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یَعْقُوبَ الْکِسَائِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَی السَّابَاطِیِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنِ الصَّلَاةِ فِی الْحَائِرِ قَالَ لَیْسَ الصَّلَاةُ إِلَّا الْفَرْضَ بِالتَّقْصِیرِ وَ لَا تُصَلِّی

النَّوَافِلَ

علی بن محمّد بن یعقوب کسائی می گوید:

علی بن الحسن بن فضّال، از عمرو بن سعید، از مصدّق بن صدقه، از عمّار بن موسی ساباطی نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام راجع به خواندن نماز در حائر سوءال کردم؟

حضرت فرمودند:

نماز فریضه را باید صرفا در آنجا شکسته بخوانی و نوافل را هم بجا نیاوری.

۴- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ مَشَاهِدِ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ الْحَرَمَیْنِ وَ التَّطَوُّعِ فِیهِنَّ بِالصَّلَاةِ وَ نَحْنُ مُقَصِّرُونَ قَالَ نَعَمْ تَطَوَّعْ مَا قَدَرْتَ عَلَیْهِ هُوَ خَیْرٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از علی بن اسماعیل، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمّار، از حضرت ابی الحسن علیه السّلام، نقل کرده، وی گفت:

از امام علیه السّلام راجع به خواندن نماز مستحبی کنار قبر حضرت امام حسین و مشاهد نبی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حرمین در حالی که مسافر بوده و نمازهای واجب را شکسته می‌خوانیم! سوءال کردم؟

حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی آنچه قدرت داری بخوان زیرا آن عمل نیك و پسندیده می‌باشد.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) جُعِلْتُ فِدَاکَ- أَتَنَفَّلُ فِی الْحَرَمَیْنِ وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ أَنَا أُقَصِّرُ قَالَ نَعَمْ مَا قَدَرْتَ عَلَیْهِ

محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمّد بن الحسن الصّفار، از محمّد بن الحسین بن ابی الخطاب، از صفوان بن یحیی، از اسحاق بن عمّار نقل کرده که گفت:

محضر ابی الحسن علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم در وقتی که مسافر بوده و نماز را شکسته می‌خوانم آیا می‌توانم در حرمین (مسجد الحرام و مسجد النبی) و در کنار قبر حضرت امام حسین علیه السّلام نماز نافله بخوانم؟

حضرت فرمودند:

بلی، تا آنجا که قدرت داری نافله بخوان.

۶- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی إِبْرَاهِیمَ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ مَشَاهِدِ النَّبِیِّص وَ الْحَرَمَیْنِ فِی الصَّلَاةِ وَ نَحْنُ نُقَصِّرُ قَالَ نَعَمْ تَطَوَّعْ مَا قَدَرْتَ عَلَیْهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن الحسن، از حسین بن الحسن بن ابان، از حسین بن سعید، از قاسم بن محمّد جوهری، از علی بن ابی حمزه از حضرت ابی ابراهیم علیه السّلام نقل کرده، وی می گوید:

از حضرت پرسیدم: در وقتی که مسافر بوده و نمازهایمان را شکسته می‌خوانیم آیا می‌توانیم در کنار قبر امام حسین و مشاهد النبی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و حرمین (مسجد الحرام و مسجد النّبی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) نماز مستحبی بخوانیم؟

حضرت فرمودند:

بلی، نماز مستحبی بخوان تا آنجا که قدرت داری.

۷- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَأَلْتُ أَیُّوبَ بْنَ نُوحٍ عَنْ تَقْصِیرِ الصَّلَاةِ فِی هَذِهِ الْمَشَاهِدِ مَکَّةَ وَ الْمَدِینَةِ وَ الْکُوفَةِ وَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) الْأَرْبَعَةِ الَّذِی رُوِیَ فِیهَا فَقَالَ أَنَا أُقَصِّرُ وَ کَانَ صَفْوَانُ یُقَصِّرُ وَ ابْنُ أَبِی عُمَیْرٍ وَ جَمِیعُ أَصْحَابِنَا یُقَصِّرُونَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه نقل کرده که وی گفت:

از ایّوب بن نوح پرسیدم، آیا در این مشاهد چهارگانه: مکّه و مدینه و کوفه و قبر حضرت امام حسین علیه السّلام نماز قصر می‌شود؟ و روایتی که در آن وارد شده چیست؟

وی گفت: من و صفوان و ابن ابی عمیر و تمام اصحاب نمازهایمان را قصر می‌خوانیم.

۸۲] – باب هشتاد و دوّم تمام خواندن نماز کنار قبر حضرت امام حسین علیه السّلام و تمام مشاهد مشرّفه

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّیلٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ الْآدَمِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِی شِبْلٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَزُورُ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ زُرِ الطَّیِّبَ وَ أَتِمَّ الصَّلَاةَ عِنْدَهُ قَالَ أَتِمَّ قُلْتُ فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا یَرْوِی التَّقْصِیرَ قَالَ إِنَّمَا یَفْعَلُ ذَلِکَ الضَّعَفَةُ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ ره عَنْ جَمَاعَةٍ مَشَایِخِهِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ سَوَاءً

پدرم و محمّد بن الحسن، از حسن بن متّیل، از سهل بن زیاد آدمی، از محمّد ابن عبد اللّه، از صالح بن عقبه، از ابی شبل، وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا به زیارت قبر مطهّر حضرت امام حسین علیه السّلام بروم؟

حضرت فرمودند:

زیارت کن قبر پاک و طیّب را و نمازت را آنجا تمام بخوان.

وی عرض کرد: آیا نمازم را آنجا تمام بخوانم؟

حضرت فرمودند: تمام بخوان.

وی می گوید: عرضه داشتم: برخی از اصحاب ما روایت کرده‌اند که نماز را باید شکسته خواند؟

حضرت فرمودند:

ضعفاء نمازشان را شکسته می‌خوانند.

مترجم گوید:

مقصود از «ضعفاء» شاید کسانی باشند که قادر بر تمام خواندن نبوده یا این فعل بر آنها مشقّت داشته باشد و محتمل است مقصود از آنان، جاهلین به احکام شرع باشد.

محمّد بن یعقوب رحمهٔ اللّه علیه از جماعتی از اساتیدش، از سهل بن زیاد باسنادش مثل همین روایت را نقل کرده است.

۲- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَسْکَرِیُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَلِیٍّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی الْبِلَادِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا یُقَالُ لَهُ الْحُسَیْنُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِی ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ فِی مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ (صلی الله علیه و آله) وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ ع

ابو عبد الرحمن محمّد بن احمد عسکری، از حسن بن علیّ بن مهزیار، از پدرش علی، از حسین بن سعید، از ابراهیم بن ابی البلاد، از شخصی از اصحابمان که به او حسین گفته می‌شد، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

در سه مکان نماز تمام خوانده می‌شود:

مسجد الحرام، مسجد الرّسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و کنار قبر حضرت امام حسین علیه السّلام.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ أَخِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِکِ الْقُمِّیِّ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِیدِ خَادِمِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِی أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ (صلی الله علیه و آله) وَ مَسْجِدِ الْکُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَیْنِ ع

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و برادرم و علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد ابن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، از عبد الملک قمّی از اسماعیل بن جابر، از عبد الحمید خادم اسماعیل بن جعفر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

در چهار مکان نماز تمام خوانده می‌شود:

مسجد الحرام، مسجد الرسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم، مسجد الکوفهٔ و حرم حضرت امام حسین علیه السّلام.

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مِنَ الْأَمْرِ الْمَذْخُورِ إِتْمَامُ الصَّلَاةِ فِی أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ بِمَکَّةَ وَ الْمَدِینَةِ وَ مَسْجِدِ الْکُوفَةِ وَ الْحَائِرِ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حميرى از پدرش از احمد بن ابى عبد اللّه برقى، از پدرش از حمّاد بن عيسى، از برخى از اصحاب ما، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، حضرت فرمودند:

اين امر از اسرار و امور نهانى است كه، نماز را در چهار مكان تمام بخوانند:

در مكه، مدينه، مسجد كوفه، و حائر حسينى عليه السّلام. ابن قولويه گويد:

حسين بن أحمد بن مغيره بدنبال اين حديث در اين باب مضمونى را افزوده كه حيدر بن محمّد بن نعيم سمرقندى از طريق اجازه به خط خودش به وى خبر داده و گفته:

در مكّه زمانى نماز را تمام مى‌توان خواند كه عبور از آن براى حج باشد.

۵- قَالَ ابْنُ قُولَوَيْهِ وَ زَادَهُ الْحُسَیْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَقِبَ هَذَا الْحَدِیثِ فِی هَذَا الْبَابِ بِمَا أَخْبَرَهُ بِهِ حَیْدَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نُعَیْمٍ السَّمَرْقَنْدِیُّ بِإِجَازَتِهِ بِخَطِّهِ بِاجْتِیَازِهِ لِلْحَجِّ عَنْ أَبِی النَّضْرِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ وَ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ وَ أَبِی عَلِیِّ بْنِ رَاشِدٍ جَمِیعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أَنَّهُ قَالَ مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِ اللَّهِ الْإِتْمَامُ فِی أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ وَ حَرَمِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ حَرَمِ الْحُسَیْنِ ص

از ابى النّضر محمّد بن مسعود عيّاشى، از على بن محمّد، وى گفت:

محمّد بن احمد از حسين بن على بن النّعمان، از ابى عبد اللّه برقى؛ و علىّ بن مهزيار؛ و ابى على بن راشد، جملگى، از حمّاد بن عيسى، از ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده‌اند كه آن حضرت فرمودند:

از علوم نهانى حقتعالى و اسرار مخفيه است كه در چهار مكان نماز را تمام مى‌خوانند:

حرم خدا (مسجد الحرام) حرم رسول خدا (مسجد النبى صلّى اللّه عليه و آله و سلّم) و حرم امير المؤمنين عليه السّلام و حرم حضرت امام حسين صلوات اللّه عليهم اجمعين.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ بْنِ سُهَیْلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ الْفَزَارِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَمْدَانَ الْمَدَائِنِیُّ عَنْ زِیَادٍ الْقَنْدِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی (علیه السلام) أُحِبُّ لَکَ مَا أُحِبُّ لِنَفْسِی وَ أَکْرَهُ لَکَ مَا أَکْرَهُ لِنَفْسِی أَتِمَّ الصَّلَاةَ فِی الْحَرَمَیْنِ وَ بِالْکُوفَةِ وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ ع

محمّد بن همّام بن سهيل، از جعفر بن محمّد بن مالك فزارى، وى گفت:

محمّد بن حمدان مدائنى، از زياد قندى نقل كرد كه وى گفت:

دوست دارم براى تو آنچه را كه براى خودم دوست دارم و كراهت دارم براى تو آنچه را كه براى خودم كراهت دارم نمازت را در حرمين (حرم خدا و حرم رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم) و كوفه و كنار قبر امام حسين عليه السّلام تمام بخوان.

۷- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ حَاتِمٍ الْقَزْوِینِیُّ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِیعِ الصَّحَّافُ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْزُوقٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (علیه السلام) عَنِ الصَّلَاةِ فِی الْحَرَمَیْنِ وَ فِی الْکُوفَةِ وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ أَتِمَّ الصَّلَاةَ فِیهِمْ

على بن حاتم قزوينى گفت:

محمّد بن ابى عبد اللّه اسدى به ما خبر داد و گفت: قاسم بن ربيع صحّاف از عمرو بن عثمان، از عمرو بن مرزوق نقل نمود كه وى گفت: از حضرت ابا الحسن عليه السّلام راجع به خواندن نماز در حرمين (حرم اللّه و حرم رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم) و در كوفه كنار قبر حضرت امام حسين عليه السّلام پرسيدم؟ حضرت فرمودند:

نماز را در این اماکن تمام بخوان.

۸- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی ره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَیْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ حَدَّثَنِی مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ مَسْجِدِ الْکُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَیْنِ

محمّد بن یعقوب و جماعتی از اساتیدم رحمة اللّه علیهم، از محمّد بن یحیی عطّار، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن سنان از حذیفة بن منصور، وی گفت:

کسی که حدیث را از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیده برایم نقل کرد که آن حضرت فرمودند: نماز را در مسجد الحرام و مسجد الرّسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و مسجد کوفه و حرم حضرت امام حسین علیه السّلام تمام بخوان.

۹- وَ مِنْ زِیَادَةِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِیرَةِ مَا فِی حَدِیثِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ زَکَرِیَّا الْقُمِّیِّ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ قائد [فَائِدٍ الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْمَاضِی (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِی الْحَرَمَیْنِ فَقَالَ تُتِمُّ وَ لَوْ مَرَرْتَ بِهِ مَارّاً

مضمونی را حسین بن احمد بن مغیر در حدیث احمد بن ادریس بن احمد بن زکریا القمی اضافه کرده و گفته است: محمّد بن عبد الجبار، از علی بن اسماعیل، از محمّد بن عمرو، از قائد حناط، از حضرت ابی الحسن ماضی علیه السّلام (حضرت امام موسی کاظم علیه السّلام)، وی می گوید:

از آن حضرت پرسیدم: نماز را در حرمین (حرم خدا و حرم رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) چگونه بخوانم؟

حضرت فرمودند:

نماز را تمام بخوان اگر چه از حرم مرور و عبور کرده و در آن اقامت نکنی.

*** ***

*** ***

۱۰- حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِیسَ قَالَ حَدَّثَنِی أَحْمَدُ بْنُ أَبِی زَاهِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الزَّیَّاتِ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عِمْرَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) أُقَصِّرُ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ أُتِمُّ قَالَ إِنْ قَصَّرْتَ فَلَکَ وَ إِنْ أَتْمَمْتَ فَهُوَ خَیْرٌ وَ زِیَادَةٌ فِی الْخَیْرِ خَیْرٌ

احمد بن ادریس می گوید:

احمد بن ابی زاهر، از محمّد بن حسین زیّات، از حسین بن عمران، از عمران نقل کرده وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی الحسن علیه السّلام عرض کردم: در مسجد الحرام نمازم را قصر خوانده یا تمام بجا آوردم؟

حضرت فرمودند:

اگر قصر خواندی می‌توانی و اگر تمام هم به جا آوردی خیر است و زیاد نمودن در خیر، خیر می‌باشد.

مترجم گوید:

مقصود آن است که نماز خیر بوده و نماز قصر را تمام خواندن زیاد نمودن

خیر محسوب شده از این رو نفس این زیادی نیز عملی نیک و کاری پسندیده به حساب می‌آید.

۸۳] – باب هشتاد و سوّم نماز فریضه در حرم امام حسین علیه السّلام معادل حج و نماز نافله معادل عمره محسوب می‌شود

۱- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْمُوسَوِیُّ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ نَهِیکٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِرَجُلٍ یَا فُلَانُ مَا یَمْنَعُکَ إِذَا عَرَضَتْ لَکَ حَاجَةٌ أَنْ تَأْتِیَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَتُصَلِّیَ عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَکَعَاتٍ ثُمَّ تَسْأَلَ حَاجَتَکَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ الْفَرِیضَةَ عِنْدَهُ تَعْدِلُ حِجَّةً- وَ النَّافِلَةَ تَعْدِلُ عُمْرَةً

جعفر بن محمّد بن ابراهیم موسوی، از عبید اللّه بن نهیک، از ابن ابی عمیر، از شخصی از حضرت ابی الحسن علیه السّلام، راوی گفت: حضرت به مردی فرمودند:

فلانی چه تو را باز می‌دارد از اینکه وقتی حاجتی داری به سر قبر مبارک حضرت حسین علیه السّلام بروی و چهار رکعت نماز بجا آورده سپس حاجت خود را از خدا بخواهی؟ نماز فریضه در کنار قبر آن حضرت معادل حج و نافله مساوی با عمره می‌باشد.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِیِّ الرَّازِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْکَرِیمِ أَبِی عَلِیٍّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لِلْمُفَضَّلِ فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) ثُمَّ تَمْضِی إِلَی صَلَاتِکَ وَ لَکَ بِکُلِّ رَکْعَةٍ رَکَعْتَهَا عِنْدَهُ- کَثَوَابِ مَنْ حَجَّ أَلْفَ حِجَّةٍ وَ اعْتَمَرَ أَلْفَ عُمْرَةٍ وَ أَعْتَقَ أَلْفَ رَقَبَةٍ وَ کَأَنَّمَا وَقَفَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَلْفَ مَرَّةٍ مَعَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از ابی عبد اللّه جامورانی رازی، از حسن بن علی بن ابی حمزة از حسن بن محمّد بن عبد الکریم ابی علی، از مفضّل بن عمر، از جابر جعفی، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به مفضّل در ضمن حدیث طولانی راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام فرمودند:

سپس به سراغ نماز برو آن را بخوان که در مقابل هر رکعتی که کنار قبر آن حضرت بجا آوردی گویا ثواب کسی را که هزار حج و هزار عمره انجام داده و هزار بنده آزاد کرده برده‌ای و مانند کسی هستی که هزار مرتبه با نبی مرسل در راه خدا قیام کرده‌ای ...

۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَلِیٍّ الْحَرَّانِیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ صَلَّی عِنْدَهُ رَکْعَتَیْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَکَعَاتٍ کَتَبَ اللَّهُ [کُتِبَتْ]لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ کَذَلِکَ لِکُلِّ مَنْ أَتَی قَبْرَ إِمَامٍ مُفْتَرَضٍ طَاعَتُهُ- قَالَ وَ کَذَلِکَ لِکُلِّ مَنْ أَتَی قَبْرَ إِمَامٍ مُفْتَرَضٍ طَاعَتُهُ حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ عَنْ أَبِی عَلِیٍّ الْخُزَاعِیِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ

علی بن الحسین، از محمّد بن یحیی عطّار، از محمّد بن احمد، و محمّد بن حسین بن متّ الجوهری، از محمّد بن احمد، از هارون بن مسلم، از ابی علیّ حرّانی، وی گفت: محضر مبارک حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم:

ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

کسی که به نزد قبر آن حضرت رفته و زیارتش کرده و دو یا چهار رکعت نماز آنجا بخواند خداوند متعال برای او یک حج و عمره می‌نویسد.

راوی می گوید: عرض داشتم: فدایت شوم: هر کسی که به زیارت قبر هر امام مفترض الطاعة برود این اجر و ثواب را دارد؟

حضرت فرمودند:

همچنین است هر کسی که به زیارت قبر هر امام که اطاعتش واجب است برود.

ترجمه:

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از ابی القاسم، از ابی علی خزاعی نقل کرده که وی گفت: محضر مبارک امام صادق علیه السّلام عرضه داشتم و مثل همین حدیث را ذکر نموده.

۴- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِینٍ عَنْ شُعَیْبٍ الْعَقَرْقُوفِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ مَنْ أَتَی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مَا لَهُ مِنَ الثَّوَابِ وَ الْأَجْرِ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ یَا شُعَیْبُ مَا صَلَّی عِنْدَهُ أَحَدٌ الصَّلَاةَ إِلَّا قَبِلَهَا اللَّهُ مِنْهُ وَ لَا دَعَا عِنْدَهُ أَحَدٌ دَعْوَةً إِلَّا اسْتُجِیبَ لَهُ عَاجِلَةً وَ آجِلَةً فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ زِدْنِی فِیهِ قَالَ یَا شُعَیْبُ أَیْسَرُ مَا یُقَالُ لِزَائِرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) قَدْ غُفِرَ لَکَ یَا عَبْدَ اللَّهِ فَاسْتَأْنِفْ عَمَلًا جَدِیداً

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از علاء بن رزین، از شعیب عقرقوفی از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت:

محضرت مبارک آن حضرت عرضه داشتم: فدایت شوم ثواب و اجر کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام برود چیست؟

حضرت فرمودند:

ای شعیب احدی کنار قبر آن حضرت نمازی نمی‌خواند مگر آنکه حق تعالی از او می‌پذیرد، و احدی در آنجا دعاء نمی‌کند مگر آنکه خداوند متعال خواسته‌اش را در دنیا و آخرت برآورده می‌نماید.

عرض کردم: فدایت شوم: بیشتر بفرمائید.

حضرت فرمودند:

ای شعیب کمترین چیزی که در باره زائر حسین بن علی علیهما السّلام گفته می‌شود این است که به وی خطاب کرده و می‌گویند: ای بنده خدا، حق تعالی تو را آمرزیده، پس امروز عمل جدید تازه‌ای را آغاز نما.

۸۴] – باب هشتاد و چهارم وداع با قبر حضرت حسین بن علی صلوات اللّه علیهما

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ وَ حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ نُعَیْمِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ یُوسُفَ الْکُنَاسِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُوَدِّعَ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیه السلام) فَقُلِ- السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَلْتَ عَلَیْهِ- وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِینَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَ مِنْهُ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُکَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبِّهِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِینَکَ وَ تَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّکَ وَ تُبِیرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ حَرْباً لِآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّکَ وَعَدْتَهُ ذَلِکَ وَ أَنْتَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ وَ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّکُمْ شُهَدَاءُ نُجَبَاءُ جَاهَدْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَی مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً أَنْتُمُ السَّابِقُونَ وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ أَشْهَدُ أَنَّکُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَ أَنْصَارُ رَسُولِهِ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی صَدَقَکُمْ وَعْدَهُ- وَ أَرَاکُمْ مَا تُحِبُّونَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ- اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِی فِی الدُّنْیَا عَنْ ذِکْرِ نِعْمَتِکَ لَا بِإِکْثَارٍ تُلْهِینِی عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا وَ تَفْتِنُنِی زَهَرَاتُ زِینَتِهَا وَ لَا بِإِقْلَالٍ یَضُرُّ بِعَمَلِی کَدُّهُ وَ یَمْلَأُ صَدْرِی هَمُّهُ أَعْطِنِی مِنْ ذَلِکَ غِنًی عَنْ شِرَارِ خَلْقِکَ وَ بَلَاغاً أَنَالُ بِهِ رِضَاکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی رَسُولِهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِینَ الْأَخْیَارِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

پدرم و محمّد بن الحسن، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید.

و پدرم و علی بن الحسن و محمّد بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، و محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصّفار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسین بن سعید، از فضالهٔ بن ایّوب، از نعیم بن ولید، از یوسف کناسی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هر گاه خواستی با حضرت حسین بن علی علیهما السّلام وداع کنی بگو:

درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو، تو را به خدا می‌سپارم، و می گویم:

خدا حافظ، به خدا و رسولش و به آنچه تو آورده و بر آن دلالت کردی ایمان آوردم، و از رسول تبعیّت و پیروی کردم، پس ما را با شاهدین بنویس، خدایا قرار مده این زیارت را آخرین عهد و پیمان، با او، خدایا از تو می‌خواهیم که بواسطه حبّ و دوستی او به ما نفع دهی، خدایا او را به مقام پسندیده گسیل دار و بواسطه‌اش دین خود را یاری فرما، و به سبب او دشمنت را نابود نما، و به سببش کسانی را که طرح جنگ با آل محمّد را طرّاحی کردند هلاک فرما، زیرا خودت چنین وعده‌ای داده‌ای و هرگز خلف وعده نمی کنی، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو، شهادت می‌دهم که شما شهداء و نیک‌نژادان می‌باشید، در راه خدا جهاد کرده و بر طریق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مقاتله نمودید، شما پیشی گیرندگان و هجرت‌کنندگان و یاری نمایندگان هستید، شهادت می‌دهم که شما یاران خدا و یاران رسولش می‌باشید، پس حمد و سپاس خدائی را که به شما وعده راست داد و نشان داد به شما آنچه را که دوست می‌دارید و درود و رحمت و برکات خدا بر محمّد و آل محمّد، خداوندا من را در دنیا از یاد نعمتهایت غافل منما، البتّه نه آنکه مشغولم کنی به نعمتهای زیادی که شگفتی‌های خوبی و زیبائی آنها من را از تو باز داشته و جلاء و درخشندگی زینت آنها مفتونم نماید، و نه اینکه مبتلایم کنی به قلّت و کمی نعمتها که رنج و تعب کم بود آنها مضرّ به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینه‌ام را پر نماید، از نعمتهایت آن قدر به من اعطاء فرما که از مخلوقاتت بی‌نیاز و از بدی آنها در امان باشم، خداوندا به مقدار کفاف به من اعطاء نما تا بواسطه آن به رضایت و خشنودی تو دست یابم، ای مهربان‌تر از هر مهربانی، و خدا درود و رحمت فرستد بر رسولش حضرت محمّد بن عبد اللّه و بر اهل بیت پاکش که جملگی نیکان و خوبان می‌باشند.

حدیث دوّم: زیارت وداع امام حسین علیه السلام

۲- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَسْکَرِیُّ بِعَسْکَرِ مُکْرِمٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَرَدْتَ الْوَدَاعَ بَعْدَ فَرَاغِکَ مِنَ الزِّیَارَاتِ فَأَکْثِرْ مِنْهَا مَا اسْتَطَعْتَ وَ لْیَکُنْ مُقَامُکَ بِالنَّیْنَوَی أَوِ الْغَاضِرِیَّةِ وَ مَتَی أَرَدْتَ الزِّیَارَةَ فَاغْتَسِلْ وَ زُرْ زَوْرَةَ الْوَدَاعِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ زِیَارَتِکَ فَاسْتَقْبِلْ بِوَجْهِکَ وَجْهَهُ وَ الْتَمِسِ الْقَبْرَ وَ قُلِ- السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَنْتَ لِی جُنَّةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَ هَذَا أَوَانُ انْصِرَافِی عَنْکَ غَیْرَ رَاغِبٍ عَنْکَ وَ لَا مُسْتَبْدِلٍ بِکَ سِوَاکَ وَ لَا مُؤْثِرٍ عَلَیْکَ غَیْرَکَ وَ لَا زَاهِدٍ فِی قُرْبِکَ- وَ قَدْ جُدْتُ بِنَفْسِی لِلْحَدَثَانِ وَ تَرَکْتُ الْأَهْلَ وَ الْأَوْطَانَ فَکُنْ لِی یَوْمَ حَاجَتِی وَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ یَوْمَ لَا یُغْنِی عَنِّی وَالِدِی وَ لَا وَلَدِی وَ لَا حَمِیمِی وَ لَا رَفِیقِی وَ لَا قَرِیبِی أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی قَدَّرَ وَ خَلَقَ أَنْ یُنَفِّسَ بِکَ کَرْبِی وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی قَدَّرَ عَلَیَّ فِرَاقَ مَکَانِکَ أَنْ لَا یَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّی وَ مِنْ رَجْعَتِی وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی أَبْکَی عَلَیْکَ عَیْنِی أَنْ یَجْعَلَهُ سَنَداً لِی وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی نَقَلَنِی إِلَیْکَ مِنْ رَحْلِی وَ أَهْلِی أَنْ یَجْعَلَهُ ذُخْراً لِی وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی أَرَانِی مَکَانَکَ وَ هَدَانِی لِلتَّسْلِیمِ عَلَیْکَ وَ لِزِیَارَتِی إِیَّاکَ أَنْ یُورِدَنِی حَوْضَکُمْ وَ یَرْزُقَنِی مُرَافَقَتَکُمْ فِی الْجِنَانِ مَعَ آبَائِکَ الصَّالِحِینَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ حَبِیبِ اللَّهِ وَ صِفْوَتِهِ وَ أَمِینِهِ وَ رَسُولِهِ وَ سَیِّدِ النَّبِیِّینَ السَّلَامُ عَلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ وَصِیِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ السَّلَامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِینَ الْمَهْدِیِّینَ السَّلَامُ عَلَی مَنْ فِی الْحَائِرِ مِنْکُمْ السَّلَامُ عَلَی مَلَائِکَةِ اللَّهِ الْبَاقِینَ الْمُسَبِّحِینَ الْمُقِیمِینَ الَّذِینَ هُمْ بِأَمْرِ رَبِّهِمْ قَائِمُونَ- السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ تَقُولُ- سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِکَتِهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ أَنْبِیَائِهِ الْمُرْسَلِینَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِینَ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَی رُوحِکَ وَ بَدَنِکَ وَ عَلَی ذُرِّیَّتِکَ وَ عَلَی مَنْ حَضَرَکَ مِنْ أَوْلِیَائِکَ أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَ أَسْتَرْعِیکَ وَ أَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ [عِنْدِهِ]اللَّهُمَّ اکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِینَ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِی ابْنَ رَسُولِکَ- وَ ارْزُقْنِی زِیَارَتَهُ أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی اللَّهُمَّ وَ انْفَعْنِی بِحُبِّهِ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ- اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ التَّسْلِیمِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِی إِیَّاهُ فَإِنْ جَعَلْتَهُ یَا رَبِّ فَاحْشُرْنِی مَعَهُ وَ مَعَ آبَائِهِ وَ أَوْلِیَائِهِ وَ إِنْ أَبْقَیْتَنِی یَا رَبِّ فَارْزُقْنِی الْعَوْدَ إِلَیْهِ ثُمَّ الْعَوْدَ إِلَیْهِ بَعْدَ الْعَوْدِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِی لِسَانَ صِدْقٍ فِی أَوْلِیَائِکَ وَ حَبِّبْ إِلَیَّ مَشَاهِدَهُمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَشْغَلْنِی عَنْ ذِکْرِکَ بِإِکْثَارٍ عَلَیَّ مِنَ الدُّنْیَا تُلْهِینِی عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا وَ تَفْتِنُنِی زَهَرَاتُ زِینَتِهَا وَ لَا بِإِقْلَالٍ یَضُرُّ بِعَمَلِی کَدُّهُ وَ یَمْلَأُ صَدْرِی هَمُّهُ وَ أَعْطِنِی

بِذَلِکَ غِنًی عَنْ شِرَارِ خَلْقِکَ وَ بَلَاغاً أَنَالُ بِهِ رِضَاکَ یَا رَحْمَانُ وَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا مَلَائِکَةَ اللَّهِ وَ زُوَّارَ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) ثُمَّ ضَعْ خَدَّکَ الْأَیْمَنَ عَلَی الْقَبْرِ مَرَّةً ثُمَّ الْأَیْسَرَ مَرَّةً وَ أَلِحَّ فِی الدُّعَاءِ وَ الْمَسْأَلَةِ فَإِذَا خَرَجْتَ فَلَا تُوَلِّ وَجْهَکَ عَلَی الْقَبْرِ حَتَّی تَخْرُجَ

أبو عبد الرحمن محمّد بن أحمد بن الحسین العسکری در شهر عسکر مکرم از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمّد بن ابی عمیر، از محمّد بن مروان، از ابی حمزة الثمالی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حضرت فرمودند:

هر گاه خواستی بعد از فراغت از زیارات وداع نمائی آنچه در قدرت تو است از زیارات را بجا آور، البتّه مقام و مکانت در نینوی و غاضریه باشد و از آنجا به زیارت برو، وقتی قصد زیارت کردی غسل کن و سپس زیارت وداع نما و وقتی از زیارت فارغ شدی رو به صورت قبر کن و از قبر خواهش نموده و بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، تو برای من سپری از عذاب می‌باشی، این زمان هنگام وداع من با شما و مراجعتم از خدمت شما بوده، در حالی که رو گردان از شما نبوده، و بجای شما به دیگری رو نمی‌نمایم، و غیر شما را بر شما اختیار نخواهم نمود، و بی‌رغبت نیستم از قرب و در جوار شما بودن، نفس و جانم را در معرض خطر حوادث قرار داده، و اهل و وطن خود را ترک نمودم، پس در روز حاجت و نیاز و احتیاجم کمک می‌باشی، در آن روزی که پدر و فرزند و خویشاوندان و نزدیکانم نفعی

به حالم ندارند، از خدائی که تقدیر و خلق نموده می‌خواهم که بواسطه شما حزن و اندوه من را برطرف کند، و از خدائی که فراق و جدا شدن از مکان تو را مقدّر من ساخته در خواست می‌نمایم که این را زیارت آخر من قرار ندهد، و از خدائی که چشم من را بر تو گریاند می‌خواهم که این اشک را سند و تکیه‌گاه من قرار دهد و از خدائی که من را از خانه و اهلم به سوی تو آورد می‌خواهم که این زیارت را ذخیره آخرتم قرار دهد، و از خدائی که مکان تو را به من نشان داد و هدایتم نمود که تسلیم و فرمانبردار تو بوده و زیارت کنم تو را درخواست می‌کنم که من را بر حوض شما وارد نماید، و رفاقت با شما در بهشت را همراه با آباء و پدران صالح و نیکوکار شما صلی اللّه علیهم اجمعین روزی من فرماید، درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده‌اش، درود بر رسول خدا حضرت محمّد بن عبد اللّه، حبیب و برگزیده خدا، و امین و فرستاده او، و سرور انبیاء، درود بر امیر الموءمنان و وصی رسول پروردگار عالمیان، و رهبر دست و روی سفیدان، درود بر ائمه راشدین و مهدیّین، درود بر کسی که از شما در حائر می‌باشد، درود بر فرشتگان خدا که کنار قبر باقی مانده و اقامه گزیده‌اند، آنان که به امر پروردگارشان قیام کرده‌اند، درود بر ما و بر بندگان نیکوکار خدا، و حمد و سپاس مر خدائی را که پروردگار عالمیان می‌باشد.

و می گوئی:

درود خدا و فرشتگان مقرّب و انبیاء مرسل، و بندگان نیکوکارش بر تو ای پسر رسول خدا و بر جان و جسم تو و بر فرزندانت و بر کسانی که از اولیاء تو بوده و نزدت حاضر شدند، با تو وداع کرده و تو را به خدا می‌سپارم و درود و خداحافظی با تو می گویم، به خدا و به رسولش به آنچه از نزد خدا رسولش آورده ایمان دارم، خداوندا ما را شاهدین و کسانی که در رکاب فرزند رسول خدا حاضر شدند بنویس و نام ما را در طومار ایشان ثبت و ضبط بفرما.

و بگو:

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و این زیارت را آخرین زیارت من از پسر رسول خودت قرار مده، خداوندا زیارت او را برای همیشه تا مادامی که من زنده هستم نصیبم فرما، خداوندا بواسطه حب و دوستی او من را منتفع گردان ای پروردگار عالمیان، خداوندا او را به مقامی پسندیده مبعوث گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی، خداوندا من بعد از نماز و سلام از تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد رحمتت را فرستاده و آن را شامل ایشان گردانی و نیز این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به فرزند رسول قرار ندهی و اگر آخرین زیارتم مقدّر کرده‌ای پس ای پروردگارم من را به او و آباء و دوستانش محشور فرما و اگر من را باقی گذارده و عمرم را طولانی نمودی پس روزی کن دوباره به زیارتش عود کرده و بعد از آن دوباره به زیارتش برگردم به رحمت واسعه‌ات ای مهربان‌تر از هر مهربانی امیدوار می‌باشم، خداوندا برای من زبانی راست را میان دوستانت قرار بده و مشاهد و اماکنی که ایشان حیّا و میتا حضور دارند را محسوب من نما، خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت بفرست، خداوندا بواسطه نعمتهای زیادی دنیا که شگفتی‌های خوبی و زیبائی آنها من را از تو باز داشته و جلاء و درخشندگی زینت آنها مفتونم می‌نماید من را از یاد خودت غافل مکن و نیز من را به قلّت و کمی امکانات دنیوی که رنج و تعب کم بود آنها مضرّ به عملم بوده و حزن ناشی از آن سینه‌ام را پر می‌نماید مبتلا نفرما از دنیا آن قدر به من اعطاء فرما که از مخلوقاتت بی‌نیاز و از بدی آنها در امان باشم، خداوندا به مقدار کفاف از دنیا به من اعطاء نما تا بواسطه آن به رضایت و خشنودی تو دست یابم ای خالق مهربان، و درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائرین قبر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام. سپس طرف راست صورت خود را یک بار و جانب چپ را بار دیگر بر قبر مطهّرش بگذار و در دعاء و درخواست حاجتت مبالغه کن و هنگامی که از حرم خارج می‌شوی روی خود را از قبر بر مگردان بلکه همچنان مواجه با آن باش تا از آنجا بیرون روی.

۸۵] - باب هشتاد و پنجم زیارت قبر حضرت عباس بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَسْکَرِیُّ بِالْعَسْکَرِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) إِذَا أَرَدْتَ زِیَارَةَ قَبْرِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) وَ هُوَ عَلَی شَطِّ الْفُرَاتِ بِحِذَاءِ الْحَائِرِ [الْحَیْرِ]فَقِفْ عَلَی بَابِ السَّقِیفَةِ وَ قُلْ سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِکَتِهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ أَنْبِیَائِهِ الْمُرْسَلِینَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِینَ وَ جَمِیعِ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الزَّاکِیَاتِ الطَّیِّبَاتِ فِیمَا تَغْتَدِی وَ تَرُوحُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ أَشْهَدُ لَکَ بِالتَّسْلِیمِ وَ التَّصْدِیقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِیحَةِ لِخَلَفِ النَّبِیِّ الْمُرْسَلِ وَ السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَ الدَّلِیلِ الْعَالِمِ وَ الْوَصِیِّ الْمُبَلِّغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ فَجَزَاکَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ (صلی الله علیه و آله) أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ وَ أَعَنْتَ- فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّکَ وَ اسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ أَشْهَدُ أَنَّکَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَکُمْ مَا وَعَدَکُمْ جِئْتُکَ یَا ابْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَافِداً إِلَیْکُمْ وَ قَلْبِی مُسَلِّمٌ لَکُمْ وَ أَنَا لَکُمْ تَابِعٌ وَ نُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّةٌ- حَتَّی یَحْکُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَیْرُ الْحَاکِمِینَ فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لَا مَعَ عَدُوِّکُمْ إِنِّی بِکُمْ وَ بِإِیَابِکُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ بِمَنْ خَالَفَکُمْ وَ قَتَلَکُمْ مِنَ الْکَافِرِینَ قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْکُمْ بِالْأَیْدِی وَ الْأَلْسُنِ- ثُمَّ ادْخُلْ وَ انْکَبَّ عَلَی الْقَبْرِ وَ قُلِ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ- الْمُطِیعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ (علیهم السلام) السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ وَ رِضْوَانُهُ وَ عَلَی رُوحِکَ وَ بَدَنِکَ أَشْهَدُ وَ أُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّکَ مَضَیْتَ عَلَی مَا مَضَی عَلَیْهِ الْبَدْرِیُّونَ- الْمُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِی جِهَادِ أَعْدَائِهِ الْمُبَالِغُونَ فِی نُصْرَةِ أَوْلِیَائِهِ الذَّابُّونَ عَنْ أَحِبَّائِهِ فَجَزَاکَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ- وَ أَکْثَرَ الْجَزَاءِ وَ أَوْفَرَ الْجَزَاءِ وَ أَوْفَی جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَی بِبَیْعَتِهِ- وَ اسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَ أَطَاعَ وُلَاةَ أَمْرِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَالَغْتَ فِی النَّصِیحَةِ وَ أَعْطَیْتَ غَایَةَ الْمَجْهُودِ فَبَعَثَکَ اللَّهُ فِی الشُّهَدَاءِ وَ جَعَلَ رُوحَکَ مَعَ أَرْوَاحِ الشُّهَدَاءِ وَ أَعْطَاکَ مِنْ جِنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنْزِلًا- وَ أَفْضَلَهَا غُرَفاً وَ رَفَعَ ذِکْرَکَ فِی عِلِّیِّینَ وَ حَشَرَکَ مَعَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقاً أَشْهَدُ أَنَّکَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَنْکُلْ وَ أَنَّکَ مَضَیْتَ عَلَی بَصِیرَةٍ مِنْ أَمْرِکَ- مُقْتَدِیاً بِالصَّالِحِینَ وَ مُتَّبِعاً لِلنَّبِیِّینَ فَجَمَعَ اللَّهُ بَیْنَنَا وَ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ رَسُولِهِ وَ أَوْلِیَائِهِ فِی مَنَازِلِ الْمُخْبِتِینَ فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ

ابو عبـد الرحمن محمـد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار از محمّد بن ابی عمیر از محمّد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی، وی می‌گویـد: امام صادق علیه السّلام فرمودنـد: هر گاه خواستی زیارت کنی قبر حضـرت عبّاس بن علی علیه السّلام را که در کنار شط فرات و در مقابل جابر قرار دارد پس بر در سقیفه بایست و بگو: درود خدا و درود فرشـتگان مقرب و انبیاء مرسـلش و درود بنـدگان صالح و نیکوکارش و درود تمام شـهداء و صدیقین و پاکان و پاکیزگان در صبح و شام بر تو ای فرزند امیر الموءمنین، شـهادت می‌دهم که تو تسـلیم فرزند نبی مرسل و سـبط برگزیده پیامبر و راهنما و عالم و جانشـین مبلّغ و مظلوم سـتم دیده بوده و او را تصدیق داشـته و در مقام وفاء و خیر خواهی او بودی پس خدا از طرف رسولش و امیر المـوءمنین و حسن و حسـین صـلوات اللّه علیهم اجمعین بالاـترین پاداش‌هـا را به تو داده و به واسـطه صـبر و بردبـاری که در این راه نمودی و آزمـایش و امتحـانی که دادی و رنـج و مشـقتی را که متحمـل شـدی عـالی‌ترین اجرهـا را نصـیب، تو نمایـد پس خوشا به زنـدگانی آخرت تو، خدا لعنت کند کسـی را که تو را کشت، و لعنت کند کسـی را که به حق تو جاهل و ناآگاه بود و لعنت نمایـد کسـی را که حرمت تو را نگاه نـداشت و در مقام اسـتخفاف تو برآمـد و خدا لعنت کند کسـی را که بین تو و بین آب فرات فاصـله شد، شـهادت می‌دهم که تو مظلوم کشـته شدی و شـهادت می‌دهم که خدا آنچه به شما وعده کرده است را عملی می‌سازد ای پسر امیر الموءمنین به نزدت آمده‌ام در حالی که از سـفر آمده‌ام، دلم تسـلیم شما است، و خودم تابع و پیرو شما بوده، آماده‌ام برای یاری شما تا خدا حکم کند و او بهترین حکم‌کنندگان است، پس آن کس که با شما است حتما با شما بوده نه با دشمنانتان، من به شما و

رجعت شما ایمان دارم و به کسی که مخالفتتان را می‌نماید و شما را کشته است کافر هستم، خدا بکشد گروهی را که با دست‌ها، و زبان‌هایشان شما را کشتند.

سپس داخل شو و بر قبر تکیه داده و بگو:

درود بر تو ای بنده نیکوکار، بنده‌ای که فرمان بردار خدا و رسولش و امیر الموءمنین و حسن و حسین علیهم السّلام بودی، درود و رحمت و برکات و بهشت خدا برای تو باد، و بر جان و جسد تو باشد، و خدا را شاهد می‌گیرم که تو همان راهی را رفتی که اصحاب بدر رفتند همان کسانی که در راه خدا جهاد کرده، و در جهاد با دشمنان خدا زبان به پند و نصیحت گشوده و خالص آن را بجا آوردند، در نصرت دوستان خدا سعی بلیغ نموده، و از دوستان و محبّین حق تعالی دشمنان را دفع کردند، پس خدا برترین و با فضیلت‌ترین و بیشترین جزاءها و پاداش‌ها را به تو عطاء فرماید، و نیز وافر و وافرترین پاداش کسی که به بیعتش وفاء نموده و خدا دعایش را مستجاب کرده و همچنین نیک‌ترین پاداش کسی که از والیان امر اطاعت نموده است را به تو عنایت فرماید، شهادت می‌دهم که تو در نصیحت و خیرخواهی مبالغه کرده و نهایت کوشش و جهد خود را نمودی، پس خدا تو را در شهداء بر انگیزد، و روحت را با ارواح شهداء قرین گرداند، و از بهشتش وسیع‌ترین منزل و با فضیلت‌ترین غرفه را اعطاء نماید، و ذکر تو را در علّیین بالا ببرد، و با انبیاء و صدّیقین و شهداء، و صلحاء محشورت کند، و ایشان نیکو رفقائی هستند، شهادت می‌دهم که تو از خود سستی نشان نداده و عقب‌گرد نکردی، و نیز شهادت می‌دهم که تو بر بصیرت مشی نموده و به صالحین اقتداء کرده و از انبیاء پیروی نمودی، پس حق تعالی بین ما و بین شما و بین رسول و اولیائش در منازل اشخاص متواضع و فروتن جمع کند زیرا او ارحم الراحمین می‌باشد.

۸۶] – باب هشتاد و ششم وداع با قبر حضرت عباس بن علی علیهما السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَسْکَرِیُّ بِالْعَسْکَرِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا وَدَّعْتَ الْعَبَّاسَ فَأْتِهِ وَ قُلْ أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَ أَسْتَرْعِیکَ وَ أَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِکِتَابِهِ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِینَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَةِ قَبْرِ ابْنِ أَخِی نَبِیِّکَ وَ ارْزُقْنِی زِیَارَتَهُ أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی وَ احْشُرْنِی مَعَهُ وَ مَعَ آبَائِهِ فِی الْجِنَانِ اللَّهُمَّ وَ عَرِّفْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ رَسُولِکَ وَ أَوْلِیَائِکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَوَفَّنِی عَلَی الْإِیمَانِ بِکَ وَ التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ وَ الْوَلَایَةِ لِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ- فَإِنِّی قَدْ رَضِیتُ بِذَلِکَ یَا رَبِّ وَ تَدْعُو لِنَفْسِکَ وَ لِوَالِدَیْکَ وَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُسْلِمِینَ وَ تَخَیَّرْ مِنَ الدُّعَاءِ

ابو عبد الرحمن محمّد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر از حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش علی بن مهزیار، از محمّد بن ابی عمیر، از محمّد بن مروان، از ابی حمزة الثمالی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند: هر گاه خواستی با حضرت عباس علیه السّلام وداع کنی پس به نزدش برو و بگو:

تو را به خدا می‌سپارم و از او می‌خواهم که از تو نگاهبانی نماید و سلام خداحافظی به تو می‌دهم، به خدا و رسول و کتابش و به آنچه رسولش از جانب خدا آورده ایمان آورده‌ایم، خدایا ما را با شاهدین بنویس، خدایا این زیارت را آخرین زیارت ما نسبت به قبر پسر برادر پیغمبرت قرار مده، و تا مادامی که من زنده هستم زیارتش را نصیبم نما، و من را با او و با آباء گرامش در بهشت محشور نما، و بین من و بین او و رسول و دوستانت آشنائی بیانداز، خدایا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و من را در حالی که به تو ایمان داشته و رسولت را تصدیق کرده، و علی بن ابی طالب و ائمه بعد از آن حضرت که جملگی فرزندان او هستند را دوست داشته و از دشمنانشان بی‌زاری می‌جویم بمیران و از این دنیا ببر، زیرا پروردگار، من به این معنا راضی و خشنود می‌باشم.

و سپس برای خود و پدر و مادرت و موءمنین و مسلمین دعاء کن و هر دعائی را که خواستی اختیار نما.

۸۷] – باب هشتاد و هفتم وداع با قبور شهداء علیهم السّلام

تَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُمْ وَ أَشْرِكْنِي مَعَهُمْ وَ أَدْخِلْنِي فِي صَالِحِ مَا أَعْطَيْتَهُمْ عَلَى نَصْرِهِمْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ جِهَادِهِمْ مَعَهُ فِي سَبِيلِكَ اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا وَ إِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً أَسْتَوْدِعُكُمُ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهِمْ- وَ احْشُرْنِي مَعَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بگو:

خدایا این زیارت را آخرین زیارت من نسبت به شهداء قرار مده، و من را با ایشان در آنچه به آنها در قبال یاری پسر دختر پیغمبرت و جهادشان با حجّت تو بر خلق اعطاء فرموده‌ای شریک گردان، خدایا، ما و ایشان را در بهشت خود با شهداء و صالحین جمع فرما، ایشان نیکو رفقائی هستند، شما را به خدا می‌سپارم و سلام خداحافظی به شما می‌دهم، خدایا روزی من کن که دوباره به ایشان برگردم و من را با ایشان محشور فرما ای مهربان‌تر از هر مهربانی.

*** ***

*** ***

۸۸] - باب هشتاد و هشتم فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین علیه السّلام

حسین بن أحمد بن المغيرة فيه حديث- رواه شيخه أبو القاسم رحمه الله مصنف هذا الكتاب و نقل عنه و هو عن زائدةَ عن مولانا على بن الحسينع ذهب على شيخنا رحمه الله أن يضمنه كتابه هذا و هو مما يليق بهذا الباب و يشتمل أيضا على معان شتى حسن تام الألفاظ- أحببت إدخاله و جعلته أول الباب و جميع أحاديث هذا الباب و غيرها مما يجرى مجريها يستدل بها على صحة قبر مولانا الحسينع بكربلاء لأن كثيرا من المخالفين ينكرون أن قبره بكربلاء كما ينكرون أن قبر مولانا أمير المومنينع بالغرى بظهر نجف الكوفة و قد كنت استفدت هذا الحديث بمصر عن شيخى أبى القاسم على بن محمد بن عبدوس الكوفى رحمه الله مما نقله عن مُزاحم بنِ عبدِ الوارثِ البصريِّ بإسناده عن قدامةَ بنِ زائدةَ عن أبيه زائدةَ عنْ عليَّ بنِ الحسين (عليهما السلام) و قد ذاكرت شيخنا ابن قولويه بهذا الحديث بعد فراغه من تصنيف هذا الكتاب ليدخله فيه فما قضى ذلك و عَاجَلَتْهُ مَنِيَّتُهُ رضى الله عنه و ألحقه بمواليه (عليه السلام) و هذا الحديث داخل فيما أجاز لى شيخى ره و قد جمعت بين الروايتين بالألفاظ الزائدة و النقصان و التقديم و التأخير فيهما حتى صحَّ بجميعه عمن حدثنى به أولا ثم الآن و ذلك أنى ما قرأته على شيخى ره و لا قرأه على غير أنى أرويه عمن حدثنى به عنه و هو أبو عبد الله أحمد بن محمد بن عياش قال- حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عِيسَى عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ الطَّائِيُّ الْبَصْرِيُّ ره قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عُثْمَانَ سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَّامِ بْنِ يَسَارٍ [سَيَّارٍ]الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عِيسَى بْنُ أَبِي شَيْبَةَ الْقَاضِي قَالَ حَدَّثَنِي نُوحُ بْنُ دَرَّاجٍ قَالَ حَدَّثَنِي قُدَامَةُ بْنُ زَائِدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) بَلَغَنِي يَا زَائِدَةُ أَنَّكَ تَزُورُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَحْيَاناً فَقُلْتُ إِنَّ ذَلِكَ لَكَمَا بَلَغَكَ فَقَالَ لِي فَلِمَا ذَا تَفْعَلُ ذَلِكَ وَ لَكَ مَكَانٌ عِنْدَ سُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يَحْتَمِلُ أَحَداً عَلَى مَحَبَّتِنَا وَ تَفْضِيلِنَا وَ ذِكْرِ فَضَائِلِنَا وَ الْوَاجِبُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ حَقِّنَا فَقُلْتُ وَ اللَّهِ مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا أَحْفِلُ بِسَخَطِ مَنْ سَخِطَ وَ لَا يَكْبُرُ فِي صَدْرِي مَكْرُوهٌ يَنَالُنِي بِسَبَبِهِ فَقَالَ وَ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ- فَقُلْتُ وَ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ يَقُولُهَا ثَلَاثاً وَ أَقُولُهَا ثَلَاثاً فَقَالَ

أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ فَلَأُخْبِرَنَّكَ بِخَبَرٍ كَانَ عِنْدِي فِي النُّخَبِ [الْبَحْرِ]الْمَخْزُونِ- فَإِنَّهُ لَمَّا أَصَابَنَا بِالطَّفِّ مَا أَصَابَنَا وَ قُتِلَ أَبِي (عليه السلام) وَ قُتِلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ- مِنْ وُلْدِهِ وَ إِخْوَتِهِ وَ سَائِرِ أَهْلِهِ وَ حُمِلَتْ حَرَمُهُ وَ نِسَاؤُهُ عَلَى الْأَقْتَابِ يُرَادُ بِنَا الْكُوفَةُ فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ صَرْعَى وَ لَمْ يُوَارَوْا فَعَظُمَ ذَلِكَ فِي صَدْرِي وَ اشْتَدَّ لِمَا أَرَى مِنْهُمْ قَلَقِي فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجُ وَ تَبَيَّنَتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمَّتِي زَيْنَبُ الْكُبْرَى بِنْتُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فَقَالَتْ مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي فَقُلْتُ وَ كَيْفَ لَا أَجْزَعُ وَ أَهْلَعُ وَ قَدْ أَرَى سَيِّدِي وَ إِخْوَتِي وَ عُمُومَتِي وَ وُلْدَ عَمِّي وَ أَهْلِي مُصَرَّعِينَ بِدِمَائِهِمْ مُرَمَّلِينَ بِالْعَرَاءِ مُسَلَّبِينَ لَا يُكَفَّنُونَ وَ لَا يُوَارَوْنَ وَ لَا يُعَرِّجُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ وَ لَا يَقْرَبُهُمْ بَشَرٌ كَأَنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتٍ مِنَ الدَّيْلَمِ وَ الْخَزَرِ فَقَالَتْ لَا يُجْزِعَنَّكَ مَا تَرَى فَوَ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص

إِلَى جَدِّكَ وَ أَبِيكَ وَ عَمِّكَ وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ الميثاق [مِيثَاقَ أُنَاسٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا تَعْرِفُهُمْ فَرَاعِنَةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ هُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْضَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُوَارُونَهَا وَ هَذِهِ الْجُسُومَ الْمُضَرَّجَةَ وَ يَنْصِبُونَ لِهَذَا الطَّفِّ عَلَماً لِقَبْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَدْرُسُ أَثَرُهُ وَ لَا يَعْفُو رَسْمُهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ لَيَجْتَهِدَنَّ أَئِمَّةُ الْكُفْرِ وَ أَشْيَاعُ الضَّلَالَةِ فِي مَحْوِهِ وَ تَطْمِيسِهِ فَلَا يَزْدَادُ أَثَرُهُ إِلَّا ظُهُوراً وَ أَمْرُهُ إِلَّا عُلُوّاً فَقُلْتُ وَ مَا هَذَا الْعَهْدُ وَ مَا هَذَا الْخَبَرُ فَقَالَتْ نَعَمْ حَدَّثَتْنِي أُمُّ أَيْمَنَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ فَعَمِلْتُ لَهُ حَرِيرَةً وَ أَتَاهُ عَلِيٌّ (عليه السلام) بِطَبَقٍ فِيهِ تَمْرٌ ثُمَّ قَالَتْ أُمُّ أَيْمَنَ فَأَتَيْتُهُمْ بِعُسٍّ فِيهِ لَبَنٌ وَ زُبْدٌ فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (عليهم السلام) مِنْ تِلْكَ الْحَرِيرَةِ- وَ شَرِبَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ شَرِبُوا مِنْ ذَلِكَ اللَّبَنِ ثُمَّ أَكَلَ وَ أَكَلُوا مِنْ ذَلِكَ التَّمْرِ وَ الزُّبْدِ ثُمَّ غَسَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَدَهُ- وَ عَلِيٌّ يَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ غَسْلِ يَدِهِ مَسَحَ وَجْهَهُ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ نَظَراً عَرَفْنَا بِهِ السُّرُورَ فِي وَجْهِهِ ثُمَّ رَمَقَ بِطَرْفِهِ نَحْوَ السَّمَاءِ مَلِيّاً ثُمَّ إِنَّهُ وَجَّهَ وَجْهَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ وَ بَسَطَ يَدَيْهِ وَ دَعَا ثُمَّ خَرَّ سَاجِداً وَ هُوَ يَنْشِجُ فَأَطَالَ النُّشُوجَ وَ عَلَا

نَحِيبُهُ وَ جَرَتْ دُمُوعُهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ أَطْرَقَ إِلَى الْأَرْضِ وَ دُمُوعُهُ تَقْطُرُ كَأَنَّهَا صَوْبُ الْمَطَرِ فَحَزِنَتْ فَاطِمَةُ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (عليهم السلام) وَ حَزِنْتُ مَعَهُمْ لِمَا رَأَيْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ هِبْنَاهُ أَنْ نَسْأَلَهُ حَتَّى إِذَا طَالَ ذَلِكَ قَالَ لَهُ عَلِيٌّ وَ قَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ مَا يُبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَا أَبْكَى اللَّهُ عَيْنَيْكَ فَقَدْ أَقْرَحَ قُلُوبَنَا مَا نَرَى مِنْ حَالِكَ فَقَالَ يَا أَخِي سُرِرْتُ بِكُمْ وَ قَالَ مُزَاحِمُ بْنُ عَبْدِ الْوَارِثِ فِي حَدِيثِهِ هَاهُنَا فَقَالَ يَا حَبِيبِي إِنِّي سُرِرْتُ بِكُمْ سُرُوراً مَا سُرِرْتُ مِثْلَهُ قَطُّ- وَ إِنِّي لَأَنْظُرُ إِلَيْكُمْ وَ أَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعْمَتِهِ عَلَيَّ فِيكُمْ إِذْ هَبَطَ عَلَيَّ جَبْرَئِيلُ (عليه السلام) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اطَّلَعَ عَلَى مَا فِي نَفْسِكَ وَ عَرَفَ سُرُورَكَ بِأَخِيكَ وَ ابْنَتِكَ وَ سِبْطَيْكَ فَأَكْمَلَ لَكَ النِّعْمَةَ وَ هَنَّأَكَ الْعَطِيَّةَ بِأَنْ جَعَلَهُمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ مُحِبِّيهِمْ وَ شِيعَتَهُمْ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ لَا يُفَرِّقُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ يُحِبُّونَ كَمَا تُحِبُّ وَ يُعْطَوْنَ كَمَا تُعْطَى حَتَّى تَرْضَى وَ فَوْقَ الرِّضَا عَلَى بَلْوَى كَثِيرَةٍ تَنَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ مَكَارِهَ تُصِيبُهُمْ بِأَيْدِي أُنَاسٍ يَنْتَحِلُونَ مِلَّتَكَ وَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّتِكَ بِرَاءٍ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْكَ خَبْطاً خَبْطاً وَ قَتْلًا قَتْلًا- شَتَّى مَصَارِعُهُمْ نَائِيَةً قُبُورُهُمْ خِيَرَةً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ وَ لَكَ فِيهِمْ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خِيَرَتِهِ وَ ارْضَ بِقَضَائِهِ فَحَمِدْتُ اللَّهَ وَ رَضِيتُ بِقَضَائِهِ بِمَا اخْتَارَهُ لَكُمْ ثُمَّ قَالَ لِي جَبْرَئِيلُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَخَاكَ مُضْطَهَدٌ بَعْدَكَ مَغْلُوبٌ عَلَى أُمَّتِكَ مَتْعُوبٌ مِنْ أَعْدَائِكَ ثُمَّ مَقْتُولٌ بَعْدَكَ يَقْتُلُهُ أَشَرُّ الْخَلْقِ وَ الْخَلِيقَةِ- وَ أَشْقَى الْبَرِيَّةِ يَكُونُ نَظِيرَ عَاقِرِ النَّاقَةِ بِبَلَدٍ تَكُونُ إِلَيْهِ هِجْرَتُهُ وَ هُوَ مَغْرِسُ شِيعَتِهِ وَ شِيعَةِ وُلْدِهِ وَ فِيهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ يَكْثُرُ بَلْوَاهُمْ وَ يَعْظُمُ مُصَابُهُمْ وَ إِنَّ سِبْطَكَ هَذَا وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام) مَقْتُولٌ فِي عِصَابَةٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ أَخْيَارٍ مِنْ أُمَّتِكَ بِضِفَّةِ الْفُرَاتِ بِأَرْضٍ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ مِنْ أَجْلِهَا يَكْثُرُ الْكَرْبُ وَ الْبَلَاءُ عَلَى أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ ذُرِّيَّتِكَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي لَا يَنْقَضِي كَرْبُهُ وَ لَا تَفْنَى حَسْرَتُهُ وَ هِيَ أَطْيَبُ بِقَاعِ الْأَرْضِ وَ أَعْظَمُهَا حُرْمَةً يُقْتَلُ فِيهَا سِبْطُكَ وَ أَهْلُهُ وَ أَنَّهَا مِنْ بَطْحَاءِ الْجَنَّةِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي يُقْتَلُ فِيهِ سِبْطُكَ وَ أَهْلُهُ وَ أَحَاطَتْ بِهِ كَتَائِبُ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ اللَّعْنَةِ تَزَعْزَعَتِ الْأَرْضُ مِنْ أَقْطَارِهَا وَ مَادَتِ الْجِبَالُ وَ كَثُرَ اضْطِرَابُهَا وَ اصْطَفَقَتِ الْبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا وَ مَاجَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَهْلِهَا غَضَباً لَكَ يَا مُحَمَّدُ وَ لِذُرِّيَّتِكَ- وَ اسْتِعْظَاماً لِمَا يُنْتَهَكُ مِنْ حُرْمَتِكَ وَ لِشَرِّ مَا تُكَافَى بِهِ فِي ذُرِّيَّتِكَ وَ عِتْرَتِكَ وَ لَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا اسْتَأْذَنَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي نُصْرَةِ أَهْلِكَ- الْمُسْتَضْعَفِينَ الْمَظْلُومِينَ الَّذِينَ هُمْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بَعْدَكَ فَيُوحِي اللَّهُ إِلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ وَ الْبِحَارِ وَ مَنْ فِيهِنَّ إِنِّي أَنَا اللَّهُ الْمَلِكُ الْقَادِرُ الَّذِي لَا يَفُوتُهُ هَارِبٌ وَ لَا يُعْجِزُهُ مُمْتَنِعٌ وَ أَنَا أَقْدَرُ فِيهِ عَلَى الِانْتِصَارِ وَ الِانْتِقَامِ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَأُعَذِّبَنَّ مَنْ وَتَرَ رَسُولِي وَ صَفِيِّي وَ انْتَهَكَ حُرْمَتَهُ وَ قَتَلَ عِتْرَتَهُ وَ نَبَذَ عَهْدَهُ وَ ظَلَمَ أَهْلَ بَيْتِهِ [أَهْلَهُ]عَذَاباً لَا أُعَذِّبُهُ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَضِجُّ كُلُّ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ بِلَعْنِ مَنْ ظَلَمَ عِتْرَتَكَ وَ اسْتَحَلَّ حُرْمَتَكَ فَإِذَا بَرَزَتْ تِلْكَ الْعِصَابَةُ إِلَى مَضَاجِعِهَا- تَوَلَّى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَبْضَ أَرْوَاحِهَا بِيَدِهِ وَ هَبَطَ إِلَى الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَعَهُمْ آنِيَةٌ مِنَ الْيَاقُوتِ وَ الزُّمُرُّدِ مَمْلُوَّةً مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ وَ حُلَلٌ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَ طِيبٌ مِنْ طِيبِ الْجَنَّةِ فَغَسَّلُوا جُثَثَهُمْ بِذَلِكَ الْمَاءِ وَ أَلْبَسُوهَا الْحُلَلَ وَ حَنَّطُوهَا بِذَلِكَ الطِّيبِ وَ صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ صَفّاً صَفّاً عَلَيْهِمْ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ قَوْماً مِنْ أُمَّتِكَ لَا يَعْرِفُهُمُ الْكُفَّارُ لَمْ يَشْرَكُوا فِي تِلْكَ الدِّمَاءِ بِقَوْلٍ وَ لَا فِعْلٍ وَ لَا نِيَّةٍ فَيُوَارُونَ أَجْسَامَهُمْ وَ يُقِيمُونَ رَسْماً لِقَبْرِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ بِتِلْكَ الْبَطْحَاءِ يَكُونُ عَلَماً لِأَهْلِ الْحَقِّ وَ سَبَباً لِلْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْفَوْزِ وَ تَحُفُّهُ مَلَائِكَةٌ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مِائَةُ أَلْفِ مَلَكٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ- وَ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ يَطُوفُونَ عَلَيْهِ وَ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ عِنْدَهُ وَ يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لِمَنْ زَارَهُ وَ يَكْتُبُونَ أَسْمَاءَ مَنْ يَأْتِيهِ زَائِراً مِنْ أُمَّتِكَ مُتَقَرِّباً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْكَ بِذَلِكَ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ يُوسِمُونَ فِي وُجُوهِهِمْ بِمِيسَمِ نُورِ عَرْشِ اللَّهِ هَذَا زَائِرُ قَبْرِ خَيْرِ الشُّهَدَاءِ وَ ابْنِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ سَطَعَ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ ذَلِكَ الْمِيسَمِ نُورٌ تُغْشَى مِنْهُ الْأَبْصَارُ- يَدُلُّ عَلَيْهِمْ وَ يُعْرَفُونَ بِهِ وَ كَأَنِّي بِكَ يَا مُحَمَّدُ بَيْنِي وَ بَيْنَ مِيكَائِيلَ وَ عَلِيٌّ أَمَامَنَا وَ مَعَنَا مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ مَا لَا يُحْصَى عَدَدُهُمْ وَ نَحْنُ نَلْتَقِطُ مِنْ ذَلِكَ الْمِيسَمِ فِي وَجْهِهِ مِنْ بَيْنِ الْخَلَائِقِ حَتَّى يُنْجِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ هَوْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ شَدَائِدِهِ وَ ذَلِكَ حُكْمُ اللَّهِ وَ عَطَاؤُهُ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ يَا مُحَمَّدُ أَوْ قَبْرَ أَخِيكَ أَوْ قَبْرَ سِبْطَيْكَ لَا يُرِيدُ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَيَجْتَهِدُ أُنَاسٌ مِمَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَ السَّخَطُ- أَنْ يَعْفُوا رَسْمَ ذَلِكَ الْقَبْرِ وَ يَمْحُوا أَثَرَهُ فَلَا يَجْعَلُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ سَبِيلًا ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) فَهَذَا أَبْكَانِي وَ أَحْزَنَنِي قَالَتْ زَيْنَبُ فَلَمَّا ضَرَبَ ابْنُ مُلْجَمٍ لَعَنَهُ اللَّهُ أَبِي (عليه السلام) وَ رَأَيْتُ عَلَيْهِ أَثَرَ الْمَوْتِ مِنْهُ قُلْتُ لَهُ يَا أَبَتِ حَدَّثَتْنِي أُمُّ أَيْمَنَ بِكَذَا وَ كَذَا وَ قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ فَقَالَ يَا بُنَيَّةِ الْحَدِيثُ

کَمَا حَدَّثَتْکِ أُمُّ أَیْمَنَ وَ کَأَنِّی بِکِ وَ بِنِسَاءِ أَهْلِکِ سَبَایَا بِهَذَا الْبَلَدِ أَذِلَّاءَ خَاشِعِینَ تَخافُونَ أَنْ یَتَخَطَّفَکُمُ النّاسُ فَصَبْراً صَبْراً فَوَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا لِلَّهِ عَلَی ظَهْرِ الْأَرْضِ یَوْمَئِذٍ وَلِیٌّ غَیْرُکُمْ وَ غَیْرُ مُحِبِّیکُمْ وَ شِیعَتِکُمْ وَ لَقَدْ قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) حِینَ أَخْبَرَنَا بِهَذَا الْخَبَرِ- إِنَّ إِبْلِیسَ لَعَنَهُ اللَّهُ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ یَطِیرُ فَرَحاً فَیَجُولُ الْأَرْضَ کُلَّهَا بِشَیَاطِینِهِ وَ عَفَارِیتِهِ فَیَقُولُ یَا مَعَاشِرَ الشَّیَاطِینِ قَدْ أَدْرَکْنَا مِنْ ذُرِّیَّةِ آدمَ الطَّلِبَةَ وَ بَلَغْنَا فِی هَلَاکِهِمُ الْغَایَةَ وَ أَوْرَثْنَاهُمُ النَّارَ إِلَّا مَنِ اعْتَصَمَ بِهَذِهِ الْعِصَابَةِ فَاجْعَلُوا شُغُلَکُمْ بِتَشْکِیکِ النَّاسِ فِیهِمْ وَ حَمْلِهِمْ عَلَی عَدَاوَتِهِمْ وَ إِغْرَائِهِم بِهِمْ وَ أَوْلِیَائِهِمْ حَتَّی تَسْتَحْکِمُوا ضَلَالَةَ الْخَلْقِ وَ کُفْرَهُمْ وَ لَا یَنْجُو مِنْهُمْ نَاجٍ- وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَیْهِمْ إِبْلِیسُ وَ هُوَ کَذُوبٌ أَنَّهُ لَا یَنْفَعُ مَعَ عَدَاوَتِکُمْ عَمَلٌ صَالِحٌ وَ لَا یَضُرُّ مَعَ مَحَبَّتِکُمْ وَ مُوَالاتِکُمْ ذَنْبٌ غَیْرُ الْکَبَائِرِ قَالَ زَائِدَةُ ثُمَّ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) بَعْدَ أَنْ حَدَّثَنِی بِهَذَا الْحَدِیثِ خُذْهُ إِلَیْکَ مَا لَوْ ضَرَبْتَ فِی طَلَبِهِ آبَاطَ الْإِبِلِ حَوْلًا لَکَانَ قَلِیلًا رَجَعْنَا إِلَی الْأَصْلِ

حسین بن احمد بن مغیره در باره فضل کربلاء و زیارت امام حسین علیه السّلام حدیثی دارد، این حدیث را استادش ابو القاسم علیه الرحمه مصنّف این کتاب روایت کرده و حسین بن احمد از او و وی از زائده و او از مولانا علی بن الحسین علیهما السّلام نقل نموده.

استاد ما رحمهٔ اللّه علیه فراموش کرد که این حدیث را به کتابش ضمیمه کند در حالی که سزاوار بود در این باب نقل شود، حدیث مزبور چون بر معانی پسندیده و بسیاری مشتمل بوده و الفاظش تام و زیباست دوست داشتم آن را در این باب بگنجانم.

قابل ذکر است که تمام احادیث این باب و احادیث دیگر که با اینها در مضمون مشترک هستند به آنها بر بودن قبر امام حسین علیه السّلام در کربلا استدلال شده است زیرا بسیاری از مخالفین انکار دارند که قبر آن حضرت در کربلاء است چنانچه وجود قبر امیر الموءمنین علیه السّلام را در نجف منکر می‌باشند.

این حدیث را در مصر از استادم ابی القاسم علی بن محمّد بن عبدوسی کوفی رحمهٔ اللّه علیه استفاده کرده‌ام، و وی آن را از مزاحم بن عبد الوارث بصری، به اسنادش از قدامهٔ بن زائده، از پدرش زائده، از علی بن الحسین علیهما السّلام نقل کرده.

پس از آنکه استاد ما ابن قولویه از تصنیف این کتاب (کامل الزیارهٔ) فارغ گردید با وی راجع به این حدیث مذاکره کرده و به ایشان پیشنهاد نمودم آن را در این کتاب داخل نماید ولی پیش از آنکه ایشان به این کار مبادرت ورزند اجل او را دریافت و او را به موالی او علیهم السّلام ملحق کرد خدا از او خوشنود و راضی باشد.

این حدیث در آنچه استادم رحمهٔ اللّه علیه به من اجازه آن‌ها را داده است داخل بوده منتهی در مقام نقل بین دو روایت را جمع کرده، برخی الفاظ را اضافه و بعضی را حذف نموده، پاره‌ای را مقدّم و شطری را موءخر کرده‌ام و بدین ترتیب صحیح است بگویم: این حدیث را با تمام الفاظ و عباراتش از کسی نقل می‌کنم که وی آن را برایم اولا و سپس الان حدیث نموده چه آنکه نه من آن را بر استادم رحمهٔ اللّه علیه قرائت کرده و نه او بر من قرائت نموده است فقط من آن را از کسی که برایم نقل کرده حکایت می‌کنم و آن حدیث چنین است: ابو عبد اللّه احمد بن محمّد بن عیّاش می‌گوید: ابو القاسم جعفر بن محمّد بن قولویه برایم نقل کرد و گفت: ابو عیسی عبید اللّه بن فضل بن محمّد بن هلال الطائی البصری برایم نقل نمود و گفت: ابو عثمان سعید بن محمّد برایم نقل کرد و گفت: محمد بن سلام بن یسار کوفی برای ما نقل کرد و گفت: احمد بن محمد واسطی برایم نقل نمود و گفت: عیسی بن ابی شیبهٔ القاضی برایم نقل کرد و گفت: نوح بن دراج برایم نقل کرد و گفت: قدامهٔ بن زائده برایم حدیث کرد و از پدرش نقل کرد، پدرش گفت:

حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام فرمودند:

ای زائده خبر به من رسیده که گاهی به زیارت قبر ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام می‌روی؟

عرض کردم: همان طور است که خبر به سمع شما رسیده.

حضرت فرمودند:

برای چه مبادرت به چنين فعلی می‌ورزی در حالی كه تو نزد سلطان مكانت و منزلتی داشته و وی كسی است كه توان اين را ندارد ببيند شخصی به ما محبّت داشته و ما را بر ديگران برتری می‌دهد و فضائل ما را ذكر می‌كند و حقّی كه از ما بر اين امّت واجب است را رعايت می‌نمايد؟

محضر مباركش عرض كردم: به خدا سوگند قصدم از اين فعل فقط رضايت خدا و رسول خدا بوده و از غضب و سخط كسی كه بر من غضب نمايد ترس و وحشتی ندارم و امر مكروهی كه از ناحيه اين فعل به من برسد هرگز در سينه‌ام گران و سنگين نيست و بر من قابل تحمّل می‌باشد.

حضرت فرمودند:

تو را به خدا سوگند امر چنين است؟

عرض كردم: به خدا سوگند امر چنين است.

حضرت سوءالشان را سه بار تكرار فرموده و من نيز جوابم را سه بار بازگو نمودم.

سپس حضرت فرمودند:

بشارت باد ترا، بشارت باد ترا، بشارت باد تو را، لازم شد خبر دهم تو را به حديثی كه نزد من بوده و از احاديث نخبه و برگزيده‌ای است كه جزء اسرار مخزونه می‌باشد و آن اين است: زمانی كه در طف (كربلا) آن مصيبت به ما وارد گشت و پدرم عليه السّلام و تمام فرزندان و برادران و جميع اهلش كه با او بودند كشته شدند و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی‌جهاز نشانده و ما را به كوفه برگرداندند پس به قتلگاه ايشان چشم دوختم و ابدان طاهره ايشان را برهنه و عريان ديدم كه روی خاك افتاده و دفن نشده‌اند، اين معنا بر من گران آمد و در سينه‌ام اثرش را يافته و هنگامی كه از ايشان چنين منظره‌ای را مشاهده كردم اضطراب و بی‌آرامی در من شدت يافت به حدّی كه نزديك بود روح از كالبدم خارج شود، اين هيئت و حالت را وقتی عمّه‌ام زينب كبری دختر علی بن ابی طالب عليها السّلام از من مشاهده نمود فرمود:

اين چه حالی است از تو می‌بينم، ای يادگار جدّ و پدر و برادرم چرا با جان خود بازی می‌كنی؟!! من گفتم:

چگونه جزع و بيتابی نكنم در حالی كه می‌بينم سرور و برادران و عموها و پسر عموها و اهل خود را در خون خويش طپيده، عريان و برهنه بوده، جامه‌هايشان را از بدن بيرون آورده‌اند، بدون اينكه كفن شده يا دفن گرديده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزديكشان نمی‌شود گويا ايشان از خاندان ديلم و خزر می‌باشند؟!! عمّه‌ام فرمود:

آنچه می‌بينی تو را به جزع نياورد، به خدا سوگند اين عهد و پيمانی بوده كه رسول خدا صلّی اللّه عليه و آله و سلّم با جدّ (امير الموءمنين عليه السّلام) و پدر (سيّد الشهداء عليه السّلام) و عمويت (حضرت مجتبی عليه السّلام) نموده و خداوند متعال نيز از گروهی از اين امت كه در عداد ستمكاران و سركشان نمی‌باشند پيمان گرفته است ايشان در بين اهل آسمان‌ها معروف و مشهورند كه اين اعضاء قلم شده را جمع كرده و دفن نموده و اين ابدان و اجسام خون آلود را به خاك سپرده و در اين سرزمين برای قبر پدرت سيد الشهداء نشانه‌ای نصب كرده كه اثرش هيچ گاه كهنه و مندرس نشده و گذشت شب و روز آن را محو نمی‌كند، و بسياری از رهبران كفر و الحاد و ابناء ضلالت و گمراهی سعی در نابود كردن آن می‌نمايند ولی به جای اينكه رسم و نشانه آن از بين رود ظاهرتر و آشكارتر می‌گردد.

من پرسيدم:

اين چه عهد و ميثاقی بوده و اين چه حديث و خبری می‌باشد؟

پس عمّه‌ام فرمود:

بلی، امّ ایمن برایم نقل نمود که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم روزی از روزها به منزل حضرت فاطمه علیها السّلام نزول اجلال فرمود و حضرت فاطمه علیها السّلام برای آن جناب حریره درست کردند و حضرت علی علیه السّلام طبقی نزد حضرت آوردند که در آن خرما بود، سپس امّ ایمن گفت:

من نیز قدحی که در آن شیر و سر شیر بود را خدمتشان آوردم، رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و امیر الموءمنین و فاطمه و حسنین علیهم السّلام از آن حریره میل کرده و سپس همگی آن شیر را آشامیدند و پس از آن رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و به دنبال آن حضرت ایشان از آن خرما و سر شیر تناول نمودند و بعد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم دست‌های مبارکشان را شستند در حالی که امیر الموءمنین علیه السّلام آب به روی دست‌های آن حضرت می‌ریختند و پس از آنکه آن جناب از شستن دست‌ها فارغ شدند دست به پیشانی کشیده آنگاه به طرف علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام نظری که حاکی از سرور و نشاط بود نموده سپس با گوشه چشم به جانب آسمان نگریست بعد صورت مبارك به طرف قبله کرده و دست‌ها را گشاد و دعا نمود و پس از آن به حال گریه به سجده رفته و با صدای بلند می‌گریستند و اشک‌هایشان جاری بود.

سپس سر از سجده برداشته و به راه افتادند در حالی که اشک‌های آن حضرت قطره قطره می‌ریخت گویا باران در حال باریدن بود، از این صحنه حضرت فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السّلام محزون شده و من نیز متأثر گشته و اندوهگین شدم ولی همگی از سوءال نمودن پرهیز کرده و از آن حضرت نه پرسیدیم که سبب این گریه چیست تا گریستن آن جناب به درازا کشید در این هنگام علی و فاطمه علیهما السّلام پرسیدند:

چه چیز شما را گریانده یا رسول اللّه خدا هرگز چشمان شما را نگریاند قلب ما از این حال شما جریحه دار گردیده؟! حضرت فرمودند:

ای برادر من، بواسطه شما مسرور گشتم ...

مزاحم بن عبد الوارث در حدیث خود به اینجا که می‌رسد می‌گوید:

نقل است که پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در جواب امیر الموءمنین علیه السّلام فرمودند:

ای حبیب من به واسطه شما چنان مسرور و شادمان شدم که تا کنون این طور خوشحال نشده بودم و به شما نگریستم و خدا را بر نعمت شما که به من داده حمد و سپاس نمودم، در این هنگام جبرئیل علیه السّلام بر من فرود آمد و گفت:

ای محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم خداوند متعال بر آنچه در نهان تو است اطّلاع داشته و می‌داند که سرور و شادی تو به واسطه برادر و دختر و دو سبط تو می‌باشد پس نعمتش را بر تو کامل کرده و عطیّه‌اش را بر تو گوارا نمود یعنی ایشان و ذرّیه آنها و دوستداران و شیعیانشان را در بهشت با تو همسایه نمود، بین تو و ایشان تفرقه و جدائی نمی‌اندازد، ایشان از عطاء بدون منّت او منتفع شده همان طوری که تو از آن بهره‌مند می‌شوی و به آنها اعطاء می‌شود همان طوری که به تو اعطاء می‌گردد تا آنجائی که راضی و خشنود شده بلکه فوق رضایت ایشان و تو حق تعالی عنایت می‌فرماید و این لطف و عنایت در مقابل آزمایش و ابتلائات بسیاری است که در دنیا متوجه ایشان شده و ناملایماتی که وسیله مردم و آنهائی که از ملت و کیش تو می‌باشند و خود را از امّت تو پنداشته در حالی که از خدا و از تو بسیار دور هستند به ایشان می‌رسد، گاهی ضربه‌های شدید و غیر قابل تحمّل از ناحیه این گروه متوجه ایشان شده و زمانی با قتل و کشتار ایشان مواجه می‌گردند.

قتلگاه‌ها ایشان مختلف و پراکنده و قبورشان از یک دیگر دور می‌باشد، خیرجوئی نما از خدا برای ایشان و برای خودت، حمد و سپاس خدای عزّ و جلّ و آنها بر خیرش و راضی شو به قضای او پس حمد خدای بجا آورده و راضی شدم به قضایش به آنچه برای شما اختیار فرموده.

سپس جبرئیل به من گفت:

ای محمّد برادرت پس از تو منکوب و مغلوب امّتت قرار گرفته و از دشـمنانت در تعب و رنج واقع می‌شود، و بعد از تو او را بدترین مخلوقات و شـقی‌ترین مردم می‌کشد، قاتل آن حضرت نظیر پی‌کننده ناقه صالح است، وی به منظور انجام این کار به شهری هجرت می‌کند که آن شـهر محلّ نشو و نمای شـیعه و پیروان آن حضـرت و فرزندش می‌باشد، در آن شـهر ابتلائات ایشان (اهل بیت علیهم السّـلام) بسـیار مصـیبت به ایشـان عظیم می‌باشـد، و این سـبط شـما (جبرئیـل با دست اشاره به حضـرت حسـین علیه السّـلام نمود) با جماعتی از فرزندان و اهل بیت شما و نیکانی از امّتت در کنار فرات واقع در سرزمینی که به آن «کربلا» می‌گویند کشته می‌شود.
کربلاء را از این جهت کربلاء گویند که حزن و بلاهائی که از دشـمنان شـما و دشـمنان فرزندان شما در روزی که حزن و اندوهش تمام‌شدنی نبوده و حسرت آن زوال پذیر نیست به عمل می‌آید بسیار و زیاد می‌باشد.
این زمین پاکیزه‌ترین اماکن واقع روی زمین بوده و احترامش از تمام بقاع بیشتر است، در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می‌شوند.
کربلاء از زمین‌های بهشت است، هر گاه روزی که در آن سـبط تو و اهل بیتش کشته می‌شوند فرا برسد و لشکر اهل کفر و لعنت او را احاطه نمایند به جهت غضب به خاطر تو و فرزندانت ای محمّد و به منظور بزرگ شـمردن هتک حرمت و تقبیح نمودن کرداری که نسبت به ذرّیه و عترتت انجام شده زمین بلرزد و کوهها کشیده و اضطراب و جنبششان زیاد شود و امواج دریاها متلاطم گردد و آسمانها اهلشان را به هم بریزند، و از زمین و کوهها و دریاها و آسمانها چیزی باقی نمی‌ماند مگر آنکه از حق تعالی اذن می‌خواهند که اهل تو را که مستضـعفین و مظلومین بوده و حجّت‌های خـدا بعـد از تو بر خلایق هسـتند را نصـرت و یاری کننـد پس خداوند به آنها و موجودات در آنها وحی کرده و می‌گوید:
منم خداونـد متعال، سـلطانی که قادر است و کسـی نتوانـد از او بگریزد در توان هیچ خصم و دشـمنی نیست که او را عاجز و ناتوان کنـد، من بر یاری کردن دوسـتانم قادر و بر انتقام گرفتن از دشـمنان متمکن هسـتم، به عزّت و جلال خود قسم آنان را که رسولم را تنها گـذارده و برگزیـده‌ام را رها کرده و حرمتش را هتک نموده و فرزنـدانش را کشـته و عهدش را نقض و زیر پای نهاده و به اهل بیتش ستم کرده‌اند عذابی کنم که احدی از عالمیان را چنین عذابی نکرده باشم.
در این هنگام تمام موجودات سـماوی و ارضـی به ضجّه در آمده و آنان که به عترتت ستم کرده و هتک حرمتت را روا داشته‌اند را لعن و نفرین می‌کنند.
و هنگـامی که آن جمـاعت (فرزنـدان و اهـل بیت و نیکان از امّتت) به طرف گورها و قبرهایشان نمایان می‌شونـد حق تعالی خودش متولی قبض ارواح آنها به ید قدرتش شده و فرشتگان را از آسمان هفتم به زمین فرو فرستاده در حالی که با ایشان:
۱- ظروفی از یاقوت و زمرّد بوده که مملوّ از آب حیات می‌باشند.
۲- حلّه‌هائی از حلّه‌های بهشتی.
۳- عطری از عطرهای بهشتی.
می‌باشد، پس فرشتگان بدن‌های ایشان را با آن آبها شستشو داده و حلّه‌ها را به تن آنها کرده و با آن عطرها حنوطشان نموده و دسته دسته بر ایشان نماز می‌خواند و پس از اتمام نماز حق تعالی گروهی از امّتت را که کفار ایشان را نمی‌شناسند و در خون شهداء نه با گفتار و نه با کردار و نه با قصد شـرکت کرده‌اند را گسـیل داشـته تا اجسام و ابدان آنها را دفن کنند و برای قبر سیّد الشّهداء در آن سرزمین اثری نصب کرده تـا برای اهـل حق نشـانه‌ای بوده و برای اهـل ایمان سـببی برای رسـتگاری باشـد و در هر روز و شب از هر آسمانی صد هزار فرشته گرداگرد آن طواف کرده و بر آن حضرت صلوات فرستاده و نزد قبرش تسبیح خدا گفته و برای زائرین آن جنـاب طلـب آمرزش کرده و اسـامی زائریـن از امّتـت را کـه قربـهٔ الی اللّه آن حضـرت را زیـارت می‌کننـد و نیز اســماء پـدران و خویشاوندان و شهرهای ایشان را می‌نویسند و در صورتهای ایشان بامدادی که از نور عرش الهی است این عبارت را نقش می‌بندند: این شخص زائر قبر بهترین شهداء و زائر قبر فرزند بهترین انبیاء می‌باشد.

در روز قیامت از اثر این مداد نوری ساطع شده که از پرتوش چشم‌ها تار می‌گردد و با این نور ایشان شناخته می‌شوند، و گویا تو ای محمّد بین من و میکائیل قرار گرفته و علی جلو ما بوده و همراهمان فرشتگانی حرکت می‌کند که از کثرت عدد ایشان معلوم نیست و بوسیله همین نوری که در صورت‌های ایشان هست، آنها را از بین خلائق دریافته و جدا می‌کنیم و بدین ترتیب حق تعالی ایشان را از هول و وحشت آن روز و سختی‌های آننجات می‌دهد و این حکم خدا است در حق کسانی که قبر تو را ای محمّد یا قبر برادرت یا قبر دو سبط تو را زیارت کرده و قصدی غیر از خدای عز و جلّ را نداشته باشند و البته گروهی از مردم که مستحق لعنت و سخط و غضب الهی هستند خواهند آمد که در محو کردن رسم و نشانه این قبر سعی کرده و می‌کوشند آن را از بین ببرند ولی خداوند قادر به ایشان چنین توانی را نخواهد داد.

سپس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

این خبر من را گریاند و اندوهگین نمود.

حضرت زینب سلام اللّه علیها فرمود:

زمانی که ابن ملجم لعنه اللّه علیه پدرم را ضربت زد و من اثر مرگ را در آن حضرت مشاهده کردم محضرش عرضه داشتم:

ای پدر امّ ایمن برایم حدیثی چنین و چنان نقل نمود، دوست دارم حدیث را از شما بشنوم.

پدرم فرمودند:

دخترم، حدیث همان طوری است که امّ ایمن نقل کرده، گویا می‌بینم که تو و دختران اهل تو در این شهر به صورت اسیران در آمده، خوار و منکوب می‌گردید، هر لحظه هراس دارید که شما را مردم بربایند، بر شما باد به صبر و شکیبائی، سوگند به کسی که حبّه را شکافته و انسان را آفریده روی زمین کسی غیر از شما و غیر از دوستان و پیروانتان نیست که ولّی خدا باشد و هنگامی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم این خبر را برای ما نقل می‌نمودند و فرمودند.

ابلیس لعنه اللّه علیه در آن روز از خوشحالی به پرواز درمی‌آید پس در تمام نقاط دستیاران و عفریت‌هایش را فرا خوانده و به آنها می‌گوید:

ای جماعت شیاطین:، طلب و تقاص خود را از فرزند آدم گرفته و در هلاکت ایشان به نهایت آرزوی خود رسیده و آتش دوزخ را نصیب ایشان نمودیم مگر کسانی که به این جماعت مقصود اهل بیت پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بپیوندند از این رو سعی کنید نسبت به ایشان در مردم تشکیک ایجاد کرده و آنها را بر دشمنی ایشان وادارید تا بدین وسیله گمراهی مردم و کفرشان مسلّم و محقق شده و نجات دهنده‌ای بر ایشان بهم نرسد، ابلیس با اینکه بسیار دروغگو و کاذب است این کلام را به ایشان راست گفت، وی به آنها اطّلاع داد.

اگر کسی با این جماعت (اهل بیت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) عداوت داشته باشد هیچ عمل صالحی برایش نافع نیست چنانچه اگر با ایشان محبت داشته باشد هیچ گناهی غیر از معاصی کبیره ضرری به او نمی‌رساند.

زائده می‌گوید: سپس حضرت علی بن الحسین (علیهما السّلام) پس از نقل این حدیث برایم فرمودند:

این حدیث را بگیر و ضبط کن، اگر در طلب آن یک سال شتر می‌دواندی و در کوه و کمر به دنبال آن تفحص می‌کردی محققا کم و اندک بود.

کلام مترجم

مترجم گوید:

روایتی که قبلا نقل شد از اصل این کتاب نبوده و آن را برخی از شاگردان مصنّف در آن گنجانده‌اند لذا پس از نقل این حدیث به اصل کتاب رجوع می‌کنیم

رجوع به اصل کتاب

ادامه فضیلت کربلاء و زیارت امام حسین (علیه السلام) حدیث اوّل

أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَيْهِ الْقُمِّيُّ الْفَقِيهُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنْ مَوَالِيهِ يَا فُلَانُ أَ تَزُورُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیهما السلام) قَالَ نَعَمْ إِنِّي أَزُورُهُ بَيْنَ ثَلَاثِ سِنِينَ أَوْ سَنَتَيْنِ مَرَّةً فَقَالَ لَهُ وَ هُوَ مُصْفَرُّ الْوَجْهِ أَمَا وَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَوْ زُرْتَهُ لَكَانَ أَفْضَلَ لَكَ مِمَّا أَنْتَ فِيهِ- فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَ كُلُّ هَذَا الْفَضْلُ فَقَالَ نَعَمْ وَ اللَّهِ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَ بِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرَكْتُمُ الْحَجَّ رَأْساً وَ مَا حَجَّ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَيْحَكَ أَ مَا تَعْلَمُ- أَنَّ اللَّهَ اتَّخَذَ [بِفَضْلِ قَبْرِهِ]كَرْبَلَاءَ حَرَماً آمِناً مُبَارَكاً قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَماً قَالَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجَّ الْبَيْتِ وَ لَمْ يَذْكُرْ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَقَالَ وَ إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ هَكَذَا أَ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) حَيْثُ يَقُولُ إِنَّ بَاطِنَ الْقَدَمِ أَحَقُّ بِالْمَسْحِ مِنْ ظَاهِرِ الْقَدَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ فَرَضَ هَذَا عَلَى الْعِبَادِ أَ وَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمَوْقِفَ لَوْ كَانَ فِي الْحَرَمِ كَانَ أَفْضَلَ لِأَجْلِ الْحَرَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ

ابو القاسم جعفر بن محمّد بن قولويه القمی رحمه اللّه علیه به ما خبر داد و گفت:

پدرم، و علی بن الحسین و جماعتی از اساتیدم رحمهٔ اللّه علیهم از سعد بن عبد اللّه بن ابی خلف، از احمد بن محمّد بن عیسی از محمّد بن سنان، از ابی سعید قماط، وی می‌گوید:

عبد اللّه ابی یعفور گفت: از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که به شخصی از دوستانش فرمودند.

فلانی به زیارت قبر ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام می‌روی؟

آن شخص گفت: بلی من هر سه سال یا دو سال یک مرتبه به زیارتش می‌روم.

حضرت در حالی که صورتشان زرد شده بود فرمودند:

به خدائی که معبودی غیر از او نیست، اگر او را زیارت کنی برتر است برای تو از آنچه در آن هستی! آن شخص عرض کرد: فدایت شوم آیا تمام این فضل برای من هست؟

حضرت فرمودند:

بلی به خدا سوگند، اگر من فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت قبرش را برای شما باز گو کنم به طوری کلّی حجّ را ترک کرده و احدی از شما دیگر به حج نمی‌رود، وای بر تو آیا نمی‌دانی خداوند متعال بواسطه فضیلت قبر آن حضرت کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد پیش از آنکه مکّه را حرم امن نماید؟

ابن ابی الیعفور می‌گوید: محضرش عرضه داشتم: خداوند متعال حج و زیارت بیت اللّه را بر مردم واجب کرده ولی زیارت قبر امام حسین علیه السّلام را بر مردم واجب نکرده است پس چطور شما چنین می‌فرمائید؟

حضرت فرمودند:

اگر چه همین طور است ولی در عین حال خداوند متعال فضیلت زیارت آن حضرت را این گونه قرار داده است.

مگر نشنیده‌ای کلام امیر الموءمنین علیه السّلام را که فرمودند:

کف پا سزاوارتر است به مسخ نمودن از ظاهر و روی پا ولی در عین حال حق تعالی مسح روی پا را بر بندگان واجب کرده است؟! و نیز مگر نمی‌دانی اگر حق تعالی موقف (محلّ محرم شدن) به خاطر شرافتی که در حرم هست افضل و برتر بود ولی خداوند متعال آن را در غیر حرم قرار داده است.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ أَرْضَ الْکَعْبَةِ قَالَتْ مَنْ مِثْلِی وَ قَدْ بَنَی اللَّهُ بَیْتَهُ [بُنِیَ بَیْتُ اللَّهِ]عَلَی ظَهْرِی وَ یَأْتِینِی النَّاسُ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ وَ جُعِلْتُ حَرَمَ اللَّهِ وَ أَمْنَهُ فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهَا أَنْ کُفِّی وَ قِرِّی فَوَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی مَا فَضْلُ مَا فُضِّلْتِ بِهِ فِیمَا أَعْطَیْتُ بِهِ أَرْضَ کَرْبَلَاءَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِبْرَةِ غُرِسَتْ [غُمِسَتْ]فِی الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ وَ لَوْ لَا تُرْبَةُ کَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتُکِ وَ لَوْ لَا مَا تَضَمَّنَتْهُ أَرْضُ کَرْبَلَاءَ لَمَا خَلَقْتُکِ وَ لَا خَلَقْتُ الْبَیْتَ الَّذِی افْتَخَرْتِ بِهِ فَقِرِّی وَ اسْتَقِرِّی وَ کُونِی دُنْیَا مُتَوَاضِعاً ذَلِیلًا مَهِیناً غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَکْبِرٍ لِأَرْضِ کَرْبَلَاءَ وَ إِلَّا سُخْتُ بِکِ وَ هَوَیْتُ بِکِ فِی نَارِ جَهَنَّمَ وَ حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ

إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادٌ أَبُو سَعِیدٍ الْعُصْفُرِیُّ عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ بَیَّاعِ السَّابِرِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ

محمّد بن جعفر قرشی رزّاز، از محمّد بن الحسین، از محمد بن سنان، از ابی سعید قمّاط، از عمر بن یزید بیّاع سابری از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

زمین کعبه در مقام مفاخرت گفت: کدام زمین مثل من است، و حال آنکه خداوند خانه‌اش را بر پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من می‌شوند، و حرم خدا و مأمن قرار داده شده‌ام؟!! خداوند متعال به سویش وحی کرد و فرمود:

بس کن و آرام بگیر، به عزّت و جلال خودم قسم آنچه را که تو برای خود فضیلت می‌دانی در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلاء اعطاء نموده‌ام همچون قطره‌ای است نسبت به آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با خود بر دارد، و اساسا اگر خاک کربلاء نبود این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در بر دارد تو را نمی‌آفریدم و بیتی را که تو به آن افتخار می کنی خلق نمی‌کردم بنا بر این آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار و نرم باش و نسبت به زمین کربلا استنکاف و استکبار و طغیانی از خود نشان مده و الّا تو را فرو برده و در آتش جهنّم قرارت می‌دهم.

پدرم و علی بن الحسین از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش، از محمد بن علی نقل کرده‌اند که وی گفت: عبّاد ابو سعید عصفری، از عمر بن یزید که فروشنده جامه‌های سابری بود از حضرت جعفر بن محمد علیه السّلام نقل کرده و حدیثی مثل حدیث مذکور را روایت نموده است.

حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ الْکُوفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْعُصْفُرِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَرْضَ کَرْبَلَاءَ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ الْکَعْبَةَ بِأَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِینَ أَلْفَ عَامٍ وَ قَدَّسَهَا وَ بَارَکَ عَلَیْهَا فَمَا زَالَتْ قَبْلَ خَلْقِ اللَّهِ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً مُبَارَکَةً وَ لَا تَزَالُ کَذَلِکَ حَتَّی یَجْعَلَهَا اللَّهُ أَفْضَلَ أَرْضٍ فِی الْجَنَّةِ وَ أَفْضَلَ مَنْزِلٍ وَ مَسْکَنٍ یُسْکِنُ اللَّهُ فِیهِ أَوْلِیَاءَهُ فِی الْجَنَّةِ

ابو العبّاس کوفی، از محمد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از ابی سعید عصفری، از عمرو بن ثابت، از پدرش، از حضرت ابو جعفر علیه السّلام، حضرت فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه زمین کربلاء را آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود تا آن را برترین زمین در بهشت نمود و برترین منزل و مسکنی قرارش داد که اولیاء و دوستانش در بهشت در آن سکنا می گزینند.

حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیُّ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ قَالَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ (علیهما السلام) اتَّخَذَ اللَّهُ أَرْضَ کَرْبَلَاءَ حَرَماً آمِناً مُبَارَکاً قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ اللَّهُ أَرْضَ الْکَعْبَةِ وَ یَتَّخِذَهَا حَرَماً بِأَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِینَ أَلْفَ عَامٍ وَ أَنَّهُ إِذَا زَلْزَلَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی الْأَرْضَ وَ سَیَّرَهَا رُفِعَتْ کَمَا هِیَ بِتُرْبَتِهَا نُورَانِیَّةً صَافِیَةً فَجُعِلَتْ فِی أَفْضَلِ رَوْضَةٍ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ أَفْضَلِ مَسْکَنٍ فِی الْجَنَّةِ لَا یَسْکُنُهَا إِلَّا النَّبِیُّونَ وَ الْمُرْسَلُونَ أَوْ قَالَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ إِنَّهَا لَتَزْهَرُ بَیْنَ رِیَاضِ الْجَنَّةِ کَمَا یَزْهَرُ الْکَوْکَبُ الدُّرِّیُّ بَیْنَ الْکَوَاکِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ یَغْشَی نُورُهَا أَبْصَارَ أَهْلِ الْجَنَّةِ جَمِیعاً وَ هِیَ تُنَادِی أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةُ الطَّیِّبَةُ

الْمُبَارَكَةُ الَّتِی تَضَمَّنَتْ سَیِّدَ الشُّهَدَاءِ وَ سَیِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَبَّادٍ أَبِی سَعِیدٍ الْعُصْفُرِیِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ قَالَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ

محمد بن جعفر قرشی رزّاز، از محمّد بن حسین بن ابی الخطّاب، از ابو سعید، از برخی رجالش، از ابی الجارود وی می گوید: حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام فرمودند:

خداوند متعال بیست و چهار هزار سال قبل از اینکه زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد زمین کربلاء را آفرید و آن را حرم امن و مبارک گرداند، و هر گاه حق تعالی بخواهد کره زمین را لرزانده و حرکتش دهد (شاید کنایه از قیامت باشد) زمین کربلاء را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفّاف هست بالا برده و آن را در برترین باغ‌های بهشت قرار داده و بهترین مسکن در آنجا می گرداندش و ساکن نمی‌شود در آن مگر انبیاء و مرسلین (یا بجای این فقره فرمودند: و ساکن نمی‌شود در آن مگر رسولان اولو العزم) این زمین بین باغ‌های بهشت می‌درخشد همان طوری که ستاره درخشنده بین ستارگان نورفشانی می‌نماید، نور این زمین چشم‌های اهل بهشت را تار می کند و با صدائی بلند می گوید:

من زمین مقدّس و طیّب و پاکیزه و مبارکی هستم که سید الشهداء و سرور جوانان اهل بهشت را در خود دارم.

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از علی بن ابراهیم، از پدرش، از محمّد بن علی از عبّاد ابی سعید عصفری، از شخصی از ابی الجارود نقل کرده که وی گفت: علی بن الحسین علیهما السّلام فرمودند:

... و حدیثی مثل حدیث مذکور را ذکر نمودند.

وَ رَوَى قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) الْغَاضِرِیَّةُ هِیَ الْبُقْعَةُ الَّتِی كَلَّمَ اللَّهُ فِیهَا مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ (علیهما السلام) وَ نَاجَى نُوحاً فِیهَا وَ هِیَ أَكْرَمُ أَرْضِ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ فِیهَا أَوْلِیَاءَهُ وَ أَنْبِیَاءَهُ- فَزُورُوا قُبُورَنَا بِالْغَاضِرِیَّةِ

در روایتی آمده است که حضرت ابو جعفر علیه السّلام فرمودند:

غاضریه مکانی است که خداوند متعال در آنجا با موسی بن عمران علیه السّلام تکلّم نمود و با حضرت نوح مناجات کرد، این زمین کریم‌ترین و شریف‌ترین بقاع روی زمین بوده و اگر این معنا نبود هرگز خداوند متعال اولیاء و انبیائش را در آن به ودیعه نمی گذارد، پس بر شما است که قبور ما را در غاضریه زیارت کنید. ۷- وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) الْغَاضِرِیَّةُ تُرْبَةٌ مِنْ بَیْتِ الْمَقْدِسِ

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

غاضریّه تربتی است از بیت المقدس ۸- وَ عَنْهُمَا بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْعُصْفُرِیِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ (علیه السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله علیه و آله) یُقْبَرُ ابْنِی بِأَرْضٍ یُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ هِیَ الْبُقْعَةُ الَّتِی كَانَتْ فِیهَا قُبَّةُ الْإِسْلَامِ الَّتِی نَجَّى اللَّهُ عَلَیْهَا الْمُؤْمِنِینَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَ نُوحٍ فِی الطُّوفَانِ

از پدرم و علی بن الحسین بن بابویه با همان اسناد (اسناد حدیث قبل از شماره ، از ابی سعید عصفری از حمّاد بن ایوب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، از پدران گرامش، از امیر الموءمنین علیه السّلام:

حضرت فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند:

فرزندم در زمینی دفن می‌شود که به آن «کربلاء» می گویند:

کربلاء بقعه و مکانی است که در آن قبهٔ الاسلام (مراد بصره است) بوده و این همان مکانی است که حق تعالی در طوفان نوح موءمنینی را که به آن حضرت ایمان داشتند همراه، آن جناب نجات داد و از آن مهلکه رهانید.

۹- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مِیثَمٍ التَّمَّارِ عَنِ الْبَاقِرِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ بَاتَ لَیْلَةَ عَرَفَةَ فِی كَرْبَلَاءَ وَ أَقَامَ بِهَا حَتَّى یُعَیِّدَ وَ یَنْصَرِفَ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ سَنَةٍ

پدرم به اسنادش از ابن میثم تمّار، از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمود:

کسی که شب عرفه در کربلاء بیتوته کرده و آن شب را به عبادت بپادارد تا وقتی که مراجعت کند خداوند منّان او را از شرّ آن سال حفظ می‌نماید.

۱۰- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَرْبٍ [الْحَارِثِ]عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ زُورُوا كَرْبَلَاءَ وَ لَا تَقْطَعُوهُ فَإِنَّ خَيْرَ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ ضَمِنَتْهُ أَلَا وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ زَارَتْ كَرْبَلَاءَ أَلْفَ عَامٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْكُنَهُ جَدِّيَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) وَ مَا مِنْ لَيْلَةٍ تَمْضِي إِلَّا وَ جَبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ يَزُورَانِهِ فَاجْتَهِدْ يَا يَحْيَى أَنْ لَا تُفْقَدَ مِنْ ذَلِكَ الْمَوْطِنِ

پدرم با همین سند از علی بن حرب از فضل بن یحیی از پدرش از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

کربلاء را زیارت کنید و آن را ترک نکنید زیرا این سرزمین بهترین فرزندان آدم علیه السّلام را در خود گرفته، بدانید و آگاه باشید هزار سال قبل از اینکه جدّم حسین علیه السّلام در آن ساکن گردد فرشتگان این سرزمین را زیارت کرده‌اند و شبی منقضی نمی‌شود مگر آنکه جبرئیل و میکائیل این مکان را زیارت می‌کنند، بنا بر این ای یحیی (مقصود «یحیی» پدر «فضل» می‌باشد) سعی کن این مکان از تو فوت نشود و از دست نرود.

حَدَّثَنِي أَبِي وَ جَمَاعَةُ مَشَايِخِي رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) بِكَرْبَلَاءَ فِي أُنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَلَمَّا مَرَّ بِهَا اغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ بِالْبُكَاءِ ثُمَّ قَالَ هَذَا مُنَاخُ رِكَابِهِمْ وَ هَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ- وَ هُنَا تُهْرَقُ دِمَاؤُهُمْ طُوبَى لَكِ مِنْ تُرْبَةٍ عَلَيْكِ تُهْرَقُ دِمَاءُ الْأَحِبَّةِ

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمهٔ اللّه علیهم، از سعید بن عبد اللّه، از احمد ابن محمّد بن عیسی، از جعفر بن محمّد بن عبید اللّه، از عبد اللّه میمون قدّاح، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام آن حضرت فرمودند:

وقتی امیر المومنین علیه السّلام در بین گروهی از اصحابشان به کربلاء عبور نمودند چشمهای مبارکشان غرق در اشک شد و سخت گریستند سپس فرمودند:

اینجا محل خواباندن مرکب‌هایشان بوده، و اینجا محل گذاردن اثاثشان می‌باشد و اینجا خون‌هایشان می‌ریزد، سپس به زمین خطاب کرده و فرمودند:

خوشا به حالت ای زمین که بر روی تو خون‌های دوستان خدا می‌ریزد.

حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ره عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّيلٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) يَسِيرُ بِالنَّاسِ حَتَّى إِذَا كَانَ مِنْ كَرْبَلَاءَ عَلَى مَسِيرَةِ مِيلٍ أَوْ مِيلَيْنِ- تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ حَتَّى صَارَ بِمَصَارِعِ الشُّهَدَاءِ ثُمَّ قَالَ قُبِضَ فِيهَا مِائَتَا نَبِيٍّ وَ مِائَتَا وَصِيٍّ وَ مِائَتَا سِبْطٍ كُلُّهُمْ شُهَدَاءُ بِأَتْبَاعِهِمْ فَطَافَ بِهَا عَلَى بَغْلَتِهِ خَارِجاً رِجْلُهُ مِنَ الرِّكَابِ فَأَنْشَأَ يَقُولُ مُنَاخُ رِكَابٍ وَ مَصَارِعُ الشُّهَدَاءِ لَا يَسْبِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَ لَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ أَتَى بَعْدَهُمْ

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متیل، از سهیل بن زیاد، از علی بن اسباط، از محمد بن سنان از کسی که برایش نقل نموده، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

امیر المومنین علی علیه السّلام با جماعتی از مردم از شهر خارج شده تا به یک یا دو میلی کربلاء و به محل افتادن شهداء رسیدند سپس فرمودند:

در این مکان دویست پیغمبر و دویست وصی پیغمبر و دویست سبط پیغمبر قبض روح شده که تمام آنها شهید هستند، پس از این کلام پای مبارک از رکاب بیرون آورده و در حالی که روی قاطر بودند آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می‌فرمودند:

محل خواباندن مرکبها، و محل افتادن شـهداء، شهداء قبل از ایشان بر آنها سبقت نگرفته‌اند و کسانی هم که بعد از آنها خواهند آمد به ایشان ملحق نخواهند شد.

مترجم می گوید:

این عبارت کنایه است از اینکه از بد و خلقت تا انقراض عالم هیچ یک از شهداء مقام و منزلت شهداء کربلاء را ندارند.

*** ***

*** ***

۱۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَی کَرْبَلَاءَ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ الْکَعْبَةَ بِأَرْبَعَةٍ وَ عِشْرِینَ أَلْفَ عَامٍ وَ قَدَّسَهَا وَ بَارَکَ عَلَیْهَا فَمَا زَالَتْ قَبْلَ أَنْ یَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً مُبَارَکَةً وَ لَا تَزَالُ کَذَلِکَ وَ یَجْعَلُهَا أَفْضَلَ أَرْضٍ فِی الْجَنَّةِ

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمهٔ اللّه علیهم، از محمد بن یحیی العطار، از محمد بن الحسین، از محمّد بن سنان، از عمرو بن ثابت از پدرش از حضرت ابی جعفر علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

خداونـد متعـال کربلاـ را بیست و چهـار هزار سـال قبـل از کعبه آفریـد و آن را مقـدس و مبـارک قرار داد و پیوسـته قبل از خلقت مخلوقات مقدس و مبارک بود و بعد از آفرینش آنها نیز چنین می‌باشد.

حق تبارک و تعالی آن را با فضیلت‌ترین زمین‌های در بهشت قرار داده است.

۱۳- وَ رَوَی هَذَا الْحَدِیثَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِنَا رَحِمَهُمُ اللَّهُ أَبِی وَ أَخِی وَ غَیْرُهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْعُصْفُرِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) مِثْلَهُ وَ زَادَ فِیهِ وَ أَفْضَلَ مَنْزِلٍ وَ مَسْکَنٍ یُسْکِنُ اللَّهُ فِیهِ أَوْلِیَاءَهُ فِی الْجَنَّةِ حَدَّثَنِی بِهِ أَبِی وَ أَخِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ ره عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادٌ أَبُو سَعِیدٍ الْعُصْفُرِیُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ مَعَ الزِّیَادَةِ

این حـدیث را گروهی از اساتیـد ما رحمهٔ اللّه علیهم نقل کرده‌اند، ایشان پدرم و برادرم و غیر آنها بوده که از احمد بن ادریس و او از محمّد بن احمد و او از محمّد بن الحسین و او از محمد بن علی و او از ابو سـعید عصـفری و او از عمرو بن ثابت ابی المقدام و او از پدرش و او از حضرت ابی جعفر علیه السّلام مثل آن را نقل کرده منتهی فقره ذیل را به آن افزوده است:

و برترین منزل و مسکنی است که خداوند متعال دوستانش را در بهشت در آن اسکان می‌دهد.

پدرم و برادرم و علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش محمّد بن علیّ، وی می گوید: عبّاد ابو سعید عصفری برایم از عمرو بن ثابت ابی المقداد و او از پدرش و او از حضرت ابو جعفر علیه السّلام نقل کرده و مثل حدیث گذشته (حدیث دوازدهم) را با زیادی (یعنی همان فقره زائد که بعدا نقل کردیم) ذکر نموده است.

۱۴- حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادٌ أَبُو سَعِیدٍ الْعُصْفُرِیُّ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَضَّلَ الْأَرَضِینَ وَ الْمِیَاهَ بَعْضَهَا عَلَی بَعْضٍ فَمِنْهَا مَا تَفَاخَرَتْ وَ مِنْهَا مَا بَغَتْ فَمَا مِنْ مَاءٍ وَ لَا أَرْضٍ إِلَّا عُوقِبَتْ لِتَرْکِهَا التَّوَاضُعَ لِلَّهِ حَتَّی سَلَّطَ اللَّهُ الْمُشْرِکِینَ عَلَی الْکَعْبَةِ وَ أَرْسَلَ إِلَی زَمْزَمَ مَاءً مَالِحاً حَتَّی أَفْسَدَ طَعْمَهُ وَ إِنّ أَرْضَ کَرْبَلَاءَ وَ مَاءَ الْفُرَاتِ أَوَّلُ أَرْضٍ وَ أَوَّلُ مَاءٍ قَدَّسَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَبَارَکَ اللَّهُ عَلَیْهِمَا- فَقَالَ لَهَا تَکَلَّمِی بِمَا فَضَّلَکِ اللَّهُ تَعَالَی فَقَدْ تَفَاخَرَتِ الْأَرَضُونَ وَ الْمِیَاهُ بَعْضُهَا عَلَی بَعْضٍ قَالَتْ أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةُ الْمُبَارَکَةُ الشِّفَاءُ فِی تُرْبَتِی وَ مَائِی وَ لَا فَخْرَ بَلْ خَاضِعَةٌ ذَلِیلَةٌ لِمَنْ فَعَلَ بِی ذَلِکَ وَ لَا فَخْرَ عَلَی مَنْ دُونِی بَلْ شُکْراً لِلَّهِ فَأَکْرَمَهَا وَ زَادَ فِی تَوَاضُعِهَا وَ زَادَهَا لِتَوَاضُعِهَا وَ شَکَرَهَا اللَّهُ بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ أَصْحَابِهِ- ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَکَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالَی

پـدرم رحمـهٔ اللّه علیه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پـدرش از محمّـد بن علی، وی می گویـد: عباد ابو سـعید عصـفری از صـفوان جمال برای ما نقل کرد که او گفت:

شنیدم حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام می‌فرمودند:

خداونـد تبـارک و تعـالی برخی از زمین، و آب‌ها را بر بعضـی دیگر تفضـیل و برتری داد، پاره‌ای تفاخر و تکبّر نموده و تعـدادی از آنها ستم و تعدی نمودند از این رو آب و زمین نماند مگر آنکه مورد عقاب الهی قرار گرفت زیرا تواضع و فروتنی در مقابل خدا را ترک کردند حتّی خداوند متعال مشرکین را بر کعبه مسلّط کرد و به زمزم آبی شور وارد نمود تا طعمش فاسد گردید.

ولی زمین کربلاـ و آب فرات اولین زمین و اولین آبی هسـتند که خداونـد متعـال مقـدّس و پاکیزه‌شـان نمود و برکت به آنها داد و سپس به آن زمین فرمود:

سخن گو به آنچه خـدا تو را به آن فضـیلت داده مگر نبوده که زمین‌ها و آب‌ها بعضـی بر برخی دیگر تفاخر و تکبّر نمودنـد؟! زمین کربلاء عرضه داشت: من زمین خـدا بوده که من را مقدّس و مبارک آفرید، شـفاء را در تربت و آب من قرار داد، هیچ فخری نکرده بلکه در مقابـل آن کس که این فضـیلت را به من داده فروتن و ذلیـل می‌بـاشم، چنانچه بر زمین‌های دون خود نیز فخر نمی‌کنم بلکه خدا را شـکر و سـپاس می‌کنم پس خداوند متعال بواسـطه حسـین علیه السّـلام و اصـحابش آن سرزمین را مورد اکرام قرار داد و در تواضع و فروتنی و شکرش افزود سپس حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

کسی که برای خدا تواضع و فروتنی کند حق تعالی او را بلند کند و کسی که تکبّر نماید وی را پست و ذلیل خواهد نمود.

۸۹] – باب هشتاد و نهم فضیلت حائر حسینی علیه السّلام و حرمت آن

۱- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ مَوْضِعُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) مُنْذُ یَوْمَ دُفِنَ فِیهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ قَالَ مَوْضِعُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) تُرْعَةٌ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از حسن بن محبوب، از اسحق بن عمّار وی گفت: شنیدم حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام

می‌فرمودند:

محل قبر حسین بن علی علیهما السّلام روزی که در آن دفن شدند باغی بود از باغ‌های بهشت و فرمود:

موضع قبر حسین علیه السّلام باغی مرتفع بود از باغهای مرتفع بهشت.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْبَصْرِیِّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ حُرْمَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ فَرْسَخٌ فِی فَرْسَخٍ مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِهِ

پدرم و جماعتی از اساتیدم، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی بن عبید یقطینی، از محمّد بن اسماعیل بصری، از کسی که برایش روایت نموده، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

حرم قبر حسین علیه السّلام یک فرسخ در یک فرسخ از چهار طرف می‌باشد.

۳- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ یَرْفَعُهُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ حَرَمُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) خَمْسُ فَرَاسِخَ مِنْ أَرْبَعَةِ جَوَانِبِ الْقَبْرِ

حکیم بن داود بن حکیم رحمة اللّه علیه، از سلمة بن خطاب، از منصور بن عبّاس حدیث را تا حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مرفوعه نقل کرده و گفته است:

حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

حریم قبر حسین علیه السّلام پنج فرسخ از چهار جانب قبر می‌باشد.

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) حُرْمَةً مَعْلُومَةً- مَنْ عَرَفَهَا وَ اسْتَجَارَ بِهَا أُجِیرَ قُلْتُ فَصِفْ لِی مَوْضِعَهَا جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ امْسَحْ مِنْ مَوْضِعِ قَبْرِهِ الْیَوْمَ فَامْسَحْ خَمْسَةً وَ عِشْرِینَ ذِرَاعاً مِنْ نَاحِیَةِ رِجْلَیْهِ- وَ خَمْسَةً وَ عِشْرِینَ ذِرَاعاً مِمَّا یَلِی وَجْهَهُ وَ خَمْسَةً وَ عِشْرِینَ ذِرَاعاً مِنْ خَلْفِهِ وَ خَمْسَةً وَ عِشْرِینَ ذِرَاعاً مِنْ نَاحِیَةِ رَأْسِهِ وَ مَوْضِعُ قَبْرِهِ مُنْذُ یَوْمَ دُفِنَ رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنْهُ مِعْرَاجٌ یُعْرَجُ فِیهِ بِأَعْمَالِ زُوَّارِهِ إِلَی السَّمَاءِ فَلَیْسَ مَلَکٌ وَ لَا نَبِیٌّ فِی السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَ هُمْ یَسْأَلُونَ اللَّهَ أَنْ یَأْذَنَ لَهُمْ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَفَوْجٌ یَنْزِلُ وَ فَوْجٌ یَعْرُجُ

محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن الحسین بن الخطّاب، از حسن بن محبوب، از اسحق بن عمّار، وی می گوید:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

برای جای قبر حسین بن علی علیهما السّلام حریم معلومی می‌باشد، کسی که آن را بداند و پناهنده به آن شود پناه داده می‌شود.

محضرش عرضه داشتم: فدایت شوم مکان حریم قبر را برای من بیان فرمائید:

حضرت فرمودند:

از مکانی که امروز قبر آن است این طور ارزیابی کن:

از هر یک جوانب چهارگانه یعنی: جانب پا و جلو و پشت و سر بیست و پنج ذراع اندازه بگیر و مساحتی که از ملاحظه آن بدست می‌آید حریم قبر می‌باشد.

و مکان قبر روزی که حضرت در آن دفن شدند باغی از باغهای بهشت بوده، و در همان جا نردبانی نصب شده و اعمال زوّار آن جناب را بوسیله آن به آسمان می‌برند و هیچ فرشته و پیامبری در آسمان نیست مگر از خدا در خواست می‌کند که به او اذن زیارت قبر حسین علیه السّلام داده شود پس دسته‌ای برای زیارت به پائین آمده و گروهی پس از زیارت به بالا می‌روند.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ قَبْرُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) عِشْرُونَ ذِرَاعاً فِی عِشْرِینَ ذِرَاعاً مُکَسَّراً رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ وَ عَنْهُ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) مِثْلَهُ

پدرم و جماعتی از اساتیدم رحمهٔ اللّه علیهم، از سعد بن عبد اللّه، از هارون بن مسلم، از عبد الرحمن اشعث از عبد اللّه بن حمّاد انصاری، از عبد اللّه بن سنان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت: شنیدم که حضرت می‌فرمودند:

قبر حسین علیه السّلام به مساحت بیست ذراع در بیست ذراع باغی است از باغ‌های بهشت و به دنبال آن همان حدیث گذشته را ذکر فرمودند.

و از پدرم، از سعد، از احمد بن محمّد، از حسن بن علی و شاء از اسحق بن عمّار، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل همان حدیث مذکور نقل شده است.

۹۰] – باب نودم حائر حسینی علیه السّلام از مواضعی است که دعاء در آن محبوب خدا می‌باشد

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّیلٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ أَبِی هَاشِمٍ الْجَعْفَرِیِّ قَالَ بَعَثَ إِلَیَّ أَبُو الْحَسَنِ (علیه السلام) فِی مَرَضِهِ وَ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ فَسَبَقَنِی إِلَیْهِ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ فَأَخْبَرَنِی أَنَّهُ مَا زَالَ یَقُولُ ابْعَثُوا إِلَی الْحَائِرِ فَقُلْتُ لِمُحَمَّدٍ أَ لَا قُلْتَ أَنَا أَذْهَبُ إِلَی الْحَائِرِ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَیْهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ- أَنَا أَذْهَبُ إِلَی الْحَائِرِ فَقَالَ انْظُرُوا فِی ذَلِکَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ مُحَمَّداً لَیْسَ لَهُ سِرٌّ مِنْ زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ أَنَا أَکْرَهُ أَنْ یَسْمَعَ ذَلِکَ قَالَ فَذَکَرْتُ ذَلِکَ لِعَلِیِّ بْنِ بِلَالٍ فَقَالَ مَا کَانَ یَصْنَعُ بِالْحَائِرِ وَ هُوَ الْحَائِرُ فَقَدِمْتُ الْعَسْکَرَ فَدَخَلْتُ عَلَیْهِ- فَقَالَ لِی اجْلِسْ حِینَ أَرَدْتُ الْقِیَامَ فَلَمَّا رَأَیْتُهُ أَنِسَ بِی ذَکَرْتُ قَوْلَ عَلِیِّ بْنِ بِلَالٍ فَقَالَ لِی أَ لَا قُلْتَ لَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) کَانَ یَطُوفُ بِالْبَیْتِ وَ یُقَبِّلُ الْحَجَرَ وَ حُرْمَةُ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْبَیْتِ وَ أَمَرَهُ اللَّهُ أَنْ یَقِفَ بِعَرَفَةَ إِنَّمَا هِیَ مَوَاطِنُ یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُذْکَرَ فِیهَا فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ یُدْعَی لِی حَیْثُ یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُدْعَی فِیهَا وَ الْحَائِرُ الْحَیْرُ مِنْ تِلْکَ الْمَوَاضِعِ

پدرم و محمد بن الحسن، از حسن بن متّیل، از سهل بن زیاد، از ابی هاشم جعفری، وی می‌گوید: حضرت ابو الحسن علیه السّلام در حال بیماری، من و محمّد بن حمزه را فرا خواندند، محمّد بن حمزه بر من سبقت گرفت و زودتر از من به خدمتش شتافت و بعدا به من خبر داد که آن جناب پیوسته می‌فرمودند:

شخصی را به حائر حسینی بفرستید تا برای من دعاء کند.

من به محمد گفتم: آیا محضرش عرض نکردی، من به حائر می‌روم؟! سپس بر آن حضرت وارد شده و عرضه داشتم: فدایت شوم من به حائر می‌روم.

حضرت فرمودند:

در این عمل دقّت و احتیاط کنید کسی مطّلع نشود، سپس فرمودند:

محمّد (ابن حمزه) سرّ زید بن علی را نگاه نداشت بلکه فاش کرد در حالی که من کراهت داشتم به سمع دیگران برسد.

ابو هاشم جعفری می‌گوید: این فرموده امام علیه السّلام را به علی بن بلال گفتم و به وی رساندم که حضرت می‌فرمودند کسی را به حائر فرستاده تا برای من دعاء کند.

علی بن بلال گفت: حضرت چه کاری با حائر داشتند، خودشان حائر هستند! من به عسکر رفته و بر آن جناب داخل گشته و مقداری که خدمتش بودم خواستم بلند شده و بروم. حضرت به من فرمودند:

بنشین، پس چون عنایت و لطف حضرت را به خود دیدم نشسته و کلام علی بن بلال را محضرش باز گو نمودم.

حضرت فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در اطراف خانه خدا طواف می‌کردند و حجر الاسود را می‌بوسیدند در حالی که حرمت پیامبر و موءمن بالاتر از حرمت بیت اللّه می‌باشد نیز خداوند متعال به حضرتش امر فرمود در عرفه وقوف کنند با اینکه حرمت پیامبر از عرفه بیشتر و بالاتر است و سرّ آن این است که:

این گونه مواضع، مواطن و اماکنی هستند که خدا دوست دارد در آنها یاد شود، پس من نیز دوست دارم برای من در جایی دعا شود که خدا دعا در آنجا را دوست دارد و حائر حسینی علیه السّلام نیز از همین گونه مواضع می‌باشد.

۲- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ جَمَاعَةٌ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی هَاشِمٍ الْجَعْفَرِیِّ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ عَلَیْهِ نَعُودُهُ وَ هُوَ عَلِیلٌ فَقَالَ لَنَا وَجِّهُوا قَوْماً إِلَی الْحَائِرِ مِنْ مَالِی فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ قَالَ لِی مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ الْمُشِیرُ یُوَجِّهُنَا إِلَی الْحَائِرِ وَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِی الْحَائِرِ- قَالَ فَعُدْتُ إِلَیْهِ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ لِی لَیْسَ هُوَ هَکَذَا إِنَّ لِلَّهِ مَوَاضِعَ یُحِبُّ أَنْ یُعْبَدَ فِیهَا وَ حَائِرُ الْحُسَیْنِ

(علیه السلام) مِنْ تِلْكَ الْمَوَاضِعِ

علی بن الحسین و جماعتی از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی، از ابی هاشم جعفری، وی می گوید:

من و محمّد بن حمزه بر حضـرت عسکری علیه السّلام وارد شده و عیادتش کردیم در حالی که آن حضرت بیمار بودند، حضرت به ما فرمودند:

از مال من گروهی را به حائر گسیل دارید.

ما وقتی از خدمتش مرخص شده و بیرون آمدیم، محمّد بن حمزه به من گفت:

حضرت مـا را به حـائر سوق دادنـد در حـالی که خود ایشـان به منزله همـان کسـی است که در حائر می‌باشـد (یعنی حضـرت سـید الشهداء).

ابو هاشم می گوید: دوباره نزد حضرتش رفته مقاله محمّد بن حمزه را محضرش گفتم، حضرت فرمودند.

این طور نیست که او می گوید، خداوند متعال مواضعی دارد که می‌خواهد در آنها عبادت شود و حائر حسینی از آنها است.

۳- قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْمُغِیرَةِ وَ حَدَّثَنِی أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ الرَّازِیُّ الْمَعْرُوفُ بِالْوَهُورِدِیِّ بِنَیْشَابُورَ بِهَذَا الْحَدِیثِ وَ ذَكَرَ فِی آخِرِهِ غَیْرَ مَا مَضَی فِی الْحَدِیثَیْنِ الْأَوَّلَیْنِ أَحْبَبْتُ شَرْحَهُ فِی هَذَا الْبَابِ لِأَنَّهُ مِنْهُ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْوَهُورْدِیُّ حَدَّثَنِی أَبُو عَلِیٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّام ره قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدٌ الْحِمْیَرِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو هَاشِمٍ الْجَعْفَرِیُّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیهما السلام) وَ هُوَ مَحْمُومٌ عَلِیلٌ فَقَالَ لِی یَا أَبَا هَاشِمٍ ابْعَثْ رَجُلًا مِنْ مَوَالِینَا إِلَی الْحَائِرِ یَدْعُو اللَّهَ لِی فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَاسْتَقْبَلَنِی عَلِیُّ بْنُ بِلَالٍ فَأَعْلَمْتُهُ مَا قَالَ لِی وَ سَأَلْتُهُ أَنْ یَكُونَ الرَّجُلَ الَّذِی یَخْرُجُ فَقَالَ السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ وَ لَكِنَّنِی أَقُولُ- إِنَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الْحَائِرِ إِذْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ فِی الْحَائِرِ وَ دُعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ دُعَائِی لَهُ بِالْحَائِرِ فَأَعْلَمْتُهُ (علیه السلام) مَا قَالَ فَقَالَ لِی قُلْ لَهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) أَفْضَلَ مِنَ الْبَیْتِ وَ الْحَجَرِ وَ كَانَ یَطُوفُ بِالْبَیْتِ وَ یَسْتَلِمُ الْحَجَرَ وَ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَی بِقَاعاً یُحِبُّ أَنْ یُدْعَی فِیهَا فَیَسْتَجِیبَ لِمَنْ دَعَاهُ وَ الْحَائِرُ مِنْهَا

حسین بن احمد بن مغیره می گوید:

ابو محمّد حسن بن احمد بن علیّ رازی معروف به «و هوردی» در نیشابور این حدیث را برایم نقل کرد و در پایان آن فقره‌ای غیر از آنچه در دو حـدیث اوّل و دوّم گـذشت را ذکر نموده که دوست داشـتم در این باب شـرحش دهم زیرا جزء این باب و توضیح آن چنین است:

ابو محمد و هوردی می گوید:

ابو علی محمّد بن همام رحمهٔ اللّه علیه گفت: محمّد حمیری برایم نقل کرد که ابو هاشم جعفری گفت: بر حضـرت ابی الحسن علی بن محمّد سلام اللّه علیهما وارد شدم در حال که حضرت تب‌دار و بیمار بودند به من فرمودند:

ای ابا هاشم شخصی از دوستان ما را به حائر بفرست تا برایم دعاء کند، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرموده حضرت را برایش باز گو نموده و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده‌اند درخواست کرده و جویا شدم.

علی بن بلال گفت: شـنیدم و اطاعت می کنم ولی می گویم: حضـرت خودشان از حائر افضل و برتر هسـتند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائر می‌باشـد (یعنی حضـرت سـید الشـهداء) و دعاء آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعاء من برای ایشان در حائر.

من محضـر امام علیه السّلام مشـرف شـده و مقاله علی بن بلال را خـدمتش عرض کردم، حضـرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجر الاسود افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می کرده و حجر را استلام می‌فرمودند، خداوند متعال بقاع و مواضعی دارد که می‌خواهد در آن جاها خوانده شود تا دعاء، دعاکننده را مستجاب فرماید و حائر از جمله این مواضع می‌باشد.

۹۱] – باب نود و یکم شفاء بودن تربت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام و مقدار مستحب بودن آن

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ کَرَّامٍ عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَأْخُذُ الْإِنْسَانُ مِنْ طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَیَنْتَفِعُ بِهِ وَ یَأْخُذُ غَیْرُهُ فَلَا یَنْتَفِعُ بِهِ فَقَالَ لَا وَ اللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا یَأْخُذُهُ أَحَدٌ وَ هُوَ یَرَی أَنَّ اللَّهَ یَنْفَعُهُ بِهِ إِلَّا نَفَعَهُ اللَّهُ بِهِ

محمد بن الحسن از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسن بن علیّ بن فضال، از کرام، از ابن ابی یعفور، وی می گوید: محضر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرضه داشتم:

آیا این طور است که شخص تربت قبر امام حسین علیه السّلام را وقتی اخذ نمود از آن انتفاع برده ولی تربت غیر آن حضرت را وقتی اخذ کرد نمی‌تواند از آن نفع ببرد؟

حضرت فرمودند:

نه این طور نیست که مجرّد اخذ نمودن تربت این اثر را داشته باشد، به خدائی که معبودی غیر از او وجود ندارد اخذ نمی کند احدی تربت قبر آن حضرت را در حالی که معتقد است خداوند با آن نفع به او می‌رساند مگر آنکه حتما از آن منتفع می‌شود.

آنچه از این حدیث استفاده می‌شود آن است که اثر تربت زمانی است که شخص معتقد به آن باشد و الّا صرف اخذ تربت بدون اعتقاد تاثیر البته موءثر نمی‌باشد.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ دَفَعَتْ إِلَیَّ امْرَأَةٌ غَزْلًا فَقَالَتْ ادْفَعْهُ إِلَی حَجَبَةِ مَکَّةَ لِیُخَاطَ بِهِ کِسْوَةُ الْکَعْبَةِ قَالَ فَکَرِهْتُ أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَی الْحَجَبَةِ وَ أَنَا أَعْرِفُهُمْ فَلَمَّا أَنْ صِرْنَا إِلَی الْمَدِینَةِ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ امْرَأَةً أَعْطَتْنِی غَزْلًا فَقَالَتْ ادْفَعْهُ بِمَکَّةَ لِیُخَاطَ بِهِ کِسْوَةُ الْکَعْبَةِ فَکَرِهْتُ أَنْ أَدْفَعَهُ إِلَی الْحَجَبَةِ فَقَالَ اشْتَرِ بِهِ عَسَلًا وَ زَعْفَرَانَ زَعْفَرَاناً- وَ خُذْ مِنْ طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ اعْجِنْهُ بِمَاءِ السَّمَاءِ وَ اجْعَلْ فِیهِ مِنَ الْعَسَلِ وَ الزَّعْفَرَانِ وَ فَرِّقْهُ عَلَی الشِّیعَةِ لِیُدَاوُوا بِهِ مَرْضَاهُمْ

محمد بن عبد اللّه، از پدرش از ابی عبد اللّه برقی، از برخی اصحاب، وی گفت:

زنی پشم ریسیده‌ای را به من داد و گفت آن را به پرده داران کعبه بده تا با آن برای کعبه پرده درست نمایند، وی گفت: چون پرده داران را می‌شناختم کراهت داشتم آن را به ایشان بدهم پس وقتی به مدینه رسیدم محضر مبارک حضرت ابی جعفر علیه السّلام رسیده به ایشان عرض کردم: فدایت شوم زنی پشمی ریسیده به من داده و گفته که آن را به پرده داران کعبه دهم تا پرده‌ای از آن برای کعبه درست کنند، من از دادن پشم به ایشان کراهت دارم تکلیف چیست؟

حضرت فرمودند:

با آن عسل و زعفران خریده و از قبر حسین علیه السّلام مقداری تربت بردار و آن را با آب باران عجین نما و در آن عسل و زعفران را بریز و سپس معجون بدست آمده را بین شیعیان تقسیم نما تا با آن مریض‌های خود را مداوا کنند.

۳- وَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْبَصْرِیِّ وَ لَقَبُهُ فَهْدٌ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ طِینُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ

پدرم از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی، از محمّد بن اسماعیل بصری که لقبش فهد می‌باشد از برخی رجالش از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

تربت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام شفاء هر دردی می‌باشد.

۴- وَ عَنْهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ الْبَصْرِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه

السلام) قَالَ فِی طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) الشِّفَاءُ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ هُوَ الدَّوَاءُ الْأَکْبَرُ

و از پدرم، سعد بن عبد اللّه، از احمد بن الحسین بن سعید، از پدرش، از محمد بن <سلیمان بصری، از پدرش، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: در تربت قبر امام حسین علیه السّلام شفاء هر دردی بوده و آن دواء اکبر می‌باشد.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ شَیْخٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ الْکِنَانِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ طِینُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِیهِ شِفَاءٌ وَ إِنْ أُخِذَ عَلَی رَأْسِ مِیلٍ

محمد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از بزرگی از اصحاب ما، از ابی الصبّاح کنانیّ، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

تربت قبر امام حسین علیه السّلام در آن شفاء بوده اگر چه به قدر سر میل (میلی که با آن سرمه می‌کشند) باشد.

۶- وَ رُوِیَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَصَابَتْهُ عِلَّةٌ فَبَدَأَ بِطِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ تِلْکَ الْعِلَّةِ إِلَّا أَنْ تَکُونَ عِلَّةَ السَّامِ

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام

مروی است که فرمودند:

کسی که مرض و بیماری بر او عارض شده اگر قبل از خوردن هر داروئی تربت قبر امام حسین علیه السّلام را بخورد خداوند منّان او را از آن مرض شفا می‌دهد مگر از مرگ.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُدْلِجٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ خَرَجْتُ إِلَی الْمَدِینَةِ وَ أَنَا وَجِعٌ فَقِیلَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَجِعٌ فَأَرْسَلَ إِلَیَّ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) شَرَاباً مَعَ غُلَامٍ مُغَطًّی بِمِنْدِیلٍ فَنَاوَلَنِیهِ الْغُلَامُ وَ قَالَ لِی اشْرَبْهُ فَإِنَّهُ قَدْ أَمَرَنِی أَنْ لَا أَبْرَحَ حَتَّی تَشْرَبَهُ فَتَنَاوَلْتُهُ فَإِذَا رَائِحَةُ الْمِسْکِ مِنْهُ وَ إِذَا بِشَرَابٍ طَیِّبِ الطَّعْمِ بَارِدٍ فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِیَ الْغُلَامُ یَقُولُ لَکَ مَوْلَاکَ إِذَا شَرِبْتَهُ فَتَعَالَ فَفَکَّرْتُ فِیمَا قَالَ لِی وَ مَا أَقْدِرُ عَلَی النُّهُوضِ قَبْلَ ذَلِکَ عَلَی رِجْلِی فَلَمَّا اسْتَقَرَّ الشَّرَابُ فِی جَوْفِی فَکَأَنَّمَا نَشَطْتُ مِنْ عِقَالٍ فَأَتَیْتُ بَابَهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَیْهِ فَصَوَّتَ بِی صَحَّ الْجِسْمُ ادْخُلْ فَدَخَلْتُ عَلَیْهِ وَ أَنَا بَاکٍ فَسَلَّمْتُ عَلَیْهِ وَ قَبَّلْتُ یَدَهُ وَ رَأْسَهُ فَقَالَ لِی وَ مَا یُبْکِیکَ یَا مُحَمَّدُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَبْکِی عَلَی اغْتِرَابِی وَ بُعْدِ الشُّقَّةِ وَ قِلَّةِ الْقُدْرَةِ عَلَی الْمُقَامِ عِنْدَکَ أَنْظُرُ إِلَیْکَ- فَقَالَ لِی أَمَّا قِلَّةُ الْقُدْرَةِ فَکَذَلِکَ جَعَلَ اللَّهُ أَوْلِیَاءَنَا وَ أَهْلَ مَوَدَّتِنَا وَ جَعَلَ الْبَلَاءَ إِلَیْهِمْ سَرِیعاً وَ أَمَّا مَا ذَکَرْتَ مِنَ الْغُرْبَةِ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ فِی هَذِهِ الدُّنْیَا غَرِیبٌ وَ فِی هَذَا الْخَلْقِ الْمَنْکُوسِ حَتَّی یَخْرُجَ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ إِلَی رَحْمَةِ اللَّهِ وَ أَمَّا مَا ذَکَرْتَ مِنْ بُعْدِ الشُّقَّةِ فَلَکَ بِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) أُسْوَةٌ بِأَرْضٍ نَائِیَةٍ عَنَّا بِالْفُرَاتِ وَ أَمَّا مَا ذَکَرْتَ مِنْ حُبِّکَ قُرْبَنَا وَ النَّظَرَ إِلَیْنَا وَ أَنَّکَ لَا تَقْدِرُ عَلَی ذَلِکَ فَاللَّهُ یَعْلَمُ مَا فِی قَلْبِکَ وَ جَزَاؤُکَ عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ لِی هَلْ تَأْتِی قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قُلْتُ نَعَمْ عَلَی خَوْفٍ وَ وَجَلٍ فَقَالَ مَا کَانَ فِی هَذَا أَشَدَّ فَالثَّوَابُ فِیهِ عَلَی قَدْرِ الْخَوْفِ وَ مَنْ خَافَ فِی إِتْیَانِهِ آمَنَ اللَّهُ رَوْعَتَهُ- یَوْمَ یَقُومُ النّاسُ لِرَبِّ الْعالَمِینَ وَ انْصَرَفَ بِالْمَغْفِرَةِ وَ سَلَّمَتْ عَلَیْهِ الْمَلَائِکَةُ وَ زار زَارَهُ وَ رَآهُ النَّبِیُّ (صلی الله علیه و آله) وَ مَا یَصْنَعُ وَ دَعَا لَهُ انْقَلَبَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُ سُوءٌ وَ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ لِی کَیْفَ وَجَدْتَ الشَّرَابَ فَقُلْتُ أَشْهَدُ أَنَّکُمْ أَهْلُ بَیْتِ الرَّحْمَةِ وَ أَنَّکَ وَصِیُّ الْأَوْصِیَاءِ وَ لَقَدْ أَتَانِی الْغُلَامُ بِمَا بَعَثْتَهُ وَ مَا أَقْدِرُ عَلَی أَنْ أَسْتَقِلَّ عَلَی قَدَمَیَّ وَ لَقَدْ کُنْتُ آیِساً مِنْ نَفْسِی فَنَاوَلَنِی الشَّرَابَ- فَشَرِبْتُهُ فَمَا وَجَدْتُ مِثْلَ رِیحِهِ وَ لَا أَطْیَبَ مِنْ ذَوْقِهِ وَ لَا طَعْمِهِ وَ لَا أَبْرَدَ مِنْهُ فَلَمَّا شَرِبْتُهُ قَالَ لِیَ الْغُلَامُ إِنَّهُ أَمَرَنِی أَنْ أَقُولَ لَکَ إِذَا شَرِبْتَهُ فَأَقْبِلْ إِلَیَّ وَ قَدْ عَلِمْتُ شِدَّةَ مَا بِی فَقُلْتُ لَأَذْهَبَنَّ إِلَیْهِ وَ لَوْ ذَهَبَتْ نَفْسِی فَأَقْبَلْتُ إِلَیْکَ فَکَأَنِّی نَشَطْتُ مِنْ عِقَالٍ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَکُمْ رَحْمَةً لِشِیعَتِکُمْ وَ رَحْمَةً عَلَیَّ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ الشَّرَابَ الَّذِی شَرِبْتَهُ فِیهِ مِنْ طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ هُوَ أَفْضَلُ مَا اسْتُشْفِیَ بِهِ فَلَا تَعْدِلْ بِهِ فَإِنَّا نَسْقِیهِ صِبْیَانَنَا وَ نِسَاءَنَا فَنَرَی فِیهِ کُلَّ خَیْرٍ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّا لَنَأْخُذُ مِنْهُ وَ نَسْتَشْفِی بِهِ فَقَالَ یَأْخُذُهُ الرَّجُلُ فَیُخْرِجُهُ مِنَ الْحَائِرِ وَ قَدْ أَظْهَرَهُ فَلَا یَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْجِنِّ بِهِ عَاهَةٌ وَ لَا دَابَّةٍ- وَ لَا شَیْءٍ فِیهِ آفَةٌ إِلَّا شَمَّهُ

فَتَذْهَبُ بَرَكَتُهُ فَيَصِيرُ بَرَكَتُهُ لِغَيْرِهِ وَ هَذَا الَّذِي يُتَعَالَجُ بِهِ لَيْسَ هَكَذَا وَ لَوْ لَا مَا ذَكَرْتُ لَكَ مَا يُمْسَحُ بِهِ شَيْءٌ- وَ لَا شَرِبَ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَفَاقَ مِنْ سَاعَتِهِ وَ مَا هُوَ إِلَّا كَحَجَرِ الْأَسْوَدِ أَتَاهُ صَاحِبُ الْعَاهَاتِ وَ الْكُفْرِ وَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ كَانَ لَا يَتَمَسَّحَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَفَاقَ وَ كَانَ كَأَبْيَضِ يَاقُوتَةٍ فَاسْوَدَّ حَتَّى صَارَ إِلَى مَا رَأَيْتَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ كَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ فَقَالَ تَصْنَعُ بِهِ مَعَ إِظْهَارِكَ إِيَّاهُ مَا يَصْنَعُ غَيْرُكَ تَسْتَخِفُّ بِهِ فَتَطْرَحُهُ فِي خُرْجِكَ وَ فِي أَشْيَاءَ دَنِسَةٍ فَيَذْهَبُ مَا فِيهِ مِمَّا تُرِيدُهُ لَهُ فَقُلْتُ صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ لَيْسَ يَأْخُذُهُ أَحَدٌ إِلَّا وَ هُوَ جَاهِلٌ بِأَخْذِهِ وَ لَا يَكَادُ يَسْلَمُ بِالنَّاسِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ كَيْفَ لِي أَنْ آخُذَهُ كَمَا تَأْخُذُهُ فَقَالَ لِي أُعْطِيكَ مِنْهُ شَيْئاً فَقُلْتُ نَعَمْ- قَالَ إِذَا أَخَذْتَهُ فَكَيْفَ تَصْنَعُ بِهِ فَقُلْتُ أَذْهَبُ بِهِ مَعِي فَقَالَ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَجْعَلُهُ فَقُلْتُ فِي ثِيَابِي- قَالَ فَقَدْ رَجَعْتَ إِلَى مَا كُنْتَ تَصْنَعُ اشْرَبْ عِنْدَنَا مِنْهُ حَاجَتَكَ وَ لَا تَحْمِلْهُ- فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ لَكَ فَسَقَانِي مِنْهُ مَرَّتَيْنِ فَمَا أَعْلَمُ أَنِّي وَجَدْتُ شَيْئاً مِمَّا كُنْتُ أَجِدُ حَتَّى انْصَرَفْتُ

محمد بن عبد اللّه جعفر حمیری، از پدرش، از علیّ بن محمد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصری، از عبد اللّه بن عبد الرحمن الاصم، وی گفت:

مدلج برای ما از محمّد بن مسلم حدیثی نقل کرد که وی گفت: من به مدینه رفتم در حالی که دردمند بودم محضر امام رساندند که محمد بن مسلم دردمند است، حضرت ابو جعفر علیه السّلام شربتی برایم فرستادند آورنده غلامی بود که دستاری به سر بسته بود، بهر صورت غلام شربت را به من داد و گفت:

این را بیاشام زیرا حضرت به من امر فرموده‌اند تا تو این را نیاشامیده‌ای من از نزدت نروم، پس شربت را گرفتم، بوی مشک از آن می‌آمد، شربتی پاکیزه، طعمی خنک داشت وقتی آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

آقایت فرموده: وقتی شربت را خوردی به نزدش حاضر شو.

من در این گفتار می‌اندیشدم که پیش از نوشیدن شربت قادر نبودم روی پاهایم بایستم حال چطور حرکت کرده و به محضرش بروم، بهر صورت وقتی شربت در جوف من قرار گرفت گویا از بند رها شدم پس درب منزل حضرت آمده از آن جناب اذن خواستم، حضرت با صدای بلند فرمودند:

جسمت بهبودی یافت داخل شو! پس داخل شده در حالی که می‌گریستم، سلام بر آن حضرت کرده و دست و سر آن سرور را می‌بوسیدم.

حضرت به من فرمودند:

ای محمّد، چرا گریه می‌کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم گریه‌ام بخاطر این چند چیز است:

الف: غریبم.

ب: از شما دور هستم.

ج: قدرتم کم و ضعیف می‌باشم د: قادر نیستم نزد شما رحل اقامت انداخته و به شما بنگرم.

حضرت فرمودند:

امّا کم بودن قدرت، البته همین طور است، خداوند دوستان ما را این چنین قرار داده و سریعا بلاء را بر ایشان نازل می‌کند.

و امّا اینکه گفتی: غریب هستی، موءمن در دنیا و بین این خلق نگونسار غریب می‌باشد تا از این دار فانی به رحمت باری منتقل شود.

و امّا اینکه گفتی مکانت دور است و از ما فاصله داری، بر تو باد به پیروی نمودن از ابی عبد اللّه علیه السّلام (منظور از ابی عبد اللّه خود آن حضرت می‌باشد) زیرا ما نیز از زمینی که محبوب و مطلوبمان است (مراد کربلاء می‌باشد) دور بوده و بواسطه فرات بین ما و آن زمین فاصله افتاده است.

و امّا اینکه گفتی دوست داری نزدیک ما بوده و بما نظر افکنی و بر این معنا قادر نیستی، خداوند متعال بر آنچه در قلب تو است آگاه بوده و تو را بر همان پاداش و جزا می‌دهد.

سپس حضرت به من فرمودند:

آیا به زیارت قبر حسین علیه السّلام می‌روی؟

عرض کردم: بلی، منتهی با خوف و هراس.

حضرت فرمودند:

هر چه در این زیارت شدت و سختی به بینی و خوف و هراس تو بیشتر باشد، ثواب و اجرت بهمان قدر افزون می گردد، و کسی که در زیارت آن حضرت خوف داشته و با این حال آن جناب را زیارت کند حق تعالی او را از وحشت روزی که مردم برای حساب در مقابل پروردگار عالمیان می‌ایستند (یعنی روز قیامت) در امان نگه می‌دارد و این شخص از زیارت بر می گردد در حالی که حق تعالی گناهانش را آمرزیده و فرشتگان بر او درود و سلام می‌دهند و پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم او و آنچه را بجا آورده دیده و برایش دعاء می‌فرمایند، و وی به نعمت و فضل خدا روی آورده و هیچ رنج و تعبی به او متوجه نشده و رضایت و خشنودی خدا را پی گیری می‌نماید.

سپس حضرت به من فرمودند:

شربت را چگونه یافتی؟

عرض کردم: شهادت می‌دهم شما اهل بیت رحمت بوده و شما جانشین جانشینان پیامبر هستید غلامی نزد من آمد و آنچه عنایت کرده بودید به من رساند، قبل از آن قادر نبودم مستقلا روی پا خود بایستم و از خود مایوس شده بودم، وی شربت را که به من داد و من آن را نوشیدم بوئی به آن خوشی تا بحال استشمام نکرده و مزه‌ای تا بحال به آن پاکیزگی نچشیده و طعمی به آن مطبوعی تاکنون حس ننموده و بگواراتر از آن هرگز برنخورده بودم، و هنگامی که آن را نوشیدم، غلام به من گفت:

حضرت به من امر فرموده‌اند به تو بگویم: وقتی نوشیدی نزد من بیا.

من به وخامت حال و شدّت درد خود واقف بودم، لذا حدیث نفس نموده و به خود گفتم.

حتما خدمتش مشرّف خواهم شد اگر چه جانم را از دست بدهم، پس به سوی شما روی آوردم ولی گویا از بند رها گشتم، پس حمد و سپاس خدائی را که شما را رحمت برای شیعیانتان و رحمت برای من نیز قرار داده است.

حضرت فرمودند:

ای محمّد، شربتی که نوشیدی در آن تربت قبر حسین علیه السّلام بود و آن بهترین داروئی است که به منظور استشفاء مصرف می کنند و با آن هیچ دوائی را برابر و مساوی ندان، ما به اطفال و زنان خود آن را می‌خورانیم و در آن هر خیر و خوبی را دیده‌ایم.

خدمتش عرضه داشتم: فدایت شوم از آن برداشته و استشفاء به آن بجوئیم؟

حضرت فرمودند:

بسا شخصی آن را اخذ کرده و با خود از حائر بیرون می‌برد و بر دیگران اظهار نموده و مخفی نمی‌کند پس مرور به جنّی می کند که در او مرض و بیماری بوده یا به حیوان و موجودی که دارای آفت است می گذرد پس آن را می‌بویند و برکتش زائل گشته و بدین ترتیب برکت آن برای غیر مصرف می‌شود امّا تربتی را که ما با آن دردها را معالجه می کنیم این طور نیست، و اگر دیگران نیز رعایت کنند و آنچه را که برایت گفتم منظور داشته و تربت مأخوذ را از مرای و منظر دیگران بر حذر داشته و در معرض قرار ندهند مسلما با هیچ شیئی تماس پیدا نکرده و هیچ کسی از آن تناول ننموده مگر در همان ساعت از مرض و بیماری که دارد افاقه پیدا می کند، و سرگذشت این تربت نظیر سرگذشت حجر الاسود است که صاحب آفات و امراض و کفر و جاهلیّت با آن تماس پیدا

می‌کردند و پس از تماس مرض و عیب و نقصی که داشتند برطرف می‌شد.

این سنگ در بدو امر همچون یاقوت سفید و شفافی بود که پس از این تماس‌ها و اصابت این اشیاء آلوده با آن رفته رفته رنگش تیره و سیاه شد و به این صورتی که اکنون می‌بینی درآمد.

این تربت نیز به واسطه تماس با اشیاء آلوده و افراد ناصالح خاصیت و اثرش زائل گردد و آن تاثیری را که باید داشته باشد ندارد لذا تو نمی‌توانی اثر مطلوب را از آن بهره برداری کنی.

محضر مبارکش عرض کردم: مگر ب‌آن چه می‌کنم؟

حضرت فرمودند:

وقتی آن را اظهار کرده و در معرض قرار دادی با آن همان عملی را کرده که دیگران می‌کنند، یعنی آن را مورد استخفاف قرار داده و سبک می‌شماری از این رو بسا آن را در خورجین انداخته و در بین اشیاء آلوده می‌گذاری در نتیجه اثری را که از آن انتظار داری نخواهی دید و آن از تربت زائل گردیده. خدمتش عرضه داشتم: فدایت شوم واقع امر همین است و صحیح می‌فرمائید.

سپس حضرت فرمودند: احدی آن را اخذ نکرده مگر آنکه جاهل است به کیفیّت اخذ و رعایت آداب آن لذا بر ایشان سالم نمی‌ماند.

محضرش عرض کردم: فدایت شوم چگونه آن را بردارم تا اخذ من نظیر اخذ شما باشد؟

حضرت فرمودند:

آیا مقداری از آن را به تو بدهم؟

عرض کردم: بلی.

فرمودند:

وقتی از من گرفتی با آن چه می‌کنی؟

عرض کردم: با خود می‌برم.

فرمودند:

در چه چیز آن را قرار می‌دهی؟

عرض کردم: در لباس‌های خود آن را می‌گذارم.

حضرت فرمودند:

باز این عمل مثل عمل سابق شد و به آنچه قبلا رفتاری کردی برگشتی، این کار را مکن بلکه، وقتی آن را از من گرفتی تا نزد من هستی تناولش کن که حاجتت روا می‌شود و هرگز با خودت حمل مکن زیرا در این صورت اثری نداشته و برایت سالم نمی‌ماند.

سپس محمّد بن مسلم می‌گوید:

حضرت از آن دو بار به من خورانیدند و پس از آن درد و الم و بیماری که داشتم در خود نیافته و به کلّی برایم بهبودی حاصل شد و پس از آن به وطن خویش برگشتم.

۸- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنِ الْخَیْبَرِیِّ عَنْ أَبِی وَلَّادٍ عَنْ أَبِی بَکْرٍ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ لَوْ أَنَّ مَرِیضاً مِنَ الْمُؤْمِنِینَ یَعْرِفُ حَقَّ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلَایَتَهُ أَخَذَ مِنْ طِینِ قَبْرِهِ مِثْلَ رَأْسِ أَنْمُلَةٍ کَانَ لَهُ دَوَاءً

محمد بن الحسین بن مت الجوهری از محمد بن احمد بن یحیی، از محمد ابن الحسین، از محمد بن اسماعیل، از خیبریی، از ابی ولّاد از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبد اللّه (حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام) سلام اللّه علیه آگاه و عارف است و به حرمت و ولایت آن جناب آشنا است از تربت قبرش به مقدار سر بند انگشت بردارد همان برای او دواء می‌باشد.

۹۲] – باب نود و دوّم تربت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام شفاء و امان می‌باشند

۱- حَدَّثَنِی أَبِی وَ جَمَاعَةٌ ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ رَجُلٍ قَالَ بَعَثَ إِلَیَّ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) مِنْ خُرَاسَانَ ثِیَابَ رِزَمٍ وَ کَانَ بَیْنَ ذَلِکَ طِینٌ فَقُلْتُ لِلرَّسُولِ مَا هَذَا قَالَ طِینُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مَا کَانَ یُوَجِّهُ شَیْئاً مِنَ الثِّیَابِ وَ لَا غَیْرِهِ إِلَّا وَ یَجْعَلُ فِیهِ الطِّینَ وَ کَانَ یَقُولُ هُوَ أَمَانٌ بِإِذْنِ اللَّهِ

پدرم و جماعتی رحمهٔ اللّه علیهم، از سعد بن عبد اللّه، از محمّد بن عیسی از شخصی نقل کرده‌اند که وی گفت: حضرت ابو الحسن الرضا علیه السّلام از خراسان بقچه‌ای برایم فرستادند که در بین آن تربتی بود، به آورنده بقچه گفتم این تربت چیست؟

گفت: تربت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام است، حضرت ابو الحسن الرضا علیه السّلام جامه یا غیر آن را وقتی به جایی می‌فرستند حتما همراه آن تربت سیّد الشهداء علیه السّلام را قرار داده و می‌فرمایند: این تربت به اذن خدا امان و موجب حفظ مال می‌باشد.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ حَنِّکُوا أَوْلَادَکُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّهُ أَمَانٌ

محمّد بن جعفر رزّاز از محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از موسی بن سعدان، از عبد اللّه بن القاسم، از حسین بن ابی العلاء، وی می گوید:

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

فرزندانتان را با تربت حسین علیه السّلام تحنیک کنید (یعنی تربت را به سقف دهانشان بمالید) زیرا تربت موجب امان و حفظ آنها است.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْیَسَعِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ أَنَا أَسْمَعُ قَالَ آخُذُ مِنْ طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ یَکُونُ عِنْدِی أَطْلُبُ بَرَکَتَهُ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِکَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد بن عبد اللّه، از ایوب بن نوح، از عبد اللّه بن مغیره نقل کرده که وی گفت: ابو السیع برای ما، حدیثی نقل کرد و گفت:

شخصی از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام سوءال کرد و من می‌شنیدم، وی پرسید: آیا از تربت قبر امام حسین علیه السّلام بردارم و با آن طلب برکت کنم؟

حضرت فرمودند: هیچ باکی نیست.

۴- وَ عَنْهُ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَی الْوَرَّاقِ عَنْ یُونُسَ عَنْ عِیسَی بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ عَمَّتِهِ قُلْتُ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ فِی طِینِ الْحَائِرِ الَّذِی فِیهِ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمّد بن عیسی از عبّاس بن موسی ورّاق، از یونس، از عیسی بن سلیمان از محمّد بن زیاد، از عمّه‌اش منقول است که وی گفت:

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

تربت حائری که حضرت امام حسین علیه السّلام در آن هستند شفاء از هر دردی بوده و امان است از هر خوف و هراسی.

۵- وَ حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ عَنْ یَحْیَی وَ کَانَ فِی خِدْمَةِ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی عَنْ عِیسَی بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ عَنْ عَمَّتِهِ قَالَتْ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ إِنَّ فِی طِینِ الْحَائِرِ الَّذِی فِیهِ

الْحُسَيْنُ (عليه السلام) شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از احمد بن ادریس، و محمّد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، از یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود، از عیسی بن سلیمان، از محمّد بن مارد، از عمّه‌اش روی گفت:

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

بطور قطع و حتم در تربت حائری که در آن حضرت امام حسین علیه السّلام می‌باشد شفاء است از هر دردی و امان است از هر خوف و هراسی.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَيْبَرِيِّ عَنْ أَبِی وَلَّادٍ عَنْ أَبِی بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ لَوْ أَنَّ مَرِيضاً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَعْرِفُ حَقَّ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلَايَتَهُ أُخِذَ لَهُ مِنْ طِينِ قَبْرِهِ عَلَى رَأْسِ مِيلٍ كَانَ لَهُ دَوَاءً وَ شِفَاءً

محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسین، از محمّد بن اسماعیل، از خیبری، از ابی ولّاد، از ابی بکر حضرمی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

اگر مریضی از اهل ایمان که به حق حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السّلام عارف و آگاه بوده و با حرمت و ولایتش آشنا است. از تربت قبر حضرتش به مقدار سر میل (میل کحّالی یا میل جرّاحی) بردارد و همان برایش دواء و شفاء می‌باشد.

*** ***

*** ***

۹۳] – باب نود و سوّم مکان و کیفیّت اخذ تربت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ یُونُسَ بْنِ رَفِیعٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِنَّ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) لَتُرْبَةً حَمْرَاءَ فِیهَا شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ قَالَ فَأَتَیْتُ الْقَبْرَ بَعْدَ مَا سَمِعْنَا هَذَا الْحَدِیثَ فَاحْتَفَرْنَا عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ فَلَمَّا حَفَرْنَا قَدْرَ ذِرَاعٍ انْحَدَرَتْ عَلَیْنَا مِنْ رَأْسِ الْقَبْرِ مِثْلُ السَّهْلَةِ حَمْرَاءَ قَدْرَ دِرْهَمٍ فَحَمَلْنَاهُ إِلَی الْکُوفَةِ فَمَزَجْنَاهُ وَ خَبَیْنَاهُ فَأَقْبَلْنَا نُعْطِی النَّاسَ یَتَدَاوَوْنَ بِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از یعقوب بن یزید، از حسن بن علیّ، از یونس بن ربیع، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

نزد سر مبارک حسین بن علی علیهما السّلام تربت قرمزی است که در آن شفاء هر دردی غیر از مرگ می‌باشد یونس بن ربیع می‌گوید: بعد از اینکه، این حدیث را شنیدم نزد قبر حاضر شده و طرف سر قبر را حفر کردیم و چون به قدر یک ذراع کندیم از راس قبر خاک‌هائی مثل ریگ‌های ریزی که آب آنها را با خود می‌آورد بر ما ریخت، رنگ آنها قرمز و اندازه‌شان قدر یک درهم بود، آنها را با خود به کوفه آورده پس ممزوج و عجینشان کرده و پنهانشان نمودیم و بعد به تدریج از آن به مردم می‌داده تا با آن مریض‌های خود را مداوا کنند.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ رِزْقِ اللَّهِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ عَمْرٍو السَّرَّاجِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ یُؤْخَذُ طِینُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَی قَدْرِ سَبْعِینَ بَاعاً

پدرم و محمد بن الحسن و علی بن الحسین، از سعد، از احمد بن محمد بن عیسی، از رزق اللّه بن علاء، از سلیمان بن عمرو سرّاج، از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السّلام را از نزدیک قبر تا فاصله هفتاد باع اخذ می‌کنند.

مترجم گوید:

«باع» عبارت است از فاصله بین سر انگشت دست راست و سر انگشت دست چپ زمانی که دو دست را افقی به طرفین باز کنند.

۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا تَنَاوَلَ أَحَدُکُمْ مِنْ طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَلْیَقُلْ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذِی تَنَاوَلَهُ- وَ الرَّسُولِ الَّذِی بَوَّأَهُ وَ الْوَصِیِّ الَّذِی ضُمِّنَ فِیهِ أَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ کَذَا وَ کَذَا وَ یُسَمِّی ذَلِکَ الدَّاءَ

علی بن الحسین، از علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن اسحاق نهاوندی، از عبد اللّه بن حمّاد انصاری، از عبد اللّه بن سنان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

هر گاه کسی از شما تربت قبر حسین علیه السّلام را تناول کرد بگوید:

بار خدایا از تو سوءال می‌کنم به حق فرشته‌ای که آن را اخذ نموده و رسولی که آن را جای داده و وصیّ که در آن پنهان شده آن را شفاء از هر دردی قرار بده (نام دردهای مورد نظر را ببرند).

۴- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الرَّیَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَصْقَلَةَ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْمَوْصِلِیِّ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَخَذْتَ طِینَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ فَقُلْ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ الْمَلَکِ الْمُوَکَّلِ بِهَا وَ الْمَلَکِ الَّذِی کَرَبَهَا وَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی هُوَ فِیهَا صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ هَذَا الطِّینَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِکَ کَانَ حَتْماً شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ

حكيم بن داود، از سلمه، از على بن ريّان بن صلت، از حسين بن اسد، از احمد بن مصقله، از عمويش، از ابى جعفر موصلى، وى گفت:

حضرت ابو جعفر عليه السّلام فرمودند:

هر گاه تربت قبر حسين عليه السّلام را اخذ كردى بگو:

خدايا به حق اين تربت و بحق فرشته‌ای كه موكّل بر آن است، و به حق فرشته‌ای كه آن را حفر نموده و به حق وصىّ كه در درون آن است، درود بفرست بر محمّد و آل محمّد و قرار بده اين تربت را شفاء از هر دردى و امان از هر خوف و هراسى.

سپس حضرت فرمودند:

اگر شخصى چنين كند حتما تربت شفاء از هر دردى خواهد بود و از هر خوفى امان برايش مى‌باشد.

۵- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَمْرٍو شَیْخٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ كُنْتُ بِمَكَّةَ وَ ذَكَرَ فِی حَدِیثِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّی رَأَیْتُ أَصْحَابَنَا یَأْخُذُونَ مِنْ طِینِ الْحَائِرِ لَیَسْتَشْفُونَ [یَسْتَشْفُون بِهِ- هَلْ فِی ذَلِكَ شَیْءٌ مِمَّا یَقُولُونَ مِنَ الشِّفَاءِ قَالَ قَالَ یُسْتَشْفَی بِمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْقَبْرِ عَلَی رَأْسِ أَرْبَعَةِ أَمْیَالٍ وَ كَذَلِكَ قَبْرُ جَدِّی رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ كَذَلِكَ طِینُ قَبْرِ الْحَسَنِ وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ فَخُذْ مِنْهَا فَإِنَّهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَ جُنَّةٌ مِمَّا تَخَافُ وَ لَا یَعْدِلُهَا شَیْءٌ مِنَ الْأَشْیَاءِ الَّتِی یُسْتَشْفَی بِهَا إِلَّا الدُّعَاءُ وَ إِنَّمَا یُفْسِدُهَا مَا یُخَالِطُهَا مِنْ أَوْعِیَتِهَا وَ قِلَّةُ الْیَقِینِ لِمَنْ یُعَالِجُ بِهَا فَأَمَّا مَنْ أَیْقَنَ أَنَّهَا لَهُ شِفَاءٌ إِذَا یُعَالِجُ بِهَا كَفَتْهُ بِإِذْنِ اللَّهِ مِنْ غَیْرِهَا مِمَّا یُعَالَجُ بِهِ وَ یُفْسِدُهَا الشَّیَاطِینُ وَ الْجِنُّ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ مِنْهُمْ یَتَمَسَّحُونَ بِهَا وَ مَا تَمُرُّ بِشَیْءٍ إِلَّا شَمَّهَا وَ أَمَّا الشَّیَاطِینُ وَ كُفَّارُ الْجِنِّ فَإِنَّهُمْ یَحْسُدُونَ بَنِی آدَمَ عَلَیْهَا فَیَتَمَسَّحُونَ بِهَا لِیَذْهَبَ عَامَّةُ طِیبِهَا وَ لَا یُخْرَجُ الطِّینُ مِنَ الْحَائِرِ إِلَّا وَ قَدِ اسْتَعَدَّ لَهُ مَا لَا یُحْصَی مِنْهُمْ وَ أَنَّهُ لَفِی یَدِ صَاحِبِهَا وَ هُمْ یَتَمَسَّحُونَ بِهَا وَ لَا یَقْدِرُونَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ یَدْخُلُوا الْحَائِرَ وَ لَوْ كَانَ مِنَ التُّرْبَةِ شَیْءٌ یَسْلَمُ مَا عُولِجَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا بَرَأَ مِنْ سَاعَتِهِ فَإِذَا أَخَذْتَهَا فَاكْتُمْهَا وَ أَكْثِرْ عَلَیْهَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَی وَ قَدْ بَلَغَنِی أَنَّ بَعْضَ مَنْ یَأْخُذُ مِنَ التُّرْبَةِ شَیْئاً یَسْتَخِفُّ بِهِ حَتَّی إِنَّ بَعْضَهُمْ لَیَطْرَحُهَا فِی مِخْلَاةِ الْبَغْلِ وَ الْحِمَارِ وَ فِی وِعَاءِ الطَّعَامِ وَ مَا یُمْسَحُ بِهِ الْأَیْدِی مِنَ الطَّعَامِ وَ الْخُرْجِ وَ الْجُوَالِقِ فَكَیْفَ یَسْتَشْفِی بِهِ مَنْ هَذَا حَالُهُ عِنْدَهُ وَ لَكِنَّ الْقَلْبَ الَّذِی لَیْسَ فِیهِ یَقِینٌ مِنَ الْمُسْتَخِفِّ بِمَا فِیهِ صَلَاحُهُ یُفْسِدُ عَلَیْهِ عَمَلَه

محمد بن الحسن بن علىّ بن مهزيار، از پدرش، از جدّش على بن مهزيار، از حسن بن سعيد، از عبد اللّه بن عبد الرّحمن اصمّ، وى مى گويد:

ابو عمرو كه شيخى از اهل كوفه بود براى ما حديث گفت، وى از ابو حمزه ثمالى و او از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده، وى گفت: من در مكّه بودم (... در اثناء حديثش گفت):

فدايت شوم مى‌بينم اصحابمان را كه تربت حائر را براى استشفاء اخذ مى كنند، آيا اينكه مى گويند در اين تربت شفاء هست درست است؟

وى گفت: امام عليه السّلام فرمودند:

استشفاء مى‌جويند به تربتى كه از قبر تا رأس چهار ميلى قرار گرفته و شفاء حاصل مى‌شود و همچنين است قبر جدّم رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و نيز همين طور است تربت قبر حضرات امام حسن و على بن الحسين و محمّد بن على عليهم السّلام، پس از تربت اين قبور مطهّره اخذ كن كه شفاء است براى هر دردى و حافظ است از آنچه خوف و هراسى دارى و هيچ داروئى معادل آن نبوده مگر دعاء. و بايد توجّه داشت اگر فسادى در اين تربت ديده مى‌شود و احيانا تاثيرى ندارد اين فساد ناشى از سه چيز است:

الف: آنچه با آنها مخلوط مى گردد (مراد ظروفى است كه تربت‌ها را در آنها مى‌ريزند) ب: كسانى كه با اين تربت استشفاء

می‌جویند اعتقاد و یقینشان به حصول شفاء اندک می‌باشد.

ولی آنان که یقین کامل دارند که در صورت معالجه با آن شفاء بر ایشان حاصل می‌شود و آن را بکار بردند به اذن خدا معالجه شده و این تربت آنها را از داروهای دیگر مستغنی می‌نماید.

ج: شیاطین و جن‌هائی هستند از اهل کفر که تربت را مسح نموده و بدین ترتیب آن را فاسد می‌کنند این موجودات به چیزی مرور نکرده مگر آنکه آن را می‌بویند و بواسطه استشمام اثر تربت را می‌برند.

شیاطین و جن‌های اهل کفر بر بنی آدم حسد برده و این تربت را مسح نموده و بوی آن را از بین می‌برند و اساسا تربت از حائر خارج نمی‌شود مگر آنکه جماعتی از این شیاطین و جن‌ها که تعدادشان قابل احصاء نیست آماده‌اند برای اینکه تربت را اگر چه در دست صاحبش هست مسح نموده و اثرش را زائل کنند و اینکه بیرون حائر هستند و نمی‌توانند به درون آن نفوذ کنند بخاطر وجود فرشتگان در حائر می‌باشد.

و اگر تربتی سالم بوده و از تماس شیاطین و جن‌ها در امان مانده باشد مسلما احدی با آن معالجه نکرده مگر آنکه در ساعت بهبودی برایش حاصل می‌شود، بنا بر این اگر می‌خواهی تربت سالم بماند وقتی اخذش نمودی پنهانش کن و زیاد اسم خداوند متعال را بر آن بخوان و بدم.

خبر رسیده که برخی از کسانی که تربت را اخذ نموده‌اند آن را مورد استحفاف قرار داده حتی پاره‌ای از ایشان آن را در توبره و علف‌دان شتر و قاطر و درازگوش یا در ظرف طعام انداخته و یا با دست‌های آلوده به طعام و غذا آن را مسح نموده و یا آن را در خورجین می‌نهند و با این حال چگونه با آن شفاء حاصل شود؟! چنانچه قلبی که در آن یقین و اعتقاد به تاثیر تربت نیست و صاحبش به آنچه مصلحت و صلاح خودش در آن است استحفاف می‌ورزد اثر و عمل تربت را قطعا فاسد می‌نماید.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ رِزْقِ اللَّهِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ عَمْرٍو السَّرَّاجِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ یُؤْخَذُ طِینُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَی سَبْعِینَ بَاعاً فِی سَبْعِینَ بَاعاً

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از رزق اللّه بن العلاء، از سلیمان بن عمرو سرّاج از برخی اصحابمان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السّلام را از اطراف قبر به مساحت هفتاد باع در هفتاد باع می‌توان اخذ نمود.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ الْخَتْمُ عَلَی طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَنْ یُقْرَأَ عَلَیْهِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ

محمّد بن یعقوب، از علیّ بن محمّد، وی حدیث را بطور مرفوعه نقل کرده و گفته است:

ختم بر تربت قبر حسین علیه السّلام و متمّم فائده آن این است که سوره إِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ را بر آن خوانده و به آن بدمند.

۸- وَ رُوِیَ إِذَا أَخَذْتَهُ فَقُلِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الطَّاهِرَةِ وَ بِحَقِّ الْبُقْعَةِ الطَّیِّبَةِ وَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی تُوَارِیهِ وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَ أَبِیهِ وَ أُمِّهِ وَ أَخِیهِ وَ الْمَلَائِکَةِ الَّذِینَ یَحُفُّونَ بِهِ وَ الْمَلَائِکَةِ الْعُکُوفِ عَلَی قَبْرِ وَلِیِّکَ- یَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ وَ اجْعَلْ لِی فِیهِ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَ غِنًی مِنْ کُلِّ فَقْرٍ وَ عِزّاً مِنْ کُلِّ ذُلٍّ وَ أَوْسِعْ بِهِ عَلَیَّ فِی رِزْقِی وَ أَصِحَّ بِهِ جِسْمِی

مروی است هر گاه تربت را اخذ نمودید بگوئید:

خدایا، بحقّ این تربت پاک و به حق این بقعه پاکیزه و به حق وصیّ که این تربت پنهانش نموده و به حق جدّ و پدرش، و مادر و برادرش، و فرشتگانی که دورش طواف می‌کنند و به حق فرشتگانی که بر سر قبر ولیّ تو درنگ و توقف نموده و انتظار کمکش را می‌کشند صلوات اللّه علیهم اجمعین.

برای من در این تربت شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی و بی‌نیازی از هر فقری و عزّت از هر ذلّتی را قرار بده و به واسطه‌اش روزی را بر من فراخ و واسع نما، و جسمم را به سببش صحیح و سالم گردان.

۹- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْکُوفَةِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) حَرِیمُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَرْسَخٌ فِی فَرْسَخٍ فِی فَرْسَخٍ فِی فَرْسَخٍ

محمد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش، از علی بن محمد بن سالم، از محمد بن خالد، از عبد اللّه بن حماد بصری از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصم، از مردی از اهل کوفه، وی گفت: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند: حریم قبر حسین علیه السّلام از چهار جانب محوطه‌ای است به مساحت یک فرسخ در یک فرسخ یعنی مربعی که هر ضلعش یک فرسخ می‌باشد.

۱۰- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْمُوسَوِیُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ [عُبَیْدِ اللَّهِ]بْنِ نَهِیکٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی الْمُغِیرَةِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنِّی رَجُلٌ کَثِیرُ الْعِلَلِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ مَا تَرَکْتُ دَوَاءً إِلَّا وَ قَدْ تَدَاوَیْتُ بِهِ فَقَالَ لِی فَأَیْنَ أَنْتَ عَنْ تُرْبَةِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّ فِیهَا الشِّفَاءَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ الْأَمْنَ مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَ قُلْ إِذَا أَخَذْتَهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذِهِ الطِّینَةِ وَ بِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذِی أَخَذَهَا وَ بِحَقِّ النَّبِیِّ الَّذِی قَبَضَهَا وَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی حَلَّ فِیهَا صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ اجْعَلْ لِی فِیهَا شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ- قَالَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمَلَکَ الَّذِی أَخَذَهَا جَبْرَائِیلُ وَ أَرَاهَا النَّبِیَّ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ هَذِهِ تُرْبَةُ ابْنِکَ هَذَا تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ وَ النَّبِیُّ الَّذِی قَبَضَهَا فَهُوَ مُحَمَّدٌ (صلی الله علیه و آله) وَ أَمَّا الْوَصِیُّ الَّذِی حَلَّ فِیهَا فَهُوَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ قُلْتُ قَدْ عَرَفْتُ الشِّفَاءَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ فَکَیْفَ [فَمَا]الْأَمَانُ مِنْ کُلِّ خَوْفٍ قَالَ إِذَا خِفْتَ سُلْطَاناً أَوْ غَیْرَ ذَلِکَ فَلَا تَخْرُجْ مِنْ مَنْزِلِکَ إِلَّا وَ مَعَکَ مِنْ طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ قُلْ إِذَا أَخَذْتَهُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِینَةُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ وَلِیِّکَ وَ ابْنِ وَلِیِّکَ اتَّخَذْتُهَا حِرْزاً لِمَا أَخَافُ وَ لِمَا لَا أَخَافُ فَإِنَّهُ قَدْ یَرِدُ عَلَیْکَ مَا لَا تَخَافُ قَالَ الرَّجُلُ فَأَخَذْتُهَا کَمَا قَالَ فَصَحَّ وَ اللَّهِ بَدَنِی وَ کَانَ لِی أَمَاناً مِنْ کُلِّ مَا خِفْتُ وَ مَا لَمْ أَخَفْ کَمَا قَالَ فَمَا رَأَیْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ بَعْدَهَا مَکْرُوهاً

جعفر بن محمد بن ابراهیم موسوی، از عبید اللّه بن نهیک، از سعد بن صالح، از حسن بن علی بن ابی المغیره، از برخی اصحابمان، وی گفت: محضر مبارک ابی عبد اللّه علیه السّلام عرضه داشتم:

من مردی هستم مبتلا به بیماری‌های فراوان و هیچ دوائی نیست مگر آن را مصرف کرده و به منظور مداوا خورده‌ام ولی بهبودی برایم حاصل نشده چه باید بکنم؟

حضرت به من فرمودند:

کجائی، و چرا از تربت حسین علیه السّلام غافل هستی، در آن شفاء از هر دردی بوده و امن است از هر خوف و هراسی، البته وقتی آن را اخذ می‌کنی بگو:

خدایا از تو می‌خواهم به حق این تربت و به حق فرشته‌ای که آن را اخذ نموده و به حق پیامبری که آن را قبض کرده و به حق وصیّ که در آن حلول نموده، درود فرست بر محمد و اهل بیتش و قرار بده برای من در آن شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی.

راوی می‌گوید: سپس حضرت فرمودند:

فرشته‌ای که تربت را اخذ کرد جبرئیل علیه السّلام بود و آن را به پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نشان داده و گفت:

این تربت فرزندت حسین است، بعد از تو امّتت او را می‌کشند.

و پیامبری که آن را قبض نمود وجود مبارک حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌باشد.

و اما وصیی که در آن حلول کرده عبارت است از حضرت حسین بن علی علیهما السّلام که سرور و آقای شهداء است.

محضر مبارکش عرض کردم: شفاء از هر درد را دانستم اما چگونه امان از هر خوف و هراسی است؟

حضرت فرمودند:

هر گاه از سلطانی خوف داشتی یا خوفی دیگر در تو پیدا شد از منزلت بیرون میا مگر آنکه با تو از تربت قبر حسین علیه السّلام باشد و هنگامی که می‌خواهی آن را اخذ کرده و برداری بگو:

خدایا این تربت قبر حسین ولی و فرزند ولی تو است، آن را به منظور حفظ از آنچه خوف و از آنچه خوف ندارم برداشته‌ام.

البته این فقره یعنی «از آنچه خوف ندارم» را نیز بگو زیرا گاهی ابتلائات و حوادثی برای تو پیش می‌آید که از آنها خوف و هراسی نداشتی و احتمال پیش آمدنش را نمی‌دادی.

راوی می‌گوید: پس تربت را به همان طوری که حضرت دستور فرموده بودند برداشتم، بخدا سوگند بدنم صحت و بهبودی یافت و برایم امان شد از تمام خوفها و هراسها به او از آنچه خوف و هراسش را نداشتم عینا همان طوری که حضرت فرمودند و پس از آن به حمد لله هیچ امر مکروه و ناگواری برایم پیش نیامد.

۱۱- أَخْبَرَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ أَحْمَدَ [مُحَمَّدِ]ابْنِ إِسْحَاقَ الْقَزْوِینِیِّ عَنْ أَبِی بَکَّارٍ قَالَ أَخَذْتُ مِنَ التُّرْبَةِ الَّتِی عِنْدَ رَأْسِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَإِنَّهَا طِینَةٌ حَمْرَاءُ فَدَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا (علیه السلام) فَعَرَضْتُهَا عَلَیْهِ فَأَخَذَهَا فِی کَفِّهِ ثُمَّ شَمَّهَا ثُمَّ بَکَى حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهُ ثُمَّ قَالَ هَذِهِ تُرْبَةُ جَدِّی

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمه، از احمد بن اسحق قزوینی، از ابی بکار، وی گفت:

از تربتی که بالای سر قبر حضرت حسین بن علی علیهما السّلام بود مقداری برداشتم، این تربت سرخ رنگ بود، پس بر حضرت رضا علیه السّلام وارد شده و آن را به حضرت عرضه داشتم.

آن جناب تربت را در کف دستشان نهاده و بوئیدند، سپس چنان گریستند که اشک‌های مبارک‌شان جاری شد، سپس فرمودند.

این تربت جدم می‌باشد.

۱۲- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَسْکَرِیُّ بِالْعَسْکَرِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) إِذَا أَرَدْتَ حَمْلَ الطِّینِ مِنْ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَاقْرَأْ فَاتِحَةَ الْکِتَابِ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَ یس وَ آیَةَ الْکُرْسِیِّ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ حَبِیبِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ أَمِینِکَ وَ بِحَقِّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عَبْدِکَ وَ أَخِی رَسُولِکَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِیِّکَ وَ زَوْجَةِ وَلِیِّکَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ بِحَقِّ الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِینَ- وَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ الْمَلَکِ الْمُوَکَّلِ بِهَا وَ بِحَقِّ الْوَصِیِّ الَّذِی حَلَّ فِیهَا- وَ بِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِی تَضَمَّنَتْ وَ بِحَقِّ السِّبْطِ الَّذِی ضُمِّنَتْ وَ بِحَقِّ جَمِیعِ مَلَائِکَتِکَ وَ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی هَذَا الطِّینَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ لِمَنْ یَسْتَشْفِی بِهِ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ مَرَضٍ وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ- وَ جَمِیعِ الْأَوْجَاعِ کُلِّهَا- إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَکَةِ الْمَیْمُونَةِ وَ الْمَلَکِ الَّذِی هَبَطَ بِهَا وَ الْوَصِیِّ الَّذِی هُوَ فِیهَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ وَ انْفَعْنِی بِهَا- إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

ابو عبد الرحمن محمد بن احمد بن الحسن العسکری در عسکر گفت:

حسن بن علی بن مهزیار، از پدرش، از محمد بن ابی عمیر، از محمد بن مروان، از ابی حمزه ثمالی نقل کرده که وی گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمودند:

هر گاه خواستی تربت از قبر حسین علیه السّلام برداری و با خود ببری ابتداء فاتحهٔ الکتاب و معوّذتین (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ) و قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ و إِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ و یس و آیهٔ الکرسی را بخوان و سپس بگو:

بـار خـدایا به حق محمـد که بنـده و رسول و حبیب و نبی و امین توست و به حق امیر الموءمنین علی بن ابی طـالب که بنـده و برادر رسول تو است و به حق فاطمه که دختر نبی و همسر ولی تو است و به حق حسن و حسین و به حق پیشوایان که هادیان و راهنمایان هستند و به حق این تربت و به حق فرشـته‌ای که موکل بر آن است و به حق وصـیّ که در آن حلول کرده و به حق جسم و کالبـدی که این تربت آن را در خـود گرفته و به حق سـبط پیـامبر که درون این تربت است و به حق تمـام فرشـتگان و انبیـاء و فرسـتادگانت، درود فرست بر محمـد و آل محمـد، و این تربت را برای من و برای هر کس که با آن استشـفاء می‌جوید شـفاء از هر درد و مرض و امان از هر خوف و هراسی قرار بده، خدایا، به حق محمد و اهل بیتش آن را شاخصی نافع و رزقی واسع و شفاء از هر درد و مرض و آفت و عیب و سبب بهبودی تمام دردها قرار بده، به درستی که تو بر هر چیزی قادر و توانا می‌باشی.

و بعد بگو:

خـدایا ای پروردگـار این تربت مبـارك و میمون و ای پروردگـار فرشـته‌ای که آن را فرود آورده و ای پروردگـار وصـیّ که در آن می‌باشد، درود فرست بر محمد و آل محمد و من را بوسیله آن منتفع گردان، تو بر هر چیزی قادر و توانا می‌باشی.

۹۴] – باب نود و چهارم آنچه شخص هنگام تناول نمودن تربت می‌گوید

۱- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ جَمَاعَةٌ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْبَصْرِیِّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ طِینُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ إِذَا أَکَلْتَهُ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَاسِعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه از محمّد بن عیسی بن عبید، از محمد بن اسماعیل بصری، از برخی رجالش، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

تربت قبر حسین علیه السّلام شفاء هر دردی است و هر گاه آن را تناول می‌کنی بگو: به نام خدا و به کمک او، خدایا آن را روزی فراخ و شاخصی نافع و شفاء هر دردی قرار بده همانا تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

۲- قَالَ وَ رَوَی لِی بَعْضُ أَصْحَابِنَا یَعْنِی مُحَمَّدَ بْنَ عِیسَی قَالَ نَسِیتُ إِسْنَادَهُ قَالَ إِذَا أَکَلْتَهُ تَقُولُ اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَکَةِ وَ رَبَّ هَذَا الْوَصِیِّ الَّذِی وَارَتْهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ

سعد بن عبد اللّه می‌گوید: برخی از اصحاب، که مراد محمد بن عیسی است برایم روایت نمود و گفت:

اسناد این حدیث را فراموش نموده‌ام، حضرت فرمودند:

هر گاه تربت را تناول می‌کنی بگو:

خدایا ای پروردگار این تربت مبارک، و ای پروردگار این وصیی که تربت او را پنهان نموده، درود فرست بر محمد و آل محمد، و قرار بده این تربت را شاخصی نافع و روزی فراخ و شفاء از هر دردی. ۳- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِکِ بْنِ عَطِیَّةَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ إِذَا أَخَذْتَ مِنْ تُرْبَةِ الْمَظْلُوم وَ وَضَعْتَهَا فِی فِیکَ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ الْمَلَکِ الَّذِی قَبَضَهَا وَ النَّبِیِّ الَّذِی حَضَنَهَا وَ الْإِمَام الَّذِی حَلَّ فِیهَا أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِی فِیهَا شِفَاءً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ أَمَاناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ وَ دَاءٍ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِکَ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْعَافِیَةَ وَ شَفَاهُ

حسن بن عبد اللّه بن محمد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از مالک بن عطیه، از پدرش، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هر گاه از تربت آن مظلوم برداشتی و در دهانت نهادی بگو:

خدایا از تو سوءال می‌کنم به حق این تربت، و به حق فرشته‌ای که آن را قبض نموده، و به حق پیامبری که آن را حفظ و محکم کرده و به حق امامی که در آن حلول نموده، درود فرست بر محمد و آل محمد و قراب بده برای من در آن شفائی نافع و روزی فراخ و امان از هر خوف و هراس و درد.

هر گاه شخص این فقرات را بگوید خداوند متعال عافیت و شفا را به وی ارزانی می‌دارد.

۹۵] - باب نود و پنجم حرمت خوردن تمام تربت‌ها مگر تربت قبر امام حسین علیه السّلام زیرا شفاء هر دردی می‌باشد

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی ره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی یَحْیَی الْوَاسِطِیِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ الطِّینُ کُلُّهُ حَرَامٌ کَلَحْمِ الْخِنْزِیرِ وَ مَنْ أَکَلَهُ ثُمَّ مَاتَ مِنْهُ لَمْ أُصَلِّ عَلَیْهِ إِلَّا طِینَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّ فِیهِ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ مَنْ أَکَلَهُ بِشَهْوَةٍ لَمْ یَکُنْ فِیهِ شِفَاءٌ

محمد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم، از محمّد بن یحیی، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابی یحیی واسطی از مردی، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

خوردن تمام تربت‌ها حرام است همچون خوردن گوشت خوک و کسی که آن را بخورد و سپس از ناحیه آن بمیرد من بر او نماز نمی‌خوانم مگر تربت قبر

حسین علیه السّلام چه آنکه در آن شفاء از هر دردی است و کسی که آن را با میل بخورد نه به عنوان استشفاء البتّه در آن شفاء نمی‌باشد.

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (علیه السلام) عَنِ الطِّینِ- قَالَ فَقَالَ أَکْلُ الطِّینِ حَرَامٌ مِثْلُ الْمَیْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِیرِ إِلَّا طِینَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ فَإِنَّ فِیهِ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ أَمْناً مِنْ کُلِّ خَوْفٍ

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصّفّار، از عباد بن سلیمان، از سعد ابن سعد، وی گفت: از حضرت ابی الحسن علیه السّلام راجع به خوردن تربت پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

خوردن تربت حرام است همان طوری که خوردن میته و خون و گوشت خوک حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السّلام زیرا در آن شفاء از هر دردی و امان از هر خوف و هراسی است.

۳- حَدَّثَنِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا (علیهما السلام) قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی خَلَقَ آدَمَ (علیه السلام) مِنْ طِینٍ فَحَرَّمَ الطِّینَ عَلَی وُلْدِهِ قَالَ فَقُلْتُ مَا تَقُولُ فِی طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ یَحْرُمُ عَلَی النَّاسِ أَکْلُ لُحُومِهِمْ وَ یَحِلُّ عَلَیْهِمْ أَکْلُ لُحُومِنَا- وَ لَکِنِ الشَّیْءُ الْیَسِیرُ مِنْهُ مِثْلُ الْحِمَّصَةِ

ابو عبد اللّه محمّد بن احمد بن یعقوب، از علی بن الحسن بن علی بن فضّال، از پدرش، از برخی اصحاب، از احد الصادقین علیهما السّلام، حضرت فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی آدم علیه السّلام از تربت آفریده پس خوردن تربت را بر فرزندان آدم حرام فرمود.

راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کردم: چه می‌فرمائید راجع به تربت قبر امام حسین علیه السّلام؟

حضرت فرمودند:

بر مردم خوردن گوشت‌های خودشان حرام است ولی خوردن گوشت ما بر ایشان حلال است منتهی قدر کمی اندازه نخود.

۴- وَ رَوَی سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ کُلُّ طِینٍ حَرَامٌ عَلَی بَنِی آدَمَ مَا خَلَا طِینَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) مَنْ أَکَلَهُ مِنْ وَجَعٍ شَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَی

سماعهٔ بن مهران روایت کرده از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام که آن جناب فرمودند:

خوردن تمام تربت‌ها بر بنی آدم حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السّلام، زیرا کسی که درد دارد اگر آن را بخورد خداوند متعال او را شفاء می‌دهد.

۵- وَ وَجَدْتُ فِی حَدِیثِ الْحُسَیْنِ بْنِ مِهْرَانَ الْفَارِسِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَیَّارٍ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ یَرْفَعُ الْحَدِیثَ إِلَی الصَّادِقِ (علیه السلام) قَالَ مَنْ بَاعَ طِینَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَإِنَّهُ یَبِیعُ لَحْمَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ یَشْتَرِیهِ

در حدیث حسین بن مهران فارسی یافتم از محمّد بن سیّار، از یعقوب بن یزید که حدیث را بطور مرفوعه از حضرت صادق نقل کرده، حضرت فرمودند:

کسی که تربت قبر امام حسین علیه السّلام را بفروشد پس گوشت آن حضرت را فروخته و خریده است.

۹۶] - باب نود و ششم کیفیت زیارت نمودن کسی که منزل و وطنش از قبر حضرت سیّد الشهداء دور می‌باشد

۱- حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ سَعْدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِذَا بَعُدَتْ بِأَحَدِکُمُ الشُّقَّهُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْیَعْلُ أَعْلَی مَنْزِلٍ لَهُ فَیُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ لْیُومِ بِالسَّلَامِ إِلَی قُبُورِنَا فَإِنَّ ذَلِکَ یَصِیرُ إِلَیْنَا

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از سعد، و محمّد بن یحیی، از احمد بن محمّد بن عیسی، از محمّد بن ابی عمیر، از کسی که روایت نموده، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

هر گاه منزل و وطن یکی از شما به ما دور بود بالاترین مکان منزل را انتخاب کند و در آنجا دو رکعت نماز خوانده و با اشاره به قبور ما سلام دهد، سلام وی حتما به ما خواهد رسید.

۲- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَیْهِ ره جَمِیعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَیْمَانَ النَّیْسَابُورِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْیَمَانِیِّ عَنْ مَنِیعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَا سَدِیرُ وَ مَا عَلَیْکَ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی کُلِّ جُمُعَهٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ فِی کُلِّ یَوْمٍ مَرَّهً قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُ فَرَاسِخَ کَثِیرَهً فَقَالَ تَصْعَدُ فَوْقَ سَطْحِکَ ثُمَّ تَلْتَفِتُ یَمْنَهً وَ یَسْرَهً ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَکَ إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ تَتَحَرَّی نَحْوَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) ثُمَّ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ یُکْتَبُ لَکَ زَوْرَهً وَ الزَّوْرَهُ حِجَّهٌ وَ عُمْرَهٌ قَالَ سَدِیرٌ فَرُبَّمَا فَعَلْتُهُ فِی النَّهَارِ أَکْثَرَ مِنْ عِشْرِینَ مَرَّهً

علی بن الحسین و علی بن محمّد بن قولویه جمیعا، از محمّد بن یحیی عطار، از حمران بن سلیمان نیشابوری، از عبد اللّه بن محمّد یمانی از منیع ابن حجّاج، از یونس بن عبد الرحمن از حنّان بن سدیر، از پدرش در ضمن حدیث طویل می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

ای سدیر، این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السّلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روز یک بار زیارت کنی عرض کردم: فدایت شوم بین ما و بین آن حضرت فرسخ‌های بسیار فاصله است.

حضرت فرمودند:

بر بام منزل برو سپس بطرف راست و جانب چپ خود توجه کن بعد سر به آسمان بلند کن، سپس سر را بطرف قبر امام حسین علیه السّلام برگردان و بعد بگو:

درود بر تو ای ابا عبد اللّه، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو.

هر گاه چنین نمودی ثواب یک زوره برایت منظور می‌شود.

زوره یعنی یک حج و یک عمره.

سدیر می گوید: بسی روزها بیش از بیست مرتبه حضرت را این طور زیارت می کردم.

۳- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ عَنْ سَلَمَهَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَنِیعٍ عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَا سَدِیرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی کُلِّ یَوْمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ لَا قَالَ مَا أَجْفَاکُمْ أَ فَتَزُورُهُ فِی کُلِّ شَهْرٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُهُ فِی کُلِّ سَنَهٍ قُلْتُ یَکُونُ ذَلِکَ قَالَ یَا سَدِیرُ مَا أَجْفَاکُمْ بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) [بِذَلِکَ]أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ أَلْفَ أَلْفِ ملکا [مَلَکٍ شُعْثاً غُبْراً یَبْکُونَ وَ یَزُورُونَ لَا یَفْتُرُونَ وَ مَا عَلَیْکَ یَا سَدِیرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی کُلِّ جُمُعَهٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ ذَکَرَ مِثْلَ الْحَدِیثِ الْأَوَّلِ

حکیم بن داود، از سلمهٔ بن خطّاب، از عبد اللّه بن محمّد سنان، از منیع، از یونس بن عبد الرّحمن از حنان بن سدیر، از پدرش، وى گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

اى سدیر آیا در هر روز قبر امام حسین علیه السّلام را زیارت مى کنى:

عرض کردم: فدایت شوم، خیر حضرت فرمودند:

چقدر جفا مى کنى! آیا در هر ماه زیارت مى کنى:

عرض کردم: خیر.

فرمودند:

آیا در هر سال زیارت مى کنى:

عرض کردم: این طور است.

حضرت فرمودند:

اى سدیر چقدر به حسین علیه السّلام جفا مى کنید، آیا نمى‌دانى خداوند متعال یک میلیون فرشته دارد که جملگى ژولیده و غبار آلود و گریان هستند و با این حال و هیئت حضرت سید الشهداء را زیارت کرده و از آن خسته و سست نمى‌شوند:

اى سدیر این حق بر تو نیست که قبر حسین علیه السّلام را در هر جمعه پنج بار زیارت کنى. و مانند فقرات حدیث اوّل را ذکر فرمودند.

۴- وَ رَوَى سُلَيْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) كَيْفَ أَزُورُكَ وَ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ قَالَ قَالَ لِي يَا عِيسَى إِذَا لَمْ تَقْدِرْ عَلَى الْمَجِيءِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ فَاغْتَسِلْ أَوْ تَوَضَّأْ وَ اصْعَدْ إِلَى سَطْحِكَ وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ تَوَجَّهْ نَحْوِي فَإِنَّهُ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي فَقَدْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي وَ مَنْ زَارَنِي فِي مَمَاتِي فَقَدْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي

سلیمان بن عیسى از پدرش روایت کرده، وى گفت:

محضر مبارک حضرت ابى عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: وقتى قادر بر زیارت شما نباشم چگونه زیارتتان کنم:

حضرت به من فرمودند:

اى عیسى، وقتى بر آمدن نزد ما قادر نبودى صبر کن تا روز جمعه شود پس غسل کن یا وضوء بگیر و سپس به پشت بام برو و دو رکعت نماز بخوان و سپس به طرف من توجّه کن، کسى که من را در حیاتم زیارت کند محققا در ممات من نیز زیارتم کرده و کسى که در مماتم زیارتم کند محققا در حیاتم من را زیارت کرده.

۵- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الدِّهْقَانِ [الدَّهَّانِ]عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَا سَدِيرُ تُكْثِرُ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ قُلْتُ إِنَّهُ مِنَ الشُّغُلِ فَقَالَ أَ لَا أُعَلِّمُكَ شَيْئاً إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِذَلِكَ الزِّيَارَةَ فَقُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ لِي اغْتَسِلْ فِي مَنْزِلِكَ وَ اصْعَدْ إِلَى سَطْحِ دَارِكَ وَ أَشِرْ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ يُكْتَبْ لَكَ بِذَلِكَ الزِّيَارَةُ

محمد بن جعفر رزّاز، از محمّد بن الحسین بن ابى الخطّاب، از عبد اللّه بن محمّد الدّهقان، از منیع بن الحجّاج، از حنان بن سدیر، از پدرش، وى گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به من فرمودند:

اى سدیر، آیا زیاد به زیارت قبر ابى عبد اللّه الحسین علیه السّلام مى‌روى؟

مراد این است که چرا زیاد به زیارت آن حضرت نمى‌روى؟

محضر مبارکش عرض کردم: این زیاد به زیارت نرفتن ناشی از اشتغالات و گرفتاری‌هایم می‌باشد.

حضرت فرمودند:

آیا چیزی به تو تعلیم بکنم که وقتی انجامش دادی خدا بواسطه آن ثواب زیارت را به تو بدهد؟

عرض کردم: فدایت شوم آری.

حضرت فرمودند:

در منزلت غسل کن و به پشت بام برو و با اشاره به آن حضرت سلام کن، با همین عمل خداوند متعال ثواب زیارت به تو خواهد داد.

۶- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِی أَحْمَدَ عَمَّنْ رَوَاهُ قَالَ قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِذَا بَعُدَتْ عَلَیْکَ الشُّقَّةُ وَ نَأَتْ بِکَ الدَّارُ فَلْتَعْلُ عَلَی أَعْلَی مَنْزِلِکَ وَ لْتُصَلِّ رَکْعَتَیْنِ فَلْتُومِ بِالسَّلَامِ إِلَی قُبُورِنَا فَإِنَّ ذَلِکَ یَصِلُ إِلَیْنَا

محمد بن الحسن، از محمد بن حسن الصفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از اسماعیل بن سهل، از ابو احمد (محمد بن ابی عمیر) از کسی که این حدیث را نقل نموده می‌گوید:

امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وقتی که خانه و منزلت دور بود بر بالای بام منزل برو دو رکعت نماز بگذار و با اشاره به قبور و مزار ما سلام بده که سلام تو به ما خواهد رسید.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ رَفَعَ الْحَدِیثَ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ دَخَلَ حَنَانُ بْنُ سَدِیرٍ الصَّیْرَفِیُّ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ یَا حَنَانَ بْنَ سَدِیرٍ تَزُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی کُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً قَالَ لَا قَالَ فَفِی کُلِّ شَهْرَیْنِ مَرَّةً قَالَ لَا قَالَ فَفِی کُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً قَالَ لَا- قَالَ مَا أَجْفَاکُمْ لِسَیِّدِکُمْ فَقَالَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قِلَّةُ الزَّادِ وَ بُعْدُ الْمَسَافَةِ- قَالَ أَ لَا أَدُلُّکُمْ عَلَی زِیَارَةٍ مَقْبُولَةٍ وَ إِنْ بَعُدَ النَّائِی قَالَ فَکَیْفَ أَزُورُهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ اغْتَسِلْ یَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ أَیَّ یَوْمٍ شِئْتَ وَ الْبَسْ أَطْهَرَ ثِیَابِکَ وَ اصْعَدْ إِلَی أَعْلَی مَوْضِعٍ فِی دَارِکَ أَوِ الصَّحْرَاءِ وَ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِکَ بَعْدَ مَا تَبَیَّنَ أَنَّ الْقَبْرَ هُنَاکَ یَقُولُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ ثُمَّ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ وَ ابْنَ مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ ابْنَ سَیِّدِی السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ الشَّهِیدَ بْنَ الشَّهِیدِ وَ الْقَتِیلَ بْنَ الْقَتِیلِ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ أَنَا زَائِرُکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِقَلْبِی وَ لِسَانِی وَ جَوَارِحِی وَ إِنْ لَمْ أَزُرْکَ بِنَفْسِی مُشَاهَدَةً لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ السَّلَامُ یَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ وَ وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ وَ وَارِثَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ- وَ وَارِثَ مُوسَی کَلِیمِ اللَّهِ وَ وَارِثَ عِیسَی رُوحِ اللَّهِ وَ وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللَّهِ وَ نَبِیِّهِ وَ رَسُولِهِ وَ وَارِثَ عَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَصِیِّ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِیفَتِهِ وَ وَارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَصِیِّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِیکَ وَ جَدَّدَ عَلَیْهِمُ الْعَذَابَ فِی هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِی کُلِّ سَاعَةٍ- أَنَا یَا سَیِّدِی مُتَقَرِّبٌ إِلَی اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ إِلَی جَدِّکَ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِلَی أَبِیکَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ إِلَی أَخِیکَ الْحَسَنِ وَ إِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ فَعَلَیْکَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ بِزِیَارَتِی لَکَ بِقَلْبِی وَ لِسَانِی وَ جَمِیعِ جَوَارِحِی فَکُنْ لِی یَا سَیِّدِی شَفِیعِی لِقَبُولِ ذَلِکَ مِنِّی وَ أَنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِکَ وَ اللَّعْنَةِ لَهُمْ وَ عَلَیْهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَی اللَّهِ وَ إِلَیْکُمْ أَجْمَعِینَ فَعَلَیْکَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ رِضْوَانُهُ وَ رَحْمَتُهُ ثُمَّ تَحَوَّلْ عَلَی یَسَارِکَ قَلِیلًا وَ تتحول [تُحَوِّلُ وَجْهَکَ إِلَی قَبْرِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ هُوَ عِنْدَ رِجْلِ أَبِیهِ وَ تُسَلِّمُ عَلَیْهِ مِثْلَ ذَلِکَ ثُمَّ ادْعُ اللَّهَ بِمَا أَحْبَبْتَ مِنْ أَمْرِ دِینِکَ وَ دُنْیَاکَ ثُمَّ تُصَلِّی أَرْبَعَ رَکَعَاتٍ فَإِنَّ صَلَاةَ الزِّیَارَةِ ثَمَانٌ أَوْ سِتٌّ أَوْ أَرْبَعٌ أَوْ رَکْعَتَانِ وَ أَفْضَلُهَا ثَمَانٌ ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ نَحْوَ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ تَقُولُ أَنَا مُوَدِّعُکَ یَا مَوْلَایَ وَ ابْنَ مَوْلَایَ وَ یَا سَیِّدِی وَ ابْنَ سَیِّدِی وَ مُوَدِّعُکَ یَا سَیِّدِی وَ ابْنَ سَیِّدِی یَا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ وَ مُوَدِّعُکُمْ یَا سَادَاتِی یَا مَعَاشِرَ الشُّهَدَاءِ- فَعَلَیْکُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ وَ بَرَکَاتُهُ

محمد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش حدیث را مرفوعا از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی گفت: حنان بن سدیر صیرفی بر ابی عبد اللّه علیه السّلام داخل شد در حالی که گروهی از اصحاب آن حضرت محضرش بودند، حضرت فرمودند:

ای حنان بن سدیر، آیا ماهی یک مرتبه به زیارت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام می‌روی؟

وی عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند:

آیا در هر دو ماه یک بار آن حضرت را زیارت می کنی؟

عرض کرد: خیر حضرت فرمودند:

آیا در هر سال یک بار به زیارت آن جناب می‌روی؟

عرض کرد: خیر.

حضرت فرمودند: چقدر به سرور خود جفا می کنید.

عرض کرد: ای پسر رسول خدا هم توشه‌ای کم و اندک است و هم مسافت دور می‌باشد.

حضرت فرمودند:

آیا شما را راهنمائی بکنم بر زیارت مقبولی اگر چه فاصله شما با آن حضرت خیلی زیاد باشد؟ عرض کرد: ای پسر رسول خدا چگونه آن حضرت را زیارت کنم؟

حضرت فرمودند:

روز جمعه یا هر روزی که خواستی غسل کن و پاکیزه‌ترین لباسهایت را بپوش و به مرتفع‌ترین مواضع خانه‌ات یا به صحراء برو، پس رو به قبله کن به شرطی احراز کنی قبر مطهر، آن طرف می‌باشد، خداوند تبارک در قرآن می‌فرماید: فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ.

سپس بگو:

درود بر تو ای آقای من و ای فرزند آقایم و ای سیّد و سرور من و فرزند سرورم، درود بر تو ای مولای من که شهید و فرزند شهید می‌باشی، مقتول و فرزند مقتول می‌باشی، درود بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد، ای فرزند رسول خدا من با قلب و زبان و جوارحم تو را زیارت می کنم اگر چه خودم نزدت نبوده تا قبر و بارگاهت را مشاهده کنم، پس درود بر تو ای وارث حضرت آدم که برگزیده خداست، و ای وارث حضرت نوح که پیامبر خداست، و ای وارث ابراهیم که خلیل خداست، و ای وارث حضرت موسی که کلیم خداست، و ای وارث حضرت عیسی که روح خدا است، و ای وارث حضرت محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم که حبیب و پیامبر و فرستاده خداست، و ای وارث حضرت علی علیه السّلام که امیر موءمنان و جانشین رسول و خلیفه خدا است و ای وارث حضرت حسن بن علی علیهما السّلام که جانشین امیر الموءمنین است، خدا قاتلین تو را لعنت کرده و عذاب را بر ایشان در این ساعت، و در هر ساعتی تجدید کرده و نو به نو نماید، ای سرورم من به سوی خداوند عزّ و جلّ، و به جدّت رسول خدا و به پدرت امیر موءمنان و به برادرت حضرت امام حسن و به سوی تو ای آقای من با این زیارتم که با قلب و زبان و جمیع جوارحم انجام میدهم تقرب می‌جویم پس بر تو باد درود و رحمت و برکات، خدا و ای مولای من شفیعم باش تا حق تعالی زیارت را از من قبول کند، من از دشمنان تو بیزاری جسته و با این بیزاری و در خواست لعنت بر ایشان به خدا و شما جملگی تقرب می‌جویم، پس بر تو باد صلوات خدا و رضوان و رحمتش.

سپس اندکی به طرف چپ برگرد و صورت را به جانب قبر علی بن الحسین علیهما السّلام که پائین پای مبارک واقع شده بگردان و بر او سلام بده بهمان نحوی که بر پدر بزرگوارش سلام دادی سپس برای آنچه از امر دنیا و آخرت که محبوب و مطلوبت هست

دعـا کن و از خـدا درخواست نمـا، پس از آن چهـار رکعت نمـاز بخوان چه آنکه نماز زیارت یا هشت و یا شـش و یا چهار و یا دو رکعت است منتهی افضـل آنهـا هشت رکعت می‌باشـد و پس از فـارغ شـدن از نماز رو به جانب قبر ابی عبـد اللّه علیه السّلام کن و بگو:

من بـا تو وداع می‌کنم ای مولای من و پسـر مولایم، و ای سـیّد و سـرور من و پسـر سـیّد و سـرورم، و با تو نیز ای سـرور من و فرزند سرورم ای علی بن الحسـین، وداع می‌نمایم، و با شـما نیز ای سادات و سـرورانم ای گروه شهداء وداع مینمایم، پس بر شما باد درود خدا و رحمت و رضوان و برکاتش.

۹۷] – باب نود و هفتم مکروه بودن جفاء نسبت به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ کَمْ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قُلْتُ سِتَّةَ عَشَرَ فَرْسَخاً قَالَ أَ وَ مَا تَأْتُونَهُ قُلْتُ لَا قَالَ مَا أَجْفَاکُمْ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از علی بن الحکم، از برخی اصحابش از حضرت ابی جعفر علیه السّلام، نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

بین شما و بین قبر حضرت امام حسین علیه السّلام چه قدر مسافت است؟

راوی می‌گوید: عرض کردم: شانزده فرسخ.

حضرت فرمودند:

آیا به زیارت آن حضرت نمی‌روی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفا می‌کنید!

۲- وَ عَنْهُ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُوسَی بْنِ الْفَضْلِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا تَقُولُ فِی زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فَقَالَ زُرْهُ وَ لَا تَجْفُهُ فَإِنَّهُ سَیِّدُ الشُّهَدَاءِ وَ سَیِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ شَبِیهُ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَ عَلَیْهِمَا بَکَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ

از پدرم، از سعد، از احمد بن محمّد بن عیسی، از موسی بن فضل، از علی بن الحکم، از کسی که برایش حدیث گفته، از حنان بن سدیر، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام راوی می‌گوید:

محضر مبارکش عرض کردم: در باره زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام چه می‌فرمائید؟

حضرت فرمودند:

زیارتش کن و به آن حضرت جفا مکن، زیرا آن وجود مبارک سرور شهداء و سیّد جوانان اهل بهشت و شبیه حضرت یحیی بن زکریا بوده و بر این دو (امام حسین و حضرت یحیی علیهما السّلام) آسمان و زمین گریسته‌اند.

*** ***

*** ***

۳- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی دَاوُدَ عَنْ سَعْدِ عَنْ أَبِی عُمَرَ الْجَلَّابِ عَنِ الْحَرْثِ [الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ قَالَ عَلِیٌّ (علیه السلام) بِأَبِی وَ أُمِّی الْحُسَیْنَ الْمَقْتُولَ بِظَهْرِ الْکُوفَةِ وَ اللَّهِ لَکَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی الْوَحْشِ مَادَّةً أَعْنَاقَهَا عَلَی قَبْرِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْوَحْشِ یَبْکُونَهُ وَ یَرْثُونَهُ لَیْلًا حَتَّی الصَّبَاحِ فَإِذَا کَانَ ذَلِکَ فَإِیَّاکُمْ وَ الْجَفَاءَ

محمد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصّفار، از احمد بن محمد بن عیسی، از احمد بن ابی داود، از سعد بن ابی عمرو الجلّاب، از حارث اعور نقل کرده که وی گفت:

حضرت علی علیه السّلام فرمودند:

پدر و مادرم فدای حسین که در پشت کوفه کشته می‌شود، به خدا سوگند گویا می‌بینم حیوانات وحشی را که گردن به طرف قبرش کشیده و گریه می‌کنند و شب تا صبح برایش مرثیه می‌خوانند و وقتی حال چنین است پس از جفا حذر کنید و زیارت آن حضرت را ترک مکنید.

۴- حَدَّثَنِي أَبِي وَ أَخِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ سَدِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَا سَدِيرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي كُلِّ يَوْمٍ- قُلْتُ لَا قَالَ مَا أَجْفَاكُمْ قَالَ أَ تَزُورُهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ قُلْتُ قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ يَا سَدِيرُ مَا أَجْفَاكُمْ بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام) أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ وَ يَرْثُونَهُ لَا يَفْتُرُونَ زُوَّاراً لِقَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ ثَوَابُهُمْ لِمَنْ زَارَهُ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ

پدر و برادرم و علی بن الحسین و محمد بن الحسن، از ابن یحیی العطّار، از حمدان بن سلیمان نیشابوری، از عبد اللّه بن محمّد یمانی، از منیع بن حجّاج، از یونس بن عبد الرحمن، از حنان بن سدیر، از پدرش سدیر، نقل کرده‌اند که وی گفت:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

ای سدیر آیا قبر حسین علیه السّلام را هر روز زیارت می کنی؟

عرض کردم: خیر.

فرمودند: چه قدر جفا می کنید! حضرت فرمودند:

آیا در هر جمعه زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر ماه زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

پس در هر سال زیارتش می کنی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدیر چه قدر به حسین علیه السّلام جفا می کنید! آیا نمی‌دانی که هزار فرشته برای خداست که جملگی ژولیده و غبار آلود هستند و برای آن حضرت گریه کرده و مرثیه می‌خوانند و از زیارت قبر امام حسین علیه السّلام خسته و سست نمی‌شوند و ثواب زیارتشان برای زائرین می‌باشد ...

۵- حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ جَلَسَ- فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مِنْ أَيِّ الْبُلْدَانِ أَنْتَ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ أَنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ أَنَا مُحِبٌّ لَكَ مُوَالٍ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَ فَتَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي كُلِّ جُمُعَةٍ قَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ قَالَ لَا قَالَ فَفِي كُلِّ سَنَةٍ قَالَ لَا فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِنَّكَ لَمَحْرُومٌ مِنَ الْخَيْرِ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ

حسن بن عبد الرّحمن بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از حنان بن سدیر، وی می گوید:

خدمت حضرت ابی جعفر علیه السّلام بودم که شخصی وارد شد و سلام کرد و نشست، حضرت ابو جعفر فرمودند از کدام شهر هستی؟

عرض کرد: مردی از اهل کوفه بوده، دوست دار شما می‌باشم.

حضرت فرمودند:

آیا قبر حسین علیه السّلام را در هر جمعه زیارت می کنی؟

عرض كرد: خير.

حضرت فرمودند:

در هر ماه چطور؟

عرض كرد: خير.

حضرت فرمودند:

در هر سال چطور؟

عرض كرد: خير.

حضرت فرمودند:

تو از خير محروم هستى، و حديث را ذكر فرمود (مقصود حديث شماره ۱۲ از باب هشتم مى‌باشد.)

۶- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) مَا أَجْفَاكُمْ يَا فُضَيْلُ لَا تَزُورُونَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَكٍ شُعْثاً غُبْراً يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

محمد بن جعفر مى‌گويد:

محمد بن الحسين، از جعفر بن بشير، از حمّاد بن عيسى، از ربعى بن عبد اللّه، از فضل بن يسار وى مى‌گويد: حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

اى فضيل چه قدر جفا كار هستيد، حسين عليه السّلام را زيارت نمى‌كنيد، آيا نمى‌دانى چهار هزار فرشته كه جملگى ژوليده و غبار آلود هستند تا روز قيامت بر آن حضرت گريه مى‌كنند؟!

۷- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ كَمْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ سِتَّةَ عَشَرَ فَرْسَخاً أَوْ سَبْعَةَ عَشَرَ فَرْسَخاً قَالَ مَا تَأْتُونَهُ قُلْتُ لَا قَالَ مَا أَجْفَاكُمْ

از محمد بن جعفر، از محمد بن الحسين، از جعفر بن بشير، از حمّاد، از محمّد بن مسلم، از زراره، از حضرت ابى جعفر عليه السّلام.

حضرت فرمودند:

بين شما و بين قبر حسين عليه السّلام چه قدر مسافت است؟

راوى مى‌گويد: عرض كردم: شانزده يا هفده فرسخ.

حضرت فرمودند:

آيا به زيارتش مى‌روى؟

عرض كردم: خير.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفا كار هستى.

۸- حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ عَجَباً لِأَقْوَامٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ شِيعَةٌ لَنَا وَ يُقَالُ إِنَّ أَحَدَهُمْ يَمُرُّ بِهِ دَهْرَهُ وَ لَا يَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) جَفَاءً مِنْهُ وَ [تَهَاوُناً وَ عَجْزاً وَ كَسَلًا تَهَاوَنَ وَ عَجَزَ وَ كَسِلَ أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ يَعْلَمُ مَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ مَا تَهَاوَنَ وَ لَا كَسِلَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ فَضْلٌ وَ خَيْرٌ كَثِيرٌ أَمَا أَوَّلُ مَا يُصِيبُهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ وَ يُقَالَ لَهُ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ

پدرم رحمة اللّه عليه، از حسين بن حسن بن ابان، از محمّد بن اورمه، از ابى عبد اللّه موءمن، از ابن مسكان، از سليمان بن خالد، وى

می گوید:

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

تعجّب است از گروهی که می‌پندارند شیعه هستند ولی گفته می‌شود روزگار بر ایشان می گذرد و احدی از ایشان به زیارت قبر حسین علیه السّلام نمی‌روند، چه از روی جفا بوده و چه تنبلی و سستی کرده و چه عاجز و ناتوان باشند و چه کسلی و بی‌حالی منشأ آن باشند، به خدا سوگند اگر می‌دانستند در زیارت آن حضرت چیست هرگز تنبلی و کسلی را به خود راه نمی‌دادند.

عرض کردم: فدایت شوم: چه فضیلتی در آن می‌باشد؟

حضرت فرمودند:

فضل و خیر بسیاری در آن می‌باشد، اولین خیری که به زائر می‌رسد آن است که گناهان گذشته‌اش را خداوند آمرزیده و به او خطاب می‌شود: از ابتداء شروع به عمل بکن.

۹- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَنِیعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ یُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَا سَدِیرُ تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی کُلِّ یَوْمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ لَا قَالَ مَا أَجْفَاکُمْ فَتَزُورُهُ فِی کُلِّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُهُ فِی کُلِّ شَهْرٍ قُلْتُ لَا قَالَ فَتَزُورُهُ فِی کُلِّ سَنَةٍ قُلْتُ قَدْ یَکُونُ ذَلِکَ قَالَ یَا سَدِیرُ مَا أَجْفَاکُمْ بِالْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمهٔ بن خطّاب، از عبد اللّه بن خطّاب، از عبد اللّه بن محمّد بن سنان، از منیع بن حجّاج، از یونس بن عبد الرّحمن، از حنان، از پدرش، وی می گوید:

حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

می توانند تاخیر بیاندازند ای سدیر، در هر روز قبر حسین علیه السّلام را زیارت می کنی؟

عرض کردم: فدایت شوم: خیر.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفاکار هستید! پس در هر جمعه زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر حضرت فرمودند:

در هر ماه آیا زیارتش می کنی؟

عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

در هر سال آیا به زیارتش می‌روی؟

عرض کردم: گاهی این طور است.

حضرت فرمودند:

ای سدیر چه قدر به حسین علیه السّلام جفا کرده‌اید و حدیث را ذکر فرمودند:

(مقصود حدیث شماره از باب نود و ششم می‌باشد).

۱۰- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِیَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَامِرِ بْنِ کَثِیرٍ السَّرَّاجِ النَّهْدِیِّ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِی کَمْ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قُلْتُ یَوْمٌ لِلرَّاکِبِ وَ یَوْمٌ وَ بَعْضُ یَوْمٍ لِلْمَاشِی قَالَ أَ فَتَأْتِیهِ کُلَّ جُمُعَةٍ قُلْتُ لَا مَا آتِیهِ إِلَّا فِی حِینٍ قَالَ مَا أَجْفَاکُمْ أَمَا لَوْ کَانَ قَرِیباً مِنَّا لَاتَّخَذْنَاهُ هِجْرَةً أَیْ نُهَاجِرُ إِلَیْهِ حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِیَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَامِرِ بْنِ

كَثِيرٍ النَّهْدِيِّ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) مِثْلَهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از اساتیدم، از سعد، از محمّد بن عیسی بن عبید، از محمّد بن ناجیه، از محمّد بن علی، از عامر بن کثیر السرّاج النهدی، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام، وی می گوید:

حضرت به من فرمودند:

بین شما و قبر حضرت امام حسین علیه السّلام چه قدر مسافت است؟

عرض کردم: اگر کسی سواره رود یک روز و در صورتی که پیاده رود یک روز و مقداری از روز.

فرمودند:

آیا هر جمعه به زیارتش می‌روی؟

عرض کردم: خیر، به زیارتش گاهی می‌روم.

حضرت فرمودند:

چه قدر جفا کرده‌اید! اگر قبر آن حضرت نزدیک ما می‌بود حتما به سویش هجرت می کردیم.

جماعتی از اساتیدم، از احمد بن ادریس، از محمد بن احمد، از محمّد بن ناجیه، از محمد بن علیّ، از عامر بن کثیر النّهدی السّراج، از ابی الجارود، از حضرت ابی جعفر علیه السّلام مثل همین حدیث را نقل کرده‌اند.

۹۸] – باب نود و هشتم کمترین مدّتی که در آن حضرت امام حسین علیه السّلام را می‌باید زیارت کرد و حدّ اکثری که زیارت آن جناب را غنی و فقیر می‌توانند تاخیر بیاندازند

۱- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوسَوِیُّ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ [عَبْدِ اللَّهِ]ابْنِ نَهِیکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ حَقٌّ عَلَى الْغَنِیِّ أَنْ یَأْتِیَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی السَّنَةِ مَرَّتَیْنِ وَ حَقٌّ عَلَى الْفَقِیرِ أَنْ یَأْتِیَهُ فِی السَّنَةِ مَرَّةً

جعفر بن محمّد بن ابراهیم بن عبد اللّه الموسوی، از عبید اللّه بن نهیک، از محمد بن ابی عمیر، از ابو ایّوب از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، آن حضرت فرمودند:

بر عهده غنی است که در سال دو مرتبه و بر فقیر است که در سال یک مرتبه به زیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام بروند.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَى عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ عَامِرِ بْنِ عُمَیْرٍ وَ سَعِیدٍ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ ائْتُوا قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی کُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً

پدرم رحمة اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از علی بن الحکم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام: حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام بروید.

۳- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ مُسْلِمٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ عُمَیْرٍ وَ سَعِیدٍ الْأَعْرَجِ جَمِیعاً عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ ائْتُوا قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی کُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً

ابو العبّاس، از محمّد بن الحسین، از جعفر بن بشیر، از مسلم، از عامر بن عمیر، و سعید اعرج، جملگی از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

در هر سال یک مرتبه به زیارت قبر امام حسین علیه السّلام بروید.

۴- حَدَّثَنِی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوسَوِیُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ [عُبَیْدِ اللَّهِ]بْنِ نَهِیکٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِیِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ فِی السَّنَةِ مَرَّةً إِنِّی أَکْرَهُ الشُّهْرَةَ

جعفر بن محمد بن عبد اللّه الموسوی، از عبید اللّه نهیک، از ابن ابی عمیر، از حمّاد، از حلبی، وی می‌گوید: از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام راجع به زیارت قبر حسین صلوات اللّه علیه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

در سال یک مرتبه، زیرا از مشهور شدن کراهت دارم.

مترجم گوید:

شاید مراد این باشد که اگر بیش از یک مرتبه در سال به زیارت آن حضرت روند این امر موجب اشتهار شخص به این عمل می‌شود و آن مکروه است.

۵- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَبِی نَابٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ حَقٌّ عَلَى الْفَقِیرِ أَنْ یَأْتِیَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی السَّنَةِ مَرَّةً وَ حَقٌّ عَلَى الْغَنِیِّ أَنْ یَأْتِیَهُ فِی السَّنَةِ مَرَّتَیْنِ

پدرم رحمة اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از یعقوب بن یزید، از ابن ابی عمیر، از برخی اصحاب، از ابن رئاب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

این حق بر عهده فقیر است که سالی یک مرتبه و بر غنی است که سالی دو مرتبه به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام بروند.

۶- حَدَّثَنِى أَبِى وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِى عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِى زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ فِى السَّنَةِ مَرَّةً إِنِّى أَكْرَهُ الشُّهْرَةَ

پدرم رحمهٔ اللّه عليه و محمّد بن الحسن، از حسين بن حسن بن ابان، از حسين بن سعيد، از ابن ابى عمير، از حمّاد بن عثمان، از حلبى، نقل كرده‌اند، كه وى از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام راجع به زيارت قبر امام حسين عليه السّلام روايت كرده كه آن جناب فرمودند:

در سال يك مرتبه قبر آن حضرت زيارت شود زيرا از شهرت كراهت دارم.

۷- حَدَّثَنِى أَبِى عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِى حَمْزَةَ عَنْ أَبِى الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ لَا تَجْفُوهُ يَأْتِيهِ الْمُوسِرُ فِى كُلِّ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَ الْمُعْسِرُ لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها قَالَ الْعَبَّاسُ لَا أَدْرِى قَالَ هَذَا لِعَلِيٍّ أَوْ لِأَبِى نَابٍ

پدر رحمهٔ اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از حسن بن على بن عبد اللّه مغيره، از عباس بن عامر نقل كرده كه وى گفت:

على بن حمزه گفت: حضرت ابو الحسن عليه السّلام فرمودند:

جفاء به آن حضرت نكنيد، شخص موسر و غنى هر چهار ماه يك بار به زيارتش رود و فقير را حق تعالى مكلّف نكرده مگر به قدر توان و قدرتش.

عباس مى گويد: نمى‌دانم حضرت اين كلام و مقاله را براى على (على بن ابى حمزه) فرمودند يا ابى ناب (حسن بن عطيّه).

۸- حَدَّثَنِى مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِى عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ فِى السَّنَةِ مَرَّةً إِنِّى أَخَافُ الشُّهْرَةَ

محمد بن الحسن، از محمد بن الحسن الصّفار، از احمد بن محمّد بن عيسى، از حسين بن سعيد، از ابن ابى عمير، از حمّاد بن عثمان، از حلبى، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، وى مى گويد:

راجع به زيارت حضرت امام حسين عليه السّلام از آن حضرت پرسيدم؟

حضرت فرمودند:

سالى يك مرتبه به زيارتش روند زيرا، در بيشتر از آن خوف شهرت دارم.

۹- حَدَّثَنِى أَبُو الْعَبَّاسِ عَنِ الزَّيَّاتِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ عُمَيْرٍ وَ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ ائْتُوا قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِى كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً

ابو العبّاس، از زيّات، از جعفر بن بشير، از حمّاد، از ابن مسلم، از عامر بن عمير، و سعيد الاعرج از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام آن حضرت فرمودند:

در سال يك مرتبه به زيارت قبر حسين عليه السّلام برويد.

۱۰- حَدَّثَنِى أَبِى رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) هَلْ لِزِيَارَةِ الْقَبْرِ صَلَاةٌ مَفْرُوضَةٌ قَالَ لَيْسَ لَهُ صَلَاةٌ مَفْرُوضَةٌ [شَيْءٌ مَفْرُوضٌ]قَالَ وَ سَأَلْتُهُ فِى كَمْ يَوْمٍ يُزَارُ قَالَ مَا شِئْتَ

پدرم رحمهٔ اللّه عليه، از سعد، از على بن اسماعيل بن عيسى، از صفوان بن يحيى، از عيص بن قاسم، وى مى گويد: از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام پرسيدم:

آيا براى زيارت قبر حضرت امام حسين عليه السّلام نماز واجبى هست؟

حضرت فرمودند:

برای آن نماز واجب و معیّنی نمی‌باشد.

راوی می‌گوید: پرسیدم: در هر چند روز باید به زیارتش رفت؟

حضرت فرمودند: هر چه خواستی.

۱۱- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَی عَلِیِّ بْنِ مَیْمُونٍ الصَّائِغِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ یَا عَلِیُّ بَلَغَنِی أَنَّ قَوْماً مِنْ شِیعَتِنَا یَمُرُّ بِأَحَدِهِمُ السَّنَةُ وَ السَّنَتَانِ لَا یَزُورُونَ الْحُسَیْنَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی أَعْرِفُ أُنَاساً کَثِیرَةً بِهَذِهِ الصِّفَةِ قَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لِحَظِّهِمْ أَخْطَئُوا وَ عَنْ ثَوَابِ اللَّهِ زَاغُوا وَ عَنْ جِوَارِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله) تَبَاعَدُوا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ فِی کَمِ الزِّیَارَةُ قَالَ یَا عَلِیُّ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ تَزُورَهُ فِی کُلِّ شَهْرٍ فَافْعَلْ قُلْتُ لَا أَصِلُ إِلَی ذَلِکَ لِأَنِّی أَعْمَلُ بِیَدِی وَ أُمُورُ النَّاسِ بِیَدِی وَ لَا أَقْدِرُ أَنْ أُغَیِّبَ وَجْهِی عَنْ مَکَانِی یَوْماً وَاحِداً قَالَ أَنْتَ فِی عُذْرٍ وَ مَنْ کَانَ یَعْمَلُ بِیَدِهِ وَ إِنَّمَا عَنَیْتُ مَنْ لَا یَعْمَلُ بِیَدِهِ مِمَّنْ إِنْ خَرَجَ فِی کُلِّ جُمُعَةٍ هَانَ ذَلِکَ عَلَیْهِ أَمَا إِنَّهُ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عُذْرٍ وَ لَا عِنْدَ رَسُولِهِ مِنْ عُذْرٍ یَوْمَ الْقِیَامَةِ قُلْتُ فَإِنْ أَخْرَجَ عَنْهُ رَجُلًا فَیَجُوزُ ذَلِکَ قَالَ نَعَمْ وَ خُرُوجُهُ بِنَفْسِهِ أَعْظَمُ أَجْراً وَ خَیْراً لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ یَرَاهُ رَبُّهُ سَاهِرَ اللَّیْلِ لَهُ تَعَبُ النَّهَارِ یَنْظُرُ اللَّهُ إِلَیْهِ نَظْرَةً تُوجِبُ لَهُ الْفِرْدَوْسَ الْأَعْلَی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ فَتَنَافَسُوا فِی ذَلِکَ وَ کُونُوا مِنْ أَهْلِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از عبد اللّه بن جعفر حمیری به اسنادش که تا علی بن میمون الصّائغ مرفوعه است از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

ای علی خبر به من رسیده که یک سال یا دو سال بر جماعتی از شیعیان ما می‌گذرد و ایشان به زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام نمی‌روند؟

عرض کردم: فدایت شوم: مردم زیادی را سراغ دارم که این صفت دارند.

حضرت فرمودند:

به خدا سوگند از حظّ و بهره‌شان بر کنار و از ثواب و اجر خدا محروم و از جوار حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به دور مانده‌اند.

محضر مبارکش عرض کردم: فدایت شوم: در چه فاصله‌ای از مدّت به زیارت آن حضرت برویم؟

حضرت فرمودند:

ای علی اگر قدرت داری که آن جناب را در هر ماه زیارت کنی، پس این کار را بکن.

عرض کردم: نمی‌توانم به این امر دست یابم زیرا با دست‌هایم کار کرده و امور مردم نیز در دست من است و اساسا قادر نیستم یک روز از محل کارم غیبت نمایم.

حضرت فرمودند:

تو معذور هستی و کسانی هم که مثل تو کار دستی دارند در عذر می‌باشند و مراد من کسانی هستند که این گونه اشتغال نداشته بطوری که اگر در هر جمعه از منزل خارج شده و به زیارت بروند بر ایشان سهل و آسان باشد چه آنکه ایشان در روز قیامت نزد خدا و رسولش عذری ندارند.

محضرش عرض کردم: حال اگر این شخص خود به زیارت نرود ولی کسی را از طرف خود به آنجا بفرستد آیا جایز است؟

حضرت فرمودند:

بلی، جائز است ولی اگر خودش برود اجرش عظیم‌تر بوده و نزد پروردگارش بهتر و مطلوب‌تر است چه آنکه وقتی حق تعالی ببیند که او شب‌ها را به بیداری و روزها را به تعب و رنج بسر می‌برد به او نظر نموده آنچنان نظری که برایش فردوس اعلی و بهشت جاودان را نصیب کرده و او را با محمّد و اهل بیتش صلوات اللّه علیهم اجمعین همراه و هم جوار و قرین می‌گرداند پس تمایل نشان

دهید در این امر و از اهل آن گردید.

۱۲- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ صَبَّاحٍ الْحَذَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ زُورُوا قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) وَ لَوْ کُلَّ سَنَةٍ مَرَّةً وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از پدرش، از حسن بن محبوب، از صبّاح الحذّاء، از محمد بن مروان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی گفت: از آن حضرت شنیدم که می‌فرمودند:

قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت کنید اگر چه سالی یک بار باشد ...

۱۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا یَحْیَی وَ کَانَ فِی خِدْمَةِ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) عَنْ عَلِیٍّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ قُلْتُ لَهُ مَنْ یَأْتِیهِ زَائِراً ثُمَّ یَنْصَرِفُ مَتَی یَعُودُ إِلَیْهِ وَ فِی کَمْ یَوْمٍ یُؤْتَی وَ کَمْ یَسَعُ النَّاسَ تَرْکُهُ قَالَ لَا یَسَعُ أَکْثَرَ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِیدُ الدَّارِ فَفِی کُلِّ ثَلَاثِ سِنِینَ فَمَا جَازَ ثَلَاثَ سِنِینَ فَلَمْ یَأْتِهِ فَقَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ قَطَعَ حُرْمَتَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از احمد بن ادریس و محمد بن یحیی، از عمرکی بن علی بوفکی، وی گفت: یحیی که از خادمین ابو جعفر ثانی بود برای ما نقل کرد از علی و او از صفوان بن مهران جمّال و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام در ضمن حدیثی طولانی چنین نقل کرده:

محضر مبارکش عرض کردم: کسی که به زیارت حضرت سید الشهداء برود و سپس برگردد چند وقت بعد دو مرتبه به زیارت عود کند؟ و در چند روزی دیگر به زیارت رود و مردم تا چه مدّت می‌توانند زیارت حضرت را ترک کنند؟

حضرت فرمودند:

بیش از یک ماه نمی‌توانند آن را ترک کنند و امّا کسانی که منزلشان دور است در هر سه سال یک مرتبه باید به زیارتش بروند و اگر سه سال تجاوز نمود و به زیارت آن حضرت نروند عاق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم واقع شده و حرمت آن جناب را قطع و هتک نموده مگر علت و سببی داشته باشد.

۱۴- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ إِنَّا نَزُورُ قَبْرَ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی السَّنَةِ مَرَّتَیْنِ أَوْ ثلاث [ثَلَاثاً فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَکْرَهُ أَنْ تُکْثِرُوا الْقَصْدَ إِلَیَّ زُورُوهُ فِی السَّنَةِ مَرَّةً قُلْتُ کَیفَ أُصَلِّی عَلَیْهِ قَالَ تَقُومُ خَلْفَهُ عِنْدَ کَتِفَیْهِ ثُمَّ تُصَلِّی عَلَی النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ تُصَلِّی عَلَی الْحُسَیْنِ ع

علی بن الحسین بن موسی رحمهٔ اللّه علیه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از

پدرش، از ابن فضّال، از علی بن عقبه از عبید اللّه الحلبی، از ابی عبد اللّه علیه السّلام وی می گوید:

محضرش عرض کردم: ما در سال دو یا سه مرتبه قبر حضرت امام حسین علیه السّلام را زیارت می‌کنیم آیا این عمل چطور است؟

حضرت فرمودند:

من کراهت دارم زیاد آن قبر مطهّر را قصد کنید، در سال یک مرتبه به زیارت آن بروید.

عرض کردم: چگونه صلوات بر آن حضرت بفرستم؟

حضرت فرمودند:

پشت قبر در جنب کتفین و شانه‌های آن حضرت بایست، سپس صلوات بر پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بفرست و بعد از آن بر حسین علیه السّلام صلوات و رحمت بفرست.

۱۵- وَ قَالَ الْعَمْرَکِیُّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) إِنَّهُ یُصَلِّی عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَکٍ- مِنْ طُلُوعِ

الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ ثُمَّ يَصْعَدُونَ وَ يَنْزِلُ مِثْلُهُمْ فَيُصَلُّونَ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ فَلَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَخَلَّفَ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِ سِنِينَ

عمرکی به اسنادش نقل کرده و می گوید: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام فرمودند:

چهار هزار فرشته از طلوع صبح تا غروب آفتاب نزدیک قبر حضرت امام حسین علیه السّلام دعاء و طلب رحمت کرده و سپس بالا رفته و چهار هزار فرشته دیگر بجای ایشان قرار گرفته و تا طلوع صبح دعاء و طلب رحمت می کنند.

پس بر مسلمان سزاوار نیست که بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلّف کند.

۱۶- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي نَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (صلی الله علیه و آله) قَالَ نَعَمْ تَعْدِلُ عُمْرَةً وَ لَا يَنْبَغِي التَّخَلُّفُ عَنْهُ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِ سِنِينَ

عمرکی به اسنادش از محمد بن فضل، از ابی ناب، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، وی می گوید: راجع به زیارت قبر امام حسین صلوات اللّه علیه از آن حضرت پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

بلی، زیارت آن جناب معادل و مساوی با یک عمره است و شایسته نیست بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کنند.

۱۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ نَحْنُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ نُرِيدُ مَكَّةَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَئِيباً حَزِيناً مُنْكَسِراً فَقَالَ لِي لَوْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ لَشَغَلَكَ عَنْ مُسَاءَلَتِي قُلْتُ وَ مَا الَّذِي تَسْمَعُ قَالَ ابْتِهَالَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَلَى قَتَلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ عَلَى قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ نَوْحَ الْجِنِّ عَلَيْهِمَا- وَ بُكَاءَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُمْ وَ شِدَّةَ حُزْنِهِمْ فَمَنْ يَتَهَنَّأُ مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ قُلْتُ لَهُ فَمَنْ يَأْتِيهِ زَائِراً ثُمَّ يَنْصَرِفُ فَمَتَى يَعُودُ إِلَيْهِ وَ فِي كَمْ يَوْمٍ يُؤْتَى وَ فِي كَمْ يَسَعُ النَّاسَ تَرْكُهُ قَالَ أَمَّا الْقَرِيبُ فَلَا أَقَلَّ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَّا بَعِيدُ الدَّارِ فَفِي كُلِّ ثَلَاثِ سِنِينَ فَمَا جَازَ الثَّلَاثَ سِنِينَ فَقَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ قَطَعَ رَحِمَهُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ وَ لَوْ يَعْلَمُ زَائِرُ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) مَا يَدْخُلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ مَا يَصِلُ إِلَيْهِ مِنَ الْفَرَحِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ الْأَئِمَّةِ وَ الشُّهَدَاءِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ مِنْ دُعَائِهِمْ لَهُ وَ مَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الثَّوَابِ فِي الْعَاجِلِ وَ الْآجِلِ وَ الْمَذْخُورِ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ لَأَحَبَّ أَنْ يَكُونَ مَا ثَمَّ دَارَهُ مَا بَقِيَ وَ أَنَّ زَائِرَهُ لَيَخْرُجُ مِنْ رَحْلِهِ فَمَا يَقَعُ فَيْئُهُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا دَعَا لَهُ فَإِذَا وَقَعَتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ أَكَلَتْ ذُنُوبَهُ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ وَ مَا تُبْقِي الشَّمْسُ عَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْئاً فَيَنْصَرِفُ وَ مَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَ قَدْ رُفِعَ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مَا لَا يَنَالُهُ الْمُتَشَحِّطُ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ يُوَكَّلُ بِهِ مَلَكٌ يَقُومُ مَقَامَهُ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى الزِّيَارَةِ أَوْ يَمْضِيَ ثَلَاثُ سِنِينَ أَوْ يَمُوتَ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطُولِهِ حَدَّثَنِي أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيٍّ الْبُوفَكِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى وَ كَانَ فِي خِدْمَةِ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (علیه السلام) عَنْ عَلِيٍّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطُولِهِ

محمد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش از علی بن محمّد بن سالم، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصری از عبد اللّه بن عبد الرحمن الاصمّ، از صفوان جمّال، وی گفت: در راه مدینه قصد مکّه داشتیم.

از حضرت ابا عبد اللّه علیه السّلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا چیست که شما را اندوهگین و محزون و شکسته خاطر می‌بینم؟

حضرت فرمودند:

آنچه را من می‌شنوم اگر تو می‌شنیدی این سوءال را از من نمی کردی.

عرض کردم: چه چیز می‌شنوید؟

حضرت فرمودند:

زاری کردن فرشتگان به درگاه خداوند عزّ و جلّ و اظهار بغض نمودن از کشندگان امیر الموءمنین و حضرت امام حسین علیهما السّلام و توجه نمودن جن و گریستن فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند و شدّت حزن ایشان، پس بر چه کسی با این حال طعام یا شراب یا خواب گوارا خواهد بود؟!! عرضه داشتم: کسی که به زیارت آن حضرت بیاید و بعد برگردد چه زمانی باز برای زیارت برگردد؟ و ظرف چند روز بعد دوباره محضر امام علیه السّلام برگردد و اساسا مردم تا چند وقت می‌توانند زیارت حضرتش را ترک کنند؟

حضرت فرمودند:

امّا کسانی که قریب و نزدیک قبر مطهّر هستند لا اقل ماهی یک بار به زیارت روند و آنان که دور می‌باشند در هر سه سال یک مرتبه و اگر سه سال گذشت و به زیارت آن جناب نرفتند عاق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم شده و قطع رحم آن حضرت را نموده‌اند مگر علّت و سببی داشته باشد.

و اساسا زائر حسین علیه السّلام اگر بداند که با زیارتش چه سرور و فرحی به رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و امیر الموءمنین علیه السّلام و فاطمه سلام اللّه علیها و ائمه علیهم السّلام و شهداء از ما اهل بیت وارد شده و او نیز مطّلع باشد که از ناحیه دعاء ایشان برایش چه حاصل شده و همچنین واقف باشد از اجر و ثواب دنیوی و اخروی و آنچه برای وی نزد خدا ذخیره گشته هر آینه دوست می‌دارد که منزلش نزد آن جناب بوده و از آنجا هیچ گاه مفارقت نکرده و پیوسته در حال زیارت حضرتش باشد.

و زائر حسین علیه السّلام وقتی به قصد زیارت از خانه‌اش خارج شد سایه‌اش به چیزی نمی‌افتد مگر آن چیز برایش دعا می‌نماید، و هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهانش را می‌خورد همان طوری که آتش هیزم را می‌خورد، و آفتاب هیچ گناهی را بر او باقی نمی‌گذارد، بنا بر این از زیارت بر می‌گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست و حق تعالی درجه‌اش را آن قدر مرتفع و عالی می‌گرداند که آنان که در راه خدا به خون خویش آغشته شده‌اند به آن دسترسی نداشته و مقام و منزلتشان در حدّ او نمی‌باشد و خداوند منّان فرشته‌ای را قائم مقام وی نموده که تا بار دیگر وی به زیارت حضرت می‌آید برایش طلب آمرزش کند یا سه سال از این زیارت بگذرد یا فوت شود.

پدرم رحمة اللّه علیه، از احمد بن ادریس و محمّد بن یحیی جمیعا از عمرکی بن علی بوفکی، وی می‌گوید:

یحیی که در خدمت ابی جعفر ثانی بود از علی و او از صفوان بن مهران جمّال و او از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده، وی گفت:

در طریق مدینه از حضرت سوءال کردم ... و حدیث را با طول و تفصیل نقل نموده.

۹۹] – باب نود و نهم ثواب زیارت قبر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر و محمّد بن علی الجواد علیه السّلام در بغداد

۱- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی بْنِ بَابَوَیْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ سَأَلْتُ الرِّضَا (علیه السلام) عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) أَ مِثْلُ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قَالَ نَعَمْ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از حسن بن علی الوشاء وی گفت: از حضرت رضا علیه السّلام راجع به زیارت قبر ابا الحسن (موسی بن جعفر) علیهما السّلام سوءال کرده و عرض کردم: آیا مثل زیارت قبر حسین علیه السّلام است؟

حضرت فرمودند: بلی.

و محمد بن یعقوب، از محمّد بن یحیی، از احمد بن محمّد بن عیسی به اسنادش مثل همین حدیث را نقل کرده است.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی عَلِیٍّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ یَسَارٍ الْوَاسِطِیِّ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا (علیه السلام) أَزُورُ قَبْرَ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) بِبَغْدَادَ فَقَالَ إِنْ کَانَ لَا بُدَّ مِنْهُ فَمِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عیسی، از ابی علی، از حسین بن بشّار واسطی نقل کرده وی گفت: محضر مبارک حضرت رضا علیه السّلام، عرض کردم: آیا قبر حضرت ابی الحسن در بغداد را زیارت بکنم؟

حضرت فرمودند:

اگر چاره‌ای از آن نداشتی پس از پشت حجاب زیارتش بکن.

مترجم گوید:

مرحوم مجلسی در بحار فرموده: امر به زیارت از پشت حجاب بخاطر تقیه از مخالفین می‌باشد.

۳- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِیکَ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) فَقَالَ زُرْهُ قَالَ فَقُلْتُ فَأَیُّ شَیْءٍ فِیهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ لَهُ مِثْلُ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ ع

علی بن الحسین، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن ابی عبد اللّه البرقی، از حسن بن علی الوشاء نقل کرده، وی گفت: محضر مبارک حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم:

ثواب کسی که قبر پدر بزرگوارتان حضرت ابی الحسن علیه السّلام را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

آن را زیارت کن.

عرض کردم: فضیلت آن چه قدر است؟

حضرت فرمودند:

ثواب و فضیلت کسی که او را زیارت کند مثل ثواب کسی است که قبر حسین علیه السّلام را زیارت نماید.

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ الْوَاسِطِیِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الرِّضَا (علیه السلام) فِی إِتْیَانِ قَبْرِ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) قَالَ صَلُّوا فِی الْمَسَاجِدِ حَوْلَهُ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر، از پدرش، از هارون بن مسلم، از علی بن حسّان واسطی، از برخی اصحاب ما، از حضرت رضا علیه السّلام راجع به رفتن و زیارت کردن قبر حضرت ابی الحسن علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

در مساجدی که اطراف آن قبر مطهّر است نماز بگذارید.

۵- حَدَّثَنِي أَبِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَسَارٍ الْوَاسِطِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِيكَ (صلى الله عليه و آله) قَالَ فَقَالَ زُورُوهُ قَالَ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ قَالَ فَقَالَ فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ كَفَضْلِ مَنْ زَارَ وَالِدَهُ يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) قُلْتُ فَإِنْ خِفْتُ وَ لَمْ يُمْكِنْ لِيَ الدُّخُولُ دَاخِلًا- قَالَ سَلِّمْ مِنْ وَرَاءِ الْجِدَارِ

پدرم و على بن الحسين، و محمد بن الحسن رحمهٔ اللّه عليهم جملگى از سعد بن عبد اللّه، از يعقوب بن يزيد، از حسين بشّار واسطى، نقل كرده‌اند كه وى گفت:

از حضرت ابا الحسن الرضا عليه السّلام پرسيدند: ثواب كسى كه قبر پدر بزرگوارتان را زيارت كند چيست؟

راوى گفت: حضرت فرمودند:

به زيارت ايشان برويد.

عرض كردم: چه فضيلتى در آن مى‌باشد؟

حضرت فرمودند:

فضيلت زيارت او همچون فضيلت زيارت پدرش يعنى رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم مى‌باشد.

عرض كردم: اگر خوف و هراسى داشته و برايم ممكن نبود كه داخل شوم چه كار بكنم؟

حضرت فرمودند:

از پشت حجاب سلام بده.

۶- حَدَّثَنِي أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْقُرَشِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنِ الْخَيْبَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ الْقُمِّيِّ قَالَ قَالَ لِيَ الرِّضَا (عليه السلام) مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِبَغْدَادَ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا أَنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَضْلَهُمَا وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ

ابو العباس محمد بن جعفر قرشى، از محمّد بن الحسين بن ابى الخطّاب، از محمّد بن اسماعيل بن بزيع، از خيبرى، از حسين بن محمّد اشعرى قمّى نقل كرده كه وى گفت:

حضرت رضا عليه السّلام به من فرمودند:

كسى كه قبر پدرم را در بغداد زيارت كند مثل كسى است كه رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم و قبر امير المؤمنين عليه السّلام را زيارت كرده منتهى زيارت رسول خدا و امير المؤمنين سلام اللّه عليهما افضل مى‌باشند.

محمد بن يعقوب، از محمد بن يحيى، از محمد بن الحسين به اسنادش متن همين حديث را نقل كرده‌اند.

۷- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَمَّنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) قَاصِداً قَالَ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) فَلَهُ الْجَنَّةُ

پدرم رحمهٔ اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از عبد الرّحمن بن ابى نجران نقل كرده كه وى گفت:

از حضرت ابو جعفر عليه السّلام راجع به كسى كه رسول خدا را زيارت كند پرسيدم؟

حضرت فرمودند:

بهشت براى او است و كسى كه قبر ابى الحسن عليه السّلام (امام كاظم عليه السّلام) را زيارت كند بهشت براى او مى‌باشد.

۸- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنِ الرِّضَا (عليه السلام) قَالَ زِيَارَةُ قَبْرِ أَبِي مِثْلُ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ

محمّد بن الحسن بن احمد ولید، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد، از حسن بن علی الوشاء، از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرده که آن جناب فرمودند:

زیارت قبر پدرم مثل زیارت قبر حسین علیه السّلام می‌باشد.

۹- وَ عَنْهُ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُبْدُوسٍ الْخَلَنْجِيِّ عَنْ أَبِيهِ رَحِيمٍ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا (علیه السلام) جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) بِبَغْدَادَ عَلَيْنَا فِيهَا مَشَقَّةٌ وَ إِنَّمَا نأته [نَأْتِيهِ فَنُسَلِّمُ عَلَيْهِ مِنْ وَرَاءِ الْحِيطَانِ فَمَا لِمَنْ زَارَهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ فَقَالَ لَهُ وَ اللَّهِ مِثْلُ مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ ص

از محمّد بن الحسن، از سعد، از احمد بن محمّد، از احمد بن عبدوس خلنجی، از پدرش رحیم، وی می گوید:

محضر مبارک حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم:

فدایت شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السّلام در بغداد، بر ما مشقت دارد لذا خدمتش رفته و از پشت دیوارها به او سلام می‌دهیم، ثواب کسی که او را زیارت کند چیست؟

حضرت به او فرمودند:

به خدا سوگند ثواب او مثل ثواب کسی است که رسول خدا را زیارت کرده است.

۱۰- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَحِيمٍ قَالَ قُلْتُ لِلرِّضَا (علیه السلام) إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) بِبَغْدَادَ عَلَيْنَا فِيهَا مَشَقَّةٌ فَمَا لِمَنْ زَارَهُ فَقَالَ لَهُ مِثْلُ مَا لِمَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) مِنَ الثَّوَابِ قَالَ وَ دَخَلَ رَجُلٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ جَلَسَ وَ ذَكَرَ بَغْدَادَ وَ رَدَاءَةَ أَهْلِهَا وَ مَا يُتَوَقَّعُ أَنْ يَنْزِلَ بِهِمْ مِنَ الْخَسْفِ وَ الصَّيْحَةِ وَ الصَّوَاعِقِ وَ عَدَّدَ مِنْ ذَلِكَ أَشْيَاءَ قَالَ فَقُمْتُ لِأَخْرُجَ فَسَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (علیه السلام) وَ هُوَ يَقُولُ أَمَّا أَبُو الْحَسَنِ (علیه السلام) فَلَا

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از علی بن الحکم از رحیم، وی گفت: محضر امام رضا علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السّلام در بغداد بر ما مشقت دارد، ثواب کسی که ایشان را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

ثوابش مثل ثواب کسی است که قبر حسین علیه السّلام را زیارت کند.

راوی می گوید:

شخصی داخل شد و به آن حضرت سلام داد و نشست و متذکّر بغداد و پست بودن مردم آن شد و خاطر نشان کرد که امید می‌رود عذاب خسف (فرو رفتن در زمین) و صیحه آسمانی و صاعقه ... و نام چند عذاب دیگر را برد ...، ایشان را بگیرد.

سپس می گوید: وقتی بلند شدم از محضرش مرخص شوم شنید که آن جناب فرمودند:

امّا ابو الحسن این طور نیست.

مترجم گوید:

طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود این است که: امّا ابو الحسن علیه السّلام: دعاء مکن به اهل بغداد این عذاب‌ها، نازل شود زیرا ایشان بواسطه وجود قبر مطهّر حضرت ابو الحسن علیه السّلام از آن محفوظ و مصمون می‌باشند.

۱۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحُضَيْنِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ (علیه السلام) أَسْأَلُهُ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ وَ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) فَكَتَبَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) الْمُقَدَّمُ وَ هَذَا أَجْمَعُ وَ أَعْظَمُ أَجْراً

محمـد بن يعقوب، از محمّـد بن يحيى، از حمـدان قلانسـى، از على بن محمـد الحضـينى، از على بن عبد اللّه بن مروان از ابراهيم بن عقبه، وى گفت:

محضـرت ابى الحسن الثـالث عليه السّـلام نـامه‌اى نوشـته و در آن از زيـارت قبر ابى عبـد اللّه و قبر ابى الحسن و قبر ابى جعفر عليهم السّلام پرسيدم؟

حضرت در جواب فرمودند:

زيـارت ابى عبـد اللّه الحسـين عليه السّـلام را مقـدّم بجا آور و بعـد زيارت اين دو امام همام عليهما السّـلام را به آن ضـميمه كن كه زيارتت جامع‌تر و اجرت عظيم‌تر خواهد بود.

۱۲- حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَـيْنِ عَنْ سَـعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) عَمَّنْ زَارَ النَّبِيَّ (صلى الله عليه و آله) قَاصِداً قَالَ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي الْحَسَنِ (عليه السلام) فَلَهُ الْجَنَّةُ

على بن الحسين، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمد بن عيسى، از عبد الرّحمن بن ابى نجران، وى گفت:

از حضرت ابى جعفر عليه السّلام راجع به زيارت رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله و سلّم پرسيدم؟

حضرت فرمودند:

بهشت براى او مى‌باشد و كسى كه قبر ابى الحسن عليه السّلام را نيز زيارت كند بهشت براى او خواهد بود.

*** ***

*** ***

۱۰۰] – باب صدم در بیان زیارت‌نامه حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر و ابی جعفر حضرت محمّد بن علی الجواد علیهم السّلام

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْکُوفِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی بْنِ عُبَیْدٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) قَالَ تَقُولُ بِبَغْدَادَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نُورَ اللَّهِ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَنْ بَدَا لِلَّهِ فِی شَأْنِهِ أَتَیْتُکَ عَارِفاً بِحَقِّکَ مُعَادِیاً لِأَعْدَائِکَ فَاشْفَعْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ یَا مَوْلَایَ- قَالَ وَ ادْعُ اللَّهَ وَ اسْأَلْ حَاجَتَکَ قَالَ وَ سَلِّمْ بِهَذَا عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) وَ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ زِیَارَةَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهم السلام) فَاغْتَسِلْ وَ تَنَظَّفْ وَ الْبَسْ ثَوْبَیْکَ الطَّاهِرَیْنِ وَ زُرْ قَبْرَ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ (علیهما السلام) وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا (علیهم السلام) وَ قُلْ حِینَ تَصِیرُ عِنْدَ قَبْرِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ (علیهما السلام) السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نُورَ اللَّهِ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَنْ بَدَا لِلَّهِ فِی شَأْنِهِ أَتَیْتُکَ زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّکَ مُعَادِیاً لِأَعْدَائِکَ مُوَالِیاً لِأَوْلِیَائِکَ- فَاشْفَعْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ یَا مَوْلَایَ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَکَ ثُمَّ سَلِّمْ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ الْجَوَادِ بِهَذِهِ الْأَحْرُفِ وَ ابْدَأْ بِالْغُسْلِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْإِمَامِ الْبَرِّ التَّقِیِّ النَّقِیِّ الرَّضِیِّ الْمَرْضِیِّ وَ حُجَّتِکَ عَلَی مَنْ فَوْقَ الْأَرَضِینَ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَی صَلَاةً کَثِیرَةً تَامَّةً [نَامِیَةً]زَاکِیَةً مُبَارَکَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً کَأَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیَائِکَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نُورَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِینَ [یَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِینَ وَ وَارِثَ النَّبِیِّینَ]السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیفَةَ النَّبِیِّینَ وَ سُلَالَةَ الْوَصِیِّینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نُورَ اللَّهِ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ- أَتَیْتُکَ زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّکَ مُعَادِیاً لِأَعْدَائِکَ مُوَالِیاً لِأَوْلِیَائِکَ- فَاشْفَعْ لِی عِنْدَ رَبِّکَ یَا مَوْلَایَ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَکَ فَإِنَّهَا تُقْضَی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی قَالَ وَ تَقُولُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) بِبَغْدَادَ وَ یُجْزِئُ فِی الْمَوَاطِنِ کُلِّهَا أَنْ تَقُولَ السَّلَامُ عَلَی أَوْلِیَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِیَائِهِ السَّلَامُ عَلَی أُمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَی أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی مَسَاکِنِ ذِکْرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی مَظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْیِهِ السَّلَامُ عَلَی الدُّعَاةِ إِلَی اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی الْمُسْتَقِرِّینَ فِی مَرَضَاتِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی الْمُخْلِصِینَ فِی طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی الْأَدِلَّاءِ عَلَی اللَّهِ- السَّلَامُ عَلَی الَّذِینَ مَنْ وَالاهُمْ فَقَدْ وَالَی اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَی اللَّهَ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ مَنْ تَخَلَّی مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّی مِنَ اللَّهِ أُشْهِدُ اللَّهَ أَنِّی مُسَلِّمٌ لَکُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَ عَلَانِیَتِکُمْ مُفَوِّضٌ فِی ذَلِکَ کُلِّهِ إِلَیْکُمْ لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَبْرَأُ إِلَی اللَّهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ هَذَا یُجْزِئُ فِی الْمَشَاهِدِ کُلِّهَا وَ تُکْثِرُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُسَمِّی وَاحِداً وَاحِداً بِأَسْمَائِهِمْ وَ تَبْرَأُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ تَخَیَّرْ بِنَفْسِکَ مِنَ الدُّعَاءِ وَ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ لِلْمُؤْمِنَاتِ

محمّد بن جعفر رزّاز کوفی، از محمّد بن عیسی بن عبید از کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی الحسن علیه السّلام، حضرت فرمودند:

در زیارت نامه حضرت ابی الحسن علیه السّلام در بغداد می گوئی:

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شأنش بدا برای حق تعالی حاصل شده، به زیارتت آمده‌ام در حالی که عارف به حقّت بوده، دشمن دشمنانت هستم، پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش سپس حضرت فرمودند:

خدا را بخوان و از او حاجتت را در خواست نما.

حضرت فرمودند:

و با همین عبارات بر حضرت ابی جعفر محمّد بن علی علیهما السّلام، سلام بده.

و فرمودند:

هر گاه اراده زیارت حضرت موسی بن جعفر و محمد بن علی علیهم السّلام را نمودی، غسل کن و خود را نظیف و پاکیزه کن و دو

جامه طاهر و پاک خود را بپوش و قبر ابی الحسن موسی بن جعفر و محمّد بن علی بن موسی الرضا علیهم السّلام را زیارت کرده و هنگامی که نزدیک قبر موسی بن جعفر علیهما السّلام رسیدی بگو:

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام و درود بر تو ای حجّت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو ای کسی که در شأنش بدا برای حق تعالی حاصل شده، آمدم به نزدت در حالی که زائر تو هستم عارف به حق تو و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستانت می‌باشم، ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش.

پس حاجتت را از خدا بخواه و بعد بر حضرت ابی جعفر محمّد علی الجواد علیهما السّلام سلام بده و با همین عبارات به محضرش درود و تهنیت بفرست.

و ابتداء کن به غسل و بعد بگو:

خدایا درود و رحمت بفرست بر محمّد بن علی که پیشوائی است پرهیزکار، پاکیزه، راضی و خشنود، پسندیده، حجّت تو است بر آنچه روی و زیر زمین می‌باشند، درود و رحمت‌هائی فراوان و تمام و پاک و مبارک و متّصل و دنبال و ردیف هم، همچون برترین رحمت‌هائی که بر یکی از اولیاء و دوستانت فرستادی، سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا، سلام بر تو ای پیشوای اهل ایمان، سلام بر تو ای جانشین انبیاء و فرزند اوصیاء، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، آمدم نزدت در حالی که زائر تو و عارف به حقّت و دشمن دشمنانت و دوست دار دوستانت می‌باشم، پس ای مولای من نزد پروردگارت شفیع من باش.

پس از آن حاجتت را از خدا بخواه که ان شاء اللّه بر آورده خواهد شد.

حضرت فرمودند:

و در مقابل قبر حضرت ابی الحسن علیه السّلام در بغداد و همچنین در تمام مواطن بگو:

درود بر اولیاء خدا و برگزیدگانش، درود بر امین‌های خدا و محبوبانش، درود بر یاران خدا و جانشینانش درود بر محل‌ها و مراکز خداشناسی، درود بر مسکن‌های ذکر و یاد خدا، درود بر مظاهر و نمونه‌های امر و نهی خدا، درود بر داعیان و دعوت‌کنندگان به سوی خدا، درود بر آرام‌گیرندگان در امور پسندیده شده خدا، درود بر کسانی که اخلاص دارند در مقام طاعت خدا، درود بر دلالت‌کنندگان بر خدا، درود بر آنان که هر کس ایشان را دوست بدارد خدا را دوست دارد و آن کس که ایشان را دشمن بدارد خدا را دشمن دارد، و هر کس ایشان را بشناسد خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد خدا را نشناخته و هر کس چنگ به ایشان زده و متوسل به آنان شود به خدا چنگ زده و به او متوسل گردیده و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره گرفته است، خدا را شاهد می‌گیرم که من تسلیم شما هستم، صلح دارم با کسی که با شما صلح دارد و ستیز می‌کنم با کسی که با شما ستیز می‌کند، به سرّ و امر نهانی و آشکار شما ایمان و اعتقاد دارم، تمام امور را به شما تفویض و واگذار می‌کنم، خدا لعنت کند دشمنان دودمان آل محمّد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی‌زاری از ایشان می‌جویم و رحمت فرستد خدا بر محمّد و آل محمّد.

این فقره از زیارت را در تمام مشاهد مشرّفه می‌توان خواند و سعی کنند صلوات بر محمّد و آل محمّد زیاد بفرستند.

و نام یک یک از ذوات مقدّسه ائمه طاهرین سلام اللّه علیهم اجمعین را ببرند و از دشمنانشان تبری و بیزاری بجویند و برای خود و موءمنین و موءمنات دعاء خیر کنند.

۱۰۱] – باب صد و یکم ثواب زیارت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السّلام در طوس

۱- حَدَّثَنِی جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِی فَلَهُ الْجَنَّةُ

جماعتی از مشایخ و اساتیدم، از سعد، از احمد بن محمّد بن عیسی، از داود الصّرامیّ، از حضرت ابی جعفر ثانی علیه السّلام، وی گفت:

از آن حضرت شنیدم که می‌فرمود:

کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت مال او است.

۲- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِی فَلَهُ الْجَنَّةُ

حسن بن عبد اللّه، از پدرش عبد اللّه بن محمّد بن عیسی، از داود الصّرمیّ، از حضرت ابی جعفر ثانی علیه السّلام، وی گفت:

از آن حضرت شنیدم که می‌فرمود:

کسی که قبر پدرم را زیارت کند بهشت از آن او است.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ الْجَعْفَرِیُّ عَنْ حَمْدَانَ الدسوای [الدَّسْتُوَائِیِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) فَقُلْتُ مَا لِمَنْ زَارَ أَبَاکَ بِطُوسَ فَقَالَ (علیه السلام) مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِی بِطُوسَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ قَالَ حَمْدَانُ فَلَقِیتُ بَعْدَ ذَلِکَ أَیُّوبَ بْنَ نُوحِ بْنِ دَرَّاجٍ فَقُلْتُ لَهُ یَا أَبَا الْحُسَیْنِ إِنِّی سَمِعْتُ مَوْلَایَ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) یَقُولُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِی بِطُوسَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ أَیُّوبُ وَ أَزِیدُکَ فِیهِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ ذَلِکَ یَعْنِی أَبَا جَعْفَرٍ وَ أَنَّهُ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ نُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ بِحِذَاءِ مِنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) حَتَّی یَفْرُغَ النَّاسُ مِنَ الْحِسَابِ [حَتَّی یَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ]

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه نقل کرده که وی گفت:

علی بن ابراهیم الجعفری، از حمدان دیوانی نقل نموده که وی گفت:

داخل شدم بر حضرت ابو جعفر ثانی علیه السّلام و محضرش عرض کردم: اجر کسی که پدر شما را در طوس زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را بیامرزد.

حمدان می‌گوید: پس از آن با ایّوب بن نوح بن درّاج ملاقات کردم و به او گفتم:

ای ابا حسین من از مولای خود حضرت ابا جعفر علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود:

کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان سابق و لاحقش را می‌آمرزد.

ایّوب گفت: می‌خواهی اضافه‌تر از این را برایت بگویم؟

گفتم: آری.

ایّوب گفت: شنیدم از آن حضرت که این فقره را می‌فرمودند و اضافه کرده و می‌گفتند: هنگامی که روز قیامت شود منبری برای او (زائر پدرم) در مقابل منبر رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم نصب می‌شود تا مردم از حساب فارغ شوند.

۴- قَالَ أَبِی رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ سَعْدٌ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ النَّیْسَابُورِیُّ الدَّقَّاقُ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو صَالِحٍ شُعَیْبُ بْنُ عِیسَی قَالَ حَدَّثَنِی صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمَدَانِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی إِبْرَاهِیمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِیُّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) مَنْ زَارَنِی عَلَی بُعْدِ دَارِی وَ

شُطُونِ مَزَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أَخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِيناً وَ شِمَالًا وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ قَالَ سَعْدٌ وَ سَمِعْتُهُ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَمَدَانِيِّ

پدرم رحمة اللّه عليه گفت:

سعد گفت: على بن الحسين النيشابورى دقّاق گفت:

ابو صالح شعيب بن عيسى برايم حديث گفت و نقل كرد كه صالح بن محمّد همدانى گفت:

ابراهيم بن اسحق نهاوندى گفت كه حضرت ابو الحسن الرّضا عليه السّلام فرمودند:

كسى كه من را زيارت كند در حالى كه خانه‌ام دور و مزارم بعيد است من روز قيامت در سه موطن به نزدش آمده تا او را از ترس‌ها و هولهاى قيامت برهانم:

الف: هنگامى كه كتاب‌ها (نامه‌هاى اعمال) به دست‌هاى راست و چپ داده مى‌شوند.

ب: در هنگام عبور از صراط.

ج: در وقت نهادن اعمال را در ميزان.

سعد مى گويد: اين حديث را بعدا از صالح بن محمّد همدانى شنيدم.

۵- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رَيَّانَ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قُطْرُبٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (عليه السلام) قَالَ مَرَّ بِهِ ابْنُهُ وَ هُوَ شَابٌّ حَدَثٌ وَ بَنُوهُ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ فَقَالَ إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضِ غُرْبَةٍ فَمَنْ زَارَهُ مُسَلِّماً لِأَمْرِهِ عَارِفاً بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَشُهَدَاءِ بَدْرٍ

پدرم رحمة اللّه عليه، از سعد، از ابراهيم بن ريّان، وى گفت:

يحيى بن حسن حسينى گفت: على بن عبد اللّه بن قطرب برايم حديث گفت از حضرت ابى الحسن موسى عليه السّلام وى گفت: فرزند آن حضرت در حالى كه جوان و كم

سن بود به آن جناب مرور كرد و تمام فرزندانش نزدش جمع بودند، آن حضرت فرمودند:

اين پسرم (يعنى حضرت رضا) عليه السّلام در سرزمينى به حالت غربت از دنيا مى‌رود پس كسى كه او را زيارت كند و تسليم امرش بوده و به حقّش عارف و آگاه باشد نزد خدا مقامش همچون مقام شهداء بدر باشد.

۶- حَدَّثَنِي أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عليه السلام) أَوْ حُكِيَ لِي عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) الشَّكُّ مِنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِطُوسَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ قَالَ فَحَجَجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ فَقَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِطُوسَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بَنَى لَهُ مِنْبَراً بِحِذَاءِ مِنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) وَ عَلِيٍّ (عليه السلام) حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ فَرَأَيْتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ زَارَ فَقَالَ جِئْتُ أَطْلُبُ الْمِنْبَرَ

پدرم رحمة اللّه عليه، و محمّد بن يعقوب، از على بن ابراهيم، از حمدان بن اسحاق، وى گفت:

از حضرت ابا جعفر عليه السّلام شنيدم يا برايم از شخصى و او از حضرت ابى جعفر عليه السّلام نقل نمود (ترديد از على بن ابراهيم مى‌باشد) به هر صورت وى گفت:

حضرت ابو جعفر عليه السّلام فرمودند:

كسى كه قبر پدرم را در طوس زيارت كند خداوند متعال گناهان سابق و لاحقش را مى‌آمرزد، پس بعد از زيارت به حج رفتم و ايوب بن نوع را ملاقات كردم و به من گفت: حضرت ابو جعفر ثانى فرمودند: كسى كه قبر پدرم را در طوس زيارت كند، خداوند گناهان سابق و لاحقش را بيامرزد و برايش منبرى در مقابل منبر رسول خدا و حضرت على عليهما السّلام بنا مى‌شود تا خلائق از

حساب فارغ شوند.

بعد از آن ایّوب بن نوح را دیدم که آن حضرت را زیارت می‌کرد و می‌گفت:

آمده‌ام به طلب منبر!

۷- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ جَمِیعاً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَةِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ الْجَبَلِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ رَجُلٍ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ- فَدَخَلَ مُتَمَتِّعاً بِالْعُمْرَةِ إِلَی الْحَجِّ فَأَعَانَهُ اللَّهُ عَلَی حَجِّهِ وَ عَلَی عُمْرَتِهِ ثُمَّ أَتَی الْمَدِینَةَ فَسَلَّمَ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ أَتَاکَ عَارِفاً بِحَقِّکَ یَعْلَمُ أَنَّکَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ وَ بَابُهُ الَّذِی یُؤْتَی مِنْهُ فَسَلَّمَ عَلَیْکَ ثُمَّ أَتَی أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) فَسَلَّمَ عَلَیْهِ ثُمَّ أَتَی بَغْدَادَ فَسَلَّمَ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ (علیهما السلام) ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَی بِلَادِهِ فَلَمَّا کَانَ وَقْتُ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللَّهُ مَا یَحُجُّ بِهِ فَأَیُّهُمَا أَفْضَلُ لِهَذَا الَّذِی قَدْ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ یَرْجِعُ فَیَحُجُّ أَیْضاً أَوْ یَخْرُجُ إِلَی خُرَاسَانَ إِلَی أَبِیکَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا (علیهما السلام) فَیُسَلِّمُ عَلَیْهِ قَالَ بَلْ یَأْتِی خُرَاسَانَ فَیُسَلِّمُ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ أَفْضَلُ وَ لْیَکُنْ ذَلِکَ فِی رَجَبٍ وَ لَکِنْ لَا یَنْبَغِی أَنْ یَفْعَلُوا هَذَا الْیَوْمَ فَإِنَّ عَلَیْنَا وَ عَلَیْکُمْ خَوْفاً مِنَ السُّلْطَانِ وَ شُنْعَةً

پدرم رحمة اللّه علیه و محمّد بن الحسن و علی بن الحسین جملگی از سعد ابن عبد اللّه بن ابی خلف، از حسن بن علی بن عبد اللّه بن مغیره، از حسین بن سیف بن عمیره، از محمّد بن اسلم الجبلّی، از محمّد بن سلیمان، وی می‌گوید:

از حضرت ابا جعفر علیه السّلام راجع به مردی که حجّة الاسلام بجا می‌آورد پرسیدم:

وی برای انجام حج تمتّع داخل مکّه شد و خداوند بر انجام حج و عمره کمکش کرد، سپس به مدینه رفت و بر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم سلام داد و آن جناب را زیارت کرد پس از آن به زیارت شما آمد در حالی که به حق شما عارف بوده و می‌داند که شما حجت خدا بر خلائق هستید.

و توجّه دارد که شما همان بابی هستید که شخص برای توجّه الی اللّه باید از آن باب وارد شود و به شما سلام داده و زیارتتان می‌کند، سپس به زیارت حضرت ابا عبد اللّه الحسین سلام اللّه علیه رفته و به آن حضرت سلام می‌دهد آن گاه به بغداد رفته و بر حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما السّلام سلام می‌دهد و بعد به شهر خودش مراجعت می‌کند، و پس از رسیدن موسم حج خداوند متعال حج را روزی او می‌کند حال بفرمائید کدامیک از این دو افضل و برتر هستند؟

حجة الاسلامی که بجا آورد و برگشت و دوباره حجّ روزی او شده یا به خراسان رود و پدر بزرگوارتان حضرت علی بن موسی علیه السّلام را سلام داده و زیارت کند؟

حضرت در جواب فرمودند:

بلکه افضل آن است که به خراسان رود و بر پدرم حضرت ابی الحسن سلام داده و آن جناب را زیارت کند و شایسته است که این زیارت را در رجب انجام دهد ولی در این روز به آن مبادرت نکند زیرا هم بر ما و هم بر شما از ناحیه سلطان خوف بوده و ممکن است در معرض تشنیع و بدگوئی واقع شویم.

۸- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی (علیه السلام) مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ اللَّهِ

محمّد بن الحسن بن احمد، از محمّد بن الحسن الصّفّار، از عبّاس بن معروف، از علی بن مهزیار، وی گفت:

محضر حضرت ابی جعفر علیه السّلام عرض کردم: اجر کسی که قبر حضرت رضا را زیارت کند چیست؟

حضرت فرمودند:

به خدا سوگند بهشت برای او است.

۹- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ الْبَزَنْطِیِّ قَالَ قَرَأْتُ فِی کِتَابِ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) أَبْلِغْ شِیعَتِی أَنَّ زِیَارَتِی تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حِجَّةٍ- قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) أَلْفَ حِجَّةٍ قَالَ إِی وَ اللَّهِ وَ أَلْفَ أَلْفِ حِجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ

محمّد بن الحسن، از محمّد بن الحسن الصّفّار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی وی گفت:

در کتاب حضرت ابی الحسن الرضا علیه السّلام خواندم که آن حضرت مرقوم فرموده بودند: برسان به شیعیانم که زیارت من نزد خدا معادل با هزار حجّ است.

می گوید: به حضرت ابی جعفر علیه السّلام عرض کردم: معادل با هزار حج است؟! حضرت فرمودند:

بلی به خدا قسم بلکه کسی که ایشان را زیارت کند در حالی که عارف به حقّش باشد ثواب یک میلیون حج به او داده می‌شود.

۱۰- حَدَّثَنِی أَبِی وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَیْهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ زَیْدٍ النَّرْسِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ (علیهما السلام) قَالَ مَنْ زَارَ ابْنِی هَذَا وَ أَوْمَأَ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) فَلَهُ الْجَنَّةُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین و علی بن محمّد بن قولویه، از علی ابن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از ابن ابی عمیر، از زید النرّسی، از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السّلام آن حضرت فرمودند:

کسی که این فرزندم (اشاره به حضرت رضا کردند) علیه السّلام را زیارت کند بهشت از آن او است.

۱۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ غَیْرُهُمَا عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) جُعِلْتُ فِدَاکَ زِیَارَةُ الرِّضَا أَفْضَلُ أَمْ زِیَارَةُ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) قَالَ زِیَارَةُ أَبِی أَفْضَلُ- وَ ذَلِکَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَزُورُهُ کُلُّ النَّاسِ وَ أَبِی لَا یَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشِّیعَةِ

محمّد بن یعقوب و علی بن الحسین، و غیر این دو از علی بن ابراهیم، از پدرش، از علی بن مهزیار وی گفت: محضر ابی جعفر علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم زیارت حضرت رضا علیه السّلام افضل است یا زیارت ابی عبد اللّه حسین بن علی علیه السّلام؟ حضرت فرمودند:

زیارت پدرم افضل است زیرا حضرت ابا عبد اللّه الحسین علیه السّلام را هر گروهی از مردم زیارت می‌کنند ولی پدرم را زیارت نمی‌کند مگر شیعیان خاص و خالص ما.

۱۲- وَ عَنْهُمْ رَحِمَهُمُ اللَّهُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (علیه السلام) أَوْ حَکَی لِی رَجُلٌ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ (علیه السلام) الشَّکُّ مِنْ عَلِیٍّ یَقُولُ وَ ذَکَرَ مِثْلَ حَدِیثِ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ حَدِیثَ الْمِنْبَرِ

و از محمّد بن یعقوب و علی بن الحسین و غیر این دو رحمهٔ اللّه علیهم از علی بن ابراهیم، از حمدان بن اسحق نقل شده که وی گفت: از حضرت ابو جعفر علیه السّلام شنیدم یا شخصی از حضرت ابی جعفر علیه السّلام برایم نقل کرد (شکّ و تردید از علی بن ابراهیم است) که آن حضرت فرمودند:

... و حدیثی مانند حدیث ایّوب بن نوح که به حدیث منبر مشهور است را ذکر فرمود.

۱۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ النَّیْسَابُورِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَعِیدٍ الْمَکِّیِّ عَنْ یَحْیَی بْنِ سُلَیْمَانَ الْمَازِنِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ (علیهما السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِی کَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعِینَ حِجَّةً مَبْرُورَةً قَالَ قُلْتُ سَبْعِینَ حِجَّةً قَالَ نَعَمْ وَ سَبْعَمِائَةِ حِجَّةٍ قُلْتُ سَبْعَمِائَةِ حِجَّةٍ قَالَ نَعَمْ وَ سَبْعِینَ أَلْفَ حِجَّةٍ قُلْتُ وَ سَبْعِینَ أَلْفَ حِجَّةٍ قَالَ نَعَمْ وَ رُبَّ حِجَّةٍ لَا تُقْبَلُ مَنْ زَارَهُ وَ بَاتَ عِنْدَهُ لَیْلَةً کَانَ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ قُلْتُ کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِی عَرْشِهِ قَالَ نَعَمْ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ کَانَ عَلَی عَرْشِ اللَّهِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِینَ أَمَّا الْأَرْبَعَةُ الَّذِینَ هُمْ مِنَ الْأَوَّلِینَ فَنُوحٌ وَ إِبْرَاهِیمُ وَ مُوسَی وَ عِیسَی (علیهم السلام) وَ أَمَّا الْأَرْبَعَةُ الَّذِینَ هُمْ مِنَ الْآخِرِینَ فَمُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ ثُمَّ یُمَدُّ

الْمِضْمَارُ فَيَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَئِمَّةِ- إِلَّا أَنَّ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَ أَقْرَبَهُمْ حَبْوَةً مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي عَلِيٍّ (علیه السلام) حَدَّثَنِي أَبِي ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ رِئَابٍ بِهَذَا الْإِسْنَادِ مِثْلَهُ

محمّد بن یعقوب، از محمّد بن یحیی العطّار، از علیّ بن حسین نیشابوری، از ابراهیم بن محمّد، از عبد الرحمن بن سعید المکّی، از یحیی بن سلیمان مازنی، از ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السّلام، حضرت فرمودند:

کسی که قبر فرزندم را زیارت کند برای او نزد خدا ثواب هفتاد حجّ مقبول می‌باشد.

راوی می گوید: محضرش عرضه داشتم: ثواب هفتاد حج؟! حضرت فرمودند:

بلی، بلکه ثواب هفتصد حج؟! عرض کردم: هفتصد حج؟! فرمودند: بلی، بلکه ثواب هفتاد هزار حج.

عرض کردم: هفتاد هزار حج؟! فرمودند: بلی، از این گذشته بسا حج مقبول واقع نمی‌شود، کسی که آن حضرت را زیارت کند و شب را نزد آن جناب بیتوته کند مثل کسی که است که خدا را در عرش زیارت کرده.

عرض کردم: مثل کسی که خدا را در عرش زیارت کرده؟! حضرت فرمودند:

بلی، هنگامی که قیامت به پا شود چهار تن از اولین و چهار تن از آخرین روی عرش خدا هستند.

امّا چهار تن از اوّلین عبارتند از:

حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السّلام.

و امّا چهار تن از متأخرین عبارتند از:

حضرت محمّد و علی و حسن و حسین صلوات اللّه علیهم اجمعین.

سپس مجلس کشیده شده و در آن توسعه داده می‌شود و کسانی که قبور ائمه را زیارت کرده‌اند با ما روی عرش می‌نشینند.

توجه داشته باش کسی که قبر فرزندم علی علیه السّلام را زیارت کرده باشد درجه‌اش از دیگران اعلی و عطیه اهدائی او بهتر از سایرین می‌باشد.

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از سعد بن عبد اللّه نقل کرده که وی گفت:

علی بن الحسین النیشابوری گفت: ابراهیم بن رئاب حدیثی مثل این حدیث را با همین اسناد نقل نموده است.

۱۰۲] – باب صد و دوم زیارت قبر حضرت ابی الحسن الرّضا علیه السّلام

۱- حَدَّثَنِی حَکِیمُ بْنُ دَاوُدَ بْنِ حَکِیمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَکْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ هِشَامٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْهُ قَالَ إِذَا أَتَیْتَ الرِّضَا عَلِیَّ بْنَ مُوسَی (علیهما السلام) فَقُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضَی الْإِمَامِ التَّقِیِّ النَّقِیِّ وَ حُجَّتِکَ عَلَی مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَی الصِّدِّیقِ الشَّهِیدِ صَلَاةً کَثِیرَةً نَامِیَةً زَاکِیَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً کَأَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیَائِکَ

حکیم بن داود بن حکیم، از سلمهٔ بن خطّاب، از عبد اللّه بن احمد، از بکر بن صالح، از عمرو بن هاشم، از شخصی از اصحاب ما، وی گفت: هر گاه به زیارت علی بن موسی الرّضا علیه السّلام رفتی بگو:

خدایا درود و رحمت فرست بر علی بن موسی الرّضا که:

پسندیده و پیشوائی پرهیزکار و پاک بوده، حجّت تو است بر آنچه فوق و تحت زمین هستند، بسیار راستگو و شهید می‌باشد، درود و رحمت‌های بسیار و عظیم و پاکیزه و متصل و دنبال و ردیف هم همچون برترین رحمت‌هائی که بر یکی از اولیاء و دوستانت فرستادی.

۲- وَ رُوِیَ عَنْ بَعْضِهِمْ قَالَ إِذَا أَتَیْتَ قَبْرَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا بِطُوسَ فَاغْتَسِلْ عِنْدَ خُرُوجِکَ مِنْ مَنْزِلِکَ وَ قُلْ حِینَ تَغْتَسِلُ اللَّهُمَّ طَهِّرْنِی وَ طَهِّرْ لِی قَلْبِی- وَ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَ أَجْرِ عَلَی لِسَانِی مِدْحَتَکَ وَ الثَّنَاءَ عَلَیْکَ- فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِکَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی طَهُوراً وَ شِفَاءً وَ نُوراً وَ تَقُولُ حِینَ تَخْرُجُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَی اللَّهِ وَ إِلَی ابْنِ رَسُولِهِ حَسْبِیَ اللَّهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَ إِلَیْکَ قَصَدْتُ وَ مَا عِنْدَکَ أَرَدْتُ- فَإِذَا خَرَجْتَ فَقِفْ عَلَی بَابِ دَارِکَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَ عَلَیْکَ خَلَّفْتُ أَهْلِی وَ مَالِی وَ مَا خَوَّلْتَنِی وَ بِکَ وَثِقْتُ فَلَا تُخَیِّبْنِی یَا مَنْ لَا یَخِیبُ مَنْ أَرَادَهُ وَ لَا یَضِیعُ مَنْ حَفِظَهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنِی بِحِفْظِکَ فَإِنَّهُ لَا یَضِیعُ مَنْ حَفِظْتَ فَإِذَا وَافَیْتَ سَالِماً إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاغْتَسِلْ وَ قُلْ حِینَ تَغْتَسِلُ اللَّهُمَّ طَهِّرْنِی وَ طَهِّرْ قَلْبِی وَ اشْرَحْ لِی صَدْرِی وَ أَجْرِ عَلَی لِسَانِی مِدْحَتَکَ وَ مَحَبَّتَکَ وَ الثَّنَاءَ عَلَیْکَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِکَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ دِینِی التَّسْلِیمُ لِأَمْرِکَ وَ الِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِیِّکَ وَ الشَّهَادَةُ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ- اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی شِفَاءً وَ نُوراً- إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ ثُمَّ الْبَسْ أَطْهَرَ ثِیَابِکَ وَ امْشِ حَافِیاً وَ عَلَیْکَ السَّکِینَةُ وَ الْوَقَارُ بِالتَّکْبِیرِ وَ التَّهْلِیلِ وَ التَّسْبِیحِ وَ التَّحْمِیدِ وَ التَّمْجِیدِ وَ قَصِّرْ خُطَاکَ وَ قُلْ حِینَ تَدْخُلُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَی مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللَّهِ ثُمَّ أَشِرْ عَلَی قَبْرِهِ وَ اسْتَقْبِلْ وَجْهَهُ بِوَجْهِکَ وَ اجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَیْنَ کَتِفَیْکَ وَ قُلْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ- وَ أَنَّهُ سَیِّدُ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ أَنَّهُ سَیِّدُ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ سَیِّدِ خَلْقِکَ أَجْمَعِینَ- صَلَاةً لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا غَیْرُکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عَبْدِکَ وَ أَخِی رَسُولِکَ الَّذِی انْتَجَبْتَهُ لِعِلْمِکَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِیاً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِکَ وَ الدَّلِیلَ عَلَی مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالاتِکَ- وَ دَیَّانَ یَوْمِ الدِّینِ بِعَدْلِکَ وَ فَصْلَ قَضَائِکَ بَیْنَ خَلْقِکَ وَ الْمُهَیْمِنَ عَلَی ذَلِکَ کُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَیْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِیِّکَ وَ زَوْجَةِ وَلِیِّکَ وَ أُمِّ السِّبْطَیْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الطُّهْرَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ النَّقِیَّةِ [التَّقِیَّةِ]الرَّضِیَّةِ الزَّکِیَّةِ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ صَلَاةً لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا غَیْرُکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سِبْطَیْ نَبِیِّکَ وَ سَیِّدَیْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْقَائِمَیْنِ فِی خَلْقِکَ وَ الدَّلِیلَیْنِ عَلَی مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالاتِکَ وَ دَیَّانَیِ الدِّینِ بِعَدْلِکَ وَ فَصْلِ [فَصْلَیْ قَضَائِکَ بَیْنَ خَلْقِکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ [سَیِّدِ الْعَابِدِینَ]عَبْدِکَ وَ الْقَائِمِ فِی خَلْقِکَ وَ خَلِیفَتِکَ عَلَی خَلْقِکَ وَ الدَّلِیلِ عَلَی مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالاتِکَ وَ دَیَّانِ الدِّینِ بِعَدْلِکَ وَ فَصْلِ قَضَائِکَ بَیْنَ خَلْقِکَ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَبْدِکَ وَ وَلِیِّ دِینِکَ وَ خَلِیفَتِکَ فِی أَرْضِکَ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِیِّینَ الْقَائِمِ بِعَدْلِکَ وَ الدَّاعِی إِلَی دِینِکَ وَ دِینِ آبَائِهِ الصَّادِقِینَ- صَلَاةً لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا غَیْرُکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَبْدِکَ وَ وَلِیِّ دِینِکَ وَ

حُجَّتِکَ عَلَی خَلْقِکَ أَجْمَعِینَ الصَّادِقِ الْبَارِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْکَاظِمِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ وَ لِسَانِکَ فِی خَلْقِکَ النَّاطِقِ بِعِلْمِکَ وَ الْحُجَّهِٔ عَلَی بَرِیَّتِکَ صَلَاهًٔ لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا غَیْرُکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا الرَّضِیِّ الْمُرْتَضَی عَبْدِکَ وَ وَلِیِّ دِینِکَ الْقَائِمِ بِعَدْلِکَ وَ الدَّاعِی إِلَی دِینِکَ وَ دِینِ آبَائِهِ الصَّادِقِینَ- صَلَاهًٔ لَا یَقْدِرُ عَلَی إِحْصَائِهَا غَیْرُکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَائِمَیْنِ بِأَمْرِکَ وَ الْمُؤَدِّیَیْنِ عَنْکَ وَ شَاهِدَیْکَ عَلَی خَلْقِکَ وَ دَعَائِمِ دِینِکَ وَ الْقُوَّامِ عَلَی ذَلِکَ صَلَاهًٔ لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا غَیْرُکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْعَامِلِ بِأَمْرِکَ وَ الْقَائِمِ فِی خَلْقِکَ وَ حُجَّتِکَ الْمُؤَدِّی عَنْ نَبِیِّکَ وَ شَاهِدِکَ عَلَی خَلْقِکَ الْمَخْصُوصِ بِکَرَامَتِکَ الدَّاعِی إِلَی طَاعَتِکَ وَ طَاعَهِٔ رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ صَلَاهًٔ لَا یَقْوَی عَلَی إِحْصَائِهَا غَیْرُکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی حُجَّتِکَ وَ وَلِیِّکَ وَ الْقَائِمِ فِی خَلْقِکَ صَلَاهًٔ نَامِیَهًٔ بَاقِیَهًٔ تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُهُ مَعَهَا فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِٔ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِزِیَارَتِهِمْ وَ مَحَبَّتِهِمْ- وَ أُوَالِی وَلِیَّهُمْ وَ أُعَادِی عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِی بِهِمْ خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِٔ- وَ اصْرِفْ عَنِّی هَمَّ نَفْسِی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِٔ وَ أَهْوَالَ یَوْمِ الْقِیَامَهِٔ ثُمَّ تَجْلِسُ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّهَٔ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نُورَ اللَّهِ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا عَمُودَ الدِّینِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَهِٔ اللَّهِ- السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسَی کَلِیمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِیسَی رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللَّهِ- السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَلِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِٔ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ [سَیِّدِ الْعَابِدِینَ]السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ التَّقِیِّ النَّقِیِّ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْکَاظِمِ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الصِّدِّیقُ الشَّهِیدُ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْوَصِیُّ الْبَارُّ التَّقِیُّ أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاهَٔ وَ آتَیْتَ الزَّکَاهَٔ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا الْحَسَنِ وَ رَحْمَهُٔ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ إِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ ثُمَّ تَنْکَبُّ عَلَی الْقَبْرِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِلَیْکَ صَمَدْتُ مِنْ أَرْضِی وَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِکَ فَلَا تُخَیِّبْنِی وَ لَا تَرُدَّنِی بِغَیْرِ قَضَاءِ حَوَائِجِی وَ ارْحَمْ تَقَلُّبِی عَلَی قَبْرِ ابْنِ أَخِی نَبِیِّکَ وَ رَسُولِکَ ص- بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی أَتَیْتُکَ زَائِراً وَافِداً عَائِذاً مِمَّا جَنَیْتُ بِهِ عَلَی نَفْسِی وَ احْتَطَبْتُ عَلَی ظَهْرِی فَکُنْ لِی شَفِیعاً إِلَی رَبِّکَ یَوْمَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی فَإِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَحْمُوداً وَ أَنْتَ وَجِیهٌ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِٔ ثُمَّ تَرْفَعُ یَدَکَ الْیُمْنَی وَ تَبْسُطُ الْیُسْرَی عَلَی الْقَبْرِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِحُبِّهِمْ وَ بِمُوَالاتِهِمْ وَ أَتَوَلَّی آخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّیْتُ بِهِ أَوَّلَهُمْ وَ أَبْرَأُ مِنْ کُلِّ وَلِیجَهٍٔ دُونَهُمْ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَکَ وَ اتَّهَمُوا نَبِیَّکَ وَ جَحَدُوا آیَاتِکَ وَ سَخِرُوا بِإِمَامِکَ وَ حَمَلُوا النَّاسَ عَلَی أَکْتَافِ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِاللَّعْنَهِٔ عَلَیْهِمْ وَ الْبَرَاءَهِٔ مِنْهُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِٔ یَا رَحْمَانُ یَا رَحِیمُ ثُمَّ تَحَوَّلُ عِنْدَ رِجْلَیْهِ وَ تَقُولُ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ یَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَ عَلَی رُوحِکَ وَ بَدَنِکَ صَبَرْتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ بِالْأَیْدِی وَ الْأَلْسُنِ ثُمَّ ابْتَهِلْ بِاللَّعْنَهِٔ عَلَی قَاتِلِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ بِاللَّعْنَهِٔ عَلَی قَتَلَهِٔ الْحُسَیْنِ وَ عَلَی جَمِیعِ قَتَلَهِٔ أَهْلِ بَیْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) ثُمَّ تَحَوَّلْ عِنْدَ رَأْسِهِ مِنْ خَلْفِهِ وَ صَلِّ رَکْعَتَیْنِ تَقْرَأُ فِی إِحْدَاهُمَا یس وَ فِی الْأُخْرَی الرَّحْمَنَ وَ تَجْتَهِدُ فِی الدُّعَاءِ لِنَفْسِکَ وَ التَّضَرُّعِ وَ أَکْثِرْ مِنَ الدُّعَاءِ لِوَالِدَیْکَ وَ لِإِخْوَانِکَ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَقِمْ عِنْدَهُ مَا شِئْتَ- وَ لْیَکُنْ صَلَوَاتُکَ عِنْدَ الْقَبْرِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی

و از بعضی روایت شده که فرموده:

هر گاه به زیارت قبر علی بن موسی الرّضا در طوس رفتی هنگام خروج از منزلت غسل کن و در وقت غسل بگو: خدایا من را پاک و دلم را پاکیزه نما، سینه‌ام را فراخ کن، و مدح و ستایش خودت را بر زبانم جاری کن، زیرا هیچ قوّه و نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، خدایا این غسل را برای من پاک‌کننده و شفاء و نور قرار بده.

و در هنگام خروج از منزل بگو:

به کمک اسم «اللّه» و به کمک «اللّه» و به سوی «اللّه» و به سوی فرزند رسول خدا، کفایت می‌کند من را خدا، توکل می‌کنم بر خدا، خدایا به سوی تو توجه نمودم و تو را قصد کردمام و آنچه را نزد تو است اراده نمودهام.

و هنگامی که از منزل خارج شدی جنب درب بایست و بگو:

خدایا صورتم را به سوی تو متوجه نمودم، و اهل و مالم و آنچه را که به من عطاء کردی پیش تو گذاردم و به تو اطمینان کرده پس من را ناامید مکن ای کسی که هر که را تو اراده کنی او ناامید نمی‌شود و آن کس را که حفظ کنی ضایع نمی‌گردد، درود و رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد، حفظ کن من را به حفظ خودت زیرا شخصی را که تو حفظ کردی ضایع نمی‌شود.

و هنگامی که به مقصود سالما رسیدی غسل کن و در وقت غسل بگو:

خدایا من را پاك نما، و دلم را پاکیزه کن، سینه‌ام را فراخ کرده و مدح و محبّت خودت را بر زبانم جاری گردان، زیرا هیچ نیروئی وجود ندارد مگر به واسطه تو، و محققا دانسته‌ام که قوت دینم به این است که تسلیم امر تو بوده و از سنّت و شریعت پیغمبرت پیروی کنم و بر جمیع خلق تو شاهد و ناظر باشم، خدایا این غسل را برایم شفاء و نور قرار بده، تو بر هر چیزی قادر و توانا هستی.

سپس جامه‌ات را بپوش و پای برهنه در حالی که با وقار و آرامش حرکت می‌کنی گام بردار و در حال حرکت تکبیر (اللّه اکبر) و تهلیل (لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ) و تسبیح (سبحان اللّه) و تحمید (الحمد للّه) گفته و خدا را به مجد و بزرگی یاد کن.

سعی کن قدم‌هایت را کوتاه برداری و در موقع داخل شدن به روضه منوّره آن حضرت بگو:

کمك می‌جویم به نام خدا و ذات اقدسش و شهادت می‌دهم که بر شریعت و ملّت رسول خدا، هستم، شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خدا نبوده، تنها است و شریك و انبازی ندارد، و شهادت می‌دهم که محمّد بنده و فرستاده‌اش می‌باشد و شهادت می‌دهم که علی ولّی خدا است.

سپس به طرف قبر مطهّرش اشاره کن و رو به صورت قبر کن و قبله را پشت سر بگیر و بگو:

شهادت می‌دهم که معبودی غیر از خدا نبوده و او تنها است و انبازی ندارد، و شهادت می‌دهم که محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بنده و فرستاده‌اش بوده و سرور اوّلین و آخرین است، شهادت می‌دهم که او آقای انبیاء و فرستاده‌شدگان است، خدایا رحمتت را بر محمّد که بنده و رسول و نبیّ تو و سرور تمام خلائق می‌باشد بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین اندازه‌اش قادر نیست.

خدایا رحمتت را بر امیر موءمنان علی بن ابی طالب که بنده و برادر رسولت بوده و کسی است که او را برگزیدی و راهنما برای هر کس از مخلوقات که بخواهی و دلیل و نشانه بر کسی که او را به رسالت بر انگیخته‌ای قرارش دادی بفرست، او در روز قیامت به عدل تو حکم کرده و منازعات بین مخلوقات را فیصله می‌دهد، نگاهبان بر تمام امور است، و درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

خدایا رحمتت را بر فاطمه که دختر پیغمبر و همسر ولی تو و مادر دو سبط پیامبرت یعنی حسن و حسین که دو سرور جوانان اهل بهشت هستند می‌باشد بفرست، خدایا رحمتت را بر فاطمه که نفس پاکی و پاك و پاکیزه و غیر آورده به آلودگیها است، پسندیده خدا و تزکیه شده و بانوی بانوان عالم و سرور زنان اهل بهشت است بفرست، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نیست.

خدایا رحمتت را بر حسن و حسین که دو سبط پیغمبرت بوده و دو سرور جوانان اهل بهشت هستند بفرست ایشان به پا خاسته‌اند بین خلق تو، نشانه و دلیل هستند بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته‌ای به عدل تو در روز قیامت حکم می‌کنند، و منازعات بین مردم را فیصله می‌دهند.

خدایا رحمتت را بر علی بن الحسین که سرور عابدین و بنده تو بوده بفرست، بین خلق تو به پا خاسته و جانشین تو بر خلق است، نشانه و دلیل است بر کسی که او را به رسالت و پیغمبری برانگیخته‌ای به عدل تو در روز قیامت حکم می‌کند، و منازعات بین مردم را فیصله می‌دهد.

خدایا رحمتت را بر محمّد بن علی که بنده و ولیّ دینت و جانشین تو در زمین هست بفرست، شکافنده و تشریع کننده علم انبیاء است، عدل تو را به پا نموده، و به دینت و دین پدران صادق و راستگویش مردم را دعوت کرده است، خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر جعفر بن محمّد که صادق و عبد و ولی دین و حجت تو بر تمام خلائق است بفرست، راستگو و نیکوکار می‌باشد.

خدایا رحمتت را بر موسی بن جعفر که کاظم (مسلّط بر خشم) و بنده نیکوکار تو است بفرست زبان تو در بین مخلوقات بوده، به علم تو سخن گفته و حجت تو بر مردمان است خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر علی بن موسی که رضا و خشنود و پسندیده تو است بفرست، بنده تو و ولیّ دینت می‌باشد، عدل تو را به پا کرده و مردم را به دین تو و دین پدران صادق و راستگویش دعوت کرده خدایا رحمتی بر او بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر محمّد بن علی و علی بن محمّد که به امر تو به پا خاسته و از طرف تو اداء وظیفه نمودند بفرست، آن دو شاهد و ناظر بر خلق بوده و ستونهای دین و قوام بخش آن هستند خدایا رحمتی بر آنها بفرست که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حسن بن علیّ که به امر تو عمل نمود و در بین خلق تو بپاخاست بفرست حجّت تو است و از طرف پیغمبرت اداء وظیفه نمود و شاهد و ناظر تو است بر خلائق، به کرامت تو اختصاص داده شده و به طاعت تو و طاعت رسولت مردم را دعوت نموده.

خدایا رحمت خود را بر تمام ایشان شامل گردان، رحمتی که غیر از تو دیگری بر احصاء و تعیین مقدارش قادر نباشد.

خدایا رحمتت را بر حجّت و ولی خود که قائم در بین مردم است بفرست، رحمتی فراوان و غیر قابل زوال، خدایا در فرج حجّتت شتاب کن و او را یاری فرما، خدایا در دنیا و آخرت ما را با او قرار بده.

خدایا به واسطه زیارت و محبّت ایشان به تو تقرّب می‌جویم، دوستدارانشان را دوست و دشمنانشان را دشمن دارم، خیر دنیا و آخرت را بواسطه ایشان نصیب من گردان، در دنیا و آخرت غم و اندوهم را به واسطه ایشان برطرف فرما، به واسطه ایشان هول و وحشت‌های قیامت را از من بر کنار بدار.

سپس بالای سر مبارک بنشین و بگو:

درود بر تو ای حجّت خدا، درود بر تو ای ولّی خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، درود بر تو ای ستون دین، درود بر تو ای وارث آدم برگزیده، درود بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا، درود بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، درود بر تو ای وارث موسی کلیم و سخن‌گوی با خدا درود بر تو ای وارث عیسی خدا، درود بر تو ای وارث حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم محبوب خدا، درود بر تو ای وارث حضرت امیر الموءمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام ولیّ خدا، درود بر تو ای وارث حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السّلام دو سرور جوانان اهل بهشت، درود بر تو ای وارث حضرت علی بن الحسین علیه السّلام سرور عابدین، درود بر تو ای وارث حضرت محمّد بن علی علیه السّلام شکافنده و تشریح کننده علوم اولین و آخرین، درود بر تو ای وارث حضرت جعفر بن محمّد علیه السّلام صادق و نیکوکار و پرهیزکار و پاکیزه، درود بر تو ای وارث حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام مسلط بر خشم و غضب خود، درود بر تو ای راستگو و ای شهید، درود بر تو ای وصیّ و نیکوکار و پرهیزکار، شهادت می‌دهم که تو نماز را بپاداشتی و زکات را داده و به معروف امر و از منکر و قبیح نهی فرمودی و خدا را مخلصا پرستیدی تا وقتی

که اجل تو را دریافت.

درود بر تو ای ابا الحسن و رحمت و برکات خدا نیز بر تو باد، خدا پسندیده و بزرگ می‌باشد.

سپس تکیه بر قبر کن و بگو:

خدایا از سرزمین خود که حرکت کردم تو را قصد نموده و شهرها را که طی کرده و پشت سر نهاده‌ام به نیّت تو حرکت کرده‌ام به امید اینکه رحمتت شامل حالم شود پس من را ناامید مکن و بدون اینکه حاجتم را روا کنی به وطنم برمگردان، خدایا به غلطیدن و آمدنم بر قبر پسر برادر پیامبر و رسولت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم رحم نما و من را مورد عنایت قرار بده، ای علی بن موسی الرضا پدر و مادرم فدایت به نزدت آمده در حالی که زائر و مسافر بوده و از جنایت‌هائی که بر نفس خویش کرده و بار سنگینی که به پشت گرفته‌ام به تو پناهنده شده‌ام پس در روز حاجت و نیازمندیم شفیع من نزد پروردگار باش چه آنکه تو نزد خدا مقامی پسندیده داشته و در دنیا و آخرت پیش حق تعالی وجیه و آبرومند می‌باشی.

سپس دست راست را بلند و دست چپ را بر روی قبر پهن کن و بگو:

بار خدایا من بواسطه حبّ و دوستی ایشان به تو تقرّب می‌جویم، خدایا من آخرین نفر ایشان را دوست دارم همان طوری که اوّلین نفرشان را دوست دار هستم، و بی‌زاری می‌جویم از هر بیگانه‌ای نسبت به آنها، خدایا آنان که نعمت تو را تبدیل کرده و پیامبرت را مورد اتّهام قرار داده و آیات تو را انکار نموده و امام و پیشوایت را مورد استهزاء و سخریه قرار داده و مردم را بر شانه‌های آل محمّد سوار کرده و آنها را بر این ذوات مقدسه مسلّط کرده‌اند لعنت نما، خدایا من به واسطه لعنت بر ایشان و بی‌زاری از آنها در دنیا و آخرت به تو تقرّب می‌جویم ای مهربان و ای صاحب رحم.

سپس به پائین پای مبارک برو و بگو:

یا ابا الحسن رحمت خدا بر تو، رحمت خدا بر تو و بر روح و بر جسم تو، صبر نموده و در مشکلات و ناملایمات شکیبا بودی، تو راستگو و مورد تصدیق می‌باشی، خدا بکشد کسانی را که تو را با دست‌ها و زبان‌ها کشتند.

سپس در لعنت بر قاتلان امیر الموءمنین و امام حسین سلام اللّه علیهما و تمام قاتلین اهل بیت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم مبالغه نما.

سپس از پشت قبر به بالا سر برگرد و در آنجا دو رکعت نماز به این کیفیت بخوان:

در رکعت اول سوره حمد و یس و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره الرحمن را قرائت کن.

و پس از فراغت از آن برای خود بسیار دعاء کن و در تضرع و زاری مبالغه نما و برای پدر و مادر و برادران ایمانی خود تا می‌توانی دعاء کن و هر مقداری که خواستی در آنجا اقامت کن.

قابل توجّه آنکه دو رکعت نماز را نزدیک قبر مطهّر بجا بیاور.

*** ***

*** ***

۱۰۳] - باب صد و سوّم زیارت نامه حضرت ابی الحسن علی بن محمّد الهادی و حضرت ابی محمّد الحسن بن علی العسکری علیهم السّلام در سامرّاء

رُوِیَ عَنْ بَعْضِهِمْ (علیهم السلام) أَنَّهُ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ زِیَارَةَ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوَادِ وَ أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیِّ (علیهم السلام) تَقُولُ بَعْدَ الْغُسْلِ إِنْ وَصَلْتَ إِلَی قَبْرَیْهِمَا وَ إِلَّا أَوْمَأْتَ بِالسَّلَامِ مِنْ عِنْدِ الْبَابِ الَّذِی عَلَی الشَّارِعِ الشُّبَّاکِ تَقُولُ- السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا وَلِیَّیِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا حُجَّتَیِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا نُورَیِ اللَّهِ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا مَنْ بَدَا لِلَّهِ فِی شَأْنِکُمَا- السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا حَبِیبَیِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا یَا إِمَامَیِ الْهُدَی أَتَیْتُکُمَا عَارِفاً بِحَقِّکُمَا مُعَادِیاً لِأَعْدَائِکُمَا مُوَالِیاً لِأَوْلِیَائِکُمَا مُؤْمِناً بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ کَافِراً بِمَا کَفَرْتُمَا بِهِ مُحَقِّقاً لِمَا حَقَّقْتُمَا مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبَّکُمَا أَنْ یَجْعَلَ حَظِّی مِنْ زِیَارَتِکُمَا الصَّلَاةَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ یَرْزُقَنِی مُرَافَقَتَکُمَا فِی الْجِنَانِ مَعَ آبَائِکُمَا الصَّالِحِینَ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ یُعْتِقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ یَرْزُقَنِی شَفَاعَتَکُمَا وَ مُصَاحَبَتَکُمَا وَ یُعَرِّفَ بَیْنِی وَ بَیْنَکُمَا وَ لَا یَسْلُبَنِی حُبَّکُمَا وَ حُبَّ آبَائِکُمَا الصَّالِحِینَ وَ أَنْ لَا یَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِکُمَا وَ یَحْشُرَنِی مَعَکُمَا فِی الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی حُبَّهُمَا وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِی آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَ انْتَقِمْ مِنْهُمْ- اللَّهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلِینَ مِنْهُمْ وَ الْآخِرِینَ وَ ضَاعِفْ عَلَیْهِمُ الْعَذَابَ- وَ بَلِّغْ بِهِمْ وَ بِأَشْیَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ مُحِبِّیهِمْ وَ مُتَّبِعِیهِمْ- أَسْفَلَ دَرْکٍ مِنَ الْجَحِیمِ- إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِیِّکَ وَ ابْنَ وَلِیِّکَ وَ اجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ تَجْتَهِدُ فِی الدُّعَاءِ لِنَفْسِکَ وَ لِوَالِدَیْکَ وَ تَخَیَّرْ مِنَ الدُّعَاءِ- فَإِنْ وَصَلْتَ إِلَیْهِمَا (صلی الله علیه و آله) فَصَلِّ عِنْدَ قَبْرِهِمَا رَکْعَتَیْنِ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَ صَلَّیْتَ دَعَوْتَ اللَّهَ بِمَا أَحْبَبْتَ إِنَّهُ قَرِیبٌ مُجِیبٌ وَ هَذَا الْمَسْجِدُ إِلَی جَانِبِ الدَّارِ وَ فِیهِ کَانَا یُصَلِّیَانِ ع

از بعضی ائمه علیهم السّلام مروی است که فرمودند:

هر گاه خواستی حضرت ابی الحسن الثالث علی بن محمّد الحسن بن علی علیهم السّلام را زیارت کنی ابتداء غسل کن و بعد اگر توانستی به نزدیک قبر ایشان رفته و به آن دو برسی و در غیر این صورت مقابل پنجره‌ای که باز می‌شود بسوی قبر با اشاره سلام بده و بگو:

درود بر شما ای دو ولّی خدا، درود بر شما ای دو حجّت خدا، درود بر شما ای دو نور خدا در تاریکی‌های زمین، درود بر شما ای کسانی که خدا در باره شما اراده‌اش را ظاهر ساخت، درود بر شما ای دو محبوب خدا، درود بر شما ای دو پیشوای هدایت، به زیارتتان آمده‌ام در حالی که به حق شما عارف بوده و دشمن دشمنانتان و دوست دار دوستانتان می‌باشم، ایمان دارم به آنچه شما ایمان به آن داشته و منکر هستم آنچه را که شما آن را انکار دارید حق می‌دانم آنچه را که شما حق می‌دانید، و باطل می‌دانم آنچه را که شما باطل می‌دانید، از خدا که پروردگار من و پروردگار شما است می‌خواهم که بهره من از زیارت شما را رحمت بر محمّد و آل محمّد و نیز رفاقت با شما در بهشت همراه آباء نیکوکارتان قرار دهد، و از او می‌خواهم که من را از آتش دوزخ برهاند و شفاعت شما و مصاحبتتان را نصیبم نماید و نیز از حضرتش می‌خواهم که بین من و شما آشنائی بر قرار کند، و از من نگیرد دوستی شما و دوستی پدران نیکوکار شما را و همچنین از حضرتش می‌خواهم که این عهد و آشنائی را آخرین بار زیارت شما برایم قرار ندهد، و نیز از او می‌خواهم که به واسطه رحمت واسطه‌اش من را با شما در بهشت محشور گرداند.

خداوندا، حبّ این دو امام همان را روزی من گردان و من را بر کیش و آئین ایشان از دنیا ببر، خداوندا، ستم‌کنندگان به آل محمّد و آنان که حق ایشان را ندادند لعنت فرما و از آنها انتقام بگیر، خداوندا، اوّلین و آخرین این گروه ستمگر را لعنت نما و عذابشان را مضاعف کن و برسان ایشان و شیعیان و پیروان و دوستداران و تبعیّت‌کنندگانشان را به پائین‌ترین درک (ته) از آتش دوزخ، تو بر هر چیز قادر و توانائی، خداوندا، در فرج و برپا کردن حکومت ولیّ خود و فرزند ولیّ خویش شتاب نما، و قرار بده فرج و توسعه ما را با فرج و فراخی ایشان ای بارحم‌تر از هر صاحب رحمی.

و پس از آن در دعاء برای خود و پدر و مادر خویش جدّ و جهد نما و هر دعائی که خواستی بکن.

و در صورتی که توانستی به نزد قبر ایشان روی و دست‌رسی به آن پیدا کردی نزد قبر ایشان دو رکعت نماز بخوان.

و هر گاه داخل مسجد شدی (مسجد مزبور پهلوی خانه ایشان بوده و این دو امام همام در آن نماز می‌خواندند) و نماز گزاردی هر دعائی که دوست داشتی بکن که ان شاء اللّه خداوند متعال عنقریب اجابت فرماید.

۱۰۴] – باب صد و چهارم زیارت نامه جمیع ائمه علیهم السّلام «زیارت جامعه»

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی بْنِ عِمْرَانَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ قَالَ سُئِلَ الرِّضَا (علیه السلام) فِی إِتْیَانِ قَبْرِ أَبِی الْحَسَنِ (علیه السلام) فَقَالَ صَلُّوا فِی الْمَسَاجِدِ حَوْلَهُ- وَ یُجْزِئُ فِی الْمَوَاضِعِ کُلِّهَا أَنْ تَقُولَ السَّلَامُ عَلَی أَوْلِیَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِیَائِهِ- السَّلَامُ عَلَی أُمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَی أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ- السَّلَامُ عَلَی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی مَسَاکِنِ ذِکْرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی مَظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْیِهِ السَّلَامُ عَلَی الدُّعَاةِ إِلَی اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی الْمُسْتَقِرِّینَ فِی مَرْضَاةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی الْمُخْلِصِینَ [الْمُمَحَّصِینَ]فِی طَاعَةِ اللَّهِ- السَّلَامُ عَلَی الَّذِینَ مَنْ وَالاهُمْ فَقَدْ وَالَی اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَی اللَّهَ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ- وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ مَنْ تَخَلَّی مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّی مِنَ اللَّهِ- أُشْهِدُ اللَّهَ أَنِّی سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَ عَلَانِیَتِکُمْ مُفَوِّضٌ فِی ذَلِکَ کُلِّهِ إِلَیْکُمْ لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَبْرَأُ إِلَی اللَّهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ- هَذَا یُجْزِئُ مِنَ الزِّیَارَاتِ کُلِّهَا وَ تُکْثِرُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُسَمِّی وَاحِداً وَاحِداً بِأَسْمَائِهِمْ وَ تَبْرَأُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ تَخَیَّرْ لِنَفْسِکَ مِنَ الدُّعَاءِ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ

محمّد بن الحسین بن متّ الجوهری، از محمّد بن احمد بن یحیی بن عمران، از هارون بن مسلم از علی بن حسّان، وی گفت:

از حضرت امام رضا علیه السّلام راجع به زیارت قبر حضرت ابی الحسن علیه السّلام (حضرت موسی بن جعفر سلام اللّه علیها) سوءال شد:

حضرت فرمودند:

ابتداء در مساجد نزدیک آن نماز خوانده و در تمام اماکن مجزی است بگوئید (یعنی در زیارت تمام حضرات ائمه معصومین علیهم السّلام می‌توان این زیارت را خواند):

درود بر اولیاء خدا و برگزیدگانش، درود بر امین‌های او و محبوبانش، درود بر یاران خدا و جانشینانش، درود بر محل‌های شناخت خدا و مراکز آن، درود بر مواضع ذکر و یاد خدا، درود بر نمونه‌های امر و نهی خدا، درود بر دعوت‌کنندگان بسوی خدا، درود بر قرارگیرندگان در مواضع و امور مورد رضای خدا، درود بر کسانی که اطاعت خدا را خالصانه انجام می‌دهند، درود بر آنان که هر کس ایشان را دوست داشته باشد خدا را دوست داشته و کسی که با آنان دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است، درود بر آنان که هر کس ایشان را شناخت خدا را شناخته و کسی که ایشان را نشناسد پس خدا را نشناخته، درود بر کسانی که هر کس به دامن ایشان چنگ زند به خدا چنگ زده و به او متوسّل شده و هر کس از ایشان کناره گیرد از خدا کناره‌گیری کرده است، خدا را شاهد می‌گیرم که من در صلح هستم با هر کس که با شما در صلح بوده و نزاع و حرب دارم با هر کس که با شما حرب دارد، خدا را شاهد می‌گیرم که من به باطن و ظاهر شما ایمان و اعتقاد دارم، تمام امور را به شما واگذار می‌کنم، خدا لعنت کند دشمنان آل محمّد را چه از جن و چه از انس، و به سوی خدا بی‌زاری می‌جویم از تمام دشمنان ایشان، و خدا رحمت فرستد بر محمّد و دودمان محمّد صلوات اللّه علیهم اجمعین.

این زیارت نامه را در تمام زیارات حضرات معصومین علیهم السّلام می‌توان خواند.

و حتی الامکان صلوات بر محمّد و آل محمّد زیاد بفرست و نام هر یک از ائمه علیهم السّلام را یک یک برده و از دشمنانشان بی‌زاری بجوی و برای خود و موءمنین و موءمنات هر دعائی را که خواستی بکن.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی ره وَ جَمَاعَةُ مَشَایِخِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ جَمِیعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ إِسْحَاقَ ابْنِ أَخِی شُعَیْبٍ الْعَقَرْقُوفِیِّ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ تَقُولُ إِذَا أَتَیْتَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) وَ یُجْزِیکَ عِنْدَ قَبْرِ کُلِّ إِمَامٍ ع- السَّلَامُ عَلَیْکَ مِنَ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَی

مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالاتِكَ وَ كُتُبِكَ- وَ دَيَّانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ- وَ تَقُولُ فِي زِيَارَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ إِلَى آخِرِهِ وَ فِي زِيَارَةِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) أَمَتِكَ وَ بِنْتِ رَسُولِكَ إِلَى آخِرِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و جماعتی از مشایخ و اساتیدم از محمّد بن یحیی العطّار.

و محمّد بن الحسین بن متّ الجوهری جمیعا، از محمّد بن احمد بن یحیی بن عمران، از علی بن حسّان از عروهٔ بن اسحق (پسر برادر شعیب عقرقوفی) از کسی که ذکرش نموده، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هر گاه به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السّلام رفتی این زیارت را بخوان، البته در زیارت قبر هر امامی می‌توان آن را خواند:

درود از خدا بر تو، درود بر محمّد بن عبد اللّه که امین خدا بر وحی او و وسیله حتمی امر او است خاتم انبیاء گذشته و گشاینده سرفصل اوصیاء آینده می‌باشد، خدایا درود فرست بر محمّد که بنده و رسولت هست او را با علم خودت نجیب و راهنمای هر کسی که بخواهی قرار دادی، دلیل و نشان بر کسی قرارش دادی که با پیام‌ها و کتابهایت او را برانگیختی، او را سیاستمدار دین و حکم‌کننده به عدلت نمودی، فیصله دهنده منازعات بین مخلوقات می‌باشد، او را مسلّط بر تمام امور نمودی درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.

و در زیارت امیر الموءمنین علیه السّلام بگو:

خدایا رحمتت را بر امیر الموءمنین که بنده و برادر رسولت هست بفرست ...

سپس بقیه زیارت را بهمان نحوی که ذکر شد بخوان.

و اگر حضرت فاطمه علیها السّلام را زیارت می‌کنی در زیارت آن حضرت نیز همان فقرات مذکور را بخوان منتهی بجای «عبدک و رسولک» بگو:

دنباله زیارت جامعه دوّم

وَ فِي زِيَارَةِ سَائِرِ الْأَئِمَّةِ أَبْنَاءِ رَسُولِكَ- عَلَى مَا قُلْتَ فِي النَّبِيِّ أَوَّلَ مَرَّةٍ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِكَ ثُمَّ تَقُولُ- أَشْهَدُ أَنَّكُمْ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى مَنْ فِيهَا وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ مِنْ طِينَةٍ وَاحِدَةٍ طَابَتْ وَ طَهُرَتْ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَ مِنْ رَحْمَتِهِ- وَ أُشْهِدُ اللَّهَ وَ أُشْهِدُكُمْ أَنِّي لَكُمْ تَبَعٌ بِذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي اللَّهُمَّ فَأَتْمِمْ لِي ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ قُمْتَ بِحَقِّهِ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُوهِنٍ فَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً عَنْ رَعِيَّتِكَ أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَ أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَ لَكَ وَ أَنْتَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثَ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ عَبَدْتَ رَبَّكَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ ثُمَّ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُسَوِّمِينَ- السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُنْزَلِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُرْدِفِينَ- السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَرَمِ بِإِذْنِ اللَّهِ مُقِيمُونَ- ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذَيْنِ بَدَّلَا نِعْمَتَكَ وَ خَالَفَا كِتَابَكَ وَ جَحَدَا آيَاتِكَ وَ اتَّهَمَا رَسُولَكَ احْشُ قُبُورَهُمَا وَ أَجْوَافَهُمَا نَاراً وَ أَعِدَّ لَهُمَا عَذَاباً أَلِيماً وَ احْشُرْهُمَا وَ أَشْيَاعَهُمَا وَ أَتْبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقاً- وَ احْشُرْهُمَا وَ أَشْيَاعَهُمَا وَ أَتْبَاعَهُمَا يَوْمَ الْقِيامَةِ علی وُجُوهِهِمْ عُمْياً وَ بُكْماً وَ صُمًّا- مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّما خَبَتْ زِدْناهُمْ سَعِيراً اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ فَإِنَّكَ وَعَدْتَهُ ذَلِكَ وَ أَنْتَ الرَّبُّ الَّذِي لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ وَ كَذَلِكَ تَقُولُ عِنْدَ قُبُورِ كُلِّ الْأَئِمَّةِ ع

و در زیارت سائر ائمه علیهم السّلام بجای «رسولک» که در زیارت پیامبر اکرم می گفتی و به جای «اخی رسولک» که در زیارت امیر الموءمنین و عوض «بنت رسولک» که در زیارت حضرت فاطمه علیها السّلام می‌آوردی بگو: ابناء رسولک.

مترجم گوید:

یعنی در زیارت هر یک از ائمه علیهم السّلام عین همان زیارت پیغمبر اکرم را بخوان منتهی بجای: اللّهم صل علی محمّد، بگو اللهم صلّ علی ... نام امام مورد زیارت را بگو و بعد بجای عبدك و رسولك بگو عبدك و ابن رسولك، پس در زیارت یك یك ائمه علیهم السّلام بهمین کیفیت زیارت کن تا در آخر منتهی شوی به وجود حضرت صاحب العصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف و آن حضرت را نیز بهمین کیفیت زیارت کن و پس از اتمام زیارت جامعه به کیفیتی که ذکر شد بگو:

شهادت می‌دهم که شما کلمه و نمونه تقوی و باب هدایت و ریسمان محکم خدا و حجّت بالغه او بر آنچه روی و زیر زمین قرار گرفته می‌باشید، و خدا و شما را شاهد می‌گیرم که به ذات خود و در عمل به شرایع دین و فرجام کار پیرو و تابع شما هستم، خدایا بواسطه رحمتت برایم آن را حاصل گردان ای مهربان‌تر از هر مهربانی، درود بر تو ای ابا عبد اللّه، شهادت می‌دهم که تو آنچه را که مأمور بوده از طرف خدا تبلیغش کردی و حقّش را اقامه کردی بدون اینکه خسته شده یا اظهار خستگی نمائی، پس خدا از طرف رعیّتت جزاء خیر به تو دهد، شهادت می‌دهم که جهاد در معیّت شما جهادی است که عظیم و حق با تو و برای تو است و تو معدن و مرکز آن هستی، و شهادت می‌دهم که میراث نبوّت نزد تو و نزد اهل بیت تو است، شهادت می‌دهم که تو نماز را به‌پاداشتی و زکات را اداء کرده و به معروف امر و از منکر نهی کرده‌ای، و با حکمت و پند دادن نیکو، مردم را به راه پروردگارت دعوت نموده‌ای، و پروردگارت را پرستیدی تا وقتی که مرگ تو را دریافت.

سپس بگو:

درود بر فرشتگان معیّن و مشخّص حق تعالی، درود بر فرشتگانی که بر زمین نازل شدند درود بر ملائکه و فرشتگان خدا که ردیف هم قرار دارند، درود بر فرشتگان خدا که در این حرم به اذن خدا اقامت کرده‌اند.

سپس بگو:

خدایا لعنت کن آن دو نفری را که نعمتت را تبدیل و با کتابت مخالفت و آیاتت را انکار نموده و رسولت را متّهم ساختند، خدایا گور ایشان و باطنشان را از آتش پر نما و آماده کن برای ایشان عذابی دردناك و ایشان و دوستان و پیروانشان را در دوزخ محشور نما و ایشان و دوستان و پیروانشان را روز قیامت کور و کر و لال محشور کن.

مسکنشان را دوزخ قرار بده دوزخی که هر گاه آتشش خاموش شود باز آن را شدیدتر سوزان و شعله‌ور می‌نمائی، خدایا این زیارت را آخرین عهد و زیارت من نسبت به قبر پسر پیغمبرت قرار مده، خدایا او را مقامی محمود و شایسته عنایت بفرما که به واسطه‌اش دینت را یاری کرده و به توسطش دشمنانت را نابود نمائی چه آنکه خودت این وعده را داده‌ای و تو خدائی هستی که خلف وعده نمی‌نمائی.

و در زیارت قبور هر یك از ائمه علیهم السّلام همین زیارت نامه را می‌توانی بخوانی.

وَ تَقُولُ عِنْدَ كُلِّ إِمَامٍ زُرْتَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ سُلَالَةَ الْوَصِيِّينَ وَ الشَّهِيدَ يَوْمَ الدِّينِ- أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ آبَاءَكَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِكَ وَ أَبْنَاءَكَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِكَ مَوَالِيَّ وَ أَوْلِيَائِي وَ أَئِمَّتِي وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْفِيَاءُ اللَّهِ وَ خَزَنَتُهُ وَ حُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ انْتَجَبَكُمْ بِعِلْمِهِ أَنْصَاراً لِدِينِهِ وَ قُوَّاماً بِأَمْرِهِ- وَ خُزَّاناً لِعِلْمِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ تَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ وَ مَعْدِناً لِكَلِمَاتِهِ وَ أَرْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ وَ شُهُوداً عَلَى عِبَادِهِ وَ اسْتَوْدَعَكُمْ خَلْقَهُ وَ أَوْرَثَكُمْ كِتَابَهُ وَ خَصَّكُمْ بِكَرَائِمِ التَّنْزِيلِ وَ أَعْطَاكُمُ التَّأْوِيلَ وَ جَعَلَكُمْ تَابُوتَ حِكْمَتِهِ وَ مَنَاراً فِي بِلَادِهِ وَ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ نُورِهِ وَ أَجْرَى فِيكُمْ مِنْ عِلْمِهِ وَ عَصَمَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ بِكُمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ وَ اجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَ لَزِمَتِ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ فَأَنْتُمْ أَوْلِيَاؤُهُ النُّجَبَاءُ وَ عِبَادُهُ الْمُكْرَمُونَ أَتَيْتُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفاً بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً أَتَيْتُكَ وَافِداً زَائِراً

عَائِذاً مُسْتَجِیراً مِمَّا جَنَیْتُ عَلَی نَفْسِی وَ احْتَطَبْتُ عَلَی ظَهْرِی فَکُنْ لِی شَفِیعاً فَإِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَعْلُوماً وَ أَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِیهٌ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَیْکُمْ وَ أَتَوَلَّی آخِرَکُمْ بِمَا تَوَلَّیْتُ بِهِ أَوَّلَکُمْ وَ أَبْرَأُ مِنْ کُلِّ وَلِیجَةٍ دُونَکُمْ وَ کَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّی

و به زیارت هر یک از ائمه علیهم السّلام که رفته باشی بخوان:

درود بر تو ای ولیّ خدا، درود بر تو ای حجّت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، درود بر تو ای امام اهل ایمان و وارث علم انبیاء و فرزند اوصیاء و شهید و حاضر روز قیامت، شهادت می‌دهم که تو و پدرانت که پیش از تو بوده و فرزندانت که بعد از تو هستند سروران و اولیاء و پیشوایان من هستند، شهادت می‌دهم که شما برگزیدگان خدا و نگهبانان او و حجت‌های بالغه او بوده که با علمش شما را یاوران دین خودش قرار داد، به امر او قائم هستید و نگهبانان علم او می‌باشید و حافظ اسرارش بوده و بازگوکننده وحی او و معدن و مرکز کلمات و ارکان و ستون‌های توحیدش و شاهدها بر بندگانش می‌باشید، خداوند مخلوقاتش را به شما سپرده و کتابش را به میراث به شما داده، و اختصاص داد شما را به آیات کریمه و تأویل آنها را به شما اعطاء فرمود، قرار داد شما را صندوق حکمتش و علامت هدایت در شهرهای خودش، برای نورش مثل به شما زده، از علمش در شما جاری نموده، شما را از هر لغزشی باز داشت و از هر آلودگی پاک نمود، رجس و پلیدی را از شما برکنار داشت، بواسطه شما نعمت‌های خود را تحقّق داد، بواسطه شما جدائی‌ها را به صورت اجتماع در آورد و به توسط شما بین کلمات تألیف و جمع نمود، و به وساطت شما طاعت واجب لازم شده و مودّت و محبّت لازم تحقیق یافته، پس شما اولیاء و برگزیدگان او و بندگان با کرمش می‌باشید، ای پسر رسول خدا به زیارتت آمده‌ام در حالی که به حقّت عارف و به شأن و مقامت مستبصر هستم، دشمنانتان را دشمن داشته و دوستانتان را دوست می‌دارم، پدر و مادرم فدایت باد، رحمت خدا و درودش بر تو باد، به نزدت آمده‌ام در حالی که مسافر و زائرم، از جنایت‌هائی که بخود کرده و کوله‌بار سنگینی که برای خویش فراهم نموده‌ام به تو پناه آورده‌ام پس شافع من باش زیرا تو نزد خدا مقامی معلوم و مشخص داری و تو نزد خدا وجیه و آبرومند هستی، به خدا و به آنچه نازل بر شما شده ایمان دارم، آخرین نفر شما را دوست دارم همان طوری که اوّلین نفرتان را دوست می‌دارم و بی‌زاری می‌جویم از هر برگزیده‌ای که غیر شما باشد و به هر باطل و بیهوده و لات و عزّی کفر ورزیده و آنها را انکار دارم.

۱۰۵] – باب صد و پنجم فضیلت زیارت موءمنین و کیفیت آن

۱- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِیُّ الْکُوفِیُّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الرَّازِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ (علیه السلام) یَقُولُ مَنْ لَمْ یُقَدِّرْهُ أَنْ یَزُورَنَا فَلْیَزُرْ صَالِحِی مَوَالِینَا- یُکْتَبْ لَهُ ثَوَابُ زِیَارَتِنَا وَ مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی صِلَتِنَا فَلْیَصِلْ عَلَی صَالِحِی مَوَالِینَا یُکْتَبْ لَهُ ثَوَابُ صِلَتِنَا

ابو العباس بن محمّد بن جعفر رزّاز قرشی کوفی، از دائی خود محمّد بن الحسین بن ابی الخطّاب، از عمرو بن عثمان الرّازی وی گفت: از ابا الحسن الاوّل علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که نمی‌تواند ما را زیارت کند پس دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می‌شود و کسی که بر احسان به ما قادر نباشد پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان کند که ثواب احسان به ما برایش نوشته می‌شود

۲- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّیلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا (علیه السلام) یَقُولُ مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی صِلَتِنَا فَلْیَصِلْ عَلَی صَالِحِی مَوَالِینَا- یُکْتَبْ لَهُ ثَوَابُ صِلَتِنَا وَ مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی زِیَارَتِنَا فَلْیَزُرْ صَالِحِی مَوَالِینَا- یُکْتَبْ لَهُ ثَوَابُ زِیَارَتِنَا

محمّد بن الحسن بن احمد بن الولید، از حسن بن متیل، از محمّد بن عبد اللّه بن مهران، از عمرو بن عثمان، وی می گوید: از حضرت رضا علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

کسی که بر احسان به ما قادر نیست پس به دوستان شایسته و صالح ما احسان کند که ثواب احسان به ما برایش نوشته می‌شود و کسی که بر زیارت ما قادر نیست، دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند که ثواب زیارت ما برایش نوشته می‌شود.

۳- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ وَ جَمَاعَهُْ مَشَایِخِی ره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی قَالَ کُنْتُ بِفَیْدَ فَمَشَیْتُ مَعَ عَلِیِّ بْنِ بِلَالٍ إِلَی قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ قَالَ فَقَالَ لِی عَلِیُّ بْنُ بِلَالٍ قَالَ لِی صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ عَنِ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ مَنْ أَتَی قَبْرَ أَخِیهِ الْمُوءْمِنِ ثُمَّ وَضَعَ یَدَهُ عَلَی الْقَبْرِ- وَ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَمِنَ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ

پدرم، و محمّد بن یعقوب، و جماعتی از اساتیدم رحمهْ اللّه علیهم از محمّد بن یحیی، از محمّد بن احمد بن یحیی نقل کرده‌اند که وی گفت: من در «فید» (شهرکی است بین کوفه و مکّه) بودم پس با علی بن بلال به طرف قبر محمّد بن اسماعیل بن بزیع می‌رفتیم، علی بن بلال به من گفت:

صاحب این قبر از حضرت رضا علیه السّلام برایم نقل کرد که آن جناب فرمودند:

دست روی آن گذارده و سوره «انّا انزلناه» را هفت مرتبه بخواند از روز فزع اکبر در امان می‌باشد.

۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی بْنِ عِمْرَانَ قَالَ کُنْتُ بِفَیْدَ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ بِلَالٍ مُرَّ بِنَا إِلَی قَبْرِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ فَذَهَبْنَا إِلَی عِنْدِ قَبْرِهِ فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ حَدَّثَنِی صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ الْمُوءْمِنِ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَهَْ وَ وَضَعَ یَدَهُ عَلَی الْقَبْرِ وَ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِْ الْقَدْرِ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ

محمّد بن الحسین بن متّ الجوهری، از محمّد بن احمد بن یحیی بن عمران، وی گفت:

من در «فید» بودم، محمّد بن علی بن بلال گفت: ما را به طرف قبر محمّد بن اسماعیل بن بزیع مرور دادند پس به قبر رسیدیم، محمّد بن علیّ گفت: صاحب این قبر از حضرت رضا علیه السّلام برایم نقل کرد که آن جناب فرمودند:

کسی که قبر برادر موءمنش را زیارت کند پس رو به قبله کرده و دستش را روی قبر گذارد و سوره «إِنّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِْ الْقَدْرِ» را هفت مرتبه بخواند از فزع اکبر سالم بماند.

۵- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مَتٍّ الْجَوْهَرِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ

الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) کَیْفَ أَضَعُ یَدِی عَلَی قُبُورِ الْمُوءْمِنِینَ وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی الْأَرْضِ فَوَضَعَهَا عَلَیْهَا وَ هُوَ مُقَابِلُ الْقِبْلَةِ

محمّد بن الحسین بن متّ الجوهری، از محمّد بن احمد، از علی بن اسماعیل، از محمّد بن عمرو، از ابان، از عبد الرحمن بن ابی عبد اللّه، وی می گوید: از حضرت ابی عبد اللّه پرسیدم:

چگونه دستم را بر قبور موءمنین بگذارم؟

حضرت با دست مبارکشان به زمین اشاره کرده پس آن را بر زمین نهادند در حالی که مقابل قبله قرار داشتند.

۶- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) یَقُولُ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) یَخْرُجُ فِی مَلَإٍ مِنَ النَّاسِ مِنْ أَصْحَابِهِ کُلَّ عَشِیَّةِ خَمِیسٍ إِلَی بَقِیعِ الْمَدَنِیِّینَ فَیَقُولُ ثَلَاثاً- السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا أَهْلَ الدِّیَارِ وَ ثَلَاثاً رَحِمَکُمُ اللَّهُ ثُمَّ یَلْتَفِتُ أَصْحَابَهُ وَ یَقُولُ هَوءُلَاءِ خَیْرٌ مِنْکُمْ فَیَقُولُونَ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ آمَنُوا وَ آمَنَّا وَ جَاهَدُوا وَ جَاهَدْنَا فَیَقُولُ إِنَّ هَوءُلَاءِ آمَنُوا وَ لَمْ یَلْبِسُوا إِیمانَهُمْ بِظُلْمٍ وَ مَضَوْا عَلَی ذَلِکَ [وَ أَنَا عَلَی ذَلِکَ شَهِیدٌ وَ أَنْتُمْ تَبْقَوْنَ بَعْدِی وَ لَا أَدْرِی مَا تُحْدِثُونَ بَعْدِی

از محمّد بن الحسین، از محمّد بن احمد، از موسی بن عمران، از عبد اللّه الحجّال، از صفوان الجمّال، وی می گوید:

از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در هر شب جمعه با گروهی از اصحابشان به قبرستان بقیع در مدینه تشریف می‌بردند و در آنجا سه مرتبه می‌فرمودند:

السّلام علیکم یا اهل الدّیار (سلام و درود بر شما ای اهل شهرها).

و سه مرتبه می‌فرمودند: رحمکم اللّه (خدا شما را رحمت کند).

سپس به اصحابشان توجّه نموده و می‌فرمودند:

این اهل قبور از شما بهتر هستند.

اصحاب عرض می کردند: ای رسول خدا برای چه؟ ایشان ایمان آورده، ما نیز ایمان آورده‌ایم، ایشان جهاد کرده‌اند، ما نیز جهاد کرده‌ایم؟

حضرت فرمودند:

ایشان ایمان آورده ولی ایمانشان را به ظلم و ستم آلوده نکردند و با همین حال از دنیا رفتند و من بر این امر شهادت می‌دهم و شما پس از من در این دنیا باقی می‌مانید و نمی‌دانم پس از من چه خواهید کرد.

مترجم گوید:

این کلام حضرت اشاره است به ارتداد و ستم‌های اصحاب پس از رحلت آن وجود مبارک پس کلمه «لا ادری» نه به معنای نفی علم باشد بلکه کنایه است از حوادث واقعه بعد از آن جناب چنانچه در عرف این نحو تعبیر معمول می‌باشد.

۷- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِیَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ (علیهم السلام) قَالَ دَخَلَ عَلِیٌّ أَمِیرُ الْمُوءْمِنِینَ مَقْبَرَةً وَ مَعَهُ أَصْحَابُهُ فَنَادَی یَا أَهْلَ التُّرْبَةِ وَ یَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ وَ یَا أَهْلَ الْخُمُودِ وَ یَا أَهْلَ الْهُمُودِ أَمَّا أَخْبَارُ مَا عِنْدَنَا فَأَمَّا أَمْوَالُکُمْ قَدْ قُسِمَتْ وَ نِسَاوءُکُمْ قَدْ نُکِحَتْ وَ دُورُکُمْ قَدْ سُکِنَتْ فَمَا خَبَرُ مَا عِنْدَکُمْ- ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَی أَصْحَابِهِ وَ قَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ یُوءَذَنُ لَهُمْ فِی الْکَلَامِ لَقَالُوا لَمْ یُتَزَوَّدْ مِثْلَ التَّقْوَی زَادٌ خَیْرُ الزَّادِ التَّقْوَی

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری از پدرش از هارون بن مسلم از مسعدة بن زیاد از حضرت جعفر بن محمّد از پدران بزرگوارشان علیهم السّلام حضرت فرمودند:

حضرت امير المؤمنين على عليه السّلام در حالى كه اصحابشان همراه بودند وارد قبرستانى شده و با صداى بلند فرمودند:

اى اهل خاك، و اى اهل غربت و اى اهل خموشى، و اى مردگان، امّا خبرهائى كه نزد ما است عبارتند از:

اموال شما قسمت شد، زنانتان ازدواج كردند، خانه‌هايتان را ديگران ساكن شدند.

حال بگوئيد اخبار نزد شما چيست؟!! سپس به اصحابشان توجّه نموده و فرمودند:

به خدا سوگند اگر اذن به ايشان داده شود كه سخن بگويند خواهند گفت:

هيچ توشه‌اى براى اين جا مثل تقوى و پرهيزكارى نيست (بهترين توشه تقوا است).

۸- حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّيلٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ لَهُ الْمُؤْمِنُ يَعْلَمُ بِمَنْ يَزُورُ قَبْرَهُ قَالَ نَعَمْ وَ لَا يَزَالُ مُسْتَأْنِساً بِهِ مَا زَالَ عِنْدَهُ فَإِذَا قَامَ وَ انْصَرَفَ مِنْ قَبْرِهِ دَخَلَهُ مِنِ انْصِرَافِهِ عَنْ قَبْرِهِ وَحْشَةٌ

پدرم رحمةُ اللّه عليه و محمّد بن الحسن، از حسن بن متّيل، از سهل بن زياد، از محمّد بن سنان، از اسحق بن عمّار، از حضرت ابى الحسن عليه السّلام، اسحق مى‌گويد:

محضر مباركش عرضه داشتم.

آيا مؤمن آگاه است از كسى كه قبر او را زيارت مى‌كند؟

حضرت فرمودند:

بلى، پيوسته تا مادامى كه زائر بر سر قبرش هست با او مأنوس مى‌باشد و وقتى زائر بلند شده و او سر قبر او بر مى‌گردد از برگشتن وى وحشتى در مؤمن ميّت پيدا مى‌شود.

۹- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) كَيْفَ أُسَلِّمُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ قَالَ نَعَمْ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ

حسن بن عبد اللّه بن محمّد بن عيسى، از پدرش، از جدّش، از عبد اللّه بن مغيره، از عبد اللّه بن سنان، وى مى‌گفت:

محضر مبارك حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام عرض كردم: بر اهل قبور چگونه سلام دهم؟

حضرت فرمودند:

آرى، بگو:

السّلام على اهل الدّيار من المؤمنين و المسلمين (درود بر مؤمنين و مسلمين كه اهل شهرها مى‌باشند).

انتم لنا فرط (شما بر ما سبقت گرفتيد) و نحن ان شاء اللّه بكم لاحقون (ما نيز ان شاء اللّه پشت سر شما خواهيم آمد.) پدرم رحمةُ اللّه عليه، از حسين بن حسن بن ابان، از محمّد بن اورمه، از عبد اللّه بن سنان نقل كرده كه وى گفت:

محضر مبارك حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام عرض كردم ... عين حديث گذشته را ذكر نموده است.

۱۰- حَدَّثَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ مَرَرْتُ مَعَ أَبِی جَعْفَرٍ (عليه السلام) بِالْبَقِيعِ فَمَرَرْنَا بِقَبْرِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ مِنَ الشِّيعَةِ فَقُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا قَبْرُ رَجُلٍ مِنَ الشِّيعَةِ قَالَ فَوَقَفَ عَلَيْهِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ صِلْ وَحْدَتَهُ- وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ أَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يُسْتَغْنَى بِهِ عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ أَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ

حسن بن عبد اللّه، از پدرش، از حسن بن محبوب، از عمرو بن ابى المقدام، از پدرش، وى گفت: در خدمت حضرت ابى جعفر عليه

السّلام به قبرستان بقیع عبور کردیم،

به قبر مردی از شیعیان که اهل کوفه بود رسیدیم، به حضرت عرض کردم: این قبر یکی از شیعیان است فدایت شوم.

راوی می گوید: حضرت درنگ نمود و فرمودند:

بار خدایا به غربتش رحم فرما، وحدت و تنهائیش را به پیوند مبدّل کن، در حال وحشتش انس بر قرار فرما، هراس او را بر طرف کن، از رحمتت آن قدر نصیبش نما که از رحمت غیر تو بی‌نیاز گردد، و ملحقش کن به آنان که وی ایشان را دوست دارد.

۱۱- حَدَّثَنِي أَبِي ره عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) كَيْفَ التَّسْلِيمُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ قَالَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ رَحِمَ اللَّهُ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَ الْمُسْتَأْخِرِينَ وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ وَ رَوَاهُ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ

پدرم رحمة اللّه علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از حسین بن سعید، از نضر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جرّاح مدائنی، وی می گوید:

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام پرسیدم: سلام دادن به اهل قبور چگونه است؟

حضرت فرمودند: بگو:

السّلام علی اهل الدّیار من الموءمنین و المسلمین (درود بر اهل شهرها که عبارتند از موءمنین و مسلمین) رحم اللّه المستقدمین منکم و المستأخرین (خدا رحمت کند سابقین و لاحقین ایشان را).

و انا ان شاء اللّه بکم لاحقون (ان شاء اللّه ما نیز به شما ملحق خواهیم شد).

برقی از پدرش، از نضر بن سوید، از قاسم بن سلیمان، از جرّاح مدائنی نقل کرده که وی گفت:

از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام پرسیدم ... و مثل همان حدیث قبلی را ذکر نموده است.

۱۲- وَجَدْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ [الْفُضَيْلِ]قَالَ قَالَ مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ عِنْدَ قَبْرِ مُؤْمِنٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكاً يَعْبُدُ اللَّهَ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ يُكْتَبُ لَهُ وَ لِلْمَيِّتِ ثَوَابُ مَا يَعْمَلُ ذَلِكَ الْمَلَكُ فَإِذَا بَعَثَهُ اللَّهُ مِنْ قَبْرِهِ لَمْ يَمُرَّ عَلَى هَوْلٍ إِلَّا صَرَفَهُ اللَّهُ عَنْهُ بِذَلِكَ الْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ حَتَّى يُدْخِلَهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَ يَقْرَأُ مَعَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ سُورَةَ الْحَمْدِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلَّ سُورَةٍ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ تَقْرَأُ بَعْدَ الْحَمْدِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ سَبْعاً وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ ثَلَاثاً ثَلَاثاً

در برخی از کتب چنین یافتم:

محمّد بن سنان، از مفضل نقل کرده، وی گفت: فرمود:

کسی که «انا انزلناه» را هفت مرتبه نزد قبر موءمنی بخواند خداوند متعال فرشته‌ای را به آنجا فرستاده تا خدا را در همان مکان عبادت کند و برای خواننده و میّت ثواب عبادت آن فرشته منظور می‌شود.

و وقتی خداوند میّت را از قبر بیرون آورد بواسطه آن فرشته موکّل هول و هراس را از او بر طرف می کند تا داخل بهشتش نماید.

بعد از حمد سوره «إِنّا أَنْزَلْناهُ» را هفت بار بخوان سپس «معوّذتین» یعنی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ و «قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ» و «آیة الکرسی» هر کدام را سه بار قرائت نما.

۱۳- حَدَّثَنِي أَبِي ره عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِذَا مَرَّ بِقُبُورِ قَوْمٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيَارِ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه، از حسین بن حسن بن ابان، از محمّد بن اورمه، از نضر بن سوید، از عاصم بن حمید، از محمّد بن مسلم از

حضرت ابی جعفر علیه السّلام، وی گفت: شنیدم آن حضرت می‌فرمودند:

رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم هر گاه به قبور دسته‌ای از موءمنین عبور می کردند می‌فرمودند:

السلام علیکم من دیار قوم موءمنین (سلام بر شما که از شهرهای قوم اهل ایمان هستید).

و انا ان شاء اللّه بکم لاحقون (ما نیز ان شاء اللّه به شما ملحق خواهیم شد).

۱۴- وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ عَجْلَانَ قَالَ قَامَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَلَى قَبْرِ رَجُلٍ فَقَالَ اللَّهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ أَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِي بِهِ عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ

و پدرم از حسین بن حسن بن ابان، از محمّد بن اورمه، از علی بن الحکم، از ابن عجلان نقل کرده که وی گفت:

حضرت ابو جعفر علیه السّلام بر سر قبر مردی ایستاده و فرمودند:

اللّهم صل وحدته (خدایا وحدت و تنهائی او را به پیوند مبدّل کن).

و آنس وحشته (در حال وحشتش انس برقرار کن).

و اسکن الیه من رحمتک، یستغنی به عن رحمهٔ من سواک (از رحمتت آن قدر نصیبش نما که از رحمت و عنایت غیر تو بی‌نیاز گردد).

۱۵- وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) كَيْفَ نُسَلِّمُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ قَالَ نَعَمْ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ إِنَّا بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَاحِقُونَ

و محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از احمد بن محمّد ابی عبد اللّه برقی، از حسن بن علی الوشّاء از علی بن ابی حمزه، وی گفت: از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام پرسیدم: بر اهل قبور چگونه سلام دهیم؟

حضرت فرمودند:

آری، بگو:

السّلام علی اهل الدیار من الموءمنین و الموءمنات و المسلمین و المسلمات، انتم لنا فرط و إنا بکم ان شاء اللّه لاحقون.

(درود بر اهل شهرها که موءمنین و موءمنات و مسلمین و مسلمات باشند، شما بر ما سبقت گرفتید و ما نیز به شما ان شاء اللّه ملحق خواهیم شد).

۱۶- حَدَّثَنِي أَبِي وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ غَيْرُهُمَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ مَرَّ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) عَلَى الْقُبُورِ فَأَخَذَ فِي الْجَادَّةِ ثُمَّ قَالَ عَنْ يَمِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنْ أَهْلِ الْقُصُورِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ ثُمَّ الْتَفَتَ عَنْ يَسَارِهِ فَقَالَ- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ إِلَى آخِرِهِ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و علی بن الحسین و غیر این دو، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن خالد، از پدرش، از هارون بن جهم، از مفضّل بن صالح، از سعد بن طریف، از اصبغ بن نباته، وی گفت:

حضرت امیر الموءمنین علی علیه السّلام بر قبور عبور کردند، پس در وسط راه ایستاده سپس به طرف راست توجّه کرده و فرمودند:

السلام علیکم یا اهل القبور من اهل القصور (درود بر شما ای کسانی که در قصرها بوده و اکنون در قبرها خفته‌اید).

انتم لنا فرط و نحن لکم تبع و انا ان شاء اللّه بکم لاحقون (شما بر ما سبقت گرفتید و ما بدنبال شما بوده و ان شاء اللّه به شما ملحق خواهیم شد).

سپس به طرف چپ توجّه نموده و فرمودند:

السلام على اهل القبور ... تا آخر كلمات زيارت.

۱۷- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ يَخْرُجُ أَحَدُكُمْ إِلَى الْقُبُورِ فَيُسَلِّمُ وَ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ- وَ إِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ وَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ سُكْنَى الْقُصُورِ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ النِّعْمَةِ وَ السُّرُورِ صِرْتُمْ إِلَى الْقُبُورِ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ كَيْفَ وَجَدْتُمْ طَعْمَ الْمَوْتِ ثُمَّ يَقُولُ وَيْلٌ لِمَنْ صَارَ إِلَى النَّارِ ثُمَّ يُهْرِقُ دَمْعَتَهُ وَ يَنْصَرِفُ

محمّد بن الحسن بن الوليد از كسى كه ذكرش نموده، از احمد بن ابى عبد اللّه برقى، از پدرش، از سعد بن مسلم، از على بن ابى حمزه از ابى بصير، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام، حضرت فرمودند:

هر گاه يكى از شما به قبرستان رفتيد، و ابتداء به اهل قبور سلام كرده و سپس بگوئيد:

درود بر اهل قبور، درود بر موءمنين و مسلمين كه در قبور مى‌باشند، شما بر ما سبقت گرفتيد و ما تابع شما بوده و ان شاء اللّه به شما ملحق خواهيم شد، ما براى خدا بوده و به سوى او برمى‌گرديم، اى كسانى كه در قبرها خفته‌ايد بعد از آنكه در قصرها بوديد، اى كسانى كه در قبرها خوابيده‌ايد بعد از آنكه اهل نعمت و سرور و شادى بوديد، به قبور داخل شديد، اى اهل قبور: مزه مرگ را چگونه يافتيد؟! سپس بگوئيد:

واى بر كسى كه پس از اين وادى به دوزخ داخل شود.

سپس اشكهاى آن حضرت ريخت و از قبرستان باز گشتند.

۱۸- وَ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ الْقَصَبَانِيِّ عَنْ يَقْطِينٍ قَالَ أَخْبَرَنَا رَبِيعُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيُّ قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) إِذَا دَخَلَ الْجَبَّانَةَ يَقُولُ- السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ

محمّد بن الحسن الوليد باسنادش از برقى، وى گفت:

برخى اصحاب از عبّاس بن عامر قصبانى، از يقطين، گفت:

ربيع بن محمّد مسلىّ به ما خبر داد و گفت:

حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام هر گاه به قبرستان داخل مى‌شدند مى‌فرمودند:

درود بر اهل بهشت.

۱۰۶] – باب صد و ششم فضیلت زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر صلوات اللّه علیه در شهر قم

۱- حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی بْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ زِیَارَهِٔ فَاطِمَهَٔ بِنْتِ مُوسَی (علیهما السلام) قَالَ مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّهُٔ

علی بن الحسن بن بـابویه، از علی بن ابراهیم بن هـاشم، از پـدرش از سـعد بن سـعد، از حضـرت ابی الحسن الرضا علیه السّـلام، وی گفت: از آن حضرت راجع به زیارت حضرت فاطمه دختر موسی بن جعفر سلام اللّه علیه پرسیدم؟

حضرت فرمودند:

کسی که او را زیارت کند بهشت برایش خواهد بود.

۲- حَدَّثَنِی أَبِی وَ أَخِی وَ الْجَمَاعَهُٔ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ وَ غَیْرِهِ عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ الْبُوفَکِیِّ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنِ ابْنِ الرِّضَا (علیه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِی بِقُمَّ فَلَهُ الْجَنَّهُٔ

پـدرم رحمـهٔ اللّه علیه و برادرم و جماعتی، از احمد بن ادریس، و غیر او، از عمرکی بن علی البوفکی، از کسـی که ذکرش نموده از حضرت ابن الرضا سلام اللّه علیهما، حضرت فرمودند:

کسی که قبر عمّه‌ام را در قم زیارت کند بهشت برایش می‌باشد.

۱۰۷] – باب صد و هفتم فضیلت زیارت قبر حضرت عبد العظیم بن عبد اللّه الحسنی در ری

حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی بْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ بَعْضِ أَهْلِ الرَّیِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیِّ (علیه السلام) فَقَالَ أَیْنَ کُنْتَ فَقُلْتُ زُرْتُ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ (علیه السلام) فَقَالَ أَمَا إِنَّکَ لَوْ زُرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِیمِ عِنْدَکُمْ لَکُنْتَ کَمَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ ع

علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، از محمّد بن یحیی العطّار، از بعضی اهل ری، وی گفت:

بر حضرت ابی الحسن العسکری علیه السّلام داخل شدم، حضرت فرمودند:

کجا بودی؟

عرض کردم: به زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام رفته بودم.

حضرت فرمودند:

آیا نمی‌دانی، اگر قبر عبد العظیم را که نزدتان هست زیارت کنی مثل آن است که حسین علیه السّلام را زیارت کرده‌ای.

*** ***

***

۱۰۸] - باب صد و هشتم زیارت نادره

۱- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قَالَ لِی إِنَّ عِنْدَکُمْ أَوْ قَالَ فِی قُرْبِکُمْ لَفَضِیلَةً مَا أُوتِیَ أَحَدٌ مِثْلَهَا وَ مَا أَحْسَبُکُمْ تَعْرِفُونَهَا کُنْهَ مَعْرِفَتِهَا وَ لَا تُحَافِظُونَ عَلَیْهَا وَ لَا عَلَی الْقِیَامِ بِهَا وَ إِنَّ لَهَا لَأَهْلًا خَاصَّةً قَدْ سُمُّوا لَهَا وَ أُعْطُوهَا بِلَا حَوْلٍ مِنْهُمْ وَ لَا قُوَّةٍ إِلَّا مَا کَانَ مِنْ صُنْعِ اللَّهِ لَهُمْ وَ سَعَادَةٍ حَبَاهُمُ اللَّهُ بِهَا وَ رَحْمَةٍ وَ رَأْفَةٍ وَ تَقَدُّمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ مَا هَذَا الَّذِی وَصَفْتَ لَنَا وَ لَمْ تُسَمِّهِ قَالَ زِیَارَةُ جَدِّیَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السلام) فَإِنَّهُ غَرِیبٌ بِأَرْضِ غُرْبَةٍ یَبْکِیهِ مَنْ زَارَهُ وَ یَحْزَنُ لَهُ مَنْ لَمْ یَزُرْهُ وَ یَحْتَرِقُ لَهُ مَنْ لَمْ یَشْهَدْهُ وَ یَرْحَمُهُ مَنْ نَظَرَ إِلَی قَبْرِ ابْنِهِ عِنْدَ رِجْلِهِ فِی أَرْضِ فَلَاةٍ لَا حَمِیمَ قُرْبَهُ وَ لَا قَرِیبَ ثُمَّ مَنَعَ الْحَقَّ وَ تَوَازَرَ عَلَیْهِ أَهْلُ الرِّدَّةِ حَتَّی قَتَلُوهُ وَ ضَیَّعُوهُ وَ عَرَضُوهُ لِلسِّبَاعِ وَ مَنَعُوهُ شُرْبَ مَاءِ الْفُرَاتِ الَّذِی یَشْرَبُهُ الْکِلَابُ وَ ضَیَّعُوا حَقَّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ وَصِیَّتَهُ بِهِ وَ بِأَهْلِ بَیْتِهِ فَأَمْسَی مَجْفُوّاً فِی حُفْرَتِهِ صَرِیعاً بَیْنَ قَرَابَتِهِ وَ شِیعَتِهِ بَیْنَ أَطْبَاقِ التُّرَابِ قَدْ أُوحِشَ قُرْبُهُ فِی الْوَحْدَةِ وَ الْبُعْدِ عَنْ جَدِّهِ وَ الْمَنْزِلِ الَّذِی لَا یَأْتِیهِ إِلَّا مَنِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِیمَانِ وَ عَرَّفَهُ حَقَّنَا فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَدْ کُنْتُ آتِیهِ حَتَّی بُلِیتُ بِالسُّلْطَانِ وَ فِی حِفْظِ أَمْوَالِهِمْ وَ أَنَا عِنْدَهُمْ مَشْهُورٌ فَتَرَکْتُ لِلتَّقِیَّةِ إِتْیَانَهُ وَ أَنَا أَعْرِفُ مَا فِی إِتْیَانِهِ مِنَ الْخَیْرِ فَقَالَ هَلْ تَدْرِی مَا فَضْلُ مَنْ أَتَاهُ وَ مَا لَهُ عِنْدَنَا مِنْ جَزِیلِ الْخَیْرِ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ أَمَّا الْفَضْلُ فَیُبَاهِیهِ مَلَائِکَةُ السَّمَاءِ وَ أَمَّا مَا لَهُ عِنْدَنَا فَالتَّرَحُّمُ عَلَیْهِ کُلَّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِی أَبِی أَنَّهُ لَمْ یَخْلُ مَکَانُهُ مُنْذُ قُتِلَ مِنْ مُصَلٍّ یُصَلِّی عَلَیْهِ مِنَ الْمَلَائِکَةِ أَوْ مِنَ الْجِنِّ أَوْ مِنَ الْإِنْسِ أَوْ مِنَ الْوَحْشِ وَ مَا مِنْ شَیْءٍ إِلَّا وَ هُوَ یَغْبِطُ زَائِرَهُ وَ یَتَمَسَّحُ بِهِ وَ یَرْجُو فِی النَّظَرِ إِلَیْهِ الْخَیْرَ لِنَظَرِهِ إِلَی قَبْرِهِ (علیه السلام) ثُمَّ قَالَ بَلَغَنِی أَنَّ قَوْماً یَأْتُونَهُ مِنْ نَوَاحِی الْکُوفَةِ وَ نَاساً [أُنَاساً]مِنْ غَیْرِهِمْ وَ نِسَاءً یَنْدُبْنَهُ وَ ذَلِکَ فِی النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَمِنْ بَیْنِ قَارِئٍ یَقْرَأُ وَ قَاصٍّ یَقُصُّ وَ نَادِبٍ یَنْدُبُ وَ قَائِلٍ یَقُولُ الْمَرَاثِیَ فَقُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَدْ شَهِدْتُ بَعْضَ مَا تَصِفُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ فِی النَّاسِ مَنْ یَفِدُ إِلَیْنَا وَ یَمْدَحُنَا وَ یَرْثِی لَنَا وَ جَعَلَ عَدُوَّنَا مَنْ یَطْعُنُ عَلَیْهِمْ مِنْ قَرَابَتِنَا وَ غَیْرِهِمْ یَهُدُّونَهُمْ [یُهَدِّدُونَهُمْ]وَ یُقَبِّحُونَ مَا یَصْنَعُونَ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حمیری، از پدرش، از علی بن محمّد بن سلیمان، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد البصری، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام می گوید: حضرت به من فرمودند:

بدرستی که نزد شما است یا فرمودند: بدرستی که در نزدیکی شما است فضیلتی که به احدی مثل آن اعطاء نشده و گمان نمی کنم که به حقیقت آن پی برده باشید، شما نگهدار آن نبوده و بر آن قیام نمی کنید برای آن افراد خاصّی بوده که اهلش هستند و این فضیلت به آنها اعطاء شده بدون اینکه از ایشان حرکت و فعالیتی سرزده باشد بلکه صرفا از ناحیه حق تعالی ایشان مورد رحمت و رأفت قرار گرفته و این عطیّه الهی به آنها عنایت شده است.

عرض کردم: فدایت شوم این فضیلتی که توصیف فرموده و نامش را نبردید چیست؟

حضرت فرمودند:

زیارت جدّم حسین بن علی علیهما السّلام، چه آنکه او در سرزمین دور دست غریب می‌باشد هر کس به زیارتش رود بر او می گرید و اندوهگین می‌شود و آن کس که بر سر مزارش حاضر نشود می‌سوزد و آن کس که به پائین پای آن حضرت به قبر فرزندش بنگرد و ملاحظه کند که در آن زمین فلات دفن شده است بر آن حضرت ترحّم می کند، نه خویشی در نزدیکی آن جناب بوده و نه اقربایش آن جا می‌باشند، او را از حقّ مسلّمش منع نموده و اهل ظلم و ستم و گروه مرتد با هم توافق کرده و بر علیه آن حضرت قیام کرده تا جایی که او را کشته و بدن مبارکش را در آن بیابان انداخته و در معرض درندگان گذاردند، از نوشیدن آب فرات که سگ‌ها از آن می‌آشامیدند او را منع کردند و بدین ترتیب حق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را ضایع نموده و عمل به وصیّت و سفارشی که آن وجود مبارک راجع به حضرتش به سایر افراد اهل بیتش نموده بود را ترک نمودند، عصر آن

روزى كه حضرت شهيد شدند در حالى كه ستمها به آن جناب شده بود در بين اقرباء و پيروانش در گودال روى خاك‌ها افتاده بودند، اهل بيتش در آن بيابان تنها و دور از جدّ و منزل و كاشانه‌شان به حالتى غمگين و اندوه بودند، اين آزمايش براى احدى اتفاق نمى‌افتد مگر آنان كه خداوند امتحانشان كرده و قلبى مالامال از ايمان داشته و به حقّ ما عارف و آگاه مى‌باشند.

محضرش عرض كردم: فدايت شوم قبلا- من به زيارت آن حضرت مى‌رفتم تا وقتى كه مبتلا- به سلطان شده و من را مستحفظ اموالشان قرار دادند و چون من نزد ايشان مشهور و معروف بودم از اين رو زيارت آن جناب را تقيّه ترك كردم در حالى كه به ثواب و اجر زيارت آن حضرت كاملا واقف و آگاه هستم.

حضرت فرمودند:

آيا فضل و برترى كسى كه به زيارت آن حضرت رود را مى‌دانى؟ و آيا خير عظيم و جزيلى كه براى او نزد ما هست را آگاهى؟

عرضه داشتم: خير.

حضرت فرمودند:

امّا فضل او: تمام فرشتگان آسمان به او مباهات مى‌كنند.

و امّا خير عظيمى كه براى او نزد ما است: هر صبح و شام بر او رحمت مى‌شود.

سپس مصنّف كتاب رحمهٔ اللّه مى‌فرمايد:

پدرم برايم نقل نمود كه از زمان شهادت آن حضرت آن مكان يك آن از نمازگزار خالى نمانده بلكه از آن تاريخ تا حال يا فرشتگان و يا جنّ و يا انس و يا وحوش در آن مكان مقدّس به عبادت و نماز اشتغال داشته‌اند، و هيچ موجودى نيست مگر آنكه به حال زائر آن حضرت غبطه مى‌خورد و او را مسح كرده و به او نظر كرده و در اين نظر اميد خير دارد زيرا شخصى كه وى به او نگريسته به قبر آن حضرت نظر افكنده است.

سپس حضرت فرمودند:

خبر به من داده‌اند كه از نواحى كوفه گروهى از غير اهل كوفه و زمانى به زيارتش رفته و بر آن حضرت ندبه و زارى نموده‌اند و اين زيارت در نيمه شعبان صورت گرفته، از اين گروه بعضى به قرائت قرآن مشغول بوده و برخى قضايا و حوادث واقعه كربلاء را براى ديگران بازگو كرده و جماعتى به ندبه و زارى سرگرم شده و پاره‌اى به خواندن مراثى مبادرت نموده‌اند.

عرض كردم: بلى فدايت شوم من شاهد برخى از اين توصيفاتى كه مى‌فرمائيد بوده‌ام.

حضرت فرمودند:

حمد و سپاس خدائى را كه در ميان مردم كسانى را گذارده كه بطرف ما كوچ و سفر كرده و مدح و مراثى ما را مى‌گويند و در مقابل دشمن ما را كسانى قرار داده كه از اقرباء ما بوده و آن گروه اوّل را مورد طعن قرار مى‌دهند ولى ديگران ايشان را هلاك كرده و كار و عملشان را تقبيح مى‌نمايند.

۲- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكْرٍ الْأَرَّجَانِيِّ قَالَ صَحِبْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي طَرِيقِ مَكَّةَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَنَزَلْنَا مَنْزِلًا يُقَالُ لَهُ عُسْفَانُ ثُمَّ مَرَرْنَا بِجَبَلٍ أَسْوَدَ عَنْ يَسَارِ الطَّرِيقِ مُوحِشٍ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَا أَوْحَشَ هَذَا الْجَبَلَ مَا رَأَيْتُ فِي الطَّرِيقِ مِثْلَ هَذَا فَقَالَ لِي يَا ابْنَ بَكْرٍ أَ تَدْرِي أَيُّ جَبَلٍ هَذَا قُلْتُ لَا قَالَ هَذَا جَبَلٌ يُقَالُ لَهُ الْكَمَدُ وَ هُوَ عَلَى وَادٍ مِنْ أَوْدِيَةِ جَهَنَّمَ وَ فِيهِ قَتَلَةُ أَبِيَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) اسْتَوْدَعَهُمْ فِيهِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ مِيَاهُ جَهَنَّمَ مِنَ الْغِسْلِينِ وَ الصَّدِيدِ وَ الْحَمِيمِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْ جُبِّ الْجِوِي وَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْفَلَقِ مِنْ أَثَامٍ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْ طِينَةِ الْخَبَالِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْ جَهَنَّمَ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْ لَظَى وَ مِنَ الْحُطَمَةِ- وَ مَا يَخْرُجُ مِنْ سَقَرَ وَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَمِيمِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْهَاوِيَةِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنَ السَّعِيرِ- وَ مَا مَرَرْتُ بِهَذَا الْجَبَلِ فِي سَفَرِي فَوَقَفْتُ بِهِ إِلَّا رَأَيْتُهُمَا يَسْتَغِيثَانِ إِلَيَّ وَ إِنِّي لَأَنْظُرُ إِلَى قَتَلَةِ أَبِي وَ أَقُولُ لَهُمَا إِنَّمَا هَؤُلَاءِ فَعَلُوا مَا أَسَّسْتُمَا لَمْ تَرْحَمُونَا إِذْ وُلِّيتُمْ- وَ قَتَلْتُمُونَا وَ

حَرَمْتُمُونَا وَ وَثَبْتُمْ عَلَى قَتْلِنَا [حَقِّنَا]وَ اسْتَبَدْتُمْ بِالْأَمْرِ دُونَنَا فَلَا رَحِمَ اللَّهُ مَنْ يَرْحَمُكُمَا ذُوقَا وَبَالَ مَا قَدَّمْتُمَا وَ مَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَ أَشَدُّهُمَا تَضَرُّعاً وَ اسْتِكَانَةً الثَّانِي فَرُبَّمَا وَقَفْتُ عَلَيْهِمَا لِيَتَسَلَّى عَنِّي بَعْضُ مَا فِي قَلْبِي- وَ رُبَّمَا طَوَيْتُ الْجَبَلَ الَّذِي هُمَا فِيهِ وَ هُوَ جَبَلُ الْكَمَدِ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِذَا طَوَيْتَ الْجَبَلَ فَمَا تَسْمَعُ قَالَ أَسْمَعُ أَصْوَاتَهُمَا يُنَادِيَانِ عَرِّجْ عَلَيْنَا نُكَلِّمْكَ فَإِنَّا نَتُوبُ وَ أَسْمَعُ مِنَ الْجَبَلِ صَارِخاً يَصْرُخُ بِي أَجِبْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا اخْسَءُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُونِ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَنْ مَعَهُمْ قَالَ كُلُّ فِرْعَوْنٍ عَتَا عَلَى اللَّهِ وَ حَكَى اللَّهُ عَنْهُ فِعَالَهُ وَ كُلُّ مَنْ عَلَّمَ الْعِبَادَ الْكُفْرَ فَقُلْتُ مَنْ هُمْ قَالَ نَحْوُ بُولِسَ الَّذِي عَلَّمَ الْيَهُودَ أَنَّ يَدَ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ وَ نَحْوُ نَسْطُورَ الَّذِي عَلَّمَ النَّصَارَى أَنَّ عِيسَى الْمَسِيحَ ابْنُ اللَّهِ وَ قَالَ لَهُمْ هُمْ ثَلَاثَةٌ وَ نَحْوُ فِرْعَوْنِ مُوسَى الَّذِي قَالَ- أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلى وَ نَحْوُ نُمْرُودَ الَّذِي قَالَ قَهَرْتُ أَهْلَ الْأَرْضِ وَ قَتَلْتُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ قَاتِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ قَاتِلِ فَاطِمَةَ وَ مُحَسِّنٍ وَ قَاتِلِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (علیهما السلام) فَأَمَّا مُعَاوِيَةُ وَ عَمْرٌو فَمَا يَطْمَعَانِ فِي الْخَلَاصِ وَ مَعَهُمْ كُلُّ مَنْ نَصَبَ لَنَا الْعَدَاوَةَ وَ أَعَانَ عَلَيْنَا بِلِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ مَالِهِ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَنْتَ تَسْمَعُ ذَا كُلَّهُ وَ لَا تُفْزَعُ قَالَ يَا ابْنَ بَكْرٍ إِنَّ قُلُوبَنَا غَيْرُ قُلُوبِ النَّاسِ إِنَّا مُطِيعُونَ مُصَفَّوْنَ مُصْطَفَوْنَ نَرَى مَا لَا يَرَى النَّاسُ وَ نَسْمَعُ مَا لَا يَسْمَعُ النَّاسُ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَنْزِلُ عَلَيْنَا فِي رِحَالِنَا وَ تَتَقَلَّبُ فِي فُرُشِنَا وَ تَشْهَدُ طَعَامَنَا وَ تَحْضُرُ مَوْتَانَا وَ تَأْتِينَا بِأَخْبَارِ مَا يَحْدُثُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ وَ تُصَلِّي مَعَنَا وَ تَدْعُو لَنَا وَ تُلْقِي عَلَيْنَا أَجْنِحَتَهَا وَ تَتَقَلَّبُ عَلَى أَجْنِحَتِهَا صِبْيَانُنَا وَ تَمْنَعُ الدَّوَابَّ أَنْ تَصِلَ إِلَيْنَا وَ تَأْتِينَا مِمَّا فِي الْأَرَضِينَ مِنْ كُلِّ نَبَاتٍ فِي زَمَانِهِ وَ تَسْقِينَا مِنْ مَاءِ كُلِّ أَرْضٍ نَجِدُ ذَلِكَ فِي آنِيَتِنَا وَ مَا مِنْ يَوْمٍ وَ لَا سَاعَةٍ وَ لَا وَقْتِ صَلَاةٍ إِلَّا وَ هِيَ تَتَهَيَّأُ لَهَا وَ مَا مِنْ لَيْلَةٍ تَأْتِي عَلَيْنَا إِلَّا وَ أَخْبَارُ كُلِّ أَرْضٍ عِنْدَنَا وَ مَا يَحْدُثُ فِيهَا وَ أَخْبَارُ الْجِنِّ وَ أَخْبَارُ أَهْلِ الْهَوَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَا مِنْ مَلَكٍ يَمُوتُ فِي الْأَرْضِ وَ يَقُومُ غَيْرُهُ إِلَّا أَتَانَا خَبَرُهُ وَ كَيْفَ سِيرَتُهُ فِي الَّذِينَ قَبْلَهُ وَ مَا مِنْ أَرْضٍ مِنْ سِتَّةِ أَرَضِينَ إِلَى السَّابِعَةِ إِلَّا وَ نَحْنُ نُؤْتَى بِخَبَرِهِمْ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَيْنَ مُنْتَهَى هَذَا الْجَبَلِ قَالَ إِلَى الْأَرْضِ السَّابِعَةِ [السَّادِسَةِ_ [وَ فِيهَا جَهَنَّمُ عَلَى وَادٍ مِنْ أَوْدِيَتِهِ عَلَيْهِ حَفَظَةٌ أَكْثَرُ مِنْ نُجُومِ السَّمَاءِ وَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَ عَدَدِ مَا فِي الْبِحَارِ وَ عَدَدِ الثَّرَى قَدْ وُكِّلَ كُلُّ مَلَكٍ مِنْهُمْ بِشَيْءٍ وَ هُوَ مُقِيمٌ عَلَيْهِ لَا يُفَارِقُهُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً يُلْقُونَ الْأَخْبَارَ قَالَ لَا إِنَّمَا يُلْقَى ذَلِكَ إِلَى صَاحِبِ الْأَمْرِ وَ إِنَّا لَنَحْمِلُ مَا لَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ عَلَى الْحُكُومَةِ فِيهِ فَنَحْكُمُ فِيهِ فَمَنْ لَمْ يَقْبَلْ حُكُومَتَنَا جَبَرَتْهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى قَوْلِنَا وَ أَمَرَتِ الَّذِينَ يَحْفَظُونَ نَاحِيَةً أَنْ يَقْسِرُوهُ عَلَى قَوْلِنَا وَ إِنْ كَانَ مِنَ الْجِنِّ مِنْ أَهْلِ الْخِلَافِ وَ الْكُفْرِ أَوْثَقَتْهُ وَ عَذَّبَتْهُ حَتَّى يَصِيرَ إِلَى مَا حَكَمْنَا بِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَهَلْ يَرَى الْإِمَامُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَقَالَ يَا ابْنَ بَكْرٍ فَكَيْفَ يَكُونُ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَا بَيْنَ قُطْرَيْهَا وَ هُوَ لَا يَرَاهُمْ وَ لَا يَحْكُمُ فِيهِمْ وَ كَيْفَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ غُيَّبٍ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِمْ وَ لَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ وَ كَيْفَ يَكُونُ مُؤَدِّياً عَنِ اللَّهِ وَ شَاهِداً عَلَى الْخَلْقِ وَ هُوَ لَا يَرَاهُمْ وَ كَيْفَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَيْهِمْ وَ هُوَ مَحْجُوبٌ عَنْهُمْ وَ قَدْ جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَهُ أَنْ يَقُومَ بِأَمْرِ رَبِّهِ فِيهِمْ وَ اللَّهُ يَقُولُ وَ ما أَرْسَلْناكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنّاسِ يَعْنِي بِهِ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ وَ الْحُجَّةُ مِنْ بَعْدِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) يَقُومُ مَقَامَ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ عَلَى مَا تَشَاجَرَتْ فِيهِ الْأُمَّةُ وَ الْآخِذُ بِحُقُوقِ النَّاسِ وَ الْقَيَّامُ بِأَمْرِ اللَّهِ- وَ الْمُنْصِفُ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ مَنْ يَنْفُذُ قَوْلُهُ وَ هُوَ يَقُولُ سَنُرِيهِمْ آياتِنا فِي الْآفاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْآفَاقِ غَيْرُنَا أَرَاهَا اللَّهُ أَهْلَ الْآفَاقِ- وَ قَالَ ما نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِها فَأَيُّ آيَةٍ أَكْبَرُ مِنَّا وَ اللَّهِ إِنَّ بَنِي هَاشِمٍ وَ قُرَيْشاً لَتَعْرِفُ مَا أَعْطَانَا اللَّهُ وَ لَكِنَّ الْحَسَدَ أَهْلَكَهُمْ كَمَا أَهْلَكَ إِبْلِيسَ وَ إِنَّهُمْ لَيَأْتُونَنَا إِذَا اضْطُرُّوا وَ خَافُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَيَسْأَلُونَّا فَنُوَضِّحُ لَهُمْ فَيَقُولُونَ نَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَهْلُ الْعِلْمِ ثُمَّ يَخْرُجُونَ فَيَقُولُونَ مَا رَأَيْنَا أَضَلَّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَؤُلَاءِ وَ يَقْبَلُ مَقَالَتَهُمْ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) لَوْ نُبِشَ كَانُوا يَجِدُونَ فِي قَبْرِهِ شَيْئاً قَالَ يَا ابْنَ بَكْرٍ مَا أَعْظَمَ مَسَائِلَكَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) مَعَ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ أَخِيهِ الْحَسَنِ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) يُحْبَوْنَ كَمَا يُحْبَى وَ يُرْزَقُونَ كَمَا يُرْزَقُ فَلَوْ نُبِشَ فِي أَيَّامِهِ لَوُجِدَ وَ أَمَّا الْيَوْمَ فَهُوَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّهِ يُرْزَقُ وَ يَنْظُرُ إِلَى مُعَسْكَرِهِ وَ يَنْظُرُ إِلَى الْعَرْشِ مَتَى يُؤْمَرُ أَنْ يَحْمِلَهُ وَ إِنَّهُ لَعَلَى يَمِينِ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ يَقُولُ يَا رَبِّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَ إِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى زُوَّارِهِ وَ هُوَ أَعْرَفُ بِهِمْ وَ بِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ بِدَرَجَاتِهِمْ وَ بِمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَحَدِكُمْ بِوَلَدِهِ وَ مَا فِي رَحْلِهِ وَ إِنَّهُ لَيَرَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ رَحْمَةً لَهُ وَ يَسْأَلُ أَبَاهُ الِاسْتِغْفَارَ لَهُ وَ يَقُولُ لَوْ تَعْلَمُ أَيُّهَا الْبَاكِي مَا أُعِدَّ لَكَ لَفَرِحْتَ أَكْثَرَ مِمَّا جَزِعْتَ فَلَيَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ مَنْ سَمِعَ بُكَاءَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ وَ فِي الْحَائِرِ وَ يَنْقَلِبُ وَ مَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ

و با همين اسناد از عبد اللّه اصم، از عبد اللّه بن بكير ارجانىّ نقل شده، وى گفت:
با حضرت ابا عبد اللّه عليه السّلام در راه مكه از مدينه همراه بودم، پس به جايى كه «عسفان» ناميده مى‌شد فرود آمديم و سپس از كنار كوهى سياه كه در سمت چپ جاده بود و كوهى وحشت‌ناك به نظر مى‌آمد عبور كرديم، محضر آن حضرت عرض كردم:
اى پسر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم، چقدر اين كوه وحشت‌ناك است! در اين راه كوهى مثل اين نديده‌ام.
حضرت فرمودند:
اى پسر بكير، مى‌دانى اين چه كوهى است؟
عرض كردم: خير.
فرمودند:
اين كوهى است بنام «كمد» و آن در وادى از وادى‌هاى دوزخ بوده و در آن قاتلين پدرم امام حسين عليه السّلام نگه داشته شده‌اند، در اين كوه از زير قاتلين آب‌هاى جهنّمى جارى مى‌باشند، اين آب‌ها عبارتند از:
غسلين (آبى كه از پوست و گوشت دوزخيان جارى است)، صديد (آبى كه ناشى از چرك و زرد آب باشد) حميم (عرق دوزخيان را گويند) آبى كه از چاه جوّى خارج مى‌شود و آن آبى است گنديده و متعفّن، آبى كه از چاه فلق در دوزخ خارج مى‌شود و آن آبى است حاصل از چرك و خون مجرمين، آبى كه از خبال يعنى چرك بدن دوزخيان جارى است، آبى كه از جهنم روان است، آبى كه از لظى (وادى از وادى‌هاى جهنم) بيرون مى‌آيد، آبى كه از حطمه (وادى از وادى‌هاى جهنم) خارج مى‌شود، آبى كه از سقر (وادى از وادى‌هاى جهنّم) بيرون مى‌آيد آبى كه از حميم (وادى از وادى‌هاى دوزخ) خارج مى‌شود، آبى كه از هاويه (وادى از وادى‌هاى دوزخ) بيرون مى‌آيد، آبى كه از سعير (وادى از وادى‌هاى دوزخ) خارج مى‌شود.
و من در هيچ يك از سفرهايم به اين كوه مرور نكرده و نه ايستادم مگر آنكه آن دو را ديدم كه به من استغاثه و التماس مى‌كردند و نيز قاتلين پدرم را مشاهده نمودم، به آن دو گفته و مى‌گويم:
اين قاتلين آنچه را كه شما تأسيس كرده‌ايد انجام داده‌اند، چرا وقتى زمام امور به دستتان بود به ما رحم نكرده و ما را كشتيد و از حقوق خود محروممان نموديد و بر قتل و كشتن ما اقدام كرده و استبداد محض و كامل را به اجراء گذارديد خدا رحم نكند به كسى كه به شما دو نفر رحم كند بچشيد وزر و وبالى را كه خود فراهمش نموده‌ايد، و خدا نسبت به بندگانش ظالم و ستمكار نيست. البتّه دوّمى تضرّع و اضطرابش شديدتر از اوّلى است و بسا ايستاده و حالشان را مشاهده كرده تا اندكى از بغض و كينه و ناراحتى كه از ايشان در قلب دارم كاهش يافته و كمى تسلّى و آرامش خاطر پيدا كنم، و بسا كوهى كه آن دو در آن محبوس هستند را طى كرده و از آن بالا رفته‌ام و آن كوه «كمد» مى‌باشد.
راوى گفت: محضرش عرض كردم: فدايت شوم وقتى از كوه بالا رفتيد و آن را طى نموديد چه صدائى شنيديد:
حضرت فرمودند:
صداى آن دو را شنيدم كه فرياد مى‌زدند: ما را بالا بياور تا با تو صحبت كنيم، ما توبه كرده‌ايم و مى‌شنيدم از كوه كه فرياد مى‌زد و به من مى‌گفت: جواب اين دو را بده و به ايشان بگو:
پائين رويد و صحبت نكنيد! راوى مى‌گويد: عرضه داشتم: فدايت شوم چه كسانى با اين دو مى‌باشند؟
حضرت فرمودند:
هر فرعون و متكبّرى كه بر خدا طغيان كرده و خداوند كردارش را بازگو فرموده است و نيز هر كسى كه به بندگان كفر تعليم كرده است.
عرض كردم: ايشان چه كسانى هستند.

حضرت فرمودند:

نظیر «بولس» که به یهود یاد داد که دست خدا بسته است و مثل «نسطور» که به نصاری یاد داد که حضرت عیسی مسیح فرزند خدا است و ایشان سه تا هستند (یعنی معبود سه تا است: اب، ابن و روح القدس).

و مانند: فرعون معاصر با حضرت موسی علیه السّلام که گفت: أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلى و بدین ترتیب ادّعای خدائی کرد و همچون: نمرودی که گفت: اهل زمین را مورد قهر خود داده و آنچه در آسمان هست را کشتم و نیز نظیر: قاتل امیر الموءمنین علیه السّلام و قاتل فاطمه علیها السّلام و محسن و قاتل امام حسن و امام حسین علیهما السّلام و امّا معاویه و عمرو بن عاص ابدا طمع و درخواست خلاص شدن از عذاب را نمی‌کنند.

و نیز تمام کسانی که نصب عداوت ما اهل بیت پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را نموده‌اند با ایشان هستند و همچنین کسانی که با زبان و دست و مالشان بر علیه ما اقدام کردند، با ایشان می‌باشند.

عرض کردم: فدایت شوم شما تمام این صداها را می‌شنوید و به فزع نمی‌آئید؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر، قلوب و دل‌های ما غیر از دلهای مردم است، ما مطیع کامل حق تعالی و خالص از هر آلودگی بوده و برگزیده باری تعالی می‌باشیم، می‌بینیم آنچه را که مردم نمی‌بینند، می‌شنویم آنچه را که دیگران نمی‌شنوند فرشتگان در منازل ما فرود می‌آیند و در روی فرش‌های ما حرکت کرده در کنار سفره ما حاضر و شاهد هستند بر مردگان ما حاضر می‌شوند، اخبار حوادثی که هنوز واقع نشده‌اند را به ما می‌رسانند، با ما نماز خوانده و برای ما دعاء می‌کنند، پرها و بالهایشان را برای ما پهن می‌کنند، کودکان و اطفال ما روی بال‌های ایشان حرکت می‌کنند، مانع می‌شوند از اینکه جنبندگان به ما دست یافته و ایذاء و آزارمان کنند، از تمام گیاهان و نباتاتی که در زمین می‌رویند در فصل و زمانشان برای ما می‌آورند، از آب‌های مختلف روی زمین به ما می‌آشامانند و ما آنها را در ظروف خود می‌یابیم، و هیچ روز و ساعت و وقت نمازی نیست مگر آنکه فرشتگان برای آنها آماده می‌باشند، و هیچ شبی فرا نمی‌رسد مگر آنکه اخبار تمام نقاط زمین را برای ما می‌آورند و نیز آنچه در زمین واقع می‌شود و اخبار جن و ملائکه را برای ما بازگو می‌کنند، و هیچ فرشته‌ای در زمین نمی‌میرد و دیگری جای آن قرار نمی‌گیرد مگر آنکه ما را اطّلاع داده و رویه و سیره آن فرشته را با کسانی که قبلش بوده‌اند را برای ما بیان می‌کنند، و هیچ زمینی از شش طبقه زمین تا طبقه هفتم نیست مگر آنکه جز آنها را به ما می‌دهند.

عرض کردم: فدایت شوم انتهای این کوه کجا است؟

حضرت فرمودند:

تا طبقه هفتم زمین ادامه داشته و در آنجا دوزخی است که وادی از وادی‌های جهنم می‌باشد و نگهبانانی که مستحفظ آن هستند از ستارگان آسمان و دانه‌های باران و قطره‌های آب در دریاها و از عدد خاک‌های در کره زمین بیشتر می‌باشند، هر کدام از این فرشتگان موکّل بر امری بوده که مراقب آن بوده و از آن تخلّف نمی‌کنند.

عرض کردم: فدایت شوم به همه شما اهل بیت این اخبار را می‌دهند؟

حضرت فرمودند:

خیر، تنها به کسی که صاحب امر ولایت است، ما حامل چیزی هستیم که بندگان قدرت حکومت در آن را ندارند، پس ما در آن حکومت می‌نمائیم و کسی که حکومت ما را نپذیرد فرشتگان او را بر آن مجبور می‌کنند و امر می‌کنند به

کسانی که حافظ آن ناحیه هستند که بندگان را بر قول و حکومت ما ملزم و مجبور کنند و اگر جنّی از اهل خلاف و کفر باشد او را به بند کشیده و آن قدر عذابش می‌کنند تا بر حکم ما گردن نهد.

عرض کردم: فدایت شوم: آیا امام بین مشرق و مغرب را می‌بیند؟

حضرت فرمودند:

ای پسر بکیر چگونه امام حجّت خدا باشد بر آنچه بین دو نقطه مقابل هم در کره زمین واقع شده‌اند و حال آنکه آنها را ندیده و در میانشان حکم نکند؟! و چگونه بتوان گفت امام حجّت است بر قوم و جماعتی که در نظرش غائب هستند و بر آنها قدرت نداشته و آنها نیز بر دسترسی داشتن به وی جهت رفع نیازمندی‌های خویش قدرت ندارند؟

و چگونه امام احکام و حقائق را از طرف خدا اداء کند و شاهد بر خلق باشد در حالی که آنها را نمی‌بیند؟!

و چگونه حجّت بر ایشان باشد در حالی که آنها از وی محجوب و مستور می‌باشند؟! در حالی که امام علیه السّلام به امر خدا بین مردم نصب شده تا واسطه بین خدا و مخلوق باشد، خدا در قرآن خطاب به پیغمبرش می‌فرماید: وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلّا کَافَّةً لِلنّاسِ (ما تو را نفرستادیم مگر برای همه مردم).

مقصود از «کَافَّةً لِلنّاسِ» تمام کسانی هستند که روی کره زمین می‌باشند و حجّت بعد از نبی صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بعد از آن وجود مبارک قائم مقام او باید باشد پس همان طوری که نبیّ حجّت است برای تمام مردم روی زمین و باید بر همه تسلّط داشته باشد حجّت بعد از او و قائم مقامش نیز باید چنین باشد و اساسا مناصب امام بعد از پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم اموری است که لازمه آن اینست که وی باید به تمام امت و به کافه مردم مسلّط بوده و آنها را ببیند، این مناسب عبارتند از:

الف: راهنما برای حلّ مشاجراتی که بین امّت واقع می‌شود.

ب: حقوق مردم را احقاق کردن و گرفتن.

ج: قیام نمودن به امر خدا و فرمانش را بین مردم اجراء کردن.

د: انصاف گرفتن از بعضی برای بعضی دیگر.

در نتیجه باید امام قولش نافذ بین کلّ مردم باشد تا بدین ترتیب نظم عالم محفوظ ماند، و هرج و مرج پیش نیاید، حال اگر با مردم امام و رهبری نباشد که قولش بین آنها نافذ باشد کلام خدا در قرآن کریم بی‌مصداق می‌ماند، حقتعالی در قرآن می‌فرماید: سَنُرِیهِمْ آیاتِنا فِی الْآفاقِ وَ فِی أَنْفُسِهِمْ (محققا به ایشان نشان می‌دهیم آیات خود را که در آفاق و انفس می‌باشند)، با توجّه به این آیه می‌پرسم:

چه آیه‌ای در آفاق غیر از ما وجود دارد که خداوند متعال به آن اهل آفاق را نشان داده است؟ و نیز در جای دیگر فرموده: ما نُرِیهِمْ مِنْ آیَةٍ إِلّا هِیَ أَکْبَرُ مِنْ أُخْتِها (ما به ایشان هیچ آیه‌ای را نشان ندادیم مگر آنکه آن آیه از آیه دیگر بزرگتر بود).

چه آیه‌ای را شما بزرگ‌تر از ما سراغ دارید، به خدا سوگند بنی هاشم و قریش به آنچه خدا به ما اعطاء فرموده آگاه و عارف هستند ولی حسد ایشان را هلاک کرده همان طوری که حسد ابلیس را هلاک نمود.

ایشان در موارد اضطرار نزد ما می‌آیند و از ما مشکلشان را سوءال می‌کنند و ما برای ایشان توضیح داده و مشکلشان را حلّ می‌کنیم بعد از آن می‌گویند:

شهادت می‌دهیم که شما اهل علم هستید و از نزد ما که خارج شدند پیش دیگران می‌گویند:

ما ندیدیم کسی را گمراه‌تر از آنان که از ایشان تبعیت کرده و گفتار آنها را بپذیرند! عرض کردم: فدایت شوم به من خبر دهید از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام: اگر قبر آن حضرت را نبش کنند در آن چیزی می‌یابند؟

حضرت فرمود:

ای پسر بکیر، سوءال بسیار بزرگی نمودی، حسین علیه السّلام با پدر و مادر و برادرش حسن علیهم السّلام در منزل رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بوده به ایشان اعطاء می‌شود همان طوری که به آن جناب اعطاء می‌گردد، روزی می‌خورند همان طوری که

آن حضرت روزی می‌خورد، اگر در همان ایام قبر را نبش می‌کردند، البته آن حضرت را در آن می‌یافتند، امّا امروز آن حضرت زنده بوده و نزد پروردگارش روزی می‌خورد و به لشکرش و به عرش می‌نگرد تا چه کسی و در چه وقت امر شود که آن را حمل کند، آن حضرت در سمت راست عرش ایستاده می‌گوید:

پروردگارا، وعده‌ای که به من داده‌ای عملی کن، به زوّارش نگریسته و او به ایشان و اسماء پدرانشان و به درجات و مراتب آنها نزد خدا از شما نسبت به فرزندتان و آنچه در منزل دارید اعرف و آگاه‌تر است آن حضرت می‌بیند کسانی را که بر او می‌گریند پس از خدا طلب آمرزش برای ایشان می‌کند و از پدر بزرگوارش نیز طلب آمرزش برای ایشان می‌کند و می‌گوید:

ای گریه‌کننده اگر بدانی برای تو چه آماده شده فرح و شادی تو بیش از جزع و ناراحتی تو خواهد بود پس تمام فرشتگانی که در آسمان و حائر بوده و صدای گریه او را می‌شنوند برایش استغفار می‌کنند و وی حرکت می‌کند در حالی که هیچ گناهی بر او نمی‌باشد.

۳- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ زِیَادِ بْنِ الْجَلَالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ مَا مِنْ نَبِیٍّ وَ لَا وَصِیِّ نَبِیٍّ یَبْقَی

فِی الْأَرْضِ بِأَکْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَیَّامٍ ثُمَّ تُرْفَعُ رُوحُهُ وَ عَظْمُهُ وَ لَحْمُهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ إِنَّمَا یُؤْتَی مَوَاضِعُ آثَارِهِمْ وَ یُبَلِّغُونَهُمْ مِنْ بَعِیدٍ السَّلَامَ وَ یُسْمِعُونَهُمْ فِی مَوَاضِعِ آثَارِهِمْ مِنْ قَرِیبٍ وَ حَدَّثَنِی أَبِی وَ مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی وَ غَیْرِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ زِیَادٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ مِثْلَهُ

محمّد بن یعقوب، از عدّه‌ای اصحاب، از احمد بن محمّد بن عیسی، از علیّ بن الحکم، از زیاد بن ابی الحلال، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام، حضرت فرمودند:

هیچ پیغمبر و هیچ جانشین پیغمبری بیش از سه روز روی زمین باقی نمی‌ماند سپس روح و استخوان و گوشت او را به آسمان می‌برند، و مردم به اماکن و مواضعی که آثار ایشان هست (یعنی قبورشان) رفته و از دور به ایشان ابلاغ سلام می‌کنند و از نزدیک در مواضع آثارشان سلامشان را به ایشان می‌شنوانند.

پدرم رحمهٔ اللّه علیه و محمّد بن یعقوب، از محمّد بن یحیی و غیرش از احمد بن محمّد، از علی بن الحکم، از زیاد، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام مثل همین حدیث را نقل کرده.

۴- وَ حَدَّثَنِی أَبِی ره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ یَرْفَعُهُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ قُلْتُ تکون [نَکُونُ ب مَکَّةَ أَوْ بِالْمَدِینَةِ أَوْ بِالْحَائِرِ أَوِ الْمَوَاضِعِ الَّتِی یُرْجَی فِیهَا الْفَضْلُ فَرُبَّمَا یَخْرُجُ الرَّجُلُ یَتَوَضَّأُ فَیَجِیءُ الْآخَرُ فَیَصِیرُ مَکَانَهُ قَالَ مَنْ سَبَقَ إِلَی مَوْضِعٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ یَوْمَهُ وَ لَیْلَتَهُ

پدرم رحمهٔ اللّه علیه از محمّد بن یحیی، از احمد بن محمّد، از محمّد بن اسماعیل بن بزیع، از برخی اصحابش بطور مرفوعه از ابی عبد اللّه علیه السّلام نقل کرده! وی گفت: محضر مبارک حضرت عرض کردم: ما در مکّه یا در مدینه یا در حائر و یا در جاهایی که امید فضل در آن می‌رود می‌باشیم، بسا یکی از ما برای وضوء از مکانش خارج شده دیگری جایش را اتخاذ می‌کند حکم آن چیست؟

حضرت فرمودند:

در آن روز و شب وی احق و اولی به آن مکان می‌باشد.

۵- حَدَّثَنِی أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مَنِیعٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ أَهْوَنُ مَا یَکْتَسِبُ زَائِرُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) فِی کُلِّ حَسَنَةٍ أَلْفُ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ السَّیِّئَةُ وَاحِدَةٌ وَ أَیْنَ الْوَاحِدَةُ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ ثُمَّ قَالَ یَا صَفْوَانُ أَبْشِرْ فَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِکَةً مَعَهَا قُضْبَانٌ مِنْ نُورٍ فَإِذَا أَرَادَ الْحَفَظَةُ أَنْ تَکْتُبَ عَلَی زَائِرِ الْحُسَیْنِ

(عليه السلام) سَيِّئَةً قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِلْحَفَظَةِ كُفِّى فَتَكَفُّ فَإِذَا عَمِلَ حَسَنَةً قَالَتْ لَهَا اكْتُبِى أُولَئِكَ الَّذِينَ يُبَدِّلُ اللّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ

ابو العبّاس محمّد بن جعفر، از محمّد بن الحسين بن ابى الخطّاب، از منيع، از صفوان بن يحيى، از صفوان بن مهران الجمّال، از حضرت ابى عبد اللّه عليه السّلام نقل كرده كه آن حضرت فرمودند:

كمترين چيزى كه زائر امام حسين عليه السّلام بدست مى‌آورد اين است كه در مقابل هر يك حسنه‌اى كه از او صادر شود.

حق تعالى هزار هزار حسنه به او پاداش دهد و در قبال هر يك سيئه‌اى كه مرتكب شود تنها يك سيئه برايش منظور مى‌كند و يكى كجا و هزار هزار تا كجا؟! سپس حضرت فرمودند:

اى صفوان، بشارت باد تو را، خداوند متعال فرشتگانى دارد كه با آنها تازيانه‌اى از نور بود و هر گاه فرشتگان حافظ و نگهبان بخواهند بر زائر امام حسين عليه السّلام سيئه‌اى بنويسند، فرشتگان به حافظين مى‌گويند:

از اين كار خود دارى كنيد، آنها خود را از آن باز مى‌دارند و وقتى زائر عمل حسنه‌اى انجام دهد فرشتگان به حافظين مى‌گويند: بنويسيد، ايشان كسانى هستند كه حق تعالى سيئاتشان را به حسنه تبديل فرموده است.

۶- حَدَّثَنِى أَبِى ره عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِى يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِى الْحَسَنِ الْحَذَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ إِلَى جَانِبِكُمْ مَقْبَرَةً يُقَالُ لَهَا بَرَاثَا يُحْشَرُ مِنْهَا عِشْرُونَ وَ مِائَةُ أَلْفِ شَهِيدٍ كَشُهَدَاءِ بَدْرٍ

پدرم رحمهٔ اللّه عليه، از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از ابى يحيى واسطى، از ابى الحسن الحذّاء وى گفت: حضرت ابو عبد اللّه عليه السّلام فرمودند:

در طرف شما مقبره‌اى است كه به آن «براثا» گويند از آن صد و بيست هزار شهيد محشور شده همچون شهداء بدر.

۷- وَ رُوِىَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عليهما السلام) يَقُولُ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِى شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مَاتَ فِى الطَّرِيقِ لَمْ يُعْرَضْ وَ لَمْ يُحَاسَبْ وَ يُقَالُ لَهُ ادْخُلِ الْجَنَّةَ آمِناً

و از محمّد بن مروان روايت شده كه گفت:

محمّد بن الفضل مى‌گويد: از حضرت جعفر بن محمّد عليه السّلام شنيدم كه مى‌فرمودند:

كسى كه قبر حضرت امام حسين عليه السّلام را در ماه رمضان زيارت كند و در راه فوت شود در معرض عتاب و خطاب او را نياورده و نسبت به اعمالش محاسبه

صورت نگرفته بلكه، به او گفته مى‌شود:

داخل بهشت شو در حالى كه در امان هستى.

۸- حَدَّثَنِى أَبِى وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنِ السُّحْتِ الْخَزَّازِ قَالَ حَدَّثَنَا حَفْصٌ الْمُزَنِيُّ عَنْ عُمَرَ بْنِ بَيَاضٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ لِى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ يَا أَبَانُ مَتَى عَهْدُكَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قُلْتُ لَا وَ اللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِى بِهِ عَهْدٌ مُنْذُ حِينٍ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ أَنْتَ مِنْ رُوءَسَاءِ الشِّيعَةِ تَتْرُكُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) لَا تَزُورُهُ- مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَ مَحَا عَنْهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَيِّئَةً وَ غَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ يَا أَبَانُ لَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) فَهَبَطَ عَلَى قَبْرِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَ عَلَيْهِ وَ يَنُوحُونَ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

پدرم و محمّد بن الحسن رحمهٔ اللّه عليهما جميعا از حسين بن سعيد، وى گفت:

على بن سحت خزّاز برايم نقل نمود و گفت: حفص مزنى، از عمر بن بياض، از ابان بن تغلب نقل كرد كه وى گفت: حضرت جعفر بن محمّد عليهما السّلام به من فرمودند:

اى ابان چه وقت قبر حسين عليه السّلام را زيارت كردى؟

عرض كردم: به خدا سوگند اى پسر رسول خدا تا بحال به زيارت آن حضرت نرفته‌ام.

حضرت فرمودند:

سبحان اللّه، تو از روءساى شيعه هستى و زيارت امام حسين عليه السّلام را ترك مى كنى، به زيارتش نمى‌روى؟! كسى كه حسين عليه السّلام را زيارت كند خداوند به هر قدمى كه برمى‌دارد يك حسنه برايش مى‌نويسد و از او در مقابل هر قدمش يك گناه محو مى‌فرمايد و تمام گناهان سابق و لاحقش را مى‌آمرزد، اى ابان وقتى حسين عليه السّلام كشته شد هفتاد هزار فرشته ژوليده و غبار آلود بر قبرش از آسمان هبوط كرده و از آن تاريخ تا ظهور قيامت بر او گريه و نوحه‌سرائى مى‌نمانند.

۹- حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عليه السلام) أَيُّهُمَا أَفْضَلُ رَجُلٌ يَأْتِي مَكَّةَ وَ لَا يَأْتِي الْمَدِينَةَ أَوْ رَجُلٌ يَأْتِي النَّبِيَّ وَ لَا يَأْتِي مَكَّةَ قَالَ فَقَالَ لِي أَيَّ شَيْءٍ تَقُولُونَ أَنْتُمْ قُلْتُ نَحْنُ نَقُولُ فِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فَكَيْفَ فِي النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) قَالَ أَمَا لَئِنْ قُلْتَ ذَلِكَ لَقَدْ شَهِدَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عِيداً بِالْمَدِينَةِ فَانْصَرَفَ فَدَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لِمَنْ حَضَرَهُ أَمَا لَقَدْ فُضِّلْنَا أَهْلَ الْبُلْدَانِ كُلَّهُمْ مَكَّةَ فَمَنْ دُونَهَا لِسَلَامِنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص

حسين بن محمّد بن عامر، از معلّى بن محمّد البصرى، از على بن اسباط، از حسن بن جهم، وى گفت: محضر ابى الحسن الرّضا عليه السّلام عرض كردم: كدام يك از اين دو عمل افضل است:

اينكه شخصى به مكّه رفته و مدينه نرود يا به زيارت نبى اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم در مدينه رفته و به مكّه نرود؟

راوى گفت: حضرت به من فرمودند:

شما كدام را افضل مى‌دانيد؟

عرض كردم: ما در باره زيارت امام حسين عليه السّلام زيارت آن جناب را از مكّه رفتن افضل مى‌دانيم چه رسد به زيارت نبى اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم.

حضرت فرمودند: آگاه باش اگر اين كلام را بگوئى صحيح و درست است چه آنكه حضرت ابا عبد اللّه الحسين عليه السّلام در يكى از اعياد در مدينه حضور بهم رسانده و سپس مراجعت نموده داخل بر نبى اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم شدند و بر آن حضرت سلام كرده و سپس به كسانى كه براى زيارت نبى اكرم صلّى اللّه عليه و آله و سلّم حاضر شده بودند فرمودند:

بدانيد ما بر تمام اهل شهرها، مكه و غير آن تفضيل داده‌شده‌ايم زيرا بر رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله و سلّم سلام كرده‌ايم.

۱۰- حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ قُلْتُ نَكُونُ بِمَكَّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةِ أَوْ بِالْحَائِرِ أَوِ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا الْفَضْلُ فَرُبَّمَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ لِيَتَوَضَّأَ فَيَجِيءُ آخَرُ فَيَصِيرُ مَكَانَهُ قَالَ مَنْ سَبَقَ إِلَى مَوْضِعٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ يَوْمَهُ وَ لَيْلَتَهُ

پدرم رحمة اللّه عليه از سعد بن عبد اللّه، از احمد بن محمّد بن عيسى، از محمّد بن اسماعيل بن بزيع ...

مترجم گويد:

اين حديث با ترجمه‌اش تحت رقم شماره از همين باب قبلا نقل شد.

۱۱- حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) إِلَى السَّمَاءِ قِيلَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَخْتَبِرُكَ فِي ثَلَاثٍ لِيَنْظُرَ كَيْفَ صَبْرُكَ قَالَ أُسَلِّمُ لِأَمْرِكَ يَا رَبِّ وَ لَا قُوَّةَ لِي عَلَى الصَّبْرِ إِلَّا بِكَ فَمَا هُنَّ قِيلَ لَهُ أَوَّلُهُنَّ الْجُوعُ وَ الْأَثَرَةُ عَلَى نَفْسِكَ وَ عَلَى أَهْلِكَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ قَالَ قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَ رَضِيتُ وَ سَلَّمْتُ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ وَ الصَّبْرُ وَ أَمَّا الثَّانِيَةُ فَالتَّكْذِيبُ وَ الْخَوْفُ الشَّدِيدُ وَ بَذْلُكَ مُهْجَتَكَ فِي مُحَارَبَةِ أَهْلِ الْكُفْرِ بِمَالِكَ وَ نَفْسِكَ وَ الصَّبْرُ عَلَى مَا

يُصِيبُكَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَذَى وَ مِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ وَ الْأَلَمِ فِي الْحَرْبِ وَ الْجِرَاحِ قَالَ قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَ رَضِيتُ وَ سَلَّمْتُ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ وَ الصَّبْرُ وَ أَمَّا الثَّالِثَةُ فَمَا يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِكَ مِنْ بَعْدِكَ مِنَ الْقَتْلِ أَمَّا أَخُوكَ عَلِيٌّ فَيَلْقَى مِنْ أُمَّتِكَ الشَّتْمَ وَ التَّعْنِيفَ وَ التَّوْبِيخَ وَ الْحِرْمَانَ وَ الْجَحْدَ [وَ الْجُهْدَ]وَ الظُّلْمَ وَ آخِرُ ذَلِكَ الْقَتْلُ فَقَالَ يَا رَبِّ قَبِلْتُ وَ رَضِيتُ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ وَ الصَّبْرُ وَ أَمَّا ابْنَتُكَ فَتُظْلَمُ وَ تُحْرَمُ وَ يُؤْخَذُ حَقُّهَا غَصْباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا وَ تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ وَ يُدْخَلُ عَلَيْهَا وَ عَلَى حَرِيمِهَا وَ مَنْزِلِهَا بِغَيْرِ إِذْنٍ ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانٌ وَ ذُلٌّ ثُمَّ لَا تَجِدُ مَانِعاً وَ تَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ وَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ قُلْتُ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ- قَبِلْتُ يَا رَبِّ وَ سَلَّمْتُ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ وَ الصَّبْرُ [لِلصَّبْرِ]وَ يَكُونُ لَهَا مِنْ أَخِيكَ ابْنَانِ يُقْتَلُ أَحَدُهُمَا غَدْراً وَ يُسْلَبُ وَ يُطْعَنُ تَفْعَلُ بِهِ ذَلِكَ أُمَّتُكَ قُلْتُ يَا رَبِّ قَبِلْتُ وَ سَلَّمْتُ- إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ لِلصَّبْرِ وَ أَمَّا ابْنُهَا الْآخَرُ فَتَدْعُوهُ أُمَّتُكَ لِلْجِهَادِ ثُمَّ يَقْتُلُونَهُ صَبْراً وَ يَقْتُلُونَ وُلْدَهُ وَ مَنْ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثُمَّ يَسْلُبُونَ حَرَمَهُ فَيَسْتَعِينُ بِي وَ قَدْ مَضَى الْقَضَاءُ مِنِّي فِيهِ بِالشَّهَادَةِ لَهُ وَ لِمَنْ مَعَهُ وَ يَكُونُ قَتْلُهُ حُجَّةً عَلَى مَنْ بَيْنَ قُطْرَيْهَا فَيَبْكِيهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلُ الْأَرَضِينَ جَزَعاً عَلَيْهِ وَ تَبْكِيهِ مَلَائِكَةٌ لَمْ يُدْرِكُوا نُصْرَتَهُ ثُمَّ أُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ ذَكَراً بِهِ أَنْصُرُكَ وَ إِنَّ شَبَحَهُ عِنْدِي تَحْتَ الْعَرْشِ وَ فِي نُسْخَةٍ أُخْرَى- ثُمَّ أُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ ذَكَراً أَنْتَصِرُ لَهُ بِهِ وَ إِنَّ شَبَحَهُ عِنْدِي تَحْتَ الْعَرْشِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ بِالْعَدْلِ وَ يُطْبِقُهَا بِالْقِسْطِ يَسِيرُ مَعَهُ الرُّعْبُ يَقْتُلُ حَتَّى يُشَكَّ فِيهِ قُلْتُ إِنَّا لِلَّهِ فَقِيلَ ارْفَعْ رَأْسَكَ فَنَظَرْتُ إِلَى رَجُلٍ أَحْسَنِ النَّاسِ صُورَةً وَ أَطْيَبِهِمْ رِيحاً وَ النُّورُ يَسْطَعُ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ فَدَعَوْتُهُ فَأَقْبَلَ إِلَيَّ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُ النُّورِ وَ سِيمَاءُ كُلِّ خَيْرٍ حَتَّى قَبَّلَ بَيْنَ عَيْنَيَّ وَ نَظَرْتُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ قَدْ حَفُّوا بِهِ لَا يُحْصِيهِمْ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقُلْتُ يَا رَبِّ لِمَنْ يَغْضَبُ هَذَا وَ لِمَنْ أَعْدَدْتَ هَؤُلَاءِ وَ قَدْ وَعَدْتَنِي النَّصْرَ فِيهِمْ فَأَنَا أَنْتَظِرُهُ مِنْكَ وَ هَؤُلَاءِ أَهْلِي وَ أَهْلُ بَيْتِي- وَ قَدْ أَخْبَرْتَنِي مِمَّا يَلْقَوْنَ مِنْ بَعْدِي وَ لَئِنْ [وَ لَوْ]شِئْتَ لَأَعْطَيْتَنِي النَّصْرَ فِيهِمْ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْهِمْ وَ قَدْ سَلَّمْتُ وَ قَبِلْتُ وَ رَضِيتُ وَ مِنْكَ التَّوْفِيقُ وَ الرِّضَا وَ الْعَوْنُ عَلَى الصَّبْرِ- فَقِيلَ لِي أَمَّا أَخُوكَ فَجَزَاؤُهُ عِنْدِي جَنَّةُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِصَبْرِهِ أفلح [أُفْلِجُ حُجَّتَهُ عَلَى الْخَلَائِقِ يَوْمَ الْبَعْثِ وَ أُوَلِّيهِ حَوْضَكَ يَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءَكُمْ وَ يَمْنَعُ مِنْهُ أَعْدَاءَكُمْ وَ أَجْعَلُ عَلَيْهِ جَهَنَّمَ بَرْداً وَ سَلَاماً يَدْخُلُهَا وَ يُخْرِجُ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنَ الْمَوَدَّةِ وَ أَجْعَلُ مَنْزِلَتَكُمْ فِي دَرَجَةٍ وَاحِدَةٍ فِي الْجَنَّةِ وَ أَمَّا ابْنُكَ الْمَخْذُولُ الْمَقْتُولُ وَ ابْنُكَ الْمَغْدُورُ الْمَقْتُولُ صَبْراً فَإِنَّهُمَا مِمَّا أُزَيِّنُ بِهِمَا عَرْشِي وَ لَهُمَا مِنَ الْكَرَامَةِ سِوَى ذَلِكَ مِمَّا لَا يَخْطُرُ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ لِمَا أَصَابَهُمَا مِنَ الْبَلَاءِ فَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ وَ لِكُلِّ مَنْ أَتَى قَبْرَهُ مِنَ الْخَلْقِ مِنَ الْكَرَامَةِ لِأَنَّ زُوَّارَهُ زُوَّارُكَ وَ زُوَّارَكَ زُوَّارِي وَ عَلَيَّ كَرَامَةُ زُوَّارِي [زَائِرِي]وَ أَنَا أُعْطِيهِ مَا سَأَلَ وَ أَجْزِيهِ جَزَاءً يَغْبِطُهُ مَنْ نَظَرَ إِلَى عَظَمَتِي إِيَّاهُ وَ مَا أَعْدَدْتُ لَهُ مِنْ كَرَامَتِي وَ أَمَّا ابْنَتُكَ فَإِنِّي أُوقِفُهَا عِنْدَ عَرْشِي فَيُقَالُ لَهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَّمَكِ فِي خَلْقِهِ فَمَنْ ظَلَمَكِ وَ ظَلَمَ وُلْدَكِ فَاحْكُمِي فِيهِ بِمَا أَحْبَبْتِ فَإِنِّي أُجِيزُ حُكُومَتَكِ فِيهِمْ فَتَشْهَدُ الْعَرْصَةُ فَإِذَا وَقَفَ مَنْ ظَلَمَهَا أَمَرْتُ بِهِ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ الظَّالِمُ وَا حَسْرَتَاهْ عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَ يَتَمَنَّى الْكَرَّةَ وَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ وَ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا- يَا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِيلًا وَ قَالَ حَتّى إِذا جاءَنا قالَ يا لَيْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ. وَ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذابِ مُشْتَرِكُونَ فَيَقُولُ الظَّالِمُ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ فِي ما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ أَوِ الْحُكْمُ لِغَيْرِكَ فَيُقَالُ لَهُمْ أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظّالِمِينَ. الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَها عِوَجاً وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كافِرُونَ وَ أَوَّلُ مَنْ يُحْكَمُ فِيهِمْ مُحَسِّنُ بْنُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) وَ فِي قَاتِلِهِ ثُمَّ فِي قُنْفُذٍ فَيُؤْتَيَانِ هُوَ وَ صَاحِبُهُ فَيُضْرَبَانِ بِسِيَاطٍ مِنْ نَارٍ لَوْ وَقَعَ سَوْطٌ مِنْهَا عَلَى الْبِحَارِ لَغَلَتْ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا- وَ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى جِبَالِ الدُّنْيَا لَذَابَتْ حَتَّى تَصِيرَ رَمَاداً فَيُضْرَبَانِ بِهَا ثُمَّ يَجْثُوا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ لِلْخُصُومَةِ مَعَ الرَّابِعِ فَيُدْخَلُ الثَّلَاثَةُ فِي جُبٍّ فَيُطْبَقُ عَلَيْهِمْ لَا يَرَاهُمْ أَحَدٌ وَ لَا يَرَوْنَ أَحَداً فَيَقُولُ الَّذِينَ كَانُوا فِي وَلَايَتِهِمْ- رَبَّنا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلّانا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ نَجْعَلْهُما تَحْتَ أَقْدامِنا لِيَكُونا مِنَ الْأَسْفَلِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذابِ مُشْتَرِكُونَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُنَادُونَ بِالْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ وَ يَأْتِيَانِ الْحَوْضَ فَيَسْأَلَانِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ مَعَهُمْ حَفَظَةٌ فَيَقُولَانِ اعْفُ عَنَّا وَ اسْقِنَا وَ تُخَلِّصُنَا [خَلِّصْنَا فَيُقَالُ لَهُمْ فَلَمّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ قِيلَ هذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ ارْجِعُوا ظِمَاءً مُظْمَئِينَ إِلَى النَّارِ- فَمَا شَرَابُكُمْ إِلَّا الْحَمِيمُ وَ الْغِسْلِينُ وَ مَا تَنْفَعُكُمْ شَفاعَةُ الشّافِعِينَ

محمّد بن عبد اللّه بن جعفر حميرى، از پدرش، از على بن محمّد بن سليمان، از محمّد بن خالد، از عبد اللّه بن حمّاد بصرى از عبد

اللّه بن عبد الرحمن اصم، از حمّاد بن عثمان، از حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام حضرت فرمودند:

زمانی که نبی اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را به آسمان سیر دادند به حضرتش عرض شد:

خداوند تبارك و تعالی می‌خواهد شما را در سه چیز بیازماید تا صبر شما را ببیند، حضرت عرض کرد: پروردگارا من تسلیم امر تو هستم، من توان صبر را ندارم مگر به کمك تو، آن سه چیز کدامند؟

به حضرتش گفته شد:

اوّل آنها جوع و گرسنگی و ضیق بر خودت و بر اهلت.

حضرت عرض کرد: پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می‌خواهم.

و امّا دوّم: آنکه تکذیب شده و خوف شدید بر تو عارض گشته و در محاربه با اهل کفر مال و نفس خویش را بذل کرده و بر اذیّت و آزاری که از ناحیه ایشان و اهل نفاق به تو می‌رسد صبر کرده و درد و جراحاتی که در حرب بر تو وارد می‌شود را تحمّل کنی.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می‌خواهم.

و امّا سوّم: عبارت است از آنچه بعد از تو به اهل بیت متوجه می‌شود و آن قتل و کشته شدن ایشان است.

امّا برادرت علی: از ناحیه امّت، فحش و درشتی و سرزنش و حرمان از حق و انکار و ظلم به او متوجّه شده و در آخر او را خواهند کشت.

عرض کرد:

پروردگارا آن را پذیرفته و راضی شده و تسلیم بوده و از تو توفیق و صبر می‌خواهم.

و امّا دخترت: مورد ستم قرار گرفته، حقش را غصب می‌کنند، او را می‌زنند در حالی که حامل و باردار است به حریم و منزلش بدون اذن وی داخل شده و افراد پست و فرومایه او را رنجور می‌نمایند و وی مانع و دافعی نیافته و بدنبال ضرب و کتکی که می‌خورد حملش سقط شده و از ناحیه آن فوت و رحلت می‌کند.

حضرت عرض کرد:

إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ، پذیرفتم و راضی شده و تسلیم آن بوده و از تو توفیق و صبر می‌خواهم سپس به حضرتش گفته شد:

برای دخترت از برادرت دو پسر می‌باشد که یکی از آن دو را امّت با حیله و نیرنگ می‌کشند، لباسش را از او سلب نموده و مورد طعن و سرزنش‌ها قرار می‌دهند.

حضرت عرض کرد:

پروردگارا پذیرفتم و تسلیم آن شده و إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ از تو توفیق برای صبر می‌خواهم.

و امّا فرزند دیگرش را امّت برای جهاد دعوت کرده سپس او را با طرز بد و ناهنجاری می‌کشند، فرزندانش و آنچه از اهل بیتش با او باشند را می‌کشند و سپس حرمش را اسیر می‌کنند، پس از من کمك و استعانت می‌جوید ولی حکم از من صادر شده که وی و تمام آنان که با او هستند شهید شوند، قتل او حجّت است بر کسانی که بین دو طرف زمین می‌باشند، اهل آسمان‌ها و سکنه زمین بر او گریسته و جزع و بی‌تابی می‌کنند، و فرشتگانی که نتوانستند او را یاری کنند بر این امر می‌گریند، سپس از صلب و پشت او فرزندی خارج می‌کنم که بواسطه‌اش تو را نصرت و یاری می‌نمایم، شبح و تمثال آن فرزند نزد من بوده و تحت عرش می‌باشد، به واسطه او زمین را پر از عدل و داد کرده و رعب و وحشت با او سیر و حرکت می‌کند، آن قدر از مردم بکشد که در او شک کنند که آیا حجّت خدا است یا نه عرض کردم: انا للّه! به آن حضرت گفته شد:

سرت را بالاـ کن، پس نظر کردم به مردی که زیباترین مردم از حیث صورت و خوش‌ترین آنها از جهت بو، بود، نور از بین دو

دیدگان و بالای سر و پائین پاهایش ساطع و درخشان بود، پس او را خواندم، به سویم آمد در حالی که بر او جامه‌هائی از نور بود به من رسید تا بین دو چشمم را بوسید نگریستم به فرشتگانی که دور او را حلقه زده بودند و عدد آنها را غیر از خداوند عزّ و جلّ دیگر نمی‌دانست عرض کردم:

پروردگارا، این شخص برای چه کسی غضب کرده و این گروه فرشتگان را برای چه شخصی آماده کرده‌ای؟

به من وعده نصرت در ایشان داده‌ای پس انتظار آن را از تو دارم، ایشان اهل و اهل بیت من بوده، تو خودت از ایذاء و آزادی که بعد از من به ایشان می‌رسد به من خبر دادی و اگر بخواهی حتما می‌توانی بواسطه ایشان آنان را که ظلم و ستم به اهل بیت من کرده‌اند منکوب و ذلیل کرده و بدین وسیله من را نصرت نمائی و من تسلیم تو بوده و پذیرفته و راضی بوده و از تو می‌خواهم که به من توفیق و رضا و خشنودی را اعطاء کرده و بر صبر نمودن کمکم نمائی.

به من گفته شد:

امّا برادرت، پاداش او نزد من محفوظ بوده و آن این است که منزل‌گاهش را بواسطه صبری که نموده بهشت برین قرار می‌دهم، در روز بعثت و قیامت حجّتش بر خلائق ظهور می‌یابد، او را بر حوض کوثر متولّی گردانده تا دوستان شما را سیراب و دشمنانتان را از نوشیدن آب باز دارد، جهنم را بر او خنک و آرام قرار می‌دهم، هر کس که در قلبش به قدر مثقالی از محبت و مودّت او باشد در جهنّم داخل شده و بدون اینکه آسیبی به او وارد شود از آن خارج می‌گردد و قرار می‌دهم منزل شما را در یک درجه و یک مرتبه از بهشت.

و امّا فرزندت که منکوب و مقتول واقع شد (مقصود حضرت مجتبی علیه السّلام است) و آن فرزندت که با طرزی فجیع و ناهنجاری کشته شده (منظور حضرت امام حسین علیه السّلام است) عرش خود را با این دو زینت خواهم نمود و چنان کرامتی غیر از این به آن دو دهم که بر قلب هیچ بشری خطور نکرده باشد و آن بخاطر بلاء و مصیبت‌هائی است که به ایشان رسیده، پس بر من اعتماد و توکل کن.

و نیز به کسانی که به زیارتش روند نیز این کرامت را اعطاء می‌کنم چه آنکه زوّار او زوّار تو بوده و زوّار تو زوّار من هستند و بر من حتم و لازم است که به زوّارم این کرامت را عنایت نمایم و نیز آنچه را از من سوءال کنند به آنها خواهم داد و جزا و پاداشی به ایشان دهم که دیگران به آن غبطه برند.

و امّا دخترت:

او را نزد عرش نگه داشته، پس به او گفته می‌شود: خداوند تو را در میان خلقش حاکم قرار داد، پس کسی که به تو و به فرزندانت ظلم نموده در او حکم نما به آنچه خواهی و من حکم تو را بر ایشان اجراء خواهم نمود، آن حضرت در عرصه قیامت حاضر شده و وقتی اشخاصی که به او ظلم و ستم کرده‌اند.

در آنجا ایستادند امر می‌کنم که ایشان را در آتش بیاندازند.

پس ظالم می‌گوید: یا حَسْرَتی عَلی ما فَرَّطْتُ فِی جَنْبِ اللّهِ (فریاد وا حسرتا بر آورده و گوید:

ای وای بر من که جانب خدا را فروگذارده و در حق خود ظلم و تفریط کردم) و به دنبال آن آرزوی بازگشت به دنیا را می‌کند و دو دست خود را از ناراحتی و شدّت عذاب می‌گزد و می‌گوید: یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا (ای کاش من در دنیا با رسول حق راه دوستی و طاعت پیش می‌گرفتم).

یا وَیْلَتی لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِیلًا (وای بر من کاش فلان کافر و فلان فاسق را دوست خود قرار نمی‌دادم) نیز می‌گوید:

حَتّی إِذا جاءَنا قالَ یا لَیْتَ بَیْنِی وَ بَیْنَکَ بُعْدَ الْمَشْرِقَیْنِ فَبِئْسَ الْقَرِینُ (تا وقتی که از دنیا به سوی ما باز آید آن گاه با نهایت حسرت می‌گوید: ای کاش میان من و آن شیطان فاصله‌ای به دوری مشرق و مغرب بود که او همنشین بسیار بدی برای من بود). و نیز

می گوید:

وَ لَنْ یَنْفَعَکُمُ الْیَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّکُمْ فِی الْعَذابِ مُشْتَرِکُونَ (وای ستمکاران هرگز در آن روز پشیمانی به حال شما سودی ندارد زیرا در دنیا ظلم کردید و امروز با شیاطین در عذاب دوزخ شریک هستید) و نیز می گوید:

أَنْتَ تَحْکُمُ بَیْنَ عِبادِکَ فِی ما کانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (تو خود میان بندگان در آنچه خلاف و نزاع می‌کنند حکم فرما) پس به ایشان گفته می‌شود:

آگاه باشید: لعنت خدا بر ستمکاران باد آنان که بندگان خدا را از راه خدا باز می‌دارند و راه کج را می‌طلبند و به عالم آخرت اعتقاد ندارند.

و اوّلین نفری که در ظالمین حکم نموده و ایشان را محاکمه می‌فرماید حضرت حسن بن علی علیه السّلام است که در قاتل خویش به حکومت می‌پردازد و سپس قنفذ (قاتل حضرت زهرا سلام اللّه علیها) را مورد محاکمه قرار می‌دهد پس قاتل آن حضرت و قنفذ و صاحب قنفذ را آورده سپس با تازیانه‌ئی از آتش ایشان را می‌زنند، اگر یکی از این تازیانه‌ها در دریا بیفتد از شرق تا غرب دریا به غلیان و جوش آمده چنانچه اگر آن را روی کوه‌های دنیا بیاندازند آنها را ذوب کرده تا خاکستر شوند پس با این تازیانه‌ها ایشان را می‌زنند.

سپس امیر الموءمنین علیه السّلام روی انگشت پاها در مقابل حق تعالی برای خصومت و دادخواهی با فلانی که در چاه عذاب است می‌ایستد، پس چاه را بر ایشان می‌بندد به طوری که کسی ایشان را ندیده و آنان نیز کسی را نبینند، پس آنان که در ولایت و دوستی این ظالمین بودند می گویند:

پروردگارا به ما نشان بده جن و انسی که ما را گمراه کردند، تا ایشان را زیر قدم‌های خود گذاشته تا از اسفلین باشند.

خداوند عزّ و جلّ می‌فرماید:

وَ لَنْ یَنْفَعَکُمُ الْیَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّکُمْ فِی الْعَذابِ مُشْتَرِکُونَ در این وقت ایشان با صدای بلند می گویند: وای بر ما هلاک شدیم.

آن دو نفر بر سر حوض کوثر حاضر شده و از امیر الموءمنین علیه السّلام درخواست آب می‌کنند در حالی که با ایشان نگهبانانی همراه هستند، پس آن دو نفر می گویند: ما را عفو کنید و سیرابمان نموده و رهایمان بنمائید.

به ایشان گفته می‌شود:

چون کافران آن عذاب سخت را به چشم خود نزدیک دیدند رخسارشان سیاه و زشت شود و به آنها گویند این همان عذابی است که بواسطه ظلمی که به امیر موءمنان نمودید مستحقش می‌باشید، با حالت تشنگی به جهنم برگردید آب شما تنها حمیم (آب سوزان و گرم جهنّم که از عرق دوزخیان جاری است) و غسلین (آبی متعفّن که از پوست و گوشت اهل دوزخ جریان دارد) می‌باشد و امروز شفاعت شافعین نفعی برای شما ندارد.

۱۲- وَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) جُعِلْتُ فِدَاکَ أَیُّمَا أَفْضَلُ الْحَجُّ أَوِ الصَّدَقَةُ قَالَ هَذِهِ مَسْأَلَةٌ فِی مَسْأَلَةٍ- قَالَ کَمِ الْمَالُ یَکُونُ مَا یَحْمِلُ صَاحِبَهُ إِلَی الْحَجِّ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ إِذَا کَانَ مَالًا یَحْمِلُ إِلَی الْحَجِّ فَالصَّدَقَةُ لَا تَعْدِلُ الْحَجَّ الْحَجُّ أَفْضَلُ وَ إِنْ کَانَتْ لَا یَکُونُ إِلَّا الْقَلِیلَ فَالصَّدَقَةُ قُلْتُ فَالْجِهَادُ قَالَ الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَشْیَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ فِی وَقْتِ الْجِهَادِ وَ قَالَ وَ لَا جِهَادَ إِلَّا مَعَ الْإِمَامِ قُلْتُ فَالزِّیَارَةُ قَالَ زِیَارَةُ النَّبِیِّ (صلی الله علیه و آله) وَ زِیَارَةُ الْأَوْصِیَاءِ وَ زِیَارَةُ حَمْزَةَ وَ بِالْعِرَاقِ زِیَارَةُ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) قُلْتُ فَمَا لِمَنْ زَارَ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) قَالَ یَخُوضُ فِی الرَّحْمَةِ وَ یَسْتَوْجِبُ الرِّضَا وَ یُصْرَفُ عَنْهُ السُّوءُ وَ یُدَرُّ عَلَیْهِ الرِّزْقُ وَ تُشَیِّعُهُ الْمَلَائِکَةُ وَ یُلْبَسُ نُوراً تَعْرِفُهُ بِهِ الْحَفَظَةُ فَلَا یَمُرُّ بِأَحَدٍ مِنَ الْحَفَظَةِ إِلَّا دَعَا لَهُ

محمّد بن الحسن بن ولید، از محمّد بن الحسن الصّفار، از عبّاس بن معروف، از عبد اللّه بن عبد الرحمن اصمّ، از جدّش، وی گفت:

محضر حضرت ابی عبد اللّه علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم حج افضل است یا دادن صدقه؟

حضرت در جواب فرمودند:

این سوءال مشتمل بر دو سوءال است:

الف: مالی که آن را صدقه می‌دهند چقدر است؟

ب: آیا به مقداری که صاحبش را به حج برساند می‌باشد یا نه؟

راوی می‌گوید: عرض کردم: خیر.

حضرت فرمودند:

اگر مال صاحبش را به حج برساند، صدقه معادل حج نیست یعنی این مال را اگر صرف حج کند افضل است و اگر به این مقدار نباشد، پس صدقه دادن افضل

می‌باشد.

عرض کردم: جهاد چه طور است؟

حضرت فرمودند:

پس از فرائض جهاد در وقتش افضل اشیاء است و باید توجّه داشت که جهاد مشروع نیست مگر با دستور امام علیه السّلام.

عرض کردم: زیارت چه طور است؟

حضرت فرمودند:

زیارات عبارتند از زیارت نبیّ اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و زیارت اوصیاء و زیارت حمزه و زیارت حسین علیه السّلام در عراق، کدام منظور تو است؟

عرضه داشتم: چه ثوابی برای زیارت حسین علیه السّلام است؟

حضرت فرمودند:

زائر حسین علیه السّلام در رحمت الهی فرو می‌رود و زیارتش سبب خشنودی و رضایت حق می‌باشد، بدی‌ها از او دفع گشته، روزی به دنبالش بوده، فرشتگان مشایعتش نموده، نوری او را پوشانده که فرشتگان حافظ و نگهبان بدین وسیله او را می‌شناسند از این رو به هیچ یک فرشته نگهبان و حافظی عبور نمی‌کند مگر آنکه او برایش دعاء می‌نماید.

۱۳- وَ رَوَى أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْبَلَدِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ الْبَكْرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ نَصْرٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى الْكَاظِمِ (علیه السلام) فَقُلْتُ لَهُ أَيُّمَا أَفْضَلُ زِيَارَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) أَوْ لِفُلَانٍ [فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ سَمَّيْتُ الْأَئِمَّةَ وَاحِداً وَاحِداً فَقَالَ لِي يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ مَنْ زَارَ أَوَّلَنَا فَقَدْ زَارَ آخِرَنَا وَ مَنْ زَارَ آخِرَنَا فَقَدْ زَارَ أَوَّلَنَا وَ مَنْ تَوَلَّى أَوَّلَنَا فَقَدْ تَوَلَّى آخِرَنَا وَ مَنْ تَوَلَّى آخِرَنَا فَقَدْ تَوَلَّنَا [تَوَلَّى أَوَّلَنَا وَ مَنْ قَضَى حَاجَةً لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِنَا فَكَأَنَّمَا قَضَاهَا لِأَجْمَعِنَا يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ أَحِبَّنَا وَ أَحِبَّ مَنْ يُحِبُّنَا وَ أَحِبَّ فِينَا وَ أَحْبِبْ لَنَا وَ تَوَلَّنَا وَ تَوَلَّ مَنْ يَتَوَلَّانَا وَ أَبْغِضْ مَنْ يُبْغِضُنَا أَلَا وَ إِنَّ الرَّادَّ عَلَيْنَا كَالرَّادِّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ جَدِّنَا وَ مَنْ رَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ أَلَا يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فَقَدْ أَبْغَضَ مُحَمَّداً وَ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّداً فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يُصْلِيَهُ النَّارَ وَ مَا لَهُ مِنْ نَصِيرٍ

احمد بن جعفر بلدی روایت کرد از محمّد بن یزید بکری، از منصور بن مدائنی، از عبد الرحمن بن مسلم وی گفت: بر حضرت کاظم علیه السّلام داخل شده و محضرش عرض کردم:

زیارت حضرت حسین بن علی علیهما السّلام افضل است یا زیارت امیر الموءمنین علیه السّلام یا فلان و فلان و یک یک اسامی ائمه علیهم السّلام را بردم؟

حضرت به من فرمودند:

ای عبد الرحمن، کسی که اوّل نفر ما را زیارت کند پس محقّقا آخرین ما را نیز زیارت کرده و بالعکس اگر آخرین نفر ما را زیارت کند اوّلین نفر از ما را نیز زیارت کرده، و کسی که اوّلین نفر ما را دوست بدارد قطعا آخرین ما را نیز دوست داشته و بالعکس اگر آخرین نفر ما را دوست بدار اوّلین نفر را نیز دوست دارد و کسی که حاجتی از دوستان ما را روا کند گویا برای جمیع ما حاجتی را برآورده است، ای عبد الرحمن ما را دوست بدار و کسی که محب ما هست را نیز دوست بدار و دوستیت در راه ما باشد، دوست بدار برای ما و بخواه ما را و بخواه کسی را که ما را بخواهد و دشمن بدار کسی که دشمن ما هست، آگاه باش کسی که ما را رد و انکار کند گویا رسول خدا که جدّ ما است را انکار کرده و کسی که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم را انکار کند خدا را انکار کرده، آگاه باش ای عبد الرحمن کسی که نسبت به ما بغض و کینه داشته باشد پس نسبت به حضرت محمّد بغض دارد و کسی که نسبت به حضرت محمّد بغض داشت نسبت به خدا بغض دارد و کسی که خدا را مبغوض داشت بر خدا است که او را به جهنّم داخل کرده و برایش یاوری نمی‌باشد.

۱۴- حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَلَبِیِّ قَالَ قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) لَمَّا قُتِلَ الْحُسَیْنُ (علیه السلام) سَمِعَ أَهْلُنَا قَائِلًا یَقُولُ بِالْمَدِینَةِ الْیَوْمَ نَزَلَ الْبَلَاءُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ فَلَا تَرَوْنَ فَرَحاً حَتَّى یَقُومَ قَائِمُکُمْ فَیَشْفِیَ صُدُورَکُمْ وَ یَقْتُلَ عَدُوَّکُمْ وَ یَنَالَ بِالْوَتْرِ أَوْتَاراً فَفَزِعُوا مِنْهُ وَ قَالُوا إِنَّ لِهَذَا الْقَوْلِ لَحَادِثاً قَدْ حَدَثَ مَا لَا نَعْرِفُهُ فَأَتَاهُمْ خَبَرُ قَتْلِ الْحُسَیْنِ (علیه السلام) بَعْدَ ذَلِکَ فَحَسَبُوا ذَلِکَ فَإِذَا هِیَ تِلْکَ اللَّیْلَةُ الَّتِی تَکَلَّمَ فِیهَا الْمُتَکَلِّمُ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِلَى مَتَى أَنْتُمْ وَ نَحْنُ فِی هَذَا الْقَتْلِ وَ الْخَوْفِ وَ الشِّدَّةِ فَقَالَ حَتَّى یَأْتِیَ سَبْعُونَ فَرَجاً أَجْوَابٌ وَ یَدْخُلَ وَقْتُ السَّبْعِینَ فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ السَّبْعِینَ أَقْبَلَتِ الرَّایَاتُ [الْآیَاتُ]تَتْرَى کَأَنَّهَا نِظَامٌ- فَمَنْ أَدْرَکَ ذَلِکَ الْوَقْتَ قَرَّتْ عَیْنُهُ إِنَّ الْحُسَیْنَ (علیه السلام) لَمَّا قُتِلَ أَتَاهُمْ آتٍ وَ هُمْ فِی الْعَسْکَرِ فَصَرَخَ فَزُبِرَ فَقَالَ لَهُمْ وَ کَیْفَ لَا أَصْرُخُ- وَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) قَائِمٌ یَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ مَرَّةً وَ إِلَى حِزْبِکُمْ مَرَّةً وَ أَنَا أَخَافُ أَنْ یَدْعُوَ اللَّهَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَهْلِکَ فِیهِمْ- فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ هَذَا إِنْسَانٌ مَجْنُونٌ فَقَالَ التَّوَّابُونَ یَا لَلَّهِ [تَاللَّهِ]مَا صَنَعْنَا لِأَنْفُسِنَا- قَتَلْنَا لِابْنِ سُمَیَّةَ سَیِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَخَرَجُوا عَلَى عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ زِیَادٍ فَکَانَ مِنْ أَمْرِهِمْ مَا کَانَ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَنْ هَذَا الصَّارِخُ قَالَ مَا نَرَاهُ إِلَّا جَبْرَئِیلَ (علیه السلام) أَمَا إِنَّهُ لَوْ أُذِنَ لَهُ فِیهِمْ لَصَاحَ بِهِمْ صَیْحَةً یَخْطَفُ بِهِ أَرْوَاحَهُمْ مِنْ أَبْدَانِهِمْ إِلَى النَّارِ- وَ لَکِنْ أُمْهِلَ لَهُمْ لِیَزْدَادُوا إِثْماً وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا تَقُولُ فِیمَنْ یَتْرُکُ زِیَارَتَهُ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَى ذَلِکَ قَالَ إِنَّهُ قَدْ عَقَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) وَ عَقَّنَا وَ اسْتَخَفَّ بِأَمْرٍ هُوَ لَهُ وَ مَنْ زَارَهُ کَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ وَ کَفَاهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْیَاهُ- وَ إِنَّهُ لَیَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ وَ یُخْلِفُ عَلَیْهِ مَا أَنْفَقَ وَ یَغْفِرُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِینَ سَنَةً- وَ یَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ وَ مَا عَلَیْهِ ذَنْبٌ وَ لَا خَطِیئَةٌ إِلَّا وَ قَدْ مُحِیَتْ مِنْ صَحِیفَتِهِ فَإِنْ هَلَکَ فِی سَفَرِهِ نَزَلَتِ الْمَلَائِکَةُ فَغَسَّلَتْهُ وَ فُتِحَ لَهُ بَابٌ إِلَى الْجَنَّةِ حَتَّى یَدْخُلَ عَلَیْهِ رَوْحُهَا حَتَّى یُنْشَرَ وَ إِنْ سَلِمَ فُتِحَ الْبَابُ الَّذِی یَنْزِلُ مِنْهُ رِزْقُهُ فَیُجْعَلُ لَهُ بِکُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشَرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ ذُخِرَ ذَلِکَ لَهُ فَإِذَا حُشِرَ قِیلَ لَهُ بِکُلِّ دِرْهَمٍ عَشَرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى قَدْ ذَخَرَهَا لَکَ عِنْدَه

محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید، از محمّد بن الحسن الصّفّار، از عبّاس بن معروف، از عبد اللّه بن عبد الرّحمن اصم، از حسین، از حلبی، وی گفت: حضرت ابو عبد اللّه علیه السّلام به من فرمودند:

هنگامی که حسین علیه السّلام کشته شد اهل ما شنیدند قائلی در مدینه می‌گفت:

امروز بلاء بر این امّت نازل شده دیگر سرور و شادی نخواهند دید تا وقتی که قائم شما قیام کند و سینه‌ها را با قیامش شفاء داده و دشمنانتان را بکشد، و در مقابل آن تنها مانده‌ای که خونش قصاص نشد و به انتقام آن تنها مانده‌هائی را بکشد.

اهل ما از شنیدن این صدا به فزع آمده و گفتند:

گوینده این صدا را ما نمی‌شناسیم کیست، پس بعدا که خبر شهادت حسین علیه السّلام به ایشان رسید حساب کردند دقیقا سخن و

تکلّم آن متکلّم همان شبی بود که روزش حضرت امام حسین علیه السّلام شهید شدند.

عرض کردم: فدایت شوم: تا کی شما و ما در سوز این کشتار و وقوع آن سوخته و در خوف و سختی بسر بریم؟

حضرت فرمودند: تا زمانی که هفتاد مرتبه رخنه و شکاف و فرجه پیدا شده بطوری که بین هر فرجه و فرجه دیگر فاصله بوده و بهم متّصل نباشند و وقت فرجه هفتادمین که رسید پرچم‌ها پیدا شده که بترتیب می‌آیند و سپس ایستاده و درنگ می کنند گویا مرواریدهائی بوده که برشته کشیده شده‌اند پس کسی که آن وقت را درک کند چشمش روشن باد.

زمانی که حسین علیه السّلام کشته شد شخصی در میدان حاضر شد در حالی که لشکریان اهل کفر در جایگاهشان بودند، پس آن شخص فریادی برآورد به طوری که تمام را از هر گونه حرکتی بازداشت، پس به آنها گفت:

چگونه فریاد نکنم و حال آنکه رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ایستاده گاهی به زمین و گاهی به حرب و جنگ شما نظر می کنند و من خوف دارم که خدا را خوانده و اهل زمین را نفرین کرده پس حق تعالی ایشان را هلاک کند.

بعضی از لشکریان به برخی دیگر گفتند: این انسانی دیوانه است.

توبه‌کنندگان در بین لشکر گفتند: به خدا سوگند ما برای خود این کار را نکرده بلکه بخاطر رضایت و خشنودی پسر سمیّه سرور جوانان اهل بهشت را کشتیم.

پس بر عبید اللّه بن زیاد خروج کرده و کارشان به آنجائی رسید که رسید.

عرض کردم: فدایت شوم: این فریادکننده چه کسی بود؟

حضرت فرمودند:

ما نمی‌بینیم او را مگر جبرئیل علیه السّلام و همین قدر بدان اگر از خداوند اذن می‌داشت چنان صیحه می‌زد که جملگی قالب تهی کرده و روحشان به جهنّم روانه می‌شد ولی مهلتشان داد تا به گناهان خویش افزوده و عذاب الیم و دردناک را برای خود فراهم کنند.

عرض کردم: فدایت شوم، چه می‌فرمائید راجع به کسی که بر زیارت آن حضرت قدرت دارد ولی مع ذلک آن را ترک می کند؟

حضرت فرمودند:

وی عاق رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و عاق ما بوده و به امری که باید به آن توجّه می کرد استخفاف نموده و کسی که آن حضرت را زیارت کند خداوند متعال ما وراء حوائجش می‌باشد یعنی نیازمندی‌هایش را بر آورده می کند و آنچه خواسته‌اش می‌باشد را کفایت می کند و نیز زیارت آن حضرت رزق را به بنده جلب کرده و آنچه را که باید وی خرج کند برایش باقی می گذارد و گناهان پنجاه سال او را خدا می‌آمرزد و پس از زیارت شخص به اهل خودش باز می گردد در حالی که هیچ گناه و لغزشی بر او نیست مگر آنکه تمام از نامه عملش محو می‌شود و اگر در راه فوت کند فرشتگان بر او نازل شده و غسلش می‌دهند و دربی برایش به طرف بهشت گشوده می‌شود و روحش از آن داخل بهشت می گردد و اگر سالم ماند دربی که از آن روزی وی فرود می‌آید باز می‌شود و به هر یک درهمی که در این سفر و زیارت صرف کرده ده هزار درهم برایش منظور شده و آنها را برای او ذخیره می کنند و وقتی پس از مرگ محشور شد به او گفته می‌شود:

در مقابل هر یک درهم، ده هزار درهم داری که حق تعالی برای تو آنها را ذخیره کرده است.

پایان کتاب

ترجمه کامل الزیارات تصنیف ابی القاسم جعفر بن محمّد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی قدّس سره بدست ناتوان سیّد محمّد جواد ذهنی تهرانی در روز یک شنبه هفتم ماه ذی حجة الحرام سنه یک هزار و چهار صد و هیجده هجری قمری نزیل قم المشرفه و از خداوند متعال تقاضا دارم که آن را خالصا لوجهه قبول فرماید بحق محمّد و آله الطاهرین آمین یا ربّ العالمین.

***

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».